

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



چند مصاحبه با هواداران ایرانی  
گروه بی‌تی‌اس  
درباره هواداری از این گروه  
ج ۱

دکتر مرتضی منطقی /

/۱۴۰۳/

## فهرست کامل این مجموعه

### مقدمه

### مصاحبه‌های انجام شده

مصاحبه با گلاره، ۱۴ ساله

من قبلاً این جوری بودم که آه، آه رمان! آه، آه پسر که موهاش رو رنگ می‌کنه! آه، آه لباس صورتی برای پسر! آه، آه چشمای اینا فلانه! و از این جور فکرها، ولی خب بی‌تی‌اس ذهنم رو آپدیت کرد.

مصاحبه با سارینا، ۱۳ ساله

نگاه به چهره پاک و معصوم کی‌پاپ نکنین، پشت صحنه‌اش خیلی ترسناک‌تر از اون چیزی هست که نشون می‌ده.

مصاحبه با دیبا، ۱۵ ساله

از یه زمانی به بعد که تکامل عقلی‌ام بیشتر شد، دیگه دوست دارم بیشتر تر به زندگی خودم بپردازم و به فکر آیدول شدن نباشم، چون خیلی راه سختیه تا به اون مرحله برسی.

مصاحبه با فرشته، ۱۹ ساله

ولی یه سری آدم هم هستن که تو جریان کی‌رول از بچه‌های کوچیک‌تر سوءاستفاده می‌کنن، چون اولش تو رول نمی‌پرسی تو واقعاً چند سالته، اما بعد یهو می‌بینی بعد یه ماه حرفای ناجور زدن، می‌فهمی یکی‌شون ۱۴ سالشه یکی‌شون ۳۰ سال.

مصاحبه با نگین، ۱۳ ساله

بیش‌تر دوست‌هام که آرمی هستن یا کلاً جزو فن‌ها هستن، کلاً این جوری ان که نمی‌تونن زجر کشیدن آیدول‌شون را تحمل بکنن و براشون به شدت گریه می‌کنن، به قول مامانم یک حالت دیوانگی این شکلی هست.

مصاحبه با رخساره، ۱۶ ساله

یکی از آرمیای دختر به جونگ‌کوک گفت، طرفدار بودن خیلی سخته، چون که می‌دونیم قراره یه روزی ازدواج کنی و ما رو تنها بذاری. بعد جونگ‌کوک هم در جوابش گفت، می‌دونی آیدول بودن هم خیلی سخته. چون می‌دونم اون روز قلب میلیون‌ها پروانه رو می‌شکنم.

مصاحبه با محسن، ۲۲ ساله

- یعنی دوستانت به صراحت اعلام کردند که آیدول‌های بی‌تی‌اس براشون جذابیت جنسی دارند؟  
بله، دقیقاً وقتی من با سه، چهارتا از دوستانم دور هم بودیم، اینا رو گفتن.

مصاحبه با ثناء، ۱۶ ساله

اون که به جیمین فحش داد، منم به مادرش فحش دادم، بلاکم کرد و دیگه به پیام‌های من جواب نداد. بعد من بهش زنگ زدم، حتی التماسش کردم، فایده‌ای نداشت.

مصاحبه با فریبا، ۴۶ ساله

- ... شما بین دستورات دین و الگوبرداری از بی‌تی‌اس کدام را انتخاب می‌کنید؟

دستورات دینی مهم هستن، ولی وقتی می‌بینم که بی‌تی‌اس که خلاف دستورات دین ما کلاً حرکت کرده و موفق و محبوب هست، به نظر شما باید از کدوم الگو بگیرم؟ دین یا بی‌تی‌اس؟ من بی‌تی‌اس رو انتخاب می‌کنم.

مصاحبه با شبنم، ۲۵ ساله

دوستانم هستن که باباشون رو مجبور می‌کنن از جایی قرض کنه و هزینه عمل‌شون رو بده یا مثلاً دوست پسرشون هزینه عمل‌شون رو می‌دن که اون شکلی بشن که بیش‌تر مورد پسندشونه.

مصاحبه با شیدا، ۲۰ ساله

کلی مرد سن بالا به عنوان مشتری اونجا بودن و اون راهنما یا رئیس شون بهشون گفته که می‌رید از این مردها پذیرایی می‌کنید و هر چیزی ازتون خواستن نه نمیارید. بعد می‌گفت، من فقط گریه می‌کردم و اون رئیس هم می‌گفت، اگه بخوای قبول نکنی، قراردادت رو لغو می‌کنیم. مصاحبه با ریحانه، ۱۵ ساله

من همیشه آهنگای بی‌تی‌اس و گاهی بلک‌پینک رو تو اتاقم می‌ذارم و باهاشون می‌رقصم، انقدر می‌رقصم که لاغر بشم، مثل گروه بلک‌پینک. بعد از ظهرا تا آهنگاشون رو گوش ندم و یه کم نرقصم، نمی‌تونم کار دیگه‌ای بکنم، این جور انرژی می‌گیرم. مصاحبه با احسان، ۱۷ ساله

پدر و مادرم خیلی سعی کردن خواهرم رو از رفتن به کره منصرف کنن، ولی اون گفت، اگر مانع رفتنم بشین، خودکشی می‌کنم. این طور بود که پدرم ترسید و حتی کمکش کرد برای رفتن ویزا بگیره. مصاحبه با شیرین، ۲۲ ساله

به نظر من هر کی هوادار بی‌تی‌اس هست، نباید ازدواج کنه. چون ازدواج با خودش وابستگی میاره و گذشتن از بعضی چیزها به خاطر حفظ زندگی ضرورت پیدا می‌کنه و این با آزادی آدم قبل از ازدواج، کلی فاصله داره. مصاحبه با مسعود، ۲۰ ساله

از اصل برابری انسان‌ها صحبت می‌کنن، ولی خودشون چه قدر مجلل و مرفه زندگی می‌کنند و چه جشن تولدهای میلیاردی رو در سراسر جهان می‌گیرند. این کجاش برابری انسان‌ها هست. نوجوان ما با دیدن زندگی مرفه آیدول‌ها و جشن تولدهای میلیاردی آن‌ها جز حسرت خوردن، نتیجه دیگری نمی‌گیرند. مصاحبه با مهتاب، ۱۸ ساله

بیس فن‌دوم‌ها میان کشورها رو بر اساس ساعت‌هاشون طبقه‌بندی می‌کنند که چه زمانی بهتره که استریم زدن انجام بشه. در ضمن ربات تشخیص داده نشیم یا این طوری تشخیص داده نشه که عه همه مثلاً از فلان کشور دارند این ویدیو رو بازدید می‌کنن. مصاحبه با الناز، ۱۲ ساله

- یعنی تو به خاطر کنسرتی که معلوم نیست بتونی بری یا نه، داری زبان کره‌ای به این سختی رو یاد می‌گیری؟  
آره.

مصاحبه با پونه، ۱۸ ساله

...حتی من تو خیلی از فیکشن‌ها دیدم که رابطه با اعضای خانواده رو دارن نرمالایز می‌کنن.

مصاحبه با نرگس، ۲۱ ساله

من در واقع خانواده نداشتم، اعضای بی‌تی‌اس خانواده‌ی من شدن. من هر روز از زندگیم که سخت بود، به اونا پناه می‌بردم و اونا تمام فکر و ذهنم رو پر می‌کردن. انگار که از همه چیز فاصله گرفتم و خودم رو پرت کردم تو بغل شون.

مصاحبه با مریم، ۱۸ ساله

ولی آرمی‌های تازه وارد فکر می‌کنند، هر کی گفت بالا چشم بی‌تی‌اس ابرو هست، باید برن تو شکم یارو و بزندن پاره‌اش کنن.

مصاحبه با مرضیه، ۱۹ ساله

جیهوپ برای موزیک ویدیوهاش حاضر نشد از پرده سبز استفاده کنه و گفت، واقعاً اون ۱۳ تا ماشین رو آتیش بزنی تا همه چی واقعی به نظر برسه.

مصاحبه با پریناز، ۱۸ ساله

توی عکس‌هاشون نگاه کنی، شوگا دامن پوشیده، نامجون کت با دامن پوشیده و می‌خوان این مفهوم رو برسونن که لباس‌ها جنسیت ندارن و مخالف این تفکیک جنسیت هستن و معتقدن که لباس‌ها رو نباید طبق جنسیت، جدا کرد.

مصاحبه با شقایق، ۱۹ ساله

تو مدرسه می‌دیدم که بچه‌ها قبل از این که معلم بیاد، رو تخته کلاس، به زبون کره‌ای آهنگای بی‌تی‌اس رو می‌نوشتن، یعنی در واقع بلد بودن زبون شون رو، ولی من نه.

## جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

- ۱- اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس
- ۲- اثرهای اجتماعی هواداری از گروه پسران بی‌تی‌اس
- ۳- اثرهای فرهنگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس
- ۴- اثرهای اخلاقی - عقیدتی هواداری از گروه بی‌تی‌اس
- ۵- اثرهای آموزشی هواداری از گروه پسران بی‌تی‌اس
- ۶- اثرهای اقتصادی - سیاسی هواداری از گروه بی‌تی‌اس
- ۷- اثرهای هنری هواداری از گروه پسران بی‌تی‌اس
- ۸- اثرهای زیباشناختی هواداری از گروه بی‌تی‌اس
- ۹- اثرهای خانوادگی هواداری از گروه پسران بی‌تی‌اس

## فهرست مطالب کتاب حاضر

|     |                           |
|-----|---------------------------|
| ۸   | مقدمه                     |
| ۱۶  | مصاحبه با گلاره، ۱۴ ساله  |
| ۴۶  | تأملی دوباره              |
| ۴۸  | مصاحبه با سارینا، ۱۳ ساله |
| ۶۸  | تأملی دوباره              |
| ۷۱  | مصاحبه با دیبا، ۱۵ ساله   |
| ۹۴  | تأملی دوباره              |
| ۹۶  | مصاحبه با فرشته، ۱۹ ساله  |
| ۱۰۶ | تأملی دوباره              |
| ۱۰۸ | مصاحبه با نگین، ۱۳ ساله   |
| ۱۴۴ | تأملی دوباره              |
| ۱۴۷ | مصاحبه با رخساره، ۱۶ ساله |
| ۱۷۱ | تأملی دوباره              |
| ۱۷۳ | مصاحبه با محسن، ۲۲ ساله   |
| ۱۹۲ | تأملی دوباره              |
| ۱۹۵ | مصاحبه با ثناء، ۱۶ ساله   |
| ۲۱۸ | تأملی دوباره              |
| ۲۲۱ | مصاحبه با فریبا، ۴۶ ساله  |
| ۲۳۹ | تأملی دوباره              |
| ۲۴۱ | مصاحبه با شبنم، ۲۵ ساله   |
| ۲۶۱ | تأملی دوباره              |
| ۲۶۳ | مصاحبه با شیدا، ۲۰ ساله   |
| ۲۸۲ | تأملی دوباره              |

## مقدمه

«به عیان مشاهده می‌افتد که کودکان و جوانان به پرورش و مجالست کسانی که به خُلقی موسومند، آن خُلق را از افراد فرا می‌گیرند» (خواجه نصیرالدین طوسی<sup>۱</sup>).

الگوها از اهمیت وافری در شکل دادن به شخصیت انسانی انسان‌ها و جوامع برخوردارند. الگوها بسان فانوس‌های دریایی که راه را بر کشتی‌ها نشان می‌دهند، راه را بر کشتی وجودی انسان‌ها و جوامع می‌نمایانند. از همین رو از دیدگاه‌های دینی گرفته تا دیدگاه‌های معاصر روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، همگی بر اهمیت الگوها صحه نهاده از ضرورت عطف توجه انسان‌ها و جوامع بشری نسبت بدان‌ها یاد کرده‌اند. از منظر دیدگاه دینی در عین وجود الگوها و اسوه‌های حسنه، الگوهای غیرحَسَن نیز وجود دارند که برخلاف اعتلاء‌یابی و تحول‌آفرینی که در اسوه‌های حسنه برای انسان‌ها وجود دارد، اسوه‌های غیرحَسَن در سقوط ارزشی و انسانی انسان‌ها، ذی‌نقش بوده، اسباب اضمحلال آنان را فراهم می‌آورند.

در نظریه‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی مسأله الگوبرداری افراد، ذیل نظریات مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است. هرگنهان و السون<sup>۲</sup> در این زمینه می‌نویسند:

«مسأله الگو و تقلید یا همانندسازی با آن، از مقوله‌های مهم روان‌شناسی معاصر دیده شده، مکاتب روان‌شناسی زیادی درباره آن نظریه‌پردازی کرده‌اند».

سایت سلامتی نیز با اشاره به مقاله منتشره لئوناردو<sup>۳</sup> که در ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۷ در نشریه ساینس منتشر شده است، ذیل عنوان الگوبرداری کودکان، از اثرپذیری کودکان ۱۵ ماهه از الگوهای فرارویشان یاد می‌کند.

مسأله الگو، الگویابی و جامعه‌پذیری نیز از مباحث مورد توجه در نظریات جامعه‌شناسی بوده است (هر چند جامعه‌شناسان مقوله الگوبرداری را گسترده‌تر از روان‌شناسان دیده و مسأله الگوگیری را در ابعاد اخلاقی تا فرهنگی، اجتماعی، عقیدتی و سیاسی، گسترده دیده‌اند).

نقش پراهمیتی که الگوها در تربیت انسان‌ها و جوامع بشری دارند، سبب شده است که هم انسان‌ها و نهادهای نیک‌اندیش و هم انسان‌های بد و نهادهایی که در پی به تراج بردن هستی انسان‌ها و جوامع بشری هستند، متوجه الگوها شده، منطبق با خواست خود به پردازش الگوهای مطلوب طبع خویش اقدام کنند. بالطبع از آنجا که انسان‌ها و نهادهای بداندیش به صراحت نمی‌توانند با طرح الگوهای سیئه و ناپاک، دیگران را معطوف به خود کنند، می‌کوشند تا با پردازش الگوهایی به ظاهر ارزشمند و متعالی، انسان‌ها را با اتکاء به الگوهای به ظاهر جذاب، به سمت اهداف سوء خویش هدایت کرده و راهنمون سازند.

طبرسی در تفسیر مجمع البیان (؟)، ترجمه محمد رازی، (۱۳۶۵)<sup>۴</sup>، در توضیح آیه ۲۳ از سوره نوح که ناظر بر مسأله الگوها است، به اشاره همین مسأله پرداخته است. به این معنا که طبرسی خاطر نشان می‌سازد، برخی از الگوها ممکن است دارای ویژگی‌های قابل توجهی باشند، اما در عمل انسان‌ها را به راه‌های نامناسبی سوق می‌دهند که اسباب سقوط و اضمحلال آنان و جوامعشان را فراهم می‌آورند.

بررسی چگونگی پردازش الگوها در طول تاریخ بشر، بیانگر آن است که ورای الگوهای دینی که چند بعدی هستند، الگوهای عامی که در سطح جوامع بشری پردازش می‌شده‌اند، در ابتدا، تنها واجد یک ویژگی قابل ملاحظه بودند، مثلاً رستم کوهی از عضله بود، باربد و نکبسا، نوازندگی شگفتی داشتند، کلتوباترا از چهره زیبایی برخوردار بود و مانند آن‌ها. اما اهمیت تعیین کننده الگوها سبب شد تا بشر طی چند دهه اخیر، برای تحقق بیش از پیش اهدافش، رو به پردازش الگوهای فراگیرتر و قدرتمندتری بیاورد، از این رو با ادغام دو جریان ورزشی و هنری، در صد پردازش الگوهای دو بعدی برآمد. به عنوان مثال، آرنولد که چندین بار قهرمان پرورش اندام در سطح جهان شده بود، پا به عرصه هنر نهاد و در فیلم‌های سینمایی نقش آفرین واقع شد.

<sup>۱</sup> - خواجه نصیرالدین طوسی (؟)، اخلاق ناصری. به تصحیح مجتبی مینوی. ۱۳۶۵. تهران: خوارزمی.

<sup>۲</sup> - هرگنهان، بی. آر. و السون، میتو، اچ. (؟). مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری. ترجمه علی‌اکبر سیف. ج ۱. ۱۳۹۶.

<sup>۳</sup> - Leonardo, J. (2017). When Adults Show Determination, Babies Copy. Massachusetts Institute of Technology, department of brain and cognitive sciences, Cambridge. *Science*, Sept. 22, 2017.

<sup>۴</sup> - طبرسی، ابوعلی افضل ابن الحسن (؟). مجمع البیان. ترجمه حاج شیخ محمد رازی. ۱۳۶۵. ج ۲۵. تهران: فراهانی.



در موج جدید پردازش الگوها، به فرض اگر کسی علاقه‌مند به مسایل ورزشی بود، پای فیلم افرادی همچون آرنولد، استالونه، بروس لی و نظایر آن‌ها می‌نشست و فیلم آن‌ها را می‌دید و اگر کسی هم علاقه‌مند به هنر سینما بود، باز پای همان فیلم‌ها نشست و به کاربری از همان فیلم‌ها می‌پرداخت.

بررسی روند پردازش الگوها در حال حاضر بیانگر آن است که اهمیت وافر الگوها، سبب شده است که برخی از نهادها و جریان‌های اجتماعی در پی محقق کردن بیش از پیش اهداف خودشان، در صدد پردازش الگوهای چند بُعدی برآیند. از همین رو، روند پردازش الگوها پس از تبدیل الگوهای یک بُعدی به دو بُعدی، از حالت اخیر به پردازش الگوهای چند بُعدی سوق یافته و ارتقاء پیدا کرده اند. از جمله نهادهایی که در پردازش الگوهای چند بُعدی موفق عمل کرده اند، می‌توان از کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت (کمپانی گروه کی‌پاپری بی‌تی‌اس) یاد کرد<sup>۱</sup>. این کمپانی در جریان شکل دادن به گروه خویش، از آغاز، پردازش الگوهای چند بُعدی را مدنظر قرار داده و عملی ساخته است.

کمپانی بیگ‌هیت در گام نخست برای شروع فعالیت خویش، پسرانی «زیبا رو» را برای تشکیل گروه خود گزینش کرد. افراد زیباروی اخیر، طی سال‌ها کارآموزی در زمینه‌های خوانندگی، رقص، رسانه، بازیگری و مانند آن، هم‌زمان با اجرای آهنگ‌های خویش، به نمایش «رقصی پرهیجان» نیز می‌پردازند که نمایش دشوار اخیر از عهده افراد عادی خارج است.

پسران بی‌تی‌اس علاوه بر اجراهای پرهیجان و باشکوهی که دارند، با ارایه آهنگ‌هایی که ناظر بر مسایل و مشکلات دوران جوانی و جوانی افراد است، خود را به صورت «مدافع جوانان» به نمایش کشیده و با دادن رهنمود در مورد عصیان علیه ارزش‌های نسل بزرگسال خود را به صورت «گروهی روشنفکر» تثبیت کرده و با ارایه رهنمود در مورد چگونه ادامه دادن و چگونه زیستن در جهان دشواری که جوانان را دربر گرفته است، با طرح حمایت تام خویش از جوانان، خود را به صورت «منجی جوانان» مطرح می‌سازند.

از سوی دیگر پسران گروه بی‌تی‌اس، هم‌زمان با تلاش در جهت ارایه تولیدهایی برای «پرکردن فراغ‌بال هواداران و سرگرم کردن آنان»، دست به «ایجاد روابطی عمیق با هواداران» زده، به فرض شعار می‌دهند: «اگر شما هیچ پناهی ندارید، ما در سؤال در اندیشه شما هستیم و شما می‌توانید ما را همواره پشتیبان و یاور خودتان ببینید».

<sup>۱</sup> - کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت، در سال ۲۰۱۰ گروه بی‌تی‌اس را شکل داد و با پا به عرصه نهادن این گروه در سال ۲۰۱۳ تا به حال، گروه بی‌تی‌اس به موفقیت‌های قابل توجهی در سطح جهان دست یافته است.

«مدیرعامل کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت، بانگ شی - هیوک با این اندیشه که جوانان امروز نیازمند قهرمانانی هستند که بدون آن که آنان را از موضع بالا موعظه کنند، تکیه‌گاه آنان قرار گرفته و دست به همراهی با آنان بزنند» (ویکی‌پدیا)، به گروه بی‌تی‌اس (که با نام بنگتن بویز نیز شناخته می‌شود)، شکل داد.

شوگا یکی از اعضای ۷ نفره گروه بی‌تی‌اس نیز در مصاحبه‌ای خاطرنشان می‌کرد، ما برای آن که با مخاطبان خودمان همدلی ایجاد کنیم، در صدد بیان داستان‌هایی برآمدیم که مردم تمایل به شنیدنشان داشتند، یعنی داستان‌هایی از عواطف و احساسات آنان و طرح اضطراب‌ها، نگرانی‌ها و دردهای مردم، چیزی که دیگران کمتر به طرح آن‌ها می‌پرداختند.

اندیشه‌های اخیر سبب شد، گروه بی‌تی‌اس، فضایی نسبتاً متفاوت از گروه‌های پاپ کره‌ای را رقم بزند و در این مسیر با استقبال داخل و خارجی گسترده‌ای روبرو شود.

«رتبه اول آهنگ خون، عرق و اشک در تمامی جداول کره جنوبی، رتبه اول آهنگ نقشه روح: ۷، در صدر جداول ۱۰۰ آهنگ داغ و جدول بیلبورد ۲۰۰، شکستن رکورد پربیننده‌ترین نمایش اولیه یوتیوب و شکستن بیش‌تر از ۱۰۰ میلیون بازدید آهنگ طی ۲۴ ساعت پس از انتشار و دریافت ۱۲ جایزه در جشنواره موسیقی بیلبورد، تنها قسمتی از دستاوردهای قابل توجه گروه بی‌تی‌اس به شمار می‌روند» (ویکی‌پدیا). تبدیل شدن اعضای گروه به الگوی بسیاری از نوجوانان و جوانان از دیگر دستاوردهای گروه بی‌تی‌اس کمپانی بیگ‌هیت است.

اما کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت و گروه بی‌تی‌اس آن، ورای دستاوردهای قابل توجه اخیر، از ابعاد ناشناخته‌ای نیز برخوردارند که مجموعه حاضر کوشیده است تا با مصاحبه میدانی با طرفداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس، از آن‌ها پرده بردارد و در کنار ارزیابی موفقیت‌های جهانی اخیر، اهداف آشکار و پنهان اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی - عقیدتی، روان‌شناختی و زیباشناختی کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت و گروه بی‌تی‌اس آن را عمیق‌تر واکاوی کند.

اقدام‌های «نوعدوستانه و به ظاهر نوعدوستانه» گروه بی‌تی‌اس از سویی و «فعالیت‌های اجتماعی- سیاسی» آنان از سوی دیگر، جذابیت‌های دیگری هستند که گروه کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت از آن برخوردار است و در نهایت، پسران با پرهیز از ازدواج و یا حتی گذاشتن یک قرار ملاقات با جنس مخالف، به شکل غیرمستقیم خود را به صورت «عشق» و «همسر بالقوه مخاطبان دختر» خویش مطرح می‌سازند.

مجموعه آنچه از آن یاد شد، ستاره‌های گروه بی‌تی‌اس را به صورت الگوهای چند بعدی (زیبا، سرشار از هیجان، با صدایی زیبا، نوعدوست، با توجهات اجتماعی- سیاسی، روشنفکر، منجی جوانان و مانند آن) مطرح می‌سازد که شاید در طول پردازش الگوهای بشری، مشابه آن‌ها یافت نشود.

بررسی شواهد میدانی در سطح هواداران گروه بی‌تی‌اس، حکایت از اثرگذاری فوق تصور این گروه بر مخاطبان خویش، خاصه هواداران مؤنث، دارد.

بررسی‌های مقدماتی پژوهشگر و دانشجویانش در زمینه شناخت اثرات گروه بی‌تی‌اس بر هوادارانش، بیانگر آن است که گاه تشکلهای هواداری قدرتمندی در سطح طرفداران گروه بی‌تی‌اس شکل گرفته است که به فرض با عرضه ۸ ساعت ویدیوی سفر سالانه پسران بی‌تی‌اس (بن ویاژ) در فضای مجازی، تنها یک گروه ۳۰ نفره مترجم از یک تشکل هواداری، هم‌زمان تمامی شب روی ترجمه فیلم‌های پسران گروه کار می‌کنند و با اتمام ترجمه، محتوای تهیه شده را به دست ویراستاران گروه سپرده، می‌خوانند تا جمع ویراستارها نیز پس از ویرایش نهایی متن تهیه شده، آن را برای بارگذاری به دست جمع سوم تیمشان بسپارند و خودشان به استراحت بپردازند و گروه بارگذاری نیز بلافاصله، با بارگذاری محتوای تهیه شده در فضای مجازی، آن را به دست خیل هواداران گروه بی‌تی‌اس می‌رساند. به همین ترتیب در موارد متعددی مشاهده شده است که برخی از هواداران، با نشر آهنگ‌های جدید بی‌تی‌اس، برای آن که آهنگ گروه مورد علاقه‌شان در سایت‌های مطرح موسیقیایی جهان، از رتبه بالایی برخوردار شود و یا جوایز انتخاب‌های مردمی را ببرند، «به شکل ۲۴ ساعته شروع به گوش کردن آهنگ مورد نظر کرده» یا «به کار رأی دادن پرداخته‌اند» تا به این ترتیب با افزایش دفعات کاربری از آهنگ مورد نظر، میزان آرای آن (استریمینگ) افزایش یافته، رتبه بالایی را در سایت‌های مطرحی مانند بیلبورد، اسپاتیفای و نظایر آن‌ها به دست بیاورند یا جوایز انتخاب‌های مردمی را از آن خود سازند.

یکی از دانشجویان نگارنده، در گزارش خویش خاطرنشان می‌ساخت، وقتی وی برای گردآوری داده‌های مورد نظرش، به یکی از دبیرستان‌های دخترانه مراجعه کرده بود، ملاحظه کرد، قریب به نیمی از دانش‌آموزان مدرسه گریه می‌کنند و وقتی وی با شگفتی جویای این امر شده بود که آیا کسی از کادر آموزشی شما در گذشته است که شما این چنین بی‌تابی می‌کنید، دانش‌آموزان به وی پاسخ دادند که «نه، جین - یکی از پسران عضو بی‌تی‌اس - به سربازی رفته است!»

دختران زیادی در جریان مصاحبه‌هایشان اظهار می‌داشتند: «حاضرند جانشان را برای پسران گروه بدهند»، «در مواجهه با نفرت‌پراکنان گروه‌های رقیب، دچار حمله ترس (پنیک) شده‌اند»، «حاضر است کلیه‌اش را بفروشد و بهای آن را برای یک شب به سر بردن نزد جیمین، بپردازد»، «سر این که فلان آیدول (ستاره)، شوهر من است، با دیگر دانش‌آموزان به دعوا و مرافعه و گیس و گیس‌کشی در مدرسه پرداخته‌اند»، «سفارش تهیه داستان‌های هرزه‌نگار (فن‌فیکشن‌های اسمت) با محوریت خود و یکی از پسران گروه را به افرادی که از قلم‌گیری برخوردارند، داده‌اند»، «خانواده خودشان را تهدید کرده‌اند که آن‌ها را به کره جنوبی (موطن بی‌تی‌اس) بفرستند، وگرنه خودکشی خواهند کرد»، «دست به برگزاری گردهمایی (میتینگ)های بزرگ با حضور ادمین کانال‌های بی‌تی‌اس، ادمین صفحات بی‌تی‌اس، کلسیونرهای (کالکشنرهای) بی‌تی‌اس، داستان نویس‌ها (فن‌فیک یا فن‌فیکشن)های بی‌تی‌اس و هواداران (فن‌های) ساده، برای تجلیل از پسران گروه در ایران زده‌اند»، «دست به تمرین ۶-۵ ساعت رقص در روز می‌زنند تا حداقل به عنوان رقصان پس صحنه اجرای بی‌تی‌اس پذیرفته شوند»، «با شنیدن شایعه رابطه ستاره مورد علاقه‌شان با یک دختر، به اندیشه خودکشی افتاده‌اند» و «به گونه‌ای حرف می‌زنند که انگار با ستاره مورد نظرشان ازدواج کرده‌اند» و یا حتی «داعیه باردار شدن از ستاره مورد نظرشان را دارند».

بررسی میدانی مقدماتی گروه پژوهش دلالت بر آن داشت که دانش‌آموزان قابل توجهی (حتی در مقطع دبستان) فراگیری خودآموز زبان کره‌ای را شروع کرده، برخی در حدی با این زبان آشنا شده‌اند که به راحتی متن‌های به زبان کره‌ای را ترجمه کرده و یا اصولاً صفحه اینستاگرامی خویش را با نوشتار کره‌ای اداره می‌کنند.

فروش بالای کتاب‌های آموزش زبان کره‌ای (پس از کتاب‌های زبان انگلیسی) در جامعه، شاهد مثال بارز دیگری در موفقیت گروه‌های کی‌پاپ و خاصه گروه بی‌تی‌اس در سطح نوجوانان و جوانان جامعه است و این در حالی است که وقتی دانش‌آموزان دبیرستانی، روی صفحه رایانه‌های

مدرسه‌شان، تصویر اعضای ۷ نفره پسران گروه بی‌تی‌اس را می‌گذارند، اولیای آموزشی مدرسه یا آن‌ها را نمی‌شناسند و یا به سادگی از کنار علت و دلیل این امر، عبور می‌کنند.

مجموعه آنچه از آن یاد شد، نگارنده را بر آن داشت تا در جهت روشن‌گری در امر تحول‌های پدید آمده در پردازش الگوها در جهان معاصر اقدام کند که در پی این امر با همراهی دانشجویانش، به پژوهش در این جهت پرداخت.

روند تهیه مجموعه حاضر به این ترتیب بود که نگارنده، پس از آموزش مقدماتی روش کیفی داده بنیاد به دانشجویانش در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری، و پس از ارایه برخی از اطلاعات اولیه در مورد اهمیت الگوها و چگونگی پردازش الگوهای گروه بی‌تی‌اس توسط کمپانی بیگ‌هیت به دانشجویان، از آنان می‌خواست تا در برخورد با هواداران این گروه، دست به مصاحبه عمیق با آنان بزنند و دیدگاه‌های آنان در ارتباط با فراز و فرودهای کمپانی بیگ‌هیت، گروه بی‌تی‌اس و هواداران این گروه را جویا گردند.

۱- درباره روش پژوهش حاضر باید بیان داشت که در این تحقیق، روش پژوهش، روش کیفی بوده است.

گاهی پژوهش‌گران حوزه‌های انسانی با مسأله‌ها و پرسش‌هایی رو به رو می‌شوند که امکان پاسخ‌گویی آن‌ها با کمک روش‌های معمول پژوهش میسر نیست. معمولاً در این پرسش‌ها مؤلفه‌ها و مفاهیمی وجود دارد که نمی‌توان به راحتی آن‌ها را تعریف کرد، یا سابقه‌ای از موارد مشابه آن‌ها در متون قبلی وجود ندارد و بر این اساس نمی‌توان فرضیه‌ای تدوین کرد و در نتیجه نمی‌توان به آزمون فرضیه پرداخت. پژوهش کیفی برای پاسخ به شرایط اخیر، مناسب‌ترین گزینه است.

اجرای پژوهش کیفی فرآیندی غیرخطی است و قسمت‌های مختلف آن بیش از آن که در پی یکدیگر قرار گیرند، در کنار هم قرار می‌گیرند. به تعبیر دیگر، در پژوهش کیفی هم‌زمان با گردآوری داده‌ها تحلیل نیز آغاز می‌شود و این فرآیند تا زمانی ادامه می‌یابد که پژوهش‌گر به نقطه اشباع برسد. منظور از نقطه اشباع زمانی است که می‌توان از کیفیت و کفایت (بستگی) داده‌های گردآوری شده برای رسیدن به تحلیلی دقیق اطمینان یافت.

رویکرد پژوهش کیفی در این پژوهش روش داده‌بنیاد بود. روش داده‌بنیاد، روش مناسبی برای پژوهش در حوزه‌هایی است که دانش اندکی درباره آن‌ها در دسترس است.

نظریه‌پردازان نظریه داده‌بنیاد، سعی بر آن دارند که درکی از فرایندهای مرتبط با موضوع‌های بنیادی به وجود آورند. در همه پژوهش‌های کیفی محقق باید یافته‌های خود را که بیش‌تر جنبه تفسیری دارند، بدون تکیه بر روش‌های آماری، به نحو متقاعدکننده‌ای گزارش کند.

معمولاً کتاب‌های روش تحقیق کیفی در مورد حجم نمونه مورد بررسی ارقام ۸، ۱۲ و یا ۲۰ مصاحبه کیفی عمیق را در مورد مسأله مورد بررسی پیشنهاد کرده‌اند که به زعم پژوهش‌گر، این ارقام به چند دلیل در ایران درست جواب نمی‌دهند.

دلیل نخست را می‌توان در تفاوت روند جامعه‌پذیری در غرب و در ایران خلاصه کرد، به این معنا که به نظر می‌رسد روند جامعه‌پذیری در ایران، روندی دشوار و بعضاً متناقض است، در حالی که در غرب چنین نیست. به عنوان مثال، آنچه خانه، مدرسه و جامعه (به عنوان مهم‌ترین نهادهای جامعه‌پذیرکننده) در ایران به کودک یا جوان القا می‌کنند، خط‌مشی‌هایی ناهمگون است. به تعبیر دیگر، در ایران اولیا از فرزند می‌خواهند، وی تنها به فکر بیرون کشیدن گلیم خویش از آب باشد، اولیای آموزشی در مدرسه به دانش‌آموز مستقیم و غیرمستقیم القا می‌کنند که وی باید ایثار، جهاد و شهادت را در دستور کار خود داشته باشد و سرانجام همین فرد در جامعه شاهد آن است که فساد اقتصادی در جامعه شکل نظام‌مند به خود گرفته و بسیاری از مسوولان و نزدیکان آنان در زمینه رانت‌خواری با یکدیگر مسابقه نهاده‌اند، از این رو روند جامعه‌پذیری در ایران با دشواری و تنگنا پیش رفته و محقق می‌گردد، در حالی که نهادهای خانه، مدرسه و جامعه (به عنوان مهم‌ترین نهادهای جامعه‌پذیرکننده) در غرب، در غالب موارد به گونه‌ای یک‌دست و هماهنگ عمل می‌کنند.

دلیل بعدی احتیاط در افزایش حجم نمونه در پژوهش‌های کیفی در ایران را باید در عدم حمایت مالی بسیاری از پژوهش‌ها در ایران دید. به این معنا که به فرض در غرب، پژوهش‌گر خود را موظف می‌داند، در برابر گرفتن وقت مصاحبه‌شونده، با پرداخت وجهی، قدردانی لازم را از همکاری و صرف وقت فرد مصاحبه شده انجام دهد، در حالی که این امکان در ایران، در غالب موارد میسر نیست و همین مسأله سبب می‌شود، مصاحبه‌شوندگان به ویژه در پژوهش‌های کیفی که مستلزم صرف وقت کافی است، حاضر به صرف وقت مناسب نشده، مصاحبه خود را زودتر از حد لازم به پایان برسانند. ترس سیاسی پاسخ‌دهندگان در محیط ایران - که البته در این پژوهش به میزان نسبتاً کمی مطرح بود- و بی‌حوصلگی، عدم تمرکز و پاسخ‌های بعضاً متعارض پاسخ‌دهندگان - که در پاسخ‌دهندگان کم سن، طبیعی است- از دیگر مشکلات پژوهش کیفی به شمار می‌روند.

مسائل اخیر سبب می‌شود، پژوهش‌گران ایرانی برای وقوف کامل به پدیده کیفی مورد نظر، آمار مصاحبه‌های عمیق خویش را افزایش دهند، همان‌گونه که در پژوهش حاضر، تعداد مصاحبه‌های مورد نظر برای گردآوری داده‌های تحقیق، بیش‌تر از موارد توصیه شده در کتاب‌های پژوهش کیفی در نظر گرفته شده است.

در پژوهش حاضر، مصاحبه‌های انجام شده از نمونه‌های در دسترس بهره جسته، اما در شهرهای مختلف ایران صورت پذیرفته است. شرط انجام مصاحبه نیز هواداری و شناخت کافی از گروه بی‌تی‌اس بود.

سازمان‌بندی اولیه پژوهش حاضر، شامل «بررسی ابعاد آشکار و پنهان کمپانی بیگ‌هیت (کمپانی مالک گروه بی‌تی‌اس)»، «بررسی ابعاد آشکار و پنهان گروه پسران بی‌تی‌اس» و «بررسی فراز و فرودهای هواداری از گروه بی‌تی‌اس» بود. پس از گردآوری اطلاعات میدانی لازم، اطلاعات گردآمده، در دو زیر مجموعه ارایه گردیدند.

زیر مجموعه نخست، شامل مصاحبه‌های انجام شده حول محورهای «بررسی فراز و فرودهای هواداری از گروه بی‌تی‌اس» (۲۳ مصاحبه)، «ابعاد آشکار و پنهان گروه بی‌تی‌اس» (۱۲ مصاحبه) و «ابعاد آشکار و پنهان کمپانی بیگ‌هیت» (۱۲ مصاحبه) بود که پس از درج کامل اظهارات دانش‌آموزان و دانشجویان<sup>۱</sup> مصاحبه شده، در یک بررسی کیفی مقدماتی با روش داده بنیاد، جمع‌بندی لازم در مورد موضوع پژوهش، صورت پذیرفته است.

در زیر مجموعه دوم، اولاً با توجه به فیش‌های گردآوری شده از تمامی مصاحبه‌های انجام شده (۴۷ مصاحبه عمیق انجام شده در پژوهش) و ثانیاً با تحلیل برخی از آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس و ثالثاً با استعانت از معدودی از پژوهش‌های انتقادی انجام شده در مورد گروه بی‌تی‌اس و برخی از منابع مربوط به تحول‌های نوجوانان و جوانان، موضوع‌های مورد نظر پژوهش، به شکل عمیق‌تری مورد بررسی قرار گرفتند و به این ترتیب کتاب‌های زیر مجموعه دوم، تدوین گردیدند. به تعبیر دیگر، زیر مجموعه نخست، بیش‌تر سنخ یک تحلیل داده بنیاد اصیل را دارد که بدون اتکاء به اطلاعات دیگر و صرفاً مبتنی بر یافته‌های حاصل از مصاحبه‌های انجام شده، به ارایه جمع‌بندی لازم پرداخته است، اما در زیر مجموعه دوم، سنخ تحلیل کیفی انجام شده، بیش‌تر متمایل به روش کیفی سه سویه‌سازی است که در آن اطلاعات حاصل از جمعیت تحقیق، با اطلاعات حاصل از معدود اسناد و مدارک موجود و نظریات دیگر پژوهشگران در زمینه موضوع پژوهش، مورد بررسی و استفاده قرار گرفته‌اند.

مجموعه حاضر شامل ۱۴ جلد کتاب است، عناوین کتاب‌های زیر مجموعه نخست به قرار زیرند:

- چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت) (۲ جلد)
  - چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره اعضای این گروه (۲ جلد)
  - چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره هواداران این گروه (۳ جلد)
- عنوان‌های کتاب‌های زیر مجموعه دوم به شرح زیر است:

- بررسی اهداف آشکار و پنهان کمپانی گروه بی‌تی‌اس (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت) از منظر هواداران ایرانی (۲ جلد)
- بررسی اهداف آشکار و پنهان گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس از منظر هواداران ایرانی (۲ جلد)
- بررسی فراز و فرودهای هواداری از گروه بی‌تی‌اس از منظر هواداران ایرانی (۳ جلد).

اثر حاضر در سه جلد، شامل مقدمه، ارایه ۲۳ مصاحبه انجام شده با محوریت فراز و فرودهای هواداری گروه بی‌تی‌اس و جمع‌بندی مباحث ارایه شده، در مصاحبه‌های درج شده در کتاب است.

عناوین مصاحبه‌های درج شده در سه جلد تهیه شده با موضوع هواداری گروه بی‌تی‌اس، به قرار زیرند:

<sup>۱</sup> - با توجه به سرعت تحولات اجتماعی از سویی و بی‌عنایتی به بررسی‌های پژوهشی در مورد مسایل انسانی - اجتماعی جامعه، در کلان نظام دانشگاهی و مؤسسات پژوهشی کشور، درج مصاحبه‌های انجام شده با جمعیت تحقیق، واجد این مزیت هست که ترسیمی هر چند نسبی از تحول‌های روانی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی - عقیدتی و سیاسی آنان را به دست می‌دهد و اگر چه نگارنده در انتهای کتاب‌های یاد شده، با اتکاء به همین مصاحبه‌ها، دست به جمع‌بندی‌های لازم زده و برهمان مبنای، به ارایه رهنمود اقدام ورزیده است، اما این مصاحبه‌ها می‌توانند به عنوان یک ماده خام، مورد استفاده سایر پژوهشگران انسانی - اجتماعی قرار گیرند.

از این رو ارایه کامل مصاحبه‌های انجام شده، در برهوت تحقیقاتی ایران، به نظر می‌رسد، ابداع ارزشمندی باشد که به دیگر پژوهشگران مسایل روان‌شناختی و جامعه‌شناختی نوجوانان و جوانان در فهم بهتر تحول‌های نسل‌های جدید ایران، یاری خواهند رساند.

«من قبلاً این جور بودم که آه، آه رمان! آه، آه پسر که موهاش رو رنگ می‌کنه! آه، آه لباس صورتی برای پسر! آه، آه چشمای اینا فلانه! و از این جور فکرها، ولی خب بی‌تی‌اس ذهنم رو آپدیت کرد» (مصاحبه با گلاره ۱۴ ساله)،

«نگاه به چهره پاک و معصوم کی‌پاپ نکنین، پشت صحنه‌اش خیلی ترسناک‌تر از اون چیزی هست که نشون می‌ده» (مصاحبه با سارینای ۱۳ ساله)،

«از یه زمانی به بعد که تکامل عقلی‌ام بیش‌تر شد، دیگه دوست دارم بیش‌تر به زندگی خودم بپردازم و به فکر آیدول شدن نباشم، چون خیلی راه سخته تا به اون مرحله برسی» (مصاحبه با دیبای ۱۵ ساله)،

«ولی یه سری آدم هم هستن که تو جریان کی‌رول از بچه‌های کوچیک‌تر سوءاستفاده می‌کنن، چون اولش تو رول نمی‌پرسی تو واقعاً چند سالته، اما بعد یهو می‌بینی بعد یه ماه حرفای ناجور زدن، می‌فهمن یکی‌شون ۱۴ سالشه یکی‌شون ۳۰ سال» (مصاحبه با فرشته ۱۹ ساله)،

«بیش‌تر دوست‌هام که آر می‌هستن یا کلاً جزو فن‌ها هستن، کلاً این جوری ان که نمی‌تونن زجر کشیدن آیدول‌شون را تحمل بکنن و براشون به شدت گریه می‌کنن، به قول مامانم یک حالت دیوانگی این شکلی هست» (مصاحبه با نگین ۱۳ ساله)،

«یکی از آرمیای دختری به جونگ کوک گفت، طرفدار بودن خیلی سخته، چون که می‌دونیم قراره یه روزی ازدواج کنی و ما رو تنها بذاری. بعد جونگ کوک هم در جوابش گفت، می‌دونی آیدول بودن هم خیلی سخته. چون می‌دونم اون روز قلب میلیون‌ها پروانه رو می‌شکنم» (مصاحبه با رخساره ۱۶ ساله)،

«- یعنی دوستانت به صراحت اعلام کردند که آیدول‌های بی‌تی‌اس براشون جذابیت جنسی دارند؟

بله، دقیقاً، وقتی من با سه، چهارتا از دوستانم دور هم بودیم، اینا رو گفتن» (مصاحبه با محسن ۲۲ ساله)،

«اون که به جیمین فحش داد، منم به مادرش فحش دادم، بلاکم کرد و دیگه به پیام‌های من جواب نداد. بعد من بهش زنگ زدم، حتی التماسش کردم، فایده‌ای نداشت» (مصاحبه با ثنای ۱۶ ساله)،

«- ... شما بین دستورات دین و الگوبرداری از بی‌تی‌اس کدام را انتخاب می‌کنید؟

دستورات دینی مهم هستن، ولی وقتی می‌بینم که بی‌تی‌اس که خلاف دستورات دین ما کلاً حرکت کرده و موفق و محبوب هست، به نظر شما باید از کدوم الگو بگیرم؟ دین یا بی‌تی‌اس؟ من بی‌تی‌اس رو انتخاب می‌کنم» (مصاحبه با فریبای ۴۶ ساله)،

«دوستانم هستن که باباشون رو مجبور می‌کنن از جایی قرض کنه و هزینه عمل‌شون رو بده یا مثلاً دوست پسرشون هزینه عمل‌شون رو می‌دن که اون شکلی بشن که بیش‌تر مورد پسندشونه» (مصاحبه با شبنم ۲۵ ساله)،

«کلی مرد سن بالا به عنوان مشتری اونجا بودن و اون راهنما یا رئیس‌شون بهشون گفته که می‌رید از این مردها پذیرایی می‌کنید و هر چیزی ازتون خواستن نه نمیارید. بعد می‌گفت، من فقط گریه می‌کردم و اون رئیسه هم می‌گفت، اگه بخوای قبول نکنی، قراردادت رو لغو می‌کنیم» (مصاحبه با شیدای ۲۰ ساله)،

«من همیشه آهنگای بی‌تی‌اس و گاهی بلک‌پینک رو تو اتاقم می‌ذارم و باهاشون می‌رقصم، انقدر می‌رقصم که لاغر بشم، مثل گروه بلک‌پینک. بعد از ظهرها تا آهنگاشون رو گوش ندم و یه کم نرقصم، نمی‌تونم کار دیگه‌ای بکنم، این جوری انرژی می‌گیرم» (مصاحبه با ریحانه ۱۵ ساله)،

«پدر و مادرم خیلی سعی کردن خواهرم رو از رفتن به کره منصرف کنن، ولی اون گفت، اگر مانع رفتنم بشین، خودکشی می‌کنم. این طور بود که پدرم ترسید و حتی کمکش کرد برای رفتن ویزا بگیره» (مصاحبه با احسان ۱۷ ساله)،

«به نظر من هر کی هوادار بی‌تی‌اس هست، نباید ازدواج کنه. چون ازدواج با خودش وابستگی میاره و گذشتن از بعضی چیزها به خاطر حفظ زندگی ضرورت پیدا می‌کنه و این با آزادی آدم قبل از ازدواج، کلی فاصله داره» (مصاحبه با شیرین ۲۲ ساله)،

«از اصل برابری انسان‌ها صحبت می‌کنن، ولی خودشون چه قدر مجلل و مرفه زندگی می‌کنند و چه جشن تولدهای میلیاردری رو در سراسر جهان می‌گیرند. این کجاش برابری انسان‌ها هست. نوجوان ما با دیدن زندگی مرفه آیدول‌ها و جشن تولدهای میلیاردری آن‌ها جز حسرت خوردن، نتیجه دیگری نمی‌گیرند» (مصاحبه با مسعود ۲۰ ساله)،

«بیس فندوم‌ها میان کشورها رو بر اساس ساعت‌هاشون طبقه‌بندی می‌کنند که چه زمانی بهتره که استریم زدن انجام بشه. در ضمن ربات تشخیص داده نشیم یا این طوری تشخیص داده نشه که عه همه مثلاً از فلان کشور دارن این ویدیو رو بازدید می‌کنن» (مصاحبه با مهتاب ۱۸ ساله)،

«- یعنی تو به خاطر کنسرتی که معلوم نیست بتونی بری یا نه، داری زبان کره‌ای به این سختی رو یاد می‌گیری؟  
آره» (مصاحبه با الناز ۱۲ ساله)،

«... حتی من تو خیلی از فیکشن‌ها دیدم که رابطه با اعضای خانواده رو دارن نرمالایز می‌کنن» (مصاحبه با پونه ۱۸ ساله)،  
«من در واقع خانواده نداشتم، اعضای بی‌تی‌اس خانواده‌ی من شدن. من هر روز از زندگیم که سخت بود، به اونا پناه می‌بردم و اونا تمام فکر و ذهنم رو پر می‌کردن. انگار که از همه چیز فاصله گرفتم و خودم رو پرت کردم تو بغل شون» (مصاحبه با نرگس ۲۱ ساله)،  
«ولی آرمی‌های تازه وارد فکر می‌کنند، هر کی گفت بالا چشم بی‌تی‌اس ابرو هست، باید برن تو شکم یارو و بزندن پاره‌اش کنن» (مصاحبه با مریم ۱۸ ساله)،

«جیهوپ برای موزیک ویدیوهاش حاضر نشد از پرده سبز استفاده کنه و گفت، واقعاً اون ۱۳ تا ماشین رو آتیش بزنی تا همه چی واقعی به نظر برسه» (مصاحبه با مرضیه ۱۹ ساله)،

«توی عکس‌هاشون نگاه کنی، شوگا دامن پوشیده، نامجون کت با دامن پوشیده و می‌خوان این مفهوم رو برسونن که لباس‌ها جنسیت ندارن و مخالف این تفکیک جنسیت هستن و معتقدن که لباس‌ها رو نباید طبق جنسیت جدا کرد» (مصاحبه با پریناز ۱۸ ساله)،  
«تو مدرسه می‌دیدم که بچه‌ها قبل از این که معلم بیاد، رو تخته کلاس، به زبون کره‌ای آهنگای بی‌تی‌اس رو می‌نوشتن، یعنی در واقع بلد بودن زبون شون رو، ولی من نه» (مصاحبه با شقایق ۱۹ ساله).

عناوین کلان حاصل از مصاحبه‌های انجام شده که در جمع‌بندی پژوهش درباره هواداران گروه بی‌تی‌اس آمده‌اند، به قرار زیر است:  
بررسی اثرهای روانی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، اخلاقی - عقیدتی، اقتصادی - سیاسی، هنری، زیباشناختی و خانوادگی.  
در بررسی اثرهای روانی، عناوین زیر مورد بحث قرار گرفته‌اند:

سردرگمی‌های نوجوانی، انگیزه‌بخشی، افزایش اعتماد به نفس، کمک به بهبود حال بد افراد، آرامش‌بخشی، شادی‌آفرینی، تعدیل اثرپذیری در گذر زمان، عشق تخیلی، تحقق برخورد مادرانه، ارضای هیجان‌جویی، پیشه کردن برخوردهای هیجان‌مدار، تخلیه روانی، ائتلاف وقت، توهم‌زدگی، بازماندن در ابعاد عینی، کم اثر شدن تدریجی حساسیت‌ها، بروز خطاهای جدی شناختی، بروز برخی از اختلال‌های روانی، بی‌هویتی جنسی، وابستگی و اعتیاد به بی‌تی‌اس، سایر مسایل روان‌شناختی.

در بررسی اثرهای اجتماعی، عناوین زیر مورد بحث قرار گرفته‌اند:

نقد محدودیت‌های داخل ایران، نقد ضعف‌های حرفه‌ای و اخلاقی سلبریتی‌های ایرانی، شروع هواداری از سنین پایین، پرداختن ستاره‌ها به مسایل جوانان، تعمیق رابطه ستاره‌ها با هواداران، چندبعدی و چندوجهی دیدن گروه و اعضای آن، تشویق به مهاجرت به کره جنوبی، دوست‌یابی حضوری و مجازی، نودوستی، جهانی شدن و جهانی اندیشیدن، الگوبرداری از ستاره‌ها، تحول‌های هویتی، تحول‌یابی روابط اجتماعی هواداران، احساس تعهد به حمایت از گروه، تلاش در جهت افزایش هواداران، تعصب ورزیدن در طرفداری، پیشه کردن برخوردهای هیجان‌مدار با افراد خودی و غیرخودی، نقد خطمشی‌های کمپانی گروه بی‌تی‌اس، سایر موارد اجتماعی.

در بررسی اثرهای فرهنگی، عناوین زیر مورد بحث قرار گرفته‌اند:

رشد گروه‌های کی‌پاپ در بسترسازی‌های فرهنگی اولیه کره، ارتقای موسیقی کی‌پاپ به صنعت سرگرمی، ارایه محتوا و سرگرمی‌های مورد علاقه نوجوانان و جوانان توسط گروه بی‌تی‌اس، تشویق طرفداران به خواندن و دیدن کتاب‌ها و فیلم‌های مختلف، علاقه به آشنایی با فرهنگ کره، اشاعه زبان کره‌ای در میان هواداران، استقبال از غذاهای کره‌ای، پذیرش محتواهای تهیه شده توسط هواداران، سایر موارد فرهنگی.  
در بررسی اثرهای آموزشی عناوین زیر مورد بحث قرار گرفته‌اند:

آموزش فعال، ارتقای مهارت‌های فنی هواداران، کم توجهی به درس و افت تحصیلی، اطلاع‌رسانی‌های مختلف.

در بررسی اثرهای اخلاقی - عقیدتی، عناوین زیر مورد بحث قرار گرفته‌اند:

دامن زدن به تسامح اخلاقی، اثرپذیری‌های اخلاقی ارزشی، کم رنگ شدن ابعاد عقیدتی، سوق دادن هواداران به سمت پیوستن به جریان انقلاب جنسی، پذیرش اخلاق نسبی‌گرا، تحول‌آفرینی اخلاقی در محیط خانواده، تحول‌آفرینی در اخلاق فردی، اجتماعی و زیست‌محیطی برخی از هواداران.

در بررسی اثرهای اقتصادی - سیاسی، عناوین زیر مورد بحث قرار گرفته‌اند:

همسویی گروه بی‌تی‌اس با نظام سرمایه‌داری، ترویج مصرف‌گرایی، نفوذ کانون قدرت در هنر، فعالیت سیاسی گروه بی‌تی‌اس، اخذ الگو برای حرفه آینده، صرف هزینه جهت هواداری از گروه بی‌تی‌اس، درآمذایی برخی از هواداران بر مبنای تبلیغ برای بی‌تی‌اس.

در بررسی اثرهای هنری، عناوین زیر مورد بحث قرار گرفته اند:

برتری کی‌پاپ بی‌تی‌اس نسبت به پاپ غربی، وجود محتواهای معنادار، پیچیده و معمایی در موزیک ویدیوهای بی‌تی‌اس، تنوع آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس، جذابیت بخشیدن به صحنه، جذابیت‌های جانبی گروه، توأم شدن موسیقی بی‌تی‌اس با رقص‌های بسیار دشوار و مهیج.

در بررسی اثرهای زیباشناختی، عناوین زیر مورد بحث قرار گرفته اند:

جذابیت‌های ظاهری ستاره‌ها، الگوبرداری از ستاره‌های بی‌تی‌اس در زیبایی‌های ظاهری، الگوبرداری در زمینه مدهایی که پسران بی‌تی‌اس عرضه می‌کنند.

در بررسی اثرهای خانوادگی، عناوین زیر مورد بحث قرار گرفته اند:

احساس یک خانواده بودن با ستاره‌ها، بروز برخی از اختلاف‌های خانوادگی در اثر هواداری از گروه بی‌تی‌اس، آسیب رسیدن به خانواده. در خاتمه باید از دانشجویان محترم کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری که در امر پژوهش میدانی گسترده تحقیق، به نگارنده یاری رسانده و

وی را رهین منت خویش کردند، سپاس‌گزاری داشته باشم. عزیزان همکار در تهیه مصاحبه‌های انجام شده عبارتند از:

آتنا رعیتی، آلا سیاحی، امیرحسین عمویی، پرینان بحرینی، پریسا عزیزآبادی فراهانی، پویان عزتی‌زاده، پیمان اصغری، ثمین مرادی، جواد بشردوست، حانیه یاسمن، درناز دشتی‌زاده، زهرا بزرگی، زهرا خجوی، زهرا قاضی زاهدی، زینب‌سادات موسوی، ساجده فرخی، ستاره ورزشی، سعید علوی، سینا هداوند، صدف سادات حقیقت‌زاده، عارفه جامه بزرگ، عسل یمینی، علی امینی، علی دراج، علی شهباز، فاطمه ایمانی، فاطمه رضائی، فاطمه سیادت، فاطمه قلی‌زاده، فاطمه کرمی‌زاده، فاطمه یاری‌سعدی، مایده طاهری، مایده واعظی، مبینا رهگشای، مجید طهماسبی، محمدحسین دستورانی، محمدکاظم آذرکمان، مرضیه حمیدی، مرضیه دمرچی‌لو، مریم حسینی، مریم خوانساری، مریم فرشاد، مریم قربانی، معید مطهری، ملیکا ابراهیمی، مهتا شیردل، مهرگان نظام اسلامی، مهسا فرمانی، مهشید محمدلو، مهناز سرمستی، المیرا داودخانی، المیرا قاسمی، میرمحمد مشرقی، مینا مردای تبار، نرجس رحمتی، نسرین جعفری، نگین شهریاری و نیکا مهدی‌زاده.

زحمت تایپ کتاب نیز بر عهده خانم اکرم مظاهری بود که از ایشان نیز تشکر و قدردانی می‌گردد. اجرشان مأجور باد.

## مصاحبه با گلاره، ۱۴ ساله

من قبلاً این جووری بودم که آه، آه رمان! آه، آه پسر که موهاش رو رنگ می‌کنه! آه، آه لباس صورتی برای پسر! آه، آه چشمای اینا فلانه! و از این جور فکرها، ولی خب بی‌تی‌اس ذهنم رو آپدیت کرد.

- گلاره جان چند سالته؟

۱۴ سالمه.

- و طرفدار بی‌تی‌اس هم هستی؟

بله.

- چند ساله؟

سه ساله. یعنی از ۱۱ سالگی.

- گلاره جان اولین بار از چه طریقی متوجه شدی که کشور کره جنوبی در زمینه فیلم‌سازی و موسیقی فعالیت هنری انجام می‌ده؟  
حقیقتاً من تابستون سال ۹۹ تازه گوشه دار شدم، یعنی می‌شه تابستون کلاس پنجم که به اینترنت دسترسی پیدا کردم. اون زمان با آدم‌های زیادی در ارتباط نبودم، ولی یکی، دو نفر از دوستانم توی کی‌پاپ<sup>۱</sup> طرفدار بعضی از گروه‌ها مثل بلک‌پینک<sup>۲</sup> و بی‌تی‌اس<sup>۳</sup> بودن و خب من هم

---

۱- کی‌پاپ یا پاپ کره‌ای (K-pop) یک ژانر از موسیقی است که خاستگاه آن کره جنوبی است. این ژانر تحت تأثیر سبک‌ها و ژانرهای مختلفی از سراسر جهان بوده است.

۲- بلک‌پینک (Blackpink) گروه دخترانه کره‌ای با چهار عضو به نام‌های جنی، لیسا، رزی و جیسو است که در سال ۲۰۱۶ توسط کمپانی وای‌جی انترتینمنت (YG Entertainment) تشکیل و معرفی شده است. طبق گفته کمپانی، دلیل انتخاب بلک‌پینک به عنوان اسم گروه این است که رنگ صورتی (پینک) مفهوم زیبایی و معصومیت و رنگ سیاه (بلک) مفهوم استعداد و سرکشی برای اعضای گروه را دارد که ترکیب این دو مفهوم می‌شود زیبای باهوش و یا معصوم با استعداد، در واقع این اسم، این مفهوم را می‌رساند که اعضای این گروه در عین معصومیت و زیبایی بسیار با استعداد و البته یاغی هستند. بلک‌پینک موفق‌ترین گروه دخترانه کره‌ای در سطح بین‌المللی است و لقب بزرگ‌ترین گروه دخترانه دنیا از سوی نشریات معتبر به آن‌ها داده شده است. بلک‌پینک نخستین گروه دخترانه کره‌ای است که بیش از یک میلیون نسخه از یک آلبوم‌شان به فروش رسیده است. آن‌ها نخستین گروه دخترانه‌ای بودند که در صدر چارت آرتیست ۱۰۰ بیلبورد قرار گرفتند و اولین گروه دخترانه کره‌ای بودند که وارد چارت هنرمندان نوظهور بیلبورد شدند.

۳- بی‌تی‌اس (BTS) یک گروه موسیقی پسرانه کره‌ای متشکل از هفت عضو به نام‌های وی، آر.ام، جین، جیمین، جیهوپ، شوگا و جونگ‌کوک است، آن‌ها فعالیت خود را در سال ۲۰۱۳ تحت نظر کمپانی بیگ هیت (Big Hit Entertainment) آغاز کردند. بی‌تی‌اس در اصل مخفف نام کره‌ای این گروه یعنی Bangtan Sonyeondan به معنای پسران ضدگلوله است، به گفته جیهوپ این نام اشاره به مقاومت در برابر انتقادات و انتظارات بی‌جا از نوجوانان دارد. بی‌تی‌اس در ابتدا به‌عنوان یک گروه هیپ‌هاپ شروع به کار کرد، ولی در طول زمان سبک‌های گوناگونی را پوشش داد. متن ترانه‌های آن اغلب دغدغه‌های شخصی و اجتماعی، سلامت روان، مشکلات دوران مدرسه، فقدان، عشق به خود و فردگرایی را شامل می‌شود. آثار این گروه اقتباسی از ادبیات و مفاهیم روان‌شناختی و شامل یک خط داستانی مربوط به جهانی جایگزین است. بی‌تی‌اس در سال ۲۰۱۷، به‌عنوان پیشروی موج کره‌ای، وارد بازار موسیقی جهانی شد و رکوردهای فروش بسیاری را شکست. فوربز کره از بی‌تی‌اس به عنوان تأثیرگذارترین چهره‌های کره در سال ۲۰۱۸ و ۲۰۲۰ نام برد.



طرفدار بی‌تی‌اس شدم. اون زمان هم کی‌پاپ خیلی رایج نبود و کسایی که سن بالاتری داشتن و موبایل داشتن، می‌تونستن فن<sup>۱</sup> (طرفدار) کی‌پاپ باشن، ولی کسایی مثل من که به‌خاطر کرونا و آنلاین شدن کلاس‌ها تازه موبایل‌دار شده بودن، تازه می‌تونستن کی‌پاپر<sup>۲</sup> بشن. به غیر از کی‌پاپ هم، ما چون شبکه‌های ماهواره‌ای رو نداشتیم وقتی کانال‌های ایران سریال و فیلم‌های کره‌ای رو نشون می‌دادن، از طریق اون‌ها من یک مقدار با کی‌دراما<sup>۳</sup> هم آشنا شدم. در کل من آشنایی بیش‌تری با کی‌پاپ دارم و این آشنایی هم از طریق یکی از دوست‌هام بود که من رو با گروه بلک‌پینک آشنا کرد. اون زمان به خاطر این که تو سنی بودیم که بیش‌تر عاشق چیزهای دخترونه بودیم، اول با بلک‌پینک آشنا شدیم (می‌خندد).

- مگه توی اون سن چه ویژگی‌هایی وجود داره که باعث شد شما و دوست‌هات اول به گروه بلک‌پینک جذب بشین؟



سوال بسیار سختی بود، ولی خب اون اول که با بلک‌پینک آشنا شدم، عصر تاریکی و جهالت من بود و یه چیز جدید بود برای من که خیلی جاذبه داشت، مثلاً این که فهمیدم یه هم‌چین سبکی از هنر هم وجود داره که قبلش نمی‌دونستم چنین چیزهایی وجود داره، مثلاً لباس‌هاشون، حرکت و رقص‌شون، اون فضایی که توش فیلم‌برداری می‌کردن و حتی از اسم‌شون صورتی هم معلومه دیگه و اینا برام خیلی جذابیت داشت. به نوعی دنیای جدیدی که شاید تو تصوراتم دوستش داشتم، ولی فکر می‌کردم وجود نداره، بود. علاوه بر این ۱۰۰ درصد دخترها وقتی کوچیک‌ترین خیلی دخترونه‌تر رفتار می‌کنن، به‌خاطر همین یه وایب باربی و این چیزها بهم می‌داد که با علایقم یکی بود.



- پس با توجه به چیزی که گفتی تا قبل از این که موبایل شخصی خودت رو داشته باشی با دنیای کی‌پاپ و کی‌دراما آشنا نبودی، درسته؟

<sup>۱</sup>- Fan

<sup>۲</sup>- به هوادارن صنعت موسیقی کره‌جنوبی کی‌پاپر (K-poper) گفته می‌شود.

<sup>۳</sup>- کی‌دراما (K-drama) مدل کوتاه شده درامای کره است که به سریال‌ها و فیلم‌های کره‌ای زبان اطلاق می‌شود. کی‌دراما غالباً در فرمت مینی سریال با ویژگی‌های متمایزی است که آن را از برنامه تلویزیونی یا سریال‌های عامه‌پسند غربی متمایز می‌کند.

چرا! من یک دختر دایی دارم که از من چند سال بزرگ‌تره. اون خودش طرفدار گروه اکسو<sup>۱</sup> بود و سعی می‌کرد من رو هم با اکسو آشنا بکنه، ولی من اون زمان اصلاً از کره‌ای‌ها خوشم نمی‌اومد و اصلاً فکرش رو هم نمی‌کردم که یک روز بخوام طرفدارشون بشم (می‌خندد). تنها آشنایی من با کی‌پاپ همین بود که گروه اکسو رو تاحدودی می‌شناختم.

- چرا چنین تصور و فکری داشتی که هیچ‌وقت قرار نیست خودت هم مثل دختر دایی‌ات طرفدار کره‌ای‌ها بشی؟

می‌دونی من توی سن یازده سالگی فقط به کلمه خارج می‌شناختم که شامل آمریکا و کشورهای شیک و با کلاس بود (می‌خندد) و خب فکر



می‌کردم کره‌ای‌ها و چینی‌ها و ژاپنی‌ها به مشت آدم زشت هستن و اون‌ها رو مثل افغانی‌ها در نظر می‌گرفتم. کلاً توی اون سن بچه بودم و سلیقه‌ام بعداً عوض شد و بعد این کشورها رو شناختم.

- در ادامه چه چیزی باعث شد که شما به‌جای این که دنبال گروه بلک‌پینک بری، ترجیح دادی طرفدار گروه بی‌تی‌اس بشی؟

من اون اوایل نزدیک ۳، ۴ هفته فقط با بلک‌پینک آشنا بودم و حتی بایسم<sup>۲</sup> رو هم انتخاب کرده بودم. یک روز دوستم یکی از موزیک ویدیوهای که تازه از بی‌تی‌اس منتشر شده بود رو برای من فرستاد. اون ویدیو، ام‌وی<sup>۳</sup> (موزیک ویدیو) بوی ویت لاو<sup>۴</sup> بود که با هالزی<sup>۵</sup> خونده بودن. بعد دوستم که موزیک ویدیو رو برام فرستاده بود، بهم گفت که من از بی‌تی‌اس بدم میاد. منم اون زمان برای این که می‌خواستم ثابت کنم آدم پایه

---

<sup>۴</sup>- اکسو (EXO) یک گروه خواننده پاپ کره‌ای و چینی که از ۲۰۱۲ فعالیت خود را با ۱۲ عضو تحت کمپانی اس‌ام (SM Entertainment) شروع کرد. اکسو به دو گروه اکسو-کی و اکسو-ام تقسیم می‌شد که اعضای EXO-K سوهو، بکهیون، چانیول، دی‌ا، کای و سهون و اعضای EXO-M شیومین، لوهان، کریس، لی، چن و تائو بودند. در ۲۰۱۴ کریس و لوهان جهت لغو قرارداد خود اقدام کردند و در ۲۰۱۵، تائو نیز کناره‌گیری خود را از گروه اعلام کرد. از سال ۲۰۱۶ تا به الان، اکسو با ۹ عضو به فعالیت خود ادامه می‌دهد. در سال ۲۰۲۲، در دهمین سالگرد دببوی اکسو، لی نامه‌ای دست‌نویس به زبان انگلیسی و کره‌ای منتشر کرد و خروج خود از کمپانی اس‌ام به عنوان کارمند این کمپانی را اعلام کرد، هر چند همچنان به عنوان عضوی از اکسو حضور دارد. موسیقی آن‌ها ژانرهایمانند کی‌پاپ، پاپ، هیپ‌هاپ و آر‌اند بی را در کنار ژانرهای موسیقی مانند دنس الکترونیک در خود جای داده است. اکسو موسیقی خود را به زبان‌های کره‌ای، چینی و ژاپنی اجرا می‌کند. این گروه به صورت متوالی از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ به عنوان یکی از ۵ چهره تأثیرگذار در لیست سلبریتی قدرتمند کره توسط فوربز قرار گرفته است و از طرف رسانه‌ها نیز به عنوان پادشاهان کی‌پاپ شناخته شده‌اند. اکسو اولین اشخاص غیر سلطنتی بودند که تصویر آن‌ها روی برج خلیفه دبی نمایش داده شد. اکسو همچنین برای آلبوم‌های خود جوایز زیادی کسب کرده است.

۱- بایس (bias) به فرد مورد علاقه یک طرفدار در یک گروه گفته می‌شود. اگر فردی بگوید که بایس من فلان شخص از اعضای گروه است، یعنی از بین اعضای گروه، آن فرد را بیش‌تر از سایرین دوست دارد.

<sup>3</sup>- MV (Music Video)

<sup>4</sup>- Boy with Luv (2019)

<sup>۴</sup>- هالزی (Halsey) خواننده و ترانه‌نویس آمریکایی است. او با منتشر کردن موسیقی در شبکه‌های مجازی توجه‌ها را به خودش جلب کرد. در ۲۰۱۴ او اولین قرارداد موسیقی خود را بست و پس از آن در همان سال اولین آلبوم چندآهنگه خود را منتشر کرد. هالزی برای صدای خوانندگی متمایزش برجسته شده است.

و باحالی هستم، گفتم که «آره اصلاً اینا کی هستن»، «چه قدر زشتن» و از این جور حرف‌ها. بعد از یک مدت به خاطر این که از بلک‌پینک خسته شده بودم، رفتم سراغ همون موزیک ویدیوی بوی ویت لائو و چند بار نگاهش کردم و بعد سراغ بقیه اموی‌های بی‌تی‌اس رفتم. من علاوه بر این توی گوگل هر چیزی که مربوط به بی‌تی‌اس می‌بود رو سرچ و نگاه می‌کردم تا این که فن‌شون شدم یعنی فهمیدم آرمی<sup>۱</sup> معنی‌اش چیه و به فن‌هاشون می‌گن آرمی و اسم اعضای رو فهمیدم و تونستم چهره‌هاشون رو از هم تشخیص بدم و بایس برای خودم انتخاب کنم. بعد از اون کلاً دیگه بلک‌پینک رو گذاشتم کنار. به نظرم این موضوع کلاً سلیقه‌ایه، یعنی اون دوست من که طرفدار بلک‌پینک بود، هنوز هم طرفدار بلک‌پینک مونده، ولی من کلاً بلک‌پینک رو کنار گذاشتم و الان واقعاً عاشق بی‌تی‌اس هستم.



آیا تا به حال با این دوست که طرفدار بلک‌پینک بود و از بی‌تی‌اس بدش می‌اومد، بحث یا دعوایی داشتی؟  
 بله، همون اوایل دعوا کردیم. بعد اون بحث رو خیلی جدی گرفت و قهر کردیم. من هم که خوشم نمی‌اومد عذرخواهی کنم و اون هم نکرد و برای همین آشتی نکردیم، ولی بعد فهمیدم اونم آرمی شده.  
 - سر چه موضوعی باهم دعواتون شد که بعدش رابطه کردین؟  
 خب اون زمان خیلی سن مون کم‌تر بود و کلاً اون شخص از اولش دوست صمیمی من نبود و فقط اوایل که تازه گوشی‌دار شده بودم، تنها کسی بود که می‌تونستم باهاش چت کنم. بعد یک مدتی اون دوستم به من پیام داد و من بهش گفتم آره من آرمی شدم و اون گفتش که نه، نباید طرفدار بی‌تی‌اس بشی و اون‌ها خوب نیستن و منم از بی‌تی‌اس طرفداری کردم و گفتم چرا خوب ان و من طرفدارشون هستم و به تو چه. خلاصه اون هم گفت نه فقط بلک‌پینک خوب هستن و این یکی از دلایلی بود که باعث شد من از بلک‌پینک زده بشم و تهش هم شد همون که گفتم.  
 - این اتفاق مال چند وقت پیش می‌شه؟  
 از وقتی ۱۱ سالم بود تا الان که ۱۴ سالمه یعنی ۳ سال پیش.  
 - الان که داری به این دوستی تموم شده فکر می‌کنی، چه احساسی نسبت به اون رابطه داری؟  
 اگه شخصی بخوام بگم، از اون دختر اصلاً خوشم نمی‌اومد و در حالت عادی هم دلم می‌خواست باهاش قطع رابطه کنم، ولی اگه کلی بخوام بگم، اگه تو این سن هم بودم، باز هم باهاش قهر می‌کردم. کسی که به خاطر بی‌تی‌اس با من بحث بکنه تا وقتی که من بهش کاری ندارم، واقعاً خیلی رو مخه برای همین الان هم اگه بود ۱۰۰ درصد باز هم باهاش قهر می‌کردم.  
 - اگر الان با یه نفر دوست بشی که تمام ویژگی‌های مثبت به عنوان دوست رو از نظرت داشته باشه، ولی فقط با بی‌تی‌اس مشکل داشته باشه، به چه شکلی باهاش رفتار می‌کنی؟

<sup>۱</sup>- آرمی (ARMY) در معنای اولیه به معنای ارتش یا گروه سربازان هست، ولی امروزه در فرهنگ عامه و در فضای مجازی، کلمه آرمی به عنوان اسم جمعیت هواداران گروه موسیقی بی‌تی‌اس تلقی می‌شود که به معنای لشکر بی‌تی‌اس نیز هست.

این که یه نفر از بی‌تی‌اس خوشش نیاد با این که بیاد جبهه بگیره، بگه نه تو نباید طرفدارشون باشی، فرق داره. خیلی از دوست‌های من هستن که واقعاً از بی‌تی‌اس خوششون نمیداد. شاید رابطه‌مون خیلی صمیمی نباشه، ولی به خاطر اینکه زمین‌های نداریم که باهم حرف بزنینم و با این که اصلاً خیلی شباهتی به هم نداریم، ولی باهم دوستیم. اگه منطقی بهش نگاه بکنیم، چون علایق‌مون فرق داره، اون‌ها خوششون نمیداد و من خوشم میاد ولی با این حال باهم دوستیم، ولی اگه بخوان بی‌احترامی بکنن و مثلاً بگن که اینا چی ان تو طرفدارشونی و من خوشم نمیداد و تو هم نباید خوشت بیاد، ۱۰۰ درصد قهر می‌کنم (می‌خندد).

- توی این موزیک ویدیوی بوی ویت لائو که از بی‌تی‌اس دیده بودی چه چیزی باعث شد که بهشون جذب بشی و بخوای درباره‌شون بیش‌تر بدونی؟

صددرصد اولین چیزی که هر نیوآرمی (طرفدار تازه وارد) بهش جذب می‌شه، اون شخصی از گروه هست که دنبالش رفته. برای من اون بایسم بود که اولی‌اش تهیونگ بود و توی همون چند بار اولی که موزیک‌ویدیو رو نگاه کردم، فقط به بایسم توجه کردم که بهتر اون رو بشناسم و ببینم توی هر پارت (بخش) از ام‌وی می‌تونم تشخیصش بدم یا نه. البته اون زمان که من فن بی‌تی‌اس شدم، مردم خیلی تبعیض قایل می‌شدن و جنسیت‌زده عمل می‌کردن، ولی برای من این که اعضای بی‌تی‌اس می‌رقصیدن و موهاشون رو رنگ می‌کردن و توی ام‌وی لباس صورتی پوشیده بودن، خیلی جالب بود و بهش خیلی توجه می‌کردم.

یه چیز دیگه هم این بود که بالاخره رقص دخترها و پسرها باهم فرق داره، برای همین ام‌وی‌های بی‌تی‌اس با بلک‌پینک خیلی متفاوت بود. صداهای بی‌تی‌اس خیلییی قشنگ بود، مثلاً من یه تیکه از پارت رپ شوگا توی بوی ویت لائو رو همیشه گوش می‌کردم و خیلییی جذبش شده بودم. در کل چیزهایی که من خیلی جذبشون شده بودم چهره‌ها، صدا، رنگ مو و استایلشون بود.

- الان بایست و فرد مورد علاقه تو توی بی‌تی‌اس همون تهیونگه یا تغییر کرده؟

قبلاً بایسم تهیونگ بود، ولی الان جونگ‌کوک توی گروه بایسم هست.

- آیا توی اوایل آشنایی‌ات با بی‌تی‌اس و یا حتی بلک‌پینک به دنبال این بودی که درباره گروه‌های دیگه توی کی‌پاپ هم اطلاعات به دست بیاری و به آهنگ‌های اون‌ها هم گوش بدی یا فقط به دنبال شناخت بی‌تی‌اس بودی؟

بله. اتفاقاً بعد از یه مدت یعنی حدوداً یک یا دو ماه بعدش که دوست‌های جدید پیدا کردم، بعضی‌هاشون بودن که طرفدار اکسو بودن. اون موقع به جز اکسو، بی‌تی‌اس و بلک‌پینک با گروه دیگه‌ای آشنا نبودم، ولی بعداً با گروه‌های دیگه آشنا شدم.

توی اون زمان با اکسو آشنا شده بودم و حتی اسم بعضی از اعضاهاشون رو می‌دونستم، ولی هیچ‌وقت طرفدارشون نشدم و حتی بعد از مدتی که فن بی‌تی‌اس شدم، دیگه فن بلک‌پینک هم نبودم و تا الان هم که باهات حرف می‌زنم، فن‌شون نیستم. من به آهنگ‌های آیدول‌های<sup>۱</sup> دیگه گوش نمی‌دم ولی خب اگه آهنگی واقعاً قشنگ باشه گوش می‌دم و نمی‌گم که نباید این کار رو کنم و فقط دوستشون دارم، ولی طرفدارشون نیستم.

- آیا دلیل خاصی داره که به آهنگ‌های بقیه گروه‌ها گوش نمی‌دی؟

معمولاً سبک‌شون و صداهاشون برام جذاب نیست و خب من این طوری‌ام که وقتی یک چیزی رو کامل بشناسم عاشقش می‌شم و بقیه رو خیلییی سطحی دوست دارم و حوصله‌ام نمی‌کشه، خیلی راجع بهشون اطلاعات جمع کنم.

- با توجه به این صحبت‌ها چه تفاوت خاصی بین بلک‌پینک و اکسو با بی‌تی‌اس وجود داشت که باعث شد بی‌تی‌اس رو به عنوان گروه اصلی مورد علاقه‌ات انتخاب کنی و طرفدار اکسو و و بلک‌پینک یا حتی گروه‌های کی‌پاپ دیگه نشی؟

چیز خیلی زیادی از اون موقع یادم نمیداد، ولی شاید به خاطر این بود که همیشه درگیر بی‌تی‌اس بودم یعنی هر زمان هم تلاش کردم که فن گروه دیگه‌ای بشم، نمی‌شد و اگر هم می‌شد، شاید فقط دو یا سه روز طول می‌کشید و بعد فراموششون می‌کردم و دوباره به آرمی بودنم برمی‌گشتم. اون موقع‌ها بیش‌تر به خاطر این بود که هنوز با بی‌تی‌اس کامل آشنا نشده بودم و می‌خواستم کامل آشنا بشم و بعد وارد آشنایی با یه گروه دیگه بشم. دلیل این که همیشه هم درگیر بی‌تی‌اس بودم، شاید این باشه که اکثر کی‌پاپرها فن بی‌تی‌اس هستن.

<sup>۱</sup>- به کسانی که در صنعت کی‌پاپ خواننده هستند آیدول (Idol) گفته می‌شود. آیدول (ستاره) می‌تواند عضو یک گروه و یا خواننده تک نفره باشد. کلمه آیدول برای کارآموزانی که هنوز دوره کارآموزی خود را به پایان نرسانده‌اند، صدق نمی‌کند.

البته خیلی‌ها هم اکسوال<sup>۱</sup> و بلینک<sup>۲</sup> هستند، ولی بیش‌تر و مخصوصاً هم‌سن‌وسال‌ها و دوست‌های من طرفدار بی‌تی‌اس هستند. من هم چون با اون‌ها در ارتباط بودم، بیش‌تر تو نخ بی‌تی‌اس بودم و در واقع خیلی کسی نبود که بخواد من رو با اکسو بیش‌تر آشنا بکنه یا دوباره بخواد فن بلک‌پینک بکنه.

- گلاره جان آیا تاحالا شده که به خاطر آرمی و فن بی‌تی‌اس بودن خودت رو مجبور یا قانع کنی که به گروه‌های دیگه بی‌توجهی کنی و صرفاً و تنها از بی‌تی‌اس حمایت بکنی؟



نه اصلاً این طوری نبوده. حتی خود بی‌تی‌اس هم از یکی از گروه‌ها به اسم تی‌اکس تی<sup>۳</sup> حمایت می‌کنه که تی‌اکس تی توی کمپانی قبلی اون‌ها در حال حاضر دارن کارهاشون رو انجام می‌دن. من هیچ وقت به خاطر این که گروه موردعلاقه‌ام بی‌تی‌اس بوده به گروه‌های دیگه بی‌توجهی نکردم.

- عزیزم شما از چه طریق و روشی از بی‌تی‌اس حمایت می‌کنی؟

من استریم<sup>۴</sup> می‌زنم.

- می‌شه توضیح بدی که تو چه فضایی و چه جور استریم می‌زنی؟

من اسپاتیفای ندارم، یعنی توش ثبت‌نام نکردم، برای همین اون‌جا حرکتی انجام نمی‌دم، ولی چون که آهنگ‌های بی‌تی‌اس همه‌شون ام‌وی دارن، یعنی کلاً تو کی‌پاپ این جوریه دیگه که همه آهنگ‌ها ویدیو دارن، توی یوتیوب لینک‌های موزیک‌ویدیوها رو پیدا می‌کنم و می‌رم تماشا می‌کنم.

این تماشا کردن از سر اجبار و حمایت کردن بی‌تی‌اس هم نیست. ممکنه ۵۰ بار یه موزیک‌ویدیو رو ببینمش، فقط به خاطر این که ازش لذت می‌برم، یعنی هیچ‌وقت به خاطر این که بخوام از بی‌تی‌اس حمایت کنم نمی‌رم و بگذارم و ویدیو رو ببینم و واقعاً از ته دلم لذت می‌برم که ویدیوهاشون رو تماشا کنم. فکر کنم تا الان شاید بیش‌تر از چهل بار موزیک‌ویدیو با تر<sup>۵</sup> رو دیده باشم یا حتی آهنگ‌های دیگه بایسم رو.

<sup>۲</sup>- گروه اکسو نام اکسوال (EXO-L) را برای طرفداران خود برگزیدند چون L اول کلمه LOVE به معنای دوست داشتن است و اکسوال‌ها این گروه کره‌ای را بسیار دوست دارند و آن‌ها نیز طرفداران‌شان را دوست دارند، علاوه بر این در الفبای انگلیسی کلمه L بین کلمات K و M است که نشان‌دهنده دو زیر گروه اکسو است.

<sup>۳</sup>- نام طرفداران گروه بلک‌پینک، بلینک (BLINK) است که حروف اول و آخر نام این گروه است. بلینک به معنای چشمک است.

<sup>۱</sup>- تی‌اکس تی (TXT) که همچنین با نام TOMORROW X TOGETHER نیز شناخته می‌شود، یک گروه کی‌پاپ پسرانه پنج نفره تحت عنوان HYBE است.

اعضای این گروه شامل سوبین، یونجون، تهیون، هیونینگ‌کای و بومگیو است. این گروه در ۲۰۱۹ با اولین مینی آلبوم خود شروع به کار کردند.

<sup>۴</sup>- یکی از مهم‌ترین کمک طرفداران به پیشرفت آیدول خود استریم (stream) است. هواداران با استریم، حمایت خود را از موسیقی‌های مورد علاقه‌شان نشان می‌دهند که این حمایت می‌تواند شامل بازدید زدن موزیک ویدیو در یوتیوب، شنیدن آهنگ در پلتفرم‌های جهانی موسیقی مانند اسپاتیفای و نظایر آن باشد.

<sup>۵</sup>- Butter (2021)

- به طور معمول حدوداً چه قدر از زمان خودت رو برای استریم زدن و حمایت کردن از بی‌تی‌اس می‌گذاری؟  
به طور کلی بخوام بگم اصلاً زمان مشخصی نداره، چون مثلاً به زمانی نیاز دارم که یک آهنگ رو بشنوم یا ویدیوهاشون رو ببینم، ولی اگر بخوام تقریبی حساب بکنم، هفته‌ای ۲ الی ۳ بار این اتفاق می‌افته که استریم بزنم.  
من کلاً بیش‌تر دوست دارم آهنگ گوش بدم تا اموی ببینم، ولی بعضی وقت‌ها نیاز دارم که برای گذروندن وقتم، علاوه بر گوش دادن برم و اموی‌ها رو تماشا کنم.

- با توجه به صحبتت خودت رو موظف نمی‌دونی که حتماً باید استریم بکنی، درسته؟  
نه، اصلاً این جور نیست که خودم رو بکشم که از بی‌تی‌اس حمایت بکنم، اما می‌دونی به دلیلش اینه که آرمی‌ها خیلی زیاد هستن و حتی من و همه دوست‌هام هم اگر این کار رو انجام ندیم، فکر نکنم تغییر چشمگیری توی استریم‌ها یا حمایت‌ها پیش بیاد، ولی من خودم از روی علاقه این کار رو می‌کنم.

- عزیزم آیا تا به حال پیش اومده که یک آهنگ یا ویدیو از بی‌تی‌اس رو دوست نداشته باشی، ولی صرفاً به خاطر این که گروه بی‌تی‌اس رو دوست داری و طرفدارشون هستی به اون آهنگ گوش بدی یا اون ویدیو رو تماشا کنی؟

آره، بعضی وقت‌ها پیش اومده، ولی نه این که از اون آهنگ بدم بیاد، ولی خب مثلاً اون جور هم نبوده که خیلی با سلیقه من یکی باشه. خیلی کم پیش اومده چون معمولاً هر چیزی از بی‌تی‌اس باشه بیش‌تر به صداها یا استایل‌شون یا پارت‌های بایسم یا بایس‌رکرم<sup>۱</sup> توجه می‌کنم و اصلاً برام مهم نیست که ریتم آهنگ و دستگاه آهنگ چی باشه، ولی خب یکی، دو بار این هم پیش اومده.  
وقتی این‌ها پیش میاد دیگه نمی‌نشینم ۵۰ بار. اموی رو ببینم مثلاً دو، سه بار می‌بینمش که فقط آهنگ رو حفظ بشم یا معنی آهنگ رو بفهمم یا استایل‌های جدیدشون رو ببینم.

بین وقتی فن به گروه باشی واقعاً این جوریه که با همه وجود دوست‌شون داری. اگه آرمی باشی با همه وجودت هفت تا عضو بی‌تی‌اس رو دوست داری، پس حتی اگه آهنگ‌شون زشت‌ترین آهنگ دنیا هم باشه، باز به نظرت قشنگ میاد. به خاطر همین خیلی پیش نیومده که من از آهنگی خوشم نیاد.

- آیا از بین دوست‌هات که آرمی هستن یا کی‌پاپرهایی که می‌شناسی کسی هست که خودش رو برای استریم زدن و حمایت کردن از گروه مورد علاقه‌اش موظف بدونه یا به قول خودت خودش رو برای طرفداری بکشه؟

آره، مثلاً خیلی از همین دوست‌هایی که دور و برم هستن و چندتا از هم کلاسی‌هام رو می‌شناسم که نه تنها بایس‌شون بلکه هم‌ممه اعضا رو وقتی به آهنگی می‌دن، موزیک ویدیویی می‌دن یا هر اتفاقی می‌افته رو دنبال می‌کنن، مثلاً تمااااا آلبوم‌هاشون رو دانلود می‌کنن و تمام موزیک ویدیوهاشون رو استریم می‌زنن و در کل خودشون رو می‌کشن.

بعد می‌دونی، استریم زدن به سری شرایط داره مثلاً صدا از به حدی نباید پایین‌تر باشه، چون اون جور استریم به حساب نمیاد. بعد این‌هایی که من می‌شناسم حواس‌شون هست، حتماً صدا رو زیاد بکنن یا حتی خیلی وقت‌ها پیش اومده که همین جور موبایل‌شون رو می‌گذارن که آهنگ یا موزیک ویدیو پلی بشه، بعد خودشون می‌رن کارهاشون رو انجام می‌دن و این فقط برای اینه که استریم حتماً انجام بشه (می‌خندد).



<sup>۱</sup>- بایس رک (bias wrecker) به دومین فرد مورد علاقه یک طرفدار از یک گروه گفته می‌شود. یعنی بایس اولویت اول و بایس رک اولویت دوم آن فرد در گروه است.

- می‌دونی این دوست‌ها معمولاً برای استریم زدن چه قدر زمان می‌گذارن؟ نزدیک‌ترین کسی که بهم هست و این کار رو انجام می‌ده، یکی از دوست‌های صمیمی منه و خیلی خیلی بنگتن رو دوست داره، یعنی بایسش نامجونه، ولی خب همه اعضای بی‌تی‌اس رو خیلی دوست داره و کلاً براش مهم نیست که کدوم فرد از گروه مثلاً آلبوم یا آهنگ یا ام‌وی بده و فقط می‌ره استریم می‌زنه و خب هم لذت می‌بره از این کار و هم این که می‌خواد اونا پیشرفت کنن. اگه بخوام بگم حدوداً چه قدر براش زمان می‌گذاره، هر بار که این اتفاق می‌افته و حالا یکی آهنگ می‌ده و چنین چیزی، می‌ره و این استریم زدن رو چندبار تکرار می‌کنه و من خودم چند بار شاهد این بودم که مثلاً صدای گوشی‌اش رو زیاد می‌کنه و می‌گذاره روی یوتیوب این فیلم پخش می‌شه و خودش می‌ره کارش رو می‌کنه. براش خیلییی مهمه که این کار رو انجام بده و فکر می‌کنم حداقل روزی ۲ ساعت برای این کار وقت می‌گذاره.

- گلاره جان شما از چه طریقی متوجه می‌شی که معنی آهنگ‌های بی‌تی‌اس چیه؟ من تا الان واقعاً وقت نکردم زبان کره‌ای یاد بگیرم و انگلیسی هم فقط تا یه حدی بلدم. مثلاً بعضی از آهنگ‌هاشون تیکه‌های انگلیسی هم داره که حالا اون‌ها رو بعضی وقت‌ها می‌فهمم و بعضی وقت‌ها هم باید ترجمه‌ها رو بخوانم. در کره‌ای‌ها هم ترجمه‌اش رو می‌خوانم. - وقتی به یک آهنگ از بی‌تی‌اس گوش می‌دی، چه چیزی توی اون آهنگ باید باشه که تو رو به خودش جذب بکنه تا چند بار به اون آهنگ گوش بدی یا حتی اون آهنگ به موسیقی مورد علاقه‌ات تبدیل بشه؟ اولین و اصلی‌ترین معیار برای من ریتم آهنگه که معمولاً من از آهنگ‌های آروم و ملایم و وکال (مخصوص خواندن)<sup>۱</sup> خوشم میاد و با آهنگ‌های رپ خیلی حال نمی‌کنم. بعد از بایسم بیش‌تر به این توجه می‌کنم که آهنگی آروم باشه یا مثلاً یه جاهایی از آهنگ اوج بگیره. بعد از این به ترجمه آهنگ توجه می‌کنم که بی‌تی‌اس یا کلاً کی‌پاپ چون بالاخره یک سری محدودیت‌ها و اینا دارن، مثل هالیوود نیستن که حالا آهنگ‌هاشون معنی بدی داشته باشه.

معمولاً آهنگ‌هاشون معنی‌های امیدبخش و ادامه زندگی و موفق شدن داره، مثلاً یه نمونه‌اش آهنگ لایف گوز آن<sup>۲</sup> هست.

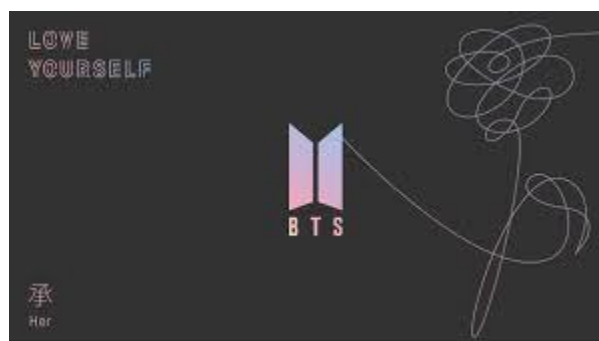


حالا جدا از این‌ها اگه بخوام تو آهنگ به چیزی توجه بکنم، این هم هست که بی‌تی‌اس معمولاً سبک آهنگ‌هاش مثل هم نیست، یعنی آهنگ‌هاش با ریتم‌های مختلف و دستگاه‌های مختلف موسیقی ساخته می‌شن که هر کدوم یه جذابیت جدایی برای خودشون دارن.

<sup>1</sup>- Vocal

<sup>2</sup>- Life Goes On (2020)

- گلاره جان از اون جایی که متن و ترجمه آهنگ‌ها برات اهمیت داره، آیا به جز موضوعات امیدبخش و ادامه زندگی موضوع‌های دیگه‌ای توی آهنگ‌های بی‌تی‌اس هست که تو رو به خودش جذب کنه و ازش لذت ببری؟  
بعد از موضوع لاو یورسلف (خودت را دوست بدار)<sup>۱</sup> و امید به زندگی و این چیزها، یکی لیریک‌های احساسیه که شاید فقط چندتا آهنگ این جواری باشه که مثلاً از یه دختری تعریف می‌کنن، مثل آهنگ دیمپل<sup>۲</sup>. به جز احساسی هم مثلاً یه آهنگ هست به اسم مایک دراپ<sup>۳</sup> که راجع به اینه که به هیترها<sup>۴</sup> اهمیت نمی‌دن و هیترها براشون مهم نیستن و بی‌تی‌اس قدرت‌شون خیلی بیش‌تره. من این‌ها رو دوست دارم، ولی به جز این‌ها اگه آهنگ دیگه‌ای باشه هم به موضوعش توجه نمی‌کنم و همین جواری گوش می‌دم.



- می‌شه توضیح بدی که این محدودیت‌های بی‌تی‌اس یا حتی کلی‌ترش کی‌پاپ، مربوط به چه موضوعاتی هستن؟  
من چون خیلی تو نخ گروه‌های دیگه‌ی کی‌پاپ نبودم، همون محدودیت‌های بی‌تی‌اس رو می‌گم، مثلاً یکی‌اش اینه که هیچ‌وقت بدون پیراهن روی استیج نیومدن یا نهایتاً دیگه خیلی زیاد خواستن به آرمی‌ها نوتیص (توجه و اعلان)<sup>۵</sup> بدن یه تیکه از لباس‌شون رو زدن بالا یا این که مثلاً تا چند وقت پیش تو اینستا پیج شخصی نداشتن و فقط یه دونه پیج کمپانی بود که از همه اعضا عکس، فیلم و خبرهای جدید رو می‌گذاشت، ولی الان پیج شخصی‌شون رو دارن و برای خودشون پست می‌گذارن.  
مثلاً یه سری برنامه‌های مخصوص بی‌تی‌اس هست، بهش می‌گن ران بی‌تی‌اس<sup>۶</sup> که تا الان ۱۰۰ و خرده‌ای از قسمت‌هاش اومده و بی‌تی‌اس توی اون کارهای مختلف انجام می‌دن. توی این برنامه هم مثلاً اگه پیراهن کسی بالا می‌رفت، سانسورش می‌کردن یا روش ایموجی می‌گذاشتن. بعد مثلاً از کلمات فحش و بی‌ادبی رایج توی دنیا و کلمات انگلیسی نباید استفاده بکنن و حتی کلمات فحش کره‌ای رو هم استفاده نمی‌کنن. البته دیگه کم‌کم از محدودیت‌هاشون داره کم می‌شه، نه این که محدودیت‌ها کامل بخواد برطرف بشه‌ها، ولی کم‌کم چون دارن پیشرفت می‌کنن و هم بیش‌تر جهانی می‌شن، بعضی محدودیت‌های اون‌ها کم‌کم داره عادی می‌شه.

<sup>۱</sup>- Love Yourself

<sup>۲</sup>- Dimple (2017)

<sup>۳</sup>- MIC Drop (2017)

<sup>۴</sup>- آنتی فن (anti-fan) یا هیتر (hater) به کسی گفته می‌شود که بر ضد یک گروه و یا طرفداران آن نظراتی را منتشر و شایعه‌هایی را پراکنده کند. هیترها اصولاً از صدا و چهره آیدول‌ها ایراد می‌گیرند و به آنان تنفر می‌ورزند.

<sup>۵</sup>- Notice

<sup>۶</sup>- ران بی‌تی‌اس (RUN BTS) یک مجموعه تلویزیونی است که در آن اعضای بی‌تی‌اس به چالش کشیده می‌شوند. این برنامه که به صورت هفتگی منتشر می‌شود، از سال ۲۰۱۵ در برنامه Vlive نشان داده می‌شد، ولی از سال ۲۰۲۰ به بعد در برنامه Weverse به نمایش گذاشته می‌شود. تا به الان ۳ فصل و ۱۵۶ قسمت از این برنامه منتشر شده است.





- توی برنامه ران بی‌تی‌اس که ۱۰۰ و خرده‌ای قسمت داره، اعضای بی‌تی‌اس چه کارهایی انجام دادن؟ توی اکثر قسمت‌های ران، بی‌تی‌اس کارهای جدیدی رو تجربه می‌کنن و خب کسانی که طرفدارشون هستن، با دیدن لبخند اعضاء بالاخره شاد می‌شن، چون مثلاً دوست دارن تجربه‌های اون‌ها و کارهایی که می‌کنن رو ببینن یا استعداداشون رو ببینن. مثلاً یه قسمتی بود که توی یه جایی شبیه استخر بودن و باهم بازی می‌کردن. بعد اون‌جا جکوزی و سونا و اینا داشت و اعضاء می‌رفتن توی اتاق سونا که دماش خیلی بالا بود، بازی می‌کردن و هر کس جواب اشتباه می‌داد، باید بیش‌تر اون‌جا می‌موند. کلاً جنبه طنز و فان بیش‌تر داره.



برنامه‌های زیاد دیگه‌ای هم هست مثلاً بی‌تی‌اس این دِ سوپ<sup>۱</sup> یکی‌شون بود که چند روز مسافرت بی‌تی‌اس رو نشون می‌داد که رفته بودن توی یه جزیره یا جای جنگلی و طبیعت که خونه‌های باحال و قشنگ داشت و زندگی‌شون باهم دیگه رو نشون می‌داد.

<sup>۱</sup>- بی‌تی‌اس در جنگل (BTS In the Soop) یک مجموعه برنامه ساخته شده توسط بیگ هیت انترتینمنت و Big Hit Three Sixty با حضور اعضاء گروه بی‌تی‌اس است. این برنامه دو فصل دارد که فصل اول از سال ۲۰۲۰ از شبکه JTBC و پلتفرم آنلاین Weverse پخش شد.



بعد مثلاً در کنار این که داشت این مدل تجربه‌هاشون رو نشون می‌داد، تک‌تک می‌بردن شون و از هر کدوم می‌پرسیدن، این قسمت چه طور بود و چه کارهایی کردی و اعضاء از تجربه‌هاشون تعریف می‌کردن یا توی قسمت‌های مختلف ران‌ها آشپزی می‌کنن، بازی می‌کنن که مثلاً یه آهنگ رو حدس می‌زنن که ریتمش اونه.

– این که گفتم آهنگ‌های بی‌تی‌اس به مفاهیم امیدبخش، ادامه زندگی، موفق شدن و به طور کلی مفاهیم مثبت اشاره می‌کنه، آیا تأثیری روی خود تو داشته؟

دقیقاً اسم یکی از آلبوم‌های بی‌تی‌اس لاو یورسلف هست و نود درصد آهنگ‌های بی‌تی‌اس هم راجع به دوست داشتن خودمونه، برخلاف آهنگ‌های دیگه که مثلاً معنی شون اینه که یا شکست عشقی خوردن یا تازه عاشق شدن یا یه چنین چیزهایی. از هر آرمی‌ای بپرسین حداقل ۹۰ درصدشون جوابشون راجع به بی‌تی‌اس اینه که بی‌تی‌اس زندگی شون رو نجات داده، مثلاً اکثر کسانی که باهاشون آشنا شدن زمانی بوده که افسرده بودن و می‌خواستن خودشون رو بکشن و دیگه امید نداشتن و بی‌تی‌اس و به ویژه لیدرشون<sup>۱</sup> نامجون به آدم امید می‌دن و درست زندگی کردن رو یاد می‌دن و می‌گن که خودمون رو دوست داشته باشیم. اولین قانون و شعار بی‌تی‌اس اینه که خودمون رو دوست داشته باشیم. تقریباً فکر کنم دلیل زندگی و شاد بودن همه آرمی‌ها بی‌تی‌اس باشه.

---

<sup>۱</sup> – به رهبر یا سرگروه یک گروه لیدر (leader) گفته می‌شود. لیدرها اصولاً وظایف بیش‌تری نسبت به سایر اعضاء دارند. لیدر وظیفه سازمان‌دهی گروه را برعهده دارد. در هنگام برد یک جایزه لیدرها اصولاً صحبت و تشکر می‌کنند.



فکر کنم تقریباً ۹۰ درصد آر می‌ها این شرایط رو داشتن که توی دوران نوجوانی و بلوغ که داشتن بزرگ می‌شدن ناراحت بودن یا حال شون بد می‌شده و توی همین دوران بوده که با بی‌تی‌اس آشنا شدن و حال شون خیلی بهتر شده.

بی‌تی‌اس بهمون بر عکس این که یاد بده برای دیگران چه جور باشیم، این رو یاد می‌ده که چه جور برای خودمون باشیم و خودمون رو دوست داشته باشیم و چه جور زندگی کنیم و این خیلی تأثیر گذاره. نمی‌دونم درست باشه این رو بگم یا نه، ولی من یه زمانی حتی با سن کمی که داشتم، شب‌ها قبل از خواب همیشه گریه می‌کردم و اصلاً حالم خوب نبود و خب هیچ کس هم متوجه این موضوع نمی‌شد، ولی بی‌تی‌اس نه تنها توی آهنگ‌هاش که می‌گه زندگی ادامه داره، بلکه توی همه چیزش مثل همون ران‌ها و برنامه‌ها و مصاحبه‌هاش بهمون امید می‌دن و می‌گن که ما رو دوست دارن و این موضوع خیلی روی من تأثیر داشت و حالم رو خوب می‌کنه.

- توی صحبت‌هاش به این موضوع اشاره کردی که بی‌تی‌اس زندگی خیلی از آر می‌هایی که اصلاً امید به زندگی نداشتن یا قصد خودکشی داشتن رو نجات داده، آیا شخصی رو می‌شناسی که چنین تجربه‌ای داشته باشه؟

نه، تا جایی که الان فکر می‌کنم، کسی رو ندیدم که این جور باشه و بیش‌تر این قضیه رو شنیدم. شاید بچه‌های ساده‌ای بوده باشن که از طریق آشنایی با بی‌تی‌اس بچه‌های خفن و باحالی شده باشن، ولی خودم به شخصه کسی رو ندیدم که افسرده بوده باشه و بعد از شناخت بی‌تی‌اس حالش خوب شده باشه.

- می‌تونی دلیل این که چرا توی اون سن شب‌ها قبل خواب ناراحت بودی و گریه می‌کردی رو بهم بگی؟  
دلیلش چیزهای مسخره بود، مثلاً این که داشتم تغییر می‌کردم و بزرگ می‌شدم و با جاهای جدید آشنا می‌شدم، خودش عامل ترس بود و به خاطر همین شاید حالم بد می‌شد و بالاخره بلوغ هم رو آدم تأثیر می‌گذاره. کلاً بی‌تی‌اس از وقتی که من باهاشون آشنا شدم، هم من رو سرگرم کردن و همین که اگه واقعاً بخوای با جون و دل بهشون گوش بکنی، حرف‌هایی می‌زنن که روت تأثیر می‌گذاره، مثلاً سخنرانی‌هایی که نامجون توی جاهای مهم کرده و این که راجع به این گفتن که طرفدارهاشون رو چه قدر دوست دارن.

حتی الگو گرفتن از شون توی این که چه قدر توی ۹ سال و خرده‌ای تلاش کردن که به این جایگاه رسیدن و الان از بزرگ‌ترین‌های موسیقی جهان هستن، هم خودش خیلی رو آدم تأثیر می‌گذاره از این جهت که ما هم می‌تونیم شبیه‌شون بشیم. علاوه بر این از راه‌های مختلف و حرف‌هاشون بهمون امید می‌دن و می‌گن که دوستمون دارن.

- عزیزم آیا دلیل خاصی وجود داشت که اعضای گروه بی‌تی‌اس صفحه شخصی برای خودشون توی اینستاگرام نداشتن؟  
دقیقاً نمی‌دونم ولی خب یه محدودیت بود دیگه و اجازه نداشتن که از خودشون عکس و این جور چیزها پست بکنن و پیج شخصی داشته باشن و فالوور داشته باشن. البته کشف شده که گویا جونگ‌کوک قبلاً برای خودش پیج داشته (می‌خندد).

- قضیه این پیج شخصی جونگ‌کوک رو می‌تونی برام تعریف کنی؟

می‌دونی ممکنه شایعه باشه‌ها و خب من چون خودم اینستا ندارم، درباره مدل برنامه‌اش خیلی نمی‌دونم و آشنایی‌ای ندارم، ولی فکر می‌کنم وقتی توی اینستا به پیج جدید می‌زنی، به علامتی میاره که پیج جونگ‌کوک اون رو نداشت برای همین آرمی‌ها گفتن که جونگ‌کوک احتمالاً از قبل این پیج رو داشته و الآن فقط اسمش و این‌ها رو عوض کرده و پیج‌اش رو رسمی کرده.

- یعنی کمپانی‌ای که بی‌تی‌اس براش کار می‌کردن بهشون اجازه نمی‌داد پیج شخصی داشته باشن؟

بله.

- آیا کمپانی محدودیت‌های دیگه‌ای هم براشون اعمال می‌کنه؟

در حال حاضر ازدواج کردن و رابطه داشتن هست و این که اجازه ندارن صحبت‌های سیاسی هم انجام بدن. بعد این که اجازه ندارن بدون بادیکاردهاشون جایی برن یا مخفیانه موهاشون رو رنگ بکنن یا کوتاه بکنن. تا چند وقت پیش هم اجازه نتو زدن نداشتن که حالا انگار اون برطرف شده و حتی تتوی ست هم زدن.



- این تتوی ستی که همه اعضای بی‌تی‌اس باهم زدن چه مفهومی داره؟

این تتو قصه خاصی نداره. کلاً فکر می‌کنم توی همه گروه‌های کی‌پاپ این جور باشه که اعضای گروه خیلی باهم صمیمی‌ان، چون به مدت خیلی طولانی باهم بودن، تمرین کردن، باهم تو خوابگاه بودن و جاهای مختلف رفتن و کنسرت‌های زیاد گذاشتن و چون خیلی باهم بودن، مثل خانواده برای هم می‌مونن. اعضای بی‌تی‌اس هم برای این که نشون بدن باهم متحدن، به تتوی ستی زدن. قبلاً می‌گفتن تتو نزنید، ولی الآن به علامت هفت به تعداد اعضای بی‌تی‌اس دارن که هر کدوم از اعضا به جای بدنش زده، مثلاً جونگ‌کوک پشت گوشش زده بود. کلاً برای نشون دادن هم‌بستگی و اتحاد بی‌تی‌اسه.

- نظر و احساس خودت راجع به این محدودیت‌ها و ممنوعیت‌هایی که کمپانی برای بی‌تی‌اس گذاشته چیه؟

برای یه سری از آرمی‌ها مثل من که سنمون کمه، این چیزها خیلی خوبه، مخصوصاً برای کسانی که مامان‌ها و باباهاشون خیلی با این که فن بی‌تی‌اس باشن موافق نیستن. خب من خودم هیچ‌وقت دلم نمی‌خواد تا زمانی که بزرگ بشم، فن هالیوود بشم چون اونا محدودیت خاصی ندارن و هر کاری دل‌شون بخواد می‌کنن، ولی برای سن من که یک‌سری چیزها هنوز مناسب نیست، به نظرم کی‌پاپ خیلی چیز خوبیه چون محدودیت‌های خودشون رو دارن و همون چیزایی که گفتم، مثلاً تو آهنگ‌هاشون فحش نمی‌دن یا کار غیرقانونی انجام نمی‌دن. البته به نظرم یه سری محدودیت‌ها خیلی برای خودشون سخته، مثلاً این که نباید تتو می‌زدن یا این که نباید بدون اجازه موهاشون رو رنگ یا کوتاه می‌کردن یه ذره بی‌خود بود.

- آیا خود اعضای بی‌تی‌اس یا خواننده‌های دیگه کی‌پاپ صحبتی درباره سخت بودن این محدودیت‌ها داشتن یا نه؟

راجع به اوایل دیبو<sup>۱</sup> و شروع کارشون که خیلی اطلاع ندارم، ولی نه این جور نیستند که مثلاً با کمپانی مشکل داشته باشن و کنار نیان. توی کی‌پاپ خیلی پیش میاد که با کمپانی مشکل داشته باشن، فکر کنم بلک‌پینک هم این جور باشه که هم بلک‌پینک و هم بلینک‌ها با کمپانی مشکل دارن، البته مطمئن نیستم. ولی بی‌تی‌اس این جور نیستن و با کمپانی و قوانینش کنار میان، ولی خب مثلاً یه وقت‌هایی قانون رو زیر پا می‌گذارن مثلاً جونگ‌کوک تئو داره یا بعضی از اعضاء یه موقع‌هایی موهاشون رو کوتاه یا رنگ می‌کنن و خیلی مشکل خاصی هم پیش نمیاد و اون جور نبوده که کمپانی خیلی بهشون گیر بده.

- واکنش طرفدارها به این رفتارها و کارهایی که بی‌تی‌اس بر خلاف قوانین کمپانی‌شون انجام می‌دن به چه صورته؟

خب فن‌ها ۱۰۰ درصد خوشحال می‌شن چون که دوست دارن از بی‌تی‌اس نوتیص بگیرن، یعنی چیزهای جدیدی از بی‌تی‌اس ببینن، چون براشون جذابیت داره، ولی خب فن‌ها نمی‌تونن خیلی خوب درک بکنن که کمپانی به اعضاء ایراد می‌گیره. خیلی از ماها خبر نداریم از این مسایل و فقط در همین حد می‌دونیم که کمپانی‌ها یه سری قوانین دارن و نمی‌دونیم که واقعاً وقتی جونگ‌کوک تئو زده یا اعضاء وقتی موهاشون رو بدون هماهنگی کوتاه یا رنگ کردن، کمپانی چه ری‌اکشنی داشته، ولی خب فن‌ها چون این چیزها رو نمی‌دونن از کارهای اعضاء خوشحال می‌شن و خوششون میاد.

- عزیزم آیا اطلاع داری به طور کلی اگه آیدول‌های کی‌پاپ قوانین کمپانی‌ها رو رعایت نکنن، چه پیامدهایی براشون داره؟

من درباره آیدول‌های کی‌پاپ خیلی چیزی نمی‌دونم، چون کلاً فن‌دوم<sup>۲</sup> اصلی‌ام بی‌تی‌اس هست و فن گروه‌های دیگه هم نیستم، ولی مثلاً در همین حد می‌دونم که یکی از اعضاء اکسو ازدواج کرده و حالا بچه داره و خب به خاطر این قضیه خیلی هیت گرفت. ولی برای اعضاء بی‌تی‌اس چنین اتفاقی نیفتاده که با کسی رابطه داشته باشن یا ازدواج کرده باشن، ولی خب فکر می‌کنم شاید هیت بگیرن.

- مگه طرفدارها چه چیزی توی ذهنشون دارن که وقتی آیدول موردعلاقه‌شون وارد رابطه می‌شه، ممکنه دیگه تمایل به طرفداری کردن ازشون نداشته باشن؟

به نظر من وقتی یه دختر وقتی فن یه پسر می‌شه، چون دوستش داره، از همه لحاظ دوستش داره و نمی‌تونه مثل یه داداش دوستش داشته باشه و واقعاً یکی مثل من عاشق جونگ‌کوک می‌شه.

بعد هم بعضی‌ها خودشون رو با آیدول‌شون تصور می‌کنند، مخصوصاً همین فن‌فیک‌ها و اینا خیلی تأثیر می‌گذاره، چون این‌ها رو می‌خوانن و وسوسه می‌شن که این تصورات رو داشته باشن، برای همین مثلاً دوست دارن اون طرف رو چون خیلی دوستش دارن مال خودشون بدونن حتی اگر غیرمنطقی باشه.

یه سری دیگه از فن‌ها تعصبی‌ان مثلاً این قدر راجع به این چیزها فکر بچه‌گونه کردن که آره مثلاً من می‌رم با فلانی ازدواج می‌کنم، فن تعصبی شدن یعنی یکی بایس من فلانیه، می‌گن آره بابا بیا برو (می‌خندد).

- آیا آیدول‌ها نقشی توی شکل‌گیری این افکار طرفدارها که ما باید با آیدول خودمون ازدواج کنیم، دارن یا نه؟

خب آیدول‌ها جنتلمن بازی در میارن و بعد فن‌ها هم تو ذهن خودشون از آیدول سناریو می‌سازن.

- این جنتلمن بازی که می‌گی یعنی چی؟

مثلاً آیدول‌ها تایپ مورد علاقه دخترها هستن دیگه، هم تیپ‌شون، ادا و اصولشون موقع خواندن، لاس زدنشون و اخلاق‌هاشون.

- مگه جونگ‌کوک چه ویژگی‌هایی داره که باعث می‌شه خودت رو این قدر با شدت عاشقش بدونی؟

<sup>۱</sup> - هنگامی که دوره کارآموزی یک فرد به پایان می‌رسد و تمامی مهارت‌ها و توانایی‌های لازم را دارا می‌شود، می‌تواند به عنوان عضوی از گروه یا خواننده تک خوان اولین اثر هنری خود را منتشر کند که به آن اثر اولیه دیبو (Debut) گفته می‌شود. این اثر هنری اولیه می‌تواند یک ترک یا آلبوم رسمی و یا یک اجرای زنده بین عموم باشد. تاریخ دیبو نیز تاریخی است که گروهی اولین اثر هنری رسمی خود را منتشر کرده است.

<sup>۲</sup> - به مجموعه طرفداران یک گروه فن‌دوم (fandom) گفته می‌شود. فن‌دوم‌ها ممکن است اسم‌های مختلفی داشته باشند. اسم فن‌دوم بی‌تی‌اس آرمی و فن‌دوم بلک‌پینک، بلینک است.

خب با توجه به چیزهایی که از شما می‌بینم، اون دقیقاً تایپ مورد علاقه منه، مثلاً توی ورزش بی‌نظیره و بدنش بی‌نظیره. علاوه بر این موسیقی بخش بزرگی از سرگرمی‌های منه و خب صدای خواننده یکی از مهم‌ترین چیزهاست که صدای جونگ‌کوک بیش از اندازه برام جذابیت داره. در کنار اون شخصیت بی‌نظیری داره و از همه مهم‌تر آرمی‌ها برایش خیلی مهم هستن. وای اصلاً زبانم قاصر هست.



- اگه یک روزی جونگ‌کوک قرار بگذره یا حتی ازدواج بکنه، شما به عنوان طرفدارش که خیلی شدید دوستش داری، چه احساسی پیدا می‌کنی؟ چون تجربه‌اش نکردم، نمی‌دونم، ولی خب ۱۰۰ درصد خیلی ناراحت می‌شم. نه این که ناراحت بشم که نه نباید ازدواج می‌کرد، چون برام درکش سخته ناراحت می‌شم، ولی اصلاً امکان نداره که این موضوع باعث بشه بخوام مثلاً ازش فاصله بگیرم و دیگه فنش نباشم و باز هم عاشقانه دوستش می‌دارم، ولی ممکنه خیلی گریه کنم.

- به طور کلی به جز قرار گذاشتن، چه چیز دیگه‌ای می‌تونه باعث بشه که یه آیدول از طرفدارهاش یا هیترها بازخورد منفی بگیره؟ هم‌جنس‌گرا باشن، برخلاف قوانین کمپانی عمل کنن یا نسبت به کسی یا چیزی ابراز تنفر کنن.

- آیا تا به حال شده بی‌تی‌اس یا آیدول‌های کی‌پاپ به موضوعی ابراز تنفر کنن؟

نه فکر نکنم، اصلاً تا حالا چنین چیزی بوده باشه، چون من بی‌تی‌اس رو استن<sup>۱</sup> می‌کنم و تا حالا کاری رو ندیدم، ولی هیچ‌وقت به خودشون اجازه نمی‌دن نه تنها به خاطر این که سبب هیت گرفتن‌شون می‌شه، بلکه اصلاً هیچ‌وقت خودشون این کار رو نکردن. شاید از کسی هم خوش‌شون نیاد، ولی هیچ‌وقت چنین چیزی رو نگفتن که از کسی بدشون میاد و همه رو حمایت می‌کنن.

- به طور کلی این فن‌های متعصبی که بهشون اشاره کردی، چه ویژگی‌ها و خصوصیات دارن؟

مثلاً خیلی بچه‌گونه فکر می‌کنن و می‌گن فلان عضو مال منه یا مثلاً می‌گن فلان عضو شوهرمه یا مثلاً وقتی که یک ویدیو از یکی از اعضا پیدا می‌کنن، خط‌خطی‌اش می‌کنن و برای بقیه می‌فرستن.

- دلیل این که چرا ویدیوی اعضا رو خط‌خطی می‌کنن رو نمی‌فهمم، می‌شه درباره‌اش توضیح بدی؟

مثلاً این آرمی‌ها یا کلاً کی‌پارهایی که از آیدول مورد علاقه‌شون فیلم استوری می‌کنن یا برای بقیه می‌فرستن و فن‌گرلی (طرفداری هواداران دختر) می‌کنن، حاضر نیستن که یه نفر ویدیوی مورد علاقه اون‌ها از آیدول مورد علاقه‌شون رو داشته باشه، به خاطر همین ویدیو رو خط‌خطی می‌کنن و اسم‌شون رو می‌نویسن که مثلاً مال خودشون باشه و به قول معروف البته به قول معروف که نه این کلمه رو خودشون درست کردن که بقیه ازشون اسکی نرن.

- آیا خودت تا به حال تعصب خاصی که مربوط به بی‌تی‌اس باشه داشتی؟

نه. اصلاً.

<sup>۱</sup>- استن کردن (stan) به معنی پشتیبانی کردن یک گروه است. مثلاً وقتی یک نفر می‌گوید، من این خواننده را استن می‌کنم، یعنی تمام ویدیوها، کلیپ‌ها و آهنگ‌های خواننده را دنبال می‌کنم و در یوتیوب و اسپاتیفای و دیگر پلتفرم‌ها از آن‌ها حمایت می‌کنم.

- عزیزم به طور کلی واکنش آرمی‌ها در مقابل هیترهای بی‌تی‌اس چیه؟  
دسته اول فاقد اهمیت می‌دونن، یعنی اصلاً براشون مهم نیست هیترها چی می‌گن و کار خودشون رو می‌کنن. دسته دوم اون‌هایی هستن که جواب هیترها رو می‌دن و ثابت می‌کنن اعضاء خوب ان. دسته سوم تعصبی‌ها هستن که خودشون رو می‌کشن و فقط دعوا می‌کنن.



- خود شما جزو کدام دسته به حساب می‌ای؟

اولی‌ها. جواب ابلهانه خاموشی است.

- کسی رو توی دور و برت دیدی که جزو دسته دوم یا سوم باشه؟

بله خیلی. تو دوست‌هام زیادن که معمولاً ذهن به ذهن می‌کنن و عصبی می‌شن.

- مثلاً توی این ذهن به ذهن گذاشتن‌ها چه حرف‌هایی بین آرمی‌ها و هیترها رد و بدل می‌شه؟

هیترها تیکه می‌اندازن و از بدی‌های بی‌تی‌اس و اشکالات نداشته اون‌ها حرف می‌زنن و آرمی‌ها همه رو تکذیب می‌کنن و از اعضاء حمایت می‌کنن، مثلاً تو همین بحث هم‌جنس‌گرایی آرمی‌ها هم مثل من می‌گن گرایش‌شون به خودشون مربوطه و ما هم علایق‌مون به خودمون مربوطه.

یا مثلاً توی پیترست زیر یکی از پست‌های یه آرمی که راجع به بی‌تی‌اس و کاور آهنگ وی دونت تاک انی‌مور<sup>۱</sup> بود که جیمین و جونگ‌کوک کاورش کرده بودن، یکی نوشته بود که به نظرم کاور این آهنگ خیلی قشنگ‌تر از اصلیشه. بعد بقیه اومده بودن نوشته بودن که چی می‌گی این آهنگ تو دنیا رتبه چی آورده و سلنا<sup>۲</sup> پرنسسه و ملکه است، چارلی<sup>۳</sup> خیلی صداس قشنگه، اصلی‌اش خیلی قشنگ‌تره و شما و بی‌تی‌اس برین گم‌شین و اینا. بعد آرمی‌ها هم نوشته بودن اگه بحث مقایسه است که بی‌تی‌اس اولین در جهان و از این مدل حرف‌ها و کلاً به هم فحش می‌دادن.

<sup>۱</sup>- We Don't Talk Anymore (2016)

<sup>۲</sup>- سلنا گومز (Selena Gomez) خواننده، ترانه سرا، بازیگر و تهیه‌کننده تلویزیونی اهل آمریکا است.

<sup>۳</sup>- چارلی پوث (Charlie Puth) خواننده، ترانه سرا و تهیه‌کننده موسیقی اهل ایالات متحده آمریکا است.



- این بازخوردهای منفی که آیدول‌ها از جانب هیترها دریافت می‌کنن، چه پیامدهایی برای هیترها داره؟ معمولاً اثرات منفی شون زیاد نیست، چون طرفدارها حمایت می‌کنن، ولی بعضی وقت‌ها مثلاً کسانی مثل سولی و جونگه‌یون عضو شایینی ممکنه دست به خودکشی بزنن و ناامید و خسته بشن.
- درباره خودکشی این آیدول‌هایی که گفتی اطلاعات بیش‌تری داری که به من بگی؟ نه فقط می‌دونم که سولی زیاد هیت گرفته و تو خون‌اش پیداش کردن. هیچ اطلاعات دیگه‌ای ندارم.



- با توجه به این که گفتی مردم نگاه جنسیت زده‌ای به برخی موضوعات داشتن و دارن، آیا بی‌تی‌اس روی دیدگاه خودت نسبت به موضوعاتی مثل رنگ کردن مو و لباس‌های رنگی پوشیدن مردان و... تأثیری گذاشته؟
- خب این مسأله جنسیت‌زدگی و تبعیضی که بین دخترها و پسرها قایل می‌شن، فقط هم توی ایران نیست، ولی فکر کنم تو ایران بیش‌تر از همه‌جا وجود داره، البته به جز کشورهایی که خیلی مسلمان‌ان. ایران یکی از جاهایی بود که بیش‌تر این مسأله جنسیت‌زدگی توش وجود داشت، ولی بعد از آشنایی با بی‌تی‌اس فکر کنم این موضوعات برای همه آرمی‌ها طبیعی شده و الآن هم دیگه توی دنیای جدید، این مسایل حتی برای خیلی از بزرگ‌ترها هم طبیعی و عادی شده. الآن به طور کلی آرمی‌ها و کی‌پارها و حتی فن‌های هالیوود خیلی بهتر از بزرگ‌ترها و همه می‌دونن و درک می‌کنن که جنسیت‌زدگی باید از بین بره، ولی خب با توجه به بعضی از قانون‌های کشور ما سخت و به ندرت پیش میاد که دخترها و پسرهای ایرانی این جور باشن، ولی خب می‌گم که این مسایل به طور کلی برای آرمی‌ها و کی‌پارها تقریباً طبیعی و اوکی شده.
- یه موضوع دیگه هم هم‌جنس‌گرایی‌یه. البته این رو نمی‌گم که هم‌جنس‌گرایی توی کشورهای دیگه رایج و فقط توی ایران اوکی نیست، چون این موضوع به خاطر دین‌مون هست و من اصلاً نمی‌خوام بهش توهین بکنم، ولی این هم می‌تونه یه جورهایی مصداق جنسیت‌زدگی باشه.
- جدای از این مثلاً به دخترها اجازه این داده می‌شه که موهاشون رو بلند یا حتی رنگ کنن، ولی پسرها انقدر راحت نیستن یا حتی پسرها که اجازه دارن با شلوارک بیان تو خیابون ولی دخترها نباید اجازه داشته باشن، البته من خودم به خاطر دین‌مون با این قضیه مشکلی ندارم.
- می‌شه مثال بزنی که به طور مثال، دخترها و پسرها توی ایران چه کارهای دیگه‌ای رو نمی‌تونن انجام بدن، به خاطر این که مردم نسبتاً جنسیت زده هستن یا قوانین کشور بهشون اجازه نمی‌ده؟



یکی از مثال‌های عمده‌اش اینه که مثلاً یه دختر نباید تیپ لش داشته باشه و موهاش پسرانه باشه و لباس‌های مشکی بپوشه و رفتار و اخلاق‌هاش حالت پسرانه داشته باشه. البته این پسرانه بودن رو مردم می‌گن، ولی از نظر ما این جور نیست و آدم‌های جنسیت‌زده، خیلی ازش ایراد می‌گیرن. یکی دیگه‌اش اینه که وقتی پسر لباس رنگی می‌پوشه یا صورتی دوست داره یا رشته هنر رو انتخاب می‌کنه و نقاشی می‌کشه یا موهاش رو رنگ می‌کنه و می‌رقصه، آدم‌ها اینا رو دخترانه می‌دونن. وقتی که یه دختری موتورسواری می‌کنه یا رشته بوکس رو انتخاب کرده یا حتی ورزش بدن‌سازی انجام می‌ده، مردم خیلی باهاش کنار نمیان.

– آیا تو قبل از این که با کی‌پاپ و بی‌تی‌اس آشنا بشی همین نگاه رو داشتی که خیلی از مسایل دختر یا پسر نداره یا بعد از آشنایی با کی‌پاپ چنین نگاه و نگرشی پیدا کردی؟

من که اون موقع خیلی سن زیادی نداشتم که این چیزها برام مهم باشه یا حتی واردش بشم و توی اون دوره سنی من کسی نبود که خیلی این کارها رو انجام بده، برای همین من خیلی کم این مسایل رو دیده بودم، ولی یکی از دوست‌هام بود که اون زمان که همه دخترها عاشق موهای بلند و صورتی بودن، این موهاش پسرانه بود و تیپ‌های پسرانه می‌زد و ورزشش خیلی خوب بود. البته من هم اون زمان یه جورهایی مثل بقیه بودم ولی وقتی با کی‌پاپ آشنا شدم این مسایل بیش‌تر برام اوکی و طبیعی شد و به نوعی عادت کردم و بعدتر فهمیدم که کاری که بقیه انجام می‌دن اشتباهه.

حتی اون اوایل که با بی‌تی‌اس آشنا شده بودم، این که رنگ موهاشون بعضی وقت‌ها خیلی روشن بود، برام خیلی عجیب بود، مثلاً طلایی و مشکی و قهوه‌ای و اینا اوکی بود، ولی مثلاً موهای جیمین صورتی بود یا موهای تهیونگ آبی بود، این‌ها یه کم برام عجیب بود، ولی خب بعدش که فهمیدم این چیزها طبیعی و مشکلی نداره و باید توی جامعه جا بیفته، دیگه برای من هم درست شد.



– گلاره جان آیا مسایل دیگه‌ای هم بود که قبل از آشنایی با کی‌پاپ و بی‌تی‌اس ازش اطلاعی نداشته باشی، ولی بعد از آشنایی با بی‌تی‌اس بفهمی که چنین موضوع‌هایی هم توی جهان وجود دارن؟

چیز زیادی نبود، ولی خب مثلاً یه چیز جالب بی‌تی‌اس این بود که یک گروه موسیقی بودن که هم رپ داشتن و هم وکال و من خیلی با چنین چیزی آشنایی نداشتم و این که پسرها توی اموی می‌رقصن. یکی از استانداردهای کی‌پاپ اینه که هم باید صدا باشه و هم تصویر و همه حتماً باید موزیک ویدیو هم داشته باشن و خیلی کم پیش میاد که موزیک ویدیو نداشته باشن.

چیز دیگه‌ای که تازه بهش پی بردم هم این برنامه ران بی‌تی‌اس بود که برای من جدید و تازه و جالب بود، چون مثلاً هیچ‌وقت یه خواننده ایرانی یه سری برنامه نداره که توش چیزهای جدید رو تجربه کنه و ما رو بخندونه.

– آیا معیارهای دیگه‌ای هم به جز صدا و تصویر داشتن توی کی‌پاپ وجود داره؟

من اطلاعات زیادی درباره این موضوعات ندارم و دنبالش هم نرفتم و فقط همین رو می‌دونستم که مثلاً توی کی‌پاپ یه جورهایی رسمه که اکثر آهنگ‌هاشون اموی دارن و توشون می‌رقصن، ولی چندتا آهنگ مثلاً از بی‌تی‌اس هست که اموی نداره، مثل آهنگ‌های شخصی‌شون یعنی سولوهاشون (تک‌خوانی)!

– عزیزم آیا شما اهل مطالعه داستان و فن‌فیکشن راجع به بی‌تی‌اس هستی؟

نه. یه سری از این فن‌فیکشن‌ها هستن که واقعاً فکر می‌کنم خود اعضای گروه هم ناراحت می‌شن و حتی خودشون گفتن که ناراحت می‌شن که ما آرمی‌ها چنین چیزهایی رو بنویسیم یا بخوانیم.

خیلی پیش نیومده که من فیک خوانده باشم شاید فقط سه، چهار بار این کار رو کردم ولی خیلی این کار رو انجام نمی‌دم چون معمولاً باعث ناراحت شدن اعضاء می‌شه.

- چه مسایلی توی فن‌فیکشن‌ها مطرح می‌شه که حتی می‌تونه خود اعضاء بی‌تی‌اس رو ناراحت بکنه؟  
ای وای! خب یک سری‌هاش مسایل خاک‌برسری داره و بعضی‌هاش رو نمی‌دونم فقط از آرمی‌ها شنیدم که اعضاء ناراحت می‌شن و این هم بیش‌تر به خاطر اون فیک‌هایی هست که مسایل خاک‌برسری دارن.



- این چندتا فن‌فیکشنی که قبلاً خواندی، داستان‌شون چه مدلی بود؟

خب اون چند باری که من فن‌فیکشن خواندم مال دو سال پیش بود که اوایل آرمی شدن من بود. اون موقع هم‌سن‌های من که آرمی بودن، خیلی زیاد بودن و خب دخترهای ۱۲، ۱۳ ساله نمی‌تونستن متن خیلی خوبی بنویسن و خیلی کم پیدا می‌شد مثلاً دخترهای ۱۸، ۱۹ ساله و اینا بیان چیزی بنویسن، ولی خب مثلاً چه جور بگم همه مطالب +۱۸ بودن یا داستان‌های خیلی بچه‌گونه‌ای داشتن مثلاً جیمین مدیر یه شرکته و بعد یکی میاد منشی‌اش می‌شه و از این موضوعات.

کلاً همه چیز محور تخیلاتی بود که طرفدارها توی اون سن با اعضاء توی ذهن‌شون می‌ساختن. مثلاً یه داستان دیگه هم این بود که قصد داشتن عضو هشتم بی‌تی‌اس بشن، ولی یکی از اون‌هایی که خواندم و برام از همه جالب‌تر بود، ومپایری بود که شخصیت اصلی تهیونگ و یه دختری بودن و تهیونگ از دختر تغذیه می‌کرد. اکثر داستان‌ها یعنی همه‌شون ژانر عاشقانه دارن، ولی نه این که از رمان و احساسات خوشم نیادها، ولی به شخصه با این که بیان با اعضاء بی‌تی‌اس چنین داستان‌هایی بنویسن، حال نمی‌کنم.

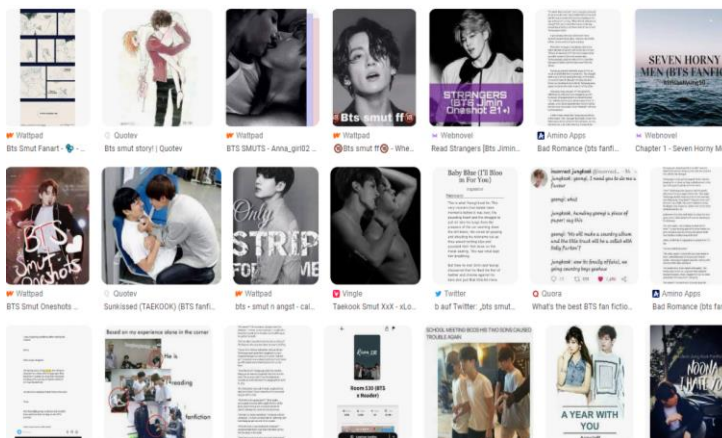


- چه چیزی باعث می‌شه که با این مدل داستان‌نویسی‌هایی با شخصیت اعضای بی‌تی‌اس هستن، حال نکنی؟  
 ببین به نظرم بی‌تی‌اس یه شخصیتی دارن که توی این داستان‌ها میان شخصیت رو عوض می‌کنن و هر طوری که خودشون دل‌شون می‌خواد اون رو بیان می‌کنن و با اون ارزش لذت می‌برن. به نظر من این کار اشتباهیه که وقتی خود اون آدم وجود داره و زندگی می‌کنه، شخصیتش رو عوض کنیم و از این کار و شخصیت لذت ببریم. خب چه کاریه دیگه فن این خواننده نباش و برو اون شخصیتی که تو ذهنت پرورش دادی رو دست داشته باش.

واقعاً فکر می‌کنم برای اعضاء یه چیز ناراحت‌کننده هست و وقتی خودت رو هم جای اونا بگذاری، فکر کن یه آدمی باشی با یه شخصیتی که یه کاری رو داری انجام می‌دی و بقیه بیان ازت برای لذت بردن خودشون سوءاستفاده بکنن. حتی یه بار جونگ‌کوک اگر این شایعه نباشه اشاره کرده بود که آره، مثلاً من خیلی ناراحت شدم که فن‌ها چنین کاری می‌کنن.

- از بین دوست‌هات کسی هستش که اهل خواندن فن‌فیکشن باشه و اون‌ها رو پیگیری کنه؟  
 می‌دونم خب من این جور یه نیستم که بگم نه من خیلی مثبتم و اصلاً از این‌ها نمی‌خوانم، فقط دوست ندارم شخصیت‌هاش از اعضاء باشه، اما دوست‌هام چرا. اون‌ها از خوردنش لذت می‌برن، یعنی اون‌هایی که نمی‌دونن اعضاء خوش‌شون نمیداد یا براشون خوب نیست، این چیزها رایج باشه.

- دوست‌هات مگه چه چیزهایی می‌خوانن که به نظرت براشون خوب نیست؟  
 اسمات (داستان‌های خارج از اخلاق) و وانشات و داستان‌هایی که اعضاء توشون مافیا و ومپایر و این جور چیزها هستن و خود واقعی‌شون نیستن یا مثلاً می‌کن اعضاء هم‌جنس‌گرا هستن یا با شخصیت‌های بی‌رحم و خشن جلوه می‌دن‌شون و ازشون سوءاستفاده می‌کنن و شخصیت‌شون رو عوض می‌کنن.



- گلاره جان آیا تا به حال تصور و خیال‌پردازی راجع به خودت و اعضای بی‌تی‌اس داشتی یا نه؟  
بین تصورش که ۱۰۰ درصد هست (می‌خندد) ولی خب مثلاً بخوام به بقیه بگم و بروز بدم و از این کارهای بچه‌گونه بکنم نه. فقط ابراز علاقه می‌کنم.

- می‌تونی بیش‌تر درباره‌اش توضیح بدی؟  
مثلاً همیشه به فانتزی‌هام فکر می‌کنم مثل این که فاصله سنی‌ام با جونگ‌کوک کم باشه و بتونم از نزدیک ببینمش و باهاش حرف بزنم و دوستم داشته باشه و خیلی فراتر از دوست باشیم و بیییییین مثلاً!!! کوک شوهرم باشه. وای می‌شه نگم؟  
- بله عزیزم راحت باش.

- آیا پدر و مادرت از این که شما طرفدار کی‌پاپ و بی‌تی‌اس هستی، خبر دارن؟  
بله، خبر دارن.

- مادر و پدرت وقتی متوجه شدن که شما طرفدار کی‌پاپ و بی‌تی‌اس شدی، چه واکنشی از خودتون نشون دادن؟  
خب مامان و بابای من کلاً اطلاعات زیادی از این موضوعات نداشتن، یعنی مثلاً این که افرادی هستن به اسم آیدول و یه صنعتی هست به اسم کی‌پاپ رو نمی‌دونستن ولی وقتی بهشون گفتم مامانم که اصلاً با این مسایل مشکلی نداره که آهنگ‌هاشون رو گوش بدم یا فیلم‌هاشون رو ببینم و بی‌تی‌اس رو یک گروه موسیقی می‌دونه که من نسبت به سنم بهشون علاقه دارم و دوست دارم گوش بدم، ولی بابام اتفاقاً خیلی هم همراهی می‌کنه، یعنی قسمت خوبش اینه که بابام اصلاً محدودیت نداشته و خب بابای من خیلی آدم منطقی‌ایه و این جور نیست که بگه چون اون‌ا کره‌ای هستن، تو نباید فن‌شون باشی یا چون کره‌ای حرف می‌زنی و تو هم حرف‌هاشون رو نمی‌فهمی نباید فن‌شون باشی و مثلاً حالا چون آداب زندگی‌شون با ما فرق می‌کنه تو نباید فن‌شون باشی. اتفاقاً حتی بابام اسم چندتا از اعضاء رو بلده و می‌گه بایس من نامجونه و از این حرف‌ها (می‌خندد). به شخصه بابام خیلی باهام همراهی می‌کنه و مامانم هم مشکلی نداره و مثلاً من رو سر این موضوع دعوا نمی‌کنه که چرا داری از این‌ها طرفداری می‌کنی.

- آیا کسی از دوست‌هات که آرمی یا کی‌پاپر هستن از سمت پدر و مادرشون سخت‌گیری‌هایی درباره طرفداری از کی‌پاپ می‌بینن؟  
آره می‌شناسم چند نفر رو که حتی اگه الان این جور نباشن، قبلاً این جور بودن که از مامان و باباشون مخفی می‌کردن یا مثلاً مامان و باباشون اجازه نمی‌دادن کی‌پاپ رو دنبال بکنن و هر چی می‌شد، مثلاً نمره کم می‌آوردن یا کار اشتباهی می‌کردن، می‌گفتن تقصیر اون بی‌تی‌اسه که طرفدارش هستی. خیلی از مامان‌ها و باباها که می‌خوان بچه‌هاشون رو پاستوریزه بار بیارن هم این جور ان که بیا مثلاً طرفدار حامد همایون بشو (می‌خندد). بعضی‌هاشون هم این چیزها رو چیز بدی می‌دونن.

- اون دوست‌هات که طرفداری از بی‌تی‌اس رو از پدر و مادرشون مخفی می‌کردن، برای این کارشون چه دلیلی داشتن؟  
چون مثلاً مامان و باباشون کلی نصیحت می‌کردن یا دعواشون می‌کردن یا ازشون گوهی و امکاناتشون رو می‌گرفتن.

- به نظرت چه چیزی باعث می‌شه که بچه‌ها این موضوعات رو از پدر و مادرشون مخفی کنن؟  
مامان و باباها معتقدن که این کارها، ماها رو از راه به در می‌کنه و مثلاً ما درس نمی‌خوانیم یا فرهنگ خودمون رو فراموش می‌کنیم.

- آیا این چیزهایی که مادر و پدرها می‌گن برای شما یا دوستان خودت قانع‌کننده هست؟

خب ۱۰۰ درصد اون‌ها نمی‌تونن ما رو درک کنن و یک سری مشکلات پیش میاد و ما توقع داریم اون‌ها ما رو بفهمن. یک جاهایی هم پدر و مادرها درست می‌گن و من معتقدم تا یک جایی درست می‌گن، ولی خب باز هم نمی‌تونن کامل ما رو درک کنن.

- این مشکلاتی که با درک نشدن شما و دوست‌هات از سمت مادر و پدر ممکنه پیش بیاد چه چیزهایی هستن؟  
مثلاً ممکنه پدر و مادرها از گوشه محروم‌شون کنن یا دعواشون کنن.

- چه حدی از حرف‌ها و دلایل پدر و مادرها به نظرت حرف‌های درستی هست؟

برای خودم که تا حالا پیش نیومده که سر چنین چیزی با مامان و بابام بحث بکنم، ولی مثلاً مامان و باباهای دیگه به بچه‌هاشون درباره اون حدی که از نظر من درست نیست، این رو می‌گن که برای مثال وای این‌ها تو رو از راه به در می‌کنن یا این‌ها شیطان‌پرست ان و این چرت و پرت‌ها، ولی خب گفتم مثلاً یه سری بچه‌ها خودشون عقل‌شون نمی‌رسه پس مامان و باباشون حق دارن که جلوشون رو بگیرن، چون که

بچه‌هاشون هنوز بالغ نشدن که مثلاً بفهمن چیزی خوبه یا بده مثلاً ما که هیچ‌وقت نمی‌تونیم به سری کارهایی که اعضاء می‌کنن رو انجام بدیم مثلاً توی دین اسلام می‌گن، دختر نباید آهنگ بخوانه و شاید به خانواده مذهبی اجازه ندادن به دخترشون که بره آیدول بشه، ولی اون دختر هوس بکنه که بره آیدول بشه، به‌خاطر همین مامان و باباش جلوش رو می‌گیرن.  
- آیا دلیل خاصی وجود داره که مامان و باباها می‌گن آیدول‌های کی‌پاپ شیطان‌پرست هستن؟  
شایعه زیاد هست، ولی وجود واقعی نداره.



- می‌شه یکی از همین شایعه‌هایی که وجود داره رو مثال بزنی؟  
هیترها این حرف رو زیاد می‌زنن، ولی من اصلاً خودم چیزی ندیدم و الان هم متأسفانه مثالی به یادم نمیاد.  
- گلاره جان آیا طرفداری از بی‌تی‌اس روی عملکرد خودت توی زندگی یا درس تأثیری داشته؟  
بله. البته خب من وقتی غرق کی‌پاپ بودم تونستم برم تیزهوشان، ولی مثلاً کم‌تر از قبل کتاب می‌خوانم یا کم‌تر تلویزیون می‌بینم و حتی کم‌تر درس می‌خوانم، ولی در عوض از موسیقی لذت می‌برم.  
- به‌طور معمول مثلاً چه قدر از زمانت رو برای دنبال کردن بی‌تی‌اس می‌گذاری؟  
۶-۷ ساعت در روز.



- توی این ساعات چه کارهایی انجام می‌دی؟  
آهنگ گوش می‌دم، ویدیو و عکس می‌بینم و اخبار جدید رو می‌بینم.  
- اگه یه روزی نتونی این مقدار زمان رو برای دنبال کردن بی‌تی‌اس بگذاری، چه حالی پیدا می‌کنی؟  
آهنگ گوش کردن رو که تقریباً حدود ۵ ساعت از فقط آهنگ گوش می‌دم و معتادم (می‌خندد) و خیلی بیش‌تر هم ممکنه بشه، چون کلاً تو انجام دادن همه کارهام آهنگ گوش دادم و بدون آهنگ واقعاً نمی‌تونم کار کنم و حالم بد می‌شه.

ولی دیدن عکس و فیلم و این‌ها، نه این که بگم مهم نیستن‌ها، ولی وقتی بتونم انجامش می‌دم مثلاً عکس‌هایی که خودم دارم رو نگاه می‌کنم و فیلم‌های مورد علاقه‌ام رو تماشا می‌کنم. ندیدنش حالم رو بد نمی‌کنه، ولی وقتی حالم بده، دیدنش حالم رو خوب می‌کنه.

– عزیزم آیا تا به حال شده که به آیدول شدن توی کی‌پاپ فکر کنی؟

آره خیلی، ولی فقط به عنوان فانتزی بهش فکر می‌کنم، نه، جدی مثلاً اگر عضو هشتم بی‌تی‌اس بودم.

– یعنی وقتی به این که عضو هشتم بی‌تی‌اس باشی، فکر می‌کنی، چه چیزی توی ذهنت می‌اد؟

من تنها چیزی که بهش فکر می‌کنم، وقت گذروندن با جونگ‌کوک که حالا چه به عنوان پارتنرش، چه به عنوان هم‌گروهی‌اش و چه به عنوان بطری‌آبش. من فقط سعی می‌کنم نیازهام رو با تخیلاتم جبران کنم، مثلاً فکر می‌کنم اگه عضو هشتم بودم می‌تونستم جونگ‌کوک رو از نزدیک ببینم و باهاش بخوانم و برقصم.

– این تخیلاتی که در ارتباط با خودت و جونگ‌کوک به هر شکلی داری، چه مقدار روی زندگی روزمره‌ات تأثیر می‌گذاره؟

خیلی جدی که نیست یعنی سعی می‌کنم جدی نگیرم‌شون، چون اتفاق نمی‌افته و فقط حالم رو باهاش تغییر می‌دم و خوب می‌کنم. وقتی که تو افکارم غرق می‌شم، معمولاً افکار و فانتزی‌هام راجع به این موضوعه ولی مثلاً جوری نیست که تو عالم واقعی پیام راجع به این حرف بزنم که وای مثلاً من خودم رو کنار جونگ‌کوک تصور می‌کنم.

– گلاره جان آیا تا به حال به کره جنوبی به‌عنوان یک مقصد برای زندگی همیشگی و مهاجرت کردن فکر کردی؟

نه، برای من اتفاق نیفتاده، چون کلاً با این کشور خیلی آشنایی ندارم و هم علاقه‌ای به این کار ندارم و ترجیح می‌دم که برم به کشور بین‌المللی مثل انگلیس که مثلاً توش زبان بلدم، ولی فکر می‌کنم خیلی‌ها باشن که دوست داشته باشن برن کره زندگی کنن. در کل کره خیلی جای قشنگیه، ولی من دوست ندارم برای مهاجرت کردن. ولی خب مثلاً اگه بخوام برم ببینم، آره دوست دارم.

به نظر خودم این افکار و رؤیا که کلاً بخوای به خاطر آیدول‌ها یا بی‌تی‌اس بری اون‌جا زندگی کنی یه کم بچه‌گونه است و من همیشه با خودم فکر می‌کنم، شاید یه روزی برسه که دیگه نخوام فن بی‌تی‌اس باشم، نه این که ازشون بدم بیاد، ولی علاقه‌ای هم نداشته باشم، چون وقتی به بزرگ‌ترها مثل مامان و بابای خودم نگاه می‌کنم، این جوری نیستن که یه نفر رو دوست داشته باشن و چسبیده باشن بهش و همیشه دنبالش باشن.

آدم وقتی بزرگ می‌شه و سلیقه‌اش تغییر می‌کنه و این که آرزو داشته باشی بری اون‌جا زندگی بکنی، یه کم افکار بچه‌گونه‌ایه. نه این که بگم نمی‌خوام اون‌ها رو ببینم، ولی به خودم باور دادم که قرار نیست ببینم‌شون، چون می‌دونی محدودیت‌هامون خیلی زیاده.

– آیا کسی رو می‌شناسی که به خاطر بی‌تی‌اس یا کی‌پاپ بخواد بره کره و اون‌جا زندگی بکنه؟

مثلاً یه سری آرمی‌ها که هنوز سن‌شون کمه و عقل‌شون خیلی نمی‌رسه و این‌ها مثلاً این جوری ان که آره من می‌خوام برم کره اعضاء رو ببینم و کلاً همه‌اش یه سری هوس دارن و مثلاً دوست دارن برن کره که برن فن‌ساین<sup>۱</sup>، برن کنسرت یا برن کمپانی اعضاء رو ببینن. یه چنین چیزهای چرت و پرتی رو درباره‌اش فکر می‌کنن. بعضی‌ها هم مثلاً دوست دارن زبون اون‌ها رو یاد بگیرن و کلاً به خاطر این که اعضاء تو کره زندگی می‌کنن، این‌ها هم برن کره زندگی کنن.

– می‌شه درباره محدودیت‌هایی که باعث شده به این باور برسی که هیچ‌وقت قرار نیست بی‌تی‌اس رو ببینی، توضیح بدی؟

خوب کشور ما یک کشور اسلامی و ورود بی‌تی‌اس بهش ممنوعه، یعنی حتی عربستان هم به بی‌تی‌اس اجازه داد که بره اون‌جا کنسرت بگذاره، ولی ایران نه. این یکی از دلایل این موضوعه که کشور ما اجازه نمی‌ده ما هم‌چنین کاری بکنیم و تا وقتی که این قدر پولدار نباشیم که بریم کنسرت یا مهاجرت بکنیم یا یه سفر کوتاه به کره بریم، نمی‌تونیم بی‌تی‌اس رو ببینیم و اون‌ها هم نمی‌تونن ما رو ببینن. دومین مسأله هم اینه که ایران خیلی کشور گنده و توچشمی مثل انگلیس و آمریکا نیست که بی‌تی‌اس همیشه بهش توجه بکنن و ما رو یادشون بیاد. خیلی به آرمی‌های مسلمون و ایرانی اشاره کردن، ولی خب برای اون‌ها یه بخش خیلی خیلی کوچیکی هستیم. سه هم اینه که اسلام کلاً این چیزها رو حرام می‌دونه که ما آهنگ‌های خارجی گوش بکنیم و فن این‌ها باشیم و این‌ها مثلاً آدم‌های بدی ان که موهاشون رو و رنگ می‌کنن و آدم‌های

<sup>۱</sup> – فن‌ساین (fan sign) همان ملاقات با آیدول اما خصوصی‌تر است و در فن‌ساین طرفداران برای گرفتن امضاء از آلبوم جدید آیدول حضور پیدا می‌کنند و شامل صحبت حضوری و عکاسی نیز می‌شود.

بدی ان که فلان کار رو می‌کنن. البته اسلام که نه مملکت الان این مدلیه. با توجه به این موضوعات به نظرم دیدن‌شون یه رؤیایی‌ایه که نمی‌تونه حقیقی باشه.

– این که به نظرت دیدن بی‌تی‌اس یه رؤیاییه که نمی‌تونه حقیقی بشه، چه احساسی بهت می‌ده؟

می‌دونی تقریباً دیگه عادت کردم که بی‌تی‌اس فقط یه کسایی هستن که از پشت گوشی می‌شه دیدشون، ولی وقتی آدم خیلی بهش فکر می‌کنه و می‌بینه که خیلی‌ها هستن که می‌تونن اون‌ها رو ببینن، چندین بار برن فن‌ساین، چندین بار برن کنسرت یا این که ببینی مثلاً تو همین کشور همسایه کنسرت گذاشتن یا قطر که مثلاً دیگه خیلی اون‌ها هم مذهبی ان و یکی از اعضای بی‌تی‌اس رفته اون‌جا خیلی فشار داره (می‌خندد)، یعنی در کل حس بدی داره این‌ها رو ببینیم و نمی‌تونم چه جوری توصیفش کنم و اصلاً نمی‌دونم چی بگم. اگه هم بخوام حس این رو بگم که مثلاً از خود اون طرفی که می‌خوام ببینمش، دورم، خب مثلاً این جوریه که تو دلت می‌خواد با تمام وجود اون رو ببینی و بری مثل بقیه بغلش کنی و ازش امضاء بگیری ولی نمی‌شه.

– چرا این فکر رو داری که اون طرفدارهایی که می‌خوان به خاطر کی‌پاپ برن کره و زندگی کنن صرفاً یه هوس دارن؟

خب ببین به نظر من ماهایی که اینجا هستیم و شرایطمون اینه، به غیر از اون‌هایی که پولدار هستن، خیلی احتمالش کمه که بتونیم بریم اون‌جا و بتونیم با اعضاء ارتباط برقرار بکنیم و ببینیم‌شون، به خاطر همین یک کار بیهوده است و مثلاً تا وقتی که زیرنویس هست، چه نیازی هست که کره‌ای یاد بگیریم. شاید هم از نظر من این جوریه که این فقط خیلی حوصله می‌خواد و کار بی‌خودیه.

– پس خودت هیچ‌وقت نشده که بخوای زبان کره‌ای رو یاد بگیری، درسته؟

نه خب، وقتی زیرنویس هست، لازم نمی‌بینم که بخوام یاد بگیرم، چون یه کم بچه‌بازیه و مثلاً هیچ‌وقت قرار نیست من برم توی فن‌ساین با بی‌تی‌اس حرف بزنم، ولی مثلاً چندتا سریال کره‌ای که دیدم یا همین ران‌های بی‌تی‌اس رو تماشا کردم و اینا، چندتا کلمه در حد سلام و خداحافظ و چه طوری و معذرت می‌خوام بلدم.

کلاً به نظر من این که یه چیزی رو بدون هدف یاد بگیری بی‌معنی و بیهوده هست، مثلاً اگر من قرار بود ترجمه کنم یادگیری زبان کره‌ای خیلی هم خوب بود، ولی وقتی قرار نیست ازش استفاده‌ای کنم، دلیلی نمی‌بینم که بخوام این زبان رو یاد بگیرم.

– آیا تا به حال از پوشش و استایل بی‌تی‌اس الگوبرداری کردی؟

آره خب مثلاً من هم لباس‌های گشاد مثل جونتگ کوک می‌پوشم، نه برای این که مثل اون باشم، چون لباس‌های اون رو دوست دارم.

– این که از لباس‌های جونتگ کوک الگوبرداری می‌کنی برای تو خونه است یا بیرون از خونه هم این کار رو انجام می‌دی؟

همه جا این مدلی‌ام و حتی مراسم‌های رسمی‌تر هم که می‌ریم مثلاً پیراهن و این جور لباس‌ها رو نمی‌پوشم یا مثلاً پالتوهای زنونه اون مدلی نمی‌پوشم و بیش‌تر لباس‌های لش و گشاد می‌پوشم.

– از آرایش‌شون چه طور، الگوبرداری کردی؟



من میکاپ که نمی‌کنم چون به نظرم سنم اون قدری نیست که بخوام این کار رو بکنم و همین که اصلاً میکاپ کردن رو دوست ندارم. میکاپ اعضاء هم چیز خیلی ناواضحیه، یعنی اصلاً بخوام خودم رو شبیه اون‌ها بکنم، نمی‌دونم چه شکلیه (می‌خندد) و فکر می‌کنم فقط یه کرم‌پودر باید بزنم با یه برق‌لب.

- نظر شخصی خودت درباره آرایش کردن بی‌تی‌اس که پسر هستن چیه؟

تا جایی که من دیدم میکاپ خیلی ساده‌ای دارن و در اینه که یه برق‌لب بزنن که اون هم برای نمای خوب لب‌شونه نه برای این که بخوان شبیه دخترها بشن. کرم‌پودر و این‌ها رو هم حتی آدم‌های ایرانی هم تو برنامه‌ها می‌زنن. سایه چشم هم می‌زنن، ولی سایه چشمی که ما دیدیم هم نه، البته به ما ربطی نداره هر کاری دل‌شون می‌خواد بکنن. نظر شخصی‌ام اینه که اصلاً هیچ مشکلی باهاش ندارم و بین خیلی شخصی بخوام بگم خوشم نیامد یه پسر خیلییی خودش آرایش بکنه، ولی در حدی که بتونن این آزادی رو داشته باشن، دوست دارم و حتی لاک زدن به نظرم مشکلی نداره مثل جیهوپ که لاک می‌زنه. در کل به شخصه با این موضوع مشکلی ندارم البته خیلی دلم می‌خواست همیشه با قیافه نرمال (معمولی) خودشون باشن، ولی خب چون که نیاز دارند که خیلی زیباتر باشن، باید میکاپ کنن.



- آیا قبل از آشنایی با بی‌تی‌اس هم چنین نگرشی نسبت به آرایش مردها داشتی؟

نه، عقب مونده بودم و اصلاً نمی‌دونستم پسرها ممکنه چنین کاری بکنن و اگر می‌دونستم می‌گفتم آه آه.

- گلاره جان آیا الگوبرداری دیگه‌ای از گروه بی‌تی‌اس به جز در استایل و پوشش داشتی؟

امممم شاید آدم خوبی بودن و انسان بودن رو بتونم بگم. الان اگه بخوام مثال بزنم مثلاً توی اکثر جاهایی که اعضاء با یه دختر یا زن ملاقات داشتند، هیچ‌وقت به خودشون اجازه نمی‌دادن که خیلی به اون خانم نزدیک بشن و تو اکثر عکس‌ها حتی دست‌شون رو روی کمر اون شخصی نگذاشتن که می‌خوان باهاش عکس بگیرن، به جز این که خودم رو دوست داشته باشم چیزی یادم نیامد.

- آیا تا به حال شده که خودت رو از نظر ظاهری و جسمانی با آیدول‌های کی‌پاپ مقایسه بکنی؟

کلاً چنین معیارهایی ندارم که بگم باید شبیه شخص خاصی بشم، البته دوست داشتم هیکلم شبیه ریوجین از ایتزی<sup>۱</sup> بود.

- این که الان بدنی شبیه ریوجین نداری، چه احساسی بهت می‌ده؟

در کل خیلی اهمیت نمی‌دم، ولی ۵۰ درصد به خاطر اون موهام رو کوتاه کردم.



<sup>۱</sup> - گروه موسیقی دخترانه ایتزی (ITZY) شامل پنج عضو به نام‌ها یجی، لیا، ریوجین، چریونگ و یونا است که از سال ۲۰۱۹ زیر نظر کمپانی JYP فعالیت خود را شروع کردند.



- عزیزم آیا تا به حال دنیال این بودی که وسایل بی‌تی‌اس مثل آلبوم رو تهیه کنی؟  
درسته این جوری ازشون حمایت می‌شه، ولی من انقدر جدی به قضیه نگاه نمی‌کنم. دلم می‌خواد این چیزها رو داشته باشم، ولی هیچ‌وقت براشون پافشاری نمی‌کنم.

- چرا به خریدن آلبوم و این مدل وسایل خیلی اصراری نداری؟  
چون اولویت زندگی‌ام اول خودم هستم و بعد بی‌تی‌اس. مامان و بابام تا یک جایی من رو درک کردن پس من هم درکشون می‌کنم، چون می‌دونم نمی‌تونن چند میلیون بدن که من فقط یک لامپ که مثلاً لایت استیکه<sup>۱</sup> رو داشته باشم، پس مراعات می‌کنم. به خاطر همین بهم القا شده که بهتره به این چیزها فکر نکنم.



- اگر این وسایل بی‌تی‌اس قیمت پایین‌تری داشتن، آیا شما دنیال این می‌رفتی که اون‌ها رو بخری؟  
بله احتمالاً.
- انگیزه‌ات از تهیه کردن آلبوم یا لایت استیک در این صورت چی می‌بود؟  
این که بی‌تی‌اس حمایت می‌شن و عقده‌هام برطرف می‌شد.
- مگه چه عقده‌هایی داری که با خرید آلبوم و این مدل وسایل رفع می‌شن؟  
مثلاً دوست دارم فوتوکارت داشته باشم یا مثل آرمی‌هایی که شرایطش رو دارن، کلی آلبوم داشته باشم.
- حالا به غیر از آلبوم و این جور چیزها که گرون هستن، وسیله‌های دیگه‌ای گرفتی که به بی‌تی‌اس مربوط بشن؟  
چرا خیلی چیزها گرفتم مثلاً تابلو، دفتر، پیکسل، آویز و خیلی چیزهای دیگه.

---

<sup>۲</sup>- لایت استیک (light stick) یک دستگاه الکترونیکی قابل حمل و درخشان است که برای هر آیدول یا گروه به صورت‌های متفاوت طراحی شده است.



- این وسایل رو با چه هدفی برایشون هزینه پرداخت می‌کنی؟

خودم خوشم میاد و حس می‌کنم نماد آرمی بودنه.

- به طور معمول چه قدر برای خرید این وسایل هزینه می‌کنی؟

به طور میانگین ۲۰۰ تومان در ماه.

- گلاره جان آیا بی‌تی‌اس روی شکل‌گیری شخصیت شما تأثیری داشته یا نه؟

آره داشته، البته من سعی کردم کنترل کنم که مثلاً هر چیزی روم تأثیر نگذاره، ولی مثلاً خب من قبلاً این جور بودم که آه، آه رمان! آه، آه پسر که موهاش رو رنگ می‌کنه! آه، آه لباس صورتی برای پسر! آه، آه چشمای اینا فلانه! و از این جور فکرها، ولی خب بی‌تی‌اس ذهنم رو آپدیت (به روز رسانی) کرد.

- مثلاً توی چه چیزهایی باعث شدن که شما به روز بشی؟

خیلی چیزی یادم نیست ولی مثلاً بعد از آشنایی باهاشون بیشتر به فضای مجازی مسلط شدم و بیش‌تر انگلیسی یاد گرفتم.

- به نظرت این چیزی که گفته می‌شه، بی‌تی‌اس نشانه‌هایی از هم‌جنس‌گرایی داره، درسته یا نه؟

بین از هم‌جنس‌گرایی که حمایت کردن مثلاً جیمین گفته من بایسکشوالم ولی بقیه اعضا چیزی نگفتن یا جونگ‌کوک هم آهنگ خونده.

- آیا این نگرش و عقیده درباره هم‌جنس‌گرایی رو قبل از آشنایی با بی‌تی‌اس هم داشتی؟

من اصلاً نمی‌دونستم که چنین موضوعی وجود داره و وقتی فهمیدم که دلم خواست با خوراکی مورد علاقه‌ام ازدواج کنم و بقیه گفتن تو خارج چنین چیزهایی هست و بعد از اون هم هیت‌ها رو شنیدم و خب اون زمان نگاه خاصی درباره این موضوع نداشتم، ولی در کل بنده خودم الان کوک‌سکشوالم و به جونگ‌کوک گرایش دارم (می‌خندد) و خب من به همه عقاید بقیه احترام می‌گذارم و به من مربوط نیست که کی چه کار می‌کنه و اگر کسی راجع به این موضوع حرف بزنه، سعی می‌کنم خیلی نظری ندم، چون دوست ندارم خیلی وارد این موضوع بشم.

- پس آشنایی با بی‌تی‌اس تا حدودی روی مثبت شدن نگرش نسبت به موضوع هم‌جنس‌گرایی تأثیری داشته، درسته؟  
بله حدوداً.

- گلاره جان آیا بی‌تی‌اس روی نگرش و اعتقادات دینی‌ات تأثیری گذاشته؟

نه اصلاً این طوری نیست. به نظر من این که دینت رو زیر پا بگذاری با این که نگاهت رو به دنیا عوض بکنی و به اصطلاح روشن فکر باشی، فرق می‌کنه. اگه می‌خوای دینت رو زیر پات بگذاری این جور می‌شه که تو هم بری هر کار بدی رو انجام بدی، یعنی کاری که از نظر اسلام بده، ولی اگه بخوای مثلاً نوع نگاهت رو عوض بکنی اینه که برات عادی باشه که به پسر موهاش رو رنگ بکنه چون اون دین خودش رو داره و به خودش مربوطه.

بی‌تی‌اس حتی وقتی که توی عربستان کنسرت گذاشتن اگر چیزی حالت طلا داشت رو پوشوندن، مثلاً یکی از اعضای بی‌تی‌اس یعنی جیمین که میکروفنش از طلاعه رو با دستمال پوشونده بود چون که می‌دونست این توی عربستان ممنوعه یا مثلاً راجع به دخترهای مسلمون که حرف

زدن گفتن که اونا باحجاب چه قدر خوشگل تر هستن و حمایت شون کردن یا این که وقتی می‌رن توی فن ساین یا کنسرت‌ها خیلی با احترام باهاشون برخورد می‌کنن.

در کل خیلی به عقاید مردم احترام می‌گذارن و این خودش یه نوع به اصطلاح روشن فکریه که بهمون یاد می‌دن چه جوری آدم خوبی باشیم. به نظر من طرفداری از بی‌تی‌اس نمی‌تونه به دین‌مون آسیب بزنه، مگر این که ما خودمون راهمون رو بد انتخاب بکنیم، مثلاً هم‌جنس‌گرایی توی کشورهای خارجی رایجه یا بعضی جاها ممنوعه، ولی این که ما بتونیم این خوب یا بد رو از هم تشخیص بدیم، مهمه.

– حالا به نظر خود شما این موضوع هم‌جنس‌گرایی خوبه یا بد؟

برای کسانی که دین‌شون شیعه هست و مسلمون ان چون خدا گفته بده. خودم هم دوست ندارم قاطی این مسایل بشم و برای خودم نمی‌پسندم، اما خب علاقه ممکنه تو هر دوتا آدمی شکل بگیره برای همین به نظرم برای من بده، ولی برای اون‌ها نه.



– توی صحبت‌ها چندین بار به تفاوت دین خودت و بی‌تی‌اس اشاره کردی، آیا توی کی‌پاپ محدودیتی از لحاظ دین برای آیدول شدن وجود داره؟

واقعاً نمی‌دونم چون حتی دین خود اعضاء رو هم نمی‌دونم (می‌خندد).

– آیا بی‌تی‌اس تا به حال توی حرف‌هاشون به ایران هم اشاره‌ای کردن؟

بله مثلاً توی لایوها درباره ایران و این که دوست دارن توی ایران کنسرت بگذارن، حرف زدن.

– این که توی لایو درباره ایران صحبت کردن، بهت چه احساسی داد؟

احساس خیلییییی خوب و خب خوشحال شدم که اون‌ها به ما فکر کردن و این که ما براشون مهمی هستیم.

– توی صحبت‌ها چندین بار به این موضوع اشاره کردی که بی‌تی‌اس اولین جهان در زمینه موسیقی هستن، به نظرت دلیل پیشرفت بی‌تی‌اس که از سال ۲۰۱۸ خیلی سیر صعودی داشته چیه؟

نظر خاصی ندارم، ولی اگه بخوام بهت بگم، شاید به خاطر اینه که بزرگ‌تر شدن و صداشون بهتر شده و پخته‌تر شدن و خب مثلاً اون کسانی که توی اون سن تو سال ۲۰۱۸ اومدن فن کی‌پاپ شدن، بزرگ‌تر شدن و دسترسی‌شون به اینترنت بیش‌تر شده. البته این‌ها فقط فرض منه.

همکاری با هنرمندهای هالیوودی یا آهنگ انگلیسی خواندن رو هم باید به عنوان دلایل شهرت بی‌تی‌اس دید. من خودم با بوی ویت لاو که همکاری بود، فن بی‌تی‌اس شدم.

– توی صحبت‌ها به این موضوع اشاره کردی که بی‌تی‌اس اجازه صحبت سیاسی ندارن، آیا به طور کلی بی‌تی‌اس نقشی بر سیاست چه در کره و چه در جهان دارن؟

من چون اصلاً هیچ‌وقت خودم رو قاطی سیاست نمی‌کنم اصلاً چنین چیزهایی رو نمی‌دونم، ولی خب این که اعضاء توسط رئیس جمهورشون تقدیر شدن و بعد سفیر یه جایی شدن که نمی‌دونم کجاست، هم بالاخره خیلی تأثیرگذاره و خب صنعت موسیقی کی‌پاپ هم خیلی توی جهان، مشهور شد.



- یعنی به نظرت یکی از دلایل شهرت کی‌پاپ در جهان وجود گروه بی‌تی‌اس هست؟  
بله، بله.
- تا به حال چیزی درباره شایعه‌سازی‌ها و پرونده‌سازی‌ها در کی‌پاپ چیزی شنیدی؟  
نه چیزی نمی‌دونم. می‌تونی راهنمایی‌ام کنی؟
- مثلاً خیلی از آیدول‌ها به قلدری، آزار جنسی، استفاده از مواد مخدر و چنین مسایلی متهم می‌شن و ممکنه حتی از گروه یا کارشون کنار گذاشته بشن و دیگه به عنوان یه هنرمند، نتونن فعالیت کنن.  
نه اصلاً نشنیدم این چیزها رو.
- آیا ممکنه روزی یه اتفاقی از جانب بی‌تی‌اس بیفته که دیگه ازشون خوشت نیاد و نخوای حمایت‌شون کنی؟  
از اون جایی که خیلی دوست‌شون دارم، بعید می‌دونم و فکر نمی‌کنم چنین آدم‌هایی باشن که خلاف میل من کاری انجام بدن، یعنی کاری بکنن که من بدم بیاد به خاطر همین هیچ‌وقت ازشون بدم نیامد و ممکنه فراموش کنم.
- بی‌تی‌اس رو فراموش می‌کنی یا اون کار بدی رو که شما ازش بدت میاد؟  
این رو گفتم که چون که این قدر دوست‌شون دارم، ۱۰۰ درصد آدم‌هایی هستن که مورد تأیید و شرایط من هستن و بعد به نظرم یک روز این قدری تغییر نمی‌کنن که بیان تمام اون شرایط رو بهم بریزن، چون نه تنها من بلکه خیلی‌های دیگه‌ای هم هستن که ممکنه از اون کار بدشون بیاد. برای همین به نظرم هیچ‌وقت چنین کاری نمی‌کنن و من هیچ‌وقت ازشون بدم نیامد و فقط ممکنه ازشون طرفداری نکنم و فراموش‌شون بکنم، ولی بدم نیامد.
- می‌شه مثال بزنی اگر بی‌تی‌اس چه کاری انجام بدن ممکنه دیگه ازشون طرفداری نکنی و فراموش‌شون بکنی؟  
تا به حال بهش فکر نکردم ولی مثلاً شاید اگه به عقابدم احترام نگذارن یا مثلاً به دین و مذهبم بی‌احترامی کنن یا بخوان من رو به راه بدی هدایت کنن.
- با توجه به صحبت‌های خودت بی‌تی‌اس توی آهنگ‌هاشون به مضامینی مثل دوست داشتن خود اشاره می‌کنن، ولی آزادی انتخاب نداشتن حتی برای ساده‌ترین مسایل مثل رنگ مو... هم به نوعی برخلاف دوست داشتن خود به حساب میاد، آیا با توجه به این به نظرت حرف‌ها و رفتارهای بی‌تی‌اس باهم تناقضی ندارن؟



بین اون‌ها این سختی‌ها رو می‌کشن و هزارتا فایده براشون داره، مثلاً بدن‌شون قوی می‌شه، پول در میارن و همین طور این تلاش‌ها رو می‌کنن تا ما خودمون رو دوست داشته باشیم و البته باید بگم نصفش به خاطر سخت‌گیری کمپانیه ولی اگر انقدر تلاش نکنن که بهترین گروه کی‌پاپ نمی‌بودن.

- من یک ویدیویی می‌دیدم که یکی از اعضای بی‌تی‌اس بعد از اجرا باحال خیلی بدی از روی استیج پایین می‌اومد و براش ماسک اکسیژن و کارهای امدادی می‌کردن، آیا به نظرت این تلاش که باعث می‌شه آیدول‌ها به این شدت خسته بشن که حتی حال‌شون بد بشه کار درستییه و نشون‌دهنده دوست داشتن خود هست؟



نمی‌دونم. فقط این رو می‌دونم که اتفاقاً آرمی‌ها و همه فن‌ها خیلی به کمپانی‌ها به خاطر این کارهایی که با آیدول‌ها می‌کنن، هیت می‌دن. این که می‌گی یک بخش بزرگی از تلاش‌های آیدول‌ها برای سخت‌گیری کمپانی‌ها هست، آیا به نظرت شما با حمایت کردن از گروه‌های کی‌پاپ باعث نمی‌شی که این کمپانی‌ها شرایط سخت‌گیرانه‌تر و فشار بیش‌تری رو برای آیدول‌هاشون اعمال بکنن؟

ما از کمپانی‌ها خاطره‌های بدی داریم و توقع هم نداریم که اعضاء این قدر سختی بکشن در حدی که بیهوش بشن، ولی کمپانی‌ها برای پول اون‌ها رو اذیت می‌کنن و من هم چون به شخصه دوست‌شون دارم و عشق منطقی نداره، باز هم با این اتفاقات از شون طرفداری می‌کنم.

- می‌شه درباره خاطرات بدی که از کمپانی‌ها در ارتباط با بی‌تی‌اس داری، مثال بزنی؟

مثلاً کمپانی اعضاء رو مجبور می‌کنه رژیم بگیرن، مثل جیمین که اوایل دیبو مجبور بوده که رژیم بگیره و هر ۱۰ روز یه بار غذا بخوره (!) یا مثلاً یونگی توی دورانی که کارآموز<sup>۱</sup> بوده وضع خوبی نداشته ولی چون کمپانی بهشون اجازه نمی‌داده غیر از کارآموزی، کاری بکنن، یواشکی فکر کنم با موتور کار می‌کرده و خب یه بار که تصادف می‌کنه و کتفش آسیب می‌بینه، ولی به خاطر این که کمپانی نفهمه، خیلی قضیه رو جدی نمی‌گیره و خب آخر سر یه بار توی دوران فعالیت‌شون مجبور می‌شه کتفش رو جراحی کنه و یه مدت توی فعالیت‌ها نباشه و خب ما هم این چیزها رو نمی‌خوایم و همه ناراحت می‌شیم و به کمپانی فحش می‌دیم.

- در نهایت به طور کلی کی‌پاپ و بی‌تی‌اس روی شما چه تأثیرات مثبت و منفی‌ای داشته؟

<sup>۱</sup>- قبل از این که خوانندگان کی‌پاپ آیدول (ستاره) خطاب شوند، کارآموز (Trainee) هستند. کارآموزها در کمپانی‌هایی که مجوز ورود به آن را گرفته‌اند، چندین سال مهارت‌های مختلفی همچون خواندن یا رقصیدن را آموزش می‌بینند. دوره کارآموزی هر فرد بسته به توانایی‌ها و ظهور استعدادش تفاوت می‌کند. پس از پایان دوره کارآموزی شخص می‌تواند به عنوان یک آیدول ظاهر شود. دوره کارآموزی در کمپانی‌های کره جنوبی دشوار است و فرد تمامی ساعات شبانه روز را باید مشغول تمرین باشد و وعده غذایی کمی به آنان داده می‌شود تا استایل آیدول‌گونه خود را حفظ کنند و در صورت اضافه وزن باید در مدت زمان کوتاهی وزن بسیار زیادی کم کنند.

اثرات مثبتش این بوده که مثلاً آدم به روزتری شدم، اطلاعاتم بیشتر شده توی بعضی از زمینه‌ها مثل زبانم که پیشرفت کرده، روشن‌فکتر و مستقل‌تر شدم و بیش‌تر به خودم اهمیت می‌دم و در کل آدم بهتری شدم و روی من تأثیر منفی نداشته.

- عزیزم سوالات من تموم شد. خیلی ممنونم ازت که با من همکاری کردی. آیا نکته‌ای هست که بخوای به حرف‌ها اضافه کنی؟ خواهش می‌کنم. مصاحبه عالی‌ای بود و من لذت بردم. امیدوارم موفق باشی. این رو می‌خوام اضافه کنم که یک سری‌ها هستن که هیتر نیستن، ولی فقط فن یکی از اعضا می‌شن و به نوعی سولو استن هستن که این کار واقعاً بده و آرمی واقعی باید فن همه اعضا باشه و از همه حمایت کنه.

- ممنون بابت این نکته‌ای که گفتی. خسته نباشی.

شما هم خسته نباشی.

## تأملی دوباره

گلاره ۱۴ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مباحثی حول محورهای کمپانی هایب (مؤسس گروه بی‌تی‌اس)، گروه پسران بی‌تی‌اس و هواداران گروه بی‌تی‌اس اشاره داشته است.

گلاره در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد کمپانی هایب، به مواردی مانند: تفاوت عملکرد کمپانی هایب با کمپانی‌های غربی، طراحی برنامه‌های متعدد جهت سرگرم کردن هواداران و تدارک برنامه‌های هیجان‌مدار، اشاره داشته است.

گلاره ۱۴ ساله، در مصاحبه خود در توصیف فراز و فرودهای گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: اثرپذیری زیاد افراد در دوران نوجوانی و جوانی‌شان، تهیه برنامه‌های سرگرم کننده توسط گروه جهت هواداران، عادی‌سازی پرداختن به زیبایی برای پسرها، حمایت‌های هیجان‌مدار از ستاره‌ها، به کار بستن روش‌های نمادین هواداران برای نشان دادن همبستگی با ستاره‌ها و جهانی شدن بی‌تی‌اس و کاهش محدودیت‌های تحمیل شده از سوی کمپانی هایب، اشاره داشته است.

گلاره در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد هواداران گروه بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: شیوع طرفداری از کی‌پاپ از سنین پایین، پرت شدن حواس هواداران از مشکلات روحی، جذب مخاطبان از طریق ایجاد سرگرمی‌های پرهیجان، خیال‌پردازی عاشقانه برخی از هواداران با ستاره‌های مورد علاقه‌شان، تعمیق هواداری با گوگل کردن، وجود نگاه کاملاً آرمانی نسبت به ستاره‌ها، تهیه داستان (فن‌فیکشن) برای ستاره‌ها، پناه‌جستن افراد بی‌هویت به گروه‌های مختلف برای کسب هویت، سوق دادن هواداران به سمت پذیرش نسبیت‌گرایی در اخلاق، پذیرش نسبیت‌گرایی اخلاقی توسط هواداران، الگوبرداری از استیل جدید ستاره‌ها، الگوگیری در انتخاب سبک پوشش از ستاره‌ها، اثرپذیری‌های ارزشی هواداران، ایجاد سردرگمی ارزشی برای هواداران کم سن، عادی‌سازی پرداختن به زیبایی برای پسرها، تحقق عشق تخیلی در بین برخی از هواداران دختر، توهم زده کردن هواداران، تغییر عقاید و دیدگاه طرفداران در مسأله هویت‌های جنسی، تأثیر کی‌پاپ در یافتن نگاه مثبت به رابطه هم‌جنس‌گرایان، ترغیب هواداران به جهانی شدن و جهانی اندیشیدن، اتلاف وقت گسترده هواداران، تسلیم شدن در برابر فشار عاطفی وابستگی به ستاره، برخورد هیجان‌مدار هواداران با ستاره مورد علاقه؛ جنجال، توهین و مشاجره میان طرفداران آرتیست‌های مختلف؛ بحث و دعوی هواداران بر سر ستاره‌های بی‌تی‌اس، شیوع گسترده طرفداری افراطی از ستاره‌ها، شیوع رفتارهای متعصبانه و کورکورانه از ستاره‌ها، احساس اعتیاد یافتن به آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس و هزینه‌های بالای لوازم طرفداری برای هواداران، اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه گلاره ۱۴ ساله، با ارجاع محورهای اقدام‌های کمپانی و اثرات کاربری از گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران، توجه خویش را به مباحثی در زمینه اثرگذاری گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران آن متمرکز سازیم، می‌توان بیان داشت، گلاره ۱۴ ساله در مصاحبه خودش از اثرهای روانی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، اخلاقی - عقیدتی، اقتصادی - سیاسی، هنری، زیباشناختی و خانوادگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس یاد کرده است.

گلاره در توصیف «اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: عشق تخیلی، پیشه کردن برخوردهای هیجان‌مدار، اتلاف وقت گسترده هواداران، توهم زدگی، بی‌هویتی جنسی، وابستگی و اعتیاد به بی‌تی‌اس و سایر مسایل روان‌شناختی نظیر پرت شدن حواس هواداران از مشکلات روحی، یاد کرده است.

گلاره در توصیف «اثرهای اجتماعی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: شروع هواداری از سنین پایین، تعمیق رابطه با ستاره‌ها (با گوگل کردن)، جهانی شدن و جهانی اندیشیدن، الگوبرداری از ستاره‌ها، تحول‌های هویتی (پناه‌جستن افراد بی‌هویت به گروه‌های مختلف برای کسب هویت)، تعصب ورزیدن در طرفداری و پیشه کردن برخوردهای هیجان‌مدار با افراد خودی و غیرخودی یاد کرده است.

گلاره در توصیف «اثرهای فرهنگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: آرایه محتوا و سرگرمی‌های مورد علاقه نوجوانان و جوانان توسط گروه بی‌تی‌اس تهیه داستان (فن‌فیکشن) با محوریت ستاره‌ها، سخن گفته است.

گلاره در توصیف «اثرهای اخلاقی- عقیدتی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: ایجاد سردرگمی ارزشی، اثرپذیری‌های اخلاقی ارزشی و پذیرش اخلاق نسبیّت‌گرا توسط هواداران یاد کرده است.

گلاره در توصیف «اثرهای اقتصادی- سیاسی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از مورد: صرف هزینه جهت هواداری از گروه بی‌تی‌اس سخن گفته است.

گلاره در توصیف «اثرهای زیباشناختی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: عادی‌سازی پرداختن به زیبایی برای پسرها و الگوبرداری در زمینه مدهایی که پسران بی‌تی‌اس عرضه می‌کنند، سخن گفته است.

از بیانات اخیر گلاره ۱۴ ساله، در جمع‌بندی کلی کتاب، در موارد مورد اشاره، بهره جسته خواهد شد.

## مصاحبه با سارینا، ۱۳ ساله

نگاه به چهره پاک و معصوم کی‌پاپ نکنین، پشت صحنه‌اش خیلی ترسناک‌تر از اون چیزی هست که نشون می‌ده.

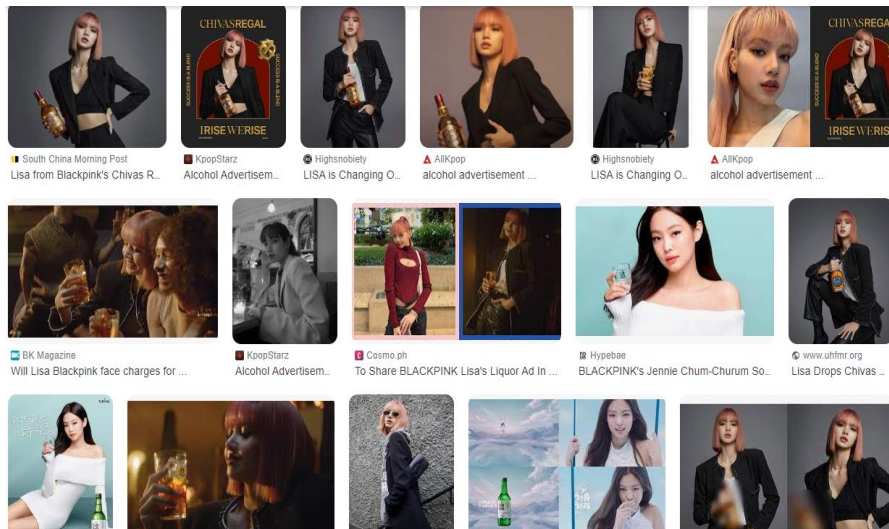
– عزیزم چی شد که شما برای اولین بار فهمیدی کشور کره جنوبی در زمینه فیلم و سریال و موسیقی فعالیت هنری انجام می‌ده؟  
من زمانی که بچه بودم، خواهر بزرگم خیلی به این صنعت علاقه داشت. مثلاً می‌نشست فیلم و عکس‌هاشون رو توی تلویزیون می‌دید. من هم از طریق خواهرم متوجه شدم که یه کشوری به اسم کره جنوبی هست که کی‌پاپ و کی‌دراما مال این کشوره.  
– یعنی از چه سنی کی‌پاپ و کی‌دراما رو شناختی؟  
حدود ۷ یا ۶ سالگی.

– خواهرت اون زمان طرفدار بی‌تی‌اس بود؟

نه اکسوال بود و من هم فقط اکسو و بلک‌پینک رو می‌شناختم.

– چه اتفاقی افتاد که با بی‌تی‌اس آشنا شدی و بهشون علاقه پیدا کردی و طرفدارشون شدی؟

من از اول فن بی‌تی‌اس نبودم، ولی فن دو آتیشه بلک‌پینک بودم از زمانی که تقریباً ۱۰ سالم بود.



من اون زمان بی‌تی‌اس رو نمی‌شناختم، ولی بعضی وقت‌ها خواهرم درباره‌شون حرف می‌زد و من فقط می‌دونستم که یه گروه ۷ نفره پسر به اسم بی‌تی‌اس هست. بعد از یه مدت، من برنامه لایکی رو ریختم و از وقتی اون رو ریختم، این برنامه پر از کی‌پاپ و بی‌تی‌اس بود. من از این طریق بیش‌تر با بی‌تی‌اس آشنا شدم و بعد از ۱-۲ ماه هم بهشون علاقه پیدا کردم و در کنار بلک‌پینک بی‌تی‌اس رو هم استن می‌کردم.  
– می‌توننی فن دوآتیشه بلک‌پینک بودن رو توضیح بدی و بگی مثلاً چه کارهایی انجام می‌دادی که یه فن دوآتیشه به حساب می‌اومدی؟  
مثلاً سعی می‌کردم همه چیز رو درباره‌شون بدونم. توی هر شبکه اجتماعی که می‌تونستم مثل اینستا و یوتیوب و هر جای دیگه‌ای ازشون حمایت می‌کردم و تقریباً همه زندگی‌ام بودن. بعد سعی می‌کردم همه چیز رو ازشون داشته باشم، مثل فوتوکارت و گیف.





و خیلی هم روشن حساس بودم یعنی یکی می‌گفت اینا فلان ان یا بیسار ان، خیلی عصبی می‌شدم و با طرف بحث می‌کردم، البته هنوز هم هستم، ولی دیگه مثل قبل نیست. همه جا هم برای ویو زدن (بازدید) و لایک کردن خیلی فعال بودم.

- چه ویژگی‌هایی توی بلک‌پینک وجود داشت که باعث شد به جای این که طرفدار عادی باشی، طرفدار دوآتیشه‌شون شدی؟  
 بلک‌پینک خیلی از بقیه متفاوت بودن و اولین گروهی بودن که من بهشون جذب شدم، چون خیلی سبک‌شون متفاوت بود و دنس‌هاشون و صداشون خیلی به دلم می‌نشست. مثلاً سبک بلک‌پینک گرل کراشه و سبک متفاوت‌ایه و یه جورایی مخصوص بلک‌پینکه.

- چه تفکری داشتی که باعث می‌شد دلت بخواد وسایل مختلفی رو که مربوط به بلک‌پینک می‌شدن، بخری؟  
 تو ذهنم این فکری بود، من که نمی‌تونم آیدولم رو ببینم، پس حداقل ازش یه چیزی داشته باشم که دلم بهش خوش بشه و بهتر از فقط نگاه کردن از تو گوشی باشه.

- معمولاً چه قدر برای این لوازم مربوط به بلک‌پینک هزینه می‌کردی؟  
 خب مثلاً می‌رفتم یه کیف و لباس و این‌ها می‌خریدم، بالای ۲۰۰ تومن می‌شد، ولی عکس و پوستر رو چون از دیجی کالا می‌خریدم ارزون در می‌اومد و در حد ۷۰ تومن می‌شد.



- آیا می‌تونم از جوابی که دادی این برداشت رو داشته باشم که نسبت به بلک‌پینک تعصب داشتی؟  
 درباره تعصب اولین چیزی که به ذهن همه می‌رسه اینه که مثلاً اون گروه رو متعلق به خودت بدونی ولی اصلاً تعصب من اون جور نیست. من بیش‌تر با کسانی که هیت می‌دن دعوا می‌کنم. مثالش هم یکی از هم‌کلاسی‌هام بود که به بی‌تی‌اس هیت می‌داد و من در آخر باهاش قطع رابطه کردم.

- مثلاً چه چیزهایی درباره بی‌تی‌اس می‌گفت؟

مثلاً می‌گفت چرا اینا آرایش می‌کنن. چرا شبیه دخترها هستن و اینا، چرا این جوری ان. عملی ان و همه جاشون عمله و از این جور حرفا.

- مگه این چیزهایی که اون دوست سابقت می‌گفت اشتباه یا دروغ بودن؟

نه، ولی اون با تمسخر و نژادپرستی می‌گفت و کلاً خیلی من رو اذیت می‌کرد.

- چند سالت بود که با هم کلاسی‌ات قطع رابطه کردی؟

همین یکی، دو سال پیش بود. کلاس پنجم یا ششم بودم.

- آیا این دوست و ویژگی دیگه‌ای به جز تمسخر بی‌تی‌اس هم داشت که باعث شد بخوای باهاش دوستی‌ات رو تموم بکنی؟

آره خودش رو انیشتین می‌دونست و فکر می‌کرد باید برا همه تصمیم بگیره.

- الان که داری برای من این داستان تعریف می‌کنی چه احساسی نسبت به این که اون دوستی رو تموم کردی، داری؟

حس خیلی مزخرفی دارم که از اولش باهاش دوست بودم و خیلی خوشحالم که تمومش کردم.

- آیا اگه الان هم یک دوستی داشته باشی که از همه نظر خوب باشه، ولی از بی‌تی‌اس خوشش نیاد، باهاش همین رفتار رو می‌کنی؟

آره. قطع رابطه می‌کنم.

- چرا فقط به خاطر همین مورد که از بی‌تی‌اس خوشش نیاد، قطع رابطه می‌کنی؟

چون قطعاً نه اون می‌خواد با من دوست باشه و نه من می‌خوام با یکی که من رو قبول نداره و حاضر نیست به خاطر من به علاقه‌ام احترام

بگذاره، دوست باشم.

- چه ویژگی و خصوصیتی توی بی‌تی‌اس وجود داشت که باعث شد به گروه مورد علاقه‌ات توی کی‌پاپ تبدیل بشن؟

راستش بی‌تی‌اس تنها گروه مورد علاقه من نیست و بلک‌پینک رو هم به عنوان گروه مورد علاقه‌ام می‌دونم و هر دو شون رو به یه اندازه دوست

دارم، ولی در کل بی‌تی‌اس آهنگ‌هاش خیلی به سلیقه و حال می‌خورد و در کل خیلی برای من جذاب بود و بلک‌پینک هم به خاطر این که

اولین گروه کی‌پاپ بود که شناختم، خیلی برام عزیزه و بیش‌تر سبک و صداشون هست که من خیلی دوست دارم. در کل نمی‌تونم بین این دوتا

گروه، یکی رو انتخاب کنم. دلیل اصلی این که بی‌تی‌اس رو به جای گروه‌های دیگه استن می‌کنم، رو واقعاً نمی‌دونم. انگار که اون‌ها یهو از

ناکجا آباد اومدن و منم یهو یی جذبشون شدم و نمی‌تونم دلیل خاصی رو بگم چون هر چیزی سلیقه‌ایه و سلیقه من هم بی‌تی‌اس هست.

- یعنی گروه بی‌تی‌اس هیچ برتری و ویژگی خاصی نسبت به سایر گروه‌های کی‌پاپ نداشت که روی انتخابت تأثیرگذار باشه؟

اگه بخوام صادق و رک باشم، واقعاً هیچ فرقی برای من نداشت نه معروفیتشون و نه رکوردها و ویوهاشون هیچ کدوم برای من اهمیت نداشت.

من یهو به بی‌تی‌اس جذب شدم و بعدش بدون هیچ دلیل خاصی عاشق همه چیزشون شدم.

- مگه می‌شه که یه نفر عاشق چیزی بشه، ولی اون از نظرش ویژگی خاصی نداشته باشه؟

منظورم از دلیل خاص این نیست که هیچ دلیلی نداشتم، ولی خب دلیل خیلی بزرگ نیست. من بیش‌تر پایه فاز خل‌بازی‌هاشون شدم، چون کلاً

انرژی مثبت هستن و من رو شاد می‌کنن (می‌خندد).

- آهنگ‌های بی‌تی‌اس چه ویژگی‌هایی داشت که باعث می‌شد با سلیقه و حال و هوای شما همخوانی داشته باشه؟

بیش‌تر آهنگ‌های بی‌تی‌اس شاد هستن و خیلی هم فازشون مثبته، مثلاً توی بیش‌تر آهنگ‌ها می‌گن خودت رو دوست داشته باش که این

خودش یه انرژی مثبته مثل آهنگ آیدول<sup>۱</sup>.

بعضی از آهنگ‌هاشون هم خیلی آرامش‌بخشه مثل فیلم اوت<sup>۲</sup> و خب کلاً با فاز من می‌خوانه. البته آهنگ‌هایی مثل دینامیت<sup>۳</sup> و باتر رو خیلی

دوست نداشتیم ولی آهنگ‌هایی مثل فایر<sup>۴</sup> و دُپ<sup>۵</sup> که فاز هیجانی و شاد دارن خیلی خوبن.

- توی اون یک یا دو ماهی که گفتی طول کشید تا به بی‌تی‌اس علاقه‌مند بشی، چه چیزی درباره بی‌تی‌اس نظرت رو به خودش جلب کرد؟

1- IDOL (2018)

2- Film out (2021)

3- Dynamite (2020)

4- Fire (2016)

5- Dope (2015)

خب من بیش‌تر فیلم‌های طنزشون رو می‌دیدم و بعد هم رفتم ران بی‌تی‌اس رو دیدم. کلاً بیش‌تر تو فاز طنزهاشون بودم تا آهنگ و موزیک ویدیو و بیش‌تر از روی طنزبازی‌هاشون جذب‌شون شدم.

– آیا همون جوری که طرفدار دو آتیشه بلک‌پینک بودی، الان طرفدار دو آتیشه بی‌تی‌اس هم هستی؟

بله، الان جفت‌شون رو کنار هم سعی می‌کنم حمایت کنم.

– سارینا جان فرد مورد علاقه و بایست بین اعضای بی‌تی‌اس کیه؟

بایس فعلی من تهیونگه. اوایل که تازه بی‌تی‌اس رو شناخته بودم، از نامجون خوشم می‌اومد، چون تنها عضوی بود که خیلی خوب می‌تونستم از بقیه تشخیصش بدم. بعدتر از جیمین خیلی خوشم اومد و یه مدت فقط چشمم اون رو می‌دید، چون خیلی کیوت بود، ولی بعد از گذشت ۴، ۵ ماه که با بی‌تی‌اس بیش‌تر آشنا شدم و بیش‌تر شناخت درباره‌شون پیدا کردم، به تهیونگ علاقه پیدا کردم ولی در اصل اوتی‌سونم<sup>۱</sup> و ۷ نفر رو به یه اندازه و مثل هم دوست دارم و تهیونگ بیش‌تر فقط به اسم بایسمه.

– سارینا جان تو از چه طریقی حمایت و طرفداری‌ات رو نسبت به بی‌تی‌اس نشون می‌دی؟

من قبلاً یه فن پیچ داشتم ولی فیلتر شد و من هم دیگه ادامه ندادم. الان تو اینستا و تلگرام هستم، ولی فن پیچ ندارم، ولی پیچ برای بازدید دارم. درباره حمایت هم من از همه چیزم مایه می‌گذارم. می‌رم تو نظرسنجی‌ها شرکت می‌کنم، سعی می‌کنم موزیک ویدیوها رو بیش‌تر و یو بزمن و بیش‌تر آهنگ‌هاشون رو هم دارم. کلاً همه جا فعالم و کانال تلگرامی و خبری هم خیلی دارم، ولی به دلیل فیلتر بودن دیگه زیاد نمی‌تونم سر وقت و زود به زود خبر بگیرم ولی تو اپلیکیشن روبیکا فن پیچ‌های خبری زیادی دارم که همه‌شون هم معتبر هستن.

– چه زمانی پیجت فیلتر شد؟

حقیقتاً دقیق یادم نمیاد ولی اون هم مال یکی، دو سال پیشه.

– برای انجام دادن این کارهای حمایتی چه قدر از زمانت رو می‌گذاری؟

حداقل ۳ یا ۴ ساعت در روز.

– می‌شه بگی که توی این ۳، ۴ ساعت چه کارهایی انجام می‌دی؟

فیلم‌ها و ویدیوهاشون رو می‌بینم. ران بی‌تی‌اس رو تماشا می‌کنم. موزیک ویدیو می‌بینم و موزیک‌هاشون رو گوش می‌دم.

– این زمانی که برای حمایت کردن و طرفداری از بی‌تی‌اس می‌گذاری، روی عملکرد درسی‌ات تأثیری نمی‌گذاره؟

راستش رو بخوای از لحاظ درسی تأثیر زیادی نمی‌گذاره، چون من همین جوری هم بچه اول کلاس خودمون هستم، تعریف از خود نباشه (می‌خندد). بستگی به شخص داره. خب من از اول درس‌خوان بودم، ولی خیلی زیاد وقت برای گوش‌ام می‌گذاشتم، ولی زیاد رو درس تأثیر نداشت، ولی از نظر خانواده‌ام، من خیلی سرم تو گوش‌ی بود با این که نمراتم خوبه، ولی باید بیش‌تر وقت برای درس بگذارم. من هم همین کار رو کردم و الان شاید خیلی کم‌تر دارم تو گوش‌ی می‌رم مثلاً از ۳ یا ۴ ساعت شده ۲ ساعت.

– توی اون فن پیچ‌ات که فیلتر شد، چه چیزهایی می‌گذاشتی؟

از موزیک ویدیوها ادیت می‌گذاشتم یا بعضی وقت‌ها از بلک‌پینک هم می‌گذاشتم، ولی خب بدون هیچ دلیل خاصی به خاطر روبیکا فیلتر شد.

– این ادیت‌ها رو خودت درست می‌کردی؟

بله.

– دلیل این که چرا پیجت فیلتر شد رو نفهمیدی؟

نه هیچ‌وقت نفهمیدم، چون پیچ من اصلاً محتوای بدی نداشت ولی فکر کنم اون‌ی که من رو گزارش کرده، از بی‌تی‌اس خوشش نمی‌اومده.

– وقتی پیجت فیلتر شد، چه احساسی پیدا کردی؟

اولش اعصابم خرد شد، ولی از یه طرف هم یه بهونه پیدا کرده بودم که ولش کنم چون خیلی وقت اون کارم رو نداشتم.

<sup>۱</sup> – اصطلاح Ot7 زمانی استفاده می‌شود که بخواهید از علاقه به اعضای یک گروه صحبت کنید. مثلاً در گروه بی‌تی‌اس، اگر تمام هفت عضو گروه بایس شما هستند، شما یک اوتی‌سون هستید، یعنی هر ۷ عضو این گروه را دوست دارید، یعنی بی‌تی‌اس زمانی معنا پیدا می‌کند که تمام اعضاء کنار یکدیگر باشند و طرفداران به تمام اعضاء عشق و توجه یکسانی می‌دهند.

- هیچ وقت به دنبال این بودی که دوباره یه فن پیچ جدید بزنی و کارت رو ادامه بدی؟  
نه، چون از طرفی درس داشتم و از طرفی هم فالوور (دنبال‌کننده) جمع کردن و ادیت زدن و مدیریت یه پیچ خیلی سخته و من هم دیگه حوصله‌اش رو نداشتم.

- اون زمان که پیچ‌ها فعال بود، ازش کسب درآمدی داشتی؟  
نه. خب من توی روبیکا پیچ داشتم، نه اینستاگرام و اون موقع توی روبیکا برای تب رفتن پول نمی‌دادن. شاید بعضی اوقات بک می‌دادن، ولی پول نه. درباره پیچی که کسب درآمد داشته باشه هم نه چون روبیکا به کاربرهاش پول نمی‌ده و فقط باید فروشنده باشی تا بتونی کسب درآمد بکنی.

- این بک دادن که گفتی یعنی چی؟

مثلاً می‌گن پیچ من رو تبلیغ کن به جاش من با مثلاً ۷ تا پیچ فیک، تو رو فالو می‌کنم.

- این مقدار زمانی که برای دنبال کردن بی‌تی‌اس صرف می‌کردی یا می‌کنی، آیا روی اعتقادات تأثیری گذاشته؟  
روی اعتقادات مذهبی‌ام نه، تأثیری نداشته، ولی روی اعتقادات جنسیت‌زدگی چرا.

- می‌تونی درباره این اعتقادات راجع به جنسیت‌زدگی که بی‌تی‌اس روش تأثیر گذاشته، توضیح بدی؟

مثلاً من قبلاً فکر می‌کردم لباس‌ها یا رنگ‌ها جنسیت دارن ولی کی‌پاپ به من فهموند که این چیزها جنسیت ندارن، مثلاً من فکر می‌کردم که آرایش فقط مخصوص زن‌هاست، کت و شلوار فقط برای مردها هست یا رنگ صورتی یه رنگ دخترونه هست، ولی الآن به نظرم دامن پوشیدن و آرایش کردن پسرها یا موی کوتاه و استایل پسرانه دخترها، هیچ مشکلی نداره.



این مثال‌هایی که برای جنسیت‌زدگی گفتی الآن چرا به نظرت عادی شدن؟

چون فهمیدم صرف نظر از جنسیت، اگه ما برای هر چیزی جنسیت نمی‌گذاشتیم، الآن بعضی‌ها که سلیقه متفاوتی دارن، این قدر اذیت نمی‌شدن.

- می‌شه بگی این افرادی که با اکثریت متفاوت هستن سر چه موضوعاتی اذیت می‌شن؟

مثلاً کسانی که هم‌جنس‌گرا هستن یا دوست دارن برخلاف جنسیت‌شون لباس بیوشن، خیلی توی جامعه مخصوصاً توی ایران اذیت می‌شن.

- آیا اهل خواندن فن‌فیکشن درباره بی‌تی‌اس هستی؟

من اوایل که نمی‌دونستم اصلاً فیکشن معنی‌اش چیه، می‌خوندم، ولی بعد که فهمیدم همه‌شون ساخته ذهن فن‌هاست، دیگه نخوندم، چون ممکن بود نظرم درباره اعضاء عوض بشه، چون بیش‌ترشون چیزهای خوبی بودن و من دوست‌شون نداشتم و الآن هم نمی‌خونم.

- مگه توی این فن‌فیکشن‌ها چه چیزهایی نوشته می‌شد که ممکن بود نگرشات رو نسبت به اعضاء بی‌تی‌اس تغییر بده؟

من خودم ۴، ۵ تا فیک بیشتر نخوندم، ولی خب بیش‌تر سبک‌های مافیایی بود یا اعضاء یه فرد معروف بودن که مالک یه شرکت بودن. کلاً چیز خوبی نبود چون اعضاء رو یه فرد با اعصاب خراب یا بدجنس نشون می‌داد و من الآن دارم به این می‌رسم که چه قدر تباه بودم که یه زمانی چنین چیزهایی رو می‌خواندم.

- چرا این فکر و تصور رو داری زمانی که فن فیکشن می‌خواندی، تباه بودی؟  
خب من از روی کنجکاوی فیک‌های دختر پسری می‌خواندم و بیش‌تر چیزهایی که همین جوری تو نت بودن رو می‌خواندم. علاوه بر این بیش‌تر فیکشن‌ها اعضاء رو به شخصی نشون می‌دادن که راحت آدم می‌کشه، بی‌حیا و منحرفه یا خیلی خشنه، در صورتی که اصلاً در حالت واقعی این جوری نیست.



- آیا کسی از بین دوستانت رو می‌شناسی که اهل خواندن فن فیکشن باشه؟  
نه خدا رو شکر دوستی ندارم که بخونه یا اگر هم هست، به من نگفتن، ولی اگه یه زمانی چنین دوستی داشتم بهش می‌گفتم که خودت دوست داری یه همچین چیزهایی راجع بهت بنویسن یا تو رو بد جلوه بدن و از شخصیت واقعی‌ات دور بشی؟ این‌ها رو می‌گفتم و سعی می‌کردم قانعش کنم دیگه نخوونه.

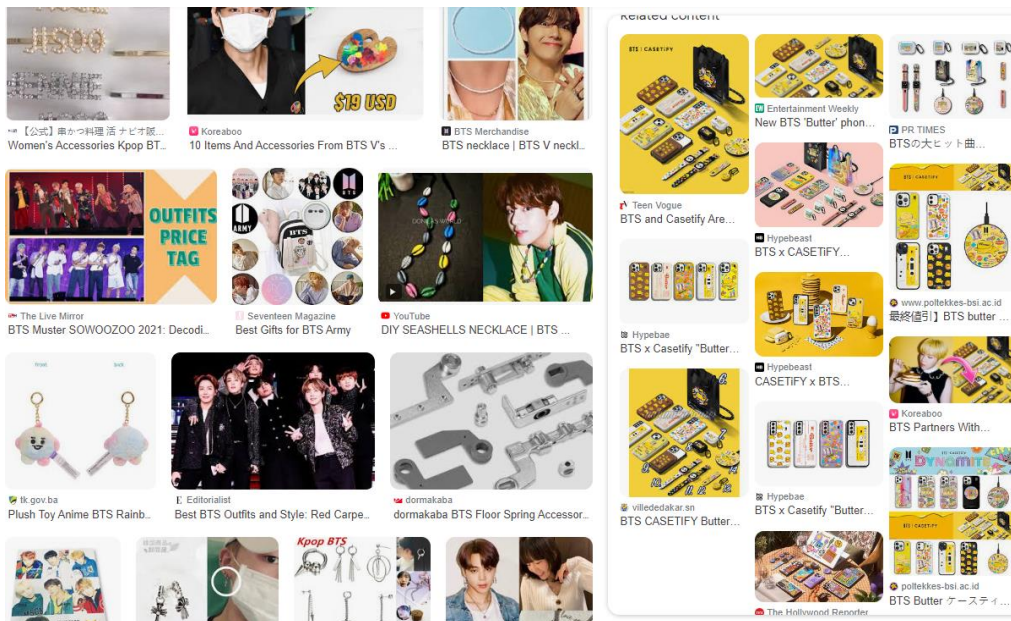
- آیا تا الان تصور و خیال‌پردازی درباره خودت و اعضای بی‌تی‌اس داشتی؟  
نه. راستش رو بخوای من فکر می‌کردم اون دختری که تو فیک‌ها می‌نویسن یه آدم واقعیه و وجود خارجی داره (می‌خندد). برای همین هم می‌گم تباه بود. در کل هیچ‌وقت نه می‌خواستم که تصویری داشته باشم و نه تصویری می‌کردم.

- پس هیچ‌وقت چنین خیال‌پردازی‌هایی توی ذهنت نبوده، درسته؟  
تصورات عاشقانه و رمانتیک و از این مدل چیزها نداشتم، ولی مثلاً تصور می‌کردم که من رفتم کنسرت بی‌تی‌اس یا دارم باهاشون عکس می‌اندازم. حتی اون قدرر که درباره این موضوع فکر می‌کنم، چند باری هم شده که خوابش رو دیدم (می‌خندد).

- کسی رو هم نمی‌شناسی که چنین تصوراتی داشته باشه؟  
دوست‌هام خیلی روابط عاشقانه دوست دارن، ولی از هیچ کدومشون نشنیدم که تاحالا خودشون رو توی روابط عاشقانه با آیدول‌شون بگذارن.

- آیا مادر و پدرت از این که شما طرفدار گروه بی‌تی‌اس هستی، خبر دارن؟  
بله. بیش‌تر مادرم از این قضیه خبر داره، ولی پدرم چیز زیادی نمی‌دونه و اهمیتی هم به این موضوع نمی‌ده.

- واکنش مادر و پدرت نسبت به علاقه‌ات به بی‌تی‌اس و طرفداری ازشون، چه جوری بود؟  
خب پدر و مادرم از اون نوع پدر و مادرها نبودن که بیان بچه رو زور بکنن که دیگه دنبال نکنه. ولی خب به دلیل عقایدشون، از کی‌پاپ خوششون نمی‌اومد و هنوز هم همین طوری هستن. مامانم فقط به خاطر این که می‌گه شبیه دخترها هستن، از بی‌تی‌اس خوشش نمی‌اد و کلاً با آهنگ‌های خارجی هم حال نمی‌کنه، ولی با این حال اجازه می‌دن که وسایلشون رو بخرم و از این جهت خوبه، یعنی خیلی فرقی براشون نمی‌کنه.



– آیا نسبت به علاقه خواهرت به اکسو هم واکنشی مثل تو داشتن؟  
 مال خواهرم یه کم براشون عجیب بود، ولی به مرور زمان وقتی دیدن من هم تو این فاز رفتم، باهاش کنار اومدن، ولی هنوز هم خیلی خوششون نمیداد، ولی اجبار نمی‌کنن که کنار بگذارم.

– آیا کسی از دوستان و اطرافیان خودت رو می‌شناسی که خانواده‌شون براشون درباره طرفداری از کی‌پاپ محدودیت بگذارن؟  
 آره دوستم می‌گفت من کی‌پاپ رو دوست دارم، ولی مامانم اصلاً دوست نداره.  
 – بعد وقتی مامانش دوست نداشت به دوستت هم اجازه نمی‌داد گوش بده؟  
 آره، ولی اون کار خودش رو می‌کرد (می‌خندد).

– چه ویژگی‌ای توی بی‌تی‌اس وجود داره که با عقاید مادر و پدرت سازگاری نداره؟  
 این که آرایش می‌کنن، موهاشون رو رنگ می‌کنن، می‌رقصن یا لباس‌هاشون با سبک ما فرق می‌کنه. تنها دلیل اصلی و محکمی که مامانم می‌گه شبیه دخترها هستن هم این آرایش کردنه، چون فکر می‌کنه آرایش حتی خیلی به دخترها نمیداد چه برسه به پسرها.

– نگرش و عقاید منفی پدر و مادرت نسبت به بی‌تی‌اس چه احساسی بهت می‌ده؟  
 حس خیلی بدی، چون یه نفر مخصوصاً مادر یا خانواده‌ات بیان توهین کنن حس اصلاً خوبی نیست و حس پوچی به آدم دست می‌ده.

– آیا مامانت تا به حال سعی کرده که دلیل قانع‌کننده‌ای برای این که از بی‌تی‌اس خوشش نمیداد بیاره یا فقط همین دلیل رو گفته که این‌ها آرایش می‌کنند، پس من خوشم نمیداد؟  
 بیش‌تر فکر می‌کنه من دارم وقتم رو تلف می‌کنم و در واقعیت نمی‌دونه من دارم چه کار می‌کنم ولی بیش‌تر برای آرایش، چون آرایش رو برای مردها خوب نمی‌دونه در واقع هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای نداره و فقط نگرانه.

– منظورت از این که مامانت نمی‌دونه در واقعیت چه کار می‌کنی، چیه؟  
 مثلاً رقصیدن و آرایش کردن رو درک نمی‌کنه و فکر می‌کنه که من با دنبال کردن کی‌پاپ درس‌هام رو نمی‌خوانم، در صورتی که من هم درس می‌خوانم، هم اون‌ها رو دنبال می‌کنم و بعضی اوقات هم که نمره کم می‌گیرم، واقعاً ربطی به اون‌ها نداره.

– نگاه و دیدگاه خودت نسبت به آرایش کردن بی‌تی‌اس و آیدول‌های کی‌پاپ چه جوریه؟  
 از نظر خودم خیلی بامزه و کیوته. وقتی یه نفر رو قبول داشته باشی، همه چیزش رو دوست داری و فرق نمی‌کنه، چه کاری انجام بده، چون تا زمانی که اون کار بد نباشه، مشکلی نیست.

آرایش کردن هم این جوریه. زیبایی وجود داره هم برای مرد هم برای زن پس آرایش یا میکاپ جنسیت نداره.

از نظر من کارهای آدم‌ها تا وقتی آسیبی به بقیه نرسونه، باید بهشون احترام گذاشته بشه. من اولش که فهمیدم آرایش می‌کنن، به نظرم به چیز جالب اومد و بعد با گذر زمان برام عادی شد.

- چه چیزی توی میکاپ و آرایش کردن بی‌تی‌اس برات جذاب بود؟

این که تاحالا هیچ‌کس این کار رو انجام نداده بود و یه چیز جدید برای شکستن محدودیت‌های جنسیتی بود، برام جالب بود.



- آیا خودت تا الان از میکاپ و استایل آیدول‌ها الگوبرداری کردی؟

نه من خیلی اهل آرایش و میکاپ و دست بردن توی صورتم نیستم، ولی استایل رو زیاد پیش اومده، چون استایل‌هاشون خیلی خوبه.

- مگه اعضای بی‌تی‌اس توی صورت‌شون تغییراتی انجام دادن؟

نه از لحاظ آرایش کردن‌شون می‌گم. منظورم اینه که آرایش می‌کنن، ولی من از آرایش‌هاشون روی صورت خودم انجام نمی‌دم، ولی از لحاظ استایل‌شون چرا، خیلی دوست دارم.

- توی استایل‌هاشون چه ویژگی‌ای وجود داره که برات جذابیت داره؟

لباس‌هایی دارن که خیلی قشنگه، مثلاً بیش‌تر استایل‌هاشون سیاه و داره که من خیلی دوست دارم و اکثریت مردم کره گشادپسند هستن که این رو هم باز من خیلی دوست دارم. کلاً با هر روحیه‌ای لباس دارن که این خیلی خوبه و خیلی با سلیقه من جور می‌شه.



- آیا پیش اومده که سعی کنی شبیه بی‌تی‌اس یا کلاً آیدول‌های کی‌پاپ لباس بپوشی؟

بله، مثلاً اکثراً گروه‌های دختر کی‌پاپ تو کنسرت لباس و شلوارک‌های کوتاه و لباس‌های دو تیکه و کلاً خیلی قشنگ می‌پوشن و من هم سعی کردم مثل اون‌ها از این چیزها بپوشم، چون خیلی واقعاً از نظر خودم قشنگه.

- اگر بی‌تی‌اس یا آیدولی یه چیزی رو مد بکنه دنبال این می‌ری که تو هم اون رو انجام بدی؟

آره توی لباس خیلی بیش‌تر پیش میاد، مثلاً شلوارک کوتاه خیلی دوست دارم و می‌خرم.

- توی استایل‌های بیرون از خونه هم شده که از آیدول‌های کی‌پاپ پیروی کنی؟

توی پوشش بیرون نه، نمی‌تونم، ولی تو جمع‌های دخترونه یا جمع‌هایی که خانم‌ها باشن آره.

- چرا نمی‌تونی بیرون از خونه از استایل آیدول‌ها پیروی کنی؟

چون خانواده‌ام اجازه نمی‌دن. خب هر خانواده مذهبی قطعاً نمی‌گذارن دخترشون اون جور بره بیرون.

- این محدودیت‌هایی که از سمت خانواده‌ها و یا حتی از سمت جامعه وجود داره که باعث می‌شه نتونی پوشش مورد علاقه‌ها رو استفاده کنی، چه احساسی بهت می‌ده؟

احساس ناتوانی می‌کنم. وقتی نمی‌تونم در برابر اون چیزی که مال منه، از حق خودم دفاع کنم و بگم که این بدن مال منه، پس تنها من می‌تونم براش تصمیم بگیرم یا نمی‌تونم طرز فکرهای اشتباه رو از بین ببرم، یه جور حس حقارت بهم دست می‌ده.

- این طرز فکرهای اشتباهی که نمی‌تونن اون‌ها رو از بین ببری مربوط به چه موضوعاتی هستن؟

این که حجاب من به همه مربوطه یا این که رفتار من به همه مربوطه کلاً چیزهای شخصی که چون من دخترم به همه مربوط می‌شه.

- چه چیزی باعث شده که به این نتیجه برسی که چون دختر هستی مسایلی شخصی‌ات به همه مربوط می‌شه؟

مثلاً پسرهای فامیل ما بعضی اوقات با شلوارک می‌رن بیرون، ولی هیچ‌کس گیر نمی‌ده بهشون، ولی مثلاً من موهام بیرون باشه یا مانتو کوتاه بپوشم، بهم گیر می‌دن.

- عزیزم تا الان آیا وسایلی خریدی که به بی‌تی‌اس و کی‌پاپ مربوط می‌شه؟

من تازه دارم شروع می‌کنم که چیزهایی مربوط به کی‌پاپ رو بخرم. در درجه اول دوست دارم آلبوم جدید بلک‌پینک و پروف بی‌تی‌اس رو بخرم.



- هزینه و قیمت این آلبوم‌ها چه جوریه؟

توی کشور ما چون وارداتی، کم‌کمش ۱ یا ۲ تومان هست و خب خیلی زیاده.

- سارینا جان این آلبوم خریدن که دوست داری در آینده انجامش بدی، در مقابل هزینه‌ای که انجام می‌دی چه چیزی رو در اختیار قرار می‌ده؟

فایده‌ای که نداره، ولی خب من دوست دارم از خواننده موردعلاقه‌ام برای دل خودم و محض دلخوشی آلبوم داشته باشم.

- مگه آلبوم داشتن چه دلخوشی‌ای بهت می‌ده؟

خب هر کی به خواننده‌ای رو دوست داره از این که وسایل مربوط به اون رو هم داشته باشه خوشش میاد. من هم مثل هر کس دیگه‌ای دوست دارم، آلبوم گروه مورد علاقه‌ام رو داشته باشم و باهاش اتاقم رو تزئین کنم و هر روز نگاهش کنم و حالم خوب بشه.

- با توجه به این که گفتی بی‌تی‌اس توی اکثر آهنگ‌هاشون به این موضوع اشاره می‌کنن که خودت رو دوست داشته باش، آیا این موضوع روی زندگی و علاقه‌ها نسبت به خودت تأثیری گذاشته؟

در اون حد خیلییی زیاد نه، ولی واقعاً امیدبخشه و تو زندگی من تقریباً ۷۰ درصد تأثیر داره و من هر وقت ناراحت می‌شم یا ناامید می‌شم، بهشون گوش می‌دم و معجزه می‌کنه.

- آیا این انرژی مثبتی که از سمت بی‌تی‌اس دریافت می‌کنی، روی زندگی عادی و روزمره‌ها هم تأثیر می‌گذاره؟

بله زیاد. چون وقتی یه نفر باشه که بهت بگه دوستت داره و خودت رو دوست داشته باش، واقعاً خیلی به آدم امید می‌بخشه و دلگرمی خاصی به آدم می‌ده.

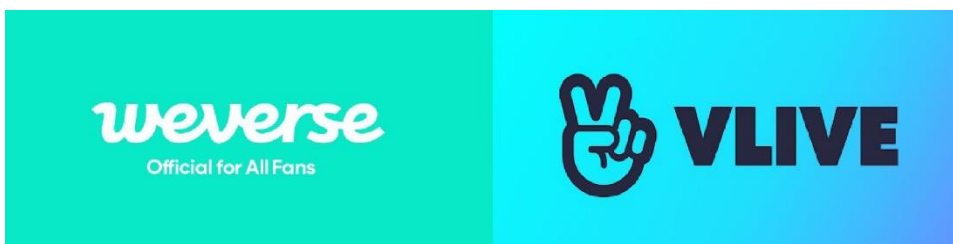
مثلاً نامجون می‌گفت از بی‌تی‌اس استفاده کنید تا خودتون رو دوست داشته باشید. در کل بی‌تی‌اس حتی زمان‌هایی که من دنبال‌شون نیستم هم روی من اثر می‌گذارن.





- آیا شده که خودت رو موظف بدونی که اون آهنگ‌های بی‌تی‌اس رو که خیلی مورد علاقات نیستن به اندازه بقیه آهنگ‌ها استریم کنی یا براشون ویو بزنی؟
- بله، من همه‌شون رو حمایت می‌کنم، ولی کم‌تر بهشون گوش می‌دم و انتخاب اولم نیستن، ولی این جوری نیست که کلاً ولش کنم. اندازه بقیه ویو می‌زنم و استریم می‌کنم، ولی زیاد مثل بقیه گوش‌شون نمی‌کنم.
- عزیزم شما به چه شکلی معنی و مفهوم پشت آهنگ‌های بی‌تی‌اس رو می‌فهمی؟
- من زیاد کره‌ای بلد نیستم و بیش‌تر بخش انگلیسی آهنگ‌هاشون می‌فهمم و متن کره‌ایشون رو زیاد نمی‌فهمم و کم و بیش می‌فهمم چی می‌گن. بیش‌تر تو گوگل ترنسلیت (مترجم گوگل) می‌بینم.
- تاحالا دنبال این رفتی که زبان کره‌ای رو به طوری جدی یاد بگیری؟
- نه. من خیلی حوصله و وقت این کارها رو ندارم، بیش‌تر دوست دارم انگلیسی‌ام رو قوی کنم.
- عزیزم آیا تا به حال پیش اومده که به مهاجرت به کره فکر کنی یا براش برنامه‌ریزی کنی؟
- اوایل خیلی به این فکر می‌کردم که برم کره و به اونجا مهاجرت کنم، ولی در حال حاضر که درباره سختی مهاجرت و کار کردن تو کره می‌دونم، دیگه زیاد علاقه‌مند به مهاجرت نیستم، ولی دوست دارم که حداقل یک بار تفریحی به کره برم. الان بیش‌تر دوست دارم به کشورهای دیگه مثل ترکیه که برای ایرانی‌ها آسون‌تره برم که راحت‌تر باشه. البته من هنوز حتی انتخاب رشته هم نکردم که بخوام به مهاجرت فکر کنم (می‌خندد).
- هدفت از مهاجرت به کره قبل از این که منصرف بشی، چی بود؟
- کلاً همه چیز، مثلاً دیدن آیدول‌های کی‌پاپ، خوردن غذاهاشون و لباس پوشیدن مثل کره‌ای‌ها.
- می‌شه درباره سختی‌های مهاجرت به کره که باعث شد منصرف بشی، بیش‌تر توضیح بدی؟
- خب کره‌ای‌ها خیلی سخت‌کوش ان و آمار خودکشی‌هاشون هم خیلی بالاست، چون اکثر اوقات هیچ وقتی برای تفریح ندارن و باید همه‌اش کار کنن. من هم به زندگی‌ای که دایم کار کنم رو نمی‌خوام و کشورهایی هست که برای ایرانی‌ها خیلی مناسب‌تر و بهترن تا کره مثل ترکیه.
- آیا سختی‌های مهاجرت و زندگی توی کره فقط برای ایرانی‌ها هست یا مهاجرهای خارجی کلاً این سختی‌ها رو دارن؟
- خب مهاجرت قطعاً هر چه قدر پولدارتر باشی، راحت‌تره، چون اون‌هایی که می‌خوان بدون پول مهاجرت کنن، باید برن بورسیه بگیرن یا اگه بخوان پول کمی بگذارن، باید حتماً توی کره ۲، ۳ تا کار داشته باشن تا بتونن خرج زندگی‌شون رو در بیان، مخصوصاً کسانی که پول ایران رو تبدیل به پول کره می‌کنن، ولی مثلاً برای کسانی مثل آمریکایی‌ها سختی‌اش خیلی کم‌تره، چون واحد پول‌شون دلار و دلار همه‌جا کار سازه. از نظر من هر جا بری ایرانی‌ها سختی بیش‌تری برای مهاجرت می‌کشن.
- تاحالا پیش اومده که تلاش کنی با اعضای بی‌تی‌اس ارتباط برقرار کنی؟

تو لایو که خیلی شده برم و کامنت بگذارم، ولی تو پست اینستا چون کامنت‌ها بسته است، نمی‌شه کامنت بگذارم. بیش‌تر تو وی‌لایو<sup>۱</sup> و وی‌ورس<sup>۲</sup> سعی می‌کنم کامنت بگذارم و بیش‌تر اوقات فعال هستم. توی این کامنت گذاشتن‌ها شده که بازخوردی هم از اعضای بی‌تی‌اس گرفته باشی؟



نه خب، خیلی احتمالش کمه ولی تو وی‌ورس آرمی‌های زیادی هستن که بازخورد داشتن. - شده تاحالا به امید این که یک واکنش از اعضای بی‌تی‌اس بگیرم، توی کامنت گذاشتن‌ها یا لایوها شرکت کنی؟ ۱ یا ۲ بار پیش اومده، ولی در کل این هدف رو نداشتم که از شون واقعاً بازخورد بگیرم و همین جوری خواستم یه چیزی گفته باشم. - گفته بودی که قبلاً با هیترها بحث و دعوا می‌کردی، ولی الان دیگه این جوری نیستی، به طور کلی واکنش طرفداران (آرمی‌ها) به نفرت پراکنان (هیترها) چه جوریه؟ یک سری اصلاً با هیترها درگیر نمی‌شن و یک سری‌ها مثل من الان فقط رپورت (گزارش) می‌کنن. یک سری‌ها هم فقط فحش می‌دن که البته به نظر من باید اصلاً جواب‌شون رو ندیم و فقط گزارش کنیم. بیش‌تر آرمی‌ها فحش می‌دن و البته هیترها هم کم از آرمی‌ها ندارن و اون‌ها فحش‌های خیلی بدتری می‌دن. - می‌شه مثال بزنی که مثلاً هیترها چه حرف‌های نامناسبی درباره بی‌تی‌اس می‌زنن؟ آخه اصلاً نمی‌تونم بگم. خیلی چیزهای بدیه، ولی بعضی ملایم‌هاش رو می‌گم مثل گی، تی، لز، فن، بچه‌سال و عقب‌مونده‌های ذهنی. بقیه‌اش رو واقعاً نمی‌تونم بگم. - این گی، تی، لز فن که هیترها به بی‌تی‌اس نسبت می‌دن اصلاً معنی‌اش چیه؟ گی یعنی هم‌جنس‌گرای پسر، تی یعنی استریت، لز هم یعنی هم‌جنس‌گرای دختر. مثلاً می‌گن دختر هستن، هم‌جنس‌گرا هم هستن، ولی در عین حال استریت و گی هم هستن، یعنی همین قدر بی‌معنی فکر می‌کنن. - مگه چه چیزی از بی‌تی‌اس دیدن که این چیزها رو درباره‌شون می‌گن؟ چون آرایش می‌کنن، دامن یا نیم‌تنه می‌پوشن یا باهم صمیمی‌ان و هم‌دیگه رو بغل می‌کنن این حرف‌ها رو می‌زنن.



<sup>۱</sup>- وی‌لایو (VLIVE) یک اپلیکیشن مخصوص طرفداران کی‌پاپ است که ستاره‌ها هر چند وقت یک‌بار یا به دلیل مناسبت‌های مختلف در آن لایو یا پخش زنده دارند و در آنجا به اظهارات (کامنت) افراد جواب می‌دهند.

<sup>۲</sup>- وی‌ورس (weverse) یک اپلیکیشن برای طرفداران کی‌پاپ است که در آنجا ستاره‌ها پست متنی یا تصویری می‌گذارند. حتی طرفداران نیز قادر به پست گذاشتن هستند و ستاره‌ها می‌توانند آن پست را رؤیت کنند.

- آیا توی این صمیمیت‌ها و بغل کردن‌ها خصوصیت خاصی وجود داره که باعث می‌شه بعضی از افراد برداشت‌های هم‌جنس‌گرایانه از شون داشته باشن؟

نه بابا مردم خیلی حساس ان و خیلی مسخره‌بازی در میارن، مخصوصاً هیترهای ایرانی که فقط دنبال بهونه ان.

- من در مصاحبه‌های دیگه‌ای که داشتم، این موضوع رو دیدم که از همین رفتارها توسط طرفدارها یک سری تئوری‌پردازی‌ها هم‌جنس‌گرایانه مثل کاپل بودن دو نفر از اعضای گروه انجام می‌شه، اگر رفتارهای بی‌تی‌اس نشانه‌های هم‌جنس‌گرایی ندارن، پس چه چیزی باعث می‌شه بعضی‌ها بیان و تئوری‌پردازی کنن؟

بعضی‌ها مثل این افرادی که گفتی خیلی قوه تخیل‌شون بالا هست و همه‌اش دوست دارن یه نفر رو به زور بچسبونن به یه نفر دیگه و براشون داستان‌سازی کنن.

- پس با توجه به نظر شما آیدول‌های کی‌پاپ یا بی‌تی‌اس، هیچ ارتباطی با هم‌جنس‌گرایی ندارن، درسته؟ از نظر من آره.

- عزیزم آیا شما قبل از این که با بی‌تی‌اس و کی‌پاپ آشنا بشی هم اطلاعاتی راجع به هم‌جنس‌گرایی داشتی؟ بله، داشتم.

- آیا اون زمان نگرش خاصی در ارتباط با این موضوع داشتی؟

نه، نگاه خاصی نداشتم. کلاً از اول آدم هموفوبیکی (هم‌جنس‌گرا ستیز) نبودم.

- آیا آشنایی با بی‌تی‌اس و کی‌پاپ روی نگرش نسبت به موضوع هم‌جنس‌گرایی تأثیری داشت؟

نه. احساس خاصی نسبت به این افراد ندارم و به نظرم اون‌ها هم آدم ان و حق زندگی و احترام دارن.

- این رفتارهای هیترها که گفتی مربوط به هیترهای ایرانی می‌شه یا هیترهای بین‌المللی هم چنین رفتارهایی دارن؟

هیترهای ایرانی بیشتر تر می‌گن بی‌تی‌اس آرایش می‌کنن، فن‌هاشون بچه‌ان، موهاشون رو رنگ می‌کنن، شبیه دخترها هستن و بهانه‌هایی مثل این.



هیترهای کره‌ای و خارجی بیش‌تر شون آرمی‌نماهایی هستن که فقط آیدول رو برای خودشون می‌دونن و با کوچک‌ترین آزادی آیدول عصبی می‌شن، مثلاً می‌گن حق ندارید ازدواج کنید.

- به جز مسأله ازدواج، آیا خواسته‌های غیرمنطقی دیگه‌ای هم از سمت فن‌ها برای ستاره‌ها وجود داره که آزادی‌شون رو خدشه‌دار می‌کنه؟

مثلاً می‌گن آیدول‌ها نباید چاق باشن یا نباید قرار بگذارن یا آیدول‌های زن مثل هیونا اگه بدن‌شون رو نشون بدن دنبال توجه ان یا نباید بیرون برن و خوش بگذرونن و باید تمام تمرکزشون رو روی کارشون بگذارن، مثل جونگ‌کوک که رفته بود شهربازی و بهش هیت دادن.

نظر شخصی خودت راجع به این خواسته‌ها و نظرات هوادارها که آزادی ستاره‌ها رو زیر سوال می‌بره، چیه؟

به نظرم درباره بدن‌نمایی اصلاً تقصیر آیدول‌ها نیست چون کمپانی بهشون می‌گه که چه چیزی بپوشن. درباره چاقی هم گاهی اوقات تقصیر خود طرف نیست مثلاً جونگیون توایس به خاطر بیماری‌اش وزن اضافه کرد و کلی هم هیت خورد، ولی در واقع اصلاً تقصیر خودش نیست.



- آیا تا به حال شده که خودت چنین توقعات یا خواسته‌هایی از آیدول مورد علاقه‌ات داشته باشی؟  
نه اصلاً. آیدول من حداقل ۱۳ سال با من فاصله سنی داره و از من بزرگ‌تره، پس خودش عقلش می‌رسه که چی کار کنه و چی کار نکنه.
- آیا آیدول‌ها به این موضوعاتی که بعضی از هواداران ازشون توقع دارن، بازخوردی نشون دادن؟  
بله، مثلاً یه بار یکی از آرمی‌ها گفت، من نمی‌خوام تهیونگ پدر بشه و تهیونگ هم گفت، ولی این آرزوی منه. دیگه واکنش دیگه‌ای از این دست موارد ندیدم یا اگه دیدم یادم نیست.
- واکنش افراد مختلف به این جواب تهیونگ چی بود؟  
خب یه سری‌ها قطعاً بهش هیت می‌دن، ولی مطمئنم اون آرمی هم بازخورد منفی داشته، چون افراد زیادی هستن که آیدول‌شون رو همه جوره دوست دارن.
- به طور کلی چه مسایلی درباره زندگی آیدول‌ها وجود داره که تحت نظارت کمپانی‌ها است و آیدول‌ها موظف به اجرای اون هستن؟  
مثلاً نمی‌تونن خودشون مدل و رنگ موهاشون رو انتخاب کنن یا نمی‌تونن جوری که می‌خوان لباس بپوشن یا خیلی‌هاشون نمی‌تونن قرار بگذارن یا نمی‌شه با دستور کمپانی‌ها مخالفت کنن وگرنه نابود می‌شن.





- آیا آیدولی بوده یا هست که به این نظارت‌ها و اعمال قدرت کمپانی‌ها اعتراض بکنه؟  
آره خیلی شده. مثلاً یکی از اعضای گرلزجنریشن<sup>۱</sup> گفته بود کمپانی به من پارت‌های خیلی کمی می‌ده یا نانسی عضو مومولند<sup>۲</sup> یه بار گفته بود کمپانی به گرل گروپ (گروه دختر) جدیدش بیشتر از ما توجه می‌کنه. نمی‌دونم کی، ولی یادمه یکی از آیدول‌های کیوب گفته بود که کیوب بیشتر به گرل گروپ‌هاش (گروه‌های دختر) توجه می‌کنه تا بوی بندهاش (گروه‌های پسر).



جیسو از بلک‌پینک هم یه بار تو کنسرت گفت، چون کمپانی بهمون آهنگ‌های کمی داده، ما نمی‌تونیم دیگه آهنگ براتون اجرا کنیم، چون آهنگ‌هاشون تموم شده بودن یا مثلاً مومو کمپانی بهش رژیم داد که روزی فقط یه تیکه یخ می‌خورد و خودش در این رابطه گفته که می‌ترسیدم شب بخوابم و صبح بیدار نشم یا مثلاً سومی می‌گفت، تو یه روز فقط یه دونه سیب خورده بودی، اون فقط به خاطر این که اجرا داشت و اجازه نداشت چیز دیگه‌ای بخوره.



- پیامد مخالفت یا اظهار نظر ستاره‌ها نسبت به قوانین و خواسته‌های کمپانی، چیه؟  
ممکنه تنبیه بشن یا در عوض کمپانی بهشون توجه نکنه و خواسته‌هاشون رو بر آورده نکنه.

<sup>۱</sup>- گرلز جنریشن (Girl's Generation) که با نام SNSD نیز شناخته می‌شود یک گروه موسیقی دخترانه اهل کره جنوبی است که کار خود را از سال ۲۰۰۷ تحت نظر کمپانی SM با ۹ عضو شروع کرد.

<sup>۲</sup>- مومولند (MOMOLAND) یه گروه ۹ نفره هست که در ۲۰۱۶ زیر نظر کمپانی Duple Kick دبیبو کردند. این گروه در حال حاضر شامل شش عضو است.

- این افرادی که به خاطر شهر بازی رفتن جونگ کوک بهش هیت دادن از طرفدارهای بی‌تی‌اس بودن؟  
نمی‌تونیم بهشون بگیم آرمی چون بیش‌تر ساسنگ فن<sup>۱</sup> و فیک‌آرمی ان (طرفدار غیرواقعی) ولی بیش‌تر از طرف هیت‌رها بود.
- یه چنین مسایلی که منجر به بازخوردهای منفی به ستاره‌ها می‌شه، چه احساسی بهت می‌ده؟  
واکنش من سر این قضایا یه واکنش حرصی به تمام معنا هست، مثلاً خیلی شده میان به اسم آرمی می‌گن، جنی خیلی چاقه یا لیزی دنسره (رقصنده تنبل) یا نمی‌تونه بخوانه و من اون لحظه می‌خوام خودم و اون طرف رو خفه کنم. آخه این خیلی رو مخه که یه مولتی فن<sup>۲</sup> بیاد ببینه، فن یکی از آیدول‌هاش به اون یکی آیدول هیت می‌ده و من در مقابل چنین افرادی این جور می‌ام که شوخی می‌کنی. آخه نه که تو خیلی خوبیی. نکشی مون بابا خفتنن.
- من وقتی داشتم توی ویکی‌پدیا درباره بی‌تی‌اس و جوایزی که گرفته بودن مطالعه می‌کردم، متوجه شدم که از ۲۰۱۸ بی‌تی‌اس به‌طور چشمگیری توی برنده شدن جوایز سیر صعودی داشته و تا سال‌های قبل گروه‌های دیگه‌ای برنده این جوایز می‌بودن، دلیل این پیشرفت چشمگیر بی‌تی‌اس توی سال ۲۰۱۸ چیه؟  
خودم هم نمی‌دونم چرا، ولی از سال ۲۰۱۸ به این‌ور بی‌تی‌اس یهویی خیلی پیشرفت کرد و تا قبلش می‌خواست دیس‌بند<sup>۳</sup> بشه. نمی‌شه دقیق گفت چرا یهو فن‌هاش زیاد شد یا چرا سبکش یهو عوض شد، ولی نظر من رو بخوای می‌گم به خاطر سروصدای زیادی که وقتی می‌خواست دیس‌بند بشه و آهنگ باتر بود. باتر وقتی منتشر شد، همه‌هههه روی ادیت‌هاشون می‌گذاشتش و بیش‌تر موفقیت به خاطر همین دوتا بود. ولی خب باز هم می‌گم سلیقه‌ایه و شاید مردم با این سبک بی‌تی‌اس بیش‌تر تونستن کنار بیان، منظورم اینه که سبک جدیدشون بیش‌تر با علاقه مردم همخوان بود، چون بی‌تی‌اس برای همه حال و هوایی آهنگ داره، ولی این سبکش پرترفداره، مثل بلک‌پینک که سبک گرل کراش خیلی محبوبه و طرفدار داره.
- می‌شه مثال بزنی که سبک آهنگ‌های بی‌تی‌اس چه جوریه که می‌گی برای هر حس و حالی می‌تونه آهنگ داشته باشه؟  
مثلاً غمگین مثل لودر دن بامبز<sup>۴</sup> و فیک لاو<sup>۵</sup>، شاد مثل آیدول، هیجانی مثل فایر، رنگی رنگی و کیوت (بامزه) مثل باتر.
- چه عواملی تا قبل از ۲۰۱۸ باعث شده بود که بی‌تی‌اس رو به انحلال و دیس‌بند شدن باشه؟  
از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ آلبوم‌هاشون زیاد فروش نمی‌کرد. بی‌تی‌اس مثل گروه‌های دیگه تو چشم نبود و کسی زیاد بهش اهمیت نمی‌داد که بیش‌ترش هم به‌خاطر این بود که از طرف یه کمپانی ورشکسته بودن.
- بین این رشد صعودی بی‌تی‌اس در سال ۲۰۱۸ و انتشار آهنگ باتر فکر کنم تقریباً ۲ یا ۳ سال فاصله وجود داره، توی این دو سال اتفاقی وجود نداشته که باعث بشه بی‌تی‌اس شهرت بیش‌تری رو به دست بیاره و محبوب بشه؟  
باتر سال ۲۰۲۰ منتشر شد و خیلی سر و صدا کرد و خودم هم نمی‌دونم چرا. از نظر من فعالیت بی‌تی‌اس اون قدر زیاد نبود، خود من هم همون موقع که اومد آرمی شدم و اطلاعات زیادی بین زمان بین ۲۰۱۸ و ۲۰۲۰ ندارم، ولی فکر می‌کنم این جوریه.
- آهنگ باتر چه ویژگی‌ای داشت که باعث شد خیلی سروصدا بکنه؟  
باتر سبک بی‌تی‌اس رو یه جورایی عوض کرد و اون فاز دنس و هیجان‌انگیز بردش توی یه فاز رنگی.

۱- ساسنگ فن که به طرفدارانی می‌گویند که کارشان از طرفداری گذشته و شبیه به یک پاپ‌راتزی یا استاگر دردرساز، برای فرد مشهور مورد علاقه خود مزاحمت ایجاد می‌کنند. مثلاً شماره تلفن یا آدرس خانه شخص معروف را پیدا می‌کنند و آرامش وی را مختل می‌کنند.

۲- مولتی فن (Multi Fan) به شخصی گفته می‌شود که طرفدار تمام یا تعداد بسیاری از گروه‌های کی‌پاپ است. به اصطلاح عامیانه‌تر مولتی فن به طرفدار دو آتشه موسیقی کی‌پاپ گفته می‌شود که تمام یا تعداد بسیاری از گروه‌های موسیقی کره‌ای را دنبال کرده و طرفدار آنان باشد.

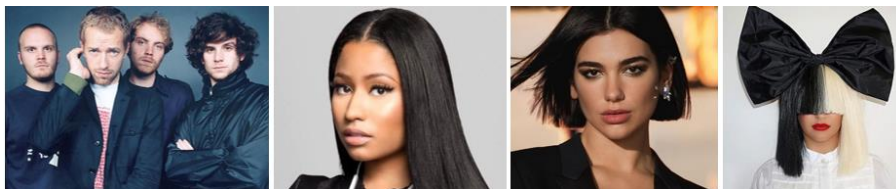
۳- اگر بنا به اتفاقاتی اعضای یک گروه موسیقی کی‌پاپ بخواهند قرارداد خود را با کمپانی تمدید نکنند و یا راه جداگانه‌ای را پیش بگیرند و از هم جدا شوند به آن دیس‌بند (Disband) گفته می‌شود.

4- Louder than bombs (2020)

5- Fake love (2018)



- به نظرت همکاری‌های بی‌تی‌اس با خواننده‌های غربی مثل هالزی، می‌تونه باعث بشه که شهرتِ گروه‌شون بالا بره؟  
این حرفی که گفتی یه کم باعث شد به این نتیجه برسم که عواملی مثل همکاری قطعاً به معروف شدن کمک می‌کنه مثلاً سیا<sup>۱</sup> و هالزی و کلدپلی<sup>۲</sup> و نیکی میناژ<sup>۳</sup> خیلی معروف ان و قطعاً همکاری‌شون با یه بند آسیایی قطعاً سر و صدا می‌کنه یا متن انگلیسی که امروزه هر چی گیر بیارن، ترند می‌کنن مثل باتر که مشابه قسمت وکال جونگ‌کوک که انگلیسی بود با یکی از آهنگ‌های دوا لپیا<sup>۴</sup> که ترکیب شده بود خیلی ترند شد.



- سارینا جان گفتی که قبلاً نسبت به بلک‌پینک تعصب شدیدی داشتی و الان دیگه مثل قبل نیستی، آیا نسبت به بی‌تی‌اس هم چنین تعصباتی داری؟

آره دارم، ولی الان زیاد سعی می‌کنم درگیر نشم، چون اعصاب خودم بدتر بهم می‌ریزه، چه درباره بلک‌پینک چه درباره بی‌تی‌اس و خب من جزو بلینک و آرمی بودن تو پنج تا فندوم دیگه هم هستم که به اندازه این دوتا نیست و اگه بخوام برا همه‌شون این جور بحث کنم، واقعاً اعصابی برای خودم باقی نمی‌مونه. قبلاً که نیو فن (هوادار جدید) بودم، خیلی درگیر هیترها بودم، ولی الان خیلی سعی می‌کنم درگیر نشم و اگر هم شدم از راه منطقی جلو برم، مثلاً بگم که این که اون‌ها آرایش می‌کنن به شما ربطی نداره یا این که من چه نوع سلیقه‌ای دارم، هم به شما آسیب نمی‌زنه و به شما مربوط نیست و لزوماً همه نباید مثل هم باشن.

- اون فندوم‌هایی که به جز بلک‌پینک و بی‌تی‌اس داخل شون هستی، برای چه گروه‌هایی هستن؟  
تو فندوم اکسو، استری کیدز<sup>۵</sup>، ایتزی، توایس<sup>۶</sup>، جی‌آیدل<sup>۷</sup> و مامامو<sup>۸</sup> هم خیلی کم هستیم.

<sup>۱</sup>- سیا (Sia) خواننده پاپ اهل استرالیا است که بیش‌تر به دلیل انزجار از شهرت شناخته می‌شود.

<sup>۲</sup>- کلدپلی (Coldplay) یک گروه راک بریتانیایی است که در سال ۱۹۹۶ در لندن شکل گرفته است.

<sup>۳</sup>- نیکی میناژ (Nicki Minaj) رپر، خواننده و ترانه‌نویس زاده ترینیداد و توباگو است که در ایالات متحده اقامت دارد.

<sup>۴</sup>- دوا لپیا (Dua Lipa) خواننده، ترانه سرا و مدل انگلیسی است.

<sup>۵</sup>- استری کیدز (Stray Kids) یک گروه موسیقی پسرانه کره‌ای است که در سال ۲۰۱۸ تحت نظر کمپانی جی‌وای پی تشکیل شد.

<sup>۶</sup>- توایس (Twice) از موفق‌ترین گروه‌های دختر تاریخ کی‌پاپ است که در سال ۲۰۱۵ دبیبو کرده و زیر نظر کمپانی جی‌وای پی فعالیت می‌کنند.

<sup>۷</sup>- گروه جی‌آیدل ((G)I-DLE) یک گروه دختر کره‌ای است که از ۲۰۱۸ تحت نظر کمپانی CUBE Entertainment فعالیت می‌کند.

<sup>۸</sup>- مامامو (Mamamoo) یکی از محبوب‌ترین گروه‌های دختر کی‌پاپ است که زیر نظر کمپانی RBW در تاریخ ۲۰۱۴ شروع به کار کرد.



– آیا تا به حال شده که به ستاره و خواننده کی‌پاپ شدن، فکر بکنی؟  
 آره، اون اوایل که فن کی‌پاپ شده بودم خیلی پیش می‌اومد که دلم بخواد، ولی الان دیگه نه. خب خیلی سخته هم باید زبانت خوب باشه، هم صدات، هم قیافه‌ات، هم رقصات، هم تحملات. در کل همه چیزت باید خوب باشه، مخصوصاً گذشت کردنت، چون شایعه‌های زیادی برای آیدول‌ها درست می‌شه و کسی که آیدول می‌شه باید خیلی تحمل داشته باشه که من ندارم.  
 – می‌شه مثال بزنی که مثلاً چه شایعه‌سازی‌هایی برای آیدول‌ها کی‌پاپ پیش می‌اد؟  
 مثلاً یه مدت شایعه شده بود که جنی با تهیونگ قرار می‌گذاره و خیلی هم سر و صدا کرد که یه بارش سر قضیه فالو کردن (دنبال کردن) جنی توسط تهیونگ بود یه بار هم سر عکس‌های فوتوشاپ یا شایعه گارام لسرافیم<sup>۱</sup> و سوچین جی آیدول که به قلدری متهم شده بودن و در نهایت از گروه رفتن یا یه مدت شایعه شده بود جین و جیسو باهم فامیل ان و این که شایعه شده بود سولار مامامو مال کره شمالیه و هواسا مامامو و جونگیون توایس بارداران و ته همه این شایعه‌ها به هیت ختم می‌شه.



– توی صحبت‌ها به این موضوع اشاره کردی که بعضی از آیدول‌ها به‌خاطر اتهام به قلدری گروه‌شون رو ترک کردن، اگر یک روزی آیدول موردعلاقه خودت چنین کاری انجام بده، واکنشت نسبت بهش چیه؟  
 اگه اون کار از نظر من هم بد باشه، دیگه استنش نمی‌کنم، ولی آهنگ‌هاش رو گوش می‌دم ولی اگه کاری که کرده، قابل بخشش باشه و ضرر خاصی به بقیه نزنه و صرفاً یه کاری باشه که به خود هر آدم مربوطه، ازش می‌گذرم.  
 – اگه آیدولت چه کارهایی انجام بده، ازش گذشت نمی‌کنی؟  
 مثلاً کلاه‌برداری کنه، به یه آیدول دیگه بی‌احترامی کنه و از بقیه اسکی بره، نه این که الگوبرداری کنه.  
 – آیا احتمال این وجود داره که اگه یه روزی آیدول مورد علاقه‌ات یکی از این رفتارهایی که برات غیرقابل گذشت بود رو انجام بده، بهش هیت بدی؟

۱- لسرافیم (Le Sserafim) یک گروه موسیقی اهل کره است که کار خود را از ۲۰۲۲ زیر نظر کمپانی سورس میوزیک و هایب شروع کرد.



ممکنه، ولی تا جایی که من می‌دونم امکانش کمه که آیدول من با اون همه رفتار خوبش، یهو خراب بشه، ولی باز هم امکانش هست، ولی اگه اتفاق بیفته من بهش هیت نمی‌دم. من کلاً آدمی نیستم که به کسی هیت بدم چون از نفرت ورزیدن خوشم نمیاد.

– مگه اون ستاره‌هایی که گروه‌شون رو ترک کردن یا به مسایل مختلف متهم شدن قبل از این که این اتفاقات براشون پیش بیاد، آدم‌های بدی بودن؟

نه خب، ولی اون‌ها شایعه بودن و حتی بعضی‌ها خلاف‌شون ثابت شد. در کل طبیعیه که وقتی معروف می‌شی، همه دشمنت می‌شن.

– سارینا جان آیا شده تا به حال مهارت یا کاری رو به خاطر کی‌پاپ یاد بگیری؟

بله، مثلاً رقص‌های گروه‌ها رو یاد گرفتم.

– آیا تا به حال شده توی این کمک‌ها و هزینه‌هایی که طرفدارها از طرف آیدول‌ها انجام می‌دن، شرکت بکنی؟

نه من تا حالا چنین کاری نکردم، چون پولی از خودم ندارم و اگه مامانم بفهمه قطعاً نمی‌گذاره این کار رو بکنم (می‌خندد). کلاً تا حالا برای آیدولم خرج اون جوری نکردم.

– اگه پولی داشتی که برای خودت بود، ممکن بود چنین هزینه‌ها رو انجام بدی؟

آره. اگه اون قدر پول داشتیم، قطعاً خوشی می‌زد زیر دلم و می‌رفتم به آیدولم هم می‌رسیدم، ولی متأسفانه چنین آپشنی (گزینه) رو تو حتی تو رؤیاهام هم ندارم (می‌خندد).

– اگه توان این رو داشتی که برای آیدولت هزینه‌ای بکنی، انگیزه‌ات از این کار چه چیزی بود؟

این که برای فرد مورد علاقه‌ام خرج کنم رو خیلی دوست دارم. حس خوبی بهم می‌ده برای کسی که برات ارزش داره یه کاری انجام بدی.

– به این اشاره کردی که آیدول‌ها رژیم‌هایی می‌گیرن که سخته، آیا خودت هم تا به حال سعی کردی از رژیم‌های اونا پیروی کنی؟

نه، اصلاً مگه دیوانه‌ام (می‌خندد)، رژیم‌های آیدول‌ها خیلی عجیبیه، ولی از ورزش‌هاشون پیروی می‌کنم.

– پیش اومده که دنبال این باشی که شبیه خواننده‌های کره‌ای و معیارهای اون‌ها بشی؟

اوایل خیلی دنبال این بودم ببینم که چند درصد شبیه کره‌ای‌ها هستم، ولی از یه جا به بعد کلاً واسم مهم نبود.

قبول دارم اون‌ها بیش‌تر خوشگل به نظر می‌رسن ولی این که من زشتم و اونا خوشگل نه اصلاً تا حالا چنین فکری نکردم.

اون‌هایی هم که این مدلی فکر می‌کنن، باید زودتر اصلاح بشن، چون هیچ‌کس واقعاً زشت نیست، ولی ممکنه سلیقه خیلی‌ها نباشه. کلاً

معیارهای کره مسخره هست، پوست سفید، چشم‌های درشت، شکم تخت و این‌ها فقط باعث می‌شه که آدم به خودش شک کنه و از خودش

نامید بشه، البته بماند که آیدول‌های کی‌پاپ همیشه می‌گن هر جور که هستی خودت رو دوست داشته باش و سعی می‌کنن، این معیارها رو

بشکنن، مثل هواسا گفت، من یه روز به یه معیار زیبایی تبدیل می‌شم و واقعاً شد یا مثل یکی از اعضای بلک سوان<sup>۱</sup> که سیاه‌پوسته این خودش

یه معیارهای جدید رو می‌سازه.

– اگه آیدول‌ها شبیه معیارهای زیبایی کره نباشن، چه بازخوردهایی می‌گیرن؟



<sup>۱</sup> – بلک سوان (Black Swan) که با اسم B.S هم شناخته می‌شود، یک گروه دختر چهار نفره تحت نظر کمپانی DR Music است.

بیش‌تر از سمت مردم خود کره هیت می‌گیرن و حرف‌های منفی درباره‌شون زده می‌شه، ولی فن‌های بین‌المللی خیلی با این قضیه مشکلی ندارن.

- به طور کلی آیا طرفداری از بی‌تی‌اس روی شکل‌گیری شخصیت تأثیری گذاشته؟  
به نظرم خودم نه، ولی واقعیت رو چرا به کم.

- این که می‌گی واقعیت رو چرا به کم، یعنی چی؟

مثلاً بعد از این که با بی‌تی‌اس آشنا شدم، بعضی‌ها بهم گفتن که بهتر شدی، یعنی با اعتمادبه‌نفس‌تر شد.

- با توجه به صحبت‌های خودت بی‌تی‌اس توی آهنگ‌هاشون به مضامینی مثل دوست داشتن خود اشاره می‌کنن، ولی آزادی انتخاب نداشتن و تحت سلطه کمپانی بودن به نوعی برخلاف دوست داشتن خود به حساب میاد، آیا با توجه به این مسأله به نظرت حرف‌ها و رفتارهای بی‌تی‌اس باهم در تضاد نیست؟

چرا هست.

- پس چرا وقتی این تضاد رو بین حرف و رفتارهاشون می‌بینی، باز هم ازشون طرفداری و یا حتی الگوبرداری می‌کنی؟

بالاخره هر انسانی به محدودیت‌هایی تو کارش داره. بی‌تی‌اس مجبور ان چون کارشون اینه و اون‌ها شرایط آیدول بودن رو پذیرفتن، ولی دلیل نمی‌شه که نگن خودت رو دوست داشته باش.

- یعنی این تضاد به نظرت موضوع مهمی نیست که باعث بشه طرفداریات رو کم‌تر بکنی؟  
نه.

- سارینا جان توی حرف‌ها به این اشاره کردی که اگر ستاره مورد علاقه تو کاری انجام بده که درست نباشه، دیگه ازش طرفداری نمی‌کنی، الان کارهایی که کمپانی‌ها با خواننده‌هاشون انجام می‌دن هم کار درستی نیست و باعث آزار آیدول‌ها می‌شه، با این حال چرا شما از گروه‌های

کی‌پاپ طرفداری می‌کنی که باعث می‌شه این رفتار منفی کمپانی‌ها در ارتباط با آیدول‌ها تقویت بشه؟

واقعاً نمی‌دونم چرا، ولی خب علاقه هست دیگه. من که نمی‌تونم از علاقه‌ام به خاطر کمپانی‌های مزخرف بگذرم.

- عزیزم آیا به نظرت بی‌تی‌اس روی سیاست بین‌المللی یا کره‌جنوبی تأثیری می‌گذارن؟

به نظرم به کم تأثیر دارن، مثلاً خب چون معروف هستن، خیلی می‌تونن برای کشورشون توریست و پناهنده (مهاجر نخبه) بخرن، ولی اون جوری که تو بحث‌های سیاسی باشن، نه، ولی مثلاً می‌تونن به عنوان سفیر کره سخنرانی و مصاحبه کنن، مثل این که بی‌تی‌اس رفتن پیش بایدن یا بلک‌پینک به سفارت انگلیس رفتن یا اکسو هم با ترامپ ملاقات کردن.

از به نظر دیگه هم می‌تونن بیش‌تر سیاست‌های کمپانی رو مخفی کنن، ولی برای سیاست کشور هم می‌تونه باشه مثلاً خیلی‌ها می‌گن شایعه قرار تهیه‌ونگ و جنی و عکس‌هاشون رو کمپانی هاید داده بود بیرون برای این که فاجعه‌ای که گروه جدیدش به بار آورده بود که همون قلدری گرام از لس‌رالفیم بود رو بپوشونه. کلاً کی‌پاپ جدای از رنگی بودن به ورژن دارک هم داره.



- منظورت از روی تاریک کی‌پاپ رو می‌تونی بیش‌تر توضیح بدی؟

از اون لحاظ که بگیم مثلاً شیطانی ان و این چیزها منظورم نیست، ولی از لحاظ خیلی چیزهای دیگه آره. برای نمونه می‌شه به مرگ آیدول‌های کی‌پاپ بر اثر خودکشی اشاره کرد که معلوم نیست سر بدبخت‌ها چی آورده بودن، مثلاً جونگ‌هیون از نظرم خیلی مرگش مشکوک بود، چون واقعاً هیچ مشکل خاصی نداشت که البته امیدوارم این جوری بوده باشه، ولی بهویی خودکشی کرد، ولی یکی مثل سولی که در اثر هیت‌های مردم خودکشی کرد رو می‌شه توجیه کرد، ولی یکی مثل جونگ‌هیون که نسبتاً کم هیت می‌گرفته و هنوز دلیل مرگش مشخص نیست آدم رو مشکوک به کمپانی می‌کنه. خود من خیلی شده فکر کنم که آیا کمپانی می‌تونه مسوول مرگش باشه یا نه، ولی چون پلیس نیست، نمی‌تونم بیش‌تر از این درباره مرگش اطلاعات دقیق بدم (می‌خندد). البته من منظورم از ورژن دارک کی‌پاپ فقط خودکشی نیست، تجاوزها، آزارهای جنسی، سخت‌گیری‌های پی‌درپی مثلاً جوری که آیدول مجبوره رژیم سخت بگیره و روزی ۱۲ ساعت هم برقصه و این که الان سن آیدول شدن تو کی‌پاپ خیلی اومده پایین، یکی از اعضای آیو<sup>۱</sup> فکر می‌کنم الان ۱۴ سالشه بعد اگه بخواد همه این‌ها رو تحمل کنه واقعاً کم میاره.

لباس‌هایی که مجبور به پوشیدن شون می‌شن، کارها یا رفتارهای فیزیکی که مجبور ان انجام بدن، ام‌وی‌هایی که مجبور ان به خاطرش جون شون رو وسط بگذارن یا مثلاً یادم نیست که از کدوم گروه بود که داشتم کلیپش رو می‌دیدم، ولی موبایل‌هاشون رو از شون می‌گرفتن تا مطمئن بشن که روی کارشون تمرکز می‌کنن و یا یه وقت خداااااایی نکرده قرار نگذارن. یه چیز دیگه هم اینه که اون قدر تمرین‌های سخت یه آیدول‌ها می‌دن که آیدول‌ها موقع اجرا از هوش می‌رن یا از خستگی نمی‌تونن رو پاهاشون وایستن. این رو خیلی زیاد دیدم مثل جی‌فرنڈ<sup>۲</sup>، همین بی‌تی‌اس یا استری کیدز و خیلی گروه‌های دیگه. کلاً همه این‌ها دیوونه‌کننده است.



- چه دلیلی وجود داشت که سولی از سمت مردم هیت می‌گرفت و آخر سر خودکشی کرد؟

فکر می‌کنم با کی‌م سوهیون یه فیلم بازی کرده بود که اون فیلم خب مثل این که موضوعش برای خیلی‌ها مثلاً تجاوز و این‌ها خیلی مناسب نبوده. بعد سولی سر بازی تو این فیلم و بازی با کی‌م سوهیون خیلی از سمت مردم کره هیت گرفت و از اون موقع به بعد هم همیشه سر موضوعات کوچیک بهش گیر می‌دادن.

- آیا کمپانی سولی اقدام خاصی برای بازخوردهای منفی‌ای که سولی از مردم می‌گرفت، انجام داد؟

نمی‌دونم، من تا به حال چیزی درباره این نشنیدم.

- واکنش کمپانی جونگ‌هیون یا حتی سولی بعد از این که اون‌ها خودکشی کردند، چی بود؟

کمپانی هر دو نفر اس‌ام بود و واکنش که نشون داده، اما من نمی‌دونم چی بوده، ولی حتماً گفتن ناراحت شدن و برای روح‌شون صلوات می‌فرستن دیگه (می‌خندد).

- نظر شخصی خودت راجع به این که بعضی از ستاره‌ها خیلی سن کمی دارن و فعالیت می‌کنن، چیه؟

<sup>۱</sup>- آیو (IVE) یک گروه دخترانه موفق و مشهور کره جنوبی است که توسط کمپانی Starship Entertainment شکل گرفته و در ۲۰۲۱ دیو خود را انجام دادند. کوچک‌ترین عضو این گروه ۱۵ سال دارد.

<sup>۲</sup>- جی فرنڈ (G friend) یک گروه موسیقی اهل کره جنوبی بود که در سال ۲۰۱۵ زیر نظر سورس میوزیک ایجاد شد. در ۲۰۲۱، بیانیه‌ای راجع به تمام شدن قرارداد جی فرنڈ با سورس موزیک منتشر شد و هر شش عضو، کمپانی را ترک کردند.

خیلی بده، مثلاً یه آدم ۱۳ ساله باید تو اون سن درس بخوانه و خوش‌گذرونی کنه، نه که بیهو بیاد آیدول بشه، چون یک از خانواده‌اش دور می‌مونه، دو تمرینات برایش خیلی سخته و سه توی اون سن مجبوره سختی‌های یه آیدول کامل رو بکشه، مثل هیتهایی که بهش می‌دن و رژیم و این‌ها.

- مثالی برای این موضوعاتی که تو صحبت‌هات درباره بخش تاریک کی‌پاپ گفتی، به ذهنت می‌رسه که بهم بگی؟  
برای آزار جنسی فکر کنم آیرین بود که یه مرد چینی هم‌هانش بهش دست می‌زد تو برنامه و بعد جکسون اومد و جداش کرد یا مثلاً یکی از لباس‌های جوی از ردولوت<sup>۱</sup> توی اجرا خیلی کوتاه بود و دایم داشتیم توی اجرا با معذب بودن می‌کشیدش پایین.  
توی اموی کیل دیس لاو<sup>۲</sup>، بلک‌پینک مجبور شدن توی صحنه اصلی‌اش از یه گازی استفاده کنن که حتی مقدار زیادش باعث کوری می‌شن یا مثلاً توی همین اموی جنی مجبور شد از فاصله خیلی زیاد بشینه رو قوهایی که خیلی کم استحکام داشتن یا مثلاً توی اموی فایر بی‌تی‌اس مجبور شدن تو صحنه اول یکی رو واقعاً آتیش بززن و خب همینه که کی‌پاپ رو بقیه متفاوت می‌کنه.



- تا حالا شده کسی از آیدول‌ها سر این اتفاقات آسیب ببینه؟  
من الان چیزی یادم نمیدم.

- عزیزم سوالات من تموم شد. خیلی ممنونم ازت که با من همکاری کردی. آیا نکته‌ای هست که بخوای به حرف‌ها اضافه کنی؟  
خواهش می‌کنم. تجربه خوبی هم برای من شد. فقط این که نگاه به چهره پاک و معصوم کی‌پاپ نکنین، پشت صحنه‌اش خیلی ترسناک‌تر از اون چیزی هست که نشون می‌ده.  
- ممنون بابت نکته خوبت. خسته نباشی.  
شما هم خسته نباشی.

## تأملی دوباره

سارینای ۱۳ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مباحثی حول محورهای کمپانی هایب (مؤسس گروه بی‌تی‌اس)، گروه پسران بی‌تی‌اس و هواداران گروه بی‌تی‌اس اشاره داشته است.  
سارینا در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد کمپانی هایب، به مواردی مانند: سوءاستفاده کمپانی از سلبریتی‌ها برای پوشش سیاست‌های ناموفق کمپانی‌ها، وارد کردن فشارهای فراتر از تحمل به ستاره‌های دارای سن پایین نسبت به ستاره‌های دیگر، فشارهای روانی شدید وارد بر ستاره‌ها از جانب کمپانی، تحت فشار گذاشتن ستاره‌ها از طرف کمپانی‌ها، محرومیت‌های غذایی و ضعف

<sup>۳</sup> - گروه ردولوت (Red Velvet) یک گروه پنج نفره دخترانه و تحت نظر کمپانی SM می‌باشد که از سال ۲۰۱۴ فعالیت دارد.

<sup>۲</sup> - Kill This Love (2019)

جسمانی ستاره‌ها، سوءاستفاده کمپانی‌ها از ستاره‌های دختر و الزام آنان به بدن‌نمایی و اثرگذاری‌های سیاسی کمپانی از طریق فرهنگ، اشاره داشته است.

سارینای ۱۳ ساله، در مصاحبه خود در توصیف فراز و فرودهای گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: ارایه سبک‌های متنوع موسیقی در گروه بی‌تی‌اس، شهرت از طریق همکاری با موسیقی غربی، تغییر سبک موسیقی کی‌پاپ برای جذب مخاطب بیشتر، ترغیب به جهانی اندیشیدن، پرداخت بهای شهرت، توهین و بازخورد منفی به ستاره‌ها از طرف برخی از مردم و تاب‌آوری روانی بالای ستاره‌ها در مقابل فشارها وارد شده، اشاره داشته است.

سارینا در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد هواداران گروه بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: آشنایی با کی‌پاپ از سنین پایین، ترویج کی‌پاپ بین هواداران از سنین پایین، دریافت انرژی مثبت از ستاره‌ها، امید و انگیزه دادن به طرفداران، کمک به فرد در بهبود حال روحی بد، افزایش اعتماد به نفس هواداران تحت تأثیر آشنایی با کی‌پاپ، جذب مخاطبان از طریق ایجاد سرگرمی هیجانی، الگوبرداری تام و تمام از ستاره‌ها، پذیرش نسبی گرای اخلاقی، تغییر عقاید و دیدگاه طرفداران در مسأله هویت‌های جنسی و پوشش، رفع کنجکاوی با جدی گرفتن داستان‌ها درباره ستاره‌ها، ارایه سبک‌های متنوع موسیقی در کی‌پاپ، افتادن هواداران تازه در مطالعه فن‌فیکشن و تأسف بعدی آنان در این جهت، سوق یافتن به سمت یافتن تفکر انتقادی بعد از تعدیل گرایش‌های افراطی، اتلاف وقت گسترده برای طرفداری، ایجاد خشم و عصبانیت در خلال مشاجره‌های بین طرفداران آرتیست‌های مختلف، برخوردهای هیجان‌مدار هواداران، دعوا، توهین و مشاجره بر سر ستاره‌ها، زیر ذره‌بین بودن رفتار ستاره‌ها توسط طرفداران، گوگل کردن، جهانی شدن و اندیشیدن، ایجاد اختلاف‌های خانوادگی، اعمال محدودیت در برخی خانواده‌ها برای طرفداری نکردن از کی‌پاپ، شکل‌گیری احساسات منفی به دلیل محدودیت‌های خانوادگی و اجتماعی، تعدیل برخوردهای هیجانی و کاهش رفتارهای متعصبانه در گذر زمان و سوق یافتن به سمت یافتن تفکر انتقادی بعد از تعدیل گرایش‌های افراطی، اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه سارینای ۱۳ ساله، با ارجاع محورهای اقدام‌های کمپانی و اثرات کاربری از گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران، توجه خویش را به مباحث وی در زمینه اثرگذاری گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران آن متمرکز سازیم، می‌توان بیان داشت، سارینا در مصاحبه خودش از اثرهای روانی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، اخلاقی - عقیدتی و خانوادگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس سخن گفته است. سارینا در توصیف «اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: انگیزه‌بخشی (امید و انگیزه دادن به طرفداران، دریافت انرژی مثبت از ستاره‌ها)، افزایش اعتماد به نفس هواداران، کمک به بهبود حال بد افراد، پیشه‌کردن برخوردهای هیجان‌مدار (دعوا، توهین و مشاجره بر سر ستاره‌ها)، اتلاف وقت گسترده برای طرفداری، دریافت انرژی مثبت از ستاره‌ها و سایر مسایل روان‌شناختی (تعدیل برخوردهای هیجانی و کاهش رفتارهای متعصبانه در گذر زمان و سوق یافتن به سمت یافتن تفکر انتقادی بعد از تعدیل گرایش‌های افراطی، کنجکاوی در ارتباط با ستاره‌ها)، یاد کرده است.

سارینا در توصیف «اثرهای اجتماعی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: شروع هواداری از سنین پایین، جهانی شدن و جهانی اندیشیدن، الگوبرداری تام و تمام از ستاره‌ها، جذب مخاطبان توسط گروه بی‌تی‌اس از طریق ایجاد سرگرمی‌های هیجانی و سوق یافتن به سمت یافتن تفکر انتقادی بعد از تعدیل گرایش‌های افراطی، یاد کرده است.

سارینا در توصیف «اثرهای فرهنگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: آسیب خوردن هواداران تازه از مطالعه داستان‌نویسی (فن‌فیکشن)‌ها با محوریت ستاره‌ها، سخن گفته است.

سارینا در توصیف «اثرهای آموزشی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: آموزش فعال (گوگل کردن) و فنی شدن هواداران (در جریان هواداری)، سخن گفته است.

سارینا در توصیف «اثرهای هنری هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: ارایه سبک‌های متنوع موسیقی در کی‌پاپ، سخن گفته است.

سارینا در توصیف «اثرهای اخلاقی - عقیدتی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: اثرپذیری‌های اخلاقی ارزشی (تغییر عقاید و دیدگاه طرفداران در مسأله هویت‌های جنسی) و پذیرش نسبی‌گرایی اخلاقی، سخن گفته است.

سارینا در توصیف «اثرهای خانوادگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از مورد: بروز برخی از اختلاف‌های خانوادگی در اثر هواداری از گروه بی‌تی‌اس (اعمال محدودیت در برخی خانواده‌ها برای طرفداری نکردن از کی‌پاپ و شکل‌گیری احساسات منفی به دلیل محدودیت‌های خانوادگی و اجتماعی)، سخن گفته است.

از بیانات اخیر سارینای ۱۳ ساله، در جمع‌بندی کلی کتاب، در موارد مورد اشاره، بهره جسته خواهد شد.

## مصاحبه با دیبا، ۱۵ ساله

از یه زمانی به بعد که تکامل عقلی‌ام بیش‌تر شد، دیگه دوست دارم بیش‌تر به زندگی خودم بپردازم و به فکر آیدول شدن نباشم، چون خیلی راه سختیه تا به اون مرحله برسی.

- دیبا جان شما چه طوری با کشور کره‌جنوبی و زمینه‌های هنری‌ای که توش فعالیت انجام می‌داد، آشنایی پیدا کردی؟  
اولین آشنایی من با صنعت هنری کره‌جنوبی که می‌شه همون کی‌پاپ و کی‌دراما از طریق کی‌دراما شروع شد. خب اون زمان توی شبکه جم سریال تو زیبایی<sup>۱</sup> پخش می‌شد و این سریال خیلی من رو به خودش جذب می‌کرد. کلاً شخصیت‌های سریال و داستانش خیلی برام جذاب بود و این جذابیت جوری بود که من وقتی از مدرسه می‌اومدم خونه، صاف می‌نشستم و سریال رو تماشا می‌کردم و کلاً خیلی براش شور و اشتیاق داشتم. بله دیگه این می‌شه اولین آشنایی من با فعالیت‌های هنری کره.



- چه اتفاقی افتاد که از آشنایی با سریال تو زیبایی به طرفداری گروه بی‌تی‌اس رسیدی؟  
خب این اتفاق‌ها و دیدن سریال تو زیبایی مربوط به ۴، ۵ سال پیش می‌شه که اون موقع می‌گفت خیلی کوچیک‌تر و بچه‌تر بودم. اون زمان با موبایل مامانم مثلاً می‌رفتم عکس‌های شخصیت‌های تو زیبایی رو می‌دیدم، چون کلاً شخصیت‌هاشون و مخصوصاً چهره‌هاشون برام خیلی جذاب بود.



<sup>۱</sup>- این مجموعه درباره دختری است که در کلیسا درس راهبگی می‌خواند. مجموعه تلویزیونی از آنجا شروع می‌شود که برادر این دختر که یک خواننده است، برای جراحی چشم به آمریکا سفر می‌کند، در حالی که دعوت نامه‌ای از یک گروه خوانندگی خیلی معروف دریافت می‌کند و به درخواست مدیر اجرایی این گروه از خواهر خواننده، او نیز مجبور می‌شود تا برای از دست نرفتن این فرصت خودش را بدون آن که کسی متوجه شود، جای برادر دوقلویش معرفی کند.

توی اون سن هم کلاً هنر خاصی توی این نداشتم که مثلاً چه جورى درباره‌شون اطلاعات پیدا کنم یا اسم بقیه سرپال‌هاشون رو در بیارم برای همین فقط سرچ می‌کردم و عکس بازیگرهاش رو می‌دیدم و چون سنم کم بود، اصلاً نمی‌دونستم که از کجا می‌شه این‌ها رو دنبال کرد. بعداً که مثلاً به ذره پیشرفت کردم، درباره خواننده‌های کی‌پاپ سرچ می‌کردم و می‌خوندم.

وسط این کارها بود که عکس بی‌تی‌اس رو دیدم و از این طریق باهاشون آشنا شدم و چون به نظرم جذاب اومدن درباره‌شون تحقیق کردم و بعد فن‌شون شدم. کلاً آشنایی من مثل خیلی‌هایی نبود که می‌گن به آهنگ ازشون شنیدیم و کلی انگیزه گرفتیم یا این که به جایی ازشون به حرف قشنگ شنیدیم و فن‌شون شدیم. من از روی عکس و چهره و تیکه فیلم‌هایی که ازشون دیده بودم، فن‌شون شدم و اوایل این جورى نبودم که بگم چه آدم‌های خوب و باحال و روشن‌فکری ان و حرف‌های مفید و جالبی می‌زنن.

- پس اولین نکته‌ای که در ارتباط با بی‌تی‌اس توجهات رو به خودش جذب کرد جذابیت ظاهری و چهره اعضای این گروه بود، درسته؟  
بله.

- بعد از این که توی آشنایی اولیهات با بی‌تی‌اس جذب ظاهر و چهره‌شون شدی، چی شد که این آشنایی ساده و مجذوب شدن به چهره تبدیل به این شد که طرفدارشون بشی؟

من اون زمان تنها کاری که بلد بودم انجام بدم تا اطلاعات درباره بی‌تی‌اس به دست بیارم این بود که درباره بی‌تی‌اس سرچ کنم (می‌خندد). مثلاً به مدت طولانی می‌نشستم و عکس‌هاشون رو نگاه می‌کردم، چون برام جذاب و ناز و کیوت و گوگولی بود یا این که توی سایت‌های مختلف درباره‌شون می‌خواندم که مثلاً کجا به دنیا اومدن، خواهر و برادر دارن و خانواده‌شون چه جوریه، کی به دنیا اومدن و از این جور چیزها یا کار دیگه‌ای که می‌کردم هم این بود که می‌نشستم کلیپ‌های کوتاهی رو که از کنار هم گذاشتن ویدیوهای بی‌تی‌اس درست می‌کردن رو می‌دیدم. می‌دونی شاید اگه اون زمانی که باهاشون آشنا شدم سنم بیشتر می‌بود، این قدر جذب‌شون نمی‌شدم. به نظرم اقتضای سنم بود که انقدر روم تأثیر گذاشته بودن، چون مثلاً خیلی شب‌ها بیدار می‌موندم و اون زمان توی آپارات و نماشا ویدیوهاشون رو تماشا می‌کردم.



- آیا دلیل خاصی وجود داره که این فکر رو می‌کنی که اگر توی سن نوجوانی نبودى، ممکن بود این قدر شدید جذب بی‌تی‌اس نشی؟  
خب آدم به اقتضای هر سنی به یک سری چیزها جذب می‌شه و الآن برای خود من هم خیلی خنده‌داره که مثلاً وقتی کوچیک‌تر بودم مسیح و آرش رو خیلی دوست داشتم و مثلاً آهنگ‌های قدیمی‌شون رو می‌گذاشتم و خیلی بلند باهاشون می‌خواندم و حال می‌کردم و مثلاً فکر می‌کردم، خیلی خفن‌ام. الآن هم آهنگ‌هاشون رو دوست دارم ولی واقعاً دیگه به اون شدت نیست و مثلاً به آهنگ جدید که ازشون میاد بهش گوش می‌دم، ولی دیگه اون کارها رو نمی‌کنم. اون زمانی که من داشتم می‌رفتم توی فاز بی‌تی‌اس، کی‌پاپ خیلی مثل الآن شناخته‌شده نبود و بچه‌های دیگه هم کم‌کم داشتن با کی‌پاپ و بی‌تی‌اس آشنا می‌شدن و شاید از اولین نفرهایی که دنبال این موضوعات افتادم خودم بودم (می‌خندد).



در کل آدم وقتی کوچک‌تره دنبال چیزهای رنگی‌ایه و کانسپت‌های<sup>۱</sup> رنگی و قشنگ یا موها و لباس‌های متنوعی که بی‌تی‌اس داشتن رو بیش‌تر دوست داره ولی الان که دیگه بزرگ شدم این جور نیست که بگم نه دیگه اصلاً برای من جذاب نیستن و هنوز هم آهنگ‌هاشون برای من بحاله، ولی مثلاً اگه الان با بی‌تی‌اس آشنا می‌شدم یه کم شدت و درجه مجذوب شدنم کم‌تر می‌بود. البته الان خیلی از آدم‌ها هستن که ۳۰ یا ۴۰ سال‌شونه و با آهنگ‌ها و خود بی‌تی‌اس حال می‌کنن.

– مخاطب‌های بی‌تی‌اس معمولاً توی چه دامنه سنی هستن؟

بیش‌تر به نظرم از ۱۲، ۱۳ سال یعنی همون سن نوجوونی شروع می‌شه، چون که بچه‌ها تازه دارن وارد فضای مجازی می‌شن و با موضوعات جدید آشنا می‌شن و خب ممکنه با بی‌تی‌اس و کی‌پاپ هم آشنایی پیدا کنن و براشون جذاب باشه.

دلیل این که توی سن نوجوونی هم جذب می‌شن، به نظرم اینه که آدم توی اون سن خیلی از خودش ایراد می‌گیره و با شناخت خودش درگیره و دایم با خودش می‌گه که وای چرا من این جوریم؟ و چرا قیافه‌ام این شکلیه؟ به همین دلیل به نظرم توی اون سن بیش‌تر با کی‌پاپ می‌شه انس گرفت.

علاوه بر این من حتی ویدیویی دیدم که مادر بزرگ یه نفر طرفدار بی‌تی‌اس بود، ولی خب به نظرم به جز این موارد نهایتاً تا ۳۰ و خرده‌ای سالگی یه نفر طرفدار کی‌پاپ یا بی‌تی‌اس می‌مونه.

– به نظرت چه چیزی باعث می‌شه، افرادی که سن بیش‌تری دارن هم مخاطب بی‌تی‌اس باشند؟

به نظرم موضوعات آهنگ‌های بی‌تی‌اس شاید یکی از دلایلش باشه که خب مربوط به یه سن خاص نیست و خب ریتم و ملودی آهنگ‌ها هم خیلی کچی (گیرا) و جذاب هستن.

– اعضای بی‌تی‌اس چه ویژگی‌هایی داشتن که باعث می‌شد به نظرت جذاب بیان؟

نمی‌دونم این ویدیوها رو دیده باشی یا نه، الان مثلاً یه سری ویدیوهایی می‌سازن که عنوان‌هاشون اینه که «همه وقتی طرفدار کی‌پاپ می‌شن» و بعد توی ویدیو میان یه سری از ویژگی‌های اوایل طرفدار کی‌پاپ شدن رو می‌گن. یکی از ویژگی‌ها اینه که فکر می‌کنی همه اعضای گروه یک شکل ان و نمی‌تونن از هم تشخیص شون بدی. اون زمان یکی از خصوصیات ظاهری که به چشم من اومده بود، این بود که خیلی رنگارنگ ان، مثلاً ما همیشه مردها رو با رنگ موی طبیعی می‌بینیم و کسی رو نمی‌بینیم که موهاش رو رنگ بکنه ولی اونا موهاشون رنگی رنگی بود. ویژگی دیگه شون حالت چشم‌هاشون بود که به نظرم جذاب بود. علاوه بر این لباس پوشیدن شون، استایل شون و میکاپ شون هم برام جذاب بود.



– چه چیزی توی استایل‌های بی‌تی‌اس وجود داشت که باعث می‌شد به نظرت جذاب بیان؟

خوب بخوام از چهره‌شون بگم به نظرم چهره قشنگ و یونیک (بی‌نظیری) دارن و خب چهره‌شون ظرافت داره که خب بعضی‌ها دوست دارن و بعضی‌ها هم می‌گن که نه، دخترونه هست. در مورد لباس‌هاشون هم خب لباس‌هایی که سر صحنه می‌پوشن، خیلی برام جدید و جالبه.

<sup>۱</sup> – واژه کانسپت (concept) به معنای تصور کلی از چیزی است، اما در کی‌پاپ به معنای فضا، ملودی و استایل آلبوم و آهنگ‌های منتشر شده ستاره‌ها هست.



- عزیزم بنا به گفته خودت شما از طریق عکس دیدن با بی‌تی‌اس آشنا شدی و خب ممکن بود، عکس گروه‌های دیگه‌ای رو به جای عکس بی‌تی‌اس ببینی، آیا اصلاً پیش اومد که به دنبال آشنا شدن با گروهی غیر از بی‌تی‌اس بریایی؟

می‌دونم اون زمان تازه موج کی‌پاپ و کی‌دراما داشت توی ایران شکل می‌گرفت و تقریباً می‌تونیم بگیم همه به نوعی دنبال این موضوعات بودن. من الان که دارم فکر می‌کنم، اون زمان که درباره بی‌تی‌اس تحقیق می‌کردم و مطلب می‌خوندم، انگار قصد داشتم ازشون یه اطلاعات کامل و تکمیلی داشته باشم، ولی در همون حین هم می‌رفتم درباره بقیه سرچ کنم، مثلاً این گروه یا خواننده کیه و چیه، آهنگ‌هاشون چه جوریه، کی اومدن و از این مدل اطلاعات.

البته این کارم شاید به خاطر این بود که جلوی بچه‌های دیگه که حرف می‌زدن، کم نیارم و حرفی برای گفتن داشته باشم، ولی در کل انگار سعی می‌کردم بیشتر تمرکز روی بی‌تی‌اس باشه.

- آیا می‌تونم از صحبت‌ها این برداشت رو داشته باشم که اون زمان شاید تا حدودی نسبت به بی‌تی‌اس متعصبانه برخورد می‌کردی؟

یه جورایی، بله.

- توی این زمان‌هایی که دنبال به دست آوردن اطلاعات راجع به بی‌تی‌اس بود، ازشون آهنگی گوش دادی یا ویدیویی دیدی؟

چرا ازشون موزیک ویدیو می‌دیدم و آهنگ هم گوش می‌دادم.

- توی این فرایند کسب اطلاعات از بی‌تی‌اس، چه چیزی باعث شد که تصمیم بگیری به طور جدی دنبالشون کنی و طرفدارشون بشی؟

می‌دونم من درباره بی‌تی‌اس یه شناختی پیدا کرده بودم و وقتی درباره چیزی شناخت پیدا می‌کنی، احساس نزدیک‌تری نسبت به گروه‌های دیگه بهشون داری. این احساس شناخت و نزدیکی هم باعث شده بود که دوست داشته باشم بیشتر دربارهشون بدونم.

علاوه بر این موزیک ویدیوهایشون هم من رو جذب کرده بود، چون به نظرم موزیک ویدیوهای کی‌پاپ خیلی سکانس‌های مختلفی دارن و رنگی رنگی ان و آیدول‌ها توشون خیلی استایل‌های متفاوت و قشنگی دارن.

البته این موضوع که موزیک ویدیوهای کی‌پاپ من رو جذب می‌کردن فقط مربوط به اون زمان‌ها نیست و حتی الان هم خیلی برام جذابیت دارن، چون به نظرم خیلی براشون فکر گذاشته می‌شه و روشن کار می‌کنن.

- می‌شه یک مثال برای این که برای موزیک ویدیوها خیلی فکر گذاشته می‌شه، بزنی؟

مثلاً موزیک ویدیوی آهنگ بلاد سوییت اند تیرز<sup>۱</sup> از بی‌تی‌اس، پر از رنگ‌های مختلف بود و توی یه محل قصر ماندنی فیلم‌برداری شده بود و خب رقص‌هاشون هم به نظرم چیزی نیست که آسون باشه و خیلی به تمرین نیاز داره. الان که دارم فکر می‌کنم رقص‌هاشون هم یکی از جنبه‌هایی بود که من رو جذب کرد، چون واقعاً قشنگ و خاص بودن.

<sup>۱</sup>- Blood Sweat & Tears (2016)



یه موزیک ویدیو دیگه هم که الان تو ذهنم اومد، بلک سوان<sup>۱</sup> هست که از روی یه کسی باله کار می‌کرد و از این مسأله و توی مسیروش خیلی آسیب دیده بود، ساخته شد. در کل این که خیلی کانسپت مختلفی به کار می‌برن و این نشون دهنده فکریه که پشت قضیه هست و خب آدم جذب می‌کنه. تو موزیک ویدیوهای ایرانی این جوریه که خواننده با یه صحنه عادی و ایستاده و می‌خوانه و خب خیلی ساده است، ولی موزیک ویدیوهای کی‌پاپ این جوری نیست و خب آدم رو جذب می‌کنه.



- عزیزم توی آهنگ‌های بی‌تی‌اس چه خصوصیتی وجود داره که باعث می‌شه ازشون خوشت بیاد یا دلت بخواد به طور مثال یک آهنگ رو چند بار گوش بدی؟

من اصلاً از این مدل‌هایی نیستم که ۲۴ ساعت شبانه روز مشغول بی‌تی‌اس باشم و چند بار موزیک ویدیوهایشون رو ببینم یا آهنگ‌هایشون رو گوش بدم، ولی در کل آهنگ‌های بی‌تی‌اس این مدلیه که هر آهنگ یه پیامی داره و خب من دوست دارم معنی پشت آهنگ‌هایشون رو بدونم و بفهمم برای همین لیریک رو می‌شه گفت که برام مهمه. مفهوم و تئوری‌های پشت موزیک ویدیو هم بعضی اوقات برام جالبه. ملودی آهنگ‌ها هم من رو خیلی جذب می‌کنه یا صدای اعضاء رو هم خیلی دوست دارم.

- می‌شه بگی این پیام‌هایی که توی آهنگ‌های بی‌تی‌اس وجود داره و شما دوست داری اون‌ها رو بفهمی، چه چیزهایی هستن؟  
پیام اصلی آهنگ‌های بی‌تی‌اس که همه می‌گن به خاطر اون معروف شده، لاو یورسلفه، ولی خب می‌دونی یه نفر فقط با یه آهنگ که به این موضوع اشاره داره دوست داشتن خود درونش شکل نمی‌گیره. به نظر من بی‌تی‌اس توی آهنگ‌هایشون این جوریه نمی‌گن، تو باید شاد باشی و دنیا دو روزه و از این مدل حرف‌ها، ولی این رو می‌گن که درسته همه غم‌ها و مشکلات وجود دارن و ممکنه تو خودت رو دوست نداشته باشی، اما باید سعی کنی با این مسایل بجنگی و نباید تسلیم بشی. در کل منظورم اینه که نمایان بگن دنیای امروزی گل و بلبله و همه چیز توش عالیه و تو الکی باید شاد باشی.

- می‌شه یه آهنگی از بی‌تی‌اس مثال بزنی که به همین مفاهیم دوست داشتن خود اشاره بکنه و خودت هم دوستش داشته باشی؟

<sup>1</sup>- Black Swan (2020)

مثلاً آهنگ لایف گووز ان زمانی منتشر شد که کرونا اومده بود و همه چیز خیلی تعطیل شده بود و حالت نامشخصی داشت و همه خیلی سردرگم بودن که ما الآن باید چی کار بکنیم و همه حالت بلاتکلیفی داشتن. خب بی‌تی‌اس با این آهنگی که منتشر کرد، می‌گفت درسته که این اتفاق برای ما پیش اومده و نباید سختی‌های اون رو منکر شد، ولی باید خوشحال باشیم و درسته که آسیب‌های زیادی داشته و ناگهانی پیش اومده و ما ازش خبر نداشتیم اما چیزی بین من و تو تغییر نکرده. منظورشون از این تیکه آهنگ اینه که همه این اتفاقات پیش میان، ولی هنوز زندگی ادامه دارد و با چنین اتفاقاتی قرار نیست زندگی تموم بشه.



آهنگ پر میشن تو دنس<sup>۱</sup> هم به نوعی بعد از کرونا اومد و وایب خیلی مثبتی داشت و واقعاً حال آدم رو خوب می‌کرد مثلاً همه داشتن می‌رقصیدن و شادی می‌کردن و موزیک‌ویدیو و آهنگ هم در ارتباط با اون روزنامه‌ای بود که تو دست جیمین بود که مثلاً تاریخ پایان کرونا رو توش نوشته بود یا آهنگ ران بی‌تی‌اس<sup>۲</sup> که توی آلبوم جدیدشون بود، می‌گه که اگه بخوام زندگی کنم، نباید انقدر توی زندگی به خودم فشار بیارم و باید با جریان زندگی پیش برم و از همون لذت ببرم و باهاش حال کنم، البته این به این معنی نیست که کلاً زندگی رو جدی نگیریم (می‌خندد).



- آیا این پیام‌هایی که توی آهنگ‌های بی‌تی‌اس وجود داره، روی شما تأثیری داشته؟  
من الآن به درجه‌ای از دوست داشتن خود رسیده‌ام، ولی نمی‌تونم بگم که فقط آهنگ‌های بی‌تی‌اس روی من تأثیر گذاشتن، چون به طور مثال ویدیوهایی که توی شبکه‌های اجتماعی دیدم هم تا حد زیادی روم تأثیر گذاشتن. ولی واقعاً یه بخشی از این دوست داشتن خودم رو مدیون بی‌تی‌اس هستم و خب به قولی سخت‌کوشی‌شون هم روی من مؤثر بوده.  
من وقتی کوچیک‌تر بودم و همه‌اش تو موبایل بودم، مامانم بهم می‌گفت بی‌تی‌اس که به این درجه رسیدن به خاطر تلاشی بوده که داشتن و الکی و بدون تلاش به اینجا نرسیدن و مثلاً من هم اگه بخوام فقط از تو گوشی بی‌تی‌اس رو دنبال کنم، به جایی نمی‌رسم و خب این حرف مامانم درباره بی‌تی‌اس و تلاش خودشون واقعاً روی من تأثیر گذاشت.  
- می‌تونی درباره سخت‌کوشی و تلاش بی‌تی‌اس مثال بزنی یا توضیحات بیش‌تری بدی؟

1- Permission to Dance (2021)

2- Run BTS (2022)

همه اعضای بی‌تی‌اس به ویژه یونگی اوایل کارشون خیلی بدبخت بودن و خیلی تلاش و کوشش کردن تا خواننده‌های جهانی شدن یا الآن هم برای کارشون خیلی تلاش می‌کنن، مثل شب بیداری‌هایی که می‌کشن و تمرین‌هایی که می‌کنن. به نظر من همه این موضوعات به اراده و هدفمندی خاصی احتیاج داره تا در مقابل سختی‌های راه آدم کمر خم نکنه و خسته نشه.

– آیا به جز مفاهیم دوست داشتن خود و جریان داشتن زندگی، بی‌تی‌اس توی آهنگ‌هاشون به موضوعات دیگه هم اشاره می‌کنن یا نه؟ معمولاً آرام درباره این جور مسایل می‌خوانه که مثلاً من کی هستم، یعنی همون چیزی که اکثر نوجوون‌ها یا حتی جوون‌ها درگیرش هستن که الآن تکلیف من چیه، من چه نقشی توی جامعه دارم، از نظر شخصیتی چه جوریم، چه قدر مورد قبول جامعه قرار می‌گیرم و مردم درباره من چی فکر می‌کنن و این جور چیزها. خود آرام هم گفته که با چنین موضوعاتی درگیر بود، برای همین بیش‌تر راجع به این موضوع می‌خونه، مثلاً توی آهنگ پرسونا<sup>۱</sup> می‌گه که «من کی‌ام؟ این سوال‌ایه که من همیشه از خودم می‌پرسم».



به جز تأثیر نسبی‌ای که بی‌تی‌اس روی دوست داشتن خود توی شما داشته، آیا اثرات دیگه‌ای هم از سمت بی‌تی‌اس روی شما وجود داشته؟ من قبلاً خیلی از خودم ایراد می‌گرفتم و دایم به خودم می‌گفتم که من چرا این جوریم یا مثلاً باید دماغم رو عمل کنم، ولی الآن اصلاً دیگه اون جور نیستم و شدتش خیلی کم شده یا این که وقتی خودم رو با بچه‌های دیگه و هم سن‌وسال‌هام توی مدرسه می‌سنجم، احساس می‌کنم که زندگی رو خیلی آسون‌تر می‌گیرم و چیزهای مثبت بیش‌تری رو درباره خودم و زندگی نسبت به بقیه می‌بینم.

– بنا به صحبت‌هایی که داشتی ملودی آهنگ‌ها برات مهمه، ملودی و ریتم آهنگ‌های بی‌تی‌اس چه جور هستن که شما ازشون خوشت میاد؟ کلاً اکثر آهنگ‌های کی‌پاپ کچی بیتز (موسیقی گیرا) هستن، یعنی ملودی و ریتم‌شون یک جوریه که آدم رو به خودش جذب می‌کنه و باعث می‌شه همه‌اش دوست داشته باشی باهاش هم‌خوانی بکنی یا حتی رقص‌هاشون رو انجام بدی.

به نظرم این جور نیست که آهنگ‌های بی‌تی‌اس به طور خاص فقط یه ویژگی و خصوصیت داشته باشن و در کل آهنگ‌های کی‌پاپ یه چیزی دارن که نمی‌دونم می‌شه اسمش رو سیاست گذاشت یا نه، ولی در کل خیلی آدم رو مجذوب خودشون می‌کنن.

– عزیزم شما چه شکلی معنی و مفهوم درون آهنگ‌های بی‌تی‌اس رو متوجه می‌شی؟ خب من کره‌ای بلد نیستم که بخوام معنی آهنگ‌ها رو همین جور متوجه بشم ولی مثلاً زیرنویس انگلیسی موزیک ویدیوها رو می‌خوانم که بفهمم پیام آهنگ‌ها چیه، چون به نظرم پیام آهنگ‌ها بعضی اوقات و نه همیشه آدم رو به فکر کردن وامی‌داره یا باعث می‌شه که آدم به اشتباهاتش پی بیره.

– آیا آهنگی از گروه بی‌تی‌اس باعث شده که شما به بعضی مسایل فکر بکنی یا حتی اشتباهات رو اصلاح بکنی؟ بله. اسم آهنگ رو یادم نیما، ولی مثلاً درباره اخلاقیات بزرگ‌ترها یا رفتار پدر و مادرها با بچه‌هاشون بوده و سبب شده من به این نتیجه برسم که بعضی از رفتارها اشتباه هستن یا مثلاً شاید این موضوع خیلی ابتدایی باشه، ولی در ارتباط با خودم به این رسیدم که هر کی قشنگی خودش رو داره و قرار نیست که همه مثل هم باشن و استانداردهای یکسانی رو دنبال کنن یا این که همه قرار نیست پرفکت (عالی) باشن و هر کس استعداد خاص خودش رو داره و نیازی نیست در همه موارد کامل باشه.

<sup>1</sup>- Intro: Persona (2019)

– آیا تا به حال دنبال این بودی که زبان کره‌ای رو یاد بگیری؟

نه، هیچ‌وقت دنبالش نبودم و سعی و تلاشی هم نکردم که یاد بگیرم چون به نظرم برای من کار بی‌هوده‌ایه، چون اصلاً به دردم نمی‌خوره و جایی هم نیست که بتونم ازش استفاده کنم و نه می‌خوام برم کره زندگی کنم. شاید دوست داشته باشم برم سفر و از کره بازدید کنم، ولی زندگی نه.

– چه دلیلی وجود داره که کره جنوبی رو به عنوان یک کشور برای زندگی و مهاجرت کردن ترجیح نمی‌دی و انتخاب نمی‌کنی؟

منظور من از این حرفم این نبود که کره کشور بدی باشه، ولی من به شخصه ترجیح می‌دم مثلاً برای زندگی به یه کشوری مثل آمریکا و کانادا برم که زبان‌شون رو یاد گرفتم و زبان‌شون هم زبان بین‌المللی‌ایه و من می‌تونم با بقیه ارتباط برقرار کنم. درسته که من اگه بخوام به کشورهای اروپایی برم، هم باید فرهنگ ایرانی رو توی خودم تغییر بدم و این رو باید نهادینه کنم که مردم این کشوری که من دارم بهش می‌رم یه مدل دیگه رفتار می‌کنن و من هم باید مطابق با رفتار اون‌ها باشم ولی حس می‌کنم، این کارهایی که باید انجام بدم توی فرهنگ اروپایی راحت‌تره و توی کره جنوبی فرایند سخت‌تری داره.

به طور مثال من باید زبان‌شون رو یاد بگیرم و حس می‌کنم سازگار شدن با فرهنگ‌شون به زمان بیش‌تری نسبت به سازگاری با فرهنگ اروپایی احتیاج داره. البته یک سری چیزهای دیگه‌ای هم وجود داره که آدم درباره کره می‌شنوه یا تو فیلم‌هاشون می‌بینه، به طور مثال این که توی مدرسه‌هاشون قلدری زیاده و از این جور چیزها.

– به نظرت چه چیزی توی فرهنگ کره وجود داره که منطبق شدن باهاش رو سخت‌تر و زمان‌برتر از فرهنگ اروپایی می‌کنه؟

کلاً ایرانی‌هایی که رفتن کره و توی یوتیوب ویدیو می‌گذارن، اون قدری از کره تعریف نمی‌کنن که شاید کسانی که به کشورهای اروپایی مهاجرت می‌کنن، از اونجا تعریف می‌کنن یا مثلاً یه یوتیوبری بود که از فرهنگ کره حرف می‌زد و می‌گفت که کره‌ای‌ها رفتارهای خاصی دارن، مثل این که وقتی جلوی آسانسور باید صبر کنن، اون قدر دکمه آسانسور رو فشار می‌دن که ممکنه دکمه کنده بشه. هدف‌شون هم اینه که آسانسور سریع‌تر بیاد و کارشون زودتر انجام بشه. می‌دونن البته این مسایل شاید درست نباشن و خب ممکنه یه خارجی هم نسبت به ایران چنین فکری داشته باشه که درست نیست، ولی خب الان و در حال حاضر تاحدودی روی من تأثیر داشته و منی که از توی شبکه‌های اجتماعی این‌ها رو دیدم، فکر می‌کنم که مهاجرت به کشورهای اروپایی می‌تونه برام آسون‌تر باشه و من راحت‌تر باهاش انس می‌گیرم.

– دلیلت برای این که دوست داری برای بازدید به کره سفر کنی، چیه؟

اولین چیزی که در جواب به این سوال به ذهنم می‌رسه، اینه که اگه خود بی‌تی‌اس کنسرت داشته باشن، دوست دارم به اونجا برم، چون به‌نظرم اگه به کره بری و کنسرت نری واقعاً حیفه و حتی اگه خود بی‌تی‌اس هم کنسرت نداشته باشن، دوست دارم کنسرت بقیه گروه‌های کی‌پاپ رو برم.

دلیل دیگه هم اینه که دوست دارم به عنوان یک گردشگر به کره برم و خب کره از نظر تکنولوژی هم خیلی سطح بالایی داره. بعد مثلاً مغازه‌هایی دارن که در اون‌ها خیلی چیزهای کیوت و باحال می‌فروشن یا این که مغازه‌های مربوط به لوازم آیدول‌ها رو ببینم یا حتی بی‌تی‌اس خودشون اون‌جا موزه دارن. غذاهاشون رو دوست دارم بخورم یا محله‌های قدیمی‌شون رو ببینم. کلاً به نظرم جاهای جالب و باحال زیاد دارن.

– دیبا جان شما از چه طریقی از بی‌تی‌اس حمایت و طرفداری می‌کنی؟

راستش رو بخوای من هیچ‌گونه روش حمایتی ندارم (می‌خندد). خیلی‌ها هستن که بازدید یوتیوب می‌زنن یا استریم می‌کنن که یه جور حمایت به حساب میاد، ولی من هیچ‌کدوم این کارها رو نمی‌کنم.

می‌دونن کسانی که حمایت می‌کنن خیلی از وقت‌شون رو برای این کارها می‌گذارن، ولی من خیلی علاقه ندارم توی فضای مجازی باشم چون یه جورایی حس می‌کنم که اعتیاد پیدا کردم، برای همین فقط سعی می‌کنم بی‌تی‌اس رو دنبال کنم تا خودم رو اروم کنم.

– پس کلاً استریم و بازدید زدن رو انجام نمی‌دی، درسته؟

بله. کلاً من نه حوصله‌ام میاد که بخوام ووت (رای) بدم و بازدید بزنم و از این مدل کارها انجام بدم و نه این که از روش و فرایندهای این کارها سر در میارم. علاوه بر این به نظرم بی‌تی‌اس اون قدری فن داره که براشون این کارها رو انجام بدن (می‌خندد).

– درباره این که خودت رو با دنبال کردن بی‌تی‌اس اروم می‌کنی، می‌شه بیش‌تر توضیح بدی؟

نه این که خودم رو با بی‌تی‌اس آروم بکنم، منظورم این بود که مثلاً تو تا به زمانی دایما بی‌تی‌اس رو دنبال می‌کردی و می‌خواستی بدونی کجا می‌رن و چی کار می‌کنن و همه اخبارشون توی فضای مجازی رو دنبال می‌کردی، ولی وقتی این رو کنار می‌گذاری و دیگه همیشگی و با شدت قبل دنبال‌شون نکنی، انگار مثل یه معتاد می‌شی که اعتیادش رو ترک کرده.

من کلاً خیلی دنبال اخبار نیستم و احساس تعصب نمی‌کنم که باید حتماً همه چیز رو اولین نفر بدونم. وقتی بخوای دایم پیگیر باشی، به این عادت می‌کنی که همیشه از همه چیز بی‌تی‌اس باخبر باشی و هر کی ازت سوالی درباره‌شون بپرسه، حتماً از اون مسایل اطلاع داشته باشی.

– می‌تونم از این صحبت‌هایی که داشتی این برداشت رو داشته باشم که خیلی سعی نمی‌کنی طوری بی‌تی‌اس رو دنبال کنی که زندگی روزمره‌ات بخواد مختل بشه؟

بله درسته، ولی در کل سعی می‌کنم، زمان‌هایی که حرف‌های مفیدی می‌زنن، اون‌ها رو هم توی زندگی‌ام تأثیر بدم، چون به نظرم بی‌تی‌اس این مدل رو انتخاب کردن که توی حرفه و فعالیت‌شون از طریق طرز فکری که دارن و آهنگ‌هاشون به مردم کمک کنن.

– آیا تا قبل از این که به این نگرش برسی که ممکنه به بی‌تی‌اس اعتیاد پیدا بکنی، چنین رفتاری داشتی که زمان زیادی رو بخوای برای بی‌تی‌اس بگذاری؟

آره، مثلاً شب‌ها نمی‌خوابیدم و خیلی بیدار می‌موندم تا ویدیوهای بی‌تی‌اس رو تماشا کنم.

الآن کلاً سعی می‌کنم اخبار رو دنبال بکنم که مثلاً چی شده و چه اتفاقاتی افتاده و در کل بی‌خبر نیستم، ولی مثلاً دیگه خبر رو فهمیدم این مدلی هستم که اوکی فهمیدم چی شد و گوشی‌ام رو می‌گذارم کنار. کلاً رابطه خوبی با موبایل ندارم، ولی پیش میاد که مثلاً دو، سه ساعت بشینم رمان بخونم، من کلاً با این که موبایل خیلی دستم باشه حال نمی‌کنم، چون مثلاً مامانم هم بهم می‌گه که اگه فقط بخوای این‌ها را از توی گوشی دنبال کنی و خودت هیچ کار و تلاشی نکنی، هیچ‌وقت موفق نمی‌شی و با دنبال کردن اون‌ها پیشرفتی نمی‌کنی و حتی از کار خودت ممکنه عقب بیفتی.

– آیا در تمام دورانی که از بی‌تی‌اس طرفداری می‌کردی، تعصب خاصی نسبت بهشون داشتی؟

نه تعصب خاصی نداشتم.

– آیا کسی بین دوستان هست که تعصب‌هایی درباره بی‌تی‌اس داشته باشه؟

نه کسی رو نمی‌شناسم که این مدلی باشه ولی فن‌های متعصب کلاً به سری ویژگی‌های خاصی دارن مثلاً یکی‌اش اینه که وقتی یک نفر به بی‌تی‌اس هیت می‌ده خیلی بد برخورد می‌کنن.

به نظر من وقتی یک نفر هیت می‌ده، نشون می‌ده که خودش شعور نداره، ولی طرف مقابل نباید باهاش بد برخورد بکنه، یعنی وقتی یه نفر هیت می‌ده این موضوع رو نمی‌فهمه که هر کسی به علاقه‌ای داره و می‌تونه اون علایق رو دنبال کنه حتی اگر اون علایق از نظر بقیه مناسب نباشه.

ویژگی دیگه فن‌های متعصب اینه که فقط اعضای بی‌تی‌اس رو برای خودشون می‌خوان و مثلاً این جور می‌هستن که مثلاً فلان عضو چرا اینجا رفت و چرا اون کار رو کرد و اعضاء نباید ازدواج کنن و با فلان دختر ارتباط داشته باشن و اصلاً این رو در نظر نمی‌گیرن که اعضای بی‌تی‌اس هم آدم ان و می‌تونن زندگی خودشون رو داشته باشن و تنها جرمی که کردن و الآن این جور توسط آدم‌ها قضاوت می‌شن، اینه که خواستن توی عرصه‌ای که دوست دارن فعالیت کنن و موفق باشن.

کلاً من الآن به این نتیجه رسیدم که سلبریتی بودن خیلییییی سخته، چون تو باید جلوی دید همه دنیا باشی و خیلی‌ها قضاوتت می‌کنن و بهت می‌گن این کار رو بکن و اون کار رو نکن، مثلاً ما یه کاری رو توی زندگی انجام می‌دیم و از نظر ما خیلی عادی و نرماله، ولی برای یه سلبریتی خیلی کار بدی ممکنه به حساب بیاد. به نظرم این که بتونی خودت رو کنترل کنی تا خیلی اوقات در مقابل رفتار طرفدارها ناراحت نشی یا این که به خاطر مشهور بودن توی زندگی‌ات آرامش نداشته باشی، واقعاً خیلی سخته یا مثلاً بعضی وقت‌ها این رو می‌بینم که یکی از اعضاء توی کنسرت لباس بدن‌نما پوشیده و خب بعضی‌ها ناراحت می‌شن از این پوشش و می‌گن چرا این کار رو کرده، ولی من این جور می‌ام که اوکی باحاله، ولی به من چه که اون طرف می‌خواد چه کار بکنه، چون دست خودشه و من چه کاره اون هستم که بخوام تعیین کنم، چه کاری بکنه.

– پس به طور کلی از این مدل طرفدارها نیستی که بخوای خواسته‌های عجیب‌وغریبی از خواننده مورد علاقه‌ات داشته باشی، درسته؟

بله کلاً سعی می‌کنم این رو به خودم بگم که واقعاً به من ربطی نداره. می‌دونی تفاوت فرهنگی هم وجود داره و مثلاً ممکنه یک کاری از نظر ما خیلی نامناسب و بد باشه ولی توی فرهنگ خود اون‌ها چیز نرمال و عادی باشه.

البته احتمالش وجود داره که مثلاً بعضی وقت‌ها بگم فلان کار از فلان طرف بعید بود، ولی در کل چون آدمی هستم که سعی می‌کنم خودم رو جای بقیه بگذارم و احساساتشون رو درک کنم، به این نتیجه رسیدم که بعضی اوقات فقط خودت می‌تونی خودت رو درک می‌کنی و بقیه هیچ کاره هستن و به نظرم فن‌هایی که سعی می‌کنند درباره‌ی همه چیز اظهار نظر کنن، واقعاً خودشون رو جای اون آرتیست نمی‌گذارن که درک کنن اون آرتیست اجازه داره در یه شرایط کاری رو بکنه یا نکنه و واقعاً نمی‌فهمن که این خیلی سخته.

- با توجه به حرف‌هایی که زدی مادرت در جریان این هست که شما طرفدار گروه بی‌تی‌اس هستی، واکنش مادر یا حتی پدرت وقتی متوجه شدن که شما طرفدار این گروه شدی، چی بود؟

نه می‌تونم بگم واکنش خوبی داشتن و نه می‌تونم بگم که واکنش بدی داشتن. من از همون اول همه چیز رو به مامانم می‌گفتم که مثلاً اینا چه خوشگل ان و من دوستشون دارم و خب مامانم این جور نبود که بگه وای نه! تو چرا داری اینا رو دنبال می‌کنی، ولی گاهی اوقات هم پیش می‌اومد که بگه وقتت رو تلف این کارها نکن و برای این موضوع هم سعی می‌کرد من رو تا حدودی متقاعد بکنه.

کلاً مامانم این جور نبود که بخواد این موضوع رو بزنه تو سرم که اینا چی ان و از این مدل حرف‌ها، چون اکثر خانواده‌های ایرانی این نظر رو دارن که «کره‌ای‌ها شبیه دخترها هستن» و «این‌ها چی دارن که شما دنبالشون می‌کنین» و «از دنبال کردن اینا چی بهتون می‌رسه».

مامان من سعی می‌کرد که به من این رو بگه که خیلی وقتت رو با دنبال کردن این افراد تلف نکن، چون اون‌ها هم با تلاش و کوشش به جایگاه الانشون رسیدن و اگه می‌خوای مثل بی‌تی‌اس موفق بشی تو هم باید تلاش کنی.

- آیا کسی از کی‌پاپرها یا آرمی‌های اطرافت رو می‌شناسی که پدر و مادرشون با طرفداری اون‌ها مخالفت کنن و براشون محدودیت بگذارن؟ این‌ها که نباید این کار رو بکنن رو ندیدم، ولی این که مسخره بکنن رو خیلی زیاد دیدم و شنیدم، مثلاً بعضی‌ها توی کامنت‌های یوتیوب و پینترست، می‌نویسن که پدر و مادر یا خواهر برادرشون، مسخره‌شون می‌کنن یا مثلاً می‌گن، این‌ها چی هستن که می‌بینی و اصلاً می‌فهمی چی می‌گن و از این حرف‌ها.

- وقتی چنین حرف‌هایی مثل «این‌ها شبیه دخترهان» و از این قبیل رو درباره بی‌تی‌اس یا به طور کلی آیدول‌های کی‌پاپ می‌شنوی، چه احساسی پیدا می‌کنی؟

به نظرم چنین مسایلی توی ایران هم وجود داره، مثل این که پسرها موهاشون رو رنگ بکنن یا گوشواره بززن، ولی مردم ایران همون جوریه که به پسرهای ایرانی نگاه می‌کنن به کره‌ای‌ها نگاه نمی‌کنن. شاید درباره پسرهای ایرانی که چنین رفتارهایی رو می‌کنن هم ذهنیت آن چنان خوبی نداشته باشن، ولی به کره‌ای‌ها می‌گن که اینا شکل دخترها هستن.

شاید یکی از دلایلشون هم این باشه که چون کره‌ای‌ها به هم شباهت دارن، دخترها و پسرهاشون از هم قابل تشخیص دادن نیستن و یکی ان، ولی اصلاً این جور نیست. علاوه بر این ما الان توی قرن ۲۱ زندگی می‌کنیم و هر کس عقاید خودش رو داره و می‌تونه استایل خاص خودش رو داشته باشه. من زمانی که یک آدمی رو می‌بینم که با اکثریت جامعه از هر نظر استثناء و متفاوت، با خودم می‌گم به من چه ربطی داره که اون چه جوریه و من جای اون نیستم که احساسات و عقایدش رو درک بکنم، برای همین درباره‌اش نظر نمی‌دم.

نظر اون شخصی که می‌گه کره‌ای‌ها شبیه دخترها هستن هم محترمه، ولی حتی اگر شبیه دخترها باشن هم به من و شما ضرر و صدمه‌ای نمی‌زنه و هر رفتار و ظاهری که دارن به خودشون مربوطه و به نظرم ما کسی نیستیم که بخوایم درباره کارهای اون‌ها اظهار نظری بکنیم، چون به ما ربطی نداره که اون‌ها می‌خوان چه لباسی بپوشن یا میکاپ بکنن. البته این نگاهی که نسبت به آرایش کردن پسرها وجود داره، صرفاً توی ایران هم نیست و بقیه کشورها و فرهنگ‌ها چون با ما فرق دارن هم شاید این مسأله رو داشته باشن، ولی فرهنگ ایران خیلی بسته‌تره و سخت‌گیری بیش‌تر نسبت به این چیزها داره.

- آیا از این حرفت می‌تونم این برداشت رو داشته باشم که مردم ایران یک رفتار نسبتاً نژادپرستانه‌ای نسبت به کره‌ای‌ها دارن؟  
بله تقریباً. البته به نظرم نسل جدید دیگه زیاد اون مدلی نیستیم که یک کشور یا مردمش یا موضوعات مختلف رو مسخره کنن و این مسأله خیلی به نسبت به نسل‌های قبل کم‌تر شده، اما به نظرم هنوز هم این موضوع یک مقدار وجود داره. من یه ویدیویی دیدم که یک فرد چینی اومده بود ایران و داشت از یک مغازه خرید می‌کرد و خب چندتا دختر دبیرستانی توی اون مغازه نشسته بودن و چینگ چانگ چونگ می‌کردن



و خب این فرد داشت ناراحت می‌شد، چون واقعاً موضوع ناراحت‌کننده‌ایه، حتی ما هم بریم یک‌جا و این مدلی ادامون رو دربیارن، ناراحت می‌شیم. شاید همه این مدلی نباشن، ولی هنوز هم یک قسمتی از مردم این مسأله رو به عنوان شوخی می‌بینن و شاید حتی چیزی توی دلشون نباشه و نخوان طرف رو مسخره کنن ولی خب آدم‌ها از این رفتار ناراحت می‌شن.

- نظر شخصی خودت راجع به این که بی‌تی‌اس پسر هستن و آرایش می‌کنن، چیه؟

نظر خود من درباره این موضوع اینه که میکاپ بی‌تی‌اس بیشتر حالت گریم داره و خب هر سلبریتی‌ای که یه چهره اجتماعی داره، باید یه چهره معقول و زیبایی داشته باشه که بقیه خوششون بیاد. به نظر من میکاپ بی‌تی‌اس، خیلی ابتداییه و همون گریمی هست که چهره رو بهتر می‌کنه و خب ما این‌ها رو توی سلبریتی‌های خودمون هم می‌بینیم که موهاشون رو رنگ می‌کنن یا یه چیزی به صورتشون می‌زنن که تو دوربین چهره‌شون خوب‌تر بشه، ولی در کل این که پسرها یهو رژ قرمز بززن یا خطچشم بکشن، علاقه خودشونه و به من ربطی نداره.



- آیا پیش از این که با بی‌تی‌اس آشنا بشی هم چنین فکری را نسبت به آرایش آقایون داشتی؟

نه، بعد از آشنایی با بی‌تی‌اس نگاهم به این مسأله این شکلی شد، چون اون زمان اصلاً از لحاظ عقلی تکمیل نبودم که بخوام به چنین چیزهایی فکر بکنم و اصلاً با این موضوعات سر و کار نداشتم، ولی بعد از این که با بی‌تی‌اس آشنا شدم این جور بودم که اوکی اگر کسی بخواد میکاپ کنه به من ربطی نداره که من بخوام درباره‌اش نظری بدم، چون اون شخص توی زندگی من دخالتی نداره و هر کاری دلش بخواد رو می‌تونه انجام بده و آسیبی به من نمی‌زنه که بخوام در مقابلش مقاومت کنم و در کل من آدمی هم نیستم که بخوام کسی رو بر اساس ظاهرش قضاوت بکنم برای همین کلاً نگرش منفی‌ای درباره این موضوع نداشتم.

- توی صحبت‌ها به این موضوع اشاره کردی که ظاهر جسمانی و چهره اعضای بی‌تی‌اس برات جذابیت داشت، آیا تا به حال دنبال این بودی که شبیه اعضای بی‌تی‌اس یا ستاره‌های کی‌پاپ بشی؟

بین از نظر رژیم و این‌ها خیلییی تلاش کردم، لزوماً نه این که شبیه آیدول‌ها بشم و برای این که لاغر بشم، ولی از این نظر که بخوام شبیه بی‌تی‌اس بشم، خیلی افراطی بهش فکر نمی‌کردم که واای مثلاً من چشم‌هام باید این شکلی باشه، شکمم این مدلی باشه و از این جور چیزها و به طور کلی فقط در این حده که باید از اندامم راضی باشم.

اوایل که با کی‌پاپ آشنا شده بودم، شاید خیلی افراطی به این مسایل فکر می‌کردم و واای دماغم خیلی درشته و باید کوچیک بشه یا چشم‌هام باید کشیده‌تر باشه، ولی الان که عقلم اومده سر جاش دیگه الان دنبال اینم که اندامم سر جاش باشه.

- رژیم‌هایی که رعایت می‌کردی، همون رژیم آیدول‌ها یا اعضای بی‌تی‌اس بود یا نه؟

نه‌ههه رژیم‌های اون‌ها رو اگه بگیرم که من می‌میرم (می‌خندد)، ولی مثلاً از وقتی کوچیک بودم، یعنی داشتم چاق می‌شدم، مامانم بهم می‌گفت که دیبا حواست به خودت باشه، مثلاً داری چاق می‌شی و خب من هم دیگه حواسم رو جمع کردم و خب مال آیدول‌ها رو دنبال نمی‌کردم و سعی می‌کردم خودم خوردنم رو مدیریت کنم یا ورزش کنم.

- پس یه دوره‌ای بوده که تو فکر این باشی که باید شبیه ستاره‌ها بشی، درسته؟

بله پیش اومده مثلاً به دوره‌ای که کوچیک‌تر بودم، می‌گفتم که وای چرا دماغ من این شکلی‌ایه و باید کوچیک‌تر باشه یا مثلاً در مورد جاهای دیگه بدنم هم این فکر رو داشتیم، ولی الان به اون درجه از دوست داشتن خود رسیدم و دیگه این جور فکر نمی‌کنم.

- اون اوایل که به گفته خودت خیلی افراطی دنبال شبیه شدن به آیدول‌ها بودی، مثلاً چه افکاری تو ذهنت داشتی؟

مثلاً خیلییی دنبال این بودم مثل اون‌ها لاغر بشم یا مثل آیدول‌ها لباس بیوشم یا بتونم مثل اون‌ها برقصم و بخوانم.

- این که خودت رو توی اون دوران با آیدول‌ها یا بی‌تی‌اس مقایسه می‌کردی، چه احساسی بهت می‌داد؟

به نظرم این نکته رو باید بگم که من توی اون سن حتی اگر با کی‌پاپ هم آشنا نمی‌شدم، شبکه‌های اجتماعی جوری بود که آدم رو به سمت و سوی این می‌برد که خودت رو با بقیه مقایسه کنی، ولی خب اون زمان این حس رو نداشتیم که مثلاً باید یک عملی رو روی صورت انجام بدم و خب، مامانم مثلاً بهم می‌گفت که تو خودت خیلی خوشگلی و داری حرف الکی می‌زنی (می‌خندد) یا مثلاً می‌گفت، چرا خودت رو با اون‌ها مقایسه می‌کنی و این‌ها خوشگلی خودشون رو دارن و تو هم خوشگلی خودت رو داری، ولی خب بعضی وقت‌ها می‌شد که قاطی بکنم و فکر کنم که زشت هستم، ولی همیشه نبود یا مثلاً خودم رو به جز این مسایل زیبایی، توی رقص و این جور چیزها هم باهاشون مقایسه می‌کردم و مامانم بهم می‌گفت که دیبا اون‌ها چند سال آموزش دیدن که چه کار باید بکنن و کلی ورزش می‌کنن یا مثلاً اون‌ها کلی تمرین کردن که الان این جور می‌تونن برقصن و بخوانن یا این رو می‌گفت که مثلاً تو توی اتاق نشستی و داری می‌گی که چرا نمی‌تونم مثل اون‌ها باشم و خب، وقتی تلاشی نمی‌کنی، نمی‌تونی شبیه اون‌ها باشی. از اینجها بود که کم‌کم فهمیدم که اون‌ها تو ذاتشون نبود که می‌تونن برقصن یا بخونن و تمرین کردن و کردن که به اینجا رسیدن.

- آیا تا به حال سعی کردی که از استایل‌های بی‌تی‌اس الگوبرداری بکنی؟

امم مثلاً من خودم استایل کلاسیک رو خیلی دوست دارم و تهیونگ هم از اون افرادی هست که خیلی استایل کلاسیک می‌زنه و انگار این استایل رو دوست داره و خب من هم ازش کپی نمی‌کنم، ولی سعی می‌کنم که شبیه‌سازی بکنم یا مثلاً استایل جنی از گروه بلک‌پینک رو هم خیلی دوست دارم و بعضی اوقات سعی می‌کنم از استایل‌هاشون تو لباس‌هام یه شبیه‌سازی‌ای انجام بدم.



- این شبیه‌سازی‌هایی که از استایل آیدول‌ها انجام می‌دی، برای توی خونه هست یا بیرون از خونه هم این کار رو می‌کنی؟

من کلاً دوست دارم که شبیه آیدول‌ها لباس بیوشم یا موهام رو شبیه‌شون بکنم، ولی خب آدم توی خونه که خیلی شیک و شکل لباس نمی‌پوشه (می‌خندد)، ولی مثلاً توی خرید لباس‌هام سعی می‌کنم که از استایل آیدول‌ها الهام بگیرم.

توی خیابون هم که خودت احتمالاً می‌دونی شرایط خیلی جوری نیست که آدم بتونه خیلی لباس‌ها رو بیوشه، برای همین تلاش می‌کنم که خیلی چیزهای کوچیک رو الگوبرداری کنم، مثلاً مدل موهای جنی رو سعی کردم درست کنم، ولی خیلی اوقات حوصله‌ام نمیداد. کلاً توی این شبیه‌سازی و الگوبرداری خیلی سر سخت نیستم.

- چه چیزی توی خیابون و جامعه باعث می‌شه که نتونی خیلی واضح از آیدول‌ها توی استایل‌ها الگوبرداری کنی؟

البته به چیزی رو بگم، مثلاً اون استایلی که من مدنظر دارم، مثلاً از این لباس‌های لَش یا شلوارهای خیلی گشاد نیست‌ها چون از این مدل زیاد خوشم نمیاد. استایلی که من دوست دارم گشاد و کلاسیکه که می‌شه توی جامعه پوشید، ولی خب چون بالاخره باید به حجاب متوسطی رو رعایت کنی، بعضی وقت‌ها با لباس‌ها هماهنگ نمی‌شه، اون موقع این مدلی لباس نمی‌پوشم، ولی اگه بشه با حجاب هماهنگش کرد و معقول بشه مشکلی نداره رو می‌پوشم.

- این محدودیت نسبی‌ای که از نظر حجاب برات وجود داره، چه احساسی بهت می‌ده؟

می‌دونی به نظر من استایل آدم‌ها خیلی شخصیت اون‌ها رو نشون می‌ده و روی خودشون هم تأثیر می‌گذاره، برای همین ممکنه آدم وقتی جایی می‌ره خیلی اعتمادبه‌نفس اون پوشش رو نداشته باشه و خب این که من اون آزادی که دلم می‌خواد رو نمی‌تونم توی پوششم داشته باشم و حتی اگر مثلاً حجاب نبودش توی جامعه هم پذیرفته بشه خیلی طول می‌کشه تا نگاه مردم عادی بشه و مردم هم تغییر کنن. البته منظورم این نیست که مثلاً به استایلی که می‌زنی بدن‌نما باشه‌ها، اون استایل حتی اگر پوشیده و مرتب هم باشه باز هم مردم به‌جوری نگاه می‌کنن و به مقدار برای من اضطراب به وجود میاره برای همین زیاد دوست ندارم که زیاد مرکز توجه باشم.

- در زمینه پوشش و حجاب آیا مقرراتی از سمت خانواده برای شما وجود داره؟

به نظرم نه چون لباس‌هایی که من می‌خوام چیز عجیب و غیرمعقولی نیستن و قابلیت این رو دارن که توی جاهای مختلف بتونم اون‌ها رو بپوشم، برای همین مشکلی ندارن. البته من در زمینه خرید به نگرشی دارم که شاید مسخره باشه، ولی مثلاً وقتی می‌خوام به لباسی رو بخرم با خودم فکر می‌کنم که این رو کجا می‌تونم بپوشم و اگر جایی نتونم اون رو بپوشم، این مدلی‌ام که اوکی نمی‌تونم بپوشیش، پس نمی‌خری، ولی در کل خانواده‌ام این مدلی نیستن که بگن نه، نمی‌شه این رو بپوشی یا نباید فلان لباس رو بخری.

- آرایش و میکاپ چه طور؟ شده که با الگوبرداری از میکاپ آیدول‌ها و بی‌تی‌اس خودت رو آرایش بکنی؟

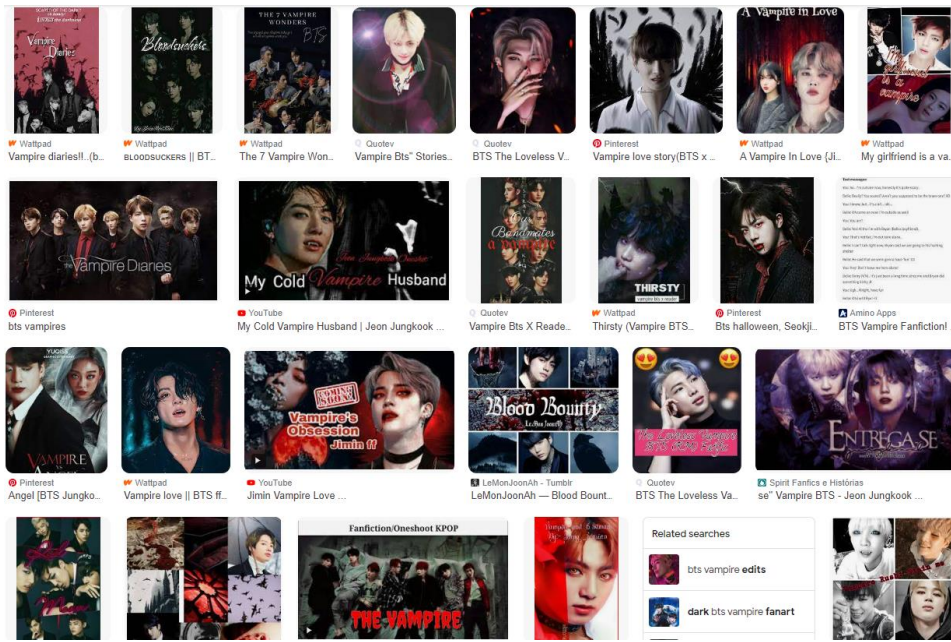
بعضی اوقات شده که با خودم بگم مثلاً فلان آیدول آرایش‌اش خیلی قشنگه و من دوست دارم، ولی به خاطر سخت‌گیری‌های خانواده، آرایش زیاد و در اون حد نمی‌تونم انجام بدم.

- دیبا جان آیا اهل فن‌فیکشن خواندن هستی یا نه؟

بله می‌خوانم چون کلاً از رمان به ویژه رمان عاشقانه خوشم میاد. به بره‌های خیلییییی زیاد می‌خواندم، ولی خب داستان‌هاشون درست و حسابی بود، نه الکی و چرت و پرت، ولی الان گاهی اوقات از برنامه واتپد که پر داستان و رمان هست، می‌رم و می‌خوانم.

- به جز ژانر عاشقانه از چه ژانرهای دیگه‌ای فن‌فیکشن می‌خوانی؟

خب همون طور که گفتم، اولی‌اش عاشقانه است و بعد از اون خیالی و ومپایر (خون‌آشامی) و از این ژانر (گونه‌ها هست که دوست دارم. درام و از این چیزها که تو فاز گریه و غم هست هم خوشم میاد و می‌خونم (می‌خندد).



من بیش تر دختر و پسری می خوانم، شاید یکی، دوتا هم شده کاپلی بخوانم.





من کلاً درباره موضوع ال‌جی‌بی‌تی پلاس خیلی فکر کردم و تحقیق کردم باهاس سازش پیدا کردم. می‌دونی چون تو فرهنگ ما این چیزها خیلی عادی نیستن و کلاً خب کسی هم درباره‌اش از دوران کودکی حرف نمی‌زنن که برای آدم به کم عادی بشه. برای همین برای من خیلی طول کشید تا باهاس سازش پیدا کنم.

– آیا قبل از آشنایی با بی‌تی‌اس هم شناختی راجع به ال‌جی‌بی‌تی داشتی یا از طریق اون‌ها با این موضوع آشنا شدی؟

اممم خب اصلاً شروع آشنایی من با ال‌جی‌بی‌تی از طریق بی‌تی‌اس بود، چون اون زمان که طرفدار بی‌تی‌اس شدن خودم سنی نداشتم و اصلاً پیگیر این نبودم که برم ببینم اصلاً این مسایل وجود داره یا نه.

– می‌دونی خب توی کل کی‌پاپ نه فقط بی‌تی‌اس، خیلی رایجه که دو نفر رو باهم شیپ می‌کنن و مثلاً تا دو نفر به کاری انجام می‌دن، می‌گن وااای این دوتا باهم ان و رابطه دارن. مثلاً برای بی‌تی‌اس شیپ ته‌کوک خیلی رایجه و کلاً همه رو باهم شیپ می‌کنن.

بله دیگه، خب من این چیزها رو می‌دیدم و برام سوال بود، خب این‌هایی که می‌گن چیه و چه معنی‌ای داره برای همین رفتم درباره‌اش بیشتر مطالعه کردم که خب اصلاً چی هست یا به عنوان یه کسی که خیلی اطلاعات نداره، ببینم تو دین ما و دین‌های دیگه چه جوریه، چون واقعاً دین رو به عنوان اعتقاداتی که از بچگی باهاس بزرگ شدی، نمی‌تونن نادیده بگیرن. شاید یه جایی برخلاف دین عمل کنی، ولی حتماً باید درباره موضوعات جدید اون رو توی دینت هم بررسی کنی. خب وقتی من رفتم خواندم این طوری متوجه شدم و قبول کردم که گرایش آدم به چیز خدادادیه و از بدو تولدش توی وجود هر کس هست و خودش هم نمی‌تونه اون رو کاری بکنه و این مدلی نیست که یهو تو یه سنی به وجود بیاد. کلاً این چیزهایی که شاید عجیب باشن، توی حیوانات هم هست مثلاً حلزون دوجنسه است.

– نظر شخصی خودت راجع به این شیپ کردن آیدول‌ها توسط طرفدارها چیه؟

من خودم با این موج همراه نیستم، چون می‌دونی به نظر اعضای گروه‌ها خیلی باهم صمیمی هستن و خیلی حرکاتی انجام می‌دن که شک برانگیزه (می‌خندد)، ولی واقعاً دوست ندارم این رو که مثلاً دو نفر نگاه زیرزیرکی بهم می‌کنن بگم وااای این دوتا تو رابطه‌ان، یعنی برای من معنی نداره که هر کاری که دو نفر با هم می‌کنن رو بگیم نه، این‌ها باهم رابطه دارن. علاوه بر این، به نظرم آیدول‌هایی هستن که خب می‌بینن با بقیه شیپ می‌شن، خوش‌شون نمیداد، یعنی من خودم رو جای اون‌ها می‌گذارم خیلی برای من سخته که یه جمعیت خیلی بزرگی از طرفدارها بخوانن دایم درباره‌ام نظر بدن و بگن فلان چیز هست، در صورتی که شاید هیچ‌وقت اون اتفاق توی زندگی‌ام نیفتاده باشه. در کل اگر هم تو رابطه‌ای باشن، خب باشن، قرار نیست ما هی این رو تکرار کنیم یا اگه نباشن هم به نظر من تکرار این موضوع می‌تونه باعث بشه که روبه‌رو شدن اون دو نفر براشون خجالت‌آور باشه.

– یعنی خودت از اون دسته افرادی نیستی که فکر می‌کنن دو نفر از اعضای یه گروه باهم رابطه دارن، درسته؟

من نمی‌گم که نمی‌شه دو نفر از اعضای یک گروه باهم توی یه رابطه باشن، به نظر من این درست نیست که بقیه میان و دو نفر رو باهم شیپ می‌کنن، چون به نظرم یه آیدولی که خودش توی شبکه‌های اجتماعی هست و خب این موضوعات رو می‌بینه، خیلی روی روحیاتش تأثیر می‌گذاره. خب مثلاً یه تعدادی از آیدول‌های کی‌پاپ که خودکشی کردن هم به نظر من این حرف‌هایی که توی فضای مجازی درباره‌شون زده

می‌شده، روشن خیلی تأثیر داشته. شاید دلیل اصلی خودکشی‌شون اینی که من می‌گم نباشه، ولی حرف‌های چرت توی شبکه‌های اجتماعی هم تاحدودی می‌تونه تأثیر گذار باشه.

- به طور کلی پیامد این حرف‌هایی که توی فضای مجازی راجع به آیدول‌ها زده می‌شه، روی آیدول‌ها چیه؟  
 خب اون‌ها هم مثل ما انسان هستن و خب مثلاً توی شبکه‌های اجتماعی می‌چرخن و درباره‌ی خودشون سرچ می‌کنن و می‌بینن که مردم راجع بهشون چه نظری می‌دن و خب مثلاً ممکنه یه شایعه‌ای برای یه آیدول در بیاد که خب ما که نمی‌دونیم درسته یا نه، ولی خود اون آیدول هم اصلاً هیچ ایده‌ای نداشته باشه که این از کجا در اومده و خب این موضوعات خیلی بده و می‌تونه به اون آیدول فشار بیاره.  
 من در این زمینه نمی‌دونم که اطلاعات درستی دارم یا نه، ولی مثلاً کمپانی‌های بی‌شعوری هستن که خیلی آیدول‌ها رو کنترل می‌کنن و این هم روشون تأثیر می‌گذاره یا مثلاً کمپانی بهشون می‌گه که نه تو نباید ناراحتی‌ات رو نشون بدی و باید لبخند بزنی، با این که شاید اون طرف داره از درون نابود می‌شه، ولی باید بیاد جلوی دوربین و وانمود کنه که هیچ اتفاقی نیفتاده و همه چیز خوبه.



کلاً اظهار نظرهایی که به رفتارها، زیبایی و خیلی چیزهای دیگه آیدول‌ها می‌شه، روشون تأثیر می‌گذاره یا شایعه‌ای که براشون درست می‌شه، این باعث می‌شه خیلی نقدها رو بهشون وارد بکنن و خب، من وقتی خودم رو جایی یک آیدول یا یک سلبریتی می‌گذارم به این فکر می‌کنم که واقعاً این‌ها چه فشاری رو تحمل می‌کنن یا مثلاً تو سطح اینترنت می‌بینم که به یه نفر چه فحش‌هایی می‌دن و واقعاً با خودم فکر می‌کنم که خب که چی بشه و الان چرا باید با یک انسان این مدلی رفتار بشه.

- آیا درباره فشارهایی که کمپانی‌ها به آیدول‌ها میارن چیز دیگه‌ای هم شنیدی؟  
 نه، بیش‌تر از این الان یادم نیما.

- می‌شه درباره این آیدول‌هایی که بهشون اشاره کردی که خودکشی کردن، بیش‌تر توضیح بدی؟  
 یکی از این آیدول‌هایی که من می‌شناسم و خودکشی کرد، سولی از بود و بعد از اون هم گو هارا<sup>۱</sup> بود حدوداً چند هفته بعد سولی خودکشی کرد. می‌دونی هیچ‌وقت نفرتم که بخوانم چرا این‌ها خودکشی کردن، برای همین یه اطلاعات کلی و غیردقیق دارم. یه نفر دیگه هم که می‌شناسم جونگ‌هیون بود که وقتی اجرایی که هم‌گروهی‌هاش بدون جونگ‌هیون داشتن انجام می‌دادن رو دیدم، خیلی روم تأثیر گذاشت و خب مراسم و این جور چیزهاش رو هم که دیدم نشستم و کلی گریه کردم. دلیل دقیق هیچ‌کدوم از این خودکشی‌ها رو نمی‌دونم، ولی به نظرم فشاری که از سمت جامعه روی این‌ها بود یا مثلاً اگر بخوان به یه پزشکی مراجعه کنن، ممکنه خبرش دربیاد و همه‌جا پیچه و خب در کل حتی اگر آدم‌های حرفه‌ای و کاملی باشن، باز این موضوع براشون واقعاً سختنه.

<sup>۱</sup> - گو هارا هنرپیشه، خواننده، مدل و رقص در کره جنوبی بود. او عضو سابق گروه پاپ کره‌ای کارا بود. هارا قبل از مرگ، خودکشی ناموفقی داشت. او به خاطر اختلاف با دوست پسرش دچار مشکلاتی شده بود. او پس از خودکشی ناموفق قبلی‌اش در مصاحبه‌ای با رسانه‌های محلی از درگیر بودنش با بیماری افسردگی خبر داد و از طرفدارانش به خاطر نگران کردن‌شان پوزش خواست. جسد این خواننده در خانه‌اش در سئول پایتخت کره جنوبی کشف شد و احتمال داده می‌شود او خودکشی کرده باشد. پیش از آن که جسد بی‌جان او در خانه‌اش پیدا شود، او آخرین پست خود را منتشر کرده و در آن برای فالورهایش شبی خوش آرزو کرده بود.



- می‌شه توضیح بدی که از سمت جامعه برای آیدول‌ها چه فشارهایی وجود داره؟  
 ببین، مثلاً به جنی از بلک‌پینک می‌گن که لیزی دنسره، یعنی این که توی رقصیدن تنبلی می‌کنه، ولی از نظر من فقط رقص رو جواری جلوه می‌ده که انگار سخت نیست یا مثلاً می‌گن که حتماً بدن آیدول‌ها باید مثل ساعت شنی باشه و پوست سفیدی داشته باشن و چشم‌هاشون درشته باشه و از این جور چیزها که واقعاً از نظر من ضروری نیست و هنر و استعداد مهم‌تره.  
 مثلاً توی نظراتی که راجع به برنامه‌ها می‌دن می‌گن که چرا مثلاً فلان آیدول توی برنامه این رفتار رو کرد و اون حرکت بی‌ادبانه‌ای بود، حالا مثلاً این حرکت چی بوده؟ این که مثلاً چشم طرف پهلو یک سمتی می‌ره و مثلاً مردم میان تحلیل می‌کنن که نه این می‌خواسته فلان کار رو بکنه که این کار، کار زشتیه. بله خب مثلاً ما هم توی بعضی موقعیت‌ها حواس مون نیست و یک کاری رو انجام می‌دیم، ولی منظور خاصی پشت اون نداریم و اشتباهی اون کار رو کردیم و دلیل نمی‌شه که مثلاً ما به قصد بدی داشتیم. وقتی این حرف‌ها رو می‌شنوم که مثلاً می‌گن نه، این، این طوری کرد، حتماً فلان منظور رو داشته با خودم می‌گم کی مگه توی ذهن اون طرف هستی که این قدر دقیق همه چیز رو می‌دونی.  
 - چه اتفاقی می‌افته که برای یک آیدول شایعه ساخته می‌شه؟

خب مثلاً یکی از شایعه‌های مسخره‌ای که به وجود اومده بود و خیلی جدی نبود این بود که دو نفر از اعضای گروه مامامو باهم بیرون رفته بودن و یکی شون دستش رو انداخته بود دور گردن اون یکی و بر همین مبنا، این شایعه درست شد که یکی از اعضای مامامو داره قرار می‌گذاره که خب بعداً معلوم شد که این‌ها هر دو عضو گروه بودن که یکی شون موهای کوتاه بود و لباس پسرانه پوشیده بود یا مثلاً شایعه قرار گذاشتن جنی و تهیونگ باعث شد که هر دو آیدول خیلی هیت بگیرن، ولی از نظر من فقط عکس‌هایی بود که طرفدارها فتوشاپ می‌کنن. درکل تنها پیامد این شایعه‌ها اینه که هیت‌رها می‌رن و تو پیج‌های این خواننده‌ها و بهشون هیت می‌دن.



- عزیزم فرد مورد علاقه و بایس شما توی بی‌تی‌اس کدوم یکی از اعضای گروهه؟  
 من اوایل که آر می‌شده بودم، می‌دیدم اولین سوال بقیه وقتی می‌فهمن فن بی‌تی‌اس‌ام، اینه که بایست کیه و خب فکر می‌کردم حتماً باید یه نفر رو بیش‌تر و ویژه‌تر از بقیه دوست داشته باشم برای همین یکی رو به زور انتخاب می‌کردم و مثلاً می‌گفتم بایسم تهیونگه، ولی اصلاً این طوری نبود که یکی رو خاص‌تر دوست داشته باشم و فقط به خاطر بقیه یک نفر رو معرفی می‌کردم، ولی الآن اوتی‌سونم.  
 - عزیزم آیا تا به حال شده که خیال‌پردازی درباره خودت و گروه بی‌تی‌اس داشته باشی؟  
 آره قطعاً بوده، چون به نظرم همه خیال‌پردازی دارن و به نظرم من فقط هم مربوط به اعضای بی‌تی‌اس نمی‌شه و مثلاً آدم می‌تونه درباره شخصی که ممکنه باهاش در آینده ملاقات کنه هم خیال‌پردازی بکنه. البته من خودم از اون مدل آدم‌هایی نیستم که دایماً خودم رو کنار بی‌تی‌اس تخیل کنم و همیشه در حال رؤیاپردازی باشم، ولی چند بار پیش اومده که مثلاً به این موضوع فکر بکنم.  
 - توی این چند باری که تک و توک خیال‌پردازی کردی، مثلاً چه تصوراتی داشتی؟

بین، بیش‌تر این تصورات بر اساس همون چیزهایی بود که از توی فن‌فیکشن‌ها خوانده بودم و خب این چیزهای خیالی بعضی وقت‌ها جوری هستن که من خودم هم ازشون زده می‌شم، چون به‌جوری ان، ولی نمی‌شه گفت کلیشه‌ای هستن.

وای خدا، ولی این چیزی که می‌گم خیلی خیلییی کم و به ندرت پیش میاد که درباره‌اش تصور بکنم، ولی مثلاً به بوسیدن اعضای فکر می‌کنم. در کل ولی خود من اون چنان شدید درگیر این موضوعات نمی‌شم، چون از یه جایی به بعد این تصورات و سکانس‌ها خیلی برای خود من تکراری می‌شه. می‌تونم دیگه درباره این چیزی نگم؟

- بله عزیزم، راحت باش.

- دیبا جان تا به حال پیش اومده که دنبال خریدن لوازم بی‌تی‌اس مثل آلبوم و این جور چیزها بوده باشی؟

آره. اتفاقاً خیلی خواستم که از این وسایل بخرم مثلاً آرمی بمب (لایت استیک بی‌تی‌اس) رو خیلی دوست داشتم که بخرم، ولی خب با خودم این فکر رو کردم من که قرار نیست کنسرت و جایی برم، برای همین هر وقت خواستم کنسرت برم، می‌رم و می‌خرم که اون روز هیچ‌وقت نمی‌رسه (می‌خندد). یه مدت هم گیر داده بودم که آلبوم می‌خوام و خب به مامانم هم می‌گفتم که سفارش بدم، ولی یه مدت بعد پشیمون شدم. البته الآن هم اون قدر پشیمون نیستم و بعضی وقت‌ها بازم دلم می‌خواد که بخرم، ولی دیگه یه کم از سر آدم می‌افته و شدتش کم می‌شه.



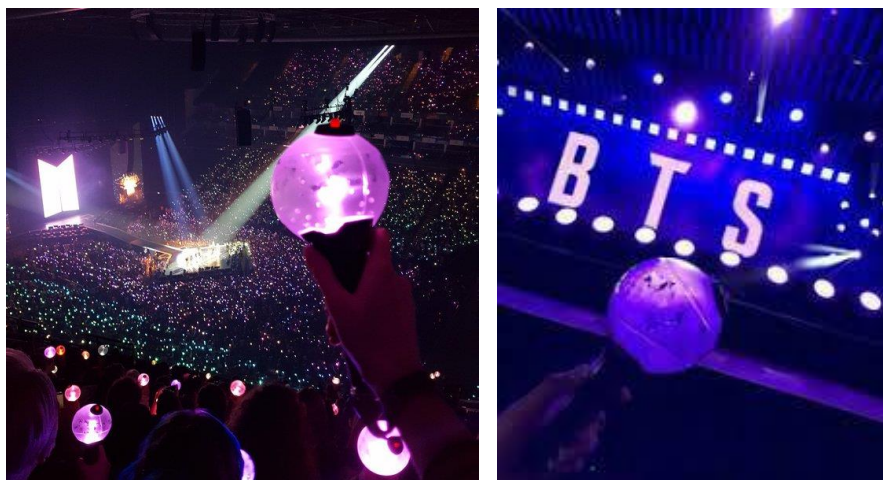
- هدف و انگیزه‌ات از این که توی اون برهه خیلی علاقه داشتی که آلبوم یا لایت استیک بخری، چی بود؟

می‌دونم واقعاً این فکر رو نداشتم که خریدن این جور چیزها توی زندگی‌ام تأثیر می‌گذاره، ولی آدم بعضی وقت‌ها دوست داره یه چیزی رو بخره مثلاً ممکنه یه دفتر خوشگلی رو بخری، ولی هیچ‌وقت ازش استفاده نکنی و خب این که چرا دوست داری بخری به خاطر قشنگی و جذابیتی هست که برات داره.

خب خیلی‌ها هم هستن که آلبوم و این جور وسایل رو نمی‌خرن، ولی خب توی آلبوم یه سری لوازم جانبی مثل عکس و سی‌دی آهنگ‌ها و این‌ها هست و من هم دلم می‌خواست این چیزها رو داشته باشم، اما اگر نداشته باشم هم تأثیر چندانی روی من نمی‌گذاره، ولی خب همون طور که گفتم آدم بعضی چیزها رو دوست داره برای قشنگی‌اش و علاقه‌ای که بهش داره. لایت استیک رو هم با این که نمی‌تونم به کنسرت برم، ولی به نظرم برای این که آدم داشته باشه و باهاش خوشحال باشه چیز بدی نیست.



- آیا اطلاعی از این داری که هزینه یه آلبوم یا لایت استیک حدوداً چه قدر می‌شه؟



من الان توی آمازون سرچ کردم نسخه سی‌دی آلبوم که فقط موجود بود، حدوداً ۱۴ تا ۲۰ دلار می‌شه، مثلاً ورژن آلبوم جدید آ.ام که اسمش ایندیگو بود، حدوداً ۲۰ دلار می‌شه. آرمی بمب هم توی آمازون فکر کنم، حدوداً ۵۹ دلار بود.

- این اعدادی که گفتی به پول ما چه قدر می‌شه؟

البته این که گفتم فقط نسخه سی‌دی‌ایه و قطعاً نسخه اصلی که خیلی بزرگ و مفصله و کلی چیز توش هست خیلی گرون‌تره. آرمی بمب هم که من دیدم حدوداً فکر کنم ۲ میلیون باشه.

- چه چیزی باعث شده که دیگه اون انگیزه و اشتیاق جدی که قبلاً برای خرید آلبوم داشتی رو الان دیگه با اون شدت نداشته باشی؟  
خب بین دلایل زیادی دارد مثلاً آلبوم‌ها توی ایران نیستیم و خب تا مثلاً بخوای از کشورهای دیگه بخری و این جور کارها به نظرم کار بیهوده و الکی‌ایه. درسته که دوست‌شون دارم، ولی دلیل نمی‌شه که خودم رو بخوام به‌سختی بندازم و حتماً بگم که باید آلبوم‌شون رو داشته باشم. البته به مامانم اصرار کردم، ولی خیلی جواب نمی‌ده، مثلاً یه شب میام می‌گم مامان تو رو خدا بگذار آلبوم سفارش بدم، ولی مثلاً می‌گه اوکی و باشه، ولی هیچ اتفاق خاصی نمی‌افته و به نتیجه‌ای نمی‌رسیم. کلاً خودم می‌دونم که قرار نیست نتیجه‌ای بده، ولی اصرارم رو می‌کنم، شاید فرجی بشه و نرم بشه، البته که تا الان نشده (می‌خندد). البته یه سری چیزهای دیگه‌ای هم شنیدم که مثلاً آلبوم‌هایی که میارن تقلبی ان و اصل نیستن، ولی نمی‌دونم درسته یا نه.

- آیا می‌تونم از این صحبتت چنین برداشتی داشته باشم که خانواده در زمینه خرید آلبوم یک مقدار برای شما محدودیت قایل می‌شن؟  
بله، می‌شه گفت، ضرورتی نمی‌بینن، یعنی می‌دونن که بعد از یه مدتی این موضوع از سرم می‌افته و چون که وسیله واجبیه نیست و خیلی سخت گیر میاد، خیلی جدی نمی‌گیرن. می‌دونی خود من هم می‌دونم که قرار نیست اتفاقی بیفته، ولی خب این که می‌گم شاید به خاطر این باشه که مامانم بدونه من این رو دوست دارم. آدم توی ویدیوها می‌بینه که یه آرمی آلبوم یا بلیط کنسرت کادو گرفته، ولی این چیزها برای توی ایران نیست. کلاً از این که برای من نمی‌خرن ناراحت یا دلخور نمی‌شم و فقط یه جورهایی می‌خوام نظرشون رو محک بزوم.

- عزیزم آیا لوازم طرفداری ساده‌تری هم که مربوط به بی‌تی‌اس باشن تا به الان خریدی؟

نه. من تا به حال کلاً ۳ تا پیکسل خریدم که مربوط به بی‌تی‌اس می‌شه و این موضوع هم کلاً مال ۲ سال پیشه.

- توی صحبت‌ها دربارہ روش حمایت کردن از بی‌تی‌اس به این موضوع اشاره کردی که اگر خودت هم حمایت یا استریم نکنی، بازدید و رکوردهای بی‌تی‌اس تغییری نمی‌کنه، چون طرفدارهای زیادی هستن که این کارها رو می‌کنن، دلیل این همه فراگیر بودن و شهرت بی‌تی‌اس به نظرت چیه؟

به نظرم گروه‌های دیگه توی کی‌پاپ نه این که صرفاً درباره یه موضوع بخونن، ولی بیش‌تر تا جایی که من یادم میاد راجع به عشق و عاشقی آهنگ می‌خونن و این موضوع و کانسپت هم تا یه زمانی جذاب بود و آدم ازش لذت می‌برد، ولی بی‌تی‌اس اومد و یه کانسپت و موضوع جدیدی رو آورد و انگار بعد از اون کلاً جوّ یه مقدار تغییر کرد و بیش‌تر در مورد لایو یورسلف و لایف گوز آن خواند. اولین آهنگ‌های بی‌تی‌اس مثل نو مور دریم<sup>۱</sup> کلاً درباره مدرسه بود، مثلاً موزیک ویدیوش هم توی یه اتوبوس مدرسه بود و همه اعضا یه حالت گنگی داشتن و انگار به زور فرستادن‌شون به مدرسه. نسلی که به این کانسپت هم جذب شدن با این موضوعات خودشون دست و پنجه نرم می‌کردن و یه جورهایی با این موضوعاتی که توی آهنگ خوانده می‌شد خو گرفتند.



بعد از این هم خب توی فضای مجازی پر شده بود از اینفلوئنسرهایی که خیلی خوشگل بودن و لباس‌ها و آرایش‌های جذاب داشتن و باعث می‌شد، همه بخوانن شبیه اون‌ها بشن، ولی بی‌تی‌اس اومد و آلبوم لایو یورسلف و اسپیک یورسلف رو داد که این آهنگ‌ها هم مخاطب و شنونده خودش رو جذب می‌کنه و یه جورهایی با توجه به مسایلی که اون زمان وجود داشت برای آدم‌ها جذاب بود. البته به نظر من به جز بی‌تی‌اس، گروه‌های زیادی که روی کار میان هم طرفدارهای خودشون رو جذب می‌کنن و خب مثلاً کانسپت‌های مختلف هم هر کدوم طرفدار خاص خودش رو داره مثلاً بلک‌پینک کانسپت خاص خودش رو داره که گرل کراشه و خب با همین موضوع هم یه حالت جدیدی به موسیقی دادن.

– آیا از این صحبتی که داشتی می‌تونم این برداشت رو داشته باشم که تغییر محتوا و مفاهیم آهنگ دلیل اصلی شهرت جهانی بی‌تی‌اس هست؟ بله به نظرم.

– آیا به جز این مفاهیم دوست داشتن خود و مسایل نوجوانان و جوانان، بی‌تی‌اس توی آهنگ‌هاشون به موضوع‌های دیگه‌ای هم اشاره می‌کنن؟ آره، مثلاً درباره عشق و این جور چیزها هم می‌خونن، مثلاً نامجون فکر کنم یه آهنگ داره که اسمش لایو<sup>۲</sup> و خب همه فکر می‌کردن که موضوع این آهنگ هم لایو یورسلفه، ولی خود نامجون گفت که این به معنای عشق به یک نفر غیر از خودته یا مثلاً درباره هیترا و هیت‌هایی هم که می‌گیرن هم می‌خونن. من همین چند روز پیش هم یه آهنگی به اسم باید پیپر<sup>۳</sup> رو از بی‌تی‌اس گوش دادم که معنی‌اش رو نمی‌دونستم و خب ملودی جالبی داشت، ولی بعد که رفتم و ترجمه‌اش رو دیدم، فهمیدم که از این آهنگ‌ها است که نباید ترجمه‌اش رو ببینی (می‌خندد)، مثلاً توی متن این آهنگ می‌گفتن که می‌دونیم که تمام زندگی‌ات رو صرف دوست داشتن ما کردی و خب مثلاً برنامه‌های ران بی‌تی‌اس، بی‌تی‌اس این د سوپ یا بی‌تی‌اس بن‌ویاژ<sup>۴</sup> رو کامل داری می‌بینی، ولی پس کی به زندگی خودت می‌رسی یا مثلاً این را می‌گفت که می‌دونم من جذابم و تو همه‌اش داری به من نگاه می‌کنی و از این جور حرف‌ها که همه این‌ها رو هم فکر کنم نامجون می‌خوند. یه جورهایی این آهنگ

1- No More Dream (2013)

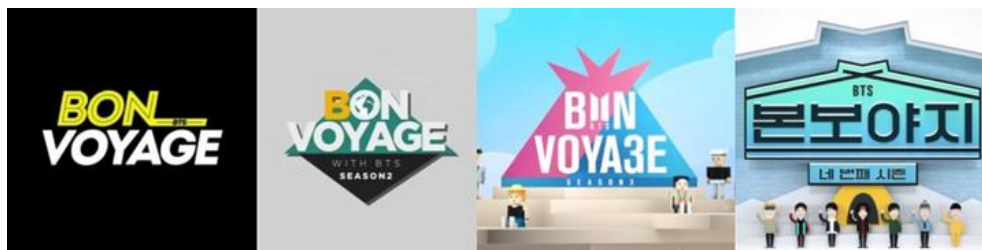
2- Trivia 承: Love (2018)

3- Pied Piper (2017)

۴- بی‌تی‌اس سفر بخیر (BTS Bon Voyage) یک برنامه آنلاین از گروه بی‌تی‌اس است که از سال ۲۰۱۶ تا به الان با ۴ فصل ۸ قسمته از طریق Vlive و Weverse پخش شده است.

به آدم یه تلنگری می‌زنه که خیلی هم دیگه خودت رو درگیر بی‌تی‌اس و حواشی نکن و یه جورایی واقعیت رو تو صورتت می‌کوبن. این لیریک رو خیلی دوست داشتم.

- این برنامه‌هایی که توی صحبت‌ها بهش اشاره کردی چی هستن و توی اون‌ها چه اتفاقی می‌افته؟  
مثلاً این برنامه بن‌ویاژ چندتا فصل داره و توی اون به جاهای مختلفی سفر می‌کنن یا مثلاً ران بی‌تی‌اس کانسپت‌های مختلفی داره، مثلاً می‌شینن باهم بازی‌های مختلفی انجام می‌دن یا خود تهیه‌کننده برنامه میاد و براشون یه چالشی مطرح می‌کنه، آشپزی می‌کنن یا یه مهمونی دعوت می‌شه تا بهشون کارهای جدید رو یاد بده مثلاً سفالگری و یوگا رو یاد گرفتن یا مثلاً توی بی‌تی‌اس این دِ سوپ هم که تا الان دو فصلش اومده، می‌رن توی خونه‌های جنگلی، خیلی خوشگل و شیک و باکلاس و مثلاً کارهایی که اون‌جا انجام می‌دن، توی اون سه، چهار روزی که هستن، به شکل یه برنامه در میاد.



- یعنی توی این برنامه‌ها به نوعی زندگی روزمره بی‌تی‌اس رو نشون می‌دن، درسته؟  
بله، یه جورهایی البته نمی‌شه گفت که کل شخصیت اعضا با این مدل برنامه‌ها برای ما رو می‌شه، چون به هر حال یه دوربینی وجود داره و شاید یک‌سری‌ها جلوی دوربین راحت‌تر باشن، ولی بالاخره یه بخشی از زندگی شخصی‌شون رو نشون می‌ده، ولی قطعاً کامل نیست.

- دیبا جان آیا تا به حال شده که به این فکر کنی یا دلت بخواد که ستاره بشی؟  
بله، بهش فکر که کردم. می‌دونی اون اوایل خیلی بیش‌تر به این موضوع فکر می‌کردم، چون خیلی کنسرت‌ها و اجراهای قشنگی دارن و کلی فن دارن و رقص، آهنگ، کانسپت‌های موزیک ویدیوها، لباس‌ها و میکاپ‌هاشون خیلی باحاله و خب من رو خیلی جذب می‌کرد و دلم می‌خواست شبیه‌شون باشم و اون کارها رو انجام بدم و خیلی‌ها دوستم داشته باشن و حتی الان هم که به چیزهای باحالش فکر می‌کنم، دوست دارم، ولی خب در حد فانتزیه، نه چیزی فراتر از این که مثلاً بخوام کاری بکنم، ولی در کل خیلی خوانندگی رو دوست دارم.  
از یه زمانی به بعد که تکامل عقلی‌ام بیش‌تر شد، دیگه دوست دارم بیش‌تر به زندگی خودم پردازم و به فکر آیدول شدن نباشم، چون خیلی راه سختیه تا به اون مرحله برسی.

- می‌توننی درباره سختی‌هایی که برای ستاره شدن وجود داره، توضیح بیش‌تری بدی؟  
مثلاً تو برای این که بتونی آیدول بشی، باید آودیشن<sup>۱</sup> بدی و اگه توی این آودیشن قبول بشی، باید چند سال کارآموز باشی و آموزش ببینی و خب یکی که بهتر باشه زودتر دیبو می‌کنه. مثلاً توی این دوران باید رژیم‌های سخت بگیری مثلاً یکی از اعضای توایس، مومو بود، اون می‌گفت مجبور بوده که رژیم بگیره و توی اون رژیم فقط یخ بخوره و خودش می‌گفت که می‌ترسیدم بخوابم و صبح بیدار نشم. علاوه بر این یک سری تمریناتی هم هست که باید صبح تا شب انجام بدن یا چون که با خانواده زندگی نمی‌کنن، باید دوری رو هم تحمل کنن.  
کلاً قوانین و مقررات سختی براشون وجود داره، مثلاً گروه کپلر<sup>۲</sup> می‌گفتن که ما باید اولین بردمون رو به دست می‌آوردیم وگرنه موبایل‌هامون رو بهمون نمی‌دادن. بعد از این هم حالا اگه شااااید آیدول بشن، یعنی ممکنه حتی یکی تمام دوران کودکی و نوجوونی‌شون رو بگذاره، ولی نتونه آیدول بشه و تموم اون سال‌ها حروم بشه. مثلاً همین گروه‌هایی که الان دیبو می‌کنن، سن اعضا‌شون خیلی کمه مثلاً شاید ۱۳-۱۴ سال‌شون باشه.

<sup>۱</sup>- به تست دادن برای عضویت در یک کمپانی و در نهایت قرارداد بستن با کمپانی برای انجام فعالیت‌های هنری، آودیشن (Audition) گفته می‌شود.

<sup>۲</sup>- کپلر یک گروه دختر ۹ نفره اهل کره جنوبی است که در سال ۲۰۲۱ از طریق نمایش ام‌نت: سیاره دختران ۹۹۹ تشکیل شد.

به جز این که به عده هم نمی‌تونن آیدول بشن، اگر هم آیدول بشی باید آسه بری آسه بیای، قرار نباید بگذاری یا ممکنه از گروه بیرون انداخته بشی یا گروه دیس‌بند بشه. همه این‌ها جزو سختی‌ها هست.



- چیزی تا به حال درباره این که آیدولی به سخت‌گیری کمپانی‌ها بازخوردی نشون بده، شنیدی؟  
بین، به نظر من یک اشاره غیرمستقیمی شده، مثلاً توی همه لایوهای بی‌تی‌اس باید یه استف<sup>۱</sup> یا منیجر<sup>۲</sup> از کمپانی باشه و نه تنها بی‌تی‌اس، بلکه همه آیدول‌ها به این موضوع اشاره کردن و خب می‌تونیم این رو به نوعی یه اعتراض به سخت‌گیری و نظارت کمپانی‌ها در نظر بگیریم.  
- نظر خودت درباره این که خیلی از آیدول‌ها تو سن کم دیبو و شروع به کار می‌کنند، چیه؟  
مثلاً گروه نیوجینز<sup>۳</sup> یکی از همین گروه‌هایی که خیلی سن کمی دارن و یا مثلاً وای‌جی داره یک گروه جدید بیرون می‌ده که فکر کنم اسمش بیبی مانستر باشه و فکر کنم توی این گروه بزرگ‌ترین عضو ۲۰ سال و کوچک‌ترین ۱۳ سالش باشه. به نظر من کسی که در توی سن ۱۳ سالگی دیبو می‌کنه، حداقل یک یا دو سال رو احتمالاً کارآموز بوده و خب این‌ها توی این سن، این تصمیم رو گرفتن یا پدر و مادرشون برایشون این تصمیم رو گرفته که آدم هنوز درباره آینده و تصمیماتش چیزی نمی‌دونه و خوب تحمل فشارهایی که به آیدول‌ها وارد می‌شن رو نداره. به نظرم در کل وقتی تو سن کم وارد این راه می‌شن، هم کودکی‌شون و هم نوجوونی‌شون رو از دست می‌دن و در ادامه هم آینده سختی خواهند داشت.  
- به نظرت چه چیزی باعث می‌شه که یک کودک یا نوجوون بخواد آیدول بشه؟



به نظر من حتی اگر فرد با سن کم جذب کی‌پاپ بشه به‌خاطر زرق‌وبرق‌های اونه، شاید علاقه هم داشته باشه، ولی واقعاً این موضوع بی‌اثر نیست.

<sup>۳</sup>- به کارمندان کمپانی که در مسایل مختلف به اعضاء گروه یا سولوییت کمک می‌کنند و برخی برنامه‌ریزی‌ها به عهده‌شان است، استف (staff) می‌گویند.

<sup>۴</sup>- منیجر (manager) به معنی مدیر است و در کی‌پاپ به کسی گفته می‌شود که به فعالیت آیدول‌ها نظارت دارد.

<sup>۱</sup>- نیوجینز (Newjeans) یک گروه دختر پنج نفره زیر نظر کمپانی ADOR و HYBE است. اعضای این گروه ۲۰۲۲ به طور رسمی دیبو کردند و به این گروه لقب خواهران بی‌تی‌اس داده شده است.

این احتمال هم وجود دارد که به خاطر پدر و مادرها وارد این صنعت بشن، ولی در کل به نظر من وقتی که این آیدول‌ها میان و توی یک کمپانی کارآموز می‌شن، واقعاً توی سن رشد عقلی هستن و مثلاً منی که الان ۱۵ سالم هست، هم هنوز نمی‌دونم می‌خوام در آینده چه کار کنم و خب این موضوع باعث می‌شه که اگر این آیدول‌ها با سن کم شروع به کار کنن و مشهور بشن، چند سال دیگه نتونن به راحتی کناره‌گیری کنن یا منصرف بشن، چون دیگه اسم‌شون همه‌جا هست و حتی در صورت بیرون رفتن از کی‌پاپ هم باز زندگی یک آدم عادی رو نخواهند داشت.

- می‌شه مثال بزنی که مثلاً چرا یک آیدول رو از گروه بیرون می‌اندازن؟ مگه چه کاری انجام داده بوده که سزاوار این کاره؟ مثلاً هیونجین از استری کیدز یک‌بار به قلدری متهم شد و به خاطر این موضوع مجبور شد تا به مدت از فعالیت‌های گروه کناره‌گیری کنه یا مثلاً چند روز پیش داشتم یک ویدیو از اتفاقات بد سال ۲۰۲۲ برای کی‌پاپ رو می‌دیدم که خب توی اون ویدیو، چندتا گروه دیس‌بند شده بودن یا چندتا از اعضای گروه‌های مختلف یا خودشون از گروه رفته بودن یا از گروه بیرون انداخته شده بودن. حقیقتاً من گذری نگاه می‌کنم و دقیق نمی‌شم، برای همین نمی‌تونم دقیق اسم بگم، ولی در کل یکی از ویژگی‌هایی که اکثر کمپانی‌ها دارن، اینه که وقتی یک شایعه‌ای درمیا، قبل از این که هیچ پیگیری‌ای درباره اون شایعه بشه، آیدول رو به طور موقت از کار کنار می‌گذارن و به نظرم دلایلش می‌تونه این باشه که اون موج و هیجانات مردم بخوابه و بعد بتونن با مسأله درگیر بشن. در حقیقت اون ابتدا، اول صورت مسأله رو پاک می‌کنن.

- دیبا جان با توجه به این که شما گفتی از ۴ یا ۵ سال پیش با کی‌پاپ آشنا شدی، آیا بی‌تی‌اس یا کی‌پاپ روی عقاید شما تأثیری داشته؟ بله، قطعاً تأثیر گذاشته ولی نمی‌تونم بگم هر چیزی که الان هستم به خاطر بی‌تی‌اس یا کی‌پاپه، چون من اون زمان با فضای مجازی هم آشنا شدم و جاهای دیگه هم رفتم، مثلاً اگه بخوام مثال بزنم، درباره مسایل مذهبی الان خیلی میانه‌روتر برخورد می‌کنم.

- آیا به نظرت کی‌پاپ یا گروه بی‌تی‌اس به طور کلی روی سیاست‌های کره یا سیاست بین‌المللی تأثیری داشته؟ بله، به نظرم خیلی تأثیر می‌گذارن، مثلاً اخبار و شایعه قرار گذاشتن جنی با جی‌دراگون<sup>۱</sup> که منتشر شد، می‌گفتن که یه گندی از سیاست کره در اومده که با شایعه قرار گذاشتن این‌ها می‌خوان اون رو جمع کنن و این قطعاً روی مردم تأثیر می‌گذاره که دوتا عضو از گروه‌های به این معروفی باهم قرار می‌گذارن و توجه‌شون منحرف می‌شه و خب از یه نظر هم می‌شه گفت، روی اقتصاد هم تأثیر می‌گذارن چون درآمدهای حاصل از کنسرت‌ها و شهرت کی‌پاپ و شاید بارزتر بی‌تی‌اس، وارد سیستم مالیاتی کره می‌شه و قطعاً مبلغ قابل توجهی می‌شه.



- چه دلیلی وجود دارد که کمپانی‌ها، طرفدارها و یا هیترها بیش‌تر نسبت به قرار گذاشتن ستاره‌ها حساسیت دارن؟ خیلی از طرفدارها وجود دارن که آیدول‌شون رو به صورت افراطی دوست دارن و اون رو برای خودشون می‌دونن و با این که خودشون به اون آیدول نمی‌رسن، می‌گن که نه آیدول ما باید سینگل فوراور (مجرد ابدی) باشه و نباید به هیچ دختری دست بزنه یا هیچ دختری رو ببینه و کلاً سر این چیزها خیلی بهم می‌ریزن و هیت می‌دن و خب کلاً نمی‌تونن اون آیدول رو در کنار دختر مورد علاقه‌اش هضم کنن.

- نظر خودت راجع به این رفتارهایی که بعضی طرفدارها درباره قرار گذاشتن آیدول‌شون نشون می‌دن، چیه؟

<sup>۱</sup>- جی دراگون لیدر گروه بیگ‌بنگ (Big Bang) یکی از مؤثرترین گروه‌های صنعت موسیقی کی‌پاپ است که در انتشار فرهنگ کره‌ای یا موج کره‌ای در جهان بسیار تأثیرگذار بوده است.

از نظر من این مدل طرفدارها خودشون رو جای آیدولشون نمی‌گذارن و این رو در نظر نمی‌گیرن که اون آیدول هم به زندگی شخصی برای خودش داره و خودش باید درباره اون زندگی تصمیم بگیره و به مشت طرفدار نمی‌تونن جمع بشن و برای زندگی اون تصمیم‌گیری کنن. به نظر من کلاً این طرز فکر خیلی کودکانه است و خب ما همه اگه کسی بخواد تو زندگی مون دخالت کنه، قطعاً مسالمت‌آمیز باهاش رفتار نمی‌کنیم.

- آیا تا به حال شده که آیدولی به این مدل رفتارها و خواسته‌های طرفدارها واکنش نشون بده؟

الآن که دارم فکر می‌کنم به چیزی یادم اومد. یک بار به تهیونگ توی وی‌ورس به عکسی از خودش با یه بچه‌ای آپلود کرد و یه آرمی اومد گفتش که من دلم نمی‌خواد تهیونگ پدر بشه و تهیونگ در جواب این حرف به اون طرفدار گفت که بچه‌ها این آرزوی منه که پدر بشم. خب این به نوعی یک واکنشی در برابر این حرف طرفدارها است که می‌گن آیدول‌ها نباید قرار بگذارن یا ازدواج کنن.

- آیا تهیونگ باز خوردی درباره این حرفی که زد از سمت مردم گرفت؟

من واکنش خاص یا هیت گرفتن ندیدم. به نظرم وقتی آیدول خودش این حرف رو می‌زنه، بازخوردهای منفی‌ای که می‌گیره، کم‌تره.

- به طور کلی در نهایت بی‌تی‌اس و کی‌پاپ چه اثراتی بر روی شما داشته؟

شاید بعضی از چیزهایی که می‌گم مسخره به نظر بیان، ولی برای خودم خیلی با ارزش هستن مثلاً الآن خودم رو جووری که هستم دوست دارم، سعی می‌کنم درباره کسی نظر الکی ندم یا کسی رو قضاوت نکنم چون زندگی آیدول‌ها رو دیدم و به هر آدمی با هر نظر، شکل و گرایشی می‌گذارم و منفی هم شاید وقت و اینترنت باشه که مامان آدم رو عصبی می‌کنه؟ (می‌خندد).

- ممنون عزیزم سوالات من تموم شد. خیلی ممنونم ازت که با من همکاری کردی. آیا نکته‌ای هست که بخوای به حرفات اضافه کنی؟

مصاحبه جالبی بود و باعث شد که به بعضی چیزهایی که تا الآن فکر نکرده بودم، دقیق‌تر فکر کنم و اگر بخوام یه نکته‌ای رو اضافه کنم، اینه که خیلی چیزها راجع به کی‌پاپ گفته می‌شه که فقط ویژگی منفی اون رو در نظر می‌گیرن، ولی خیلی از این مسایل قبل از کی‌پاپ هم توی هالیوود وجود داشته و فقط مختص به کی‌پاپ نیست، ولی اسمش برای کی‌پاپ بد در رفته. علاوه بر این خیلی‌ها هم می‌گن کسانی که طرفدار کی‌پاپ هستن، کشور خودشون رو فروختن یا ذات خودشون رو فراموش کردن، ولی این طوری نیست و هر چیزی جای خودش رو داره و موسیقی ایران هم خیلی ویژگی خاصی نداره که ما بخوایم طرفدار اون بشیم و خیلی شدید از او حمایت بکنیم. تموم شد. خسته نباشی.

- ممنون بابت نکته جالبت. شما هم خسته نباشی.

## تأملی دوباره

دیبا‌ی ۱۵ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مباحثی حول محورهای کمپانی هایب (مؤسس گروه بی‌تی‌اس)، گروه پسران بی‌تی‌اس و هواداران گروه بی‌تی‌اس اشاره داشته است.

دیبا در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد کمپانی هایب، به مواردی مانند: ارزش‌مندی پردازش گروه بی‌تی‌اس از سوی کمپانی، ارایه محتوای متناسب با مسایل نوجوانان و جوانان از سوی کمپانی و گروه، ارایه محتوای هدفمند و دارای تئوری‌پردازی قوی و باکیفیت، توجه زیاد به جلوه‌های بصری، افزایش هیجان صحنه، سوق دادن دختران نوجوان و جوان به سمت عشق تخیلی از سوی کمپانی، کنار گذاشتن ستاره‌ها به طور موقت برای کاهش هیجانات منفی عموم جامعه به عنوان سیاست کمپانی‌ها، وارد شدن فشارهای فراتر از تحمل به ستاره‌های دارای سن پایین نسبت به ستاره‌های دیگر و سوءاستفاده از ستاره‌ها به عنوان پوششی بر فسادهای سیاسی، اقتصادی و ملی دولت کره جنوبی، اشاره داشته است.

دیبا‌ی ۱۵ ساله، در مصاحبه خود در توصیف فراز و فرودهای گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: ارزش‌مندی گروه بی‌تی‌اس، ارایه محتوای متناسب با مسایل نوجوانان و جوانان، ارایه محتوای هدفمند و دارای تئوری‌پردازی قوی، امید و انگیزه‌بخشی در ترانه‌ها، ارایه یک مجموعه کامل محتوایی (امیدبخش، بامحتوای جوان‌پسند، متنوع)، بصری، شنیداری و پرهیجان، توجه زیاد به جلوه‌های بصری، جذابیت‌های ظاهری صنعت کی‌پاپ، جذب مخاطب از طریق سبک پوشش نوین و تازه و پاپوش درست کردن برای ستاره‌ها، اشاره داشته است.

دیبا در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد هواداران گروه بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: ارزش‌مندی گروه بی‌تی‌اس، پاسخ به سردرگمی‌های نوجوانان و جوانان، ارایه محتوای متناسب با مسایل نوجوانان و جوانان، ایجاد حس خوب تحت تأثیر محتوای

ستاره‌ها، جذابیت‌های ظاهری صنعت کی‌پاپ، افزایش هیجان صحنه، جذب مخاطب از طریق سبک پوشش نوین و تازه، اثرگذاری در عادات تغذیه کاربران، علاقه یافتن نسبت به آشنایی با فرهنگ کره جنوبی، تأثیرپذیری از تلاش و سخت‌کوشی ستاره‌ها، ارتقای تفکر انتقادی در مواجهه با چالش‌های پیش آمده بین کمپانی، گروه و هواداران؛ کسب دیدگاهی انتقادی، تعدیل اثرپذیری هواداران در گذر زمان، تعدیل هواداری مفرط در گذر زمان، تعدیل علایق مفرط به بی‌تی‌اس، اتلاف وقت گسترده میان هواداران کی‌پاپ در جریان حمایت کردن از گروه بی‌تی‌اس در فضای مجازی، جهانی اندیشیدن، گوگل کردن، جذابیت‌های ظاهری صنعت کی‌پاپ، ارایه یک مجموعه کامل بصری و شنیداری باکیفیت برای مخاطب، پذیرش اخلاق نسبت‌گرا، اثرهای عقیدتی کاربری از بی‌تی‌اس (کم رنگ شدن ابعاد معنوی با پر رنگ شدن ابعاد مادی)، تمایل به خرید لوازم طرفداری باوجود آگاهی از کاربردی نبودن آن، سوق دادن دختران جوان به سمت عشق تخیلی، آشنایی با جامعه کویرها از طریق کی‌پاپ، اهانت به ستاره‌ها در پس شایعه‌سازی‌ها، نگرش منفی و نقد به ستاره‌های کی‌پاپ از جانب برخی خانواده‌ها و هدایت غیرمستقیم خانواده در برخورد فرزند با گروه بی‌تی‌اس (محدودیت در زمینه تهیه آلبوم و لوازم طرفداری و دیگر خواسته‌های جوان تحت تأثیر گروه بی‌تی‌اس)، امید و انگیزه دادن، افزایش تسامح افراد، سرگرم سازی، اعتیاد به گروه، اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه دیبای ۱۵ ساله، با ارجاع محورهای اقدام‌های کمپانی و اثرات کاربری از گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران، توجه خویش را به مباحث وی در زمینه اثرگذاری گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران آن متمرکز سازیم، می‌توان بیان داشت، دیبای در مصاحبه خودش از اثرهای روانی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، اخلاقی- عقیدتی، اقتصادی- سیاسی، هنری، زیباشناختی و خانوادگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس یاد کرده است.

دیبا در توصیف «اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: پاسخ به سردرگمی‌های نوجوانان و جوانان، ارایه محتوای متناسب با مسایل نوجوانان و جوانان، امید و انگیزه دادن، افزایش هیجان صحنه، اتلاف وقت گسترده، سوق دادن دختران جوان به سمت عشق تخیلی و اعتیاد به گروه، یاد کرده است.

مصاحبه شونده در توصیف «اثرهای اجتماعی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: جهانی اندیشیدن، تأثیرپذیری از تلاش و سخت‌کوشی ستاره‌ها، گوگل کردن، ارتقای تفکر انتقادی در مواجهه با چالش‌های پیش آمده بین کمپانی، تعدیل اثرپذیری هواداران در گذر زمان، تعدیل هواداری مفرط در گذر زمان، افزایش تسامح افراد، جهانی شدن، اهانت به ستاره‌ها در پس شایعه‌سازی‌ها، یاد کرده است.

دیبا در توصیف «اثرهای فرهنگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: سرگرم‌سازی، اثرگذاری در عادات تغذیه کاربران، علاقه یافتن نسبت به آشنایی با فرهنگ کره جنوبی و ارایه یک مجموعه کامل بصری و شنیداری باکیفیت برای مخاطب، سخن گفته است.

دیبا در توصیف «اثرهای آموزشی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از مورد: گوگل کردن و آشنایی با جامعه کویرها از طریق کی‌پاپ، سخن گفته است.

مصاحبه شونده در توصیف «اثرهای اخلاقی- عقیدتی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: پذیرش اخلاق نسبت‌گرا، اثرهای عقیدتی کاربری از بی‌تی‌اس (کاهش ابعاد معنوی با پر رنگ شدن ابعاد مادی)، یاد کرده است.

دیبا در توصیف «اثرهای اقتصادی- سیاسی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از مورد: تمایل به خرید لوازم طرفداری باوجود آگاهی از کاربردی نبودن آن، سخن گفته است.

دیبا در توصیف «اثرهای هنری هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از مورد: ارایه محتوای جذاب توسط گروه پسران، سخن گفته است.

دیبا در توصیف «اثرهای زیباشناختی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: جذابیت‌های ظاهری صنعت کی‌پاپ و الگوبرداری در زمینه مدهایی که پسران بی‌تی‌اس عرضه می‌کنند، سخن گفته است.

مصاحبه شونده در توصیف «اثرهای خانوادگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از مورد: هدایت غیرمستقیم خانواده در برخورد فرزند با گروه بی‌تی‌اس، سخن گفته است.

از بیانات اخیر دیبای ۱۵ ساله، در جمع‌بندی کلی کتاب، در موارد مورد اشاره، بهره جسته خواهد شد.

## مصاحبه با فرشته، ۱۹ ساله

ولی یه سری آدم هم هستن که تو جریان کی‌رول از بچه‌های کوچیک‌تر سوءاستفاده می‌کنن، چون اولش تو رول نمی‌پرسی تو واقعاً چند سالت، اما بعد بیهو می‌بینی بعد یه ماه حرفای ناجور زدن، می‌فهمی یکی‌شون ۱۴ سالشه یکی‌شون ۳۰ سال.

- فرشته جان چه طور با بی‌تی‌اس آشنا شدی؟

با بی‌تی‌اس که آشنا بودم از خیلی وقت پیش. حتی دقیق یادم نمیداد کی. شاید مثلاً سال ۲۰۱۶ اینا که خیلی مطرح شده بودن آشنا شدم باهاشون. بعد چون من اوتاکو بودم و کلاً فن مشترک بین انیمه‌ها و گروه‌های کی‌پاپ زیاد هست یه چیزایی دورادور می‌دونستم درباره‌شون، ولی خیلی ازشون خوشم نمی‌اومد.

- چرا خوشت نمی‌اومد؟

نمی‌دونم یه جورایی انگار به نظرم اورریتد بودن؟ یعنی بیش‌تر از چیزی که حق‌شون بود، بیهویی معروف شدن. بعد کی‌پاپرا یه موجودات عجیبی‌ان، دست‌شون به هر چیزی که می‌رسه می‌خوان تو فرمت کی‌پاپ جاش بدن. بعد خب من اولش اوتاکو بودم دیگه. خوشم نمی‌اومد که کی‌پاپرا به خصوص فنای بی‌تی‌اس دارن اون سیستم فن‌دوم خودشون رو وارد انیمه‌ها کنن. من خیلی قبل از این که انیمه این قدر تو ایران محبوب بشه، اوتاکو بودم. از ۲۰۱۲ یا ۲۰۱۳ که محتوای تولید شده واسه انیمه‌ها یک‌دهم این هم نبود و کلاً خیلی جو بهتری داشت جمع اوتاکوها.

اصن اون اوایل اوتاکوهای قدیمی خیلی با کی‌پاپرا لج بودن. منم جزو همونا بودم.

- منظورت از سیستم فن‌دوم خودشون و فرمت کی‌پاپ چیه، می‌تونی توضیح بدی؟

بین یه جور خاصی‌ان. هنوزم بعد این مدت کنار نیومدم باهاشون. یعنی مدل حرف زدن‌شون، محتوایی که تولید می‌کنن، حتی مدل روابطشون یه جور خاصیه. بعد دست‌شون به هر چیزی می‌رسه رو جو طرفداراش تأثیر می‌ذارن. یعنی حتی همین تست شخصی‌شناسی ام بی‌تی‌ای، تا وقتی کی‌پاپرا پیداش نکرده بودن، محتوایی که واسش تولید می‌شد خیلی متفاوت بود. واقعاً توضیحش سخته، ولی یه جوری انگار یه عینک عجیبی دارن که یا صفره یا صد. یه چیز یا خوبه یا افتضاحه. مثلاً این تست ۱۶ تا تایپ شخصیتی داره اینا کلاً به دوتاش اهمیت می‌دن.

- خوب چی شد که فن‌شون شدی؟

اوایل دوران کرونا بود که من تیک‌تاک ریختم و اکانت ساختم. اونجا آهنگاشون رو خیلی می‌شنیدم و تیک‌تاک می‌دیدم. همون دوره هم بود که آهنگ پریمیشن تو دنس رو خوندم تقریباً. شاید یه کم بعد ترش. که خب این آهنگ امید می‌ده به دوران بعد از کرونا و زندگی عادی. خب اصن یه جو عجیبی بود اون موقع. از همه چیز و همه کس دور افتاده بودم، من کنکوری هم بودم. بعد من خیلی روحیه‌ام داغون بود. نیاز به حواس‌پرتی داشتم واقعاً و چی بهتر از یه فن‌دومی که خیلی چیزای جانبی داره. فضای خوبی بود که چیزای مختلف ببینم و دوست پیدا کنم.



- یعنی به خاطر چیزهای جانبی خوشت اومد ازشون؟



نمی‌تونم بگم بی‌تأثیر بود. چون بین موزیک‌شون خوبه‌ها، لیریکاشون واقعاً فوق‌العاده هست و به نظر من نقطه قوت کاراشونه. ولی نمی‌شه انکار کرد که جنبه ویژوال بی‌تی‌اس باعث محبوبیتش شده. فقط هم ویژوال نه. کلاً فرق گروه و آرتیست سولو اینه که از روابط اعضاء هم خیلی محتوا تولید می‌شه. فن سرویس و اینا می‌دن، بعد خب کی جذب این چیزا نمی‌شه.

اگر به سال پیش ازم می‌پرسیدی، ممکن نبود جواب واقعی بدم بهت، ولی به کم که سنم رفت بالاتر از تعصیم کم شد. موزیک بی‌تی‌اس خوبه واقعاً، ولی چیزی نیست که اگر در شرایط عادی بودم و هیچ چیز جانبی‌ای همراهش نبود، این قدر گوشش کنم. پس آره می‌تونم بگم دلیل عمده این که فن بی‌تی‌اس شدم مصاحبه و موزیک ویدیو و دنس و فن سرویس و اینا بود.



- فن گروه دیگه‌ای از کی‌پاپ هم هستی؟

این که خیلی جدی فن‌شون باشم، نه، ولی خب بلک‌پینک رو دوست دارم و کاراشون رو گوش می‌کنم.

- خودت رو کی‌پاپر می‌دونی؟

نه واقعاً. من به زمان آرمی بودم، ولی هیچ وقت به جز بی‌تی‌اس جدی پیگیر گروه دیگه‌ای نبودم پس فک نکنم بتونم بگم کی‌پاپرم واقعاً. الان دیگه حتی اون قدر واسه بی‌تی‌اس هم ندارم.

- بی‌تی‌اس اولین گروه کره‌ای بود که تا این حد در سطح بین‌المللی دیده شد. فکر می‌کنی دلیل موفقیت‌شون چی بوده؟

قطعاً تبلیغات و زمان‌بندی و برنامه‌ریزی درست بی‌اثر نبوده. به کمش شانسیه‌ها، چون مثلاً کار بی‌تی‌اس و اکسو خیلی شبیه به همه، اگه دقت کنی. کانسپت لیریکای بی‌تی‌اس خیلی متنوع‌تره، ولی از لحاظ آهنگ‌سازی و ویژوال و دنس شبیه هستن و فک می‌کنم، تفاوتی ریزشون باعث شد، بی‌تی‌اس بیش‌تر مطرح بشه با وجود این که کمپانی کوچیکی داشتن و دیرتر از اکسو شروع به کار کردن.

همین که همه آهنگاشون خیلی دارک و اینا نیست، همه‌اش از عشق نمی‌خونن و تو کاراشون تنوع زیاده به نظرم بی‌اثر نبوده. بعد خب فن‌دوم بی‌تی‌اس واقعاً با بقیه خیلی فرق داره. چه طوری بگم، جهانی‌تره انگار؟ چون مثلاً برخلاف خیلی از گروه‌های کی‌پاپ که اکثر فن‌اش کره‌ای ان، بی‌تی‌اس انقد فن داره که دیگه نمی‌شه گفت بیش‌ترشون مال به کشور هستن.

- این چیز خوبیه؟

نمی‌دونم واقعاً. از به طرف واسه بنگتن قطعاً خوبه، چون طرفدار بیش‌تر یعنی محبوبیت بیش‌تر و پول بیش‌تر. از به طرف دیگه این تنوع فرهنگی باعث شده راضی کردن فنا سخت‌تر باشه، به خصوص فنای کره‌ای که خیلی با بقیه فرق دارن. مثلاً فنای اینترنشنال به چیز می‌خوان، فنای کره‌ای به چیز دیگه. بی‌تی‌اس تنها گروهیه که بیش‌تر بر اساس میل فنای اینترنشنال پیش می‌ره. اونم به نظرم به خاطر اینه که فنای اینترنشنال تعدادشون بیش‌تره و سودشونم بیش‌تره.

- به کم بیش‌تر توضیح می‌دی؟

خب بین به جورایی انگار فنای کره‌ای خیلی دیدشون بسته‌تره یا چه طوری بگم به اون قالب کی‌پاپی گروه خیلی اهمیت می‌دن. بعد اصلاً تو کره جا افتاده که آیدولا باایدی به جور خاصی باشن به جور خاصی رفتار کنن و زندگی کنن. حتی درباره تیپ و استایلشونم همینه، یعنی مثلاً اگر ته ریش‌شون در اومده باشه و تو پابلیک بین‌شون، خیلی بده. معمولاً ماسک می‌زنن، واسه همینم یا چه می‌دونم تتو داشتن تا چند وقت پیش

خیلی تابو بود براشون، سیگار کشیدن، کلاب رفتن اینا اصلاً پذیرفته شده نبود واسه آیدول. ولی بی‌تی‌اس از این قالب دراومده یه کم، اونم به خاطر حمایت فنای اینترنشنال‌شونه به نظر من.

از یه طرفم هر چی تعداد آرمیا بیش‌تر می‌شه، فنای فیک هم بیش‌تر می‌شن. پس نمی‌شه گفت صددرصد خوبه یا صددرصد بده، فقط می‌تونم بگم محبوبیت بیش‌تر و درآمد بیش‌تر. پس فک نکنم ناراضی باشن خیلی.



- فن‌های فیک چه طوری هستن؟

فقط دنبال حاشیه ان. تا جایی که دیگه نمی‌شه تشخیص داد بعضیاشون فن ان یا هیت‌ر. به حریم شخصی اعضاء احترام نمی‌ذارن، تو زندگی شون دخالت می‌کنن، تهدیدشون می‌کنن، حرف بد و منفی می‌زنن درباره‌شون. این طوری ان که تو یا اون آدم بی‌نقصی هستی که ما می‌خوایم باشی یا کلاً دیگه دوست نداریم و بی‌ارزشی. کلاً هم اهمیتی به هنرشون نمی‌دن واقعاً. می‌شه حتی گفت همین مدل فنا باعث خودکشی آیدول می‌شن.

از یه طرف دیگه یه سری فن خیلی تعصبی هم هستن که فک می‌کنن، بی‌تی‌اس ارث باباشونه. با بقیه بدرفتاری می‌کنن، قلدری می‌کنن واسه بقیه. سر کوچک‌ترین انتقادی تو توئیتر و گروه‌های آرمیا کنسل می‌شی. در حالی که اصلاً حرف بدی هم نزدی. همه‌اش هم در حال جنگ و دعوا با بقیه فندومان. سر هرررر چیزی.

به خاطر همین چیزاست که من یه مدته خودم رو آرمی نمی‌دونم. هنوز کارشون رو دنبال می‌کنم، ولی دیگه با فندوم قاطی نمی‌شم.

- به خودکشی آیدول اشاره کردی، یه کم بیش‌تر درباره‌اش صحبت کنیم؟

نمی‌دونم دقیق چی بگم. ولی خب آیدول بودن کار خیلی پرفشاریه. کارشون سنگینه و این که باید حواس‌شون به ظاهرشون و هیکل‌شون و اینا باشه، دایم هم خیلی سخته. مردم هم بیش از حد دخالت می‌کنن تو زندگی‌شون و همه چیز رو زیرنظر دارن. ولی خب یه وقتایی انگار بعضی آیدول می‌افتن رو دور بدشانسی؟ په‌و یه سری گروه با هدف نامشخص از همه جا حمله می‌کنن بهشون هیت می‌دن و تهدیدشون می‌کنن. بعد خب این فشار رو صدبرابر می‌کنه. کمپانیا خیلی وقتا بیانیه اینا می‌دن که شکایت می‌کنیم و اینا و خب تا یه مدتم شاید کمکی بکنه، ولی باعث نمی‌شه تموم بشه.

خیلی از آیدول از دوران کارآموزی‌شون زمینه‌های افسردگی رو داشتن با این چیزا بدتر می‌شه وضعیت‌شون و گاهی به خودکشی می‌رسه حتی.

- به سختگیری درباره بدن ستاره‌ها اشاره کردی. رژیم اون‌ها خیلی معروفه، خودت سراغ‌شون رفتی؟

یه مدت کوتاه آره. من همین طوریش وزنم پایین بود، ولی خب ژنتیکی فرق داریم با کره‌ایا. من پایین تنم پره به نسبت بقیه بدنم، در حالی که کره‌ایا معمولاً این طوری نیستن، پاهاشون لاغر، حتی می‌گن بدن ایده‌آل بدنیه که بین دوتا ران پا فاصله باشه. خب ژنتیکی همچین چیزی ممکن نیست واسه من عملاً. بعدم من از بچگی ورزش رزمی کار می‌کنم، رو فرم بدنم هم تأثیر گذاشته طبیعتاً.

من حدود یک سال رژیم واقعاً سنگین داشتم، سال اول کرونا و قبل از کنکورم دقیقاً. تمرکز رو وزن نبود، چون همین طوریش زیر ۵۰ کیلو بود وزنم. ولی خیلی تلاش کردم که بدنم شبیه آیدول بشه. این طوری نبود که سراغ یه رژیم خاص مربوط به یه آیدول برم، ولی خب خیلی کم می‌خوردم و خیلییی هوازی کار می‌کردم. در حدی که واقعاً بدنم کم می‌آورد. دیگه مغزم نمی‌کشید درس بخونم به خاطر قند کمی که دریافت می‌کرد. همینا باعث شد خیلی آسیب بینم سال کنکورم.

- چی شد که بی‌خیال رژیم غذایی شدی؟

کارم بیخ پیدا کرد واقعاً. به مدت سردردای خیلی بدی می‌گرفتم به مدت چندساعت. سیستم هورمونی بدنم خیلی بهم ریخته بود و مجبور شدم برم دکتر. همونجا بهم گفت که اگر بخوام این طوری ادامه بدم، چه بلایی سرم میاد. می‌شه گفت از همونجا بود که کمکم فاصله گرفتم از کی‌پاپ.

- چرا؟

چون خب احساس می‌کردم آسیب دیدم به خاطرش. هر چی بیش‌تر تو فندوم بودم و محتوای مربوط به گروه‌ها رو می‌دیدم، بیش‌تر از خودم متنفر می‌شدم. فقط هم هی‌کلم نبود، با صورتم مشکل پیدا کرده بودم. خیلی جدی تو فکر عمل بینی بودم. در حالی که می‌دونستم به ورزش کردنم آسیب می‌زنه. رفتم جلوتر متوجه شدم واقعاً ارزشش رو نداره.

- بی‌تی‌اس که خیلی درباره عشق به خود صحبت می‌کنه. اونا بهت کمک نمی‌کرد؟

بین تو وقتی می‌بینی یه نفر یه چیزی می‌گه و خودش بهش عمل نمی‌کنه، طبیعتاً خیلی حرفش رو جدی نمی‌گیری. واسه من همین بود دقیقاً. راحت‌ه که بگی آره‌ههه خودتون رو دوست داشته باشید، شما کافی هستید، شما زیبا هستید، ولی وقتی خودت رو استیج غش می‌کنی از فشار کاری و رژیم غذایی نامناسب، خب من که مخاطبت باشم، چه طوری می‌تونم جدی بگیرم حرفت رو؟

شاید واسه خیلیا این طوری نباشه، ولی من حس می‌کنم عمل از حرف مهم‌تره. حتی هالیوود با همه مشکلاتش تو این زمینه بهتر عمل کرده، چون آدم واقعاً تنوع رو می‌بینه بین آرتیستا. از همه نژادا با هر رنگ پوستی با هر مذهبی، همه هیکلاشون بی‌نقص نیست، همه استریت (با گرایش به جنس مخالف) و سیسجندر (هم‌سو جنسیتی)<sup>۱</sup> نیستن. ولی تو کی‌پاپ این طوری نیست. تو حتی اگر حرفش بزنی، آخرش خودت نمی‌تونی بهش عمل کنی، چون عکسایی که از اعضاء درمیاد کلی ادیت شده. رنگ پوستشون رو روشن می‌کنن، روتوش می‌کنن که پوستشون بی‌نقص باشه. خب من به عنوان یه دختر خاورمیانه‌ای که رنگ پوستم به طور طبیعی سفید سفید نیست، چه حسی باید پیدا کنم نسبت به خودم با توجه به این قضیه؟

باز من تو سن خوبی وارد فندوم بی‌تی‌اس شدم و کم‌تر آسیب پذیر بودم به نسبت بچه‌های ۱۲، ۱۳ ساله. ولی با این وجود آسیب جسمانی دیدم.



- درباره تنوع تو هالیوود و مسأله گرایش جنسی صحبت کردی. بیش‌تر محتوایی که فنای بی‌تی‌اس تولید می‌کنند، درباره زوج‌های هم‌جنس‌گرا و کاپلای گیه، درسته؟

متأسفانه بله.

- چرا متأسفانه؟

<sup>۱</sup>- هم‌سو جنسیتی فردی است که هویت جنسیتی و بیان جنسیت‌اش با جنسیت منتسب به او هم‌سو است.

خب آخه نه واقعیه، نه براساس واقعیت. یه کم توهین آمیزه، حتی چون هر چی هم که بگن، نمی‌شه انکار کرد که کمپانی یه سری چیزا رو تعیین می‌کنه که انجام بشه تا به مخاطب خط بدن. راه خوبی واسه جذب مخاطب پیدا کردن، ولی واقعاً اخلاقی نیست.

- چرا به نظرت توهین آمیزه؟

می‌تونم راحت صحبت کنم؟

- حتماً.

این رو از دو جنبه می‌شه گفت. اول این که کمپانی سوءاستفاده می‌کنه از کانسپت هوموسکشوالیتی واسه جذب مخاطب، اونم وقتی که این مسأله واقعاً بخشی از هویت بعضیا هست و تو خیلی کشورا مثل همین ایران جونشون درخطر به خاطرش. حتی حاضر هم نیستن به طور رسمی چیزی درباره هنرمندا شون اعلام کنن که اصلاً فلانی گییه یا فلانی با فلانی تو رابطه هست. یه جورى که نه سیخ بسوزه، نه کباب، می‌خوان همه رو راضی کنن.



از یه طرف دیگه هم فن‌دوم یه سری دختر اکثراً استریت و سیسجندر که هیچ ایده‌ای ندارن، واقعیت این روابط چه طوریه، میان براساس علائق شخصی‌شون یه سری چیزا می‌نویسن که واقعاً یه وقتایی نفرت انگیزه.

راحت بگم. من خودم کویبرم و هر چی بیش‌تر تو فن‌دوم رفتم، بیش‌تر احساس کردم بهم توهین شده. چون اکثریت‌شون افراد ال‌جی‌بی‌تی رو مثل عروسک می‌دیدن. یعنی حتی می‌دیدن طرف خودش فن‌فیک گی می‌نویسه از اعضا، ولی اگر بهش بگی من لزبینم، می‌گه چن‌دش یا اگر یه زوج گی واقعی ببینن که مثل آیدولای کره‌ای خوشگل و بی‌نقص نیستن، محاله حمایت‌شون کنن یا اگه اون قالب سنتی و مزخرف تاپ و باتم رو نداشته باشن که یکی‌شون خیلی دارک و عصبی و جدیه، یکی دیگه‌شون خیلی ناز و کیوت و مهربون، دیگه قبول‌شون نمی‌کنن.

دقیقاً یه بخش از این فرمت کی‌پاپی فن‌دوم که گفتم همینه که می‌خوان هم‌ممه چیز رو تو همین قالب تاپ و باتم جا بدن.

- پس یعنی خودت فن‌فیک نمی‌خونی؟

از بی‌تی‌اس؟ ابدأ. شاید اوایلش در حد یکی، دوتا خوندم اونایی که خیلی خوب بودن رو که انگلیسی بودن و واقعاً قلم خوبی داشتن، ولی با اخلاقیاتم جور نیست بشینم از آدمای واقعی داستان سکسی بخونم. اونم وقتی هزاربار تأکید کردن که هر چیزی بین‌شون اتفاق می‌افته دوستانه هست. خب مخاطب خر که نیست. نمی‌شه هم احترام بخوای هم بخوای با این کارا فن جذب کنی.

یکی دیگه از دلایلی که من از بی‌تی‌اس فاصله گرفتم همین چیزا بود.

- پس تو موافقی که تولید محتوای مثبت ۱۸ از آدم‌های واقعی درست نیست؟

قطعاً درست نیست. حتی اگر کمپانی فنا رو تحریک کنه به انجامش.

- خود اعضا یا کمپانی تاحالا نظری درباره این نوع محتوا دادن؟

خیلی مستقیم نه فک کنم. ولی می‌گن که هر اتفاقی بین‌شون می‌افته دوستانه هست و اینا. من ندیدم کسی مستقیم چیزی بگه درباره‌شون.

- خودت تاحالا فن پیچ یا فن اکانت داشتی؟

واسه بی‌تی‌اس نه. حالا اصلاً نمی‌دونم چه قدر حساب می‌شه، ولی تو توئیتر اکانتت مربوط به انیمه و ایناست. نه این که حالت فن پیچ داشته باشه، ولی بیش‌تر کسایی که باهاشون اینترکشن دارم اوتاکو ان. توئیتمم مربوط به انیمه هاست معمولاً. ولی این که فن پیچ داشته باشم نه پیش نیومده.

- برای ترجمه و ادیت و این مسایل باهاشون تاحالا همکاری کردی؟

یه مدت واسه یه چنل تلگرام ترجمه انجام می‌دادم. بیش‌تر مصاحبه‌ها رو ترجمه می‌کردم، ولی خب خیلی کوتاه بود.

- از انگلیسی ترجمه می‌کردی، حقوق هم می‌گرفتی؟

یه سری فنای خارجی مصاحبه‌ها رو از کره‌ای به انگلیسی ترجمه می‌کردن منم همون انگلیسیا رو به فارسی برمی‌گردوندم. بعد نه، حقوق نمی‌گرفتم واسش، بیش‌تر حالت تفریح داشت تو تایم آزادم، ولی خب می‌شناسم کسایی رو که از طریق فن پیچ‌هاشون و یا با کار ترجمه تونستن درآمد داشته باشن. هر چند که زیاد نیست به نسبت تایمی که می‌گیره.

- چه قدر در روز براش وقت می‌گذاشتی؟

چیز ثابتی نبود. بسته به این که کاری بهم بخوره یا نه، ممکن بود سه، چهار روز اصلاً نرم سراغش یا یه روز دو، سه ساعت تا حتی ۶ ساعت وقتم رو می‌گرفت.

- فکر می‌کنی رو سطح زبانت تأثیری داشته؟

من خب کلاً چون سال‌ها تو فندومای مختلف بودم کم و بیش، و چون با بخش فارسی فندوما خیلی نمی‌سازم، زبانم اوکی بود. ولی آره تأثیر مثبت داشت.

- چرا با بخش فارسی فندوما نمی‌سازی؟

چون اول‌ها به نسبت فنای اینترنشنال هر چیزی کلاً ایرانیا یه کم ذهن‌شون بسته‌تره. از این نظر که قدیمی‌تر فکر می‌کنن، ذهن‌شون بسته‌تره و یه کم انگار همه چی شخصی می‌شه بین‌شون، به خاطر این که همه ایرانی ان. مثلاً همین کی‌رول. نمی‌دونم چه قدر درباره‌اش می‌دونی، ولی یه چاهیه که انتها نداره. چند وقت پیش هم به لطف یه وکیلی که خودجوش پیگیر کاراش شد، گند ماجرا دراومد.

- کی‌رول اصلاً چی هست؟

یه سری بچه جمع می‌شن دور همدیگه، هرکدوم‌شون نقش یه آیدول رو می‌گیرن، بعد شروع می‌کنن به جای اون زندگی می‌کنن تو فضای مجازی. بیش‌تر هم تو تلگرام ان. یعنی مثلاً وارد رابطه می‌شن، مهمونی می‌رن، کلاب می‌رن، حتی به جای اون آیدول، سکس‌چت می‌کنن و اینا. من خودم هیچ وقت توش نبودم، ولی خیلی می‌شنیدم ازش.

درسته اکثریت کسایی که توش ان کم سن و سال هستن، ولی یه سری آدم هم هستن که تو جریان کی‌رول از بچه‌های کوچیک‌تر سوءاستفاده می‌کنن، چون اولش تو رول نمی‌پرسی تو واقعاً چند سالته، اما بعد یهو می‌بینی بعد یه ماه حرفای ناجور زدن، می‌فهمی یکی‌شون ۱۴ سالشه، یکی‌شون ۳۰ سال. واقعاً این چیزا پیش اومده‌هاا.

بعد خب بچه‌های کوچیک‌تر بی‌احتیاطی می‌کنن زود اعتماد می‌کنن. از رول و نقش آیدول شروع می‌شه، ولی کم‌کم شروع می‌کنن اطلاعات شخصی خودشون رو بدن. از اسم اصلی گرفته تا حتی کد پستی و آدرس خونه به بهونه‌های مختلف. همچین چیزی خیلییی می‌تونه خطرناک باشه.

این آقای وکیله، اسمش رو یادم نمیداد دقیقاً، ولی یادمه پیگیر این ماجرا شد. آخرش مشخص شد رأس این ماجرا که یه آدم خیلی معروفی بود بین کی‌پاپا در واقع یه آدم ۳۰، ۴۰ ساله بوده که سوءاستفاده می‌کرده از بچه‌ها. سر همین چیزها هست که می‌گم شخصی می‌شه.

- می‌شه بگی یعنی چی که سکس‌چت می‌کنن، یعنی به جای اون ستاره صحبت می‌کنن؟

یه نمونه از سم موجود تو کی‌رول برات می‌فرستم ببینی.



دقیقاً یعنی همین. به قول خودشون با یکی کاپل می‌شن، حالا گی یا استریت. هر چند خیلی کم‌تر پیش میاد که استریت باشن. خب آره تصور کن یه بچه ۱۳ ساله نقش جونگ‌کوک رو برمی‌داره، با یکی که نقشش تهیونگه، کاپل می‌شه، بعد اینا شروع می‌کنن حرفای ناجور بزنی و سکس‌چت کنن. بعد یه مدت که حرف زدن شروع می‌کنن اطلاعات شخصی بدن و اینا بعد می‌فهمه طرفش مثلاً ۲۰ سال بزرگ‌تره ازش.

یه وقتاییم به بهونه کادو فرستادن و اینا آدرس می‌گیرن از بچه‌ها. دیگه خودت تصور کن چه داستانیه.

– گفتمی یه نفر پیگیری کرد. به کجا رسید کارش؟

دقیق یادم نمیداد ماجرا واسه حدود یک‌سال پیشه، ولی تا یه مدت بساطش جمع شد، از اون یارو هم شکایت کردن، ولی فک کنم الان بازم گروه‌هاش پیدا بشه، ولی جمع و جورتر از اون موقع.

– به نظرت این که بچه‌ها جمع می‌شن دور همدیگه و تظاهر می‌کنن یه نفر دیگه ان و به جاش روابط هم‌جنس‌گرایانه دارن، باعث ترویج هم‌جنس‌گرایی نیست؟

نمی‌دونم چه طوری بگم، ولی هم‌جنس‌گرایی چیزی نیست که تو بتونی این طوری تو وجود کسی ایجادش کنی. اکثر کسانی که واقعاً کوییر نیستن و تو این محیط‌ها قرار می‌گیرن، یه ذره که سن‌شون می‌ره بالاتر خودشونم خارج می‌شن ازش. پس نه فکر نمی‌کنم باعث ترویجش بشه.

– به طور کلی کی‌پاپ چه طور؟ همین که گفتمی نخ می‌دن به مخاطب ممکنه باعث ترویج بشه؟

در مورد کی‌پاپ هم همینه. نمی‌شه تغییر بلندمدتی تو ذهن یه نفر ایجاد کرد به نظرم. هر کس از یه جایی به بعد راه خودش رو پیدا می‌کنه دیگه.

اگر کمپانیای کی‌پاپ می‌خواستن، می‌تونست خیلی مفید باشه تو این زمینه که درست و حسابی حمایت کنه و خشونت علیه افراد کوییر رو کم کنه، ولی نخواستنند. منافع مالی‌شون رو ترجیح دادن به خاطر همین دافعه ایجاد شد حتی.

– یه مسأله دیگه‌ای که هست کلیشه‌های جنسیتی در زمینه پوششه، تا چند وقت پیش تو ایران اگر پسری موهاشو رنگ می‌کرد یا رنگ روشن می‌پوشید و پیرسینگ و گوشواره داشت خیلی تو جامعه بد به نظر می‌اومد. اما الان کم‌رنگ شده این مسأله، به نظرت کی‌پاپ مؤثر بوده؟ قطعاً آره. هنوز بعضی جاها آدم می‌شنوه که وا اینا مگه پسر نیستن، چرا آرایش دارن، چرا لباس زنونه پوشیدن و اینا، ولی بین نوجوونا و جوونا خیلی از این ذهنیت‌های اشتباه رو کم‌رنگ کردن.

– نظر خودت در این مورد چیه؟

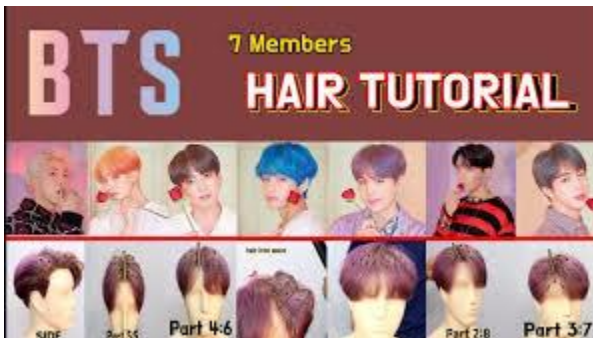
به نظر من پوشش جنسیت نداره. چیزی هم نیست که در نتیجه آرمی بودن بهش رسیده باشم، از وقتی یادمه همین بوده تو ذهنم. چون من کی باشم که تعیین کنم بقیه چی باید بپوشن؟ پسری می‌خواد آرایش بکنه، خب بکنه، اگر این طوری حس بهتری نسبت به خودش داره و

خوشحال تره، هیچ کس نباید جلوش رو بگیره یا برعکس اگر دختری دلش نمی‌خواد موی بلند داشته باشه و دامن پپوشه و آرایش کنه، انتخاب خودش هیچ کس نمی‌تونه به خاطرش قضاوتش کنه. اصلاً نمی‌فهمم پوشش بقیه چه تأثیری تو زندگی من می‌ذاره که بخوام دخالت کنم.



– کی پاپ روی استایل خودت تأثیر گذاشته؟

شاید یه کم. من خب همیشه اون طوری که دخترونه شناخته می‌شه، لباس پوشیدم. موهام بلنده، آرایش می‌کنم، از فممن بودن خوشم میاد و باهاش راحت‌م. حالا گاهی هم اسپورت و یونیسکس می‌پوشم، خیلی فرق نداره واسم، ولی خب مثلاً سبک آرایش آیدول رو خیلی دوست دارم. این که نسبتاً طبیعی آرایشاشون و خیلی سافته اکثراً.



استایلاشونم دوست دارم. استریت استایلاهی بلک‌پینک، مثلاً خیلی از سبکی که خودم می‌پوشم دور نیست، به خاطر همین اگر بخوام بگم استایلم شبیه کدوم آیدوله، می‌گم به استریت استایلاهی بلک‌پینک نزدیکه. بیش‌تر از همه هم رزی.

– قبل از بی‌تی‌اس تجربه فن آرتیست خاصی بودن رو داشتی؟ نه صرف دنبال کردن کاراش، این که تو فندومش و درگیر کاراش باشی. تو فندومای مختلف بودم ولی یه خواننده یا گروه خاص نه. بیش‌تر از موزیک اهل فیلمم من.

– کی دراما هم می‌بینی؟

کم‌تر ولی آره. سریالای هالیوودی رو ترجیح می‌دم، چون خب قطعاً بودجه بیش‌تری دارن کارشونم با کیفیت‌تره. کی دراماها بعضیاشون خوب ان، ولی خیلی تنوع ندارن. من بیش‌تر فانتزی و ساینس فیکشن می‌بینم که تو کره خیلی خوب نمی‌سازنشون. بیش‌تر کی دراماهای معروف عاشقانه و اینان که من خیلی سبک‌شون رو نمی‌پسندم، کلیشه‌ای ان.

– آلبوم یا مرچ‌های اورجینال رو می‌خری؟

یه آلبوم هدیه گرفتم فقط. خودم پوینت (امتیاز) خریدن چیزای اورجینال اونم با این وضعیت دلار رو درک نمی‌کنم خیلی.



پیش اومده تو استایلاشون از یه تیکه لباس خوشم بیاد و دنبالش بگردم، شبیهش رو بخرم ولی چیز اورجینال نه.

- شناختن بی‌تی‌اس باعث شد به زبان کره‌ای علاقه‌مند بشی و سراغ یادگیری‌اش بری؟

من ژاپنی رو به خاطر انیمه و اینا تا یه حد نسبتاً خوبی بلدم، مکالمه‌هاشون رو می‌فهمم، می‌تونم یه کم صحبت کنم، لهجه‌ام هم بد نیست. هیراگانا و کاتاکانا رو هم کامل بلدم ولی کره‌ای رو خیلی کم‌تر. با دولینگو یه کم تلاش کردم یاد بگیرم، ولی الآن در حد همون مکالمات ساده روزمره متوجه می‌شم. ولی خوندن و نوشتن رو اصلاً بلد نیستم.

- پس اخبار رو به فارسی دنبال می‌کنی؟

بیش‌تر انگلیسی.

- سراغ یاد گرفتن رقص رفتی؟

یه کم. خیلی اندک اونم نه آکادمیک. خودم ویدیوهاشون رو تو یوتوب دیدم یه سری چیزاش رو تونستم یاد بگیرم، ولی خیلی استایلم تو رقص خوب نیست.

- به نظرت آیدول‌ها آدم‌های خوشبختی هستن؟

خیلی کلیه سوالت. به نظرم خوشبختی از نظر هر کس چیز متفاوتیه، شاید اون چیزی که من خوشبختی رو توش می‌بینم با فلان آیدول یکی نباشه، ولی با معیارای من نه خوشبخت نیستن.

- چرا؟

چون واسه خودشون زندگی نمی‌کنن. حالا هر چقدر هم پول و شهرت داشته باشن. دایم باید تلاش کنن دیگران رو راضی کنن. همیشه مردم چهارچشمی مراقبشون هستن، هر کاری می‌کنن مردم متوجه می‌شن. دیگه آزادی ندارن به نظرم.

بعد این که این قدر تو چشم باشی باعث می‌شه دیگران خیلی نظر بدن درباره‌ت. من نمی‌تونم همچین چیزی رو تحمل کنم.

- مردم چه چیزهایی رو تو زندگی آیدول‌ها زیر نظر دارن؟

همه چی. چی می‌پوشن، چی می‌خورن، کجا می‌رن، با کی می‌رن، با کی تو رابطه ان. خب آخه به شما چه.

- اگر شرایطش رو داشتی، دوست داشتی کارآموز یه کمپانی بشی؟

اصلاً. جدا از این که استعدادش رو تو خودم نمی‌بینم، به نظرم ارزشش رو هم نداره. حالا تو با یه گروهی دیو کن که از بی‌تی‌اس هم بزنه بالاتر. وقتی خوشحال و سالم نیستی، فایده‌اش چیه.

- تاحالا فکر مهاجرت به کره رو داشتی؟

بازم نه. قطعاً دوست دارم سفر برم اونجا، ولی این که بمونم واسم قابل تحمل نیست. چون اولاً خود کره‌ایا هم اگر بتونن واسه تحصیل و اینا مهاجرت کنن، نمی‌مونن اونجا. بعدشم کره‌ایا خیلی نسبت به مهاجر پذیرنده نیستن. نژادپرستی توشون خیلی زیاده.

- یه کم بیش‌تر درباره نژادپرستی شون صحبت کنیم؟

الآن مثلاً بین آیدول‌ها هم نگاه کنی، اگر تو یه گروه کسی کره‌ای نباشه یا دورگه باشه، خیلی بیش‌تر اذیتش می‌کنن. اینا که دیگه آیدول و معروف هستن، واسه مردم عادی بدترم هست و فکر نمی‌کنم خیلی دید خوبی به مردم خاورمیانه داشته باشن.

- بعضی از افراد می‌گن اگر آیدول وارد رابطه بشن مخاطباشون ریزش می‌کنن. چه قدر به نظرت درسته؟



درسته به نظرم. حالا نمی‌گم صددرصد، مخاطباشون ول‌شون می‌کنن اگر وارد رابطه بشن، ولی یه سری آدم متوهم دیوانه هستن که تو فنای اینترنت‌نشال کم‌ترن، بیش‌تر تو همون کره ان اینا، بعد توقع دارن آیدول‌ها کامل خودشون رو وقف کارشون کنن. کمپانیا هم بر همین اساس مخالفت می‌کنن با این که آیدول وارد رابطه بشن. نمی‌ذارن این چیزا رو اعلام کنن چون ترجیح می‌دن اون تصور بی‌نقص از آیدول‌شون خراب نشه تو ذهن مخاطب.

چون یه سریا می‌گن فالانی باید با من باشه، یه سریا می‌گن فالانی باید با بهمانی باشه. هر کی یه چیزی می‌خواد بهتره هیچی نباشه تا این که یه سری ناراضی باشن. نمی‌دونم حرفم واضحه یا نه؟  
- آره متوجه شدم چی می‌گی. الان وضعیت بی‌تی‌اس از نظر سولو کار کردن اعضاء یه کم تغییر کرده درسته؟  
بله.

- چرا همچین تصمیمی رو گرفتن؟

بیش‌تر از هر چیزی به خاطر سربازیه. چون تو زمانای مختلفی اعزام می‌شن و این حرفا. فکر می‌کنم فرصت خوبی باشه براشون که خودشون رو با سبک خودشون نشون بدن و خودشون رو پیدا کنن خارج از گروه. این اتفاق باعث کم شدن طرفداراشون نمی‌شه؟

قراره برگردن البته. ولی این طوری بگم، نمی‌دونم چه قدر وان‌دایرکشن رو می‌شناسی، ولی سر اونا هم یه همچین چیزی اومد. مکتب گشتالت یه چیزی می‌گفت که کل بیش‌تر از مجموع اجزا هست؟ اینم همونه.

تک تک اعضای وان‌دی شاید اون قدر خفن و عالی نبودن، هر کدوم‌شون بعداً هم تو کار سولوشون مشخص شد، چون از کل پنج نفرشون فقط هری معروف موند، بعد دیس‌بند شدن. چون به هر حال گروهی کار کردن یه سری چیزا داره که سولو کار کردن نداره. الان بی‌طرفانه بشینی کارای قدیمی وان‌دی رو ببینی متوجه می‌شی که واقعاً اون قدر آش دهن‌سوزی نبوده، ولی به خاطر اون روحیه گروهی و حس خانواده‌ای که داشتن طرفدار پیدا کردن.

نمی‌گم بی‌تی‌اس دقیقاً همین‌ها. ولی نمی‌شه انکار کرد که وقتی سولو کار می‌کنن، اون حس رو نمی‌دن به طرفدارا. بعد خب دنبال کردن کار ۷ تا آرتیست خیلی سخت‌تره. همه وقت نمی‌کنن دیگه مجبور می‌شن اولویت‌بندی کنن. پس آره به نظرم یه کم ریزش مخاطب میاره، ولی بی‌تی‌اس قراره برگرده بعد دو سال.

- کلاً فکر می‌کنی این روحیه جمعی آرمی‌ها باعث جذب افراد می‌شه؟

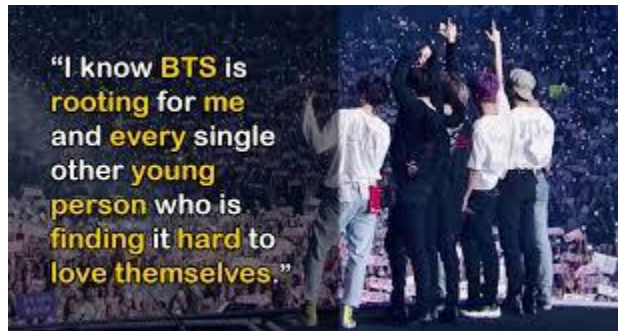
قطعاً عضوی از یه چیزی بودن خیلی لذت‌بخشه، اونم واسه نوجوانایی که خیلیاشون تو دنیای واقعی دوست خوب زیادی ندارن. واسه من که این طوری بود یه زمانی.

وقتی تو دوران قرنطینه کرونا از همه دور افتاده بودم با بی‌تی‌اس و فندومش احساس نزدیکی خیلی زیادی می‌کردم. مجموعه یه سری آدم که یه علاقه مشترک دارن و این حرفا، به نظرم جاذبه زیادی داره. البته که همیشه هم سالم نیست این جمعیت. نمونه‌هاش رو قبلاً گفتم.

- خوب سوال آخر این که به نظرت بی‌تی‌اس و آرمی بودن چه طوری تغییرت داده و چه تأثیری روت داشته؟

یه زمانی واقعاً کم‌کم کرد خودم رو جمع و جور کنم. وقتی هیج انگیزه‌ای واسه ادامه دادن نداشتم، یه جورایی با آهنگاشون بهم حس حمایت شدن دادن. حس کردم تنها نیستم. حس کردم باید ادامه بدم هرطور شده.

من شاید تو مصاحبه بیش‌تر به جنبه‌های منفیش اشاره کردم، ولی تو دوران اوج آرمی بودنم، واقعاً باهاشون بزرگ شدم. با وجود این که همه‌اش هم چیزای مثبت نبود، ولی می‌شه گفت بی‌تی‌اس تنها چیز مثبت یه دوران خیلی بد از زندگی بود و بابت این قضیه ممنونم ازشون.



## تأملی دوباره

فرشته ۱۹ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مباحثی حول محورهای کمپانی هایب (مؤسس گروه بی‌تی‌اس)، گروه پسران بی‌تی‌اس و هواداران گروه بی‌تی‌اس اشاره داشته است.

فرشته در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد کمپانی هایب، به مورد: سوءاستفاده از مفهوم هم‌جنس‌گرایی توسط کمپانی‌ها به طور غیرمستقیم، اشاره داشته است.

فرشته ۱۹ ساله، در مصاحبه خود در توصیف فراز و فرودهای گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: تفاوت بین محتوای آرایه شده و استانداردهای رواج یافته در کی‌پاپ و هالیوود، ارضای نیاز به حواس‌پرستی و سرگرمی و تناقض بین گفته‌ها و اعمال هنرمندان، اشاره داشته است.

فرشته در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد هواداران گروه بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: تنوع هواداران بی‌تی‌اس از لحاظ ملیت، دوست‌یابی، پیدا کردن دوست توسط هواداران در بستر فندوم، جذب افراد بی‌هویت به گروه‌های هواداری، بروز رفتارهای متعصبانه، سوءاستفاده از هواداران، سوءاستفاده از هواداران کم سن و سال توسط افراد سودجو در قالب فعالیت‌های هوادارانه، رواج تصویر فانتزی و نادرست از روابط هم‌جنس‌گرایانه، سوءاستفاده جنسی از هواداران کم سن در برنامه‌های رول‌پلی، رواج توهین به سایرین در گروه‌های هواداری، یادگیری زبان کره‌ای، یادگیری رقص، افت تحصیلی، افزایش خودانگاره منفی و آسیب جسمانی هواداران ناشی از تبعیت از رژیم‌های غیراستاندارد، اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه فرشته ۱۹ ساله، با ارجاع محورهای اقدام‌های کمپانی و اثرات کاربری از گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران، توجه خویش را به مباحث وی در زمینه اثرگذاری گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران آن متمرکز سازیم، می‌توان بیان داشت، فرشته در مصاحبه خودش از اثرهای روانی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، اخلاقی - عقیدتی، زیباشناختی و خانوادگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس یاد کرده است.

فرشته در توصیف «اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: ارضای نیاز به حواس‌پرستی، جذب افراد بی‌هویت به گروه‌های هواداری، بروز رفتارهای متعصبانه، سوءاستفاده از هواداران، یاد کرده است.

فرشته در توصیف «اثرهای اجتماعی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: دوست‌یابی، پیدا کردن دوست توسط هواداران در بستر فندوم، یاد کرده است.

مصاحبه شونده در توصیف «اثرهای فرهنگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: جذب هواداران از ملیت‌های مختلف و سوءاستفاده جنسی از هواداران کم سن در برنامه‌های رول‌پلی، سخن گفته است.

فرشته در توصیف «اثرهای آموزشی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: یادگیری زبان کره‌ای، یادگیری رقص، افت تحصیلی، سخن گفته است.

فرشته در توصیف «اثرهای اخلاقی - عقیدتی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: رواج توهین به سایرین در گروه‌های هواداری و سوءاستفاده از هواداران کم سن و سال توسط افراد منحرف، یاد کرده است.

مصاحبه شونده در توصیف «اثرهای زیباشناختی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: افزایش خودانگاره منفی و آسیب جسمانی هواداران ناشی از تبعیت از رژیم‌های غیراستاندارد، سخن گفته است. از بیانات اخیر فرشته ۱۹ ساله، در جمع‌بندی کلی کتاب، در موارد مورد اشاره، بهره جسته خواهد شد.

## مصاحبه با نگین، ۱۳ ساله

بیشتر دوست‌هایم که آر می هستن یا کلاً جزو فن‌ها هستن، کلاً این جور می‌کنن که نمی‌تونن زجر کشیدن آیدول‌شون را تحمل بکنن و براشون به شدت گریه می‌کنن، به قول مامانم یک حالت دیوانگی این شکلی هست.

- به چه گروه‌هایی علاقه داری؟

می‌دونید الان محبوب‌ترین گروه‌ها دیگه امریکایی‌ها نیستند، الان گروه‌های کره‌ای خیلی محبوب شدن. همه دوست‌هایم هم همین طوری هستند. الان ۴ تا از محبوب‌ترین گروه‌ها این‌ها هستند: بی تی اس، بلک‌پینک، اکسو، توایس.





من خودم اول طرفدار بلک‌پینک بودم و الان طرفدار بی‌تی‌اس هستم.

- چه مواردی را در مورد گروه بی‌تی‌اس دوست داشتی؟

خوب طرز لباس پوشیدن، طرز آرایش، سبک خواندن شون.

- چه چیزی باعث شد جذب گروه بی‌تی‌اس بشوی؟

این استایلی که اصلاً این‌ها دارن، خیلی پیش نمی‌باد آدم‌ها به خصوص در ایران این جور استایل‌ها اصلاً دیده نمی‌شه، وقتی یک چیز متفاوت و یک جور متنوعی ان، آدم می‌بینه خوب جذابش می‌شه، این برای من یک چیز جدید بود، هر وقت نگاه می‌کنم به جوری جدید ان، کیف می‌کنم.

- در مورد سبک خواندن شون چه مواردی برای شما جالب هست؟

من خودم آدمی نیستم که رپ گوش کنم، ولی این رپ‌هایی که می‌خوانن واسه من جذاب هستش.

- به چه آلبومی علاقه‌مند هستی؟

من بلک‌پینک را اون موقعی که پینک بودم، فرصتی پیش نیومد که آلبومشون رو داشته باشم، ولی خوب الان دوتا از آلبوم‌های بی‌تی‌اس را دارم.

- از چه زمانی با گروه‌های کی‌پاپ آشنا شدی؟

بلک‌پینک را من ۱۰ سالم بود که لینک شدم تا ۱۲ سالگی هم لینک موندم، ولی بعد یکی از دوست‌هام بحث را در مورد بی‌تی‌اس باز کرد و بهم معرفی کرد، من هم اولش نمی‌دونستم بی‌تی‌اس چیه و فکر نمی‌کردم مثل همون بلک‌پینک باشه، فقط فکر می‌کردم تعداد اعضای اون بیش‌تره و پسر هستند، دختر نیستند و خوب بعد من دوست‌هام معمولاً یک کاری می‌کنن آدم مجبور بشه بره سمت یک چیزی.

- به چه صورت مجبور می‌کنند؟

مثلاً این قدر تعریف می‌کنن بدی‌هاش را اصلاً نمی‌گن، فقط چیزهای خوب می‌گن و آدم خوب هر چیزی را فکر کنه بی‌نقص می‌ره سمت اون.

- چه مواردی را بی‌نقص نشان دادند که طرفدار گروه شدید؟

مثلاً راجع به پیام‌هایی که توی آهنگ‌هاشون هست، این که خودت را دوست داشته باش، همه آدم‌ها ارزشمند هستن، سختیا را پشت سر می‌ذاریم، این که چه قدر تلاش کردن، از کجا به کجا رسیدن این جور چیزها و خوب آدم وقتی می‌بینه یک آدم‌هایی موفق هستند تلاش می‌کنه تا از اون‌ها تقلید کنه و خوب من هم اون تایم نیاز داشتم از روی یکی تقلید کنم و برام یک جورایی یک هدف بشه که مثل اون آدم بشم.

- از چه نظر نیازمند به تقلید از کسی بودی؟

یکی مثلاً کرونا که اومد خیلی از ارتباط‌هام کم شد، کاملاً احساس تنهایی داشتم و خوب این‌ها چیزی بود که اون قسمت تنهایی من را کاملاً پر می‌کرد.

- به چه صورت تنهایی شما را پر می‌کرده است؟

خوب من کاملاً باهاشون احساس آرامش می‌کردم مثلاً مخصوصاً وقتی معنی آهنگ‌هاشون را می‌خواندم کاملاً احساس می‌کردم یک نفر داره من رو درک می‌کنه، انگار دارم با یکی صحبت می‌کنم، حس آرامش بهم می‌داد. خیلی آدم‌های قوی‌ای هستند.

- از چه نظرهایی قوی هستند؟

از نظر این که می‌تونن از یک انسان خیلی فقیر به یک جایی برسن که میلیارد بشن، به نظر من این یک قدرت خیلی زیادی می‌خواهد و این‌ها کلی عذاب کشیدن تا به این جا برسن و هنوز هم دارن کلی عذاب می‌کشن و اگر یک انسان قوی نباشه، قطعاً نمی‌تونه.

- منظورتون را از عذاب توضیح بدین لطفاً؟

شما ببینید اگر یک نفر ۲۴ ساعته به شما کامنت‌های هیت بده، خوب آدم کاملاً حالش گرفته است مثلاً بگه چه قدر تو زشتی، چه قدر صدالت بده، چه قدر این، چه قدر اون، خیلی‌ها قدرت ندارن این هیت‌ها را تحمل بکنند، ولی وقتی می‌بینم که اون‌ها می‌تونن چرا من نتونم؟ هم هیت‌ها باهاشون بدن، هم کمپانی فقط تحت فشار قرار می‌ده.

- به چه دلیلی افراد نفرت‌پراکنی کرده و هیت می‌دهند؟

خیلی‌هاشون عمداً مثلاً یکی از اعضاء دوستاش قرار بود بره آودیشن بده، ولی خوب کسانی که تو کمپانی کار می‌کنن از اون خوششون اومده و خوب این هم آودیشن داده، حالا دوستش شده هیت‌ر بی‌تی‌اس و می‌گه این‌ها همه چیزشون را شانسی برنده می‌شن، ارزشش را ندارن، لیاقتش را ندارن.

- آودیشن بین چه کسانی برگزار می‌شود؟

کمپانی‌ها میان تو اخبار اطلاعیه می‌دن که می‌خوان یک گروه دخترانه یا پسرانه تشکیل بدن، حالا یک‌سری قوانین هم دارد که بماند که وقتی در آودیشن قبول شدن باید اون قوانین را امضاء کنن که قوانین را زیر پا نگذارند، ولی کلاً آودیشن این طوره که از سن‌های پایین کسانی که می‌خوان برن آیدول بشن، می‌رن واسه کمپانی آزمون می‌دن، اگر کمپانی بپذیردشون اون موقع یک‌سری قوانین را بهشون می‌گن، که اگر قوانین را قبول بکنند باید امضاء بکنند.



بچه‌ها و نوجوونا از جاهای مختلف آودیشن می‌دن، همه امید دارن که آیدول بشن، فکر می‌کنن آیدول می‌شن و پول دار، بعد همه سختیاشون تمام می‌شه.

- واقعاً همین طوره؟

آیدول می‌شن ولی مثلاً من میام یک قوی می‌دم و امضاء می‌دم ولی یک تایمی می‌زنم زیر قولم و این باعث آسیب رساندن به خودم و اگر گروه دارم به گروهم و کمپانی می‌شه.

- یعنی ممکن یک قول‌هایی باشد که با گذشت زمان آیدول‌ها مخالفت کنند؟

بله خوب، خیلی از آیدول‌ها به خاطر همین قوانین گفتن دیگه نمی‌خوان ادامه بدن و دیگه آیدول نیستن.  
- چه قوانینی هست؟

یکی از قوانین که در همه کمپانی‌ها هست اینه که شما حق قرار گذاشتن و دیت کردن ندارین و یک‌سری رژیم‌های غذایی کمپانی به شما می‌ده که اگر این‌ها را رعایت نکنید، کمپانی شما را خود به خود بیرون می‌کند و مثلاً برنامه‌های ورزشی خیلی سنگین و خیلی از آیدول‌ها از سن من و کم‌تر شروع کردن، سنی که میان تحت آموزش قرار بگیرن خیلی کمه.



- شرط لازم برای آیدول شدن چیست؟

باید زبان کره‌ای را بلد باشن ولی لزوماً نباید کره‌ای باشن.

- چند وقت یک‌بار برای آیدول فراخوان می‌زنند؟

بستگی داره مثلاً بی‌تی‌اس تا ۶ سال دیگه هست، یعنی دیس‌بند نمی‌شه. حالا دیس‌بند چیه؟ قرار داد تمام می‌شه اگر خود اعضاء بخوان تمدید می‌کنن، اگر نه کلاً گروه دیس‌بند می‌شه. ولی الان مثلاً گروه بی‌تی‌اس داره آودیشن می‌گیره برای این که یک گروه دخترانه درست کنه.



- تشکیل دادن گروه دخترانه چه احساساتی در مخاطب‌ها ایجاد کرده است؟

نمی‌دونم راستش، ولی چیزی که من می‌دونم اینه که وقتی بی‌تی‌اس دیس‌بند بشه، قطعاً خیلی از آرمی‌ها افسرده می‌شن، مثلاً خود دوست‌های من این قدر وابسته گروه بی‌تی‌اس هستن خود من همین طور که اگر یک روزی به ما بگن که دیگه قرار نیست چیزی باشه، ما دیگه کلاً انگار زندگی برامون معنا نداره (هنگامی که راجع به این مسایل صحبت می‌کرد، به وضوح اضطراب و تشویش در کلامش مشهود بود).

- گروه پسران چه نقش‌هایی در زندگی شما و در چه ابعادی ایفا می‌کنند؟

خوب بستگی به این داره که هر کسی چه چیزی از شون یاد بگیره، مثلاً خود من آدمی هستم که حتماً باید بهم بگن که خوشگلی یا یک تعریفی باید از من بشه تا باور کنم، چون خیلی این طوری نیستم که مثل بعضی‌ها خودم را دوست داشته باشم، ولی خوب بی‌تی‌اس با یک چیزی مثل هشتک لائو یورسلف معروف شد و بعد از اون فن‌هاشون هر روز زیاد شد.

- متن شعرها انگیزه و نیرو به شما می‌دهد؟

بله.

- چیزی که بیش‌تر برای شما جذاب هست، متن شعرها است؟

آره برای من متن شعرهاشون جذابه، ولی برای خیلی‌ها قیافه و صدا جذابه، من اول آهنگشون را شنیدم بعد تازه خودشون رو دیدم. برای من متن جذب کننده است تا خود خواننده.

- شما به عنوان طرفدار، چه فعالیت‌هایی انجام می‌دی؟

من به خاطر مدرسه نه توییت دارم نه اینستاگرام نه چیزی، برای همین خیلی کاری نمی‌کنم (در لحن وی حالتی از تأسف وجود دارد). ما کلاً داخل خانواده مون تا ۱۶، ۱۷ سالگی اجازه اینستاگرام این‌ها نداریم.

- اگر محدودیت مدرسه و خانواده نبود، دوست داشتی چه کارهایی بکنی؟

می‌دونید این توییت‌هایی که تو توییت فن‌هاشون می‌زنن نه هیترهاشون، خیلی بهشون کمک می‌کنه و یک جور درآمد براشون تولید می‌کنه. ولی خانواده‌ام می‌گن این‌ها دارن ازتون سوءاستفاده می‌کنن و پولش را دارن می‌گیرن. ولی من می‌گم جدای از این که دارن پولش را می‌گیرن، ولی پول حقی دارن می‌گیرن، چون می‌دونید، وقتی که بی‌تی‌اس اومد که همه می‌شناختن‌شون طبق تحقیقاتی که شد میزان خودکشی کم‌تر شد.



- از کجا این مسأله را فهمیدی؟

من معمولاً همه دوست‌هام زودتر از من آرمی شدن و مثل این که اون‌ها از توی اینستاگرام و اخبار و این‌ها فهمیده بودن.

- چه خبری؟

تو اخبار کره اعلام می‌شه چند وقت یک‌بار. امار خودکشی ۵، ۶ سال بعد از این که گروه درست شده، کره جدولی ارایه داده توی تلویزیون که امار خودکشی رو نشون داده تو اخبار و خوب مشخصه از نمودار که آمارش کم شده.

- یعنی تو اخبار اعلام کردند که تعداد خودکشی کم شده مربوط به گروه بی‌تی‌اس هست؟

لزوماً همه به خاطر این گروه نیست و کلی گروه کی‌پاپ درست شده و از آن جایی که کل دنیا بیش‌تر از ۴ میلیون آرمی (!) داره، احتمال می‌دهند که بیش‌ترش به خاطر گروه بی‌تی‌اس این اتفاق افتاده.

- آمارهای شما بر گرفته از اینستاگرام هست؟

بله.

- با دوست‌هات هم سن و سال هستید؟

نه، چندتا بزرگ‌تر و چندتا کوچیک‌تر هستن.

- مثل این که دوست داری به شکلی به گروه کمک کنی؟

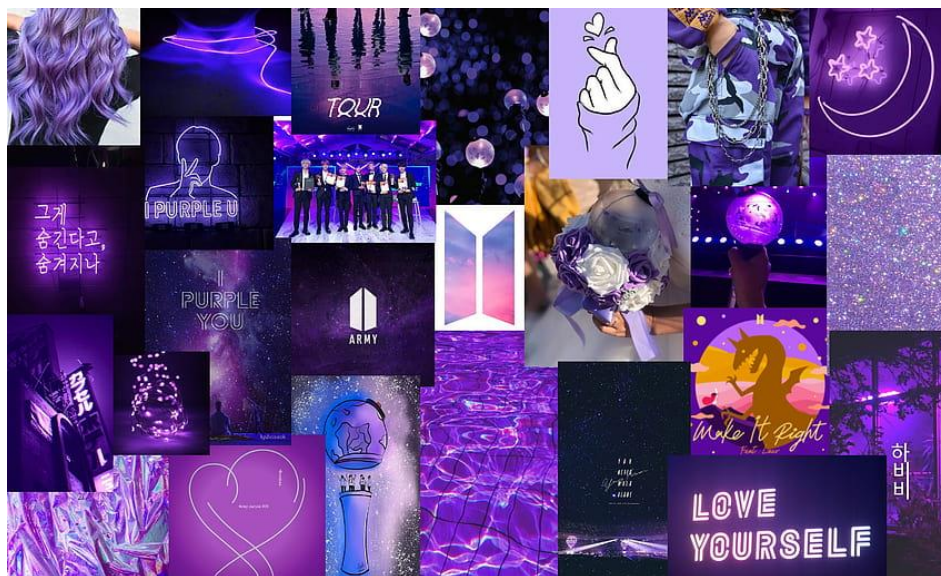
بله.

- فکر می‌کنی چه چیزی باعث می‌شه بخواهی به آن‌ها کمک کنی؟

می‌دونید ما، می‌دونید جمع می‌بندم، چون همه ما آرمی‌ها همین شکلی هستیم، یک‌سری چیزهای خیلی خاصشون ما را جذب می‌کنه، وقتی ما دیدیم یک نفر داره همه تلاشش را می‌کنه و باعث خنده چند میلیون آدمه، برامون جالبه دیگه خودمون دوست داریم باعث خوشحالی چند



نفر بشیم. این که مثلاً همه‌مون این طوری هستیم دیگه هر کسی توی جمع می‌بینه اون یک نفر داره می‌خنده شروع می‌کنه به خندیدن بی‌دلیل، حتی اگر که ندونه که چیه، این چیزی که بی‌تی‌اس یا کلاً گروه‌های کی‌پاپ داره به من یاد می‌ده که تو هر شرایطی هم باید تلاش کرد که به یک جایی رسید، بالاخره هر چیزی یک تایمی داره که تمام بشه، همیشه که قرار نیست دنیا همین طور بمونه.



- شما از چه چیزی الهام می‌گیری و به چه صورت در زندگی خودت به کار می‌بری؟  
راستش را بگم من واقعاً نمی‌تونم به همچین چیزی فکر کنم، ناخودآگاه یک‌دفعه گریه‌ام می‌گیره.

- چی می‌شه یعنی؟

این که بالاخره یک روزی این‌ها نیستن، یک روزی که الان تو کره قانون اینه که تا ۳۰ سالگی باید دیگه سربازی را رفته باشین و الان یکی از اعضاء ۳۰ سالشه و تایم اینه که بره سربازی و بعد ازدواجش را بکنه. ما مشکل‌مون این نیست که می‌خوان برن ازدواج کنن یا می‌خوان برن هر کاری بکنن. زندگی‌شون دست خودشونه، ولی این که یک روزی دیگه این گروه وجود نداره خیلی غمگینه و من هم‌اش وحشت دارم از اون روز (با لحن غمگین و مضطرب در این مورد صحبت می‌کند).

- از یک طرف مطرح می‌کنید که آیدول‌ها هر کاری بکنند مهم نیست، ولی در عین حال رفتن آن‌ها باعث اضمحلال گروه می‌شود، به این پیامدها چگونه واکنش نشان می‌دهید؟

وقتی معلوم شد که یکی از اعضاء باید بره سربازی یک‌سری فیلم‌ها از دم کمپانی اومد، می‌شه گفت همه آرمی‌ها رفته بودن دم کمپانی و داشتن شعار می‌دادن که نفرستن اعضاء را سربازی و خوب قسمت خنده‌داراش اینه که تو مدرسه ما آرمی خیلی زیادن و مامان من که یک بار اومده بود مدرسه، گفت اومدم دیدیم همه دارن اشک می‌ریزن و با خودش فکر کرده بود که مدیری، کسی فوت کرده و وقتی از یکی از مادرها پرسیده بود که چی شده، اون گفته بود که چون یکی از اعضای بی‌تی‌اس داره می‌ره سربازی، بچه‌ها عزادار شدند.

- وقتی به چه چیزی فکر می‌کنی، گریهات می‌گیری؟

خوب می‌دونید ما یک جورای وابسته‌شون شدیم یعنی من خودم هر موقع دارم درس می‌خونم، بعد می‌بینم دیگه مغزم نمی‌کشه و خیلی خسته‌ام، می‌رم یکی از ویدیوهاشون را می‌بینم یه کمی مغزم باز بشه یه کمی از حالت دپرسی در میام و دوباره شروع می‌کنم به درس خواندن می‌کنم.

- انتخاب این که به چه چیزی گوش بکنی به این که در چه حالی باشی ارتباط دارد؟

بله فرق داره.

- چه موضوع‌هایی را آهنگ‌ها پوشش می‌دهند؟

خوب بیش‌تر آهنگ‌ها، می‌دونید اگر می‌خوانید راجع بهشون تحقیق کنید، یک‌سری آهنگ‌ها هست که خیلی طرفدار دارن، جواب هیترهاشون را توی یک آهنگ دادن و خیلی قشنگ برین با زیر نویس‌شون ببینید تا متوجه شین که دارن چی می‌گن.

- اگر من بخوام برم به اولویت گوش کنم چه چیزهایی را پیشنهاد می‌کنی؟

مثلاً من خودم با آهنگ فیک لاو، آرمی شدم.

- برداشت شما از آهنگ فیک لاو چی هست؟

خوب ببینید ما خودمون تو آهنگ‌های ایرانی داریم هر چه قدر متن غمگین‌تر باشه، حس شادی ازش بیش‌تره، ولی از آهنگ فیک لاو با این که آهنگ دوبرس دوبرس داره، قشنگ می‌شه آدم اون درد و رنج را حس کنه من خودم اون تایمی که فیک لاو را شنیدم، خیلی ناراحت بودم، چون با یک‌سری از دوستانم قطع ارتباط کرده بودم و خوب برای من تایم سختی بود برای همین برای من اون آهنگ قشنگ می‌اومد، جوری که می‌تونست حسم را بیان کنه.



- آیا آرمی‌ها هم یک سری قوانین و اصول خاصی دارند و اصولاً از یک آرمی چه انتظاراتی می‌رود؟

یک سری ویدیوها هست که یکی از اعضا، لیدر خود گروه می‌گه، یوز می‌تو لاو یورسلف و این یک جورایی برای ما آرمی‌ها یک قانونه، یعنی اگر ما می‌تونستیم یک شهر یا یک کشوری را داشته باشیم که مخصوص فقط آرمی‌ها بود (با ذوق) یکی از قوانینش قطعاً این بود که خودتون را دوست داشته باشین.

- در چه موقعیت‌هایی از عبارت «خودت را دوست داشته باش» استفاده می‌کنی؟

من راستش خوب تو مدرسه خیلی حس و حال چیزی ندارم، چون بالاخره تو هر مدرسه یکی هست که باهات مشکل داره و همه مشکلات ظاهری، درسی این‌ها را به رخت می‌کشه. من وقتی می‌بینم که دیگه اعصابم نمی‌کشه، دیگه نمی‌تونم اون وضعیت را تحمل کنم، چون تو مدرسه گوشی هم ندارم و من معمولاً نصف ویدیوها و دیالوگ‌های بی‌تی‌اس را حفظ هستم و تو زنگ‌های تفریح می‌شینم روی نیمکت، چشم‌هام را می‌بندم و فقط به اون‌ها فکر می‌کنم و به همه چیزها که باعث شدن تا حالا به خاطرش خوشحال باشم. و این آرومم می‌کنه.

- به من می‌گی که چه جوری این همه ویدیو رو حفظ کردی؟

خوب من دیالوگ‌هاشون رو حفظ کردم یک عالمه دیالوگ از شون حفظم، یک سری کانال یوتیوب هست، یک سری چنل که به آدم یاد می‌ده، انقدر اینا رو گوش می‌کنم، گوش می‌کنم، گوش می‌کنم تا حفظ بشم، حتی مدل گفتن، نحوه تلفظ جمله رو وقتی که هی تکرار کنی دیگه می‌فهمی، حفظشون می‌شی.

- اگر من را به عنوان هم کلاسی خود که در حال ایراد گرفتن است تصور کنی، در چنین وضعیتی چه چیزهایی به خودت می‌گی؟

من مثلاً یک تایم‌هایی هست که خودم خیلی غرق افکارم شدم و دوستم می‌گه نگین جان اشک‌هات داره میاد پایین، ول کن دیگه و من این جوریم که وا من که دارم به چیز خوب فکر می‌کنم، پس چرا دارم گریه می‌کنم، دقیقاً چی شده، و همه آرمیا، فهمیدم بیش‌تر آرمی‌ها این جوری ان چون آدما وقتی احساس شادی هم می‌کنن، باز گریه می‌کنن و یه وقت‌هایی به این فکر کنی که یک نفر، با این که ما آرمی‌ها را اعضاء نمی‌شناسن، اصلاً ما تو زندگی اون‌ها هیچ نقشی نداریم. وقتی که توی یک مصاحبه می‌گن که ما آرمی‌ها را مثل جون‌مون دوست داریم، این حس را می‌ده که حتی اگر من حس می‌کنم مامان بابام دوستم ندارن، ولی یک نفر هست که دوستم داره.

- مثل این که احساس تنهایی شما را پر می‌کنند؟

خیلی.

- یعنی اون گریه شاید برای این احساس تنهایی خیلی زیاد هست، ولی بعد حس می‌کنی یک چیزی تأمین‌اش می‌کند؟

بله.

- چیزهای دیگری هست که برای شما جالب باشد؟

معمولاً دو دسته می‌شه، یکی همین جمله‌هی تو ذهنم تکرار می‌شه و یا به ویدیوهای فان و خنده‌دارشون فکر می‌کنم. می‌دونید مثلاً شما امکان نداره برین از یک آرمی پرسین که تو ران بی‌تی‌اس را دیدی یا نه و اون بگه نه. غیرممکنه، همه آرمی‌ها ۱۰ دفعه همه قسمت‌هاش را نگاه کردن، چون خیلی برامون جالب و خنده‌داره.



- منظور شما از ران بی‌تی‌اس چیست؟

ران بی‌تی‌اس یک برنامه تلوزیونی که نماوا هم با زیر نویس‌اش آورده.

- با چه اسمی داخل نماوا آورده؟

همین ران بی‌تی‌اس، بعد ران بی‌تی‌اس توش چیزهای خنده‌داره، مثل یک سریال، هر قسمت که تهش یک ربع باشه، خیلی خنده‌داره و بین ۷ نفر یک مسابقه‌ای داره برگزار می‌شه.

- چه پیامی داخل آن مسابقه است؟

خوب ما از همین ران بی‌تی‌اس فهمیدیم چه قدر اعضاء باهم راحت هستن، چه قدر دوست ان، اوکین، مثل خانواده ان برای همدیگه، رفتارهایی که باهم دارن، از همدیگه مراقبت می‌کنن، به نیازهای هم توجه می‌کنن، از ته دل همدیگه را دوست دارن، حاضر ان از جون خودشون بگذرن.

- چه کارهایی برای یکدیگر انجام می‌دهند؟

کاری برای همدیگه نمی‌کنن، راستش مسابقه هست و نباید به همدیگه کمک کنن، ولی آیدول‌ها همیشه با خوشحالی همدیگه خوشحال می‌شن و با ناراحتی همدیگه ناراحت می‌شن.

- همدیگر را اذیت نمی‌کنند یا تقلب کنند؟

اذیت که تو همه دوستی‌ها هست، اذیتی که آسیب برسانه نه.

- کمپانی به چه چیزهایی از طریق آیدول‌ها و آرمی‌ها دست پیدا می‌کنه؟

کمپانی نصف در آمد را برمی‌داره و نصف دیگه در آمد بین این ۷ نفر به طور مساوی تقسیم می‌شه. ولی خوب اینی که می‌گم به هر کسی مساوی می‌رسه، به جز خود کمپانی، یه درآمد خیلی زیادیه، مثلاً به هر کسی چند میلیارد دلار (!) می‌رسه، درآمد کمی نیست اصلاً.

- نقش کمپانی این وسط چی هست؟

تبلیغات را واسه این‌ها میاره، مثلاً بی‌تی‌اس تبلیغ سامسونگ را کرده و یک تایمی شایعه شد که قرار بی‌تی‌اس دیس‌بند بشه و سامسونگ خیلی افت کرد به ثانیه نکشید (!) که یک ضرر خیلی گنده کرد.

- این اطلاعات را از کجا به دست می‌آورید؟

کنجکاو و گوگل.

- چه چیزی باعث می‌شود به این اخبار علاقه‌مند باشید؟

ما همه آرمی‌ها دوست‌هایی داریم که خیلی از ما کنجکاو تر هستن، کسانی که ۲۴ ساعته دارن این‌ها را دنبال می‌کنن و اخبار جدید را به ما می‌رساند و ما هم اگه کنجکاو باشیم، می‌ریم راجع بهش تحقیق می‌کنیم.

- کسی که کنجکاو تر است چند ساعت در روز وقت می‌گذارد؟

تو تابستان که این‌ها ۲۴ ساعت آنلاین هستن.

- در مورد این مسأله خود آرمی تصمیم می‌گیرد؟

بله خود یک آرمی، من خودم یکی از این آرمی‌های خیلی کنجکاو را دارم. شما برین تو توییتر، اینستاگرام این‌ها یک پیجی دارن، یک اکانتی دارن تو همه اپلیکیشن‌ها، حتی یوتیوب که می‌رن همه جا ۲۴ ساعته هستن اخبارها را در بیارن بذارن، من با دوستانم تو واتساپ گروه داریم خبرا را هر کی زودتر دید می‌فرسته، چون همسن‌های ما هم جزء این‌ها هستن ما می‌گیریم ۸ ساعت مدرسه یک ساعت هم تا خانه در راه، ۱۰ ساعت این جوری، در طول روز شاید فقط ۲، ۳ ساعت درس بخونن، می‌شه ۱۳ به جز خواب که بعضیا مثل دوست من خیلی کم می‌خوابن، می‌چرخیم تو این جور جاها.

- چه کار می‌کنید؟

اطلاع کسب می‌کنیم، تلاش می‌کنیم جمعیت آرمی‌ها را زیاد کنیم.



- چه پیغامی در زیاد شدن جمعیت آرمی‌ها وجود دارد؟
- احتمال دیس‌بند شدن شون کم‌تر می‌شه.
- مشغله ذهنی زیادی با دیس‌بند شدن گروه داری؟
- هممون همین طوری شدیم.
- مضطرب شدید؟
- بله، مثلاً من می‌گم ۶ سال دیگه شاید به نظر شما خیلی بیاد، ولی ما هر طوری که حساب می‌کنیم می‌بینیم انگار ما همین دو روز پیش ۱۰، ۱۱ سالمون بود و الان ۱۳، ۱۴، ۱۵ سالمونه و می‌گیم این ۶ سال هم همین طوری سریع می‌گذره و دیگه دیر می‌شه.
- دیر می‌شه یعنی چی؟
- دیر می‌شه برای تلاش کردن این برای ما انگار وظیفه‌مون که تعداد آرمی‌ها را زیاد کنیم که دیس‌بند نشه، وظیفه خودمون می‌دونیم این را.
- یک چیزی مثل مرگ و زندگی (لحن و حالت کلام نگین کاملاً این حس را به من منتقل می‌کرد).
- دقیقاً.
- شما اگر فرصت داشته باشید برای این گروه چه کارهایی انجام می‌دین؟
- اگر فرصت باشه و تا وقتی این قضیه طول بکشه که من بتونم به یک جای خوبی تو زندگیم برسم، قطعاً از همه لحاظ حمایت می‌کنم، من قبل از این که آرمی بشم، اصلاً هدفم این بود که بینم مامان و بابام هدفشون چیه، می‌خوان من چی کار کنم، ولی وقتی که می‌بینم خود اعضا تو بعضی از مصاحبه‌هاشون می‌گن که هر کاری دوست دارین بکنین، خودتون برای آینده خودتون تصمیم بگیرین، من به بابام گفتم من می‌خوام مهاجرت کنم، بابام گفت کجا؟ گفتم می‌خوام برم کره، کره‌ای یاد بگیرم، می‌خوام برم کره زندگی کنم و بابای من کاملاً مخالف این قضیه هست، ولی خوب من دارم کره‌ای را هم می‌خونم، درس هم می‌خونم، کنارش دارم همه تلاشم را می‌کنم که به هدفی که می‌خوام برسم، من باید به فکر خودم و خواسته‌های خودم باشم.
- با چه هدفی می‌خواهی مهاجرت کنی به کره؟
- در راستای این که اگر شانس این را داشته باشم، اگر این افتخار برای من باشه، بینم‌شون (با احساس هیجان و شغف و در عین حال ابهام در این مورد صحبت می‌کند).
- چه کسی را دوست داری ببینی؟

معمولاً آگه از آرمی‌ها بپرسیم، می‌گه من بایس‌ام را می‌خوام ببینم، حالا بایس می‌تونه هر کسی باشه، ببینید چند دسته آرمی هست، یک دسته اوتی سون، مثل من یعنی هر ۷ تاشون را به یک اندازه دوست داشته باشی، از این دسته آدم‌ها نمی‌شه پرسید کدام را بیش‌تر می‌خوایی ببینی، چون من اصلاً نمی‌تونم انتخاب کنم یک دسته دیگه هست که هر کدام بایس یکی هستش و این که بایس می‌تونه دو، سه نفر باشه یعنی فقط با یک نفر خلاصه نمی‌شه، می‌تونن دو نفر بایس داشته باشی.

- گفته بودی که می‌خوای مهاجرت کنی کره درسته؟

آره گفته بودم، ولی راستش این مدت یه سری اطلاعات به دست آوردم یه چیزای فهمیدم که دیگه مجبور نیستم برای این که بخوام اینا رو ببینم فقط برم کشوری که اونجا زندگی می‌کنم، می‌تونم تو هر کشوری که کنسرت اجرا می‌کند، برم ببینمشون، مثلاً فکر کنی تو آمریکا کنسرت می‌زنن، خوب می‌تونم برم اونجا رو ببینم و مهاجرت برای من الآن دیگه این طوره آگه بخوام برم خانواده اجازه می‌دن که برم پیش خاله‌ام و تازه یه چیزایی فهمیدم راجع به کره تحقیقاتی کردم در مورد سنت‌هاشون، در مورد غذاهاشون، مدل لباس پوشیدنشون، آرایششون، می‌دونن یک سری سنت‌های خیلی احمقانه‌ای دارد مثلاً این طوری که بچه بزرگ خانواده با شخصی می‌تونه ازدواج کنه که هم کشور خودش باشه یا این که شخصی که والدینش براش انتخاب می‌کنه، خیلی سنت‌های بدی دارد من دیگه نمی‌خوام برم اونجا زندگی کنم ولی خب هنوز دوست دارم ببینمش اون رو و هر جایی که کنسرت داشته باشم دلم می‌خواد خودم رو برسونم اونجا.

- سوال‌هایی هست که بخوای بپرسی؟

همیشه از همان اوایل که آرمی شدم، می‌خواستم بگم چرا این قدر جلوی دوربین تظاهر می‌کنین که خوشحال هستین ولی ما خوب کور که نیستیم و پشت صحنه‌ها را هم می‌بینیم، تو بک پیج می‌تونیم وضعیتشون را ببینیم، یعنی تا حالا شده آیدولی که تا مرز مرگ رفته و برگشته. همیشه دوست داشتم بپرسم چه طوری می‌تونید خودتون را جلوی دوربین همیشه شاد نشان بدید، چون هر کسی این توانمندی را نداره.

- این تفاوتی که در پشت صحنه مشاهده می‌کنید چه افکار و احساساتی برای شما ایجاد می‌کند؟

ببینید می‌تونید بک‌استیج را توی یوتیوب یا پینترست سرچ کنید، کاملاً این طوری که بیش‌تر آیدول‌ها یک سری مریضی دارند که این مریضی‌ها اصلاً براشون خوب نیست، مثلاً یکی از اعضای بی‌تی‌اس دمای بالای بدن براش اصلاً خوب نیست، این طوری که می‌تونه کاملاً بکشدش و علی‌رغم این‌ها، باز هم می‌رقصه، طوری که رقص و ورزش دمای بدن را بالا می‌بره، می‌دونید شما اگر بک‌استیج را ببینید با ماسک اکسیژن دارن بهشون تنفس می‌رسونن و اصلاً حالشون خوب نیست این بیش‌تر قلب ماها را اذیت می‌کنه و فشار میاره بهمون.



- با این اوصاف چه چیزی باعث می‌شود کار را ادامه بدهند؟

به نظر من این نشان می‌ده که چه قدر طرفدارهاشون را دوست دارن که حاضر هستن به خاطرشون این همه سختی بکشن و این همه درد را تحمل بکنن.

- به جز این ۷ آیدول، آیدول‌های دیگری هم هستند؟

بله بالاخره هر گروهی برای خودش آیدول داره یا سولولیبستا جزو آیدول‌ها حساب می‌شن.

بی‌تی‌اس ۷ تا آیدول، بلک‌پینک ۴ تا آیدول داره. البته شما برید کنسرت، بک دنسرها هم هستن، ولی اصلی‌هاشون همین ۷ تا هستن.

- آیدول‌ها چه نقش‌ها و وظایفی دارند؟

هر گروه بالاخره یک رپر داره، یک گروه ۴ نفر ۱۶، ۱۷ کار را انجام می‌دن.

- فعالیت‌های اون‌ها شامل رقصیدن، آواز خواندن و چه موارد دیگری است؟  
همین‌ها و مثلاً یک‌سری از گروه‌ها نویسنده، آهنگ را می‌دن، ولی تو بی‌تی‌اس خود اعضا آهنگ را می‌نویسن.

- شما چه فن پیچ‌هایی را دنبال می‌کنی؟

من تو یوتیوب دنبال‌شون می‌کنم و حالا که ندارم خیلی وقته از اخبار بی‌خبرم، ولی یکی از دوست‌های مدرسه‌ام همه چیز را می‌دونه و بهم می‌گه.

- اون موقع که دنبال فن پیچ بودی اولویتت چه چیزی بود؟

بیش‌تر آرمی‌ها دنبال وان‌شات‌ها<sup>۱</sup> هستن، وان‌شات تصورات تخیلی از اعضا هست. این وان‌شات جنبه‌های مختلف داره. شما سرچ کنید وان‌شات‌های بی‌تی‌اس براتون یک چیزی مباره، مثل رمان مثلاً ۳۰ قسمت هستش، ولی مثلاً بخوابین خیلی محدود کنید، می‌زنید وان‌شات تک قسمتی بی‌تی‌اس یا مثلاً شوگا یا یکی از اعضا. این وان‌شات‌ها نمی‌دونم دقیقاً چند دسته هستند، دسته‌هایی که من می‌شناسم، سه‌تا هستن، که یک شخصیت داره که تو همه وان‌شات‌های فارسی هست ما بهش می‌گیم ات. این ات شخصیتیه که توی همه وان‌شات‌ها هست، فرقی نمی‌کنه چه کانالی، چه چیزی، این مثل این می‌مونه که خودت را تصور کن کنار فلانی و خوب مثلاً یکیش وان‌شات که اعضا را مافیا جا می‌زنن و یا شما را به عنوان مافیا جا می‌زنن. تصور کن تو مافیا هستی این طوری و یا تصور کن اون‌ها مافیان این طوری. این می‌شه ورژن مافیا. دومی‌اش به قول یکی از دوست‌هام بهش می‌گن وان‌شات عاشقانه که این شکلی که مثلاً شکست عشقی خورده حالا این‌ها را می‌بینه عاشق این‌ها می‌شه.



- در چه فضاهایی به وان‌شات می‌شود دسترسی پیدا کرد؟

این وان‌شات‌ها را فقط می‌شه تو یوتیوب پیدا کرد و یا تو تلگرام، ولی بعضی فن پیچ‌ها فکر می‌کنن این وان‌شات‌ها به تو آسیب می‌زنه. ولی شما هر خواننده‌ای را برین سرچ کنید، یک وان‌شات از توش در میاد. یعنی مثلاً برای یک خواننده این‌ها کاملاً عادیه. یک‌سری وان‌شات‌ها هم هست، ببخشید این را می‌گم، ولی یک حالت ۱۸+ ساله هستند، من اصلاً نمی‌رم این‌ها را نگاه کنم چون خوب چیزهای ۱۸+ را من نمی‌رم نگاه کنم، ولی خوب یکی از دوست‌هام که می‌ره این‌ها را می‌بینه می‌گه قشنگ توصیف می‌کنه که داره چه اتفاقی می‌افته.

<sup>۱</sup> - وان‌شات را فن‌فیکشنی معرفی کرد که دنباله‌دار (مثل یک مجموعه یا سریال دنباله‌دار) نباشد.



- رابطه جنسی را توصیف می‌کند؟

بله مثلاً رابطه جنسی‌ات را با فلان اعضاء و یک‌سری وان‌شات دیگه هم هست که ما یک‌سری از آرمی‌ها شپیر هستن.

- شپیر یعنی چی؟

یعنی دوتا از اعضاء را باهم شپیر می‌کنیم، یعنی می‌گیم این‌ها باهم تو رابطه هستند. چون رفتارهاشون رفتار دوتا دوست نیست، شبیه اینه که یک نفر وارد رابطه شده با یک نفر دیگه. مثلاً توی بی‌تی‌اس ۴ تا شپیر خیلی معروف هست که حالا باید برین اسم خود اعضاء را بشناسین، حفظ کنید، بفهمید کدام به کدام است، مثلاً نامجو و دین را باهم شپیر می‌کنن، بهش می‌گن نامجین، یا مثلاً جیهوپ که اسم اصلیش هوسو که این از اسپای خیلی خوشش میاد، برای همین ما با اسکای شپیرش می‌کنیم و دیگه مثلاً جیکونگ و تهیونگ را با... .

- راجع به این‌ها یک داستان‌هایی هم هست درسته؟

شما برین سرچ کنید وان‌شات تک پارت فارسی جه کوک براتون بالاخره دوتا چیز میاره و می‌دونید این‌ها را که ما شپیر می‌کنیم یک‌سری روشنفکر تو آرمی‌ها هست که می‌گند، این‌ها که گی نیستن، شما چرا این‌ها را بهم شپیر می‌کنید، ما هم می‌گیم این‌ها اصلاً تفریحیه، قشنگ معلومه که نیستن، اصلاً باشن به ما چه.

- در مورد روشنفکرهای آرمی بیش‌تر توضیح می‌دهید؟

اون‌هایی که خیلی دین اسلامی رفتن و فکر می‌کنن انسان‌های گی وجود ندارند و اگر هم وجود داشته باشند می‌رن جهنم و گناهه.

- تا چه میزان در زندگی روزمره‌تان بی‌تی‌اس به چشم می‌خورد؟

آرمی‌ها خوب نظراتشون مختلفه، یکی مثل من دوست داره کلاً تم اتاق، موبایل و دفترهاش بی‌تی‌اس باشه، یکی نه، بی‌تی‌اس را دوست داره آرمی هست، ولی خیلی علاقه‌ای که همه چیزاش را به بی‌تی‌اس ربط بده، ندارد.

- شما چه چیزهایی استفاده می‌کنی؟

من اتاقم دو، سه تا پوستر از بی‌تی‌اس دارم، وان پیپر، اسکرین گوشیم کلاً بی‌تی‌اسه، بعد مثلاً یک‌سری‌ها هستن اگر آهنگ کی‌پاپ گوش ندن، مشکلی ندارند ولی من هر روز حداقل باید دوتا آهنگ کی‌پاپ گوش بدم تا روزم سر بشه.

- حداقل چند دقیقه وقت می‌گذاری؟

اگر خیلی برم تو جو آهنگ، اگر کسی بهم کاری نداشته باشه، یک ساعتی تو اتاقم در را بندم، چشم‌هام را بندم ۱۰، ۲۰ تا آهنگ کی‌پاپ گوش بدم، کاملاً هم اوکیم باهاش مشکلی هم ندارم، اما خوب یک‌سری هستن که این طور نیستن. به آدم‌هایی مثل من که فقط کی‌پاپ گوش می‌کنن، یعنی کی‌پاپ تقریباً همه چیزشونه، می‌گن مولتی فن کی‌پاپ که یعنی همه آهنگ‌های کی‌پاپ اولویتشون هست.

- اکسسوری هم استفاده می‌کنی؟



اکسسوری چیه؟

- مثلاً گوشواره، انگو، دستبند، سنجاق.

من دارم یک کیف دارم، از جامدادی بزرگ‌تر، رو می‌زم چندتا آیتم بی‌تی‌اس هست. مثلاً یک‌سری نقاشی که خودم کشیدم.

- چه نقاشی‌هایی؟

مثلاً اعضاء را به یک حیوان تشبیه می‌کنیم و یا میوه مورد علاقه‌شون را حتی می‌دونیم. مثلاً من حیوان دوتا از اعضاء را کشیدم. حیوان جونگ کوک می‌شه خرگوش، حیوان نام‌جو هم می‌شه کوالا.

- نقاشی‌ها را جای هم به اشتراک می‌گذاری؟

نه اون طوری نه، به دوستان نشان می‌دم، ولی بیش‌تر برای دل خودمه، دلم براشون تنگ می‌شه اینا را می‌کشم و نگاه‌شون می‌کنم، دل‌تنگیم کم می‌شه.



- فن آرت محسوب می‌شن؟

نه فن آرت مال وقتی که توی شبکه مجازی بذاریش، من این کار رو نمی‌کنم من اینا رو ممکن هدیه بدم.

- دوست‌ها چی؟

نه من دوستان خیلی اهل فضای مجازی نیستند، به خاطر همین اونا هم یه چیزایی می‌کشن، مثل ولی پست نمی‌کنیم و نشون نمی‌دیم به کسی، ولی خب این طوری که ما به هم دیگه اینا رو کادو می‌دیم و خوب راستش رو بخواین مبادله کالا به کالا شده با همدیگه بکنیم و خرید و فروش. من بگی نگی این کار رو می‌کنم مثلاً من از یکی از دوستان نقاشی تهیونگ رو خریدم، خیلی قشنگ نقاشی می‌کشه، یه کار دیگه‌ای که من می‌کنم سمبل‌های بی‌تی‌اس رو می‌کشم و اون‌ها رو خوب ارزون فروختم، آخه من خیلی تو فکر پولش نیستم.

- چه سمبل‌هایی از بی‌تی‌اس رو می‌کشی؟

کوالا، خرگوش، ببر.

- اسم حیوان‌ها را کی انتخاب کرده؟

آرمی‌ها تشبیه‌شون کردن، خودشون که نمیان خودشون را به حیوان تشبیه کنن.

- دیگه چه چیزهایی داری؟

راست‌اش باید از من سوال بشه تا یادم بیاد باید چه چیزی بگم.

- وسایل و یادآورهای دیگری از بی‌تی‌اس دارین؟

بروشور کوچولو که به صورت مثلثی درمیاد و می‌تونید بذارید روی میز یکی دوتا از اون‌ها دارم.

- خودت درست کردی؟

نه اون‌ها را دیگه خاله‌ام به همراه آلبوم‌هاب بی‌تی‌اس برام فرستاد.

- آلبوم را به چه صورت تهیه کردی؟

من خاله‌ام کانادا زندگی می‌کنه و واسه تولدام، دوتا از آلبوم‌هاشون را فرستاد.

- آلبوم‌ها را شما انتخاب کردی؟

نه اون موقع کلاً دوتا آلبوم داشتن پروف و باتر که من احتمالاً بخوام سال دیگه آلبوم پروف جدید را برام بفرسته.

- امکان برقراری ارتباط با آیدول‌ها را دارین؟

من خودم وی‌ورس و ری‌رایل را دارم که حالا بیش‌تر آیدول‌ها با وی‌ورس کار می‌کنن. که لایو می‌گذارن و فن‌شون می‌ره نگاه می‌کنه و خوب لایوها هم سیو می‌شه، هرکسی از لایو جا بمونه، بعداً می‌تونه بره نگاه کنه، ولی خوب بالاخره لایو لایو دیگه، ضبط شده‌اش فرق داره.

- شما هر موقع از شبانه روز لایو برگزار بکنند، می‌بینید؟

من که آره، از خدومه، ولی اینترنت بهم اجازه نمی‌ده، ولی تایم‌هاشون فرق داره. بعضی وقت‌ها به مناسبت یک موقعیت خیلی خاص، بعضی وقت‌ها همین طوری. فکر کنم یک لایو باید جیمین گذاشته باشد چون تولدش بود چند روز پیش. دیروز فکر کنم لایوی چیزی گذاشته باشه.

- نقش هیترا در این میان چیست؟

هیترا منطقی بخوام بگم هیچ نقشی ندارن، چون کسی بهشون اهمیت نمی‌ده، یعنی اون‌ها هیت می‌دن، ولی به ضرر خودشون، چون کمپانی می‌تواند شکایت کنه و آرمی‌ها هم از یک طرف می‌تونن فرد را بشورن، پهن‌اش کنن و قیمه، قیمه‌اش کنن. کار به شکایت نمی‌کشه، چون آرمی‌ها طرف را نابود می‌کنن، اگر هم به شکایت برسه، طرف قطعاً ضرر مالی می‌کن.

- به چه صورت با سایر آرمی‌ها در ارتباطی؟

ما با آرمی‌های غربیه در ارتباط نیستیم ما با دوستانمون در ارتباطیم و یا دوست‌هامون می‌بینن که یکی از دوست‌هاشون آرمیه و خیلی خصوصیاتش شبیه ما هست، اون آرمی را به ما معرفی می‌کنن، بعد دوست می‌شیم.

- شما از چه طریقی باهم در ارتباط بودین؟

الآن نه، ولی یک مدتی واتساپ بود.

- یعنی یک گروه باهم داشتین.

بله.

- بعد چه چیزهایی را با یکدیگر به اشتراک می‌گذاشتید؟

اخبار جدید که بی‌تی‌اس فلان کار را کرد، بی‌تی‌اس فلان کمک را کرد، فلان مصاحبه، فلان روز قرار فلان کنسرت برگزار بشه که البته راجع به کنسرت ما خیلی ضربه روحی خوردیم.

- چرا؟

فردا یک کنسرت مجانی در بوسان دارن برگزار می‌کنن، بعد ما نمی‌تونیم باشیم اونجا.

- آنلاین هم نمی‌توانستید شرکت کنید؟

نه، اصلاً تایمش هم یک موقعی هست که ما مدرسه‌ایم، یعنی می‌شد هم نمی‌تونستیم بریم. کره جنوبی ۴ ساعت از ما جلوتره مثلاً ساعت ۷ عصر اون‌ا می‌شه، ساعت ۳ بعد از ظهر ما که ما تازه تعطیل می‌شیم.

مصاحبه دوم:

- به من گفته بودی گروه بی‌تی‌اس استایل متفاوتی دارند و برای همین جذب‌شون شدی.

بله کلاً کی‌پاپ استایل متفاوتی داره نسبت به بقیه.

- راجع به این استایل متفاوت بیش‌تر برای من توضیح می‌دی؟

ظاهر و پوشش و این‌هاشون که متفاوت، ولی سبک هنرشون هم خیلی متفاوت. ۹۰ درصد آهنگ‌هایی که کی‌پاپ هستن، راجع به امید به زندگی و مستقل بودن و این جور چیزها صحبت می‌کنن، در شرایط اقتصادی بد که کرونا هم اومد، خیلی از بچه‌ها و بزرگ‌ترها کلاً امیدشون کم شد

نسبت به زندگی و این که مثلاً با یک آهنگ می‌تونن بهتون بگن خودتون را دوست داشته باشین، همه چیز درست می‌شه، بهتون امید می‌دن این خودش خیلی قشنگه و یک سبک جدید.

- قبل از این که شعرهای بی‌تی‌اس را گوش کنی، راجع به خودت و آینده‌ات در چه حال و هوایی بودی؟  
من کلاً این جوریم که دقیقاً یک نفر باید بهم بگه، بهم بفهمونه که باید چی کار کنم و هدفی هم برای خودم مشخص نمی‌کردم هیچ وقت، یعنی این جوری بودم که هر چی شد دیگه همین هست، دیگه قرار نیست اتفاق خاصی بیفته، ولی خوب مثلاً وقتی رفتم سراغ کی‌پاپ و این‌ها، دیگه این جوری شدم برای خودم هدف تعیین می‌کنم. یعنی می‌دونم که می‌خوام چی بشه و چه اتفاقی برام بیفته.  
- چه هدف‌هایی؟

مثلاً من وقتی بچه بودم فقط یک هدف داشتم که بزرگ می‌شی دکتر می‌شی تمام می‌شه، یعنی هدف‌های طولانی مدت برای خودم داشتم در صورتی که الان هدف‌های کوتاه مدت خیلی دارم، مثلاً هر موقع که می‌بینم نمی‌کشم یک وقت‌هایی یک یادآوری به خودم می‌کنم که چه قولی به خودم دادم، به خودم که نه همه آرمی‌ها این جوری ان که برای این که پیشرفت کنن، می‌گن تو به آیدول خودت این قول را دادی که موفق بشی و این که به فرد مورد علاقه‌ات یک قولی را بدی، قطعاً انگیزه‌ات برای انجام اون کار بیش‌تره.  
- یک قولی که هر کسی داخل ذهن خودش به ستاره مورد علاقه‌اش می‌ده؟  
بله.

- چه هدف‌های کوتاه مدتی برای خودت در نظر گرفته‌ای؟  
مثلاً کارنامه مهر ماه خودم خوب باشه.  
- قبلاً این قول را به خودت نمی‌دادی؟  
نه، من مثلاً قبلاً فقط درس را می‌خواندم که یک امتحان بدم و دو روز دیگه تمام چیزهایی که خواندم از یادم بره، ولی الان یکی، دو ساله که تا درس را نفهمم، آمادگی امتحان را ندارم و یک طوری می‌خوانم که تا ۲، ۳ سال بعدش همه‌اش یادمه.  
- تو ذهن خودت قول دادی همه چیز را یاد بگیری؟  
بله این که یاد بگیرم، نه این که فقط حفظ کنم.  
- چه قول‌های دیگری دادیدی؟

چیزی که من تو بی‌تی‌اس خیلی دوست دارم اینه که تو همه سخنرانی‌هاشون می‌گن خودتون را دوست داشته باشین، تلاش کنین حتماً به یک جای خوبی می‌رسید و من حداقل این شکلی فکر می‌کنم وقتی یک نفر از فرد مورد علاقه‌اش یک چیزی را می‌شنود، تو ذهنش می‌گه، ممکنه که طرف نداند من این قول را بهش دادم، ولی من قول می‌دم که خودم را دوست داشته باشم.  
- قبلاً که خودت را دوست نداشتی، نگاه شما به خودت، ظاهر، اخلاقت و تیپت چگونه بود؟  
من از وقتی که کی‌پاپ و اینا رو گوش کردم، اعتماد به نفسم خیلی بالا رفت، ولی قبلش خیلی آشفته بودم، مثلاً اگر یکی من را تو خیابان می‌دید، فکر می‌کرد تازه از خواب پا شدم.  
- از روی چه چیزهایی آشفته‌گی تو مشخص می‌شد؟  
همه چیز، لباس، ظاهر.  
- همیشه این طوری بودی یا یک زمانی؟  
همیشه.

- الان وقتی می‌خوای بری بیرون، چه طوری می‌ری؟  
الان همیشه به خودم می‌رسم، حتی اگر خانه باشم و جایی نرم.  
- دقیق تغییرات خودتون را توصیف کنید؟  
قبلاً لباس چروک می‌پوشیدم، الان لباس‌هام را اتو می‌کنم. موهام را مرتب می‌کنم. کلاً وقتی از خواب بیدار می‌شم دست و صورت‌ام را می‌شویم که مثلاً خیلی آشفته به نظر نیام.  
- قبلاً متوجه آشفته‌گی خودتون شده بودین؟

بعد از این که یک میزانی تغییر کردم، فهمیدم. یکی از دوستانم بهم گفت چه قدر استایل و جواری که حرف می‌زنی فرق کرده، بعد کلاً اون موقع فهمیدم. الان عکس الانم را با اون موقع مقایسه می‌کنم، می‌فهمم چه قدر بهتر شدم نسبت به اون زمان.

- دیگه چه چیزهایی؟

هر چه قدر هم ناراحت باشم، سعی می‌کنم انرژی خودم را نگه دارم. انرژی داشته باشم وقتی می‌خوام با یک کسی صحبت کنم.

- یعنی حتی اگر حالت خوب نباشه، وانمود کنی که خوب هستی؟

بله.

- این مسأله بهت فشار نمیاره.

آدم بعد از یک مدت به خودش تلقین می‌کنه، تو بایستی خودت را خوب نشان بدی، خوشحال باشی دیگه، یک ساعت بعدش کاملاً از ذهنت اون مشکل می‌پره و خوب اصلاً بی‌دلیل خوشحالی.

- بعد با اون مشکل چه کاری انجام می‌دی و مشکلات چی می‌شه؟

معمولاً من مشکل را نگه می‌دارم وقتی که تنهام حل‌اش می‌کنم.

- زمان صرف حل کردن مشکل می‌کنی؟

آره یک وقتی می‌گذارم بهش فکر می‌کنم، درستش می‌کنم.

- میزان این که راجع به مشکلاتت با دیگران صحبت می‌کنی، فرقی کرده است؟

خوب من قبلاً اصلاً راجع به مشکلاتم با کسی صحبت نمی‌کردم، ولی الان خیلی از دوست‌های من راجع به ناراحتی‌ها یا مشکلات من خبر دارن، چون دیگه آدم بعد از یک مدت سوتی می‌ده که همه بفهمن. ولی در کل قابل تحمل‌تر شده مشکلات برام.

- چه طور؟

چون همه آیدول‌ها یک‌سری مشکلاتی دارن و خوب من می‌گم اگر اون‌ها می‌تونن، چرا من نتونم. اگر اون‌ها می‌تونن مشکلات را پیش بقیه قایم کنن، چرا من نتونم این کار را بکنم و خودم این کار رو انجام می‌دم.

- چرا احساس‌های خود را قایم می‌کنند؟ مسأله انتخاب خود آیدول‌ها است و یا این که اجباری وجود دارد؟

هر دو یک وقت‌هایی نیاز نیست که قایم بکنن، ولی قایم‌اش می‌کنن به هر حال.

- رفتار پنهان کردن آسیب‌رسان هست؟

بله، خوب یکی از اعضای بی‌تی‌اس افسردگی گرفته بود یک تایمی و فکر کنم به خاطر همین قایم کردن مشکلات این طوری شد ولی من همیشه یکی دوتا دوست دارم که کنارم هستن و تمام مشکلاتم را بهشون می‌گم.

- کنار آن‌ها وانمود نمی‌کنی خوب هستی؟

نه. با همدیگه راجع به مشکلاتمون حرف می‌زنیم.

- در جریان صحبت‌ها در مورد تفاوت بی‌تی‌اس با سایر گروه‌ها به متفاوت بودن متن آهنگ‌های گروه اشاره کردی، علاوه بر این دیگر چه تفاوت‌هایی دارند؟

الآن کلاً از هر پدر و مادری که بپرسین، هر خواننده مردی را که ببینن می‌گن چرا این‌ها شبیه دخترها هستن، ولی به نظر من، مرد بودن به این نیست که طرف ریش داشته باشه، می‌تونه طرف خیلی تمیز باشه، مهربان باشه، کمک کنه به همه این خودش یک نشانه مرد بودن است، ولی مثلاً والدین الآن این جواری هستن که می‌گن این پسر دخترنما چیه داری نگاه می‌کنی؟! این‌ها چی دارن که ازشون خوشت میاد؟ اصلاً نمی‌دونن که این‌ها چون چند هزار نفر را نجات دادن، به چند هزار نفر کمک کردن که راهشون را پیدا کنن.

- فکر می‌کنی نحوه پوشش آیدول‌ها با کمکی که به افراد می‌کنند، چه ارتباطی دارد؟

به نظرم ربطی نداره، ولی الآن پدر و مادرها فکر می‌کنن، مردها حق ندارن آرایش کنن، در صورتی که کلاً نسل ما برای چیزی زن و مرد قایل نیست. اگر یک مرد را با پیراهن صورتی ببینن، می‌گه خوب دوست داره دیگه به ما چه اصلاً، ولی والدین می‌گن وا، یعنی چی، طرف مرده، برای

چی باید پیراهن صورتی بپوشه.



- تفکر نسل الان به چه صورت هست که می‌گویند «خوب پیراهن صورتی پوشه، طوری نیست، دوست داره»؟  
 تو ایران پسرها جوری بزرگ می‌شن که فکر می‌کنن که این جور چیزها فقط برای دخترها هست، در حالی که در خیلی از کشورها مثل همین امریکا و کره آمار آرایش کردن مردهاش خیلی بیش‌تر از زنها هست. در کره و امریکا اگر یک مردی آرایش کند، هیچ مشکلی نداره، ولی تو ایران این کارها خیلی دخترانه است و مردها نایستی این کارها را بکنن.

- چیزی که من در مورد امریکا می‌دانم این است که در آن جا هم مردها به طور معمول آرایش نمی‌کنند؟!  
 نه، ولی همین امریکا تا حالا شده که خواننده‌هاشون یا نمی‌دونم بازیگرشون با لباس‌های مثلاً زنانه اومدن اجرا داشتن، چند وقتی هست که دیگه برایشون عادی شده، تو کره هم اگر یک مردی را با آرایش ببینید، هیچ مشکلی نداره. یعنی اگر کسی بیاد به اون آدم بگه تو پسری چرا آرایش کردی، خیلی آدم هستن که می‌ریزن سرش.  
 - اگر مرد باشد و آرایش نکند، چه اتفاقی می‌افتد؟

اشکالی نداره، انتخاب دست خودش، ولی توی آیدول‌ها ما بدون آرایش‌شون را هم دیدیم، یعنی واقعاً فرقی با آرایش کرده‌شون نداره یا ما حداقل چون به نظرمون زیبایی درون‌شون بیش‌تر از زیبای بیرون‌شون هست، این را می‌گیم که اصلاً مهم نیست که تو ظاهر چه شکلی هستن، در هر صورت عالی هستن.

- دوستان هم مثل تو فکر می‌کنن؟  
 من راستش نظر دوست‌هام را در این مورد نمی‌پرسم، چون من کلاً با نه شنیدن مشکل دارم و تلاش می‌کنم نظرم را برای خودم نگه دارم و نظر کسی را هم نپرسم.

- پیش بینی می‌کنی که نه می‌شنوی؟  
 بعضی‌هاشون احتمال نه گفتن دارند، برای همین نمی‌پرسم.

- حالا اگر بپرسی نظرت تغییر می‌کند؟  
 نه، من نظر خودم را دارم.

- به نظر شما آرایش مردها به صورت معیار و هنجار در آمده است؟  
 بله.

- چه شباهت‌هایی از نظر پوشش و آرایش به آیدول‌ها داری؟  
 من راستش اصلاً اهل آرایش کردن نیستم، ولی راستش نوع لباس پوشیدن چرا، یک وقت‌هایی شده که شبیه آن‌ها لباس بپوشم.  
 - چه مدل‌هایی؟

مثلاً من چون خیلی خوب نیستم تو توصیف بهتر این جوری بگم که بهتر متوجه شین، شما اگر سرچ کنید استایل جان کوک، استایل مشکی گشاد میاره، من معمولاً اون جوری لباس می‌پوشم.

- دیگه چه چیزهایی، صورتت را چه طور؟

صورت به نظر من یک چیز خیلی خاصه و کسی نمی‌تواند تقلید بکند. مثلاً اگر شما برین پیش یک آرمی از اون پیرسین، اولی لاندن را می‌شناسین، یک قیافه عجیبی به خودش می‌گیره و یک دفعه شروع می‌کند به اخم کردن و فحش دادن به طرف، به خاطر این که مثلاً باید برین داستان اولی لاندن را بخونین، چون یک پسری بوده که رفته کلی جراحی کرده تا شبیه به جیمین بشه، ولی یک چیز خیلی مزخرفی شده، یعنی خودش را کلاً تصور می‌کنه که کره‌ایه در صورتی که یک فرد امریکایی بریتیشه و فکر می‌کنه شبیه به جیمین شده، بعد از این همه عمل و دو، سه تا کلمه کره‌ای کلاً بلده و فکر می‌کنه داره درست حرف می‌زنه و به خود کره‌ای‌ها، کره‌ای یاد می‌ده.



- فکر می‌کنی چه چیزهایی باعث شده این کارها را انجام بدهد؟

من نمی‌دونم فقط این را می‌دانم که تو داستان تمام این سلبریتی‌ها و افراد معروف یکی، دوتا فن پیدا می‌شن که این قدر جذب بشن که خودشون را شبیه طرف کنن.

- مسأله جراحی بین خود آیدول‌ها به چه صورت هست؟

کمپانی‌ها معمولاً باید اجازه بدن آیدول‌هاشون جراحی کنن.

- من برعکس این را فکر می‌کردم؟

در یک‌سری شرایط خاص اگر خود آیدول موافق نباشه با صورتش می‌ره پیشنهاد را به کمپانی می‌دهد و می‌گه کمپانی من می‌خوام دماغ خودم را عمل کنم نظرتون چیه؟ اگر مشکلی نباشه کمپانی اجازه بده، می‌ده، اون هم انجام می‌ده، اگر اجازه نده که هیچی. یک‌سری عمل‌ها هستن که به خاطر خود آیدول انجام می‌شه به خاطر این که زنده بمونن. از اول که می‌رن تو کمپانی دیگه همه چیزشون زیر نظر کمپانی می‌ره، مجبور ان به حرفای کمپانی عمل کنن و با توافق اون کاراشون.

- چه عمل‌هایی؟

مثلاً خود نامجین یک مشکل تنفسی داشت برای همین مجبور شد دماغش را عمل کنه، اگر به خاطر مشکل تنفسی‌اش نبود، کمپانی اجازه عمل را بهش نمی‌داد اصلاً.

- یعنی اگر تصمیم بگیرند با بدن‌شون کاری انجام بدهند باید از کمپانی اجازه بگیرن؟  
بله.

- فکر شما در مورد این که کمپانی در مورد تصمیم‌های شخصی اون‌ها باید نظر بده چی هست؟

به نظر من این کار کمپانی یک مقداری زیاده رویه، چون ممکنه یک آیدولی اعتماد به نفس این که با صورت خودش روی سن بره را نداشته باشه و احساس بکنه، باید تغییراتی را ایجاد بکنند، ولی خوب یک وقت‌هایی هم خدایش صورت خود آیدول کاملاً اوکیه، ولی خودش راحت

نیست، به نظر من اون موقع کمپانی اوکیه اگر گیر بده، بگه حق این را نداری. ولی یک‌سری کمپانی‌ها اصلاً براشون مهم نیست، یعنی آیدول تا هر چندتا که بخواد می‌تواند عمل جراحی انجام بده و یک‌سری آیدول‌ها حد و مرز عمل را گذرانده اند.

- چه چیزی تمایل به عمل را در آیدول‌ها زیاد می‌کند؟

هیت‌هایی که می‌گیرن، باعث شده خودشون رو قبول نداشته باشن.

- مثال می‌زنی؟

مثلاً خود نام‌جین که لیدر بی‌تی‌اسه، بیش‌ترین هیت را بین لیدرها می‌گیره و به عنوان زشت‌ترین لیدر آیدول شناخته شده است.

- با چه معیاری؟

معیار زیبایی تو کره جنوبی خیلی متفاوت مثلاً خط فک یکی از معیارهای زیبایی در کره است.

- دیگه؟

مثلاً چشم‌های گنده، یعنی همان حالت کره‌ای داشته باشه، ولی گنده باشه، بزرگ باشه. یک چیزهای خیلی مسخره‌ای برای زیبایی دارن.

- دیگه چه مواردی هست؟

من این دوتاش را یادمه.

- من شنیده بودم چال صورت هم هست؟

چال نداشته باشین، ملاک زیباییه، ولی خیلی از آیدول‌ها چال دارن و به نظر من خیلی هم قشنگه.

- این ملاک‌های زیبایی داخل خود فرهنگ کره هستند یا این که کمپانی‌ها مطرح می‌کنند؟

تو فرهنگ کره است.

- یعنی به یک معنا مجبور می‌شوند که جراحی بکنند؟

بعضی وقت‌ها بله، ولی بعضی وقت‌ها صورت‌شون کاملاً با ملاک‌های زیبایی می‌خوانه، ولی باز هم می‌رن عمل می‌کنن.

- شما کسی که علی‌رغم داشتن معیارهای زیبایی، عمل جراحی انجام داده است رو می‌شناسین؟

یکی دوتا آیدول هستن، ولی من اسم گروه خودشون را یادم نیست.

- وقتی جراحی می‌کنند، فن‌هاشون چه واکنشی نشان می‌دهند؟

بعضی‌ها تشویق، بعضی‌ها انتقاد. گاهی هیت‌رها می‌گن زشت بودی زشت‌تر شدی. یک همچین چیزی.

- به همین صورت در مورد آیدول‌ها نظرمی‌دهند؟ بیش‌تر شبیه حمله کردن است.

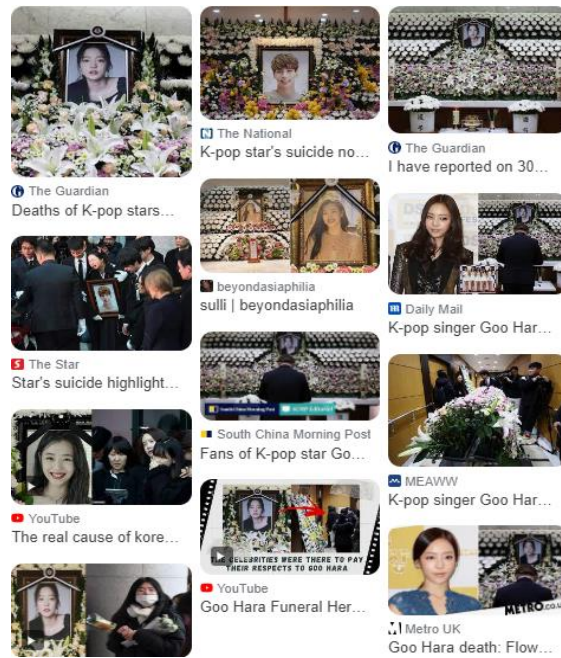
کار هیت‌رها همینه، اصلاً تا حالا ۲، ۳ تا آیدول به خاطر این هیت‌رها خودکشی کرده اند. به خاطر این همه هیت.

- اسم‌شون را یادته؟

الآن بهتون می‌گم چون یک جا سیو کرده بودم. اگر باز کنه که خیلی خوب می‌شه.

- پیدا شدن؟

آره اسم یکی‌شون سولیه، به دلیل هیت خیلی زیادی که گرفته بود.



- از چه گروهی هیت گرفته بود؟

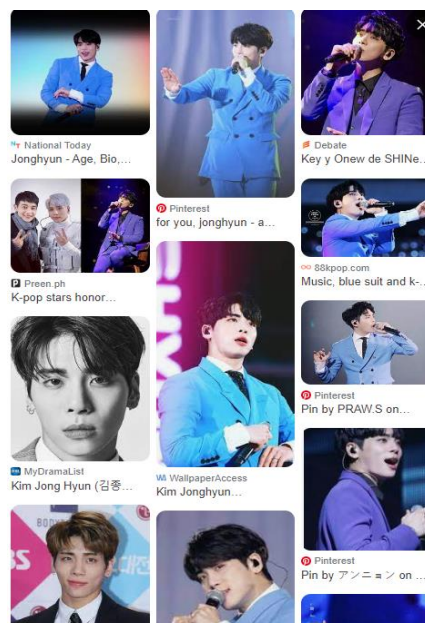
گروه نه، هیت‌رها داخل همه گروه‌ها هستن و میان اون هیتی که می‌خوان می‌دن و اصلاً براشون مهم نیست که اون طرف چه بلایی سرش میاد.

- چی شد که اسم‌هاشون را سیو کردی؟

من کلاً علاقه خیلی زیادی به این موضوعات دارم.

- به چه موضوعاتی؟

به موضوعاتی که برای آیدول‌ها پیش میاد، برای همین خیلی دنبال‌شون می‌گردم. اسم اون یکی دیگه جونگ شیون بود که اون هم یک آیدول بود که اسم گروهش یادم نیست. ولی خیلی هیت گرفت و یک جوری شد که خواهر کوچیکش جسدش را پیدا کرده بود. آخرین باری که باهاش حرف زده بود گفته بود، خداحافظ برای همیشه و این جور چیزها، بعد رفته بود دو روز بعد جسدش را پیدا کرده بود.





- موضوعات هیت چه چیزهایی بودن؟  
معمولاً بیش‌تر هیت‌ها به خاطر صورت و صداشون است.
- یعنی باید تارهای صوتی را هم جراحی بکنند؟  
بعضی وقت‌ها می‌کنن و بعضی وقت‌ها نه. تاحالا آیدولی پیدا نشده که این کار را بکنه، ولی فکر کنم کار به اینجا هم برسه که برن تارهای صوتی را عمل بکنند.
- بیش‌تر جراحی‌ها مربوط به صورته؟  
بله.
- اگر خود کمپانی کسی را به عنوان آیدول انتخاب بکند و ببیند تفاوت‌هایی داره، خود کمپانی فرد را برای جراحی نمی‌فرستد؟  
چرا بعضی وقت‌ها؟
- اگر آیدول دوست نداشته باشه چه اتفاقی می‌افتد؟  
باید از فکر آیدول شدن در بیاد.
- یعنی فضای زورگویی حاکم است؟  
آره خیلی.
- از یک طرف در مورد استقلال در متن شعرهاشون صحبت می‌کنند، ولی در مورد خودشون مثل این که این طور نیست؟  
بله.
- وقتی این تفاوت‌ها را می‌بینی، چه طوری تبیین می‌کنی؟  
راستش نمی‌دونم، من همیشه این طوری هستم که هر چی داره راجع به این‌ها حرف می‌زنه تو شرایط بدتری و هیچ وقت نمی‌تونم درک کنم که چه جور در مورد استقلال حرف می‌زنن در صورتی که خودشون استقلال را ندارن.
- یعنی تو ذهن خودت سوال می‌شه؟  
بله.
- یعنی جواب نداری ولی برات سوال می‌شه و از آن‌ها الهام می‌گیری؟  
بله.
- با دوست‌ها در مورد این مسایل حرف می‌زنین؟  
نه خیلی خیلی کم پیش میاد که موضوع صحبت این باشه، بیش‌تر در مورد این که آیدول‌ها چی کار می‌کنن حرف می‌زنیم. قرار فلان تاریخ فلان لایو را بذارن. فلان کنسرت این چیزها را حرف می‌زنیم.
- فضای انتقادی یا فکر کردن در مورد آیدول‌ها بیستون وجود ندارد.  
بله.
- شاید به چالش کشاندن ترسناک است؟  
آره خیلی ترسناک می‌شه. مثلاً ما همه‌مون مشکلات آیدول‌ها را می‌دونیم، یعنی وقتی همدیگه را می‌بینیم، این نگرانی تو ذهن همه ما هست که الان می‌ریم تو جمع دوست‌هامون اون‌ها هم این را می‌دونن و بهتره در موردش صحبت نکنیم.
- خوب چرا؟ چون چه اتفاقی می‌افتد؟  
اگر کسی نداند اون دیگه حالش گرفته نشه.
- ولی اگر چیزی را که همه‌تون می‌دونید در موردش صحبت کنید چه اتفاقی می‌افتد؟  
خیلی جو سنگین می‌شه، یعنی می‌دونید همه کلاً من این جور نیستم، ولی بیش‌تر دوست‌هام که آر می‌هستن یا کلاً جزو فن‌ها هستن، کلاً این جور ان که نمی‌تونن زجر کشیدن آیدول‌شون را تحمل بکنن و براشون به شدت گریه می‌کنن، به قول مامانم یک حالت دیوانگی این شکلی هست.
- اگر خودت به این فکر کنی که چه طور می‌شه به آیدول کمک کرد که زجر نکشه، چه چیزی به ذهنت خطور می‌کند؟

نمی‌تونم کاری بکنم.

- چرا؟

یکی این که کمپانی اهمیتی به این که حال آیدول‌هاشون چه طوره نمی‌دن، مهم اون پول است.

- اگر همه آرمی‌ها حمایت نکنند، باعث نمی‌شود که کمپانی تجدید نظر بکند؟

اگر آرمی‌ها حمایت نکنن، به ضرر آیدول می‌شه، چون آیدول را بیرون می‌کنن، گروه کلاً منحل می‌شه و دیگه نمی‌شه پیداشون کرد.

- یعنی ممکن نیست خودشون بتوانند یک جوری کارشون را ادامه بدهند؟

نه خیلی احتمالش کمه، به هر حال باید یک، دوتا چیز براشون بمونه، از مدیر برنامه‌ها و این چیزها، ولی خوب وقتی دیگه آرمی‌ها حمایت نکنن، همه طردشون می‌کنند.

- مثل این که هم ستاره‌ها و هم هوادارها گروگان کمپانی هستند؟

بله.



- یعنی از هر دو گروه سوءاستفاده می‌شود. هوادارها باید زجر کشیدن ستاره‌های مورد علاقه‌شان را ببینند و مخالفت نکنند و ستاره هم مخالفت نکنه، چون چیزی بگه می‌اندازنش بیرون؟

بله.

- فضایی پر از تهدید؟

بله. ما همه‌مون در حالت عادی داریم به این موضوع‌ها فکر می‌کنیم و وقتی تو جمع دوستامون هستیم، ترجیح می‌دیم راجع به این چیزها حرف نزنیم، راجع به خوشحالی‌هامون حرف بزنیم که خودمون هم خوشحال باشیم.

- راجع به، هدف‌های کوتاه مدت صحبت کردیم، چه اهداف دیگری داری؟

مثلاً آزمون ورودی دهم را قبول بشم.

- اهداف شما در زمینه درسی است؟

بله.

- فکر می‌کنی وقتی افراد به خودشون اجازه می‌دهند در مورد همه‌ی مسایل آیدول‌ها صحبت کنند، خود آیدول راجع به خودش چه فکری می‌کند؟

یک‌سری آیدول‌ها هستن که اصلاً اعتماد به نفس ندارن و همین فن‌هاشون هستن که بهشون اعتماد به نفس می‌دن، امید می‌دن، بهشون می‌گن که تو خوبی، می‌تونی و الانم خوبی و موفق می‌شی و یک‌سری آیدول‌ها هم اصلاً اون چیزی که هیترا می‌گن، براشون مهم نیست، مهم براشون فن‌هایی که دارن هست. اون‌ها می‌گن، اگر دیدید کسی به ما هیت می‌ده، اصلاً خودتون را ناراحت نکنید، چون ما خودمان اصلاً اهمیت نمی‌دیم بهشون و این فقط یک موضوع اذیت‌کننده برای شماها هست.

- یعنی امیدی که داخل متن‌ها می‌دن را فن‌هاشون بهشون برمی‌گردانند؟

بله.

- یک چیز دو طرفه است.

بله.

- چی باعث می‌شه برخی از آیدول‌ها بدون اعتماد به نفس باشند؟

خوب اگر شما هم ۲۴ ساعته تو توییتر یا هر جایی بهت بگن که اصلاً صدات قشنگ نیست، نمی‌دونم قیافهات را دوست نداریم، بهتره از این گروه بری بیرون، این کار را بذار کنار، این دنیا اصلاً جای تو نیست، این‌ها خوب اعتماد به نفس آدم را کم می‌کنند.

- نظر شما در مورد هیت دادن چیست؟

من کلاً آدمی نیستم که هیت بدم به کسی، ولی وقتی می‌بینم کسی داره هیت می‌ده، این طوریم که خیلی منطقی باهاش صحبت می‌کنم، می‌گم خودت را بذار جای طرف و فکر کن یکی همین حرف‌هایی که تو داری می‌زنی را داره به تو می‌گه، چه حسی داری؟

- بعد بحث چه طور پیش می‌ره، می‌تونید راجع به این مسایل حرف بزنید و همدیگر را متقاعد کنید؟

بعضی وقت‌ها، بله.

- تجربه موفق‌ی در این زمینه داشتی؟

بله و الان خودش آرمی (باخته).

- چه طور؟

مثلاً یکی از دوست‌هام خیلی از این‌ها بدش می‌اومد، طوری که هر چیزی که مربوط به این‌ها می‌شد را می‌گذاشت کنار. من بهش خیلی منطقی گفتم، الان تو این نسل هر جایی تو بری، دارن راجع به این جور چیزها حرف می‌زنن، الان تو خودت را جای اون‌ها بگذار، اگر یک نفر همین فحش‌ها و هیت‌ها را بهت بده، چه احساسی داری؟ بعد اگر دیدی که ناراحت نمی‌شی، به هیت دادنت ادامه بده، ولی اگر می‌بینی که خودت نمی‌تونی تحمل کنی، به هیت دادنت ادامه نده.

- نفرت‌پرانی و هیت دادن دوست شما، چه احساسی را برایتان ایجاد می‌کرد؟

من طرف را حاضر بودم قیمة قیمه‌اش کنم، اون به شدت می‌رفت روی اعصابم، حالا نه فقط به آیدول، کلاً وقتی کسی به یک انسان عادی هم هیت می‌دن، من اعصابم خورد می‌شه، به خصوص وقتایی که می‌بینم از سر این حرف‌ها اشک اونا را درمیارن.

- به نظر شما فن‌فیکشن‌ها به چه صورت روی زندگی آیدول‌ها و آرمی‌ها تأثیر می‌گذارد؟

آرمی‌ها که در هر صورت لذت را می‌برن و خوب در مورد چیزهای خیلی متفاوتی فیکشن نوشته می‌شه از یک روز عادی، از این که یک روز شون را با آیدول بگذرونن، از شپ‌ها خلاصه راجع به همه چیز می‌نویسن، ولی خوب یک‌سری از این‌ها هستن که خود آیدول‌ها فن‌فیکشن‌هاشون را خوندن و اصلاً حال‌شون بد نشده، ولی یک‌سری‌ها هم شده که وقتی آیدول‌ها خوندن، حال‌شون بد شده است. بعد یک‌سری‌ها می‌گن اشکالی نداره، اوکیه، هر طوری بشه، ولی یک‌سری روشنفکرها که در آرمی‌ها و همه فن‌ها هستن، این جوری ان که می‌گن لطفاً از فن‌دوم برو بیرون ولی راست‌اش را بخواین اگر این‌ها از فن‌دوم برن بیرون کلاً بیش‌تر از ۲، ۳ هزار آرمی باقی نمی‌ماند.

- به نظر شما هر فن‌فیکشنی ارزشمند هست؟

من خودم معمولاً بستگی داره چه فن‌فیکشنی را خوانده باشم. کلی فن‌فیکشن هست که خیلی خوشحال‌کننده است، مثلاً اگر شما آیدول باشین، اصلاً مشکلی باهاش ندارین، اما یک‌سری فن‌فیکشن‌هایی هستن که خدایی ضربه روحی به آدم وارد می‌کنند و اگر یکی چنین داستانی را حتی اگر خیالی باشه، از زندگی شما بیاره بیرون، شما کاملاً روحیه‌تون نابود می‌شه.



- ولی به نظرات حتی اگر ضربه روحی هم می‌زنن باید باقی بمانند؟  
نه، موضوع خیلی زیاد هست، یک‌سری که فن‌فیکشن می‌نویسن، حدشون را گذرانندن، یک‌سری هم هستند که تا یک حدی اومدن جلو و دیگه اون فن‌فیکشنی را که می‌نوشتن، ادامه ندادند.
- چه چیزی باعث شده که ادامه ندهند؟  
شما مثلاً فکر کنید، مادرت را ناراحت کنی، خودت هم ناراحت می‌شی و یک حس این شکلی که حس دوست داشتن زیادی را دارن و وقتی طرف آسیب می‌بینه، انگار که اون‌ها هم آسیب دیدن و تمام‌اش می‌کنن، ولی یک‌سری هستن که اهمیتی نمی‌دن، می‌گن که ما آرمی‌ها باید از این لحظه‌ها لذت ببریم و این‌ها می‌نویسن که لذت ببریم، من نمی‌گم لذت نبرین، ولی حدتون را بدونید.
- به هر حال آدم‌ها می‌خوانند و نوشتن فن‌فیکشن هم ادامه پیدا می‌کند؟  
بله خوب وقتی از این کار درآمد دارن، شما از کاری که در آمد دارین که نمی‌تونید دست بکشید. گاهی اوقات هم فن‌فیکشن‌ها اصلاً آرمی نیستن، یک انسان که می‌خواد آیدول را خراب کنه و به این کارش ادامه می‌ده.
- شما با فن‌فیکشنی که فکر می‌کنی برای آیدول اذیت کننده هست، چه کار می‌کنید؟  
من فن‌فیکشنی اگر بخوام بخونم از چیزهای خنده‌داره، نه چیزهایی که دیگه از حد گذشته. من قبل از این که فن‌فیکشنی را بخوانم، به خودم می‌گم خیلی خوب الان خودت را بذار جای اون، اگر این راجع به تو باشه، ناراحت می‌شی یا نه؟ اگر ببینم این اون چیزی نیست که به خاطرش ناراحت بشم، می‌خونم، ولی خوب اگر ببینم خود من دچار ضربه روحی می‌شم، اگر یک نفر راجع به من این چیز را بنویسد، بعد نمی‌خونم.
- به نظر شما چه فن‌فیکشنی از نظر روحی ضربه می‌زند؟  
مثلاً فن‌فیکشن‌هایی که مثبت ۱۸ هستن.
- چه چیزی را سوژه نوشتن خود قرار می‌دهند؟  
مثلاً یک نفر بیاد راجع به رابطه جنسی طرف بنویسد، خوب شما اگر باشین ناراحت نمی‌شین؟! این خوب خیلی ضربه بدی هستش.



- کمپانی کاری می‌کند که جلوی این‌ها را بگیرد؟  
آیدول اگر ببینه داره از حد می‌گذره، می‌تونه به کمپانی بگه و کمپانی راحت می‌تونه از طرف شکایت بکنه و طرف باید یک مبلغ خیلی بالایی را به کمپانی پرداخت کنه، ولی خوب معمولاً آیدول‌ها چیزی نمی‌گن، چون شما آیدول هستین و اگر راجع به هر سلبریتی سرچ کنید، همچین چیزی هست، این کاملاً بین افراد مشهور عادی است. دیگه باید بدونی که قراره به اتفاق‌هایی بیافته، باید برات طبیعی بشه.
- در هر صورت این شکلی بگم که اگر آیدولی حتی اگر یک نفر را بکشه هم فن‌هاش اون فن‌هایی که خیلی وفادار هستند و خیلی دوست‌شون دارن، می‌گن که باز براشون یک فرشته باقی می‌ماند.

- شما چه مدل فنی هستی؟
- بله (باخنده) من اگر آیدول مورد علاقه‌ام یک نفر را هم بکشم، برای من یک فرشته است.
- چه جوری یک فرشته می‌ماند؟
- نمی‌دونم راستش، من هیچ وقت به این فکر نکردم که چرا می‌مونه، ولی می‌دونم که اگر آیدول من این کار را بکنه، من هیچ مشکلی ندارم، هیچی نمی‌گم. یعنی این شکلی می‌گذرد که این‌ها همه شایعه است، دروغه و واقعی نیست.
- یعنی ترجیح می‌دی، حس دست نخورده باقی بماند؟
- بله.
- اگر که نگي شایعه است و نادیده نگيري، بعد چی می‌شه؟
- اصلاً امکان نداره، من خیلی دوست‌شون دارم، کل امید من به زندگی اینان، حالا پیام با دست خودم همه چیز را خراب کنم، نه این اصلاً امکان‌پذیر نیست.
- خوب مثلاً وقتی برخلاف گرایش جنسی خودشان تظاهر به چیز دیگری می‌کنن، تو چی فکر می‌کنی؟
- ببینید خوب کمپانی اون‌ها را به یک‌سری چیز مجبور می‌کنه، دیگه خوب چاره‌ای ندارن، بعدش هم خوب ماها که می‌دونیم، این طوری نیستن، باید فیلم بازی کنن.
- خوب این با حرفی که می‌زنن که خودت را دوست داشته باش و کاری که خودت دوست داری را انجام بده، در تعارض نیست؟
- چرا ولی این‌ها یک قراردادی امضاء کردن که باید به اون پایبند باشن دیگه، مجبور ان، من مطمئن هستم اگه مجبور نباشن، کاری را انجام نمی‌دن، اگر هم کاری بکنن، به هر حال اشکالی نداره اون‌ها هم آدمن دیگه، می‌دونید تو یه دنیا خوبی که اینا دارن، دیگه اصلاً این چیزها بی‌معرفتی، آدم باید این همه چیزای دیگه را ببینه، این قدر که اینا برای ما و حفظ گروه زحمت می‌کشن.
- به نظرت ادامه پیدا کردن گروه مهم‌ترین چیز است؟
- بله.
- گروه روشنفکر به چه صورت فکر می‌کنند؟
- بله روشنفکری مثل تیکه انداختن است. خیلی خیلی زیادی به فکر طرف هستن، من نمی‌گم کار بدی می‌کنن، من می‌گم دیگه از یک حدی گیر دادن باید تمام بشه.
- منظور شما از گیر دادن چی هست؟
- مثلاً طرف یک وان‌شاتی نوشته خیلی اوکیه، یعنی مثلاً راجع به یک چیز خیلی خنده‌داریه، ولی یک مرتبه، یک روشنفکر میاد تو کامنت‌ها می‌گه، شما با این کارهاتون دارین آیدول را آزار می‌دین.
- اون گروه ایرادشون به این‌ها چیه؟
- فکر می‌کنن همه وان‌شات‌ها و فن‌فیکشن‌ها آسیب می‌زنن.
- یعنی مشکل‌شون این هست که چرا خیالات و تصورات خودتون رو با اون ۷ نفر می‌نویسید؟
- بله.
- چه چیز اون‌ها به نظرشون آسیب می‌زنه؟
- این که رابطه‌های بین اون‌ها را می‌گن، این که این با اون یک جور دیگه هس، باهم حس‌های متفاوتی دارن، صمیمی‌ترین، یک حس‌هایی بیش‌تر از صمیمیت دارن، می‌گن این جور چیزها خوب نیست که ما اصلاً این طور فکر می‌کنیم، اصلاً باهم یه جوری باشن یا نباشن، به ما چه این جور چیزها یه تفریح و خوش‌گذرونیه.
- اگر کمپانی یا آیدول‌ها چیزی از طرفداران خود بخواهند که به نظر تو درست نیست، چه کاری انجام می‌دهی؟
- به نظر من اگر غلط باشه، نباید انجام داد.
- قبلاً در جریان صحبتی که باهم داشتیم به وجود یک‌سری قوانین که کمپانی برای آیدول‌ها می‌گذارد اشاره کردین، این مجموعه قوانین چه چیزهایی هست؟

- حق رابطه داشتن ندارند، حق رابطه احساسی داشتن ندارند، طبق رژیم کمپانی باید جلو برن، طبق برنامه کمپانی کار و فعالیت انجام بدن.
- به نظرت کدام یک از این قوانین مضر است؟ (بی‌مکث) اون رژیمی که می‌دن به آیدول‌ها. رژیم اون حجمی که تأمین می‌کنن با اون وعده نمی‌تونن انرژی مورد نیاز را به دست بیارن.
- برای سلامتی آیدول‌ها خطرناک است؟ بله، به شدت.
- این که نباید حق قرار ملاقات با جنس مخالف را داشته باشند، چه خدمتی به کمپانی می‌کند؟ اگر این‌ها دیت داشته باشند، فن‌ها کم می‌شن.



- به چه صورت مجرد بودن آیدول‌ها، فن‌های آن‌ها را افزایش می‌دهد؟ من هم هنوز نفهمیدم که چرا فن‌ها می‌خوان که آیدول شون مجرد باشه، ولی یکی دوتا آیدول که باهم قرار می‌گذاشتن، خیلی هییت می‌گرفتن.
- داخل کامنت‌ها شون نمی‌نوشتن چه چیزی باعث می‌شود هییت بدن؟ فکر کنم به خاطر اینکه تو فن‌گرل‌ها برای بوی بندها این جوریه که اگر طرف زن و بچه داشته باشه، تمام تصورات شون بر باد می‌ره، این شکلیه دیگه.
- به خاطر این که تصورات شون دست نخورده باقی بماند، اجازه قرار ملاقات با جنس مخالف را به او نمی‌دهند؟ بله، استقلال و انتخاب آیدول ازش گرفته می‌شه.
- شما خبر ازدواج شون را بشنوی، چه چیزی تجربه می‌کنی؟ من می‌گم خوشبخت بشن.
- اعصاب شما خورد نمی‌شود؟ من این شکلی‌ام که اگر طرف خوشحال من هم خوشحال هستم.
- ولی دوستانت به این صورت فکر نمی‌کنند؟ بعضی‌ها همین شکلی هستند، بعضی‌ها نه.

مصاحبه سوم:

- خوب خبری راجع به آرمی‌ها است، که بخواهی صحبت‌مون را با اون شروع کنیم؟ اخبار که زیاده، ولی آخه خیراش را بهتره که نگم.
- چه طور؟ آخه خبرهای مؤدبانه‌ای نیست برای همین بهتره که نگم.
- به اجمال بگین چه خبرهایی است؟

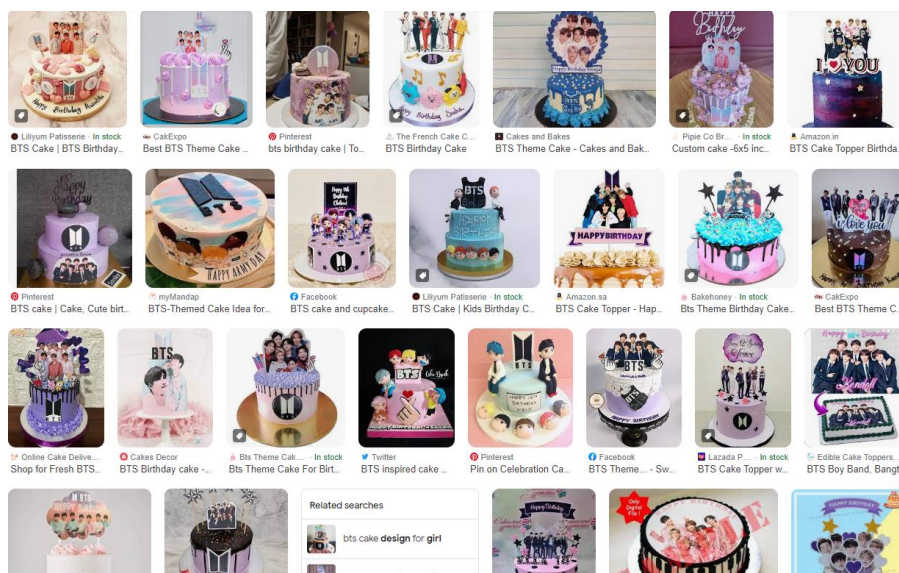
(هیجان زده و باخنده) خوب از کجا شروع کنم، خوب یکی خوب‌اش اینه که دوتا از اعضاء سولو دارن و می‌رن سربازی، بعد در بین آرمی‌هایی هم که تو کره زندگی می‌کنن، یک رسم هست که وقتی نامزد یا دوست پسر هر کسی می‌ره سربازی، یک کفش‌های خاص سفیدی هست که اون‌ها را می‌خرن می‌پوشن، به معنی این که در انتظار کسی هستن، حالا آرمی‌هایی که تو کره زندگی می‌کردن، رفتن رنگ کفش به رنگ بنفش خریدن.

- کدام یک از اعضاء الان سر باز می‌شوند؟

همه‌شون، جین الان دقیق بخوام بگم، بذارید ببینم آخه من برای تولد همه‌شون آلازم گذاشتم (باخنده)، جین دقیقاً ۳۸ روز دیگه تولدشه، تهیونگ ۶۴ روز، جیهوپ ۱۱۴ روز، شوگا ۱۳۳، خود بی‌تی‌اس ۲۲۹ روز دیگه تولدشه، اون تایمی که ساخته شدن و گروه‌شون درست شد، جان هوب ۳۰۹، جیمین ۳۵۱ روز دیگه.

- برای تولد آیدول‌ها کاری انجام می‌دین؟

ما زنگ می‌زنیم به دوست‌هامون، کیک می‌خریم، کاپ کیک می‌خریم، کیک یزدی روش شمع می‌گذاریم. بعد چون ساعت داره ما از یک ساعت قبل‌اش پشت دوربین‌ها نشستیم اون یک ساعت را حرف می‌زنیم و یک ثانیه مانده دیگه شمع را فوت می‌کنیم و تولدش را جشن می‌گیریم.



- شما با چه اپلیکیشنی باهم در ارتباط هستین؟

الآن که اینترنت نیست، گوگل میت، ولی در حالت عادی داخل واتساپ بودیم.

- راجع به چه چیزهایی در زمان دیدار صحبت می‌کنید؟

راجع به روزمون، هفته‌مون چه جوری گذرانیدیم، حال‌مون چه طوره، از چی ناراحتیم، از چی خوشحالیم از این جور چیزها.

- فکر کرده‌ام شاید راجع به کسی که تولدش است صحبت می‌کنید؟ وان‌شات‌ها و چنین مسایلی.

نه، ببینید وان‌شات موضوعی نیست که ما راجع بهش صحبت کنیم، چون در وان‌شات هر کسی سلیقه‌ای داره و سلیقه‌اش متفاوته برای همین موضوعی نیست که بخواهیم در موردش صحبت کنیم، ولی مثلاً راجع به خود اعضاء حرف می‌زنیم، راجع به همان فردی که تولدشه حرف می‌زنیم.

- مثلاً راجع به چه چیزهایی؟

بگیم که خوشحالیم که تولدشه، یادته که فلان موقع فلان کار را کرد، فلان تولدش یادته، اعضاء برایش فلان کار را کردن از این جور چیزها.

- چه سولویی اعضاء دارن؟

جین می‌خواد یک سولو بده و جیهوپ هم جک این د باکس را داده، جیهوپ سولو زیاد خوانده، مثلاً چیکن نودوسکوپاش هست، یک‌سری آهنگ‌های دیگه داره، جین مثلاً مون را خوانده نمی‌دونم از این جور آهنگ‌ها، بقیه اعضا هنوز سولوشون در نیامده، البته امسال که برای اون‌ها می‌شه سال جدید تو زمستان تا ۶ ماه بعد زمستان هر هفته سولوهاشون را می‌دن بیرون (لحن ذوق زده).



- برای سولوها هیجان زده‌ای؟
- آره من مثل چی منتظرم، البته صدام به خاطر یه کمی سرما هم این طوری شده، الان زیر پتو هستم، یک ترکیب ذوق‌زدگی سرمایه‌ی دارم الان.
- گفتی آرمی‌ها قرار گذاشتند که کفش بنفش بپوشند؟
- الآن پوشیدن دیگه، هر کسی تو کره زندگی می‌کنه، الان پوشیده آرمی بوده و الان دیگه این جوریه که خیلی قشنگ هر کسی کفش بنفش بپوشه، یعنی منتظر چیزی هست، البته تو کره، نه تو ایران.
- منتظر چه چیزی هستند؟
- منتظر این که دو سال تمام بشه.
- تو ایران چی؟
- ما هیچی، ما از پس هیچ کاری برنمیایم در حال حاضر، مخصوصاً الان که نمی‌شه هیچ کاری کرد.
- از چه نظر؟
- به خاطر وضعیت اینترنت نمی‌شه خیلی کاری کرد، نمی‌تونیم باهم صحبت کنیم.
- فعلاً تولد و کیک را می‌گیرین؟
- نه متفاوت. هر کسی برای خودش ممکن کیک تولد بگیره، یک قاچاش را برمی‌داره. من یکی از دوستانم سال پیش برای تولد جان کوک زنگ زده بودم بهش، داشتیم باهم حرف می‌زدیم کیک تولد بزرگ (با تأکید) جلوش بود و اون خوب کل خانواده‌اش آرمی هستن، مادر، پدر، برادر، خواهر همه آرمی.
- چه جوری کل خانواده آرمی شدن؟
- یک‌سری خانواده‌ها هستن خوب خیلی گارد ندارن نسبت به همه چیز و این که کم‌کم خودشون تو نماوا این‌ها دور هم برنامه‌ها را دیدن، اون موقع هنوز همه‌ی خانواده با گروه آشنا نبودن، ولی این برنامه‌ها را می‌دیدن، می‌خندیدن یا مفهوم شعرهاشون یک جوری ان که مامان بابا و کلاً همه وقتی شنیدن و فقط به ظاهر اینا توجه نکردن و گارد بگیرن، متوجه شدن که اینا واقعاً آدمای خوبی ان و کلی کارهای خوب می‌کنن، دیگه خانواده‌اش هم آرمی شدن.
- خانواده‌های دیگه به چه صورت واکنش نشان می‌دهند؟
- من خودم با مامان بابام در موردشون حرف می‌زنیم، آیدولا را می‌شناسن، می‌دونن وسایل و لباس پوشیدن من چه جوریه ولی همیشه دل‌شون می‌خواد یک چیز بدی را در موردشون به من بگن. ولی تقریباً اکثر مامان ما آرمیا می‌شناسنشون. این قدر که دیدن ماها علاقه‌امندیم و تو هر فرصتی داریم یه چیزی ازشون می‌بینیم، دیگه آشنا شدن. من فکر کنم الانا دیگه اغلب مامان‌ها تاحدی هم همکاری می‌کنن، یعنی دیگه تو مدل لباس پوشیدن و وسایلی که می‌خریم یا تو اتاق عکس‌هایی که آویزون می‌کنیم، یا مثلاً وقتی قاطی نیست اعصابشون یه ویدیو را



می‌بینن، ماها الان راحت‌تریم، البته بعضی‌ها هم کلاً مخفی می‌کنن از خانواده. الان دیگه خانواده‌ها مشکلی ندارند که دوست‌شون داشته باشی، فقط باید از کار و زندگی‌ت نیفتی. من خودم پدرم اصلاً اهل آهنگ نیست به مامانم که آهنگش رو با زیرنویس نشون دادم خوشش اومد، منظور من از معنا و مفهوم آهنگ چیه رو تازه فهمید. کلاً پدر و مادر من مشکلی ندارن که طرفدار کسی باشم که یکی از دوستانم زد گفت دویی کنسرت گذاشتن گروه بلک‌پینک، بابام گفت می‌خوای بریم، حالا قرار شده با همدیگه بریم.



در کل این چند سال فکر می‌کنم مشکل خانواده‌ها کم‌تر شده.

- خود پدر مادرها هم آرمی شدن؟

توی ایران هنوز خیلی پدر مادرا آرمی نشدن، ولی توی خارج خیلی زیاده.

- از کجا این رو می‌دونی؟

مثلاً برای مثال، یه ویدیو هست (باخنده) مادر طرف داره می‌ره کنسرت بی‌تی‌اس و بچه‌اش رو مجبور می‌کنه که ببردش فرودگاه برای این که برسه به کنسرت.

- این ویدیو کجا بود؟

آخرین باری که من دیدمش توی پیترست بود.

- به نظر تو کمپانی برای این که افراد بیش‌تری رو جذب کنه چه کارهایی انجام می‌ده؟

به نظرم کار خاصی نمی‌کنه، بیش‌تر آیدولا خوب خیلی خوشگلند به خاطر ظاهرشون آدم‌ها جذب‌شون می‌شن، چون ظاهرشون خیلی خوبه. ولی مسأله صدا و سیمای ما یه جوری می‌گه که انگار اینا خیلی بدن، این اخبار بین آرمیا خیلی چرخید که یکی، دو بار توی تلویزیون توهین کرده بودن به بی‌تی‌اس، به خاطر مرگ یه آیدول، گفتند که مشکل روانی داشته، اتفاقاً طرف خیلی هم سالم بود. آدم‌ها از یک جای دیگه نمی‌تونن توهین‌ها رو تحمل کنن، آرمیا همه صفحه‌های مجازی اون برنامه رو کلاً تحریم کردند.

- چه برنامه‌ای بود؟

یه برنامه بود توی شبکه سوم فکر کنم.

- تو از کجا متوجه شدی؟

خیلی خبرش پیچید توی پیترست، یوتیوب، تو گوگل همه جا اعلام شد، سال پیش بود فکر کنم.

- نماوا که برنامه‌هاشون را نشان می‌ده؟

آره نماوا چون که خصوصی اجازه داره نشون بدن، ولی باید سانسور کنن، حتی یه چیزای خیلی مسخره که بدم نیستن و قبل از این که نشون بدن. خیلی از خانواده‌ها خیلی بدشون میاد از این گروه و مخالف هستن که بچه‌هاشون آرمی باشن و خوب نظر بچه‌هاشون رو بد کردن و نظرشون عوض شده.

- چه طور؟

تو ذهن ما خیلی راحت این اتفاق می‌افته، خیلی راحت می‌شه بچه‌ها رو خرسون کرد، ما تو این سن این جوریم که حتی که والدین مون حرف بدی راجع به دوستمون بگن، بگن که پشت سر ما حرف زده یا کار بدی کرده، حرفشون را باور می‌کنیم، حتی اگه یه عالمه شواهد داشته باشیم که این اتفاق نیفتاده، ولی به هر حال بزرگ‌تر بگه که خوب نیست ما گوش می‌کنیم.

- پدر مادر تو بگن خوب نیست گوش می‌کنی؟

من نه، چون من از بچگی به پدر مادرم بهم گفتن، وقتی طرفدار یه چیزی هستی اگر که بهت آسیب نمی‌رسونه، حتی اگه بقیه می‌گن خوب نیست، طرفدارش بمون، مگه این که ما خودمون بهت بگیم که داره بهت آسیب می‌رسونه.

- من شنیدم خیلی از آیدولا جراحی کردند؟

نه، تا جایی که من می‌دونم، اصلاً این طور نیست، فقط البته آیدول‌هایی هم هستند که عمل کرده باشند من چیزایی که بوده و خوندم فقط یکی به خاطر بیماری تنفسی یعنی به خاطر سلامتی عمل کرده بود، بعد این طوری که جراح‌های خوب می‌گن کسی که عمل زیبایی بکنه، تو صورتش مشخص می‌شه و اینا هیچ اثری از عمل زیبایی روی صورتشون نیست، من عکس‌های اینا رو بررسی می‌کنم، از کوچکی تا الانشون، به نظرم هیچ اتفاقی نیفتاده.

- این خبر رو که گفتی، تو از کجا متوجه می‌شی؟

من چندتا دوست دارم که خیلی خبر رو پیگیری می‌کنند، از توی پینترست خبرا را که می‌فهمم برای من می‌فرستند.

- گفتی یک‌سری خبر بد و یک‌سری خبر خوب بوده؟

آهان ببینید خبر بدی نیست، چیز خاصی هم نیست، یعنی مثلاً برای نسل ما کاملاً یکی اون طوری باشه، اصلاً مهم نیست می‌دونید، اوکییم ما باهاش.

- چه چیزی هست؟

مجبورام بگم دیگه شرمنده، ولی نمی‌دونم شاید شنیده باشین بایوسکچوال، مثل این که جیمین یک‌سری عکس‌هایی را منتشر کرده که تم خانواده ال‌جی‌بی‌تی را داره و رنگ آبی و صورتی وقتی کنار هم بیاد، یعنی بایوسکچوال و طراح لباس‌های جیمین هم یک طراح ایرانی گی هستش و (خنده) جیمین قبل از منتشر کردن عکس‌ها توییت کرده که من این‌ها را از صمیم قلبم و با توجه به زندگی‌ام این عکس‌ها را گرفتم و انتخاب خودم بوده و کسی مجبورام نکرده، حالا ما نمی‌گییم قطعاً، ولی بعضی‌ها می‌گن شاید بایوسکچوال باشه.

- این چه معنایی برای شما دارد؟ شما و دوستانتون به چه چیزهایی فکر می‌کنید؟

خوب ما اصلاً راستش برامون مهم هم نیست، یعنی ما از اولش هم می‌دونستیم، یعنی شما طرف هر آیدولی برین، یک چیز این طوری راجع بهش هست و خوب ما هم مشکلی نداریم، ما از اولش هم قبل از این که آرمی بشیم، همه دوست‌های من قول داده بودیم که در هر شرایطی حمایت‌شون می‌کنیم، اصلاً مهم نیست گرایش‌شون چی باشه، چه جواری زندگی می‌کنن، با صورت و قیافه و این‌هاشون چی کار می‌کنن.



- چرا این قول را می‌دین؟ شرط آرمی ماندن است؟  
 نه خوب، خیلی از آرمی‌ها هم چنین قولی ندادن به خودشون، ولی ما کلاً من و دوستانم در خانواده‌هایی بزرگ شدیم که طرف این طوری هم باشه برامون اصلاً مهم نیست. انسانه دیگه، بالاخره همه ما انسانیم.  
 - اون سری که مثل شما فکر نمی‌کنن، طرز تفکرشون به چه صورت است؟  
 نوع دیگه یک‌سری کامنت‌ها روی این عکس‌ها هست، روی این شایعه‌ها که مثلاً می‌گه نه خیر جیمین پاک‌تر از این حرف‌ها هست و اصلاً از این کارها نمی‌کنه و لزوماً این‌ها آرمی‌هایی نیستن که جزو ال‌جی‌بی‌تی باشن و این ژست را می‌گیرن که یعنی ما آدم‌های ناپاکی هستیم، مثلاً ما آدم‌های بدی هستیم، آدم بی‌خودی هستیم و این حس خوبی نمی‌ده.



- این عکس‌ها با کسی هستند؟  
 نه خودش تنها است، آیدول‌ها که گفتیم اصلاً نمی‌تونن وارد رابطه بشن، ولی در کل، بالاخره آیدول ان دیگه، هر سلبریتی یک‌سری شایعه‌هایی پشت سرش هست، بخواد نخواد هست.  
 - ببین می‌گی شایعه و خودش گفته من دارم با آزادی می‌گم، به نظر شما قصه به چه صورت است؟  
 آخه من اصلاً نظری ندارم، من می‌گم آخه زندگی خودش، من چرا باید راجع به چنین چیزی فکر کنم. ولی ما به این بیش‌تر فکر می‌کنم که چون کره کلاً کشوری هست که شما آزادی بیان را دارید، ولی دیگه مثل قبل باهاتون رفتار نمی‌شه، تو خیابان طرف بیاد شما را بگیره زیر باد کتک، می‌دونید و این شجاعت خیلی زیادی می‌خواد که طرف بیاد اعلام بکند که آره من این جوری هستم، چون تو کره خیلی بدشون میاد از این که هم‌جنس‌ها باهم باشن.  
 - الآن همه آیدول‌ها تصمیم گرفتن باهم برن سربازی؟  
 نه، می‌دونید چه جوریه، در مورد قضیه سربازی‌شون دوتا انتخاب داشتن، یکی این بود که سه ماه می‌رن سربازی برمی‌گردن و باید تو مسایل سیاسی هم باشن، ولی خوب خود بی‌تی‌اس گفت ما نمایم تو بحث‌های سیاسی و می‌ریم سربازی خود کمپانی هم از تصمیم اعضا حمایت کرد، بیانیه زد که این‌ها می‌رن سربازی و با افتخار می‌رن یعنی یک جوری تیکه انداخت به دولت.  
 - ببین این مسأله که بعضی‌ها می‌گن جیمین بایوسکچواله، فکر می‌کنی خود این مسأله که مطرح می‌شود، قراره چه تأثیرهایی بگذاره؟  
 خوب ببینید آدم‌های معروف زندگی‌هاشون به طرز وحشتناکی مورد دقت عموم هست و تعداد کمی از آرمی‌ها هستن که گرایش اعضا براشون مهمه، مثلاً بقیه ۹۰ درصد براشون مهم نیست و در هر حال حمایت می‌کنن و ده درصد به اون هیترها اضافه می‌شه در همین حد.  
 - اعلام این قبیل اخبار، ممکنه در راه پذیرش این که گرایش‌های متفاوتی وجود داره، باشه؟  
 بله، اصلاً فکر کنم برای همین بعضی از گروه‌ها بعضی وقت‌ها چنین کارهایی می‌کنن، میان می‌گن چون می‌خوان همه آدم‌ها را با هر گرایشی یاد بگیریم بپذیریم، چون واقعاً یکی شجاعت می‌خواهد و یکی این که خود این مسأله تو کره چیز عادی نیست، شما می‌گین، ولی می‌دونید که قراره بعدش حساسی با هیت و کتک و این چیزها مواجه بشین.  
 - تا الآن برای کسی این اتفاق‌ها رخ داده است؟

والا فکر کنم در تاریخ کی پاپ این اولین گروهی هست که اصلاً اعلام کرد که همجنسش را دوست داره.

- بعد چه اتفاق‌هایی افتاده؟

تو گروه بی‌تی‌اس تا جایی که من می‌دونم، هیچ کدام از اعضاء تا به حال چنین کاری نکرده بودند و جیمین که کرده، تازه ۲، ۳ روزه می‌گذره هنوز نرسیده به اوج قضیه که اینترنتی شه.

- وقتی که اطلاع رسانی گسترده بشود، چه اتفاق‌هایی ممکن است برای جیمین رخ بدهد؟  
تهدید به مرگ می‌شه (خنده توام با اضطراب).



- چه کسی تهدیدش می‌کند؟

یک سری هیترها هستن، آرمی‌های فیک.

- تهدید واقعی؟

آره، می‌تونن چنین کاری بکنن و جیمین اولین باری نیست که تهدید به مرگ می‌شه، یعنی همه‌شون اولین بارشون نیست که تهدید به مرگ می‌شن. یعنی جیمین وقتی رفته بودن امریکا کاخ سفید اونجا تهدید به مرگ شدن و جین یکی از اعضاء مثل جیمین لباس پوشید که اگر خطری اون رو تهدید کرد، به جای جیمین به اون اشتباهی تیر بززن، اصلاً می‌بینید ما به خاطر همین چیزها دوست‌شون داریم، وقتی به خاطر دوست‌شون حاضر ان جون‌شون را هم فدا کنن، می‌دونید.

- در آن زمان دلیل تهدید چه چیزی بود؟

دلایل مختلف داره، یکی واقعاً از این‌ها خوشش نیامد، فکر می‌کنن اگه اون‌ها بمیرن زندگی راحت‌تر می‌شه، یک‌سری‌ها حسودی‌شون می‌شه.

- دلیل تهدید در آن تاریخ را می‌دونید؟

نه، راستش نمی‌دونم، ولی می‌دونم که مثلاً یکی از تهدید به مرگ‌ها که خیلی معروف شد، این بود که تو همین کی‌پاپ هم بود، دوست پسر یکی از فن‌های یک گروهی، یگ گروه خیلی قدیمی هم بود، دوست پسرش چون این گفته بود، این‌ها رو دوست داره، قاطی کرده بود و یکی از این‌ها را تهدید به مرگ کرد، حالا بماند که رفت زندان و کلی هم پول داد و این‌ها، ولی بعد دیگه فکر نکنم کسی بیاد چنین ریسکی بکنند، چون کمپانی می‌تواند خیلی راحت از اون هیتر می‌تواند شکایت بکنند، راحت بکشوندش دادگاه و هم به حبس ممکن محکوم بشه و هم یک پول زیادی را باید به کمپانی بده.

- اسم اون شخص را یادت هست؟

نه، مال خیلی وقت پیش هستش من خودم یکی از دوست‌هام برام تعریف کرد.

- برای خود شما اعلام مواضع جیمین چه احساس‌هایی ایجاد کرد؟

راستش برای من مهم نبود، آخه خوب اصلاً باشه به من چه، زندگیشه دیگه می‌خواد هر کاری بکنند، اصلاً بگو بخواد نبود بکنه زندگی‌اش راه، تا وقتی به من آسیبی نرساند، اصلاً مهم نیست.

- این که در معرض تهدید قرار بگیرد چه طور؟

این‌ها خوب چون من واقعاً کاری از دستم برنمیاد، حتی بخوام هم کاری نمی‌تونم انجام بدم، ولی یک‌سری آرمی‌ها هستن مثل بادیگارد مراقب ان، و اصلاً خود این‌ها صدتا صدتا بادیگارد دارن، اصلاً هیچی شون نمی‌شه.

- یعنی هم آرمی‌ها و هم بادیگارد‌ها از آن‌ها محافظت می‌کنند؟  
بله، بله.

- از چه نظر به این خبر بد گفتی، چه تأثیراتی می‌گذاره؟

نه، خبر بد نیست، خبرهای مناسب سن ۱۸ سال به بالا هست. از این جور چیزها، می‌دونید، آخه تیتراهایی که برای این جور خبرها می‌گذارن، اینه که خبر بد، این هیچ وقت خبر خوبی حساب نمی‌شه.

- فکر می‌کنی از چه نظر بد تلقی می‌شود؟  
والا من هم هنوز درک نکردم.

- دوست‌ها به چه صورت فکر می‌کنند؟

دوست‌ها هم خبر ندارن من معمولاً این جور خبرها را می‌رسونم.

- تو از کجا متوجه می‌شی؟

من از یوتیوپ معمولاً.

- به چه صورت اطلاع می‌دی؟

دیدن خبر را می‌گن یک کلاغ چهل کلاغ شده، این‌ها هم همین طوریه، من به یکی می‌گم اون به کس دیگه، البته ما خبر را تغییر نمی‌دیم، همان را به کس دیگه می‌گیم.

- چه کانالی را در یوتیوپ دنبال می‌کنی؟

اسم‌اش یک نارنجی داشت برین سرچ کنید عکس تو یوتیوب یک نارنجی بنفشه.

- به نظر تو گروه بی‌تی‌اس از نظر اعتقادی چه تأثیری روی اعتقادات آدم‌های توی ایران گذاشتن؟

یکی از اعضا گفته بوده که اینا حجاب می‌گذارند که زیبایی‌هاشون رو پنهان کنند و این باعث زیباتر شدن شون می‌شه. خیلی طرفداری کردن همیشه حواس شون به آرمیای مسلمان بوده. کلی فن مسلمان دارن که به همدیگه یادآوری می‌کردند که اینا مسلمان ان، حواستون باشه نباید دستتون بهشون بخوره و اینا.

- دین خودشون چیه؟

خودشون یا مسیحی ان یا دینی ندارند.

- بین وقتی که بچه‌ها با این مواجه می‌شوند که دین با رابطه‌های هم‌جنس‌گرایانه مخالفه و شعاری که توی بی‌تی‌اس هست، اینه که این روابط اشکالی ندارد، به نظر تو بعداً بچه‌ها با این تعارضات چه جوری رفتار می‌کنن؟

اونا نمی‌دونن که موافق این هستند، اونا می‌گن که این مشکلی نداره، می‌گن که نباید از این اتفاق خجالت بکشین، برای ما مهم نیست که طرف با هم‌جنس خودش وارد رابطه بشه، برای ما این مسأله اهمیتی نداره، چون هر انسانی به هر حال ارزش و شخصیت خودش رو داره.

- یعنی این مسأله با دستورهای دینی تو تضاد قرار نمی‌گیره؟

راستشو بگم خیلیا دینی ندارن، به نظر ما علم خیلی بهتر از دینه، علم مسایل اثبات شده هست، دین مسایل اثبات نشده هست، از کجا می‌تونیم مطمئن باشیم که درسته.

- الان شما همین عقیده را دارید؟

بله. بعد من خودم آدمایی رو دیدم که خیلی به نظرم عقاید سفت و سختی داشتند و در خانواده خیلی مذهبی به دنیا آمده بودند، ولی وقتی که آرمی شدن، عقایدشون از بین رفته بود.

- می‌تونی برام مثال دقیق‌تر بزنی از بین دوستان کسی این طوری بوده؟

راستش بله، ولی عقایدش کامل از دست نرفته، اون زمان چادر می‌پوشیده، الان نمی‌پوشه.

- چه طوری تحت تأثیر قرار گرفته؟

البته بین اون خیلی هم توجه به خانواده داشت. دیگه چون خانواده‌اش خیلی مذهبی بودند، وقتی خانواده به شدت مذهبی باشه، خوب شما هم دیگه مذهبی می‌شین دیگه، وقتی یک نفر تو جو مذهبی به دنیا میاد، تو به جو مذهبی بزرگ می‌شه و بنابراین همون عقاید رو پیدا می‌کنه و به نظرش هر عقیده مخالفی اشتباهه، ولی بی‌تی‌اس یک چیزی که به ما یاد داد، اینه که شما می‌تونید هر عقیده‌ای داشته باشین و بایستی که بهش احترام بذارین.

- دوست تو تحت تأثیر این فکر یعنی قرار گرفت؟  
بله.

- الان عقایدش چه شکلیه؟

الآن خدا رو قبول داره، این طوری نیست که دیگه کلاً دین نداره، ولی دیگه به شدت خانواده‌اش نیست.

- بی‌تی‌اس در مورد محیط زیست دغدغه‌ای دارد؟

خیلی (با تأکید)، از حیوانات حمایت می‌کنند، جایی از این که خودشون حیوون خونگی دارند، توی خونه‌شون به شدت همه‌شون عاشق حیوانات هستند و خیلی براشون مهمه که به حیوان آسیبی نرسه.

- چه کارهایی مثل انجام می‌دن؟

مثلاً به یک سری چنل‌هایی که برای حفظ محیط زیست هستند، کمک مالی کردند.



- این‌ها رو خودت دیدی که به چه کمپینی کمک کردند؟

کمپین خاصی نه، ولی خبرش تقریباً همه جا بوده.

- خوب دیگه چه کارهایی؟

حمایت راستش خیلی زیاد کردن، اگه بخوام الآن بشینم، دونه، دونه، بگم، یه لیست بلند بالایی می‌تونم بگم از این جور کارا هست دیگه.

- اون دفعه که با همدیگه صحبت می‌کردیم به من گفتم که این‌ها لباس خیلی زیاد دارن، کسی که می‌خواد از محیط زیست مراقبت کنه، چه

جوری این همه لباس متنوع و جدید خرید می‌کنه؟

این‌ها رو که خودشون نمی‌خرن، کمپانی می‌خره، یعنی خودشون نقشی ندارد و مجبورند که هر لباس کمپانی می‌گه بپوشند.

- یک نفر به من می‌گفت که خیلی ناراحته به خاطر این که نمی‌تونه مثل اونا لباس بخره و لباس بپوشه؟ خوب آخه شما باید ببینید کی داره این رو بهتر می‌گه، خوب اینا میلیاردردن دیگه، وقتی یکی میلیارده، آره خوب معلومه که باید بخره و بپوشه.
- یعنی پس لباس زیاد می‌خرند؟
- اونا خودشون نمی‌خرند، از پولی که در میارن، کمپانی براشون لباس می‌خره. به غیر از لباس‌های خونه‌شون، بقیه لباس‌هاشون مال کمپانیه، بعد تازه اینا اصلاً لباس نمی‌خرند، اینا خیاط دارند معمولاً می‌رند و یه خیاط براشون لباس می‌دوزه و پارچه‌هاشون معمولاً پارچه‌هایی نیستن که به محیط زیست آسیب بزنه.
- این رو از کجا می‌گی؟
- راستش من اون اول که یکی از دوستانم قرار بود من رو آرمی بکنه، ویکی پدیا خوانده بود و گفتش که اونجا اینا رو نوشته، ولی ببینید، به هر حال وقتی تو اون شرایط و جایگاهی مجبوری که متنوع بپوشی، باید این طوری باشی راه‌گیزی نیست.
- میزان پولی که در میارن روی تو تأثیری داشته؟
- بستگی داره دید شما چه طوری باشه، من این طوری نگاه می‌کنم که طرف خیلی تلاش می‌کنه و یک پول گنده در میاره، من می‌گم خوب منم تلاش می‌کنم که بتونم پول در بیارم.
- اگر تو چه کاره بشی، می‌تونی این قدر پول در بیاری؟
- طبق آخرین تحقیقات، من اگه بتونم جراح بشم، اون موقع می‌تونم یه همچین پولی در بیارم و حتی بیش‌تر.
- یعنی تأثیری که گروه برای تو داشته چه طوری بوده؟
- برای من رو میزان تلاشم تأثیر گذاشته، چیزی که من بهش باور دارم اینه که پول خوشبختی میاره و خوب دوستای منم همین طور، برای همین می‌گم که من تلاش زیاد می‌کنم که پول زیاد به دست بیارم که خوشبخت بشم.
- توی چه چیزهایی از گروه تأثیر می‌پذیری؟
- خوب اگه کارهای بدی بکنن که من باهش مخالفم، ولی خوب فکر می‌کنم حالا دو، سه‌تا کار اشتباه کردن، دلیل نمی‌شه که کلاً بذارم‌شون کنار که.
- می‌گه چه کارهای بدی به نظر تو کردن؟
- راستشو بگم من تا حالا کار بدی ندیدم، ولی یکی دوتا از دوستان که الان آرمی نیستن، می‌گفتن که سیگار می‌کشن، ولی که من رفتم تحقیق کردم اون عکسی که دیده بودند در حال سیگار کشیدن سیگار نبوده، آب‌نبات چوبی بوده توی دهنشون.





- چه جوری آبنبات چوبی رو سیگار دیدن؟
- خوب کمپانی میاد یه کسی رو استخدام می‌کنه، یه عکسی رو فتوشاپ می‌کنه، بعدشم شخصی که ازش عکس گرفته شده رو مقصر می‌کنه، هر چه قدر که این پست بیش‌تر ویو بخوره، پول بیش‌تری می‌ره تو جیب کمپانی.
- یعنی یک جوری آیدول‌ها را بدنام می‌کنند؟
- برای یه مدت خیلی خیلی کوتاهی می‌تونه بدنام بکنه، چون که بعد از کم‌تر از یک ماه اصل مسأله در میاد یعنی مشخص می‌شه و همه می‌فهمن که دروغ بوده.
- چه زمانی کمپانی تصمیم می‌گیره این کار را انجام بده؟
- کمپانی وقتی که بودجه‌اش کمه.
- نگین جان از همکاری متشکرم.
- خواهش می‌کنم.

## تأملی دوباره

نگین ۱۳ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مباحثی حول محورهای کمپانی هایب (مؤسس گروه بی‌تی‌اس)، گروه پسران بی‌تی‌اس و هواداران گروه بی‌تی‌اس اشاره داشته است.

نگین در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد کمپانی هایب، به مواردی مانند: بی‌توجهی کمپانی به سلامت روان ستاره‌ها، ترویج نگاه ابزارانگارانه و سوءاستفاده از ستاره‌ها برای به دست آوردن پول، شهرت و قدرت؛ سوءاستفاده و استثمار ستاره‌ها از سمت کمپانی، استفاده از ستاره‌ها به منظور عادی‌سازی گرایش‌های متفاوت جنسی، اعطای هویت ربات مانند (رباتیک) به ستاره‌ها، ایجاد حاشیه و جوّ برای پرشور نگه داشتن هواداران توسط کمپانی، تلاش در جهت افزایش هواداران (آرمی‌ها)، دامن زدن به عشق تخیلی در هواداران دختر و تبلیغ غیرمستقیم سبک زندگی لذّت‌مدار توسط کمپانی، اشاره داشته است.

نگین ۱۳ ساله، در مصاحبه خود در توصیف فراز و فرودهای گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: معرفی گروه بی‌تی‌اس به عنوان پناهگاهی برای رهایی پیدا کردن از حس‌های منفی، القای حس یک خانواده بودن، ایجاد وابستگی به الگو، ایجاد جوّ امیدبخش، سوق یافتن به طرف سبک زندگی هیجان‌مدار، دامن زدن به عشق تخیلی هواداران دختر، تبلیغ سبک زندگی لذّت‌مدار، بی‌توجهی نسبت به زیست‌محیط، عادی سازی هم‌جنس‌گرایی، باز تعریف هویت مردانه و ترویج فرهنگ فردگرا، اشاره داشته است.

نگین در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد هواداران گروه بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: دیدن گروه به مثابه پناهگاهی برای رهایی از حس‌های منفی، نگاه به گروه به مثابه تکیه‌گاهی برای نوجوانان و جوانان، ارضای تنوع‌طلبی هواداران، ارایه سبک‌های متنوع و متفاوت موسیقی توسط گروه بی‌تی‌اس، سرگرم ساختن هواداران، نیاز مفرط جوان به الگو و غفلت کلان نظام از آن، تأثیرپذیری شدید از الگوها، الگوبرداری رفتاری از ستاره‌ها، تعمیق رابطه هواداران و ستاره‌ها، پذیرش نوعی از تقدس‌گرایی در مورد ستاره‌ها، قداست‌یابی ستاره‌ها برای هواداران، تقلید افراطی از ستاره‌ها توسط برخی از هواداران، اخذ سبک زندگی لذّت‌مدار، تحول‌آفرینی گروه در نوع نگاه هواداران به زندگی، جنسیت‌زدایی گروه از پوشاک و آرایش، تبلیغ غیرمستقیم سبک زندگی لذّت‌مدار، جابه‌جایی سبک زندگی لذّت‌مدار با



سبک زندگی تکلیف‌مدار، کاهش اعتقادات مذهبی، عرصه داستان‌نویسی‌ها (فن‌فیکشن‌ها) به مثابه عرصه‌ای برای جذب هواداران نامتعادل، سوق یافتن برخی از هواداران به سمت عشق تخیلی، ائتلاف وقت زیاد هواداران، باز تعریف هویت مردانه برای هواداران، طرح هویت مرزی جنسی و ارایه تعریف جدیدی از مردانگی، وابستگی به گروه بی‌تی‌اس، تشکیل دادن گروه‌های هواداری، هویت‌یابی طرفداران، یافتن هویت گروهی در روند هواداری از گروه، هویت گروهی ایجاد شده حول محور گروه بی‌تی‌اس، برخورد هیجان‌مدار هواداران، هواداری و توجیه مسایل گروه، درگیری هیجانی شدید، نزاع شدید بین مخاطبان مخالف و موافق گروه بی‌تی‌اس، احساس مسوولیت اجتماعی هواداران برای حفظ گروه، هواداری هیجان‌مدار هواداران، فشار گروه همسالان در جذب افراد به گروه، ثبت دقیق اخبار مربوط به گروه، ترجیح به سانسور و نادیده گرفتن اخبار بد درباره ستاره‌ها، استفاده از ساز و کارهای دفاعی جدید (تغییر مسیر توجه)، استفاده از ساز و کار دفاعی خودفریبی، برگزاری جشن تولد ستاره‌ها توسط هواداران، تهیه داستان‌هایی (فیکشن‌هایی) با مضمون روابط هم‌جنس‌گرایانه بین اعضای گروه، ایجاد نگرانی در هواداران نسبت به سلامتی ستاره‌ها، ایجاد اضطراب و مشغولیت ذهنی در بین هواداران با از بین رفتن گروه و نگرانی از آینده، ایجاد اضطراب‌های نوظهور بین هواداران در مورد اضمحلال گروه، اعتماد به منابع نامعتبر در بین هواداران، عرصه داستان‌نویسی (فن‌فیکشن‌ها) به مثابه عرصه‌ای برای تخلیه روانی انسان‌های نامتعادل و کسب در آمد برخی از هواداران از داستان‌نویسی‌ها (فن‌فیکشن‌ها)، اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه نگین ۱۳ ساله، با ارجاع محورهای اقدام‌های کمپانی و اثرات کاربری از گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران، توجه خویش را به مباحث وی در زمینه اثرگذاری گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران آن متمرکز سازیم، می‌توان بیان داشت، نگین در مصاحبه خودش از اثرهای روانی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، اخلاقی- عقیدتی، اقتصادی- سیاسی، هنری، زیباشناختی و خانوادگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس یاد کرده است.

نگین در توصیف «اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: افزایش اعتماد به نفس، سوق یافتن برخی از هواداران به سمت عشق تخیلی، ائتلاف وقت زیاد هواداران، پذیرش باز تعریف هویت مردانه در سطح هواداران، طرح هویت مرزی جنسی و ارایه تعریف جدیدی از مردانگی، وابستگی به گروه بی‌تی‌اس، استقبال از خودفریبی (ترجیح به سانسور و نادیده گرفتن اخبار بد درباره ستاره‌ها)، استفاده از ساز و کارهای دفاعی جدید (تغییر مسیر توجه)، استفاده از ساز و کار دفاعی خودفریبی، ایجاد نگرانی در هواداران نسبت به سلامتی ستاره‌ها، ایجاد اضطراب و مشغولیت ذهنی در بین هواداران با نگرانی از بین رفتن گروه، ایجاد اضطراب‌های نوظهور بین هواداران در مورد اضمحلال گروه، تجربه افسردگی، عرصه داستان‌نویسی (فن‌فیکشن‌ها) به مثابه عرصه‌ای برای تخلیه روانی انسان‌های نامتعادل و اعتیاد و وابستگی به گروه، یاد کرده است.

نگین در توصیف «اثرهای اجتماعی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: دوست‌یابی، دیدن گروه به مثابه پناهگاهی برای رهایی از حس‌های منفی، نگاه به گروه به مثابه تکیه‌گاهی برای نوجوانان و جوانان، نیاز مفرط جوان به الگو و غفلت کلان نظام از آن، تأثیرپذیری شدید از الگوها، الگوپردازی رفتاری از ستاره‌ها، تعمیق رابطه هواداران و ستاره‌ها، پذیرش نوعی از تقدس‌گرایی در مورد ستاره‌ها، قداست‌یابی ستاره‌ها برای هواداران، تقلید افراطی از ستاره‌ها توسط برخی از هواداران، اخذ سبک زندگی لذت‌مدار، تبلیغ غیرمستقیم سبک زندگی لذت‌مدار، جابه‌جایی سبک زندگی لذت‌مدار با سبک زندگی تکلیف‌مدار، تحول‌آفرینی گروه در نوع نگاه هواداران به زندگی، تشکیل دادن گروه‌های هواداری، یافتن هویت گروهی در روند هواداری از گروه، هویت گروهی ایجاد شده حول محور گروه بی‌تی‌اس، احساس مسوولیت اجتماعی هواداران برای حفظ گروه، هواداری هیجان‌مدار هواداران، فشار گروه همسالان در جذب افراد به گروه، ثبت دقیق اخبار مربوط به گروه، برگزاری جشن تولد آیدول‌ها توسط هواداران، برخورد هیجان‌مدار هواداران، هواداری و توجیه مسایل گروه، درگیری هیجانی شدید، ایجاد حاشیه و جو برای پرشور نگه داشتن هواداران، نزاع شدید بین مخاطبان مخالف و موافق گروه بی‌تی‌اس، یاد کرده است.

مصاحبه شونده در توصیف «اثرهای فرهنگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: سرگرم ساختن هواداران، نوعی از سرگرمی عمق دهنده روابط و ترویج فرهنگ فردگرا، سخن گفته است.

نگین در توصیف «اثرهای آموزشی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: اعتماد به منابع نامعتبر در بین هواداران، سخن گفته است.

نگین در توصیف «اثرهای اخلاقی- عقیدتی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: آسیب اخلاقی در تلاطم هیجان هواداری، فریب هواداران، سوق یافتن به سمت خودخواهی اخلاقی، استفاده از ستاره‌ها به منظور عادی سازی گرایش‌های متفاوت جنسی، مقدس دیدن ستاره‌ها، جنسیت-زدایی گروه از پوشاک و آرایش، کاهش اعتقادات مذهبی، تهیه داستان‌هایی (فیکشن‌هایی) با مضمون روابط هم‌جنس‌گرایانه بین اعضای گروه، عرصه داستان‌نویسی‌ها (فن‌فیکشن‌ها) به مثابه عرصه‌ای برای جذب هواداران نامتعادل، یاد کرده است.

مصاحبه شونده در توصیف «اثرهای اقتصادی - سیاسی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از مورد: کسب در آمد برخی از هواداران از داستان‌نویسی‌ها (فن‌فیکشن‌ها)، سخن گفته است.

نگین در توصیف «اثرهای هنری هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از مورد: ارایه سبک‌های متنوع و متفاوت موسیقی توسط گروه بی‌تی‌اس و ارضای تنوع‌طلبی هواداران، سخن گفته است.

مصاحبه شونده در توصیف «اثرهای خانوادگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از مورد: ایجاد اختلاف در خانواده، سخن گفته است. از بیانات اخیر نگین ۱۳ ساله، در جمع‌بندی کلی کتاب، در موارد مورد اشاره، بهره جسته خواهد شد.

## مصاحبه با رخساره، ۱۶ ساله

یکی از آرمیای دختر به جونگ کوک گفت، طرفدار بودن خیلی سخته، چون که می‌دونیم قراره یه روزی ازدواج کنی و ما رو تنها بذاری. بعد جونگ کوک هم در جوابش گفت، می‌دونی آیدول بودن هم خیلی سخته. چون می‌دونم اون روز قلب میلیون‌ها پروانه رو می‌شکنم.

- خوب به من می‌گی که با چه گروه‌های کی‌پاپی آشنا هستی؟

بلک‌پینک رو می‌شناسم، البته بیشتر گروه‌ها رو می‌شناسم، ولی گروه‌هایی که بیشتر در موردشون اطلاع دارم بلک‌پینک و بیش‌تر بی‌تی‌اسه.

- می‌گی که چند وقت هم هست که با این گروه‌ها آشنا شدی؟

من الان تقریباً سه، چهار سالی هست که آرمی‌ام و با این گروه‌ها آشنا هستم.

- با کدام گروه اول آشنا شدی؟

با بی‌تی‌اس.

- خوب می‌گی بهم چه طوری باهاشون آشنا شدی؟

داخل تیک‌تاک و این‌طور چیزا کلیپ‌هاشون رو دیدم بعد کم‌کم دنبال‌شون کردم و بعد هم آرمی شدم.

- اهوم. گفتی که توی تیک‌تاک دیدی، درسته؟

آره.

- از چه چیزهایی‌شون خوشت اومد؟

از قیافه‌شون، مدل رقص‌شون، هیکل‌شون کلاً همه چی‌شون خیلی خوب بود.

- می‌گی بهم قیافه‌شون چه جورى جذبت کرد؟

کلاً اون قیافه‌ای که هفت نفرشون داشتن اون قیافه‌ایه که دقیقاً تایپ منه. همین که گوشواره داشتن و استایل‌هاشون، مدل موهاشون و رنگایی

که می‌زنن به موهاشون. (مکث) نمی‌دونم چه جورى توصیف کنم قیافه‌شون رو، ولی خیلی خوب ان.



- یعنی اون چیزی که در درجه اول باعث شد جذب گروه بی‌تی‌اس بشی، چی بود؟

اول از همه دنس‌شون رو دیدم، بعد برام دنس‌شون جذاب اومد.

- رقص‌شون؟

آره چون اسمشون اونجا زیاد معلوم نبود بعد گذشت. بعد دیدم کلیپ‌هاشون بیشتر شد و بیشتر حال کردم. آرمی شدم، قیافه‌هاشون بیشتر برای من عادی شد.

- از چه چیز هیکلشون خوشتر اومد؟

این جووری نیستن که خیلی پر باشن، یعنی پر از عضله نیستن، یه بدن معمولی دارن، چاق نیستن، لاغر هستن، ولی سیکس‌پک دارن، انگشت دستشون یه فرم بلند و دراز خیلی قشنگی داره، خیلی خوشم میاد.

- می‌گی رقصشون چه شکلیه؟

خیلی متنوعه.

- از چه مدل‌هایی از رقصشون بیشتر خوشتر میاد؟

من بیشتر تر از دنس دینامیت و باتر خوشم میاد. یه جور دنس ترکیب هیپ‌هاپ و رپه. می‌دونی یه همچین چیزایی.

- یعنی چه مدل حرکاتی دارن، حرکاتشون خیلی سخت و خیلی موزونه؟

خیلی سخته، ولی اونا خیلی راحت انجامش می‌دن. خیلی راحت انجامش می‌دن.

- یعنی رقصشون یه جووری هست که به جسمشون آسیب برسه یا یه اتفاقی براشون بیفته؟

بعضی وقتا آره، آسیب می‌بینن.

- مدل رقص رو خودشون طراحی می‌کنن یا کمپانی؟

بعضی از رقص‌ها رو خودشون طراحی می‌کنن، رقص بعضی از آهنگ‌های پرطرفدارشون رو کمپانی.

- اون‌هایی که کمپانی طراحی می‌کنه سخت‌تره یا اون‌هایی که خودشون طراحی می‌کنن؟

رقص‌هایی که کمپانی طراحی می‌کنه، خیلی سخت‌تره، ولی اونایی که خودشون هم طراحی می‌کنن اونا هم واقعاً سخت هستن. در کل

دنسشون خیلی سخته. این نیست که بشه راحت یاد گرفت، خیلی تمرین می‌کنن سرش، یه عالمه تمرین سرشون انجام می‌دن، کلی ورزش‌های سنگین برای آمادگی بدنی.



- هیچ وقت خودت تمرین کردی که رقصشون رو یاد بگیری؟

آره.

- خوب چه جووری بوده؟

برا من، من الان خیلی طول کشید تا یاد بگیرم، ولی دوتا از دنس‌های دوتا از آلبوم‌هاشون رو یاد گرفتم. بعضی از آیدول‌های کی‌پاپ‌ها رقص خودشون رو در فضای مجازی می‌ذارن، از اونجا نگاه کردم و تمرین کردم.

- آموزش رقصشون رو بیشتر تر تو چه فضایی می‌بینی؟

کلاً هر چیزی از بی‌تی‌اس بخوای جاهای مختلف هست: پینترست، یوتیوب، تیک‌تاک و اینستا.

- خوب تو اومدی یاد بگیری خودت آسیب ندیدی؟

نه خب من دنس‌هایی که بعضی‌هاش رو می‌دونم خیلی سخته و آسیب می‌بینم، اونا رو انجام نمی‌دم. یه دنس‌هایی را که می‌شه راحت یاد گرفت رو انجام می‌دم.

- وقتی می‌بینی رقصشون این قدر سخته و این قدر حرکات سختی انجام می‌دن، راجع بهشون چه طوری فکر می‌کنی؟

چیز خاصی فکر نمی‌کنم، به نظرم جالب میان. کلاً طرح رقص شون، مدل آهنگ خوندن و استایل شون برای رقص خیلی جالبه.

- رقص خودشون یا اون کسانی که هم‌زمان روی صحنه باهاشون می‌رقصند؟

- خودشون.

- این که ممکنه در حین رقص آسیب ببینن، برات چه حسی درست می‌کنه؟

ناراحت می‌شم بعضی وقت‌ها، مثلاً داخل کنسرت حال شون بد می‌شه، می‌افتن می‌رن بیمارستان یا از سرم و این جور چیزا استفاده می‌کنن پشت صحنه کنسرت.

- خوب چی می‌شه که این اتفاق براشون می‌افته؟

به خاطر تمرین زیاده. چون کمپانی مجبور شون می‌کنه بعضی وقت‌ها خیلی سخت تمرین کنن و بهشون استراحت هم نمی‌ده.

- چرا کمپانی استراحت بهشون نمی‌ده؟

چون بعضی وقت‌ها سرشون شلوغ می‌شه، از همه کشورها براشون نامه میاد که بیان اونجا مشغول به کار بشن یا اونجا بازیگری کنن و کنسرت بذارن، برا همین وقت سر خاروندن هم ندارن و مجبور هستن انجام بدن.



- یعنی تو موافقی با این که آسیب می‌بینن، اما رقص شون رو انجام بدن؟

نه خب... هیچ کدوم از آرمی‌ها موافق نیستن، ولی مجبورن دیگه. خیلی کم پیش میاد آسیب ببینن، یعنی قبلاً که زیاد داخل دنس ماهر بودن، گه‌گذاری آسیب می‌دیدن، ولی الان که خیلی حرفه‌ای شدن تو رقص شون، چیزی نمی‌شه.

- اوهم. بعد وقتی می‌بینی کمپانی مجبور شون می‌کنه، راجع به کمپانی چه فکری می‌کنی؟

کمپانی... اوم... الان آزادن، الان بیش‌تر از قبل آزادن، موقع‌هایی که شروع کردن به کار کردن یعنی موقع‌هایی که فعالیت شون رو شروع کردن نزدیک بود دیس‌بند شن، یعنی نزدیک بود گروه شون از هم جدا شه، برای همین خیلی سخت کار می‌کردن، در حدی که آسیب دیدن. کمپانی هم اونا رو مجبور می‌کرد که خیلی کار کنن و برا همین که الان به اینجا رسیدن و کمپانی دیگه باهاشون کاری نداره و بیش‌تر آهنگ‌ها و دنس‌هاشون رو خودشون درست می‌کنن.

- یعنی اون سخت‌گیری اولیه برای این بود که پا بگیرن؟

آره.

- بعد کسی بود بین شون که آسیب جدی هم ببینه؟

آره، مثلاً یکی از اعضا شون که اسمش شوگا بود، باعث شد شونه‌اش خیلی آسیب جدی ببینه تا یه مدت اصلاً داخل کنسرت اینا شرکت نکنه.

- بعد واکنش کمپانی به این چی بود؟

کمپانی که هیچی، آرمی‌ها یعنی طرفدارای بی‌تی‌اس همه‌اش براش نامه می‌فرستادن و اعضای بی‌تی‌اس تو کنسرت برای این که جاش خالی نباشه یه میکروفن خالی اونجا گذاشتن براش و یکی اعضای دیگه که اونم اسمش جینه، اونم دستش شکسته توی یک کنسرت، برای همین یه مدت نمی‌تونست بیاد سر کنسرت.

- یعنی یه جوری آرمی‌ها و خود گروه به کمپانی فشار آوردن که سخت‌گیریش کم‌تر بشه؟ آره.

- اوهوم. کمپانی کاری در جهت جبران آسیبی که بهشون زده انجام داد و یا سخت‌گیریش را کم‌تر کرد؟ سخت‌گیری که خیلی کم‌تر شد و اونا هم الان برای هر برند لباسی یا برای هر مهمونی خارج از کشوری که می‌رن، پولشون رو هم می‌گیرن، به هر حال خیلی معروف ان دیگه، کاریه که کمپانی انجام داده اونا به اندازه کافی همه چی دارن. تبلیغات هم انجام می‌دهند؟

- بله، تبلیغات خیلی زیادی انجام می‌دن سفیر برندهای خیلی مشهور هستن و کلی پول در میانن. برند کدام کشورها؟

- از هر جایی که باهاشون تماس بگیرند، پاریس، آمریکا و خود کره.

- تبلیغ چه چیزهایی را انجام می‌دهند؟

- هر چیزی که خیلی پرتفدار باشه.



- من دیدم مک‌دونالد را هم تبلیغ می‌کنند؟

- آره هم خوراکی، هم وسایل خونه، یخچال، تلویزیون، خیلی چیزها رو تبلیغ می‌کنن یادم نیست که بخوام دونه، دونه، بهتون بگم، ولی خیلی زیاد هر چی که معروف باشه و پرتفدار، اینا تبلیغش می‌کنن.



- وقتی که تبلیغ چیزهای خیلی گران قیمت را می‌کنند، طرفداراشون که وضعیت مالی شون متوسط یا ضعیفه، ناراحت نمی‌شن؟

- نه (با تعجب) برای چی ناراحت بشن، خوب اگه کسی بتونه که می‌خره، کسی هم که نتونه خوب نمی‌خره دیگه.

- من دیده‌ام کسانی بوده‌اند که ناراحت می‌شدند.

من در این مورد هیچ حسی ندارم، چون خودم این طوری نیستم، از هیچ کدام از دوستانم هم تاحالا همچین چیزی نشنیدم، آخه ماها که کمبودی نداریم، خودمون هر چی داریم، به اندازه خودمون داریم و راضی هستیم، خوب اون‌ها هم بیش‌تر دارن، خوب داشته باشن، به ما ربطی نداره و برای تبلیغ بهشون زنگ می‌زنن، کارشونه دیگه، باید برن کارشون رو انجام بدن، نمی‌شه کار نکنن که بقیه ناراحت نشن، این چیزی که شما می‌گین، واقعاً نمی‌دونم شاید خیلی آرمی‌های کمی این طوری باشن، ولی من به این جور آرمی بر نخوردم.

- الآن وابستگی شون به کمپانی چیه؟

الآن فعلاً قرارداد دارن تا یه مدت مشخصی کار می‌کنن داخل کی‌پاپ، وقتی که قراردادشون تموم شه، از هم جدا می‌شن هر کدام شون می‌ره دنبال زندگی خودش، هر شغلی که می‌خواد می‌تونه داشته باشه.

- خوب این که قراردادشون تموم بشه، یعنی گروه‌شون منحل و دیس‌بند می‌شه؟

آره دیگه، تموم می‌شه. هر گروه کی‌پاپ یه تایم مشخصی داره.

- خوب چه قدر مونده که این گروه دیس‌بند بشن؟

اینا قراره که سال ۲۰۲۷ قراردادشون تموم بشه، البته قرارداد سال ۲۰۲۱ تموم می‌شد که تمدیدش کردن گذاشتن ۲۰۲۷ الآن چون قراره اعضای گروه دونه دونه برن سربازی و دو سال سرباز باشن، کارشون قدری متوقف شده. الآن یکی از اعضای گروه رفته سربازی و بقیه هم قراره برن سربازی و دو سال باشن، قرارداد رو گذاشتن بالاتر. فکر کنم الآن معلوم نشده تا کیه، ولی خودشون گفتن حالا حالاها هستن.



- خوب این که قرار شد بمونن، چه احساسی برات دربرداشت؟

خب هم من و هم آرمی‌ها خیلی خوشحال‌تر شدن. وقتی قراردادشون تموم بشه برن، یعنی خبری ازشون نیست، یکی می‌ره لباس فروشی کار می‌کنه، یکی ازدواج می‌کنه و خلاصه این برا آرمی‌ها بده.

- بده چون بهشون دسترسی ندارن؟

آره.

- خوب اینا با این همه پولی که درآوردن، نمی‌تونن یه کاری برای خودشون بکنن و یه گروه جدیدی بسازن؟

چرا فعلاً برنامه‌ای برای بعد از دیس‌بند شدن شون نداشتن، ولی به گفته خودشون، گفتن حالا حالاها هستیم و شاید وقتی که دیس‌بند شدن، خودشون برن داخل یه گروه دیگه ولی کمپانی پسرهای جدید رو برای گروه جدید جمع می‌کنه.

- الآن اطلاعیه داده برای گروه جدید؟

آره یه مدت پیش شایعه شده بود که یک گروه جدید کمپانی معرفی کرده، ولی نمی‌دونم درسته یا نه.

- بعد این حالا اعضای رفتن سربازی و قرار شده گروه تا ۲۰۲۷ ادامه پیدا کنه این که سن شون داره می‌ره بالا برای آرمی‌ها، چه معنی داره؟

اوم خب بالاخره سنه دیگه، معنی خاصی نداره. در هر حال اونا هر چه قدر بزرگ‌تر شن، باز برای آرمی‌ها فرقی نمی‌کنن.

- یعنی تو مدل خیال‌پردازی، وان‌شات، فن‌فیکشن‌هایی که می‌نویسن، فرقی ایجاد نمی‌شه؟

نه. الآن بزرگ‌ترین عضو گروه ۳۱ سالشه و بازم فرقی نکرده. اینا تو ۲۰۱۳ شروع کردن به فعالیت جدی شون و داخل گروه موسیقی اومدن از همون موقع تا الآن برای من هیچ فرقی نکردن، همه یکی اند.

- چی باعث شده که در طی این سه، چهار سال آرمی بمونی؟

اونا هم خیلی به آرمی‌ها اهمیت می‌دن، آرمی‌ها واقعاً خیلی برای اونا مهم اند، کلی حرف‌های انگیزشی و چیزای خوب به آرمی‌ها می‌گن، داخل کنسرت‌ها به آرمی‌ها کمک می‌کنن یا فن سایت می‌ذارن. با آرمی‌ها دیدار دارند و سعی می‌کنن در همه کشورها کنسرت بذارن و سعی می‌کنن آرمی‌های همه کشورها رو ببینن. داخل ایران هم می‌خواستن بیان ولی نداشتن، ایرانی‌ها نداشتن که بیان داخل ایران کنسرت برقرار کنن که حتی داخل لایوشون گفتن که ایران رو دوست دارن و واقعاً طرفدارای ایرانی شون رو حمایت می‌کنن (رخساره برای سند در این مورد کلیپی را برای مصاحبه کننده فرستاد که در مورد خیابان تهران در سئول و خیابان سئول در تهران صحبت می‌کردند و کلیپ دیگری که سعی می‌کردند، با آرمی‌ها چند کلمه فارسی حرف بزنند).

- می‌تونی دقیق‌تر در مورد اهمیتی که به آرمی‌ها می‌دن، مثال بزنی؟

مثلاً موقعی که تهیونگ به آرمی‌ها گفتش که وقتی اسم شوهرت و نامزدت و هر چی رو که پرسیدند، اسم من رو نگید، و هیچ وقت من رو به عنوان شوهرتون حساب نکنین، چون مطمئناً یکی بهتر از من رو پیدا می‌کنید و اونم باید به من قول بده از شماها مراقبت می‌کنه، مثلاً یه همچین حرف‌هایی می‌زنن.

- خوب وقتی این جملات رو می‌شنوی، چه پیام‌هایی ازش می‌گیری؟

فقط می‌دونیم که خیلی براش مهمیم. بعضی وقت‌ها داخل فن‌ساین‌ها با آرمی‌ها دست می‌دن، باهاشون بازی می‌کنن، بغل‌شون می‌کنن. اصلاً نژادپرست نیستن، به همه نژادها احترام می‌ذارن به اونایی که با حجاب ان و مسیحی اند به اونا احترام کامل رو می‌ذارن. کلاً به پیر و به بچه، به هر سنی.

- چرا اعضای گروه با برنامه وایت‌واشینگ عکس و فیلم‌های خودشون را سفید می‌کنند و در عمل از نژاد خودشون فاصله می‌گیرند؟

این مسأله ربطی به نژادپرستی توشون نداره، نه اصلاً اونا نژادپرست نیستند، اونا سعی کردن توی همون کاخ سفید هم در مورد نژادپرستی حرف بزنن، به خاطر همین صحبت‌هاشون ازشون تشکر می‌شه. این می‌تونه معیار زیبایی باشه تو کره، نه به خاطر نژادپرستی. این کاری که کمپانی می‌کنه، کاری نیست که خودشون بخوان، یعنی اصلاً این برنامه همه اینا زیر نظر کمپانی ساخته شده و به هر حال آیدول ان دیگه، باید یه جور دیگه دیده بشن که کمپانی تأیید می‌کنه و طرفداراش رو زیاد می‌کنه.



- اگر با رنگ پوست خودشون دیده بشن، طرفدارهاشون کم می‌شه؟

راستش رو بخوای این طوری فکر نمی‌کنم، برای من و دوستان اینا هر رنگ و هر شکلی باشن، همون قدر ارزش دارن، ولی نمی‌دونم چرا کمپانی دلش خواسته که سفیدتر دیده بشن، فکر کنم به خاطر همون معیارهای خود کره هست، خود اونا این جور دوست دارن.

- به نظرت به هر حال این به این معنی نیست که خودشون یه جور دارن رفتار می‌کنند که با نژاد خودشون مسأله دارند؟

نه، به نظرم این طوری نیست که با نژادشون مسأله دارن، نژاد که فقط تو رنگ پوست معنی نمی‌شه، به نظرم اینا همه وجودشان معلومه که کره‌ایی ان، میکاپ و این یه ذره این برنامه‌ها که سفیدتر نشون می‌ده، همه اینا به خاطر کمپانیه، به خاطر این که تو اجراها بهتر دیده بشن، به نظرم دلیل دیگه‌ای نداره.



- و مثل این که به هر حال کمپانی سعی داره که سفیدتر از اون چیزی که هستن، نشون شون بده؟  
 نمی‌دونم شاید می‌تونه به این برگرده که خوب اینا دیگه همه جای دنیا طرفدار دارن و همه نگاه‌شون می‌کنن، خوب شاید اگه به ذره سفیدتر دیده بشن، آدمای بیش‌تری از شون خوش‌شون بیاد، شایدم کلاً تو کشورشون اعتماد به نفس خودشون پایینه، این طوری خواستن چه می‌دونم شاید اعتماد به نفس شون را به جوری بالا ببرن، ولی باز می‌گم، این مسأله به نظرم به نژادپرستی ربطی نداره، این همه کار برای نژادپرستی می‌کنن، حالا به ذره سفیدتر دیده بشن، کاراشون رو نقض نمی‌کنه.

- چه کارهایی برای نژادپرستی می‌کنند؟

تو موزیک ویدیوهاشون از هر نژادی میارن، سیاه، سفید هر جوری باشی آدم‌های مختلف میارن، خیلی سخنرانی دارن یا همون توی کاخ سفید که رفتن حرف‌هایی که با بایدن می‌زدن.

- اوهوم.

حتی به کاخ سفید هم رفتن و از طرف بایدن نامه گرفتن برن اونجا.

- چرا بایدن خواست برن اونجا؟

چون بی‌تی‌اس افتخار خیلی بزرگیه برا کشور خودش و برای کل کشورهای دیگه و خیلی محبوب و پرطرفدارن، بایدن اونا رو به کاخ سفید دعوت کرد و باهم دیدار کردن از اونجا.

- و این دیدار چه دستاوردهایی برای گروه و آرمی‌ها داشت؟

همین که با خود بایدن توی اتاق رو در رو صحبت کردن، مثل یه جایزه است براشون، خیلی افتخارشون رو زیاد کرد و این معنی رو می‌داد که آمریکا هم اونا رو دوست داره و خود این باعث شد خیلی محبوب‌تر شن. اونجا گفتن که نژاد براشون مهم نیست و تو هر جایی به فکر آرمی‌ها هستن، اولویت‌شون اول آرمی‌هاست، بعد افتخارات‌شون.

- این که اولویت‌شون اول آرمی‌ها هست را از روی چه کارهایی می‌فهمی؟

کارهای خیلی زیادی انجام دادن برای آرمی‌ها، برای بچه‌ها، نمی‌دونم دقیقاً چه مبلغی، ولی مبلغ خیلی زیادی به بچه‌های بی‌سرپرست کمک کردن یا خونه‌ی سالمندان و این جور چیزها برای پیرزن و پیرمردها ساختن، کلاً خیلی کمک کردن به بی‌پناه‌ها و به اونا که سرطان دارن و این جور چیزها.

- این خبرها را از کجا می‌فهمی؟

این چیزایی اند که بقیه آرمی‌ها عکس می‌گیرن از شون یا خودشون اعلام می‌کنن یا کمپانی بهشون می‌گه.

- کمپانی می‌گه برن کمک کنن؟

نه.

- بعد کمپانی اعلام می‌کنه؟

نه. خودشون. کمپانی در این جور چیزها زیاد باهاشون کاری نداره، خودشون این کارا رو انجام می‌دن و حتی از طرف مؤسسه‌ای که کمک می‌کنن، خود مؤسسه هم خبرش رو می‌ذاره که مثلاً آره بی‌تی‌اس انقدر به من کمک کرده.

- اوهوم. یعنی به طور خاص راجع به آرمی‌ها نیست، به کل آدم‌ها کمک می‌کنن؟

آره.

- اون کارهای خاصی که می‌کنن که مطمئن می‌شی آرمی‌ها رو خیلی دوست دارن، دیگه چه چیزهایی هست؟

دیگه رفتارشون داخل کنسرت، مثلاً داخل یکی از کنسرت‌ها یه آرمی حالش یه کم بد شده بود، نیاز داشت آب بخوره، بعد جانکوب آب معدنی خودش رو بهش داد، یا موقعی که برای تهیونگ گل پرتاب کرده بودن اون گل رو برگردوند به همون آرمی و ازش تشکر کرد و بغلش کرد. یا توی فن ساین میان بغل‌شون می‌کنن یا با موهاشون بازی می‌کنن، کلاً با آرمی‌ها خیلی مهربون هستن.

- اوهوم. بعد بینم این که گفته که تهیونگ گفته بود من را به عنوان شوهرتون در نظر نگیرین بهترش رو پیدا می‌کنین، برای چی این رو به

آرمی‌ها گفته؟

آرمی‌ها فکر می‌کنن از این بهتر کسی رو نمی‌تونن به عنوان شوهر پیدا کنن. حتی آرمی بوده به خاطر بی‌تی‌اس از شوهرشون طلاق گرفتن، به خاطر همین گفته من رو به عنوان شوهرتون انتخاب نکنین، مطمئناً یکی بهتر از من میاد داخل زندگی‌تون، من بهترین نیستم. - کسانی که طلاق گرفتن را مثال می‌زنی؟

مثالش خب اسمش رو نمی‌دونم، نمی‌دونم داخل کدوم کشورن، ولی داخل تویت پست می‌ذارن.

- یعنی چه جوری برای اونا از همسر خودشون طلاق گرفته اند و اصولاً می‌گن واسه چی طلاق گرفته اند؟

آره. حتی بعضی وقت‌ها از اونایی که طلاق گرفتن، اون مردها اومدن برای بی‌تی‌اس آهنگ خوندن، مثلاً آهنگ انگلیسی خوندن، ترجمه‌اش می‌شد که من ای کاش شبیه جونگ‌کوک بودم، جونگ‌کوک بهترینم، زخم طلاق گرفت به خاطر جونگ‌کوک. سر همین چیزها، خبرش خیلی وایرال شده بود.

- جونگ‌کوک رو یعنی الان همه چه جوری می‌شناسن؟

یعنی چی یه کم واضح‌تر می‌گین؟

- بله، بین مثلاً این مرده اومده گفته، کاش مثل جونگ‌کوک بودم، منظورش اینه که کاش چه جوری بودم؟

مثل اون جذاب، مثل کسی که زن من دوستش داره. کلاً جونگ‌کوک با استعدادترین عضو گروهه که داخل همه چی مهارت داره: تیراندازی، نقاشی، دنس، وُکال حتی سه، چهار سال پشت سر هم مراسم گرمی<sup>۱</sup> رو برنده شد.

- چه مراسمی؟

- مراسم گرمی. یه مراسمی که همه بازیگرا و خواننده‌ها، معروف‌ترین بازیگرای هالیوودی و کلاً کی‌پاپ داخل اون شرکت می‌کنن و بهترین بازیگر یا خواننده سال اون جایزه رو می‌گیره و بی‌تی‌اس اولین گروه کی‌پاپ کره‌ای بودش که چهار سال پشت سر هم این جایزه رو گرفت.

- گروهی گرفتن یا یه نفرشون این جایزه رو گرفت؟

گروهی گرفتن.

- جایزه رو برای چه چیزی بهشون دادن؟

- اونجا داخل مراسم گرمی مثلاً بیلی که اونم داخل مراسم هر سال شرکت می‌کنه، مثلاً اونجا آهنگ می‌خونه هر سال و استعدادش رو اونجا نشون می‌ده و بی‌تی‌اس بهترین سبکه به خاطر دنس و آهنگی که خوند.

- کدام رقص شون؟

دنس آهنگ دینامیت که معروف‌ترین آهنگ و آلبومشه.

- اوهوم. دیگه چه چیزهایی تو گروه برات جذابه؟

مثلاً لایوهاشون داخل لایوهاشون یا... خیلی... اون قدر هر روز یه خبر میاد یه جا جایزه اول کسب کردن، دیگه واقعاً برای آرمی‌ها خیلی عادی شده، واسه همین خیلی بی‌توجه، بی‌ذوق اون استوری رو رد می‌کنن، چون واقعاً براشون عادی شده، بی‌تی‌اس بخواد اول شه.

- برای تو هم عادی شده؟

من خودمم همین جوریم یعنی یه خبر می‌بینم که رفتن داخل صدر جدول و اینا دیگه زیاد حس خاصی ندارم. می‌زنم استوری بعدی و اینام جز صدر جدول بیلوردن. داخل اولین نفر داخل جدول بیلوردن که این خیلی خیلی معروف ترشون کرده.

- چه چیزهایی کمک کرد که صدر اول بیلورد قرار بگیرن؟

آهنگ‌هاشون و طرفدارهاشون. محبوب‌ترین آدم‌ها اونجا قرار می‌گیرن، چون که خیلی طرفدار زیادی دارن، این مسأله سبب شده گروه داخل هر کشور خیلی معروف بشن، خلاصه آهنگ‌هاشون، رقص‌هاشون و رفتن به کاخ سفید و دیدن آدم‌های خیلی مشهور، مشهورشون کرد.

---

<sup>۱</sup> - گرمی یک جایزه موسیقی است که توسط آکادمی ملی علوم و هنرهای ضبط برای شناسایی دستاوردهای صنعت موسیقی ارائه می‌شود. نشان جایزه یک گرامافون طلاکاری شده را به تصویر می‌کشد. مراسم سالانه اهدای جوایز با اجرای هنرمندان برجسته و اهدای جوایزی که محبوبیت بیش‌تری دارند، همراه است. از بین سه مراسم بزرگ موسیقی جهان، گرمی بزرگ‌ترین آن‌ها است. گرمی به همراه جوایز اسکار (برای دستاوردهای سینمایی)، جوایز امی (برای دستاوردهای تلویزیونی) و جوایز تونی (برای دستاوردهای تئاتر و برادوی) یکی از چهار جایزه اصلی سالانه سرگرمی آمریکا محسوب می‌شود.

- هر کدامشون لایو جداگانه دارند؟

بعضی وقت‌ها جداگانه لایو می‌دارن، بعضی وقت‌ها گروهی می‌دارن و یکی، دو بار قبل تولدشون حتماً لایو جداگانه می‌دارن. داخل لایوشون هر کاری که آرمی‌ها بگن رو انجام می‌دن، مثلاً آهنگ می‌خونن، می‌رقصن، با آرمی‌ها حرف می‌زنن.  
- یعنی یه فضای ارتباطی شما همون لایوها می‌شه که به طور زنده با همدیگه می‌تونید حرف بزنید؟  
آره.

- تاحالا شده هوادارها درخواست‌های غیرمعمول هم از ستاره‌ها داشته باشن یا سوال‌های خاصی ازشون بپرسن؟  
اوم اینا ساسنگ فن ان، یعنی فن‌هایی هستن که خیلی اشتباه آیدول‌هاشون رو دوست دارن، مثلاً یه طوری خیلی دوست داشتشون رو به آیدول‌ها نشون می‌دن که باعث می‌شن آیدول‌ها ضربه‌های خیلی بدی بخورن. اونا معمولاً داخل هر گروهی هستن داخل هر گروه کی‌پایی و همین اینا باعث می‌شن که کی‌پاپ‌ها آسیب ببینن.

- می‌گی چه جور فن‌هایی هستن؟  
مثلاً داخل فرودگاه که بی‌تی‌اس می‌ره، داخل فرودگاه اونا لخت می‌رن جلوشون یا مثلاً تعقیبشون می‌کنن که آدرس خونهشون رو در بیان و کلاً کارای خطرناک. بعضی وقت‌ها حتی تهدیدشون می‌کنن.

- تهدید به چی؟  
تهدیدشون می‌کنن که آره من اطلاعات خیلی شخصیت رو گیر آوردم، اگه نیای من رو از نزدیک ببینی، اون رو پخش می‌کنم. یا بعضی وقت‌ها، بعضی از اعضای بی‌تی‌اس با تفنگ تهدید شدن که می‌گن آره من میام داخل کنسرت و با تفنگ کارت رو تموم می‌کنم.

- بعد مثلاً چه درخواستی ازشون دارن و برای چی می‌خوان ببینشون؟  
بالاخره فن‌هایی هستن که به طور اشتباه اونا رو دوست دارن و می‌خوان از نزدیک ببینشون.

- یعنی فقط می‌خوان ببینشون، هیچ کار دیگه‌ای باهاشون ندارن؟  
می‌خوان ببینشون، باهاشون دوست شن، باهاشون حرف بزنن، باهاشون ارتباط داشته باشن.

- اونی که مثلاً تو کنسرت تهدید کرده بود، اگه کاری که می‌گم رو نکنی بهت آسیب می‌رسونم، چه کاری از آیدول خواسته بود؟  
دقیق یادم نیست، این موضوع برا خیلی وقت پیشه. آها نه اونی که این کار رو کرد، هیترا بود. هیترا هم کسانی ان که از آیدول‌ها متنفرن. بالاخره هر آیدول یا هر بازیگری یه هیترا داره، اون چون بدش می‌اومده از بی‌تی‌اس اومدن عکس چندتا حیوون را که کشته، پست گذاشته و گفته که امروز داخل کنسرت می‌بینمتون، زیرش نوشته داخل کنسرت می‌بینمتون. واسه همین خیلی چیزهای امنیتی خیلی بیش‌تر شده از بی‌تی‌اس محافظت کنن بعد آخر اون طرف رو هم دستگیر کردن.

- آهان یعنی واقعاً هم اومده بوده تو کنسرت؟

آره.  
- بعد چه تویخی کردن؟

انداختنش زندان کمپانی ازش شکایت کرده. یه سری بادیگارد کمپانی براشون گذاشته.  
- فن‌هایی که گفتی این‌ها رو دوست دارن و می‌خوان باهاشون دوست بشن، همونایی هستن که از شوهرشون هم طلاق می‌گیرن؟  
بعضیاشون آره، ولی کلاً اینا معمولاً جزو خطرناک‌ترین فن‌ها هستن که آیدول‌ها اصلاً از دستشون امنیت ندارن.  
- پس می‌گی این‌ها خطرناک ان.

بله.  
- لطفاً برام بگو؟

اسم این جور فن‌هایی که گفتم ساسنگ فنه. مدل دیگه‌اش هم که فن نیست، هیترا، بدش میاد از آیدول‌ها و دلشون می‌خواد کلاً نباشن، بمیرن و آنتی فن هم کلاً هم از فن، هم بی‌تی‌اس هر دو مورد بدش میاد اونام بدن جز بدترین‌هان.

- نفرت‌پراکنان (هیترا) چه گروهی اند؟

اینها همین گروهی هستن که بی‌تی‌اس رو تهدید می‌کنن و فن‌هاشون و بعضی وقتا به بعضی از فن‌ها واقعاً آسیب می‌رسونن و بعضی فن‌ها رو واقعاً می‌کشن.

- تاحالا موردی پیش اومده؟

تا حالا یه مورد ایرانش رو هم داشتیم که یه دختره و رفیق‌هاش لباس بی‌تی‌اس تن‌شون بوده، بعد بیرون بودن، چهارتا پسر اومدن راجع به بی‌تی‌اس تیکه انداختن بهشون و اونا هم به طور طبیعی اومدن جواب‌شون رو دادن، واسه همین درگیری شد و این پسر هم اومدن با سنگ کله دختره رو شکوندن که هشت‌تا بخیه خورد سرش.

- اون‌ها جزو آنتی‌فن‌ها بودن؟

جزو کسانی بوده که از بی‌تی‌اس بدشون می‌اومده، یک جور آنتی‌فنه.

- بعد فکر می‌کنی چرا یک نفر این قدر از دیگران بدش میاد. یعنی این میزان دوست داشتن و این میزان تنفر چه جور ایجاد می‌شه؟

به هر حال بعضی از آرمی‌ها واقعاً جنبه ندارن، میان بعضی از خواننده‌های دیگه را هم مسخره می‌کنن، می‌گن بی‌تی‌اس از اونا بهتره، بعضی‌ها هم می‌گن بی‌تی‌اس بهتره. یه گروه دیگه هم که از آرمیا هستن، اونایی که آنتی‌فن را دوست دارن مسخره می‌کنن. که این باعث درگیری بیش‌تری می‌شه.

- یعنی همیشه یه دعوایی خیلی جدی در جریانیه؟

آره.

- بعد کجا باهم دیگه دعوا می‌کنند؟

بعضی وقتا رودر رو می‌کنند، بعضی وقتا داخل توئیترها، داخل کامنت‌ها، هر جای.

- تو خودت تاحالا شده با کسی درگیر بشی؟

من با کسی تاحالا نشده درگیر شم، ولی یه بحث کوچیکی داشتیم باهم.

- مثلاً سر چی؟

من بالاخره طرفدار بی‌تی‌اس هستم. کسی هم که باهاش دعوا داشتیم، دوستم بود. اون طرفدار اکسو، یک گروه هیپ‌هاپ دیگه بود. طرفدارای اکسو و طرفدارهای بی‌تی‌اس خیلی باهمدیگه مشکل دارن. اون می‌گفت اکسو خیلی خوبه، بی‌تی‌اس به درد نمی‌خوره و از این جور چیزا. منم جوابش رو دادم، یه کم باهم بحث کردیم. خب علاقه هست دیگه، بستگی داره مثلاً سلیقه‌ات چه جور باشه.

- به نظر تو چه سلایقی طرفدار بی‌تی‌اس می‌شن؟

من نمی‌دونم، ولی من از همون اول که اکسو را دیدم، یه حس خوب و جالبی بهشون نداشتم. موزیکاش رو، موزیک ویدیوهاش رو، رقص‌هاشون، کلاً دیگه افتضاح و یه کم زیادی رپ داشت داخلش. یعنی چیزی نیست دیگه که یکی مثل من دوستش داشته باشه.

- توش چی زیاد داشت؟

مثلاً رپ‌های خیلی وحشیانه و داد زدن و از این جور چیزا داخل آهنگاشون بود. ولی بی‌تی‌اس و کال بیشتر داره، رپ هم کم داره، برای همینم من خیلی دوست‌شون دارم.

- بعد تو از آهنگ‌هایی‌شون که انگلیسی یا کره‌ای هست، کدوم‌شون رو بیش‌تر دوست داری؟

من هر دو موردشون رو دوست دارم. ولی آهنگ مورد علاقه من از این گروه یه آهنگه که یه عضو تنها آهنگش رو خونده، جان کوک تنها خوانده، اون آهنگ مورد علاقه‌ی خیلی از آرمی‌ها هست. چون واقعاً آرامش بخشه.

- می‌توننی توصیف کنی برام چیا توش می‌گه که احساس آرامش بهت می‌ده؟

کلاً صداس، صداس باعث می‌شه واقعاً آهنگ خیلی آرامش بخش بشه، اگه کس دیگه‌ای می‌خوند در این حد آرامش بخش نبود. صدای جان کوک جزء یکی از بهترین صداهای این گروهه و صدای جیمین یکی از خاص‌ترین صداهایی که شناخته شده.

- یعنی خودت آهنگه که این قدر برات آرامش بخشه. نه، محتواس و چیزای دیگه؟

آره.

- در طول روز چه قدر آهنگ‌هاشون را گوش می‌دی؟

آهنگ‌هاشون رو قبلنا خیلی گوش می‌دادم، فقط پلی لیستم آهنگ‌های اینا بود، الان به ندرت، کم‌تر شده چون بیش‌تر می‌رم سمت آهنگ‌های فارسی. ولی آهنگ‌های اون‌ها رو هم گوش می‌دم و هنوز داخل پلی لیستم هستن. البته نه اون آهنگ‌هایی که مثلاً تَن شادی دارن و از این جور چیزا، بیش‌تر آهنگ‌هایی که تن آرامش بخشی دارن رو گوش می‌دم.

- ببینم به من می‌گی چی شد که به سمت آهنگ‌های فارسی رو آوردی؟

آهنگ‌های فارسی به نظرم قشنگ‌ترن، رپ فارسی گوش می‌دم، تلو گوش می‌دم. بالاخره هر چند آهنگ‌های خارجی قشنگ باشن، ایرانی فارسی زبان منه، بهتر می‌فهمم، حس بهتریه.

- چند وقته که این تغییر برات اتفاق افتاده؟

یک سالی هست، بی‌تی‌اس آهنگ جدید بدن دانلود می‌کنم یه مدت قفلی می‌زنم، گوش می‌کنم، ولی بعد دوباره عوضش می‌کنم، آهنگ‌های شادشون را که نه آهنگ‌هایی‌شون که یا غمگین ان یا آرامش می‌دن. رپ‌های ایرانی به نظرم خیلی حرف‌های دل من هستن، من حرف‌هاشون و ملودی‌شون رو خیلی دوس دارم.

- چی شد که ترجیح تو آهنگ‌های ایرانی شد؟

من کلاً شخصیتیم مودیه، ثبات ندارم، یهو از یه چیزی خوشم میاد، برا همین نمی‌تونم بگم دقیقاً چی شد، دیگه خسته می‌شم از یه چیزی، می‌رم سراغ یه چیز دیگه، معلوم نیست شاید یه هفته دیگه از من سوال بپرسید، دوباره من از این خسته شدم، رفتم سراغ آهنگ‌های یک کشور دیگه. من اول از تلو بدم می‌اومد، چون فحش می‌داد تو آهنگاش، ولی بعداً یه سال پیش نمی‌دونم همین طوری اتفاقی یکی، دوتا از آهنگاشو تا آخر گوش دادم، بعد دیدم انگار قبلاً چون بچه بودم معنی یه حرف‌هایش را نمی‌فهمیدم، تازه می‌فهمیدم دارن چی می‌گن. تلو، هوروش بند، وانتوز من اینا رو خیلی گوش می‌دم، انگار با هر خاطره‌ای که دارم یه چیزی که اونا می‌گن، هماهنگه.

- اوهوم. وقت‌هایی شده که خوشحال باشی از این که آرمی هستی؟

آره.

- چه وقت‌هایی؟

کلاً من هر وقت یک چیزی ازشون می‌بینم، عکس، کلیپ، هر چی ازشون می‌بینم، خوشحالم. من واقعاً حرفایی که می‌زنن یا کارایی که انجام می‌دن رو دوست دارم و هر وقت می‌رم بیرون، یه وسیله‌ای از بی‌تی‌اس می‌گیرم.

- وسیله‌ای ازشون می‌گیری؟

مثلاً کیف بی‌تی‌اس، یه عالمه عکس و فتوکارت‌های بی‌تی‌اس، بعد دفتر بی‌تی‌اس، کیف، جامدادی، دست‌بند بی‌تی‌اس.

- همه این‌ها به راحتی داخل مغازه‌ها، همان شهر محل زندگی خودتون در دسترس هست؟

بستگی داره چه مغازه‌ای باشه، مغازه‌ای که من ازشون می‌گیرم مغازه‌ی اکسسوری فروشیه، اکسسوری و بدلیجات و... ولی الان دیگه جدیداً داخل هر مغازه‌ای بری، بیش‌تر مغازه‌ها حداقل یه وسیله از بی‌تی‌اس را دارن، طرح بی‌تی‌اس.

- اوهوم. یعنی کسی توی اتاقت وارد بشه، چه چیزهایی از بی‌تی‌اس را می‌تواند ببیند؟

من عکسای بی‌تی‌اس را چسبوندم به دیوارم. کیف بی‌تی‌اس رو هم که آویزون کردم. جامدادیم هم که داخل کیف بی‌تی‌اسه، لیوان بی‌تی‌اس من هم که داخل آشپزخونه است و دست‌بند و این طور چیزهای دیگه رو هم گذاشتم تو قفسه‌ام، بیش‌تر عکسایی که به دیوار چسبوندم معلومه.

- خیلی از وسایل مختلف بی‌تی‌اس استفاده می‌کنی؟

آره.

- ببین یه جور گفتمی مثل این که خوشحالی از این که آرمی هستی، حس کردم به یک چیزهایشون افتخار می‌کنی؟

درست فهمیدین، واقعاً به گروه بی‌تی‌اس افتخار می‌کنم؛ به شهرت‌شون، به کارهایی که انجام می‌دن، به کمک‌های مادی که به بقیه می‌کنن، کلاً این چیزها باعث می‌شه خیلی بیش‌تر تحت تأثیر قرار بگیرم. حتی داخل آهنگ‌هاشون هم یه چیزهای هست برای این که به آرمی‌ها نشون بدن یا برای آزادی ایران اون‌ها معمولاً کمپانی‌شون اجازه نمی‌ده وارد مسایل سیاسی شن، حتی نمی‌ذاره وارد مسایل سیاسی کشور خودشون

باشن. ولی بعضیاشون برای آزادی ایران یه جوری غیرمستقیم نشونی فرستادن.

- می‌گی چیا فرستادن؟

مثلاً نامجون یه عکس استوری کرد که نوشته بود آزادی نزدیکه.

- فکر می‌کنی که چی کمک کرده که این قدر مشهور بشن؟

قیافه‌هاشون خیلی خوبه، به خاطر رقصشون، به خاطر آهنگ‌هاشون هم خیلی معروف ان. همین آهنگ‌هاشون باعث شد که در صدر جدول قرار بگیرن و چهارتا جایزه گرمی ببرن.

- قیافه‌هاشون چه شکلیه که خیلی جذاب هستن؟

قیافه‌هاشون پوست خیلی صافی دارن، مدل موهای خیلی جذابی دارن.

- می‌گی چه مدلیه که خیلی برات جذابه؟

بعضی وقتا موهاشون رو بلند می‌کنن، می‌بندن. بعضی وقتا مثلاً موهای تیک تاکی می‌زنن، گوشه‌های موهاشون و می‌زنن وسطش رو بلند می‌کنن، فر می‌کنن، کلاً یه مدل موهای خاصی دارن که نمی‌شه توصیفشون کرد و یه رنگ موهای خاصی دارن که حتی واقعاً اسم اون رنگ‌ها هم نمی‌دونم، خیلی میکاپ آرتیست خفنی دارن.

یک چیز دیگه، بی‌تی‌اس رو شیپ هم می‌کنن.

- ببین قبل از این که راجع به شیپ کردنشون بگی که خیلی هم مهمه، دیگه چیا توی خود صورت و اندامشون، به نظرت خیلی خوبه؟

الآن یه دقیقه من یکی از عکساشون رو بالا بیارم، ببینمشون. مثلاً همین تهیونگ و شوگا به خاطر لبخند مستطیلیشون خیلی شناخته می‌شن یا به خاطر مثلاً تیک‌ها و کارهایی که روی صورتشون انجام می‌دن، مثلاً بعضیاشون یه تیکی دارن که باعث شده آرمی خیلی توجه جلب کنه.

- چه تیکی؟

مثلاً جیمین همه‌اش لبش رو گاز می‌گیره و تهیونگ همه‌اش ابروی چپ یا راستش رو می‌ده بالا، خیلی حالت بامزه نگاه می‌کنه، کلاً یه همچین کارایی.

- این که گوشه‌ی لبش رو همه‌اش گاز می‌گیره، به استرس ربط داره؟

نمی‌شه گفت برای استرسه، این یه جور اخلاقه، یه جور عادت شده براش. نه لبش رو گاز می‌گیره برای استرس نیست، حتی موقعی که کنسرت هم هست، داره می‌خنده و با آرمی‌ها داره حرف می‌زنه، همین کار رو می‌کنه که عادت شده براش. یا به خاطر پیرسینگ‌هایی که می‌زنن یا گوشواره‌هاشون و تتوهای بی که دارن.

- چه چیز تتوهاشون برات قشنگه؟

تتوهاشون که همه‌شون یه تتو سی‌ت دارن که عدد هفتمه، ولی یکی از عضوهاشون که اسمش جان کوک یه طرف دستش کلاً تتوعه، عکس چشم، مثلث، عکس میکروفون، نوشته آرمی، یک همچین تتوهای بی داره.

- یعنی همه این چیزهایی که دارن باعث می‌شه خاص و جذاب به نظر بیان؟

آره و استایلشون هم خیلی کمک می‌کنه.

- برام از استایلیشون هم می‌گی؟

استایلشون یه لباسای مثلاً خیلی خاص و کیوتی دارن، هر کدوم یه استایل خاص خودشون رو دارن، مثلاً تهیونگ بیش‌تر استایل کلاسیک داره، جانگ کوک یه استایل سیاه و لش داره، نامجون یه استایل هنری داره و جین یه استایل کیوت شیک و چهارخونه و حالت صورتی مانند داره، جیکوپ یه استایل رنگارنگ داره، کل لباساش رنگی رنگیه و یه همچین مدل‌هایی.

- بعد تو از همه‌شون خوشت میاد یا ترجیحی داری؟

از همه‌شون خوشم میاد.

- بعد شده که توهم مثل این‌ها لباس بپوشی یا مثل اون‌ها پیرسینگ، گوشواره و تتو بزنی؟

پیرسینگ نه، من استایل خاص خودم را دارم.

- آهان. شبیه اون‌ها نیست؟

توی ایران هم نمی‌تونم اینا رو پیدا کنم، یعنی لباسایی که اینا می‌پوشن وگرنه هودی و لباسایی که طرح بی‌تی‌اس روش چاپ شده باشه رو می‌پوشم.

- راجع به ظاهرشون واستایل‌شون چیز دیگه هست که بخوای بگی؟  
نه.

- گفتمی که می‌گن مثل دخترا هستن، این راجع به استایل و ظاهرشون هست؟  
به خاطر ظاهرشونه و بعضی وقتا به خاطر داخل کنسرت‌ها، سایه چشم و برق لب می‌زنن، به خاطر اون‌ها هم هست. بعد این که سایه چشم و برق لب می‌زنن.

- ظاهرشون تو کنسرت فقط به جوری دخترونه به نظر میاد؟  
داخل عکساشون معمولاً به آرایش خیلی ریزی پشت چشم‌شون انجام می‌دن.  
- خوب بعد وقتی آرایش‌شون رو می‌بینی برات چه معنی‌ای می‌ده؟  
برام معنی خاصی نمی‌ده، خیلی‌ها همین جوری هستن، به نظر من هیچ فرقی نمی‌کنه، البته چرا چون من آرمی‌ام هیچ فرقی نمی‌بینم و برام عادی شده، ممکنه برای بعضی‌ها که برای اولین بار ببینن، مثلاً بگن آره، مگه این پسر نیست، چرا آرایش کرده. بالاخره این‌ها آیدول هستن و باید آرایش کنن. باید به کم تغییر بدن پوست‌شون رو.

- چرا ستاره‌ها حتماً باید آرایش بکنن؟  
برای این که جذاب‌تر به نظر بیان و به استایل لباس پوشیدن‌شون بیش‌تر بیان. البته خودشون واقعاً جذاب ان، ولی به خاطر کمپاینه.  
- رنگ صورت‌شون را سعی می‌کنند، سفید نشون بدن؟

نه. همه‌شون رو میکاپ آرتیست‌شون انجام می‌ده که همه‌شون هم قبول می‌کنن و می‌پذیرن اینا رو.  
- یعنی ممکنه اون‌ها رو به جوری آرایش‌شون بکنن که خودشون دوست نداشته باشن، ولی اعتراض نکنن؟  
آرایش زیاد نمی‌کنن، نه هیچ اعتراضی ندارن. حتی موقع آرایش کردن مسخره بازی درمیارن، می‌خندن، به کار آرایشگر کاری ندارن. به این جور چیزها توجهی ندارن.

- تو هم موافقی به جور استایل‌شون دخترانه به نظر می‌رسه؟  
نه. به نظر من مردم کور ان که نمی‌تونن فرق این‌ها را با دخترا بفهمن (با لحن متعجب و عصبانی)، چون واقعاً این‌ها اصلاً شبیه دخترا نیستن. چون خیلی جذاب و مثلاً خاص و درعین حال خیلی کیوت ان. می‌دونن بعضی وقتا خیلی کیوت می‌شن، بعضی وقتا خیلی خاص می‌شن، و این باعث می‌شه که خیلی بهتر به نظر بیان.

- اگر بخوای بگی این‌ها مثل دخترها نیستن، توجه افراد را به چه چیزهایی جلب می‌کنی؟  
به هیکل‌شون، به موهاشون، به صداشون.

- اوهوم. خب راجع به شیپ کردن هم برام می‌گی؟  
شیپ کردن افراد هر کسی از اعضاء را حداقل با یک نفر شیپ کردن، مثلاً یعنی محبوب‌ترین شیپ بین اعضاء بی‌تی‌اس وی کوک بین تهیونگ که سرکوک هم بهش می‌گن.

- چه جور شیپ کردنی هست؟  
به جوری ثابت می‌کنند که انگار باهم هستند، مثلاً رل هم‌دیگه ان، تو رابطه هستن.

- کی این‌ها رو با هم‌دیگه شیپ می‌کنه؟  
آرمی‌ها.

- و خود آیدول‌ها نظرشون چیه از این که شیپ می‌شن؟  
والا آیدول‌ها می‌دونن... خب آیدول‌ها نظر خاصی ندارن به این واکنشی نشون نمی‌دن.  
ولی کمپانی‌شون قبلاً به آرمی‌هاشون گفته که آره شیپ نکنید و هم‌چین چیزا. ولی آرمی‌ها به مدت ساکت شدند، ولی الان دوباره آرمی‌ها شروع کردند و آیدول‌ها اصلاً ناراحت یا مخالف این کار هم نیستن، واکنش خاصی هم ندارن.

- ببین یعنی چی شد که گفتن به مدت این کار را نکنید؟  
دیگه گفتن به اعضاء آسیب می‌رسونید و اینا، در حالی که این جوری نیست، اعضاء خودشون مشکلی ندارن با این کار.



- کمپانی می‌گفت به اعضاء آسیب می‌رسونید؟

آره.

- بعد می‌گی با این شیپ‌هایی که آرمی‌ها می‌کنن، دیگه چه کارهایی می‌کنن؟

کلیپ می‌سازن از شون، بیش‌تر کلیپ درست می‌کنن از شون یا عکسایی از اون‌ها را ادیت می‌کنن، من الآن خودم خیلی از کلیپ‌هاش رو دارم.

- کلیپ چی رو؟

محبوب‌ترین شیپ بی‌تی‌اس، تی‌کوک یک عالمه کلیپ دارم.

- آهان یعنی توهم این شیپ را دوست داری؟

من، آره، منم این شیپ رو خیلی دوست دارم.

- خوب چی توش می‌بینی؟ یکی از این چیزایی که دوست داری رو می‌شه برای من بفرستی؟

آره می‌فرستم.

- داشتی راجع به ویدیوهایی که اعضاء را باهم شیپ می‌کنن، می‌گفتی؟

بعضی از آرمی‌ها هستن که باشیپ کردن خیلی مخالف ان، بعضی‌ها هم هستن که شیپ کردن رو خیلی دوست دارن. من خودمم به شخصه

شیپ‌شون رو خیلی دوست دارم. مثلاً یه نشونه‌هایی هم هست که باعث می‌شه آرمی‌هایی که شیپن خیلی بیش‌تر برن توی این موضوع که

آره اینا حتماً باهم ان. جیکوپ هم این وسط یه کارایی می‌کنه که آرمی‌ها سوژه پیدا می‌کنن.

- اوهوم. بعد آرمی‌هایی که دوست دارن با این سوژه‌ها چه کارهایی می‌کنن؟

کلیپ درست می‌کنن. مثلاً داخل یکی از لایوهایشون که تهیونگ داشت جونگ‌کوک رو معرفی می‌کرد، می‌گفت این دوستمه، جونگ‌کوک

می‌گفت که من دوستتم؟ من رو درست معرفی کن. همین باعث می‌شد که کلیپ خیلی درست کنن آرمی‌ها ازش.

- بعد وقتی که فکر کنی این که دوتا از این‌ها باهم دیگه هم در ارتباط ان، چه احساسی پیدا می‌کنی که دوتاشون هم جنس ان و باهم در رابطه

هستن؟

من به این گرایش کاملاً احترام می‌ذارم، حتی خودمم بایوسکچوالم. من گرایش و جنسیت اصلاً برام مهم نیست و از کسانی نیستم که بگم وای

چه قدر چندشن و این دوتا دختر یا این دوتا پسر باهم ان. من خودم کسی هستم که با یک دختر بودم. برای همین برای من عادیه.

- از چه زمانی راجع به خودت این طوری فکر می‌کنی؟

کم‌تر از یک سال می‌شه این حدودها.

- فکر می‌کنی این مسئله ارتباطی با گروه بی‌تی‌اس داره؟

من ۳، ۴ سالی هست که طرفداره بی‌تی‌اس هستم، خیلی بعدش بود به بی‌تی‌اس ربطی نداره. من وقتی که داخل یک گپ بودم با یه نفر آشنا

شدم، بعد از هم خوش‌مون اومد و خوب رفتیم توی رابطه، توی یک گروهی یهویی دیدم خیلی ازش خوشم اومد.

- اطلاعاتت را در مورد این که می‌شه بایوسکچوال بود را از کجا به دست آوردی؟

به نظر من اصلاً مهم نیست که آدم‌ها گرایش‌شون چی باشه، بالاخره هر کسی می‌تونه از هر کسی خوشش بیاد، ممکنه که یکی دختر باشه از

یه دختر خوشش بیاد، یکی پسر باشه، از یه پسر خوشش بیاد، از نظر من جنسیت مهم نیست.

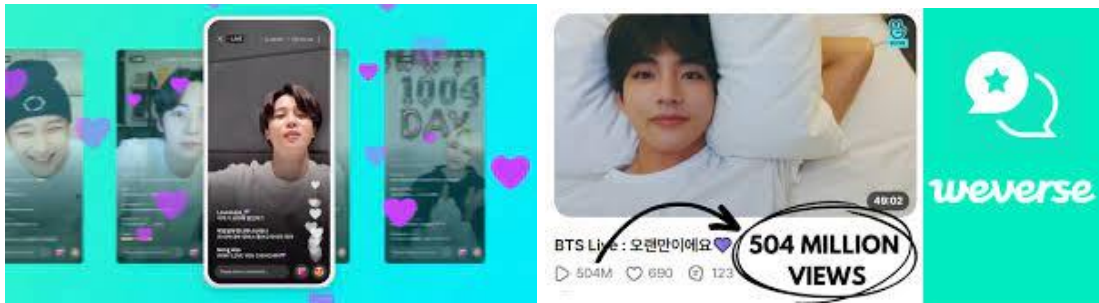


- چه چیزهایی باعث شد که جنسیت برات مهم نباشه؟  
مثلاً من به کلیپ‌های زیادی توی پیترست دیدم، لزبین و گی و یک سری از رفیق‌هام، همین طوری بودند.
- چه چیزی کنجکاو کرد که این کلیپ‌ها رو ببینی؟  
نرفتم خودم نگاه کنم، وقتی می‌گشتم، یهو خودشون اومدن تو اکسپلور.
- بین دوستان الان این مسأله به چه صورته؟  
دوست‌هایی که من دارم با این مسأله مشکلی ندارند.
- چه تعدادشون همین طوری بایسکشوال هستند؟  
آدمایی مثل من زیاد ان، همین دیروز بیرون بودم با یه نفر آشنا شدم، فهمیدم همین شکلیه.
- ببینم به نظرت این که توی بی‌تی‌اس راجع به این مسایل حرف می‌زنند، تأثیری در این امر گذاشته؟  
نه فکر نکنم، به خاطر این که من وقتی شیپ گروه بی‌تی‌اس رو می‌دیدم، هیچ احساسی نداشتم تا وقتی رفتم توی اون گروه و با اون دختر آشنا شدم و کلیپ‌های پیترست رو دیدم.
- ممکنه ذهنت آماده این مسأله شده باشه؟  
ممکنه این طور باشه، من قبلاً اصلاً به این فکر نمی‌کردم که دوتا دختر باهم باشن، ولی حالا نمی‌دونم به خاطر این که بچه بودم، بهش فکر نکرده بودم. ولی تو این ۳، ۴ سال بزرگ‌تر شدم (همین مدت است که آرمی است) و دیدم نه، اصلاً اشکالی نداره، جنسیت مهم نیست. خودمم دیگه هم این طوری فکر می‌کنم که جنسیت مهم نیست، بعدش که دیگه تو مهمونی اون دختر رو دیدم و خیلی ازش خوشم اومد، فهمیدم درسته ممکن آدم این طوری باشه، اونم از من خیلی خوشش اومد. به نظرم دیگه خوب خیلی چیز معمولیه.



- اوهوم. بعد این ویدیوهای که ساخته می‌شه تا کجا پیش می‌ره؟  
یعنی چی تا کجا پیش می‌ره؟
- یعنی اون ویدیوها به چه چیزی می‌پردازن و چه داستان‌هایی راجع بهشون ساخته می‌شه؟  
مثلاً به کارایی که کردن، تهیونگ برای جان کوک آواز می‌خونه یا باهم دیگه تانگو می‌رقصن. یا داخل لایوآشون که تهیونگ از آرمی‌ها مخفی می‌کنه که جان کوک اونجا هست و همین باعث می‌شه که سوژه بیاد دست آرمی‌ها.
- یعنی با اون‌ها خیلی هیجان تولید می‌شه؟  
آره.

- کسانی که مخالف هستند دلیل شون چیه؟
- اونایی که مخالف ان، می‌گن که این کار را نکنید و باعث می‌شه به اعضاء آسیب برسه و در حالی که اعضاء خودشون هیچ مشکلی ندارن با این موضوع، خودشونم گفتن ما مشکلی نداریم با این کار، خودشونم بالاخره کلیپ‌ها رو می‌بینن داخل اینستاگرام.
- یعنی تا حالا نشده که یکی از اعضاء کلیپی ببینه و ابراز ناراحتی بکند و یا آیدولی اعتراض بکند؟
- نه.
- بعد برنامه‌ای که بی‌تی‌اس خیلی داخلش فعالیت داره و جواب همه‌ی آرمی‌ها رو می‌ده و عکس این چیزا رو پست می‌کنه وی‌ورسه.
- چه طوری؟
- وی‌ورس یه برنامه‌ایه که آیدول‌های کی‌پاپ دارنش و کامنت‌های آرمی‌ها رو جواب می‌دن و روزمرگی‌شون رو اونجا می‌ذارن.



- یعنی یه جورى مثل این که در جریان زندگی هر روزشون قرار می‌دن آرمی‌ها رو؟
- مثلاً رستوران می‌رن عکس می‌ذارن، موقع آشپزی عکس می‌ذارن، با آرمی‌ها صحبت می‌کنن و مثلاً پست می‌ذارن، سلام به آرمی‌ها، روزت چه طور بود.
- گفتی به تک تک آرمی‌ها جواب می‌دن، این رو خودت تجربه کردی؟
- من توی خود وی‌ورس چیزی نمی‌گم بهشون فقط عکساشون رو نگاه می‌کنم.
- یعنی خود این باعث می‌شه که یه احساس نزدیکی ایجاد بشه بین آرمی‌ها و آیدول‌ها.
- آره.
- ببین اگه خودت را با یکی شیپ کنن و بعد کلیپ و ویدیو بسازن، چه احساسی رو تجربه می‌کنی؟
- بستگی داره کسی که داخل یه کلیپه و من رو باهاش شیپ کردن، کی باشه.
- اگه کی باشه بدت میاد؟
- من از کسی متنفر نیستم، ولی خب دوست ندارم با بعضی از رفیقام شیپ شم.
- ممکن بین اعضاء هم همین جورى باشه که یکی دوست نداشته باشه با یکی شیپ شه؟
- اعضاء خودشون هیچ اعتراضی نکردن در این موضوع، هیچ اختاریه هم ندادن به آرمی‌ها که این کار رو نکنید. منم فکر نکنم.
- آهان.
- تا حالا آیدول‌ها راجع به چه چیزهایی به آرمی‌ها اختار دادن؟
- این که اختاری دادن، نه اختاری ندادن بهشون، ولی به سانسگ فن‌ها زیاد اختار می‌دن.
- مثلاً چه چیزهایی بهشون می‌گن؟
- مثلاً معمولاً این جورى اختار را شروع می‌کنن که آره سلام، این بی‌کی موزیکه و اختاریه‌شون را پاییش می‌نویسن که آره این کارها رو مثلاً نکنید یا اگه این طوری ادامه بدین، شکایت می‌کنیم.
- می‌گی مثلاً چه استوری را می‌گذارن، می‌گن این کار را نکنید؟

این جا داخل به برنامه‌ای، برنامه وی‌ورس معمولاً به استوری مثلاً به پس زمینه مشکی - سفید، آبی، هر چی، می‌نویسن سلام این بی‌کی موزیکه، بعد پابینش اخطار رو می‌نویسن بعد استوریش می‌کنن دیگه.

- تو تاحالا به مورد این جوری دیدی؟

آره.

- مثلاً چی بوده؟

بی‌کی موزیک در مورد همه چی اطلاع می‌ده. اگه فردی از اعضای بی‌تی‌اس مریض شده باشه یا اتفاقی خاصی براش پیش اومده باشه یا به موضوع مهمی در مورد بی‌تی‌اس باشه، میاد استوری می‌ذاره.

- آهان. ولی اون چیزی که مثل اخطار که می‌گی استوریش را می‌ذاره، می‌گه این کار رو نکنید، راجع به اون مثالی توی ذهنت هست؟

راجع به اون نه، چون الان خیلی وقته که همچین استوری نداشتن، مثالی یادم نیست.

- فکر می‌کنی آرمی‌ها دیگه چه کارهایی در ارتباط با ستاره‌ها انجام می‌دهند؟

آرمی‌ها مثلاً بی‌تی‌اس را سورپرایز می‌کنن داخل کنسرت.

- چه طوری؟

مثلاً داخل یکی از کنسرت‌ها که به ترتیب داخل استیج هفت تا صندلی بود، بی‌تی‌اس داخل هفت تا صندلی نشستند بود و می‌خواست شروع کنه پشت پرده‌اش تاریک بود، آرمی‌ها با کمک کسی که اون گروه را ساخته بود، هماهنگ بودن، مثلاً پشت پرده‌اش کاملاً سیاه بود، کنسرت بود هیچ نوری نبود، اون‌ها هم رو استیج نشستند بودن می‌خواستن شروع کنن، یهو استیج روشن شد پشت پرده‌اش یه عالمه تصویر که اکثراً تصویر آرمی‌ها بود که چسبونده بودن بهم که آرمی‌ها داشتن براشون موزیک می‌خوندن، البته اون‌ها خیلی سورپرایز شده بودن.

- یعنی این موزیک‌ها رو قبلاً دونه دونه خونده بودن؟

نه. همین داخل کنسرت باهم دیگه خونده بودن.

- زنده بود؟

آره، هم آرمی‌های داخل تصویر می‌خوندن هم آرمی‌های داخل کنسرت.

- اوهوم.

بی‌تی‌اس هم شروع کرد باهاشون همخوانی کردن.

- دیگه آرمی‌ها چه کارهایی می‌کنند؟

- مثلاً الان یکی از اعضاء رفته سربازی، آرمی‌ها خیلی براش نامه می‌فرستادن و کادو می‌فرستادن، دیگه کمپانی اخطاریه داده و گفته که لطفاً این کار را نکنید.

- پس الان کمپانی این اخطار رو داده؟

آره.

- بعد الان اگه آرمی گوش نکنه و به این کار ادامه بدن چی می‌شه؟

نه، آرمی‌ها معمولاً انجام می‌دن، مثلاً جیمین می‌خواست بره سربازی، بی‌تی‌اس گفتش که هیچ آرمی نیاد برای بدرقه کردن و هیچ کسی هم واقعاً نیومد. فقط پسرا بودن. اعضای بی‌تی‌اس بودن.

- چی می‌شه که این قدر آرمی‌ها به کمپانی گوش می‌دن؟

بالاخره حرفاییه که اونا می‌زنن درباره بی‌تی‌اس باید گوش بدن.

- ممکنه یه چیزی بگن که مخالف باشی یا به نظرت درست نباشه؟ تاحالا شده چیزی بگن که تو موافق نباشی؟

نه چیز خاصی نگفتن که مخالفتی داخلش باشه.

- درباره قوانینی که برای اعضای گروه می‌گذارن چی؟

درباره قوانینی که براشون می‌ذارن یه محدودیت‌هایی دارن بی‌تی‌اس که باید انجامشون بدن، وگرنه جریمه می‌شن.

- چه محدودیت‌هایی دارن؟

مثلاً ما الآن داخل نسل چهارم کی پاییم. نسل سوم نسلی بود که بی‌تی‌اس، بلک‌پینک به گروه دخترانه هس، که بلک‌پینک، بقیه اعضای گروه، باهم دیگه می‌رفتن مهمونی، جشن می‌گرفتن. هیچی هم نمی‌شد. الآن که نسل چهارمیم، وقتی نزدیک همدیگه می‌شن، سریع بقیه میان این‌ها رو شیب می‌کنن. واسه این که کمپانی خیلی ضرر می‌رسونه. واسه همین نباید نزدیک هیچ آیدولی یا خواننده زنی بشن و نباید تا موقعی که عضو گروه خوانندگی کی پاپ هستن، ازدواج کنن.

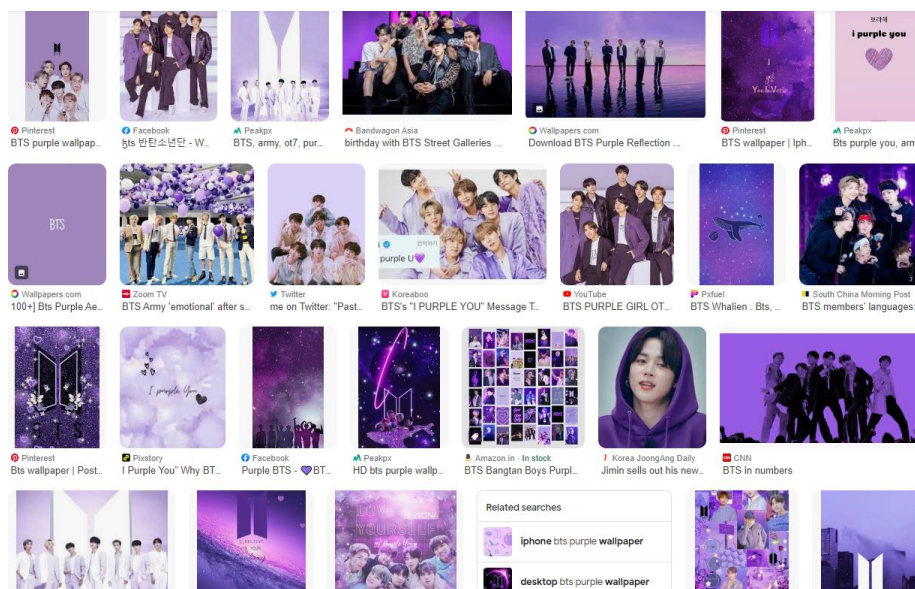


- چه جوری به کمپانی ضرر می‌زنه؟
- امم، این چیزا باعث می‌شه به همچنین شایعه‌هایی درست بشه که آره اینا باهم ان و باعث بشه رو شهرت‌شون تأثیر بذاره. روی جدول بیلبورد هم ممکنه تأثیر بگذاره.
- چه جوری روی شهرت‌شون تأثیر می‌گذاره؟
- می‌گن وقتی این دوتا باهم ان، یعنی مخفی کاری کردن این باعث می‌شه، مثلاً محبوبیت‌شون از صدر جدول بیلبورد بیاد پایین‌تر و چون به خاطر قوانین گفتن که حق ندارن تا موقعی که داخل کی‌پاپ هستن، با هیچ دختری باشن.
- ببین به عنوان یک آرمی، اگر اون‌ها با یک دختر در ارتباط باشند، چه چیزهای برای تو فرق می‌کنه؟
- ببین، من واقعاً آرمی‌ای هستم که حق بهشون می‌دم ازدواج کنن یا بچه‌دار بشن، پدر بشن. شاید یه کم ناراحت بشم، ولی مشکلی ندارم، ولی بعضی از آرمی‌ها هستن که خیلی مشکل دارن. می‌گن نه، شما نباید با هیچ دختر دیگه‌ای برید و ازدواج کنید و بچه‌دار بشید.
- خوب چرا این را می‌گن، چه توقعی دارند؟
- چون توقع دارن برای خودشون باشن. می‌دونی آرمی‌ها این طورین بعضی‌هاشون. حسودی، حسودی می‌کنن.
- یعنی اینتا تا وقتی قرارداد دارن، باید با دختری نرن، برای این که آرمیا حسودی می‌کنن و از طرفدارها کم می‌شه؟
- آره، خب این کارشون باعث می‌شه که هیت‌شون زیاد بشه.
- خوب مثلاً دوستی داری که این طوری باشه، بتونی بگی چه جوری فکر می‌کنه؟ چه جوری فکر می‌کنه این مال اینه و اگه با کسی بره، حالش بد می‌شه؟
- ام، ام، باید فکر کنم.
- ... یعنی یه تعدادی از آرمی‌ها تو ذهن‌شون شوهر دارن؟
- آره.

- تو به این مسأله چه جوری فکر می‌کنی؟  
 من به کم حرصم می‌گیرم که بعضی از آرمیا می‌گن، من تهیونگ را دوست دارم. تهیونگ شوهر منه. حق ندارین دوش داشته باشین. بعضی از آرمیا این جوری ان، این جور واقعاً حرصم در میاد با این حرفاشون، مگه فقط تو باید طرفدارشون باشی، یعنی خب چیز واقعاً مسخره‌ایه.  
 - توی اطرافیان تو چنین مواردی بوده یا داخل کامنت‌ها همچین چیزهایی را دیدی؟  
 داخل مثلاً روبیکا به گپ زدیم با بعضیا، بعد افراد جدید میان این جوری ان یا مثلاً یکی از دوست‌هام عکس پروفایل تهیونگ را گرفته گذاشته. به دختری بهش پیام داده برای چی پروفایل شوهرم را گرفتی گذاشتی، زودتر پاکش کن وگرنه دیپورتت می‌کنم.



- ولی کمپانی هم این نیاز آرمی‌ها رو می‌پذیره؟  
 اممم، این زیاد نیاز آرمی‌ها نیست. برای خودشون هم خوبه. چون اگه بی‌تی‌اس تو اون زمان زن بگیره و ازدواج کنه، بعد بچه‌دار بشه، حواسش مثل قبل سر جاش نیست و مثل قبل نمی‌تونه تمرکز کنه روی کارش.  
 - یعنی اولویت کمپانی اینه که این گروه فقط پول سازی کنه؟  
 اهوم، اونا اول، اولین باری که شروع کردن یعنی تقریباً اوایل ۲۰۱۳ که این کار رو شروع کردن، واقعاً خیلی بی‌پول بودن، خیلی ضعیف بودن، طرفداری نداشتن و می‌رفتن داخل شهر مجانی بلیط کنسرت پخش می‌کردن برای خودشون و نزدیک بود حتی وقتی به مدت جدا شن، دیس‌بند شن کامل، ولی الان خیلی خیلی پر قدرت‌تر برگشتن و الان صدها میلیون طرفدار دارن.  
 - اگر بخوای یک سری ویژگی خوب از بی‌تی‌اس بگی، چه چیزهایی می‌گی؟  
 اممم، مهربونی و مثلاً اولویتشون ماییم، آرمی را دوست داره، کلاً من همه چیزشون رو دوست دارم و چیزای خیلی ریز مثلاً قدشون یا کارهای مورد علاقه‌شون، همه این‌ها رو می‌دونم.  
 - خوب به هر حال گروه پول زیادی در آورده و داره در میاره، با این اوصاف چه جوری اولویتشون آرمی‌ها هست؟  
 خب اونا کسایی هستن که آرمیا رو خیلی دوست دارن. رابطه خاصی بین خودشون و آرمیا دارن و خیلی به ما اهمیت می‌دن، داخل هر کشوری که باشیم.  
 - اهوممم.  
 اگه آرمیا نبودن اونا بالاخره به این درجه نمی‌رسیدن.  
 - یعنی اولویت می‌دن به آرمیا و به خاطر این که بقای خودشون به میزان طرفدارشون بستگی داره؟  
 ببینید، واقعاً (با تأکید) آرمیا براشون خیلی مهمه ان. سلامتی آرمیا خیلی براشون مهمه. حس خاص و خوبی نسبت به آرمیا دارن، آرمیا هم همین طور.  
 - یعنی مسأله پول نیست، مسأله رابطه عاطفیه؟  
 آره، این که اون‌ها ما یعنی آرمی‌ها رو خانواده صدا می‌کنن. عضوی از خانواده‌اش می‌دونن و این که رنگ و نماد این آرمی‌ها بنفشه.  
 - خوب بنفش چه معنی می‌ده؟  
 بنفش برای آرمیا یعنی محبت و عشق و دوستی، بنفش رنگیه که شده نماد و سمبل ما آرمیا.



- اهوممم.

بعد هر کدوم از اعضای بی‌تی‌اس، لقب‌های جدا دارن و حتی بعضیاشون اسم مستعار دارن و اسم اصلی‌شون زیاد به کار نمیاد.

- چرا این طوریه؟

بالاخره بعضیاشون داخل کمپانی اسم‌شون رو عوض کردن و آرمیا این لقبها رو روشن گذاشتن.

- فکر می‌کنی چرا کمپانی اسمش رو عوض می‌کنه و اجازه ندارند خانواده‌هاشون رو ببینن؟

این مسأله مال اول کارشون بود که باید از کمپانی اجازه بگیرند، بعد دیگه الان داخل خونه‌های جدا زندگی می‌کنن، اون موقع برای این که باید کلی تمرین و ورزش می‌کردند، باید همون جا می‌موندن و دیگه نباید کسی رو می‌دیدن.

- فکر می‌کنی وقتی خانواده‌هاشون را نمی‌دیدن، چی بهشون می‌گذاشته؟

من نظر خاصی ندارم، چون به نظرم مسأله مهمی نیست، من خودم خانواده‌ام رو نمی‌بینم، من همه‌اش تو اتاقم هستم و کاری به اونا ندارم.

- بعد اون ستاره چه احساسی داره که اسمش عوض شده؟

اونا واقعاً از این اسم‌ها، از این اسم‌ها خوششون اومده که انتخاب کردن و هر چی از اون لقبایی که آرمیا گذاشتن، خیلی وایرال شد و حتی خود بی‌تی‌اس هم خودشون رو به این لقب صدا می‌زنن.

- مثلاً چی می‌گی؟

- مثلاً جین که اسم اصلیش کیم سوگ جینه، قدش یک متر و هفتاد و نه سانتی متره و بعد اون، آخ حرفه‌ای‌ترین آشپزه و هر کدوم از اعضای بی‌تی‌اس یه نمادی حیوونی هم دارن که آرمی‌ها یه همچین نمادی روشن گذاشتن که نماد جین اون حیوونه، چی بودن که، ام، شبیه یه جور گوسفند حالت کوییتی داشتن؟

- کوآلا؟

کوآلا نه... یه دقیقه، الان یادم نمیاد.

- اهوم.

و نماد شوگا، شوگا اسم اصلیش هست مین یون گیبه، و همونیه که کتفش خیلی آسیب دید، طوری که یه مدت نتونست شرکت کنه داخل هیچ فعالیتی، اونم نماد حیوونیش گربه هست و جیهوب که اسم اصلیش هم جونگ هوسوک هست، نماد حیوونی اونم سنجاب هست و بهش می‌گن سان‌شاین. این لقبه براش. سان‌شاین هم یعنی خورشید، چون خیلی امید می‌ده به آرمیا. آرام هم که اسم اصلیش کیم نام جون هست، بهش می‌گفتن رپ مانستر و نماد حیوونیش رو گذاشتن کوآلا. جیمین هم که اسمش پارک جیمینه، اه، بهش می‌گن جوجه و کوچیک‌ترین جثه رو

داره بین اعضاء. هفتمی هم که اسم اصلیش کیم تهیونگه، لقب حیوونیش رو گذاشتن بیر، و جونگ کوک هم که اسمش جئون جونگ کوکه، لقب حیوونش رو گذاشتن خرگوش.

- بعد ببینم این‌ها وقتی این اسم‌ها، اسم حیوونا رو می‌شنوند، چه احساسی پیدا می‌کنند؟  
اونا خودشون هم از این، واقعاً این کارا رو انجام می‌دن که شبیه‌شون به نظر می‌رسن. جونگ کوک واقعاً خیلی فانی رفتار می‌کنه. مطابق رفتار، آرمیا این اسما رو روشن گذاشتن و خودشون هم موافقت کردن که شبیه‌شون و آکاپا، اسم حیوونی جینه.



کلاً ویژگی‌های خوب خیلی زیادی دارن. من کلاً همه چیزشون رو دوست دارم.

- می‌گی چه تأثیرهای خوبی تو زندگی تو گذاشتن؟

حرف‌هایی که می‌زنن. به جوری حرف می‌زنن که من واقعاً خودم فکر می‌کنم براشون اهمیت دارم و جزو خانواده‌شون هستم و حس امنیت و آرامش بهم می‌دن با این حرفاشون.

- جای دیگه احساس تعلق و مهم بودن را تجربه نکردی؟

ام، نه. من با کاراشون می‌خندم. کارهای بامزه و خنده‌دار زیادی انجام می‌دن. کلیپایی که از خودشون می‌سازن، یکی از فعالیت‌شون می‌سازن تا الان نزدیک صد و خورده‌ای، نزدیک دویست اینا فکر کنم قسمت اومده که داخل هر قسمت فعالیت مشخصی باهم انجام می‌دن. بامزه کاری‌هایی انجام می‌دن که باعث خنده آرمیا می‌شه.



- این که احساس می‌کنی به اون‌ها تعلق داری، باعث شده که تو زندگیت اتفاق خاصی بیفته؟  
من وقتی ناراحتم کلیپ‌شون رو نگاه می‌کنم، حرف‌های انگیزشی‌شون رو نگاه می‌کنم که باعث آرامشم می‌شه، آهنگ‌هاشون رو گوش می‌کنم. بعد جیمین در یه کلیپ، یه حرف خیلی آرومی با صدای آهنگ به آرمیا زده که اون را هر وقت ناراحت می‌شم، نگاه می‌کنم، واقعاً حس آرامش و آرومی بهم دست می‌ده.
- گفتی به خاطر همون لحن خودش، فقط لحنش یا چیزی که داره می‌گه؟  
بین خیلی آروم داره مثلاً می‌گه، آرمیای من، نمی‌دونم سوییتهای من، حالتون خوبه، اشکالی نداره. شاید مثلاً روز بدی داشته باشی، ولی دلیل نمی‌شه همیشه این طوری باشه. یه همچین چیزایی می‌گه.
- یک جوری که انگار از راه دور بغل می‌شی؟  
آره.
- خیلی برات پیش میاد که به این گوش بدی؟  
آره.
- پس زیاد دلت می‌گیره؟  
امم. آره تقریباً دیگه افسردگی دارم.
- به نظرت چه چیزهایی شون بده یا تأثیر بد می‌گذاره؟  
من با فن، یا با آیدول‌های دیگه کاری ندارم، ولی از طرف بی‌تی‌اس، بدی نیست، ولی آرمیا. آرمیا واقعاً بعضیاشون خیلی بی‌جنبه‌ان. میان همین جوری بی‌دلیل، به بقیه آیدولا فحش می‌دن یا بقیه رو مسخره می‌کنن و آرمیا تأثیر بدی دارن.
- چه تأثیرهای بدی روت می‌گذارن؟  
روی من تأثیر خاصی نمی‌ذارن، ولی باعث می‌شن که آیدول‌ها اذیت بشن. بالاخره، رفتار فن‌ها نشون دهنده شخصیت آیدولشونه دیگه و با این رفتارهاشون، دست هیتراها یه چیزی می‌افته که بیش‌تر هیترا میان آره آرمیای شما این طوری وحشی‌ان و می‌پرن به آدما.
- ببینم تاحالا هیترا تونستن به آیدولی آسیب برسوند؟  
اممم، نه. یعنی آسیبی که... .
- مستقیم نه‌ها، یعنی روحی باعث بشن آیدول آسیبی به خودش برسونه؟  
بی‌تی‌اس نه، ولی بعضی از آیدولا خودکشی کردن به خاطر هیترا.



- خوب فکر می‌کنی، به چی شون حمله می‌کنن که اینا می‌رن خودشون رو می‌کشن؟  
 بعضی از آیدولا خیلی چیزان. مثلاً هیترا بهشون می‌گن آره خوشگل نیستی. به درد این گروه نمی‌خوری. ازت بدم میاد و این‌ها و همین‌ها باعث می‌شه که بعضی از آیدولا خودکشی کنن. الان آیدولی مثل سولی، بعد از این که بهش گفتن خوشگل نیستی و به درد این گروه نمی‌خوری، خودکشی کرد.

- اهومممم. حالا خودت تو چه فضایی بودی که رفتی سراغشون؟  
 اون موقع‌ها که مادر و پدرم بودن بیش‌تر با رفیقام بودم، سمت گوشیم نمی‌رفتم. وقتی جدا شدن همه‌اش داخل اتاقم نشستیم و سرم داخل گوشی و این باعث شد که بیش‌تر دنبالش باشم.

- الان با کدوم‌شون زندگی می‌کنی؟  
 من حضانت‌م دست پدرمه، ولی بیش‌تر پیش مادرم.  
 - در چه زمانی تو بیش‌تر وقت صرف گوشی می‌کنی؟  
 وقتی من پیش پدرم، همه‌اش داخل اتاقم تنها دارم به آهنگ‌های گوشیم گوش می‌کنم و پیش مادرم، کسی که خیلی بهم نزدیک‌تره، دختر خالمه که هر وقت می‌رم پیش مادرم، میاد پیشم و این باعث می‌شه باهم یه کارایی انجام بدیم و سرگرم بشیم، در این مواقع من زیاد سمت گوشی نمی‌رم.

- اهوممم. بعد فکر می‌کنی که وجود پسرها چه جوری بهت کمک کرده؟  
 حرفاشون، کارایی که باعث می‌شن آرمیا بخندن.  
 - حرف‌های قشنگی هم ازشون یادت هست که بگی؟  
 مثلاً گفتن آرمی زندگی ادامه داره، بباین زندگی کنین یا گفتن که هر وقت ناراحت شدی یا این که فکر کردی کسی به فکر تو نیست، به این فکر باشین که یه نفر داخل کره، داخل شهر سئول به فکر شما هست و همیشه شما رو دوست داره.  
 - یعنی یه احساس تنهایی زیادی رو پر می‌کنن؟  
 آره.

معمولاً داخل کنسرت خیلی با احساس، یعنی یه جوری واقعاً از ته قلب‌شون آرمیا رو صدا می‌کنن.  
 و یه چند بار این کار رو کرد و گفتش، شما قول می‌دین همیشه اینجا باشین، ما واقعاً بهترین طرفدارهای جهان رو داریم. آه، درخشان‌ترین ستاره‌های جهان من هستین و همچین چیزایی رو می‌گه و یه جوری خیلی بلند داد می‌زنه، آرمی دوستتون داریم هر کجای جهان که باشید (این کلیپ‌ها برای من فرستاد).

- حرف‌هاشون را باور می‌کنی؟  
 آره واقعاً. حس می‌کنم که یکی واقعاً بهم اهمیت می‌ده.

- بعد اون موقع که قرار بود اینا برن سربازی و قبل از این که قراردادشون رو تمدید کنن، چه حال و هوایی داشتی؟  
 امم. ناراحت بودم. همه‌اش، همه‌اش به فکر این بودم که اگه دیس‌بند شدن من چه کار کنم. بدون اون‌ها نمی‌تونم، گریه‌ام در می‌اومد.  
 - پس الان یه مدت کوتاهی که از افسردگی درباره اون‌ها در اومدی؟  
 آره. الان گفتن که ما، چون به خاطر سربازی، دو سال سربازی رفتیم، ۲۰۲۷ هم نمی‌ریم. فعلاً پیش شما هستیم. فعلاً معلوم نشد چه زمانی می‌رن، ولی گفتن فعلاً هستیم.

- آها فعلاً ضمنی، دو سال تمدید کردن.  
 یه جورایی. ولی هنوز مشخص نشد چه زمانی و دقیقاً چه روزی می‌رن. ولی خب بالاخره می‌رن، ازدواج می‌کنن دیگه.  
 - یعنی ازدواج اینا خیلی اعصاب خورد کن می‌شه، چون انگار ازدواج کنن، اون وقت گروه قطعاً تمام می‌شه؟  
 آره. حتی یکی از آرمیای دختر به جونگ‌کوک گفته، طرفدار بودن خیلی سخته، چون که می‌دونیم قراره یه روزی ازدواج کنی و ما رو تنها بذاری. بعد جونگ‌کوک هم در جوابش گفته: می‌دونی آیدول بودن هم خیلی سخته. چون می‌دونم اون روز قلب میلیون‌ها پروانه رو می‌شکنم.  
 - ولی ببین چرا وقتی ازدواج کنه این قدر این حس وجود داره که دیگه طرفدارهاش را تنها گذاشته؟

چون، یکی رو الان داره که بیش‌تر از طرفدارهاش دوستش داره، عاشقشه، بغلش می‌کند، بوسش می‌کنه. با همدیگه بچه‌دار می‌شن. برای همین یه کمی احساس تنهایی بیش‌تری می‌کنن طرفدارا، چون انگار جونگ‌کوک یکی رو پیدا کرده که بیش‌تر از ما دوست داره.

- دارم فکر می‌کنم یک جورى هم دلبرانه حرف می‌زند وقتی می‌گن که قلب این همه پروانه را بشکنم، آدم خب احساس می‌کنه که چه قدر آدم خاصیه، باید کنارش باشم؟

ام، این کلاً این جورى میاد با آرمی‌ها حرف می‌زنه که حالا آرمی عاشقتیم یا مثلاً یکی اعضاء می‌گه: من ماه هستم و آرمیا ستاره‌های من هستن. کلاً میان این جورى با آرمی‌ها حرف می‌زن. خیلی با عشق و محبت میان باهاشون صحبت می‌کنن.



و این مثلاً اگه یه زن بگیره بره، صد برابر بهتر از این‌ها را به زنش بگه، خب آرمیا قطعاً ناراحت می‌شن. یه حس خالی بودن می‌گیرن.

- تو ولی گفتی این حس رو نداری؟

من چرا، این حس رو دارم ولی واقعاً کسی نیستم به خاطرش خودم رو بکشم. شاید وقتی ازدواج کرد، ناراحت بشم یه کم، ولی خب حالا انسانه دیگه، حق داره ازدواج کنه، حق داره عاشق شه، درک می‌کنم.

- راجع به مسایل مذهبی می‌دونی گروه بی‌تی‌اس به چه صورت فکر می‌کنن؟

کره‌ای‌ها دین ندارند، ولی به همه دین‌ها احترام می‌ذارن.

- این مسأله به نظرت روی طرفداران تأثیری می‌گذاره؟

نه، فکر نمی‌کنم، چون اصلاً طرفدارا به دین اونا کاری ندارند.

- این مسأله برای خودت به چه شکله؟

برا من مهم نیست، من به دین و این جور چیزا زیاد اهمیتی نمی‌دم. من قبل از این که با بی‌تی‌اس آشنا بشم، کار بدی نداشتم، تازه اگر بخوام به دینی فکر کنم، دین مسیحیت رو بیش‌تر از اسلام دوست دارم.

- راجع به بهش مطالعه کردی؟

به نظرم دین قشنگیه، صلیب، راهبه‌ها، کلیسا، همه این‌ها رو داره.

- تاحالا شده راجع به دین شون چیزی بخونی؟

نه برای من دین مسأله مهمی نیست.

- رابطه دوستانه با دین به چه شکله؟

من تقریباً همه دوستان همین جورى ان به دین کاری ندارند و به دین بی‌تی‌اس کاری نداریم.

- رابطه بی‌تی‌اس با محیط زیست به چه صورته؟

عاشق محیط زیستن، داخل جنگل فیلم و کلیپ می‌سازن، درختکاری می‌کنن، آب می‌دن به گیاهها، کمک به حیوان‌ها و به محیط زیست کلی پول اهدا می‌کنن، خودشون حیوون خانگی دارن. یه ویدیویی جدیداً ساختن خیلی قشنگه در مورد اقیانوس و کارهایی که ماها باید انجام بدیم.

- داشتن حیوان خانگی در تضاد با مراقبت از محیط زیست نیست؟

نه، آخه چون مثلاً تهیونگ از بین یک عالمه توله سگ، اون توله سگی که خیلی فرق داشت با اون، خیلی تنها بوده گرفته آورده بزرگ کرده، همه جا هم همراهش. فقط دوتاشون حیوون خانگی دارن. نرفته به زور یه حیوون رو از محیط خودش جدا کنه.



## تأملی دوباره

رخساره ۱۶ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مباحثی حول محورهای کمپانی هایب (مؤسس گروه بی‌تی‌اس)، گروه پسران بی‌تی‌اس و هواداران گروه بی‌تی‌اس اشاره داشته است.

رخساره در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد کمپانی هایب، به مواردی مانند: برقراری ارتباط مستقیم با طرفدارها، تعمیق رابطه ستاره‌ها با هواداران، القای امید در بین هواداران، ایجاد سرگرمی برای هواداران، کمک‌های مالی نوعدوستانه کمپانی و ستاره‌ها، نادیده گرفتن سلامتی ستاره‌ها، تعیین نیروهای حفاظتی برای ستاره‌ها و شکایت از افراد آسیب‌رسان توسط کمپانی، سوق دادن هواداران دختر به سمت گرداب عشق تخیلی، اعطای سبک هیجان‌مدار به هواداران، ارایه پاسخ‌های متناقض کمپانی به هواداران، سکوت کمپانی در مورد داستان‌های شهوی و انحراف‌آمیز حول محور ستاره‌ها، بهره‌کشی مالی کمپانی از ستاره‌ها و اعطای هویت ربات مانند (رباتیک) به ستاره‌ها، اشاره داشته است.

رخساره ۱۶ ساله، در مصاحبه خود در توصیف فراز و فرودهای گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: القای امید در بین هواداران، فراهم کردن اوقات خوش برای هواداران، افزودن رقص به اجراها به منظور افزایش جذب طرفداران، القای احساس خانواده، امنیت و آرامش از سوی ستاره‌ها برای طرفداران، برقراری ارتباط مستقیم با طرفدارها، خبرسانی کمپانی در مورد اقدام‌های خیرخواهانه گروه، کمک‌های مالی ستاره‌ها به مراکز عام‌المنفعه، مخاطب قرار دادن هواداران به طور مستقیم، شعار دادن برای هواداران (نظیر این که ما در سؤال به فکر تمامی هواداران هستیم)، استفاده از مدل و رنگ موهای متنوع، عادی‌سازی استفاده از گوشواره برای مردها، ایجاد استایل‌های مخصوص به خود توسط ستاره‌ها، سوق دادن هواداران دختر به سمت گرداب عشق تخیلی، اعطای سبک هیجان‌مدار به هواداران، تربیت هیجان‌مدار هواداران، عملکرد ضد محیط زیست گروه، به نمایش نهادن هویت ربات مانند (رباتیک) از خویش توسط ستاره‌ها، آسیب‌های جسمانی ستاره‌ها ناشی از تمرین‌های سنگین و تهدید ستاره‌ها و ایجاد آسیب روانی از سوی برخی از هواداران، اشاره داشته است.

رخساره در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد هواداران گروه بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: فراهم کردن اوقات خوش برای هواداران، افزایش هیجان صحنه، سرگرم ساختن هواداران، مخاطب قرار دادن هواداران به طور مستقیم، برقراری ارتباط مستقیم با طرفدارها، توجه کردن ستاره‌ها به طرفداران با ملیت‌های متفاوت، ایجاد فضای پرهیجان برای هواداران، اعطای سبک هیجان‌مدار به هواداران، گسترش و تعمیق عشق تخیلی در سطح هواداران دختر گروه، سردرگم بار آوردن هواداران، طرح موضوع‌های انحرافی از سوی ستاره‌ها جهت برانگیختن کنجکاوی هواداران، تبلیغ غیرمستقیم هم‌جنس‌گرایی، پذیرفتن هم‌جنس‌گرایی رواج داده شده توسط گروه، در دسترس بودن وسایل با شاخصه‌های بی‌تی‌اس، شکل گرفتن هویت گروهی بین طرفداران، هویت‌یابی افراد بی‌هویت، بنیان هیجانی رابطه، درگیری فیزیکی بین مخاطبان و طرفداران، حمایت تمام‌قد هواداران از ستاره‌ها، وفاداری هواداران نسبت به ستاره‌ها، ارجاع مسایل مختلف به کمپانی برای ختم

مباحث، استدلال‌گریزی برخی از هواداران، سوق یافتن برخی از هواداران به سمت نیت‌خوانی و ارایه بیانات مبتنی بر حدس و گمان، توهم زدگی برخی از هواداران، توجیه رفتار متناقض ستاره‌ها توسط هواداران، یادگیری رقص‌های کی‌پاپ توسط هواداران، تهدید ستاره‌ها و ایجاد آسیب روانی از سوی هواداران، اثرپذیری عقیدتی هواداران و آسیب رسیدن به خانواده طرفداران (طلاق گرفتن همسر برای رسیدن به ستاره‌ها)، اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه رخساره ۱۶ ساله، با ارجاع محورهای اقدام‌های کمپانی و اثرات کاربری از گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران، توجه خویش را به مباحث وی در زمینه اثرگذاری گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران آن متمرکز سازیم، می‌توان بیان داشت، رخساره در مصاحبه خودش از اثرهای روانی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، اخلاقی - عقیدتی، اقتصادی - سیاسی، هنری، زیباشناختی و خانوادگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس یاد کرده است.

رخساره در توصیف «اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: افزایش هیجان صحنه، ایجاد فضای پرهیجان برای هواداران، اعطای سبک هیجان‌مدار به هواداران، گسترش و تعمیق عشق تخیلی در سطح هواداران دختر گروه، طرح موضوع‌های انحرافی از سوی ستاره‌ها جهت برانگیختن کنجکاوای هواداران، تبلیغ غیرمستقیم هم‌جنس‌گرایی، پذیرفتن هم‌جنس‌گرایی رواج داده شده توسط گروه، توهم زدگی برخی از هواداران و وابستگی به گروه، یاد کرده است.

رخساره در توصیف «اثرهای اجتماعی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: انجام رفتارهای نودوستانه، بنیان‌هیجانی رابطه، مخاطب قرار دادن هواداران به طور مستقیم، برقراری ارتباط مستقیم با طرفدارها، توجه کردن ستاره‌ها به طرفداران با ملیت‌های متفاوت، شکل گرفتن هویت گروهی بین طرفداران، هویت‌یابی افراد بی‌هویت، درگیری فیزیکی بین مخاطبان و طرفداران، برخورد صفر و صد با الگو، وفاداری هواداران نسبت به ستاره‌ها، ارجاع مسایل مختلف به کمپانی برای ختم مباحث، استدلال‌گریزی برخی از هواداران، سوق یافتن برخی از هواداران به سمت نیت‌خوانی و ارایه بیانات مبتنی بر حدس و گمان، توجیه رفتار ستاره‌ها، تهدید ستاره‌ها و ایجاد آسیب روانی از سوی هواداران و توجیه رفتار متناقض ستاره‌ها توسط هواداران، یاد کرده است.

مصاحبه شونده در توصیف «اثرهای فرهنگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: فراهم کردن اوقات خوش برای هواداران، سرگرم ساختن هواداران و در دسترس بودن وسایل با شاخصه‌های بی‌تی‌اس، سخن گفته است.

رخساره در توصیف «اثرهای آموزشی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: یادگیری رقص‌های کی‌پاپ، سخن گفته است.

رخساره در توصیف «اثرهای اخلاقی - عقیدتی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: پذیرش ارزش‌های گروه و سردرگم بار آوردن هواداران، یاد کرده است.

مصاحبه شونده در توصیف «اثرهای اقتصادی - سیاسی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: در دسترس بودن وسایل با شاخصه‌های بی‌تی‌اس، سخن گفته است.

رخساره در توصیف «اثرهای خانوادگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: آسیب رسیدن به خانواده طرفداران (طلاق گرفتن همسر برای رسیدن به ستاره‌ها)، سخن گفته است.

از بیانات اخیر رخساره ۱۶ ساله، در جمع‌بندی کلی کتاب، در موارد مورد اشاره، بهره جسته خواهد شد.

## مصاحبه با محسن، ۲۲ ساله

- یعنی دوستانت به صراحت اعلام کردند که آیدول‌های بی‌تی‌اس برایشون جذابیت جنسی دارند؟ بله، دقیقاً، وقتی من با سه، چهارتا از دوستانم دور هم بودیم، اینا رو گفتن.
- سلام محسن عزیز.
- سلام وقت بخیر.
- متشکرم وقت شما هم بخیر.
- اگر موافق هستی روش کار را توضیح بدهم و بعد فرآیند مصاحبه را شروع کنیم.
- بله، هر طور که صلاح می‌دونید.
- روش کار به این صورت هست که من یک سری سوالات در مورد گروه بی‌تی‌اس از شما می‌پرسم و نظرات شما را می‌شنوم. البته هر جایی احساس کردی موردی از قلم افتاده، ممنون می‌شوم یادآوری کنی.
- چشم هر جا چیزی یادم اومد، حتماً مطرح می‌کنم.
- اولین بار چه طور و از چه طریقی با گروه بی‌تی‌اس آشنا شدی؟
- اولین بار که یادم نیامد کی بوده دقیقاً. خیلی وقت نیست که موزیکاشون رو گوش می‌دم، شاید مثلاً ۷، ۸ ماه.
- به یاد نداری که چه طور با این گروه آشنا شدی؟
- داخل یوتیوب خیلی فیلم می‌بینم و همونجا هم با این گروه آشنا شدم، ولی دقیقاً یادم نیامد کی بود.
- یعنی خودت در یوتیوب ویدیوهای گوناگون تماشا می‌کردی، بدون این که کسی معرفی کند و تصادفی با این گروه آشنا شدی؟
- بله، کسی معرفی نکرد، شانسی به دفعه موزیک ویدیو بی‌تی‌اس اومد بالا و منم دیدم خوشم اومد.
- تا به حال کلیپ تبلیغاتی از بی‌تی‌اس مشاهده کردی؟ منظورم کلیپ‌هایی هست که دیگران را با گروه آشنا کند؟
- اینا هر کاری می‌کنن به نوع تبلیغاته. من فکر می‌کنم ذاتاً این گروه تبلیغاتی هست.
- اگر امکان دارد کمی بیشتر توضیح دهید. منظورت از این که فقط کار تبلیغاتی می‌کنند، چیست؟
- نه، نه، منظورم این نیست که فقط کار تبلیغاتی می‌کنن. منظورم اینه که برای بی‌تی‌اس هوادار خوب کسی هست که بازدید از فیلم‌هاشون رو بالا بیره، اکسسوری‌هاشون رو بخره، لباسایی که عکس‌شون روش چاپ شده رو بخره و واسه خریدن محصولات مرتبط با بی‌تی‌اس هوادار تشویق می‌شه. یعنی این که موزیک ویدیو تولید می‌کنن تا پول در بیارن و این همون تبلیغاته دیگه!
- تاحالا خود شما هم از محصولات بی‌تی‌اس خرید کرده‌اید؟
- راستش آره، اما زیاد اهلش نیستم. چون دوستم که باهاش هم‌کلاسی هستم توی دانشگاه گروه بی‌تی‌اس رو خیلی دوست داشت، برای همین واسه تولدش یه تی‌شرت گرفتم که آرم بی‌تی‌اس روش بود. ولی می‌دونید، اینایی که تو ایران می‌خریم فیک ان.
- یعنی خود کمپانی تولید نکرده؟
- دقیقاً. تو ایران تولید می‌کنن، بعضی وقتام به اسم اورجینال می‌اندازن به بچه‌ها.
- تی‌شرتی که خریدی چه طور بود؟
- فیک بود، ولی ما خیلی به این چیزا اهمیت نمی‌دیم.



- دوستت پسر هست یا دختر؟

پسره، ولی می‌دونستم علاقه داره به بی‌تی‌اس.

- این که می‌گی پسره ولی علاقه داره به بی‌تی‌اس منظور خاصی داشتی؟

بیخشید یعنی چی، متوجه نشدم؟

- یعنی این که برای پسر طبیعی نیست که به بی‌تی‌اس علاقه‌مند باشد؟

آهان، آره این طوری هم فکر می‌کنم. یعنی می‌گم که خوب نیست یه پسر این قدر به این گروه علاقه داشته باشه.

- چه قدر؟

همین قدر که بره لباسش رو بخره و اکسسوری داشته باشه. بالاخره یه تفاوتی باید بین پسر و دختر باشه دیگه (باخنده).

- اگر یک پسر همین قدر که مد نظر شماست، به بی‌تی‌اس علاقه‌مند باشد چه می‌شود؟

بعضی وقتا مسخره‌اش می‌کنن.

- چه کسانی و چرا؟

همین دوستم رو دوستای مشترکمون مسخره می‌کنن که مگه تو دختری این قدر به گروه بی‌تی‌اس علاقه داری، منم از این دوستم حمایت

می‌کنم، ولی بچه‌های دیگه مثل من فکر نمی‌کنن. به نظر اونا سوسول بازی، یعنی یه کار دخترونه هست (با لبخندی که بر صورت داشت

توضیح می‌داد).

- گفتم یک تفاوتی باید بین پسران و دختران باشد. این تفاوت چیست؟

این روزا توی دانشگاه می‌بینید دیگه دخترا، ادای پسرا رو در میارن و پسرا، ادای دخترا رو.

- اگر ممکن هست مثال بزن؟

پسرا پودر می‌زنن به سر و صورتشون مثلاً. آهان مثلاً یه پسره اون قدر زیر ابرو برداشته بود و ابروش نازک شده بود که من خجالت می‌کشیدم

جای اون. شلوارای تنگ و دخترونه می‌پوشن. حتی باورتون نمی‌شه، دوستم حمید رو چند بار دیدم که رژلب زده بود، از این رژای بی‌رنگ که

فقط براق می‌کنن، اگه روش بشه رژ رنگیم می‌زنه (ابروها در هم فرو رفته بود و تن صدا بالا بود، ناراحت و کمی عصبی به نظر می‌رسد).



- آیا ارتباطی بین این مواردی که بیان کردی با بی‌تی‌اس وجود دارد؟  
بی‌تی‌اس آهنگ‌هاشون ریتم باحالی داره، ولی به نظرم گروه یه کم زیادی دخترونه هست دیگه.
- یعنی چه؟ اگر ممکن هست لطفاً چند مثال بزن تا من متوجه منظور شما بشوم؟  
خیلی ناز و عشوه میان این رفتارها بیشتر به دخترا میاد تا پسرا. پسر که نباید این قدر ناز و عشوه داشته باشه، اینا دخترونه ان، شایدم چون من تو خانواده‌ای بزرگ شدم که این چیزا رو از پسر بیین مسخره‌اش می‌کنن، این طوری فکر می‌کنم.
- دو مورد را لطفاً بیشتر توضیح بدهید. یکی این که لطفاً مثال‌های بیشتری از دخترونه بودن رفتارهای اعضای گروه بی‌تی‌اس ارایه بده. دوم هم این که در مورد خانواده‌ات و این که چرا این رفتارها را نمی‌پذیرند توضیح بدهید و در مورد آن هم مثال بزنید.  
کارای دخترونه بی‌تی‌اس و آرایش زیادشون هست که همین دوستم هم که گفتم، از این رژی بی‌رنگ می‌زنه، وای نمی‌تونم تصور کنم اگه روش می‌شد، خاک تو سر (باخنده) رژ قرمز و بنفشه می‌زد، فکر می‌کنم اینا تأثیر بی‌تی‌اس هست روی دوستم. خودش هم به من گفته که برای قشنگی رژ می‌زنه.
- از دوستت پرسیدی که آیا بی‌تی‌اس تأثیری بر رژ لب زدن او داشته یا خیر؟  
بله پرسیدم. گفت که اونا می‌زنن خوشگل می‌شن و حتی گفت، اگه خجالت نمی‌کشیدم حتماً رژ رنگی هم می‌زدم. آهان یکی هم این رو می‌گه که از جنسیت خودش راضی نیست.
- پرسیدی چرا؟  
نپرسیدم خودش گفته بهم. اون قدر که ناراضی هست، همیشه خودجوش در مورد این که ناراضی هست، حرف می‌زنه. اصلاً دوست ندارم حرفایی که می‌زنه رو. خدا صلاح دونسته پسر باشی، چرا ناشکری می‌کنی؟ اصلاً کار درستی نیست.
- خوب چرا ناراضی هست؟  
می‌گه خوشگل نیستم، جذاب نیستم، اینم می‌گه که اگه پسر نبود، راحت‌تر بود، چون تک پسر و پسر بزرگ خانواده هست فکر می‌کنم خیلی از مسوولیت‌هایی که روی دوشش گذاشتن خوشش نیامد.
- یعنی از مسوولیت پذیری فرار می‌کند؟  
خودش که این طوری می‌گه. تکالیف کلاسی هم من ندیدم انجام بده و همیشه از زیر کار در رفته.
- بی‌تی‌اس هم تأثیری در مورد مسأله در رفتن دوستت از کار داشته؟  
یک بار فقط به من گفت که وقتی می‌شه راحت زندگی کرد، چرا باید این قدر سختش کنیم زندگی رو.
- یعنی چی؟ اگر ممکن هست لطفاً کمی بیشتر توضیح بده.  
یکی دوتا از این بی‌تی‌اسی‌ها رو مثال زد، البته کنارش چندتا از این شاخ‌های مجازی رو هم مثال زد، ولی کل حرفش این بود که وقتی می‌شه خیلی راحت به راحتی رسید و موفق شد، چه لزومی داره این همه درس بخونیم و تلاش کنیم.
- منظور دوستت از راحت دقیقاً چی هست، آیا اعضای بی‌تی‌اس به راحتی به این جایگاه رسیده‌اند؟  
از نظر دوستم بله. فکر می‌کنه خوانندگی و رقص خیلی راحت‌تر از درس خوندن هست و تلاش زیادی نمی‌خواد و چون رقص و آهنگ طرفدار زیاد داره، خیلی‌ها پول درست و حسابی خرج می‌کنن برای آهنگ و رقص.
- پس چرا دنبال خوانندگی و رقص نرفته دوستت؟  
چون شرایط این کار رو نداره. خانواده اون هم خیلی بهش گیر می‌دن. ضمن این که خوانندگی استعداد می‌خواد الکی که نیست.
- تا یادم نرفته بگم که با رنگ مو مشکلی ندارم، نه این رنگ‌هایی که می‌مالن به موهاشون. بعد یه جا می‌خوندم یادم نیست کدوم یکی بود، می‌گفت رنگ قرمز بهم میاد. آخه رنگ قرمز به پسر میاد؟ بعدشم حالا بگیم میاد بهت، هر چی که میاد باید استفاده کنی؟ پسرای کره‌ای از این پودرها هم می‌مالن، سفید می‌شن. می‌گید که چه ارتباطی با بی‌تی‌اس داره؟ به نظر من بچه‌ها یا بهتره بگم حداقل دوست‌های خودم از این گروه و گروه‌های دیگه تأثیر می‌گیرن. بگیم ۱۰ درصد یا حتی کم‌تر ولی تأثیر می‌ذاره. همین دوستم رو خب خیلی وقته می‌شناسم، حمید این اواخر این طوری شده که رژ می‌زنه، قبلاً این جور نبود، بهش می‌گم چرا موهاش رو رنگ می‌کنی، مگه رنگ خودش چه ایرادی داشت یا چرا رژ می‌زنی، می‌گه خوشگل می‌شم. می‌گم پسر که نباید رژ بزنه، می‌چسبونه به امل بودن و این که ایرانی امل بودن قبلاً، کره‌ای‌ها رو نگاه کن.

آدم حال می‌کنه تیپ و قیافه بی‌تی‌اسی‌ها رو می‌بینه. می‌گه کاش یه جای دیگه به دنیا می‌اومدم جز ایران. خیلی به کره‌ای‌ها و بی‌تی‌اسی‌ها حسادت می‌کنه. من چی بگم دیگه.



- به چه دلیل به کره‌ای‌ها و اعضای بی‌تی‌اس حسادت می‌کنند؟
- می‌گه بین اونا چه قدر آزادن. کسی به چیزای خصوصی گیر نمی‌ده.
- منظور ایشان از موارد خصوصی چیست؟ دقیقاً به چه مواردی اشاره می‌کنند؟
- همین‌هایی که گفتم آرایش کردن نکردن، لباس پوشیدن، دخترا و پسرا باهم می‌گردن.
- مگر اینجا دخترها و پسرها باهم نمی‌گردند؟
- نه مثل اونا که اون قدر آزادن که بخوان رابطه هم داشته باشن، یعنی آزاد باشن.
- یعنی دوستت، دوست دارد که مثل اعضای بی‌تی‌اس و کره‌ای‌ها آزاد باشد؟
- بله. دقیقاً این رو می‌گه.
- تاحالا شما یا دوست شما شنیده‌اید که اعضای بی‌تی‌اس با کسی رابطه جنسی داشته باشند؟
- نه نشنیدم.
- می‌دانی چرا نشنیده‌ای؟
- شنیدم که حق ندارن اگه کاری هم می‌کنن، اعلام کنن یا لو بدن.
- پس اون قدرها هم آزاد نیستند درسته؟
- بله، قبول دارم.
- ولی من با این کارای اینا که سفید کننده می‌مالن به سر و صورتشون مخالفم.
- چرا؟
- چون به من حداقل این حس رو می‌ده که می‌خوای خوب باشی، زیبا باشی، باید سفید باشی. من که چیزی راجع به اخلاق و انسانیت نشنیدم از بی‌تی‌اس. خودم خیلی خوندم راجع به اینا، خیلی جذب خوشگلی اینا می‌شن. آخه یعنی چی که هر کی سفید نباشه قشنگ نیست. بعضی وقتا فکر می‌کنم نژادپرستن اینا.
- تاحالا به صراحت این را اعلام کردند که نژادپرست هستند؟
- صراحت یعنی چی ببخشید؟



- یعنی تاحالا علنی این موضوع رو اعلام کردن؟  
نه، نیازی به گفتن نیست، اینا اگه بگن این قدر فحش می‌خورن که نابود می‌شن. معلومه که نمی‌گن به جاش این طوری چیزایی که می‌خوان رو می‌گن.
- می‌تونی چند مثال در این باره بزنی؟  
نمی‌گم که نژادپرستن. می‌گم که یه وقتایی فکر می‌کنم نژادپرستن وگرنه اگه مطمئن بودم یا مثالی به ذهنم می‌رسید، مطمئن باشید، تبدیل می‌شدم به مخالف سرسخت بی‌تی‌اس.
- باز هم رفتارهای دخترانه دیگری از بی‌تی‌اس دیده‌ای؟  
رنگ مورد علاقه دارن همه‌شون، رنگای جیغ دوست دارن.  
- همه‌ی آن‌ها؟  
نه دیگه همه‌شون، حتی فکر کنم یکی‌شون به مشکی علاقه زیادی داره، ولی اکثرشون رنگای جیغ رو دوست دارن.  
- این بد هست؟  
با این که یه پسر رنگ موی مورد علاقه داشته باشه، مشکل دارم، خیلی سوسول بازیه. این چیزا دیگه خز شده.  
- یعنی باعث کاهش علاقه تو به بی‌تی‌اس شده؟  
آره واقعاً این چیزا علاقه‌ام به بی‌تی‌اس رو کم می‌کنه. خجالت می‌کشم بگم طرفدار بی‌تی‌اس هستم.  
- اما یکی از آن‌ها گفتی که به رنگ مشکی علاقه داره، چرا به اون علاقه نداری؟  
مهم اکثریت هست. اکثرشون رفتارهای دخترونه دارن. همونم که رنگ مشکی داره مطمئن هستم که رفتار دخترونه داره.



- اسم اعضای گروه را می‌دانی؟  
خیلی با اسمای این کره‌ای‌ها حال نمی‌کنم، واسه همین بعد از چند ماه هنوز نمی‌دونم کی به کیه.
- در مورد خانواده‌ات توضیح ندادی.  
پدرم از بچگی هر وقت خواستم ناز و عشوه بیا بکنم زده، شما که غریبه نیستی خودمم این کارش ناراحتم کرده، ولی این رو قبول دارم که نباید یه پسر مثل دخترا حرف بزنه، راه بره، بیوشه، آرایش کنه، ولی بابامم زیادی سخت می‌گرفت، البته اینا واسه خیلی وقت پیشه، الان دیگه خودم شدم یکی بدتر از خودش، اگه یه روزی پسر داشته باشم وای به حالشه (باخنده).

- دچار تعارض نمی‌شوی وقتی طرفداری از بی‌تی‌اس با آنچه که پدر از شما انتظار دارد متفاوت است؟
- فکر می‌کنم خیلی اتفاقاً پدرم تأثیر داشته توی همین خجالت کشیدن‌های من. هر موقع کاری می‌کنم می‌گم نکنه سوسول بازی باشه یا مردونه نباشه. موقع دیدن رقص و موزیک ویدیوهای بی‌تی‌اس هم همچین حسی دارم. به قول شما دچار تعارض می‌شم. حس خوبی ندارم.
- پدرم آدم بدی نیست، همیشه سعی کرده من مرد بار بیام. بعضی وقتا می‌گم اگه رفیقم پسر بابام بود، بابام دارش می‌زد (باخنده). راستش رو بخواین شما که غریبه نیستید، خداوکیلی پدر من کم نذاشته واسم توی زندگی‌م. الان شهریه همین دانشگاهم رو هم بابام می‌ده، خب خواسته‌هایی هم داره، مثلاً لباس پوشیدن من رو نگاه کنید (کت و شلوار رنگ مشکی همراه با کفش مشکی و مدل موی ساده)، این چیزیه که بابام دوست داره، منم سعی می‌کنم وقتی این قدر هوام رو داره، اون جوریه که اون دوست داره رفتار کنم. ولی بعضی وقتا چیزایی مثل بی‌تی‌اس رو که دنبال می‌کنم، احساس گناه می‌کنم و می‌گم، خداوکیلی چه طوری روت می‌شه توی صورت بابات نگاه کنی، وقتی این قدر ویدیوهای دخترونه می‌بینی. هم دوست دارم، هم دوست ندارم. خدایی متوجه می‌شید دکتر چی می‌گم؟
- سعی می‌کنم بفهمم منظورت چیست و تاحدی درک می‌کنم، ولی نه کامل چون کاملاً در شرایط شما نیستم.
- گفتمی که بی‌تی‌اس ذاتاً یک گروه تبلیغاتی هست، به نظر شما مسأله این بد هست؟
- بله، به نظرم بده.
- خیلی از گروه‌ها دوست دارند پول در بیاورند و تبلیغات کنند. چرا بد هست؟
- وقتی کل تمرکز تبلیغات و فروش باشه، آره بده. یه گروه فرهنگی که ادعا می‌کنه این همه به موضوعات اجتماعی اهمیت می‌ده نباید صرفاً هوادار رو به چشم یک بشکه پر از پول ببینه.
- چه فعالیت‌های تبلیغاتی از بی‌تی‌اس دیده‌ای جز آن مواردی که اشاره شد که باعث شده به این نتیجه برسی که بی‌تی‌اس یک گروه صرفاً تبلیغاتی هست؟
- بذارید مقایسه کنم، شاید بهتر بتونم منظورم رو برسونم. در همین ایران گروه‌هایی هستن که فعالیت موسیقایی دارن یا گروه‌های ایرانی که خارج از ایران هستن.
- لطفاً با مثال توضیح بدهید.
- بله، گروه‌های قدیمی‌تر مثل آریان که منحل شد تا گروه‌های جدید مثل ۲۵ باند و تی‌ام بکس، دنگ شو، پالت و از این جور گروه‌ها روی کار بیاند. ولی کجا این گروه‌ها حرکت‌های نامعمول زدن یا اکسسوری فروختن، طرح روی لباس زدن و اون‌ها رو فروختن؟
- گروه‌های خارجی هستند که مثال بزنی که مثل بی‌تی‌اس تبلیغات کنند؟
- خارجی‌ها رو زیاد نمی‌دونم.
- خودت رو به عنوان هوادار بی‌تی‌اس می‌دانی یا نه صرفاً از بعضی از موزیک ویدیوها خوشت می‌آید؟
- با این که می‌گم بی‌تی‌اس خیلی به تبلیغات اهمیت می‌ده و من هوادار رو پول می‌بینم، ولی لذت می‌برم هر چند که قبلاً گفتم مشکلاتی هم دارم. به نظرم وقتی از یه محصول لذت می‌بری، باید از سازنده‌اش حمایت کنی، به قول حامد بهداد حتی به غلط (باخنده).
- حمایت غلط تو از این گروه می‌تواند پیامدهای اجتماعی هم داشته باشد؟
- فکر می‌کنم همه اونایی که گوش می‌دن به آهنگ هر گروهی، نه فقط بی‌تی‌اس، دارن حمایت می‌کنن دیگه پس این گروه بیش‌تر شناخته می‌شه و پول بیش‌تری درمیاره.
- خوب این چه ارتباطی با پیامدهای اجتماعی دارد؟
- وقتی اون‌ها بیش‌تر دیده بشن، بیش‌تر هم طرفدار جذب می‌کنن، اون طرفدارا هم مثل خود من از این گروه بالاخره تأثیر می‌گیرن.
- به نظرت بی‌تی‌اس بیش‌تر اثرگذاری مثبت دارد یا منفی؟
- منفیش بیش‌تره.
- می‌توانی از هر دو مثال‌هایی بزنی؟
- منفیش همین تشویق هوادارها به خرج کردن پول برای خرید یه سری چیزای بی‌بهره مثل لباس آرم داره.
- چرا منفیه؟

چون من مثلاً لباس دارم، ولی چون می‌خوام یه آرم بی‌تی‌اس هم داشته باشه، پول اضافه می‌دم به لباسی که نیاز ندارم.  
- دیگه چه؟

برای این که همیشه زیبا به نظر برسم، باید مدام برم آرایشگاه، تیپ بزنم. این بی‌تی‌اسی‌ها رو یه بارم با یه تیپ معمولی و قیافه دست نخورده ندیدم، باورتون می‌شه؟ خب اینم باز یعنی خرج اضافه. پسرا فقط آرایش کردن شون کم بود که اینم به خرجشون اضافه شد.



- یعنی فکر می‌کنی مصرف‌گرایی را ترویج می‌کنند؟

- یعنی مخاطب‌شان را تشویق می‌کنند به مصرف کردن، حتی اگر نیاز نداشته باشند؟  
آره، این طوریه به نظرم.

- دیگه چه؟

جدا زندگی کردن از خانواده‌ام. من خیلی دوست ندارم، ولی وقتی می‌بینم اینا دارن جدا از خانواده زندگی می‌کنن، اونم خیلی تازه خوشحال هستن، این یه جور حس بدی بهم می‌ده که تو چه قدر بی‌خاصیتی که توی این سن نمی‌تونن تنها زندگی کنن. من دوست ندارم اصلاً تنها زندگی کنم این ناراحتی نمی‌کنه این که نمی‌تونم مستقل بشم، هر زمان که بخوام اعتماد به نفسم رو میاره پایین. اینم بدی دنبال کردن بی‌تی‌اس و گروه‌های اون وریه.

- دیگه چه؟

یادم نمیاد فعلاً.

- بی‌تی‌اس چه جنبه مثبتی داره؟

همین شاد بودن اینا، تشویق کردن به محبت به دیگران اینا هم مثبت ان. اما بدی اینا خیلی بیش‌تره.

- چه طور تشویق می‌کنند به محبت به دیگران؟

به فقرا کمک می‌کنن، اینم یه طور محبته. تاحالا بی‌تی‌اسی‌ها باهم دعواشون نشده، شاید هم ما خبر نداریم، ولی چیزی که ظاهراً من دیدم محبت به هم بوده. پنهانی چه کار می‌کنن دیگه نمی‌دونم (با لبخند).

- این که از نیازمندان حمایت می‌کنند در تو تأثیری گذاشته است؟

ازشون خوشم اومده، ولی پولی ندارم که بخوام بدم خیریه یا نیازمند، ولی دوست دارم مثل اونا باشم.

- بی‌تی‌اس چه نقاط ضعفی دارد؟

(بعد از حدود دو سه دقیقه فکر کردن) تو رو خدا این حرف رو می‌زنم برداشت بد نکنید.

- نه بدون قضاوت گوش می‌دهم، خیالت راحت باشد.

هم‌جنس باز نیستیم، اما بعضی وقتا که عکساشون رو می‌بینم تحریک می‌شم. عجیبه خب من پسری هستم که استریت هستم و گی نیستیم، ولی این قدر آرایش می‌کنن و جذاب هستن که تحریک می‌شم.

- یعنی آرایش غلیظی دارند؟

غلیظ نه، به نظرم گریمورشون دقیقاً داره آرایش شون می‌کنه برای جذب پسر. به طوری آرایش می‌کنن که دقیقاً تو چشم من زیبا و جذاب به نظر برسن.

- این نقطه ضعف هست برای آن‌ها؟

دارن تحمیل می‌کنن هم‌جنس بازی رو به منی که هوادارم.

- چه طور هم‌جنس‌گرایی را به شما تحمیل می‌کنند؟

گفتم که یه طوری آرایش می‌کنن که یه پسر هم از آیدول‌ها خوشش میاد.

- مگر این که کسی از یک آیدول خوشش بیاید، یعنی آیدول برای او جذابیت جنسی دارد؟

خب جذابیت جنسی دارن واسه پسر.



- از کجا متوجه می‌شوی برای پسرها جذابیت جنسی دارند؟

با دوستانم صحبت کردم دیگه اونام می‌گن که خوشگل ان.



- یعنی دوستان تو به صراحت اعلام کردند که آیدول‌های بی‌تی‌اس براشون جذابیت جنسی دارند؟

بله، دقیقاً، وقتی من با سه، چهارتا از دوستانم دور هم بودیم، اینا رو گفتن.

- چه چیزی دقیقاً برای شما و دوستانتان جذابیت جنسی دارد؟

رژ لبی که می‌زنن، لباسای تنگی که می‌پوشن، این که خیلی سفید هستن و سفید کننده هم استفاده می‌کنن. دیگه این که مدل موهاشون جذابه.

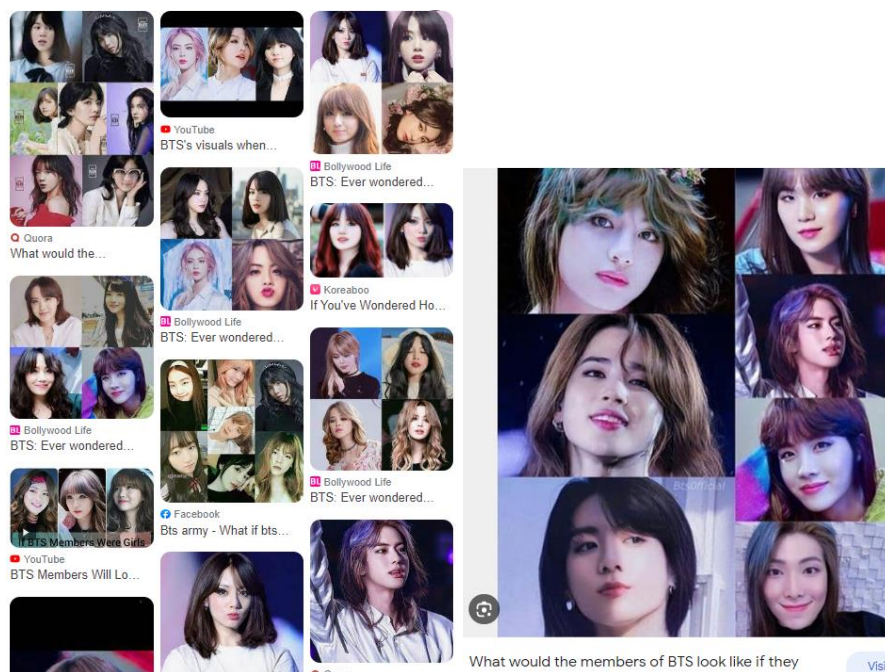
حرف زدن شون توی چندتا ویدیو رو هم شنیدم، انصافاً صدای نازی دارن.

- یعنی به خاطر جذب مخاطب این طوری لباس می‌پوشند و آرایش می‌کنند؟

من که این طوری فکر می‌کنم.

- پس کجا ترویج هم‌جنس بازی می‌کنند؟ این‌ها را که گفتی به خاطر جذب مخاطب هست. مگر تا به حال مستقیم اعلام کردند که هم‌جنس‌گرا هستند؟

نه چند دقیقه پیشم گفتم، در مورد سفید بودن که اینا خیلی چیزا رو مستقیم که نمی‌گن، ولی همین که من به یه پسر علاقه‌مند می‌شم و فانتزی‌هایی رو توی سرم تصور می‌کنم، همین تشویق به هم‌جنس بازی! از نظر من که این طوریه. لازم نیست که حتماً یه بلندگو بردارن داد بزنی، ما هم‌جنس بازی.



- به نظر شما کار درستی انجام می‌دهند؟

نه خب، راستش کار درستی انجام نمی‌دن. ناپسندتر از هم‌جنس بازی و این چیزا نداریم که. من حتی روم نمی‌شد راجع به این موضوع حرف بزیم.

- ولی گفتی که با دوستان دور هم صحبت می‌کردید.

بله، ولی خداوکیلی بحث افزایش اطلاعات بوده، نه چیز دیگه‌ای.

- یعنی چه؟

می‌گن دانشجو حالیش نیست، ولی ما هم این قدر تعطیل نیستیم که یه چیزی رو بدون تحلیل گوش بدیم یا نگاه کنیم، دور هم می‌شینیم در موردش حرف می‌زنیم تا به نتیجه برسیم.

- به چه نتیجه‌ای رسیدید؟

همین که اینا دارن غیرمستقیم هم‌جنس‌گرایی رو هم ترویج می‌کنن.

- وقتی این قدر اطمینان داری که کار درستی انجام نمی‌دهند، پس چرا باز هم این گروه را دنبال می‌کنی؟

وقتی که دارم لذت می‌برم، چرا بذارمش کنار. اعتقادی به کنار گذاشتن هر چیزی حالا هر چی که باشه ندارم.

- یعنی چه؟ اگر ممکن است لطفاً بیش‌تر توضیح دهید.

راستش دلیلی نداره چون یه چیزی یه جا ایراد داره، من بنذامش دور. چه کاریه این گروه درسته بدی‌هایی داره، خوبی‌هایی هم داره، مثل ماشینی که می‌خری. می‌تونید یه ماشین معرفی کنید که هیچ مشکلی نداشته باشه؟

- یعنی با وجود این که یک سری از فعالیت‌ها و اهداف‌شان برخلاف نظر شما هست، اما باز هم گروه را دنبال می‌کنی، چون فکر می‌کنی هیچ گروهی وجود ندارد که کاملاً با عقاید شما در یک راستا باشد؟

بله.

- بی‌تی‌اس باز هم نقطه ضعف دارد؟

من جوانی هستم که وقتی به مراسم‌ها و جشن‌های بی‌تی‌اس و لااقل از نظر من این ظاهرسازی‌ها نگاه می‌کنم، حسرت می‌خورم که چرا من جای یکی از اونا نیستم. فرقی نمی‌کنه کدوم شون، اصلاً فرد محور نیستم، مهم اینه که حسرت می‌خورم به اون چیزی که ظاهرسازی می‌کنن. می‌دونم به عنوان دانشجوی روان‌شناسی باید یک تفاوتی با بقیه داشته باشم، ولی حتی با این که می‌دونم ظاهرسازی هست، بازم انگار یه چیزی توی مغزم می‌گه خاک تو سرت، تو چیت از اینا کم‌تره که مثل اینا پولدار نیستی (باخنده).

- چه کارهایی می‌کنند که به نظر شما این قدر حسرت‌آور هست؟

از بچگی تا حالا کسی واسم تولد نگرفته، حتی پدر و مادر خودم.

- علت خاصی داشته؟

سن شون بالاست، من بچه کوچیک خانواده‌ام. داداشام هم خیلی براشون مهم نیست این چیزا.

- زندگی خودت را مقایسه می‌کنی با گروه بی‌تی‌اس؟

بله، خیلی مقایسه می‌کنم. با خیلی از افراد موفق دیگه هم مقایسه می‌کنم.

تولدای لاکچری اعضای گروه رو که می‌بینم، به خودم می‌گم دوتا آدم چرا باید این قدر باهم اختلاف طبقاتی داشته باشن.



- وقتی به این موارد فکر می‌کنی ناامید هم می‌شوی؟

راستش ناامید می‌شم، واسه یه لحظه هست. باور کنید دست از کار و مطالعه برمی‌دارم. می‌گم آخرش که چی. به جایی می‌رسم به حرف اون دوستم. من که هیچ وقت نمی‌تونم توی این شرایط افتضاح با ماهی ۶-۷ تومن حقوق به جایی برسم، پس بذار سرسری بگیرم همه چیز رو حداقل کم‌تر فکر می‌کنم، کم‌تر اذیت می‌شم.



- در دوره کودکی و نوجوانی دامنه ارتباطات اجتماعی‌ات زیاد بوده؟
- نه اصلاً. اصلاً یا داداشام یا پدر و مادرم نمی‌داشتن با کسی برم بیرون، بگردم، رفیق بشم یا به قول معروف عشق و حال کنم. مدرسه، خونه، مدرسه، خونه لا به لاش هم بعضی روزا کلاس می‌رفتم.
- ارتباطی بین این موضوع و بی‌تی‌اس وجود دارد؟
- بله، اول این که ناراحتیم که چرا من مثل اونا آزاد نیستیم، با هر کسی که دوست دارم زندگی کنم. هر جا دوست دارم برم.
- دوم این که هر جوری دوست دارن زندگی می‌کنن.
- مگر اعضای گروه بی‌تی‌اس تحت کنترل کمپانی نیستند، آیا کمپانی اعضاء را کاملاً آزاد گذاشته؟
- ببخشید کدوم کمپانی؟
- یک کمپانی هست به نام بیگ هیت اینترتیمنت تا حالا در موردش شنیدی؟
- همون‌هایی هستن که بی‌تی‌اس رو تشکیل دادن؟
- بله، خودشان هستند.
- این کمپانی که در تشکیل این گروه نقش دارد، در هدایت و کنترل آن نقشی ندارد؟
- نمی‌دونم اگه ایرادی نداره یک دقیقه توی اینترنت سرچ کنم ببینم نقش داره یا نه. البته اگه از نظر شما مشکلی نیست
- نه مشکلی نیست. سرچ کنید.
- (بعد از حدود ۵ دقیقه جست و جو در اینترنت) درسته کمپانی هدایت و کنترل می‌کنه اعضاء رو. حق با شما هست.
- گفتمی که هر طور دوست دارن زندگی می‌کنند. این یعنی به هیچ کدام از قوانین گروه یا حتی قوانین اجتماعی پایبند نیستند؟
- نه، منظورم این نبود. می‌گم که خیلی وضعیت بهتری از مثلاً کسی مثل من دارن.
- اگر ممکن هست، لطفاً کمی بیش‌تر توضیح دهید. از چه نظر وضعیت بهتری از شما دارن؟
- اونا خب مشکل مالی ندارن و استقلال مالی دارن. حداقل برای من استقلال مالی خیلی مهمه و پیش زمینه‌ای هست برای کسب هویت. من استقلال مالی ندارم و همیشه فکر می‌کنم پیش خودم که باید تا آخر عمرم حسرت یک زندگی معمولی رو داشته باشم که حداقلی‌هام فراهم شده باشه.
- منظور شما از حداقلی‌ها چه مواردی هست؟
- دستم به دهنم برسه، دیگه محتاج این و اون نباشم و بخوام دستم رو جلوی هر کسی دراز کنم.
- الآن محتاج کسی هستی؟

خانواده‌ام. پدرم سن من بود ازدواج کرده بود، اون وقت من حتی چند روز پیش می‌خواستم یه کتاب بگیرم، برای دانشگاه پول نداشتم با خجالت زنگ زدم به بابام پول بریزه توی کارتم.

- خودت کار نمی‌کنی؟

نه دیگه دارم درس می‌خونم. شما گفتید که برای کلاس کتاب هرگنهان رو بخرم، ولی من گفتم گروه استاد. یادتونه؟ یادتون باشه گفتم که پی‌دی‌اف کتاب رو می‌تونم بخونم که شما گفتید نه شاید ناشر راضی نباشه. من بعدش رفتم بخرم واسه همین به پدرم رو زدم و خیلی خجالت کشیدم.

- چرا؟

پدرم هنوز دو ماه نشده، پول شهریه‌ام رو پرداخت کرده، حالا باید برای خرید تک تک کتاب‌هامم پول بده. از بچگی دوست داشتم مستقل باشم. پول‌هام رو جمع می‌کردم تا چیزی که می‌خوام رو با پولای خودم بخرم، ولی دیگه از دبیرستان که شهریه مدرسه و کتاب‌های کنکور اضافه شد، احساس ضعف بیش‌تری کردم. الان هم واقعاً اعتماد به نفسم پایین اومده. کدوم یکی از اونا مثل من هستن؟ کدوم یکی پول توجیبی گرفتن. جین تازه می‌خواد بره سربازی ولی ببینید چه قدر سرمایه داره؟

- چه قدر؟

یعنی چی چه قدر؟

- گفتم ببینید چه قدر سرمایه دارند، خب چه قدر سرمایه داره جین؟

نمی‌دونم که دقیقاً چه قدر، چه سوالیه آخه (باخنده)، می‌دونم زیاده خیلی زیاد.

- از کجا می‌دانی؟

مگه می‌شه اینهمه مشهور باشن و فقیر باشن؟

- نه نگفتم که فقیر هستند، گفتم از کجا می‌دانی که خیلی سرمایه‌دار هستند؟ یعنی هر کسی مشهور باشد، سرمایه‌دار هم هست؟

این‌ها به جز این که مشهور هستن، خیلی کنسرت برگزار می‌کنن و از این طریق پول در میانن. یوتیوب و اینستا هم قطعاً برای این‌ها خیلی درآمدزا هستن. یه مورد دیگه کمک‌هایی هست که جین اهدا کرده. مبلغش یادم نیست، ولی می‌دونم مبلغ خیلی بالایی بود. مگه می‌شه آدم نداشته باشه و اهدا کنه. راستش در مورد جین مطمئنم، بقیه هم کمک کردن، ولی نمی‌دونم فردی بوده یا دسته جمعی اهدا کردن.

- آیا حسرت می‌خوری که چرا جای اعضای بی‌تی‌اس نیستی؟

حسرت می‌خورم که چرا مثل اون‌ها پولدار نیستم.

- آیا از ابتدا سرمایه‌دار بودند یا با تلاش به سرمایه رسیدند؟

راستش به این فکر کردم و به این نتیجه رسیدم که خیلی تلاش کردن و تلاش می‌کنن. بارها و بارها تلاش می‌کنن. یکی از دوستانم چون تو کار تولید موزیک ویدیو هست، من از نزدیک دیدم که چه قدر کارشون سخت هست.

- از وقتی بی‌تی‌اس را دنبال می‌کنی، تلاشت برای رسیدن به اهدافت بیش‌تر نشده؟

نه خیلی زیاد که بگم متحول شدم یا از این رو به اون رو شدم، ولی تأثیر داشتن. بیش‌تر توی هدف‌گذاری‌هام تأثیرگذار بودن.

- یعنی چه، اگر ممکن هست، لطفاً بیش‌تر توضیح دهید.

جین توی یه برنامه گفته بود که برای هر روزشون برنامه‌ریزی دارن و مثلاً بین ۷ تا ۱۰ ساعت کار می‌کنن یا این که صبح از خواب بیدار می‌شن ۱۰ دقیقه مدیتیشن دارن، ۳۰ دقیقه تا ۴۵ دقیقه پیاده‌روی و دوندگی دارن و برنامه‌های دیگه‌ای که یادم نمیداد.

- کدام‌ها را شما از بی‌تی‌اس الگوبرداری کرده و اجرا می‌کنید؟

۳۰ دقیقه هر روز پیاده روی می‌کنم. چون پام درد می‌کنه، نمی‌تونم بدوم. قبلاً صبح که بیدار می‌شدم، حموم نمی‌رفتم، ولی الان سعی می‌کنم ۳۰ دقیقه زودتر بیدار بشم و حموم هم برم.

- بی‌تی‌اس در این که به سمت یادگیری زبان انگلیسی بروید، تأثیری داشته؟

نه، علاقه‌ای به زبان ندارم.

- شعاری یادت می‌آید از بی‌تی‌اس که خوشت بیاد و به این موضوع ارتباط داشته باشد؟



لا و یورسلف مثلاً.

- یعنی چه؟

استاد شوخی می‌کنید؟ (باخنده) خودتون بهتر از من می‌دونید، یعنی چی دیگه؟

- منظورم معنی کلمه به کلمه نیست، منظورم این هست که با این موضوعی که صحبت کردیم، چه ارتباطی دارد؟

خودت رو دوست داشته باش. به نظر من کسی می‌تونه خودش رو دوست داشته باشه که خودش باشه، یعنی جلوی زورگویی دیگران و ایسته و هر جوری دلش می‌خواد بگرده، با هر کی دلش می‌خواد دوست بشه، شغل مورد علاقه‌اش رو انتخاب کنه، همسر مورد علاقه‌اش رو انتخاب کنه. بی‌تی‌اس هم می‌خواد این رو جا بندازه که بابا نوجوان رو ول کنی تا چیزی که دوست داره رو دنبال کنه. اون طوری که دوست داره برنامه‌ریزی کنه. دوست دارم امروز جای ۶ ساعت ۱۲ ساعت بخوابم، به کسی ربطی نداره تا وقتی صدمه‌ای به کسی نزد. چرا باید توی همچین موارد شخصی دخالت کنن.

- اعضای بی‌تی‌اس چیزی را که دوست دارند، می‌توانند دنبال کنند؟

نمی‌دونم. من یه اخلاقی دارم نمی‌دونم خوبه یا نه، تا وقتی از نزدیک کنارشون نباشم، هیچ چیز رو هر چند بشنوم باور نمی‌کنم. توی یه مستند دیدم داشتن در مورد بی‌تی‌اس صحبت می‌کردن، شنیدم که گفتن هر کاری دل‌شون بخواد، نمی‌تونن بکنن.

- مثل؟

درست یادم نیست، ولی اگه اشتباه نکنم چیزایی مثل ورزش‌هایی که می‌کنن، البته به نظرم حتی اگه بهشون دیکته می‌شه، کار درستیه.

- منظورت اینه که ورزش و تمریناتی که دارن رو به اجبار کمپانی انجام می‌دن؟

آره و به نظرم کار اشتباهی نیست.

- چرا؟ مگر نگفتی اجبار خوب نیست؟ شاید دوست نداشته باشند که این موارد را انجام بدهند؟

راستش برای موفق شدن در هر کاری باید نظم و قانون باشه. بی‌تی‌اس جهانبه و یه گروه بین‌المللی باید اصول و قاعده خاص داشته باشه.

- به هر حال اجباری هستند این قوانین. باید یک سری مواردی را رعایت کنند و طبیعتاً از ده‌ها مورد، یک مورد پیش می‌آید که دوست نداشته

باشند. این از نظر تو موردی ندارد و این که در مورد موفقیت تو خانواده نمی‌تواند حکم همان کمپانی را داشته باشد و برنامه‌ریزی کند؟

خانواده که به من حقوق نمی‌ده. زندگی تو اون خانواده هم شغل من نیست. پس حق ندارن هر قانونی دل‌شون خواست رو بهم تحمیل کنن.

- حتی اگر این قوانین به رسیدن تو به موفقیت کمک کنند؟

از اجبار خوشم نیامد. توی این مورد نمی‌تونم جای اونا باشم. نمی‌تونم تحمل کنم یکی چیزی رو حتی اگه به نفع من باشه، تحمیل کنه.

- از کجا می‌دانی به اجبار دارن انجام می‌دهند؟ شاید خودشان دوست دارن این طوری باشن؟

می‌گم که مطمئن نیستیم، ولی به نظرم مهم نیست حتی اگه اجبار هم باشه، اشتباه نیست.

- حتی اگر این اجبارها خلاف عقایدت باشن؟

آقا یا دوست داری یا دوست نداری! اگه دوست داری و قبول کردی پای همه پیش باید وایستی، اگه دوست نداری و نمی‌تونی قبول کنی، خب

برو بیرون! توی خواستن این کار که اجباری وجود نداره.

- اگر اجبارها خلاف عقایدت باشن، ترجیح می‌دهی بمانی یا خارج بشوی؟

می‌رم بیرون قطعاً. عقاید من خیلی برای من مهم هستن.

- به نظرت یک سلبریتی به راحتی می‌تواند از یک گروه خارج بشود؟

فحش که می‌خوره. راستش من خیلی تعصبی روی اینا ندارم، ولی سر همین که جین مجبور شده سربازی بره، تا دلتون بخواد فحش دادم به

دولت کره (باخنده).



- چرا؟

چون دلم نمی‌خواد جین از گروه کنار بره.

- اگر جین به دلایل شخصی از گروه خارج بشود، به جین فحش خواهی داد؟

می‌رم کامنت می‌ذارم مثل بقیه چهارتا فحش آبدار می‌کشم بهش.

- چرا از جین سوال نمی‌کنی که چرا او می‌خواهد از گروه خارج بشود و یا این که درخواست کنی که در گروه بماند؟

کامنتم رو دوستام می‌بینن می‌خندن. فحش می‌دم زیر پستش، مسخره بازی در میاریم، همین کارهایی که خیلی از ایرانیان انجام می‌دن.

- دوستانت به کامنت فحشت می‌خندند یا به این که درخواست کنی در گروه بماند؟

نه دیگه، به مسخره بازی در آوردنم می‌خندن.

- به نظر تو تا چه زمانی بی‌تی‌اس پا برجا خواهد ماند و آیا بالاخره تکراری نخواهد شد؟

هر گروهی تکراری می‌شه آخرش، ولی خوبی این گروه فعالیت‌های فوق برنامه‌ای هست که داره.

- چه فعالیت‌هایی و این فعالیت‌ها چه طور با تکراری نشدن این گروه ارتباط دارد؟

فعالیت‌های خیریه‌ای که دارن باعث محبوبیت این گروه شده. شاید مثلاً آهنگ‌هاشون، قیافه‌هاشون تکراری بشه، ولی این کاراشون که فراموش

نمی‌شه، این همه به یونیسف کمک کردن. البته این نظر من چه قدر درسته نمی‌دونم، ولی فکر می‌کنم که فعالیت‌های خیرخواهانه فراموش

نمی‌شه. یادتون میاد چند سال پیش علیرضا جهانبخش اومد همین کوره آجرپزی اطراف قیامدشت؟

- منظورت همان موقعی هست که به یک کودک در کوره آجرپزی توپ و لباسش را داد و گفت حمایتش می‌کنم؟

بله، همون. می‌بینید یادتون مونده. قول می‌دم اگه از تک‌تک مردم این منطقه پرسیم یادشون مونده. مهم‌تر این که ما هم یادمون بره اون بچه

یادش نمی‌ره. آنجلینا جولی شاید دیگه خیلی زیبا نباشه و الآن بازی نکنه توی هیچ فیلمی، ولی همه این فعالیت‌های خیرخواهانه‌ای که توی

آفریقا داشته، یادشون می‌مونه. من بی‌تی‌اس رو به خاطر فعالیت‌های خیرخواهانه‌ای که داشتن و دارن، تحسین می‌کنم. شاید هم این‌ها برای

من فقط انقدر اهمیت داره، ولی بی‌تی‌اس واقعاً به هوادارش اهمیت می‌ده، عامیانه‌اش می‌شه این که کلاس نمی‌ذارن برای مخاطب.



- یعنی چه لطفاً بیش‌تر توضیح دهید.

یعنی روتین زندگی‌شون رو می‌بینی یا مثلاً چالش می‌ذارن که هر کی دیرتر بخنده برنده هست، حالا اگه هنرمند ایرانی درب و داغونم ببینی، چنان خودش رو می‌گیره که انگار چه خبره. یا اینجا جلف بازی داریم یا خیلی خشک و سفت و سخت. یکی مثل تتلو اون قدر سبک و بی‌شعور یکی هم مثل رضا صادقی همه‌اش غم. بابا یه کم انعطاف، یه کم چالش، یه کم خنده. چیه همیشه لباس مشکی تنشه.

- آیا این‌ها مختص ایران هست؟

نه، ولی خوبه که بی‌تی‌اس این طوری نیست.

- ولی گفتی که رنگ موهایشان و رنگ لباس‌هایشان جلف است. این ناقص نظر اخیر تو نیست؟

نه نیست. چرا نیست؟ چون که اینا در کنار تمام خوبی‌ها، نقطه ضعف‌هایی هم دارن. این از نظر من نقطه ضعف هست، ولی در کل اگر میانگین بگیریم، نه خیلی خشک هستن، نه خیلی جلف.

- نقطه ضعف دیگری وجود دارد که بخواهی بیان کنی؟

یه چیزی یادم رفت بگم اونم اینه که یه گروه هنری نباید با سیاست قاطی بشه، هر چی که سیاسی بشه خراب می‌شه. همه دور و بریام می‌دونن من با سیاست و سیاسی بازی مخالفم.

- درست فهمیده باشم منظورت این هست که در ابتدا بی‌تی‌اس با سیاست کاری نداشته، اما بعدها سیاست را با موسیقی ترکیب کرد؟

آره، مثلاً به عقیده من یه گروه موسیقی باید توی یه زمینه کار کنه و به هر چیزی که دستش می‌رسه، واسه بهتر دیده شدن چنگ نندازه. معلوم نیست چه کار می‌کنن یا بهتره بگم چی می‌خوان؟ چی رو می‌خوان ترویج کنن! هر چه قدر تلاش کردم تا الآن بفهمم، متوجه نشدم هدف اصلی اینا چیه! چیزی که هست اینه که سیاست قاطی بازی این گروه شده. چه دلیلی داره مثلاً یه گروه توی مجامع بین‌المللی صحبت کنه، اونم راجع به مسایل سیاسی. تو کارت چیز دیگه‌ایه. در ضمن تو باید به عقاید من هوادارم احترام بذاری. با خیلی از رفقا که بی‌تی‌اس فن هستن، حرف زدم اونام می‌گن به هر حال باید حرف همه هوادارا رو بشنون. اگه نظرسنجی بشه شاید خیلی از هوادارا مثل من نخوان این گروه وارد سیاست بشه. مگه تو نمی‌گی این گروه متعلق به هواداراس، پس چرا توی تعیین خطمشی گروه هیچ توجهی به هوادار نمی‌شه؟





- در واقع از خودرأی بودن کمپانی شاکی هستی، درسته؟  
منظورتون چیه؟
- خوب گفتیم که خیلی از مواردی که تعیین می‌شه، ایده و عقیده اعضای هفت نفره گروه نیست، خطامشی رو کمپانی مشخص می‌کنه. بله، کاملاً درسته. خب من از کمپانی شاکی هستم (باخنده).
- ولی گفته بودی مواردی که کمپانی مشخص می‌کند را باید اعضاء رعایت کنند، چون موفقیت در گرو رعایت این قوانین هست. درسته؟ گفتی که یک گروه بین‌المللی باید اصول و قواعد مشخصی داشته باشد.
- گفتم، ولی نگفتم که هر چی که مشخص کنند، باید رعایت کنن. گفتم چیزایی رو رعایت باید کرد که در مسیر موفقیت باشه.
- شاید کمپانی صلاح بداند که ورود در سیاست برای موفقیت لازم هست. باید رعایت کنند؟
- موافق سیاست نیستم. هر گروهی یه خط سیاسی رو دنبال می‌کنه، اگه درست نگاه کنیم، ولی نباید با سیاست قاطی بشه. نباید غرق بشه در سیاست. وقتی رنگ و بوی سیاسی پیدا کنه فعالیت‌هاشون و حتی مذهبی، طرفدارهای زیادی از دست می‌دن.
- نظرت در مورد این که گروه بی‌تی‌اس از اسرائیل حمایت کرد چیست؟
- شنیده بودم این رو که حمایت کردن، اما چیزی در موردش واقعاً با این که سرچ هم کردم، پیدا نکردم. چیزی که من فهمیدم این بود که بی‌تی‌اس به مسلمان‌ها و به خصوص مردم فلسطین کمک‌های انسان دوستانه کردن.
- منبع یا سند برای این مورد داری؟
- توی اینترنت در مورد همون مورد اسرائیل سرچ می‌کردم، راستش داخل چندتا سایت دیدم ولی یادم نیست کدوم سایت‌ها.



- نباید نادیده بگیریم که به خیلی از مذهب‌ها احترام می‌ذارن.
- مورد خاصی مد نظرت هست؟

می‌دونم که مثلاً وی<sup>۱</sup> هیچ وقت در مورد این که پیرو کدوم دین و مذهبی هست، حرف نزده. خودم هم راستش دوست ندارم خیلی راجع به عقاید شخصی و مذهبم و اعتقاداتم صحبت کنم توی جمع. به نظرم کار درستی می‌کنه که در این مورد چیزی نمی‌گه. امیدوارم توی کشور ما هم مردم بفهمن که یه چیزایی رو نباید جار زد، مثل عقاید مذهبی که کاملاً شخصی هست و به خودت مربوطه.

- به نظرت طرفدار حق ندارد در مورد این که عقاید گروهی که از آن طرفداری می‌کند، چی هست، بداند؟  
این یه مسأله شخصی هست. این توجیه خوبی نیست که چون بی‌تی‌اس‌ها مشهور هستن، پس ما باید به عنوان طرفدار شخصی‌ترین مسایل شون رو هم بدونیم.

- شاید غیر مستقیم عقاید خودشان را تبلیغ کنند؟

من عقیده دارم اگر حتی غیرمستقیم این اتفاق می‌افتاد، طرفدار از دست می‌دادن. این همه جانبه عمل کردن گروه هست که تونسته گروه رو جذاب نگه داره و گرنه که مثل خیلی از گروه‌ها تا الان فید<sup>۲</sup> شده بود.

- چه قدر با اصطلاحات گروه بی‌تی‌اس آشنا هستی؟

منظورتون چیزهایی مثل فن‌دوم و این چیزا هست؟

- بله.

اینا رو شنیدم: فن‌دوم<sup>۳</sup>، فن<sup>۴</sup>، فن‌وار<sup>۵</sup>، استریم<sup>۶</sup>، میتینگ<sup>۷</sup> و همینا دیگه.

- فن‌وار چی هست؟ اگر ممکن هست لطفاً بیش‌تر توضیح بده.

خیلی تو عمق این موضوع نرفتم، علاقه‌ای ندارم واقعاً، ولی مفهوم فن‌وار جنگ بین دوتا فن‌دوم از دو گروه جداست. مثلاً فرض کنید گلزار و بهرام رادان طرفدارایی دارن که روشن خیلی تعصب دارن و اعضای هر فن‌دوم جداگانه متحد می‌شن و حمله می‌کنن به مثلاً پیج اون یکی.



- همین طوری یک دفعه تصمیم می‌گیرند حمله کنند یا علت خاصی دارد؟

یک دفعه که نیست یه علتی داره. می‌گم چون خیلی نرفتم تو عمق این ماجرا خیلی هم اطلاعاتی ندارم. فقط این که فکر کنم اینم مثل ازدواج دنیا جهان‌بخت و مهرداد جم باشه! (باخنده).

- چرا شبیه هم هستند؟

اون‌ها دنبال دیده شدن بودن و بحث ازدواج و اینا هم الکی بود، واسه این که خبرشون پخش بشه، چهار نفر بیش‌تر بیینه پیج و کاراشون رو و پول بیش‌تری در بیارن.

1- V

2- Fade

3- fandom

4- fan

5- Fan war

6- stream

7- Meeting

- پس فکر می‌کنی دعوای گروه‌هایی مثل بی‌تی‌اس باهم ساختگی هست؟
- نمی‌تونم بگم همه‌شون، ولی من گول این بازی رو نمی‌خورم، واسه همینم نرفتم دنبال این چیزا. هواداری می‌کنم تا جایی که احساس حماقت نکنم. یه جوری که بعداً به این نتیجه برسم آره داشتن ازت استفاده می‌کردن، توام خوب کولی دادی!
- تاحالا شده همچین حسی را در مورد بی‌تی‌اس داشته باشی؟
- توی این چند ماه اتفاق نیفتاده خوشبختانه.
- اگه موافقی برویم سراغ نقاط قوت این گروه از نظر شما.
- باشه موافقم، فقط سوال سخت نپرسید لطفاً (باخنده).
- بله حتماً (با لبخند).
- چه نقاط قوتی این گروه دارد که می‌توانید به آن‌ها اشاره کنید؟
- من خیلی به نظر هوادار در مورد خطمشی گروه گوش نمی‌دم، ولی اینم بگم که حداقل اعضای گروه خیلی به هوادار توی اجرا، بعد از اجرا و بیرون اجرا و حتی توی اینترنت احترام می‌ذارن که من توی ایران از کم‌تر گروهی همچین چیزی دیدم! حتی گرشا رضایی همین چند وقت پیش توی کنسرتش یادتون باشه، به مخاطبش توهین کرد.



- چه چیزی باعث شده که به این نتیجه برسی که به هوادار احترام می‌گذارند؟
- رفتاری که می‌بینم. چند بار توی ایران طرف پلی بک خونده و آبروش رفته؟ اینا تا حدی به خودشون زحمت می‌دن واسه داشتن یه اجرای خوب که آدم واقعاً حس خوبی می‌گیره. حتی منی که توی اجرای زنده نبودم و یه فیلم دیدم حس می‌کنم الان توی کنسرت هستم. لذت می‌برم. هر چند فکر می‌کنم کره‌ای‌ها و چینیا و ژاپنیا واقعاً آدمای پرتلاشی هستن. احترام به هوادار فقط خم و راست شدن نیست که تازه اونم می‌دونم تو ایران واسه دور از جون، خر کردن هواداره واسه پول خرج کردن اونا توی بافت فرهنگی شون جا افتاده این احترام، و واسه کلاش خم و راست نمی‌شن! من از ایران زده شدم واقعا، از این همه ریاکاری و تنبلی!
- تاحالا به رفتن از ایران فکر کردی؟
- هزار بار. وقتی می‌دونم اونور حالا هر جا که بری بهتر از ایرانه، مگه دیوونه‌ام که بمونم؟
- از کجا می‌دانی بهتر هست؟
- نخوردیم نون گندم، ولی دیدیم دست مردم. این همه فیلم و کلیپ و اینا همه‌اش نشون می‌دن چه قدر اونا خوب دارن زندگی می‌کنن! همین بی‌تی‌اس و آزادی که دارن یا گروه‌هایی مثل بلک‌پینک که دختری کی‌پاپر هستن. کجا تو ایران یه دختر می‌تونه آزادانه آواز بخونه و برقصه، شما باشی نمی‌ری؟



- شاید خوبی‌ها را دارند بزرگ‌نمایی می‌کنند؟

فکر می‌کنم ارزشش رو داره برم از نزدیک ببینم بزرگ‌نماییه یا چی!

- کدام یک از موارد فیلم یا موزیک ویدیوهای بی‌تی‌اس برای شما هیجان بیش‌تری دارد؟  
موزیک ویدیوهای بی‌تی‌اس. آدم رو حسابی شارژ می‌کنه.

- فکر نمی‌کنی هیجان انگیز بودن این موزیک ویدیوها باعث شده باشند که خیلی به نژاد توجه نکنی؟

آره تأثیر گذاشته روم. یه چیز دیگه این که پدر و مادرم و داداشام انگار دست و پای من رو بسته بودن و تونستم اون جوروی که باید هیجاناتم رو خالی کنم. با دیدن و گوش دادن به آهنگای بی‌تی‌اس حالم بهتر می‌شه نمی‌دونم چه طوری توضیح بدم ممکنه کاری هم نکنم، اما خودم حس می‌کنم بعد گوش دادن به این آهنگا تخلیه می‌شم.

- گروه بی‌تی‌اس در سبک زندگیت تأثیری گذاشته؟

طرفدار دو آتیشه این گروه نیستم خب راستش، ولی بله تأثیر گذاشته. من اهل این نبودم که توی اتوبوس و مترو و راه دانشگاه آهنگ گوش بدم، الان ولی گوش می‌دم. خیلی به خودم نمی‌رسیدم، اما بعد دیدن این که حتی یه مرد هم می‌تونه با آرایش جذاب بشه، به خودم می‌رسم. این طوری نیست که آرایش کنم، ولی بیش‌تر از قبل به ظاهرم توجه می‌کنم. یه جورایی عقده‌ای شدم تا دیگران رو جذب خودم کنم (باخنده).  
- اگر ممکن هست، لطفاً بیش‌تر توضیح بده. یعنی چه که عقده‌ای شدی؟

من از دوران کودکی یه کم کمرو بودم، اگه می‌خواستم با جنس مخالف حتی توی بچگیم صحبت کنم، دست و پام می‌لرزید و نمی‌تونستم. الان توی دانشگاهم نمی‌تونم با دخترا ارتباط برقرار کنم. اون قدر ضایع حرکت می‌زنم که کسی بهم نگاه نمی‌کنه، چه برسه بخواد با من دوست بشه. فکر می‌کنم جذاب نیستم. یه پیچ توی اینستا نوشته بود جذابیت از لباس‌ها شروع می‌شه. منم جدیداً لباس زیاد می‌خرم تا حداقل ظاهرم جذاب‌تر به نظر بیاد. هیچ وقت راضی نبودم و نیستم از خودم. می‌گم مثل جین با ریخت و قیافه کره‌ای، این همه دختر جذبش شدن و عاشقش ان، چرا من نمی‌تونم حتی یک نفر رو جذب خودم کنم؟ البته بالاخره یه کم موفق شدم.

- یعنی کسی جذب شده؟

آره، اعتماد به نفس پایینی داشتم و فکر نمی‌کردم یه روزی بتونم با یه دختر رابطه بشم، اما الان شدم و به قول معروف مخش رو زدم (باخنده).

- تاحالا با ایشان هم در مورد گروه بی‌تی‌اس صحبت کرده‌ای؟

بله اتفاقاً باهمم گوش می‌دیم.

- منظورت این هست که باهم بیرون می‌رید یا این که فقط از طریق اینترنت و شبکه‌های اجتماعی باهم ارتباط دارید؟

نه بیرون نمی‌ریم. کلاس موسیقی می‌رفتم، اونجا باهاش آشنا شدم، ولی باهاش بیرون نرفتم. هم خجالت می‌کشم همم می‌ترسم بابام بفهمه.  
- چه کسی اولین بار در مورد بی‌تی‌اس صحبت کرد؟

من.

- قبل از این که شما حرفی در مورد این گروه بزنی اون اطلاعاتی در مورد بی‌تی‌اس داشت؟

نه، نمی‌دونست چیه. من بهش گفتم که بی‌تی‌اس چیه. البته قبلش یه چندتا آهنگ که خودم باهاشون حال می‌کنم رو فرستادم واسش، اونم خوشش اومد. دیگه این شد که باهم گوش می‌دیم.

- یعنی چه طوری باهم گوش می‌دهید شما که باهم بیرون نمی‌رید؟

نه بیرون که نمی‌ریم ولی بیش‌تر شبا که باهم صحبت می‌کنیم یه آهنگ انتخاب می‌کنیم هم‌زمان گوش می‌دیم.

- سبک بی‌تی‌اس با فضای عاشقانه و رمانتیکی که دارید، همخوانی دارد؟

نه خیلی، ولی واسمون مهم نیست. خفته و انرژی می‌ده.

همیشه هم که بی‌تی‌اس گوش نمی‌دیم، بعضی شبا این طوریه. مثلاً یه شب که دعوامون شده بود، خودم ترجیح می‌دادم یه چیزی تو سبک مجید خراطها گوش بدم (باخنده).

- چیزی در مورد فیکشن<sup>۱</sup> شنیدی؟

در مورد بی‌تی‌اس؟

- بله.

نه، بیش‌تر آهنگا رو گوش می‌دم و موزیک ویدیوها رو توی یوتیوب می‌بینم همین. اطلاعاتی ندارم.

- تاحالا در هشتگ زدن و فرآیند ترند شدن بی‌تی‌اس در توئیتر فعالیت کردی؟

توئیتر کار نمی‌کنم. اینستا یه اکانت فیک<sup>۲</sup> دارم که فقط دوستای صمیمیم هستن و پیجم پابلیک و اسه جذب فالوئر واسه خودم رقص‌های

مختلفی رو می‌ذارم از بی‌تی‌اس هم پست کار کردم، ولی ویژه واسه بی‌تی‌اس نیست.

- فالورهایی که جذب شدن بیش‌تر پسر هستن یا دختر؟

از هر دو جنس هستن، ولی دخترا خیلی بیش‌ترن. کامنت دوستت دارم و عاشقتم و از این چیزا می‌دارن. متوجه می‌شم دقیقاً پیجایی که فن بی‌تی‌اس هستن، هم باهاشون صحبت کردم، متوجه می‌شم دخترن اکثراً حالا نمی‌شه گفت همه‌شون.

- پس فکر می‌کنی بیش‌تر طرفدارای دو آتیشه این گروه دخترا هستن.

چیزی که از پیجم فهمیدم این رو نشون می‌ده.

- فکر می‌کنی چیزی مونده که مطرح نکردیم و بخوای مطرح کنی؟

نه خیلی بیش‌تر از اون چیزی بود که فکر می‌کردم (باخنده).

- باز ممنونم که وقت با ارزشت رو به این مصاحبه اختصاص دادی. برات بهترین‌ها رو آرزومندم.

خواهش می‌کنم. همچنین.

## تأملی دوباره

محسن ۲۲ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مباحثی حول محورهای کمپانی هایب (مؤسس گروه بی‌تی‌اس)، گروه پسران بی‌تی‌اس و هواداران گروه بی‌تی‌اس اشاره داشته است.

محسن در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد کمپانی هایب، به مواردی مانند: کنترل و هدایت اعضای گروه بی‌تی‌اس توسط کمپانی، پذیرش کمپانی نسبت به جدا زندگی کردن اعضای بی‌تی‌اس و الزام ستاره‌ها به ترویج غیرمستقیم هم‌جنس‌گرایی، اشاره داشته است.

محسن ۲۲ ساله، در مصاحبه خود در توصیف فراز و فرودهای گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: تلاش گروه بی‌تی‌اس برای ارایه دادن یک اجرای خوب، احترام اعضای بی‌تی‌اس به هواداران، فعالیت‌های خیرخواهانه گروه، تشویق مخاطبان به مصرف‌گرایی، ترویج غیرمستقیم هم‌جنس‌گرایی، تحریک جنسی مخاطبان پسر به خاطر آرایش ستاره‌ها و باز تعریف مردانگی، اشاره داشته است.

<sup>۱</sup>- Fiction

<sup>۲</sup>- Fake



محسن در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌تی‌اس، در مورد هواداران گروه بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: ایجاد عرصه‌ای برای سرگرمی هواداران، ایجاد عرصه‌ای برای تخلیه روانی هواداران، فعالیت‌های سیاسی اعضای گروه بی‌تی‌اس، جذابیت شعار خود را دوست داشته باش برای هواداران، حمایت از نیازمندان توسط گروه بی‌تی‌اس، افزایش اعتماد به نفس هواداران، ایجاد عرصه‌ای جهت تخلیه هیجانی، الگوبرداری در سلامت، بهداشت و سبک زندگی ستاره‌ها، الگوبرداری از گروه بی‌تی‌اس در هدف گذاری و برنامه‌ریزی، مشاهده زندگی روزمره و طبیعی ستاره‌ها توسط هواداران، حسادت به کره‌ای‌ها و اعضای گروه بی‌تی‌اس، تبلیغ غیرمستقیم نسبت‌گرایی اخلاقی، تشویق افراد به مهاجرت به کره جنوبی، علاقه هوادار بی‌تی‌اس برای مهاجرت از ایران، جذاب واقع شدن حرفه خوانندگی در چشم و دل هواداران (به سبب کسب شهرت و پول بسیار)، افزایش هواداران به مثابه افزایش منابع درآمدی گروه بی‌تی‌اس، تأکید بر زیبایی ظاهری گروه بی‌تی‌اس، نقد تلاش برای سفید بودن پوست اعضای گروه، اثرگذاری بی‌تی‌اس بر آرایش کردن پسران، ظاهر نشدن اعضای بی‌تی‌اس بدون آرایش در ملاء عام، توجه بیش‌تر به سر و وضع خویش، مقایسه زندگی با زندگی اعضای گروه بی‌تی‌اس، مقایسه وضعیت مالی خود با یک ستاره‌ها، حسرت داشتن جایگاه اقتصادی اعضای گروه بی‌تی‌اس، دست کشیدن از فعالیت و تحصیل به خاطر مقایسه درآمد خود با اعضای بی‌تی‌اس، عقده‌ای شدن به دلیل احساس فاصله با جذابیت ستاره‌ها، اثرگذاری بی‌تی‌اس بر آزادی‌خواهی جوانان، جذابیت جنسی ستاره‌ها برای مخاطبان، ناراحتی به خاطر نداشتن آزادی انتخاب نظیر اعضای بی‌تی‌اس، تعارض بین تربیت خانوادگی و خط‌مشی‌های القایی گروه بی‌تی‌اس، خرید زیورآلات و لباس‌های بی‌تی‌اس توسط هوادار، زدن برچسب سوسول به هواداران پسر بی‌تی‌اس، تحریک جنسی مخاطبان پسر به خاطر آرایش ستاره‌ها، کاهش علاقه مخاطب به خاطر گرایش‌های زنانه اعضای گروه، ترویج غیرمستقیم هم‌جنس‌گرایی و سوق یافتن به سمت عصیان نسبی، اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه محسن ۲۲ ساله، با ارجاع محورهای اقدام‌های کمپانی و اثرات کاربری از گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران، توجه خویش را به مباحث وی در زمینه اثرگذاری گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران آن متمرکز سازیم، می‌توان بیان داشت، محسن در مصاحبه خودش از اثرهای روانی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، اخلاقی - عقیدتی، اقتصادی - سیاسی، هنری، زیباشناختی و خانوادگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس یاد کرده است.

محسن در توصیف «اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: ایجاد عرصه‌ای برای تخلیه روانی هواداران، ایجاد عرصه‌ای جهت تخلیه هیجانی، حسادت به کره‌ای‌ها و اعضای گروه بی‌تی‌اس، افسردگی اجتماعی، جذابیت جنسی ستاره‌ها برای مخاطبان، ناراحتی به خاطر نداشتن آزادی انتخاب نظیر اعضای بی‌تی‌اس، تحریک جنسی مخاطبان پسر به خاطر آرایش ستاره‌ها، ترویج غیرمستقیم هم‌جنس‌گرایی و سوق یافتن به سمت عصیان نسبی، یاد کرده است.

محسن در توصیف «اثرهای اجتماعی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: اهمیت فعالیت‌های خیرخواهانه گروه در چشم و دل هواداران، جذابیت شعار خود را دوست داشته باش برای هواداران، حمایت از نیازمندان توسط گروه بی‌تی‌اس، الگوبرداری در سلامت، بهداشت و سبک زندگی ستاره‌ها، الگوبرداری از گروه بی‌تی‌اس در هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی، تشویق افراد به مهاجرت به کره جنوبی، نقد تلاش برای سفید بودن پوست اعضای گروه، کاهش علاقه مخاطب به پسران گروه به خاطر گرایش‌های زنانه اعضای آن، القای افسردگی اجتماعی، برچسب سوسول زدن به هوادار پسر بی‌تی‌اس و اثرگذاری بی‌تی‌اس بر آزادی‌خواهی روابط جوانان، یاد کرده است.

مصاحبه‌شونده در توصیف «اثرهای فرهنگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: ایجاد عرصه‌ای برای سرگرمی هواداران، سرگرمی‌های طنزآمیز پسران بی‌تی‌اس، سخن گفته است.

محسن در توصیف «اثرهای اخلاقی - عقیدتی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: تبلیغ غیرمستقیم نسبت‌گرایی اخلاقی، یاد کرده است. مصاحبه‌شونده در توصیف «اثرهای اقتصادی - سیاسی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: الگوی منفی گروه پسران در ارتباط با کسب درآمد، خرید لباس‌های بی‌تی‌اس توسط هواداران، فعالیت‌های سیاسی اعضای گروه بی‌تی‌اس، جذاب واقع شدن حرفه خوانندگی در چشم و دل هواداران (به سبب کسب شهرت و پول بسیار)، افزایش هواداران به مثابه افزایش منابع درآمدی گروه بی‌تی‌اس، مقایسه وضعیت مالی خود با یک ستاره‌ها، حسرت داشتن جایگاه اقتصادی اعضای گروه بی‌تی‌اس، سخن گفته است.

مصاحبه شونده در توصیف «اثرهای زیباشناختی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: القای ضرورت سفید بودن، اثرگذاری بی‌تی‌اس بر آرایش کردن پسران، ظاهر نشدن اعضای بی‌تی‌اس بدون آرایش در ملاء عام، توجه بیشتر به سر و وضع خویش، تأکید بر زیبایی ظاهری گروه بی‌تی‌اس، مقایسه زندگی با زندگی اعضای گروه بی‌تی‌اس، عقده‌ای شدن به دلیل احساس فاصله با جذابیت ستاره‌ها، سخن گفته است. محسن در توصیف «اثرهای خانوادگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از مورد: تربیت خانوادگی و خط‌مشی‌های القایی گروه بی‌تی‌اس، سخن گفته است.

از بیانات اخیر محسن ۲۲ ساله، در جمع‌بندی کلی کتاب، در موارد مورد اشاره، بهره جسته خواهد شد.

## مصاحبه با ثناء، ۱۶ ساله

اون که به جیمین فحش داد، منم به مادرش فحش دادم، بلاکم کرد و دیگه به پیام‌های من جواب نداد. بعد من بهش زنگ زدم، حتی التماسش کردم، فایده‌ای نداشت.

- از کی با بی‌تی‌اس آشنا هستی؟

از ۴ سال پیش تقریباً.

- چه طوری آشنا شدی؟

دختر خاله‌ام بهم معرفی کرد، این‌ور و اون‌ور هم دیده بودم، ولی اون معرفی کرد.

- چه طوری بهت معرفی کرد؟

آهنگ‌هاشون رو نشونم داد، اسم اعضاهاشون رو گفت و توضیح داد، منم یادگرفتم.

- تو هم به کسی این گروه را معرفی کرده‌ای؟

شب یلدا پارسال که دور هم جمع شده بودیم، صحبت افتاد که کی چی گوش می‌ده، منم گفتم بی‌تی‌اس رو دوست دارم. بعدش دخترداییم گفت

بی‌تی‌اس چیه و اینا که من بهش توضیح دادم، خودم خیلی دوست ندارم در مورد بی‌تی‌اس با دخترا حرف بزنم.

- چرا؟

جیمین رو<sup>۱</sup> خیلی دوست دارم، حتی بک‌گراند<sup>۲</sup> گوشیم هم عکس جیمین هست. تم<sup>۳</sup> گوشیم هم تم بی‌تی‌اسه.

حسودی می‌کنم یه کم اگه کسی از فامیل مثلاً جیمین رو دوست داشته باشه. یه جورایی بدم میاد. دوست دارم آس باشم.



- اگر قرار باشد به جیمین یک نقش در زندگیت بدی، دوست داری این نقش چی باشه؟ مثل پدر، برادر و از این دست نقش‌ها.

دوست پسرم بهترین نقشی هست که بهش حتماً می‌دم.

- یعنی الان هم به عنوان یک دوست پسر به جیمین نگاه می‌کنی؟

1- Jimin

2- Background

3- Theme

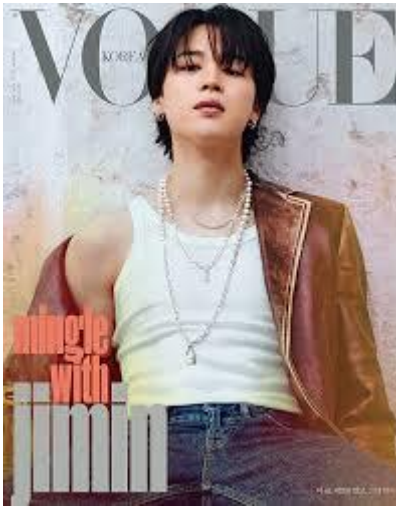
نه، الان خب دوست پسر من نیست، ولی پیشنهاد بده رو هوا قبول می‌کنم (باخنده). من خیلی دوستش دارم، ولی برایش نقشی نمی‌تونم در نظر بگیرم، چون باید باشه و واقعاً اون نقش رو قبول کنه، اما توی ذهنم چرا بهش فکر کردم، نمی‌تونم انکارش کنم. موقع آهنگ گوش دادن که فکرهام خیلی زیاد می‌شه، نمی‌تونم جلوی این فکرها رو بگیرم.

- چه فکرهایی؟

همین که چه قدر دوستش دارم و گاهی اوقات حتی فکر می‌کنم این هست که چرا من باید این قدر ذهنم درگیر جیمین باشه. می‌دونم خیلی درگیرشم و البته می‌دونم که چه قدر مسخره هست.

- این که دوست نداری کسی جز تو به جیمین ابراز علاقه کنه، ارتباطی با شدت علاقه‌ای که به جیمین داری، داره؟

بله، صد در صد. هم آس بودنم توی جمع و هم میزان علاقه خیلی خیلی زیادی که بهش دارم، باعث می‌شه نتونم تحمل کنم کسی جز من بگه به جیمین علاقه دارم. انگار ماله منه یا صاحبشم به همچین چیزی.



- یعنی چه که آس باشی؟

یعنی که فرق داشته باشم با بقیه.

- بی‌تی‌اس باعث می‌شود که با بقیه فرق داشته باشی؟

خب همه که نمی‌دونن بی‌تی‌اس چی هست. بعدش هم یه دونه از دختر خاله‌هام دوستش داره، ولی اون جیمین رو دوست نداره. واسه همین دوست دارم، چون خیلیا نمی‌دونن بی‌تی‌اس چیه. گوشیم نگاه کنید، متوجه می‌شید که همه چیش متفاوته.

- چرا جیمین را دوست داری؟

خیلی کیوت<sup>۱</sup> و خوشگله. صورت دخترونه‌ای داره. دنسر<sup>۲</sup> خوبییه و خیلی روی کارش حساسه.

1- cute

2- Dancer



- یعنی چه حساس هست؟
- کارش رو دقیق و درست انجام می‌ده. تا جایی که من می‌دونم اشتباه نکرده تاحالا.
- اصلاً تا الان اشتباه نکرده؟
- بله، جیمین فوق‌العاده هست.
- حتی یک اشتباه کوچک یا غیرعمدی؟
- دیوونه نیست که عمداً اشتباه کنه، معلومه که غیرعمدی ممکنه آدم اشتباه کنه، اما جیمین نه.
- مگر جیمین آدم نیست؟
- چرا آدمه، اما آدمی نیست که اشتباه کنه، خیلی دقیق هست و کارش درسته. جیمین همیشه دنبال بهترین اجراها هست، نه اجراهای آبکی.
- خود جیمین گفته که همیشه دنبال بهترین اجراها هست؟
- خودش گفته.
- این موضوع را کجا گفت؟
- مستند داشتم می‌دیدم، یوتیوب بود، اونجا گفت.
- مستند کره‌ای بود یا انگلیسی؟
- انگلیسی بود. تقریباً سه سال پیش دیدم و از همون جا هم بود که خیلی از جیمین خوشم اومد.
- آیا تا به حال جیمین را الگوی خودت قرار داده‌ای؟
- توی مدرسه چند نفر از بچه‌ها پول خرید کتاب کمک درسی نداشتن من کتاب‌ها رو سفارش دادم که به آدرسی که داده بودن، ارسال شد.
- چه طور در این مورد از جیمین الگو گرفتی؟
- به دانش‌آموزا خیلی کمک می‌کنه. به بچه‌های مدرسه خودش هم کمک کرده.
- یعنی مدرسه‌ای ساخته و به بچه‌های آن مدرسه کمک مالی کرده؟
- نه مدرسه ساخته، مدرسه‌ای که خودش بچه بود اونجا درس می‌خوند، اون مدرسه رو می‌گم. منم دوست دارم مثل جیمین به بچه‌های مدرسه‌مون کمک کنم. دوست دارم هر کمکی از دستم برمیاد انجام بدم. درسم خوبه، نمره‌هام بالاست و سعی می‌کنم به بچه‌های مدرسه‌مون کمک درسی هم کنم. هفته پیش امتحان ریاضی داشتیم، چندتا از بچه‌ها ضعیف بودن، متوجه شدم و رفتم به مدیر گفتم که می‌خوام کلاس تقویتی رایگان بذارم، چون خانم ریاضی هم موافق بود، مدیر هم گفت باشه، بچه‌ها رو جمع کردیم و درس دادم بهشون. تقریباً نمره بچه‌ها خوب شد.
- قبل از آشنایی با جیمین دوست نداشتی به همکلاسی‌هات کمک کنی؟
- یه کم حسودم مثل مامانم، بابامم حسوده، ولی نه به اندازه مامانم. جوری تربیت شدم که حسود باشم، به همه حسادت کنم و فکر می‌کنم دلیل حسود بودنم هم اینه که خودم رو دست کم می‌گیرم یا بهتره بگم، می‌گرفتم. بعد از آشنایی با بی‌تی‌اس و جیمین، دیدم یه نفر تو اوج موفقیت می‌تونه خیلی بخشنده باشه و برای موفقیت بقیه هم تلاش کنه. الان دیگه عین قبل‌ها حسادت نمی‌کنم و بهتر شدم. خیلی مهم نیست ممتاز

باشم یا از همه بهتر باشم، دوست دارم همه باهم عالی باشیم. یه کوچولو اعتماد به نفسمم بهتر شده، چون دارم کمک می‌کنم و احساس می‌کنم دارم یه کاری انجام می‌دم. خیلی شبیه جیمین هستم.

- چه طور شبیه جیمین هستی؟

جیمین خیلی کمال‌گراست، منم دوست دارم بهترین باشم. بهترین بودن خیلی اذیتم کرده. مامان و بابام خیلی از بچگی به نظر خودشون حمایت می‌کردن من رو، ولی بیش‌تر بهم صدمه زدن. هیچ وقت احساس مفید بودن نداشتم. مثلاً هر بار ریاضی رو ۲۰ گرفتم، گفتن حواست باشه‌ها بیش‌تر بخون که دفعه بعد کم نیاری. یه بار نگفتن آفرین دخترم چه قدر خوب که ۲۰ گرفتی. خدا نکنه بشم ۱۹، گوشیم رو ازم می‌گیرن، اذیتم می‌کنن. منم خیلی به گوشیم حساس و وابسته هستم، خب اذیت می‌شم. با دختر خاله‌ام مقایسه‌ام می‌کنن که ببین دختر خاله‌ات ۲۰ گرفت، تو تنبلی کردی شدی ۱۹. حتی وقتی ۲۰ می‌گرفتم، نمیدونستم واسه چی درس می‌خونم و باید خوشحال باشم که ۲۰ شدم یا نگران باشم که نکنه دفعه بعد گند بزنم و خراب کنم. همیشه به خودم می‌گفتم که چی بشه ۲۰ بگیرم تا این که زد و با جیمین و کمک‌هاش به دانش‌آموزها آشنا شدم. از اینجا بود که گفتم، من درسم خوبه پس می‌تونم به دوستانم کمک کنم. برای این که همیشه بتونم کمک کنم، باید خودم ۲۰ بگیرم. الان بیش‌تر دارم تلاش می‌کنم. نمی‌خوام فقط ۲۰ بگیرم می‌خوام با ۲۰ گرفتم، بچه‌ها به من اعتماد کنن و بتونم بهشون کمک کنم.

- دیگه چه چیزی از جیمین یاد گرفتی؟

گوشواره دوست نداشتم با این که خیلی مامانم می‌گفت و اصرار می‌کرد که نمی‌دونم سوراخ گوشت بسته می‌شه و دختر همیشه گوشواره می‌اندازه تو گوشش، ولی قبول نمی‌کردم. این برگرده به قبل آشنایی با جیمین. نمی‌تونم از روی اجبار و زور یه چیزی رو دوست داشته باشم. بدم می‌اومد تا این که دیدم جیمین همیشه گوشواره داره و با گوشواره خیلی کیوت می‌شه، گفتم منم امتحان کنم، احتمالاً منم کیوت بشم.

- یعنی قبل از جیمین هیچ کس را ندیده بودی که با انداختن گوشواره با نمک بشود؟

زیاد دقت نکرده بودم، ولی جیمین که می‌اندازه، دقت می‌کنم و به این رسیدم که نه اتفاقاً گوشواره خیلی آدم رو کیوت می‌کنه.



- این را مادرت هم به تو گفته بود؟

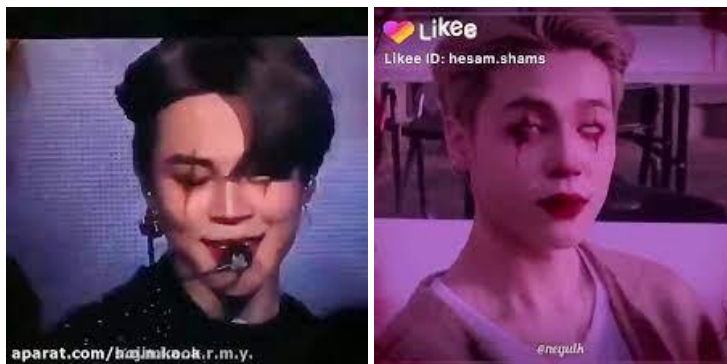
چی رو؟

- این که گوشواره بندازی بانمک می‌شوی؟

مامانم هیچ وقت دلیل توضیح نمی‌ده. مثلاً می‌گه اون لباس رو بپوش، می‌گم دوست ندارم، می‌گه به جهنم. باید بیوشی وگرنه گوشیت رو می‌گیرم. هر چی می‌شه گوشیم رو باید بدم بره. ولی با دیدن جیمین خودم علاقه پیدا کردم به گوشواره.

- باز هم در مورد ظاهر و زیبایی نظری داشتی که بعد از آشنایی با جیمین عوض بشه؟

از هالوین و جشن گرفتنش خوشم نمی‌اومد، چون می‌گفتم زشت و ترسناک می‌شه قیافه‌ها. تا این که چند باری دیدم جیمین و دوستاش هالوین جشن گرفتن و گریم هالوین دارن که خوشم اومد.  
- خوب مگه ترسناک نبود چهره‌های آن‌ها؟  
ترسناک بود، ولی خوشم اومد، یعنی هم می‌ترسیدم و هم خوشم می‌اومد.



- چی باعث شد که خوشت بیاد؟  
از تم بی‌تی‌اس خوشم اومد.  
- فکر می‌کنم بی‌تی‌اس طی این سال‌ها زمینه‌های مختلفی داشتند، تو از کدام زمینه خوشت اومد؟  
تم‌ها که زیاد بوده، ولی من از اون تم خوشم اومد که شبیه افراد معروف مثل چارلی چاپلین شده بودن. خیلی خنده‌دار بودن و ترسناک. شب خواب‌شون رو دیدم و تو خواب ترسیده بودم.



- حتی با این که ترسیده بودی و این که خواب ترسناک دیدی و وحشت زده شدی، باز هم به تم‌های هالوین بی‌تی‌اس علاقه داری؟  
بله، هیجان‌انگیزه.  
- بی‌تی‌اس به جز این مورد روی لباس پوشیدن یا آرایش کردنت تأثیری گذاشته؟  
آرایش که نه، ولی لباس‌های بی‌تی‌اس خیلی جذاب و کیوتن. به کت و شلوار علاقه‌مند شدم. می‌دونم اگه بگم، باز مامانم ناراحت می‌شه، واسه همین ترجیح می‌دم نگم. اوه، اوه، مامانم هیچی حالا، اگه زن عموم بفهمه آبروریزی می‌شه و مملکتی باخبر می‌شن.  
- چرا به کت و شلوار علاقه‌مند شدی؟  
جیمین و دوستاش خیلی کت و شلوار تن‌شون می‌کنن.  
- یعنی فقط به خاطر این که آن‌ها کت و شلوار می‌پوشند، دوست داری تو هم بپوشی؟  
جذاب و کیوت‌تر می‌شن، وقتی کت و شلوار تن می‌کنن.

- خوب آن‌ها جذاب و کیوت می‌شوند، تو چرا می‌خواهی بپوشی؟  
به نظرم مثل جیمین به من هم میاد کت و شلوار. به تصویری توی ذهنم از کت و شلوار دارم.
- کت و شلوار مگر مردانه نیست؟  
نه کی گفته. اتفاقاً زنونه‌اش هم هست. تازه جیمین شبیه دختراست تا پسرا (باخنده) اون قدرم بهش میاد که نگو.



- بیش‌تر به موسیقی گروه بی‌تی‌اس اهمیت می‌دهی یا زیبایی ظاهر و طرز لباس پوشیدن آن‌ها؟  
به جفتش اهمیت می‌دم، هر چند که اهمیت داره لباس و ظاهر. می‌گن که عقل مردم تو چشمشونه. عقل من هم تو چشممه (باخنده).
- یعنی بیش‌تر به ظاهر اهمیت می‌دهی تا موسیقی؟  
اگه بی‌ریخت باشن زده می‌شم و احتمالاً گوش نمی‌دم دیگه آهنگ‌ها رو هم.
- چرا؟  
چون عادت دارم تصور کنم خواننده‌ی آهنگ رو وقتی که آهنگ پلی می‌شه. اگه زشت باشه دلم نمی‌خواد گوش کنم.
- یعنی نمی‌توانی یک تصویر تخیلی خوب از خواننده در ذهنت تجسم کنی؟  
امتحان کردم نشده. سلن دیون وقتی جوون بود یه کم خوشگل بود. حالا که هم مریض شده و هم پیر قیافه‌ش بد شده، دیگه آهنگ تایتانیك رو نمی‌تونم گوش بدم چون تصویری که تصور می‌کنم قیافه‌ی آن‌شه.



- چرا سبک موسیقی بی‌تی‌اس را دوستی داری؟



- سبک موسیقی جذابی دارن.
- چه سبکی را دنبال می‌کنند؟
- هیپ هاپ، یه نوع از کی‌پاپ.
- یعنی چه؟
- هیپ هاپ کره‌ایش، اولش K میاد می‌شه کی‌پاپ.
- فقط از سبک موسیقی خوشت می‌آید؟ در مورد معنای موسیقی‌ها چه می‌دانی؟
- در مورد همه چی می‌سازن، مثل خودت رو دوست داشته باش که اسم یه آلبومشونه.
- معنی آن چیزی که می‌گویند را میدانی؟
- بله، چون ترجمه‌های متن‌هاشون رو می‌خونم، درکش می‌کنم.
- چه چیزی در متن و محتوای آهنگ‌ها هست که برای تو جذاب هست؟
- متن انگیزشی زیاد دارن، مثل دُپ<sup>۱</sup>.
- دُپ اسم آهنگ هست؟
- بله، خیلی خوبه، وقتی حال خوب نباشه، تنبلی بیاد سراغم یا نمره خوبی نگیرم، این آهنگ بهم انرژی می‌ده.
- چه طور این آهنگ بهت انگیزه می‌دهد؟
- متن انگیزشی داره و می‌گه که باید بیشتر تلاش کنی حتی وقتی همه دارن استراحت و خوش گذرونی می‌کنن. البته من آدم خوش گذرونی نیستم تنها بدی که دارم اینه که بعضی وقتا ناامید می‌شم، اون وقت آهنگ دُپ بهم کمک می‌کنه، حال و هوام عوض بشه.



- یک شعاری دارن تحت عنوان لاو یورسلف<sup>۲</sup> این شعار دقیقاً چه معنایی دارد؟
- یعنی خودت رو دوست داشته باش و به خودت احترام بذار.
- به نظرت اعضای بی‌تی‌اس به خودشون احترام می‌گذارند؟ خودشون را دوست دارند و آن طور که دلشان می‌خواهد زندگی می‌کنند؟
- من این رو نمی‌دونم چون مربوط به خودشونه. می‌دونم به خودشون احترام می‌دارن.
- از کجا به این نتیجه رسیدی؟
- توی این چند سال که می‌شناسمشون این رو حس کردم.
- اعضای بی‌تی‌اس از آرمی‌ها می‌خواهند که از آن‌ها حمایت کنند؟
- بله، من هم اگه جای اونا بودم از طرفدارام می‌خواستم که از من حمایت کنن.
- حتی به غلط؟

1- Dope

2- Love your self

هر کسی امکان داره اشتباه کنه یا هر چی معلومه که انتظار داره طرفدارهاش ازش حمایت کنن. موقع سختی‌هاست که طرفدار واقعی از اونایی که ادای طرفداری در میارن شناخته می‌شن.

- اگر جیمین مرتکب قتل عمد بشود و مقصر باشد، شما از جیمین حمایت می‌کنی یا جیمین را محکوم می‌کنی؟

شاید حمایت نکنم، ولی محکوم هم نمی‌کنم چون اصلاً دلم نمیاد.

- پس اگر اعضای گروه بی‌تی‌اس که شما از هواداران آن هستی اشتباه کنند، اگر بتوانی دفاع می‌کنی وگرنه محکوم نخواهی کرد. درست هست؟

بله، اصلاً شدنی نیست.

- در مورد ماجرای فلسطین و اسرائیل، فکر می‌کنی حق با کدوم طرف هست؟

فلسطین همیشه مظلومه، قبلاً فکر می‌کردم چون اون قدر تو مغزمون خوندن که اسرائیل دشمنه، ما هم این طوری فکر می‌کنیم، اما تو این جام جهانی فهمیدم فقط ما نیستیم که از اسرائیل بیزاریم.

- چه طور، مگر چه چیزی دیدی؟

تصورم قبلاً این بود که خیلی‌ها با اسرائیلی‌ها ارتباط خوبی دارن، ولی دیشب دیدم که پشت خبرنگار اسرائیلی داد می‌زدن «فلسطین را آزاد کنید» یا حمایت بازیکن‌های مراکش و خیلیای دیگه.

- در مورد حمایت بی‌تی‌اس از اسرائیل شنیدی؟

بله، می‌دونم.

- نظرت در این مورد چیست؟

خب حق دارن اون طوری که فکر می‌کنن نظر بدن یا حمایت کنن. مشکلی نداره.

- این که نظرشان خلاف نظر شما هست و در اسرائیل کنسرت داشته‌اند و از اسرائیل نیز حمایت کرده‌اند، بر میزان علاقه شما به این گروه تأثیر نمی‌گذارد؟

من با مظلوم‌کشی مخالفم، نمی‌تونم کار بی‌تی‌اس رو تأیید کنم. کار درستی نکردن که اونجا کنسرت گذاشتن. چون نمی‌خوام دروغ بگم یا ریاکاری کنم، حقیقت رو می‌گم و حقیقت اینه که من اصلاً به این موضوع، نه خیلی دقت کردم و نه خیلی دنبالش بودم. آخه گروه هم یکی، دو بار این کار رو کرده یا به نظرم بهتره بگم که اتفاقی بوده و تصادفی حمایت شده از اسرائیل. نظرم جلب این موضوع نشده خیلی و در نتیجه علاقه‌ام هم نسبت به گروه کم‌تر نشده.

- خوب با حمایت بی‌تی‌اس از اسرائیل، تغییری در میزان علاقه شما رخ نداده؟

می‌دونم چرا کم نمی‌شه چون دلم نمی‌خواد با این چیزا خودم رو درگیر کنم و اصلاً علاقه‌ام کم بشه. این هم مهمه بدونید که به خاطر گروه بی‌تی‌اس نیست، به خاطر جیمین هست. علاقه زیادی به جیمین دارم، نگران بودم و هستم این چند ساله که می‌شناسمش که چیزی بشنوم از جیمین که ناراحتم کنه. برای همین هم هست که خیلی دنبال اخبار منفی بی‌تی‌اس نمی‌رم و بیش‌تر فیلمای بامزه از بی‌تی‌اس رو می‌بینم یا اخبار جالب در مورد بی‌تی‌اس رو دنبال می‌کنم. توی آپارات سرچ می‌زنم **BTS Funny Moments** و یه کم انرژ می‌گیرم.



- خوب تو علاقه زیادی به بی‌تی‌اس و به ویژه جیمین داری. سوالم این هست که علاقه زیادی که به بی‌تی‌اس و جیمین داری، باعث شده که از بی‌تی‌اس و جیمین انتقاد نکنی، با وجود این که می‌دانی باید حتماً انتقاد بشه؟

خیلی کار سختی می‌خواین به خدا. دقیقاً می‌خواین که به چیزی فکر کنم که تاحالا از فکر کردن به اون فرار کردم.

- قصد ندارم خدایی ناکرده شما را اذیت کنم. در صورت تمایل به سوال پاسخ بدهید.

عیبی نداره، یکیش اینه که حرف نمی‌زنم و اعتراض نمی‌کنم. خودم واقعاً بدم میاد از این که کسی بخواد بیاد عکس من رو با فتوشاپ و برنامه‌های ویرایش عکس دیگه، مصنوعی کنه، زشت کنه یا هر چیز دیگه‌ای. کسی با عکس من همچین کاری کنه، واقعاً ناراحت می‌شم. می‌گم خدایا ببین حتماً قشنگ و جذاب نیستم که هوادارام عکس‌های من رو برمی‌دارن و ویرایش می‌کنن. بازم این که اجازه نمی‌دن که زیبایی ذاتی آیدول‌ها رو ببینیم بده. همیشه یه دستی بردن توی صورت و موهای آیدول‌ها. بیش‌تر از این نمی‌خوام فکر کنم. تا همین جا هم زیاد روی کردم.

- آیا از دوستان شما هم کسانی هستند که به خاطر علاقه زیاد به بی‌تی‌اس دوست نداشته باشند که به نقاط ضعف بی‌تی‌اس اشاره کنند و احیاناً اون‌ها رو بپذیرند؟

می‌تونم بگم همه‌شون. یکی از هم‌کلاسی‌هام که اسمش ساراس، البته یک سال از من بزرگ‌تره چون اول دبستان رو دوبار خونده یه کم خنگه (باخنده) و خیلی هم قاطیه. اصلاً نمی‌شه پیشش از بی‌تی‌اس بد بگی، وگرنه خونت پای خودته. خیلی قلدره و جلوش جرأت ندارم بگم که مثلاً به جیمین علاقه دارم، این که بگم جیمین یا بی‌تی‌اس مشکل داره که اصلاً شوخیش هم خطرناکه.



- چرا نمی‌توانی ابراز علاقه کنی؟

به این دلیل که می‌گه هر کی فقط یکی از آیدول‌ها رو دوست داشته باشه به گروه خیانت کرده.

- یعنی یک هوادار وفادار باید همه اعضای گروه را دوست داشته باشه؟

بله، بذارید این طوری بگم که ما توی مدرسه گروه هواداری از بی‌تی‌اس زدیم و سارا قلدره هم شده لیدر گروه.

- یعنی در مدرسه فندوم دارید؟

بله و این فندوم هم مثل باقی فندوم‌ها قوانینی داره. مهم‌ترین قانون فندوم ما اینه که هیچ کس حق نداره به یک آیدول خاص علاقه‌مند بشه و باید همه رو هم اندازه دوست باشه.

- ولی اگر این طور باشه تو خائن محسوب خواهی شد.

بله، ولی من این طور فکر نمی‌کنم، این رو گفتم، چون گفتید نظر بقیه دوستات چیه. بقیه دوستای من به جز یکی، دو نفر خیلی بدتر از من هستن. به جز سارا هیچ کس حق نداره قانون بذاره.

- چرا از فن‌دوم مدرسه که وضعیت ناخوشایندی برای شما پدید آورده، خارج نمی‌شوید؟  
یکی که از ترس سارا است و یکی هم این که دارم به بی‌تی‌اس کمک می‌کنم.  
- چه کمکی؟

برای بی‌تی‌اس یه گروه تشکیل دادیم و داریم عضو می‌گیریم و الان گروه‌مون تازه رشد کرده.  
- حتی اگر این تعهدت به گروه باعث بشود که تحقیر بشی؟  
تا الان تحقیر شدم، تحمل کردم اینم روش. هر آرمانی، دردسرهای خودش رو داره.  
- آرمان؟ منظورت چیست؟

آرمان جهانی شدن فن‌دومون. دوست داریم مشهور بشیم.  
- یعنی از طریق حمایت از بی‌تی‌اس به شهرت برسید؟  
بله.

- موردی هم بوده در مورد بی‌تی‌اس شنیده باشی و خودت عمداً کار اشتباه آن‌ها را توجیه کنی؟  
با دختر خاله‌ام چند وقت پیش جر و بحث کردیم سر این که اون می‌گفت جیمین لاغره من می‌گفتم نه آرام<sup>۱</sup> لاغره، توهین نکن به جیمین.  
دختر خاله‌ام خیلی به آرام علاقه داره، چون به نظرش هم خیلی خوشگله و هم دختر خاله‌ام خیلی به رپ علاقه داره و رپ گوش می‌ده و آرام هم رپره. سرتون رو درد نیارم دیگه سر این چاقی و لاغری کار ما به فحش و فحش کاری کشید.  
- خوب کار اشتباه بی‌تی‌اس چی بود که توجیه کردی؟

بهتره بگیم که توجیه می‌کردیم جفت‌مون و بازم توجیه می‌کنیم جفت‌مون. چون واقعاً هر دوتاشون خیلی لاغرن. اشتباه بی‌تی‌اس اینه که زیاد رژیم می‌گیرن. چون خودم وزن بالایی داشتم، می‌دونم نگه داشتن وزن به اندازه‌ای که الان هستن، خیلی کار سختیه و باید رژیم درست و حسابی بگیرن.

- وزن جیمین می‌دونی چه قدره؟  
حدود ۶۰ کیلو.

- چرا مناسب نیست؟  
خب لاغره، قدش از من بلندتره حدود ۱۷۵-۱۷۶ فکر می‌کنم.  
- این‌ها را از کجا می‌دونی؟  
قبلاً خوندم.

- با این که می‌دانی که هم جیمین و هم آرام لاغر هستند، اما هر دو از آیدول‌های خودتان دفاع می‌کردید و می‌گفتید که لاغر نیستند؟  
بله، خودمم می‌دونم این مسأله مسخره به نظر می‌رسه.

- رژیم سخت‌گیرانه اعضای بی‌تی‌اس روی شما و افرادی که می‌شناسید که از هوادارن بی‌تی‌اس هستند، تأثیر گذاشته؟  
دختر خاله‌ام هم مثل من وزنش زیاد بود، فکر کنم نزدیک ۸۰ کیلو و من هم حدود ۷۵ کیلو بودم، قدمون هم تقریباً هم قد هستیم. باهم تصمیم گرفتیم که وزنمون کم‌تر بشه، برای همین باشگاه بدنسازی ثبت نام کردیم و خیلی از تردمیل استفاده می‌کردیم. دکتر تغذیه هم رفته بودیم.  
- بی‌تی‌اس چه طور بر این تصمیمی که گرفتید تأثیر گذاشته؟

می‌خواستیم روی فرم باشیم و جذاب‌تر بشیم، مثل جیمین و آرام. اما من نمی‌خواستم که خیلی هم لاغر به نظر برسم برای همین وزنم رو رسوندم به ۶۹ کیلو و الان هم همون حدود هستم و راضی هستم. جیمین به من انگیزه داد.

- یعنی با دیدن عکس‌های جیمین به این نتیجه رسیدی و انگیزه گرفتی یا این که در این مورد صحبت کرده بود؟

- حرفی که زنده بود، خودم به این نتیجه رسیدم با دیدن وزن و قد جیمین. هم عکس و هم فیلم‌هایی که از جیمین پخش شده.
- اعضای گروه بی‌تی‌اس موفق هستند؟
- به نظر من اعضای بی‌تی‌اس آدم‌های موفقی هستن، چون خیلی آدم‌های با اراده‌ای هستن و در جهان هم مشهور هستن و هم محبوب.
- به نظرت کمپانی چه قدر در معرفی و شهرت این گروه نقش داشته؟
- کمپانی سرمایه تأمین کرده و اون چیزایی که لازم داشتن.
- اگه کمپانی نبود چی؟ باز هم موفق می‌شدند و به شهرت امروزشان می‌رسیدند؟
- شاید، مطمئن نیستم.
- به نظرت کمپانی چون در به شهرت رسیدن این افراد و گروه نقش بسیار مهمی داشته، حق دارد قوانینی برای کنترل این افراد وضع کند؟
- بله، حق داره، ولی هر قانونی هم نه.
- مثلاً چه قانونی را گذاشته که موافق نیستی؟
- مثلاً وزن‌شون از یک اندازه‌های بیش‌تر نشه.
- موافقی؟
- به نظرم لازمه. اما این وزنی که الآن دارن مثل همونی که درباره جیمین گفتم که قد و وزنش باهم تناسب ندارن، خب درست نیست. دیگه خیلی دارن سخت می‌گیرن.
- اما شرایط کلی آیدول‌ها اوکیه. ورزش می‌کنن، عشق و حال‌شون سرجاشه.
- یعنی فکر می‌کنی هر کاری دلشان بخواهد انجام می‌دهند؟
- نه هر کاری، چیزایی که دوست دارن رو تا جایی که من می‌دونم دارن.
- اگر ممکن هست، لطفاً مثال بزن.
- جیمین ساعت‌ها از موبایلش استفاده می‌کنه، ولی کسی گیر نمی‌ده، کتاب می‌خونه و خیلی هم به رمان‌های مختلف علاقه‌مند هست، واسه همین که روی من اثر گذاشته یه کم رمان می‌خونم جدیداً، قبلاً دوست نداشتم. بقیه آیدول‌ها هم تفریحات خودشون رو دارن، فیلم دیدم که موزه رفتن یا با دوستانشون بیرون رفتن واسه گردش و خیلی کارای دیگه.
- پس این که گفته می‌شود خیلی از کارهایی که انجام می‌دهند تحت کنترل کمپانی هست چه؟ ممکن هست بسیاری از این کارها را دوست نداشته باشند، ولی انجام بدهند؟
- فکر نمی‌کنم. حداقل به این شدت نیست که خیلی کارها باشه. می‌گن که غذا نمی‌خورن و دور از جون مته اسب فعالیت می‌کنن. خنده‌داره دیگه. می‌خوان خراب‌شون کنن این چرت و پرتا رو می‌گن.
- از کجا مطمئن هستی که این طور نباشد؟
- از کجا مطمئنید که باشه؟ (صدا از جملات قبلی بلندتر بود و چهره کمی برافروخته).
- نظر شخصیم نبود، گفتم که این طوری گفته می‌شود (با لبخند).
- آهان، فکر کردم با این گروه مشکلی دارید و از اینایی هستید که فقط دوست دارن یه گروه رو بکوبن!
- اگر نظرم شخصی من بود چه می‌شد؟
- مصاحبه رو قطع می‌کردم چون دوست ندارم با آدمایی که افراطی هستن، صحبت کنم.
- هر کسی با نظرت مخالف باشد افراطی هست؟
- دقیقاً، چون افراطی نیستم، هر کی تو خط من نباشه، افراطیه.
- تاحالا با کسی هم سر این موضوع، قطع رابطه کردی؟
- آره با دختر خاله‌ام قهر کردم. اون به جیمین فحش داد، منم به آیدول مورد علاقه اون و بعد تا چند هفته قهر بودیم تا این که خاله و مامانم آشتی دادن.
- باز هم همچین موردی بوده؟

یکی از دوستانم هم خیلی دوست داشت بی‌تی‌اس رو، ولی الان خیلی علاقه نداره.

- خوب چرا ارتباطتان قطع شد؟

در مورد جیمین چرت و پرت گفت، منم باهاش دعواش شد.

- چی گفت؟

گفت جیمین شبیه میمونه، منم گفتم خودت شبیه میمونی، واسه چی فحش می‌دی، دیگه بقیه حرفامون زشته نمی‌تونم بگم (باخنده).

- الان باهم حرف می‌زنید؟

بله حرف که می‌زنیم، ولی دیگه نه در مورد بی‌تی‌اس چون دعواشون می‌شه، اون پررو شده اوایل خیلی بی‌تی‌اس رو دوست داشت، گفتم که

ولی یه دفعه نظرش عوض شد و من از آدمایی که هی تغییر جهت می‌دن، خوشم نمیاد.

- یعنی هیچ کس حق ندارد نظرش را تغییر بدهد؟

نمی‌دونم. می‌شه بی‌خیال این بحث بشید (باخنده).

- باشه. چه قدر از زمانت را روزانه به بی‌تی‌اس اختصاص می‌دهی؟

۴ تا ۵ ساعت شب‌ها.

- از چه ساعتی تا چه ساعتی؟

از حدود ۱۰ شب تا ۳.

- صبح که بیدار می‌شوی خوابت نمی‌آید؟

چرا خوابم میاد، ولی عادت دارم، چون خیلی وقت هست که این ساعت‌ها بیدار هستم.

- فقط به خاطر بی‌تی‌اس بیدار هستی؟

یکی، دو ساعت ویدیوهای جیمین رو می‌بینم، یه کم رمان می‌خونم، بقیه‌اش هم تو یکی دوتا از گروه‌های ایرانی بی‌تی‌اس آرمی‌ها می‌چرخم و

چت می‌کنم.

- این بی‌خوابی‌های شبانه باعث افت عملکرد تحصیلت نشده؟

چرا، فشارم خیلی می‌افته سر کلاس‌ها، رفتم دکتر گفتم می‌تونه از این بی‌خوابی‌ها هم باشه، احساس ضعف و سرگیجه دارم و درس‌هام رو

خیلی سخت یاد می‌گیرم. یه کم حافظه‌ام ضعیف شده و تمرکز ندارم.

- چرا شب‌ها نمی‌خوابی، نمی‌توانی یا نمی‌خواهی؟

نمی‌تونم، عادت کردم می‌خوام پوکساید (قرص کلردیازپوکساید) بخورم، می‌گن برای بی‌خوابی خوبه. بلایی که توی چت روم سرم اومد رو تا

آخر عمرم فراموش نمی‌کنم.

- چت روم بی‌تی‌اس؟

بله، یک سال پیش دوستانم بهم پیشنهاد داد برای این که حوصله‌مون سر نره وارد یه چت روم تلگرامی بشیم که همه بی‌تی‌اس آرمی بودن.

- خوب؟

همه چیز خوب پیش می‌رفت تا این من در اون گروه با یک پسری آشنا شدم، تقریباً همسن خودم بود و خیلی هم پسر خوبی بود. باهم در مورد

بی‌تی‌اس صحبت می‌کردیم. گفته بودم بهش که جیمین رو خیلی دوست دارم، اونم می‌گفت که درک می‌کنه و مشکلی نداره.

- یعنی می‌خواستید باهم وارد رابطه بشوید؟

قصد ازدواج داشتیم (بغض کرده و نمی‌تواند ادامه بدهد).

- راحت باش و هر زمان احساس کردی حالت بهتر شد، ادامه می‌دهیم.

مرسی (گریه می‌کند).

... بعد از چند دقیقه:

خیلی دوش داشتیم، دست خودم نیست، این حسی که دارم. شاید بگید که این چه ربطی به بی‌تی‌اس داره، خب ما توی گروه بی‌تی‌اس باهم آشنا شدیم و اولش در مورد بی‌تی‌اس باهم حرف می‌زدیم و نظراتمون خیلی به هم نزدیک بود. در مورد بی‌تی‌اس و جیمین. من به کسی که به جیمین علاقه داره، بهش علاقه دارم و از کسی که از جیمین بدش میاد، ازش بدم میاد.



- حتی اگر فردی که جیمین را دوست ندارد، از اعضای خانواده شما باشد؟  
دوست نداره که نداشته باشه، مهم نیست، اما نباید بد بگه از جیمین. حتی اعضای خانواده هم می‌دونن که من چه قدر علاقه به جیمین دارم، برای همین چیزی نمی‌گن.  
تازه مامانم خیلی هم دوست داره که به بی‌تی‌اس علاقه دارم، می‌گه که بچه باید به روز باشه. بابام برای من پک آهنگ‌های بی‌تی‌اس رو خریده بود برای تولدم. مامانم همیشه جمع فامیلی که می‌ریم از من تعریف می‌کنه و می‌گه که دخترم آرمی بی‌تی‌اس هست.  
- در مورد نظرات والدینت درباره بی‌تی‌اس باهم صحبت می‌کنیم اما چی شد که از این آقا پسر دور شدی؟  
دور نشدم اون گروه منحل شد و ما باهم توی پی وی چت می‌کردیم و همه چیز خوب پیش می‌رفت. پسر خوبی بود باهم نظرات مشترک زیادی داشتیم و هر دو تامون بی‌تی‌اس و کی پاپ رو دوست داشتیم. حتی بهش گفته بودم می‌خوام برم کره رو ببینم که می‌گفت باشه می‌برمت. پولدار بودن و می‌دونستم دروغ نمی‌گفت.  
- چرا کره، برای دیدن بی‌تی‌اس؟  
نه تا وقتی ما بریم کره، بی‌تی‌اس در کار نخواهد بود. مطمئنم چون طول می‌کشید تا باهم ازدواج کنیم، شاید چند سال.  
- پس برای چی می‌خواستید برید کره؟  
بعد از بی‌تی‌اس خیلی از کره خوشم اومد و برای تحصیل می‌خواستم برم کره و حتی تصمیم گرفتم که بورسیه بگیرم از یکی از دانشگاه‌های علوم پزشکی کره. چون یه کم کره‌ای بلد هستم و انگلیسی هم خیلی خوب مکالمه می‌کنم و می‌تونم راحت آیلتس ۷ بگیرم. دوست دارم یکی از شاخه‌های پزشکی تحصیل کنم. شنیدم که کره‌ای‌ها دانشگاه‌های پزشکی خیلی حرفه‌ای دارن.  
- کره‌ای را از کجا و کی یادگرفتی؟  
از برنامه دراپس<sup>۱</sup> استفاده می‌کنم. حرفه‌ای نیستیم در حد ابتدایی بلدم، اما بعد از آشنایی با بی‌تی‌اس یه کم علاقه‌مند شدم. خیلی علاقه ندارم در حد ابتدایی دوست دارم بدونم. مثل فرانسوی که اونم خیلی ابتدایی بلدم. اونم از دراپس استفاده کردم.

<sup>۱</sup>- Drops

- ماجرای ارتباط با آن پسر به کجا رسید؟

یک روز باهم دعوامون شد، گفت برو به جهنم پیش همون جیمینت. منم زدم به سیم آخر و به مادرش فحش دادم، واقعاً دلم نمی‌خواست، شب قبلش اصلاً نخوابیده بودم، آخه خونه‌مون دعوا بود. خواهرم داره طلاق می‌گیره تا صبح خونه‌مون دعوا بود، اونم گیر داده بود بیا چت کنیم، اونم نه که چت معمولی بخواد توی اون اوضاع می‌گفت واسم عکس بفرست.

- نصفه شب؟

عکس با آرایش و نیمه باز می‌خواست ازم (بیش‌تر توضیح نداد).

- خوب چی شد؟

هیچی منم براش نفرستادم و شروع کردم به بد و بیراه گفتن اون که به جیمین فحش داد، منم به مادرش فحش دادم، بلاکم کرد و دیگه به پیام‌های من جواب نداد. بعد من بهش زنگ زدم، حتی التماسش کردم، فایده‌ای نداشت.

- به نظرت جیمین ارزش این را داشت که رابطه‌ات را تمام کنی؟

بله، اگه اون شعور داشت به کسی که دوستش دارم، احترام می‌داشت.

- به چه عنوانی جیمین را دوست داری، یک دوست، یک هنرپیشه یا یک همسر؟

نه همسر، نه دوست و نه هنرپیشه، به عنوان یک عضو از خانواده‌ام.

- خوب نقش او در این خانواده چیست؟

حامی.

- جیمین چه طور از شما حمایت می‌کند؟

حمایت عاطفی. وقتی ناراحت باشم با عکسش حرف می‌زنم و درد و دل می‌کنم.

- مگر با اعضای خانواده‌ات نمی‌توانی صحبت کنی که به جیمین تکیه می‌کنی؟

نه، در مورد همه چیز نمی‌تونم با خانواده حرف بزنم. از ماجرای دوستی من کسی خبر نداشت، یه وقتایی با سجاد دعوا می‌شد، با عکس جیمین حرف می‌زدم.

- مگر او می‌توانست پاسخ تو را بدهد؟

نه بابا، نکنه فکر می‌کنید دیوونه‌ای چیزی هستم (باخنده).

- نه، سوءتفاهم نشود، منظورم این است که وقتی نمی‌تواند جوابی به شما بدهد، چه طور می‌تواند تکیه‌گاه عاطفی شما باشد؟

به دو دلیل: یکی این که من یکی رو می‌خوام که نصیحت نکنه و اصلاً حرف نزنه و شاید اگه واقعاً با خود جیمین هم وارد رابطه می‌شدم، حالم ازش به هم می‌خورد، چون که از این که واقعاً توی رابطه چه طور آدمی هست، خبر ندارم. دوم این که تو خیالاتم اون جوابی که دوست دارم بشنوم رو جیمین بهم می‌ده.

- از جیمین حس خوبی می‌گیری؟

بله، حس خوبی می‌گیرم.





- تا حالا به این فکر کردی که با جیمین وارد رابطه بشوی؟  
فکر کردم، ولی حتی اگر می‌شد، عمراً این کار رو نمی‌کردم.  
چرا؟

رابطه و عشق پایدار نیست، اگه با کسی وارد رابطه بشی حتماً از دستش می‌دی. ترجیح می‌دم از دور لذت ببرم تا این که نزدیک بشم و از دست بدم کسی رو که دوستش دارم.

- گفتی که مادرت از این که به بی‌تی‌اس علاقه‌مند هستی حمایت می‌کنه، درست هست؟  
حمایتش درست هست یا نه؟  
بله.

درسته، چون بی‌تی‌اس تأثیر خوبی روی من داشته.  
- گروه چه تأثیرات مثبتی در شما داشته است؟

من توی جمع اعتماد به نفس نداشتم، چیزی واسه حرف زدن نداشتم و فکر می‌کردم عقب افتاده هستم. هر کی از یه چیزی خوشش می‌اومد و چنان با افتخار حرف می‌زدن توی جمع که حسودیم می‌شد. مثلاً دختر عمه‌ام عاشق رمان خوندن هست و یکی از دختر خاله‌هام عاشق فیلم و سریال دیدن هست. حال من رو به هم می‌زد وقتی لفظ قلم در مورد فیلم و سریال‌هایی که دیده بود حرف می‌زد و همه بهش می‌گفتن آفرین. چه قدر خوب که این قدر سریال دیدی. انگار بمب ترکونده (با اخم توضیح می‌داد) الان منم می‌شینم از جیمین و بی‌تی‌اس و برنامه‌هاشون می‌گم. از گروه‌های دیگه کی‌پاپ هم اطلاعات خوبی دارم، بخواین بهتون می‌گم.

- ممنونم چون موضوع بی‌تی‌اس هست، در مورد اون گروه‌ها شاید بعداً صحبت کنیم.

- پس مادر به خاطر این از دنبال کردن بی‌تی‌اس حمایت می‌کند که باعث شده حرفی برای گفتن در جمع داشته باشی؟

هم این و هم این که من واقعاً داشتم گوشه‌گیر می‌شدم و بچه‌ها خیلی با من حرف نمی‌زدن و من رو دست کم می‌گرفتن. یه برنامه هست به نام لینگ بی<sup>۱</sup> که باهاش می‌شه با افراد مختلفی از ملیت‌های مختلفی حرف زد. تماس می‌زدم و با آدمای مختلف جلوی فامیلامون انگلیسی حرف می‌زدم، همه دهن‌شون وا مونده بود. می‌گفتن چه طوری انگلیسی یاد گرفتی.

<sup>۱</sup>- Lingbe



- یاد گرفتن انگلیسی با بی‌تی‌اس چه ارتباطی دارد؟
- گفتم که می‌خوام برم کره برای ادامه تحصیل. هم انگلیسی لازمه و هم کره‌ای مجبور بودم یاد بگیرم. یه کم پیش زمینه داشتم و برای همین رفتم کلاس زبان و الان عالیه زبانم.
- خوب چه ارتباطی به بی‌تی‌اس دارد؟
- از طریق بی‌تی‌اس با کره آشنا شدم و بعدش رفتم سرچ زدم دیدم دانشگاه‌هاش نیاز به انگلیسی و کره‌ای داره و بعدش رفتم جدی انگلیسی رو یاد گرفتم.
- در همین سه سال این قدر پیشرفت کردی؟
- تقریباً دو سال و نیم. ولی کلاس فشرده هم می‌رفتم و استادام هم خیلی کمکم کردن.
- دلیل موافقت مادر با بی‌تی‌اس دیگر چه چیزی هست؟
- دلیل دیگه‌ای نگفته. بابام هم کلی موافقه.
- یعنی چه کلی؟
- با این که چیزای جدید رو تجربه کنم موافقه. البته چیزایی که بهم صدمه نزنه، مثل بی‌تی‌اس. حتی خودش هم چندتا از آهنگ‌های بی‌تی‌اس رو ریخته توی فلشش و جایی می‌خواهم بریم پخش می‌کنه.
- از آهنگ‌های جیمین کدوم رو خیلی دوست داری؟
- کریسمس لاو رو عالی خونده. صدای دخترونه و مخملی جیمین عالیه.



- آهنگ‌هایی که به طور کلی از گروه بی‌تی‌اس شنیدی و خیلی دوست داری کدام آهنگ‌ها هستند؟

مایک دراپ، باتر، یت تو کام، پرمیشن تو دنس، بوی وید لاو.

- مایک دراپ در مورد چیه؟

در مورد این که شکست رو قبول نکن، به هیتایی<sup>۱</sup> که به شما می‌دن توجه نکنین و به کارتون ادامه بدین. البته در مورد خودشون دارن می‌گن، اما انگار دارن به ما می‌گن.

- یعنی چه؟

غیرمستقیم منظورشون این هست که خیلی به انتقادهایی که از شما می‌شه، توجه نکنید. البته برداشت من این هست که نباید یه فن بی‌تی‌اس تحت تأثیر تمسخر دیگران قرار بگیره و بخواد از حمایت بی‌تی‌اس دست بکشه.



- تا به حال تمسخر شدی به خاطر حمایت از بی‌تی‌اس؟

من نه، ولی توی کامنت‌های اینستاگرام بی‌تی‌اس خیلی دیدم می‌نویسن آهنگ‌هاتون محتوا نداره، یه سری چیزایی تکراری و چرت می‌خونید.

- موافقی با این که آهنگ‌ها محتوا ندارن؟

محتوا دارن، ولی بعضی‌ها به آهنگی می‌گن پر محتوا که مثل شاهنامه بیت به بیتش مفهوم داشته باشه. من می‌گم نه، یه آهنگ می‌تونه دو بیت بیشتر نداشته باشه ولی همون دوتا بیت پرمفهوم باشه و هی تکرارش کنن تا تأکید کنن.

<sup>1</sup>- Hate

- مثلاً در مورد همین مایک دراپ می‌توانی مثال بزنی؟

## Clap, clap, clap, clap all This what I did to the haters

- خوب معنای این بیت چی هست؟

اینجا داره می‌گه، جوابی که من به آدمایی که ازم متنفر بودم دادم، این بود که واس‌شون دست زدم. یعنی نمی‌تونید تأثیر منفی روی من بذارید. این آهنگ روی من خیلی تأثیر گذاشته. من و مامانم همیشه تقریباً با عمه‌ام و دختر عمه‌ام رقابت داشتیم و داریم و می‌دونم از من و مامانم بدش میاد. قبلاً خیلی زود جوش می‌آوردم و حرص می‌خوردم. الان دیگه مثل قبل نیستم، خیلی اهمیت نمی‌دم چی می‌گن، چون چرت و پرت زیاد می‌گه عمه‌ام، دختر تحفه‌اش از خودش بدتر.

- یعنی این آهنگ تأثیر گذاشته روی تو؟

کلاً آشنایی با بی‌تی‌اس. چون می‌بینم اون قدر کامنت منفی می‌گیرن، ولی واکنش خاصی نشون نمی‌دن. آدمای با اراده خیلی به حرف‌های دیگران توجهی نمی‌کنن. آدمای ضعیف سریع تحریک می‌شن و به هم می‌ریزن. من این طوری بودم، ولی الان خیلی سعی می‌کنم، عصبانی نشم.

- خودت را هوادار و فن<sup>۱</sup> بی‌تی‌اس می‌دانی؟

بله.

- فن بی‌تی‌اس چه ویژگی‌هایی باید داشته باشه؟

این که اونا رو حمایت کنه و هر ۷ تا رو باهم دوست داشته باشه و اوتی سون<sup>۲</sup> باشه. بعد این که اونا رو کامل بشناسه.

- ولی تو که گفتی جیمین رو خیلی دوست داری و این که بیش‌تر مصاحبه از جیمین اسم بردی؟  
نه که یه اندازه حتماً دوست داشته باشی. باید همه رو دوست داشته باشی.

- پس همه اعضای بی‌تی‌اس را دوست داری. درسته؟

بله، همه رو دوست دارم، ولی جیمین یه چیز دیگه اس.

- گفتی باید آن‌ها را کامل بشناسی. چه طور می‌توانی اعضای بی‌تی‌اس را کامل بشناسی؟  
از چه لحاظ؟

- از این لحاظ که گفتی باید کامل اون‌ها را بشناسه. کامل از نظر تو یعنی چه قدر و چه طوری؟  
برای این که کامل بشناسیم باید حداقلش ۶، ۷ ماه روش کار کنیم.

- روی چی کار کنی؟

برنامه‌هاشون رو دنبال کنیم، کارایی که انجام می‌دن رو دنبال کنیم، آهنگاشون، مراسم‌شون.

- یعنی فکر می‌کنی با دنبال کردن برنامه‌هایشان می‌توانی یک نفر را کامل بشناسی؟  
نه، نمی‌شه یه نفر رو کامل شناخت.

- ولی گفتی باید کامل بشناسی.

کامل منظورم اون قدر کامل نیست.

- پس در چه حدی؟

مثلاً اون تو گروه چه کار می‌کنه؟ از ۲۰۱۳ تا الان چه کارهایی کرده و چه اخلاقیاتی داره؟ اگه توی جمعی حرف افتاد، بلد باشی ازشون صحبت کنی. به این خیلی اهمیت می‌دم. دوست ندارم حرفی باشه که بلد نباشم. خیلی کامنت می‌خونم. چون توی کامنت‌ها هم اطلاعات خوبی پیدا می‌شه.

- کامنت چی و در کدام شبکه اجتماعی؟

1- Fan

2- OT7

در اینستاگرام<sup>۱</sup> و یوتیوب<sup>۲</sup>.

- از کجا مطمئن هستی چیزی که اعضای گروه نشون می‌دهند، واقعی هست؟  
من مطمئن نیستم، اما خب توی این همه سال که بودن، همین جوری بودن، اگه مشکلی بود، این همه سال نمی‌موندن.

- آیا در وقت‌های خصوصی این افراد در کنارشان هستی و می‌بینی چه کار می‌کنند؟  
نه، نمی‌تونم ببینم.

- کنجکاو نیستی بدونی زندگی خصوصی ستاره‌های مورد علاقه‌ات چه طور هست؟

نمی‌خوام بدونم، به خاطر این که می‌ترسم اونی نباشه که همیشه تصور کردم. نمی‌خوام علاقه‌ام کم بشه. مثلاً اگه بدونم و بفهمم جیمین با کسی رابطه داشته، خیلی حالم بد می‌شه.

- منظورت چه نوع رابطه‌ای هست؟

رابطه جنسی.

- به نظرت تا الآن جیمین رابطه نداشته؟

می‌خوام فکر کنم نداشته، این شدنیه تا زمانی که یه موقع ببینم واقعاً داشته که دیگه اون موقع علاقه‌ام خیلی کم می‌شه.

ولی معمولاً همه‌اش دارن کار انجام می‌دن. آهان از این هم خیلی خوشم میاد که خیلی پر تلاش هستن. من خیلی تنبل بودم قبلاً، البته مامانم می‌گه. این روزا دارم بیشتر تلاش می‌کنم. باز مامانم می‌گه به نظر خودم بهتر شدم، ولی هنوز با اون چیزی که می‌خوامش خیلی فاصله دارم. باید بیشتر تلاش کنم.

- یعنی بی‌تی‌اس تأثیر گذاشته روی این که بیشتر تلاش کنی؟

یه جورایی الگوی من هستن. دیگه ندارید از جیمین و تلاش‌هاش بگم (باخنده).

- یعنی هیچ وقت استراحتی ندارند؟

دارن، ولی خیلی کم.

- به نظرت این که یک نفر خیلی کم استراحت کند و مدام کار کند، خوب هست؟

نه خب به اونا استراحت می‌دن، ولی بیشتر سرگرم آهنگ ساختن هستن. استراحت نمی‌ذاره که موفق بشم.

- خوب گفتی که بیشتر مشغول کار هستن، ولی الآن می‌گی استراحت می‌کنند، در زمان استراحت کنارشان هستی که ببینی چه کار می‌کنند؟  
نه، ولی چیزی که مهم هست، اینه که چی می‌بینم و چی یاد می‌گیرم. من از بی‌تی‌اس خیلی چیزها یاد گرفتم. جدی اگه قشنگ نگاه کنی، بی‌تی‌اس یه دانشگاهه که من رو خیلی عوض کرده. خیلی بهتر شدم.

- ولی گفتی که دیرتر از گذشته یاد می‌گیری و تمرکزت کاهش پیدا کرده. درسته؟

در کنار این همه خوبی یه بدی هم داشته باشه چیزی نمی‌شه که. مهم اینه که تلاشم بیشتر شده.

- نقاط ضعف گروه بی‌تی‌اس چیست؟

هیچ نقطه ضعفی ندارن.

- یعنی هیچ نقطه ضعف ندیدی؟

نقطه ضعف خاصی ندارن. معمولاً می‌گن شبیه دختران، ولی غلط می‌کنن.

- به نظرت آرایش اعضای بی‌تی‌اس معمولی هست یا زیاده روی می‌کنند؟

نه، اینا اصلاً آرایش نمی‌کنن، خیلی از این عکس‌ها فتوشاپ شده هستن<sup>۳</sup>.

- با زیباتر کردن چهره آیدول‌ها با فتوشاپ موافق هستی؟

<sup>۱</sup>- Instagram

<sup>۲</sup>- You Tube

<sup>۱</sup>- مصاحبه شونده تصویری را نشان داد که یکی از ستاره‌ها چهره‌اش با فتوشاپ زیباتر شده بود.

زیبا هستن، نیازی به این کارها نیست، ولی عکس‌های خودم رو خیلی ویرایش می‌کنم.  
- چرا؟

چون می‌دونم خیلی‌ها به خاطر خوشگلی جیمین فنش شدن. پس نتیجه می‌گیریم خوشگلی خیلی مهمه. برای این که جذاب بشم از آپ‌های<sup>۱</sup> ویرایش عکس استفاده می‌کنم تا جذاب‌تر به نظر بیام. مشکلمش اینه که فقط آدم توی فضای مجازی خوشگل می‌شه. ولی در واقعیت این طوری نیست. خیلی دوست دارم چهره واقعی‌ام هم مثل همون ادیت‌ها باشه که نیست، دیگه چه کار می‌شه کرد.

- بی‌تی‌اس تأثیری در علاقه‌مندی تو به ویرایش عکس داشته؟

تأثیرش اینجا بوده که اول توی یوتیوب با یه ویدیو آشنا شدم که نشون می‌داد، چه طوری می‌شه با آپ ویرایش عکس، خودم رو کنار جیمین بذارم. یکی از دوستانم هم خیلی کمک کرد و خیلی از عکسم خوشم اومد. از اون به بعد دیگه خیلی ویرایش می‌کنم.

- یعنی ویدیو در مورد این بود که چه طور می‌شه عکس خودت رو دقیقاً کنار عکس جیمین بگذاری؟

نه کنار اعضای بی‌تی‌اس. خیلی زیاده از این جور ویدیوهای یوتیوبی.

ولی در مورد آرایش بی‌تی‌اس به نظر من، شما برو گروه‌های دیگه کی‌پاپ رو ببین، اون موقع می‌فهمید آرایش یعنی چی. این بدبختاً اصلاً آرایش نمی‌کنن.

- یعنی این گروه را در مقایسه با گروه‌های دیگر کی‌پاپ قرار می‌دهی و می‌گویی در مقایسه با آن‌ها آرایش نمی‌کنند؟

گروه‌های کی‌پاپ که خیلی گریم سنگین دارن، ولی از دید من همه کره‌ای‌ها اون جورى ان.

- یعنی همه کره‌ای‌ها خیلی آرایش می‌کنند؟

بله.

- مگر شما همه مردم کره جنوبی را دیده‌ای؟

نه ندیدم، ولی توی مستندهای بی‌تی‌اس و فیلم‌های کره‌ای دیدم. خیلی ایرانی‌ها قیافه کره‌ای‌ها رو مسخره می‌کنن. از دید من خیلی خوشگل و با نمک هستن. پسرشون خیلی جذاب هستن. خیلی دوست دارم که دوست کره‌ای داشته باشم.

- چون خوشگل و جذاب هستن؟

هم خوشگل و جذاب هستن، هم با نمک. کره‌ای‌ها آدمای خوبی ان.

- از کجا متوجه شدی که کره‌ای‌ها آدم‌های خوبی هستند؟

پر تلاش هستن، به هم خیلی احترام می‌ذارن، به بقیه آدمایی که توی کشورای دیگه هم زندگی می‌کنن، احترام می‌ذارن.

- این‌ها را از کجا می‌دانی؟

همین فیلم و مستندهایی که دیدم و رفتار جیمین و دوستاش با هوادارهاشون که از کشورای مختلف هستن.

- چه طور به هوادارن با ملیت‌های مختلف احترام می‌گذارند؟

توی کنسرت فکر کنم عربستان بود که به احترام هواداران عرب که مسلمان هستن، اکثرشون موقع اذان، اذان پخش کردن و توی اون کنسرت نرقصیدن، چون باز فکر کنم توی ماه رمضان بود. حق بدید که عاشق کره‌ای‌ها و ژاپنی‌ها باشیم. بس که خوبن اینا. هوادارهاشون همین جام جهانی وقتی تیم‌شون باخت، مردم قطر اشک می‌ریختن که ژاپنی‌ها دارن می‌رن از قطر، بعد باخت تیم ملی ورزشگاه رو مثل دسته گل کردن و رفتن. چند ماه پیش بود که یه ویدیو دیدم توی ایام فاطمیه فکر کنم، وسط یکی از خیابونای تهران آهنگ گذاشته بودن می‌رقصیدن، خب شعورش نمی‌رسه بابا، بالاخره می‌تونن این چند روز دندون رو جیگرت بذارن تا تموم بشه بعد هر کاری می‌خوای بکن.

- در مورد کره جنوبی اطلاعات جدیدی داری که قبل از آشنایی با بی‌تی‌اس نداشتی؟

تقریباً هر چی که می‌دونم درباره کره، بعد آشنا شدن با بی‌تی‌اس فهمیدم.

- یعنی در اینترنت سرچ کردی؟

بله، حتی از تور مجازی هم استفاده کردم بعضی جاهای دیدنیش رو دیدم.

<sup>۱</sup> - Apps



- اگر قرار باشد بین ایران و کره یک جا را برای زندگی انتخاب کنی کجا را انتخاب می‌کنی؟  
کره صد در صد. البته بهتره بگم هر جایی جز ایران (باخنده). حتی از این که بگن ایرانیم متنفرم، ایرانی یعنی بدبخت و فلک زده.  
چرا؟

دیوونم بمونم اینجا بیوسم. درآمد که نداری، آزادم که نیستی، سرکوفتم که می‌زنی بهت، دیوونم بمونم؟  
چرا کره؟

چون هم آزادی هست، هم می‌شه موفق شد. تکنولوژی کره‌ای‌ها رو با ایرنیا مقایسه کنین، خودتون متوجه می‌شین. واسه همین می‌گم ما ایرنیا بدبخت و بیچاره‌ایم.

- از لباس‌هایی که آرم بی‌تی‌اس دارند استفاده می‌کنی؟

دستمال سر بی‌تی‌اس خریدم و کاپشن بی‌تی‌اس هم تولدم بود، مامانم خرید برام، چون می‌دونست خیلی دوست دارم.



- چه قدر برای خرید محصولات بی‌تی‌اس هزینه می‌کنی؟

خیلی نیست، ولی برای صفحه یوتیوبی که برای بی‌تی‌اس زدم، خیلی خرج کردم.

- می‌توانی تقریباً بگویی چه قدر و برای چه کاری هزینه کرده‌ای؟

برای ویدیوهایی که می‌سازم پول می‌دم برام ادیت می‌کنه یکی از دوستانم. اون خیلی حرفه‌ای هست تو این جور کارا. شاید ماهی ۲۰۰ هزار تومن.

- برای چند ویدیو؟

یه دونه هر ماه.

- تاحالا زمانی بوده که برای یک کار مهم‌تر پول نیاز داشته باشی، اما به خاطر هزینه کردن برای تدوین ویدیو بی‌تی‌اس پول کم بیاوری؟  
شده، ولی بابام نمی‌ذاره بی‌پول بمونم (باخنده).

- از یوتیوب درآمد هم داری؟

چون صفحه من خیلی جذاب شده کم‌کم داره تعداد بازدیدکننده‌ها هم می‌ره بالا. اولش از ۱۰ نفر شروع کردم. الان هر ویدیو شاید چیزی حدود ۷۰۰ نفر بازدید داره. اگه یه کم دیگه پیش برم یوتیوب خودش پولم می‌ده. به پولش نیاز ندارم، حس خوبی بهم می‌ده که دارم از ویدیوهای بی‌تی‌اس پول در میارم.

- عضو فندوم<sup>۱</sup> هستی؟

بله فندوم همین آرمی‌ها هستن.

آرمی‌ها میان استریم<sup>۲</sup> می‌زنن.

- وقتی استریم می‌زنید چه اتفاقی می‌افتد؟

اول این که استریم زدن شرایط داره همین طوری الکی که نیست (باخنده).

- خوب چه طور هست؟

استریم خوب استریمی هست که ویدیو رو با کیفیت بالای ۴۸۰ ببینی، صدا باید بالاتر از ۵۰ بدون استفاده از هندزفری باشه. بعد این که بین هر یه بازدید حداقل ده دقیقه فاصله باشه.

- اگر این‌ها انجام نشود چه اتفاقی می‌افتد؟

بازدید نمی‌گیرن.

- با همه اپلیکیشن‌ها باید این کار را انجام بدهی.

من با یوتیوب استریم می‌زنم.

- قطعاً زمان زیادی نیاز داری. زمانت تلف نمی‌شود؟

تلف که نمی‌تونم بگم نمی‌شه. نه نمی‌شه چون اونا دارن کمک می‌کنن صفحه من مطرح بشه، منم کمک می‌کنم به اونا. بعضی کارای مهمم بوده که شده به خاطر استریم زدن بذارم کنار. خیلی اتفاق نیفتاده.

- اگر کارآموز استخدام کنند حاضری به عنوان کارآموز وارد گروه بی‌تی‌اس بشوی؟

نه.

- چرا؟

دوست دارم ولی سخته.

- چی سخته هست؟

استعدادی توش ندارم و ناراحتم که چرا ندارم.

- اعضای بی‌تی‌اس را انسان‌های موفق می‌دانی؟

آره.

- خودت را چی؟

نه، چیزی نبوده که اسم موفقیت بذارم روش تو زندگی‌م. بعدشم کلاً این که برم تو اون گروه، محاله حتی اگه تلنتد<sup>۳</sup> هم باشم، باز نمی‌شه، چون ایرانی‌م. ایرانیا رو هیچ جای دنیا آدم حساب نمی‌کنن که.

- یعنی هیچ ایرانی رو نمی‌شناسی که توی دنیا بهش احترام بذارن و موفق شده باشه؟

ببینید چرا زور می‌زنید؟ ایرانی یعنی داغون، یعنی بدبخت اون چهار، پنج تاییم که اسم موفق روشن می‌ذارن، بین میلیون‌ها خارجی موفق گم هستن. فقط داریم سر خودمون رو شیره می‌مالیم.

- راه ارتباطی اعضای بی‌تی‌اس با فن‌ها چیست؟

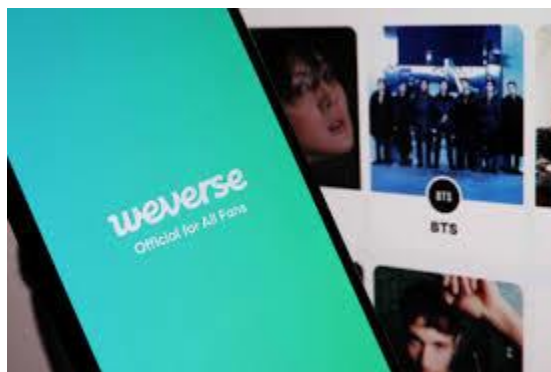
1- Fandom

2- Stream

3- Talented



یه برنامه هست به نام وی‌ورث<sup>۱</sup> تو اونجا می‌تونن پیامی بدن و طرفدارا می‌تونن جواب بدن و فقط واسه آیدول‌هاست.



- تاحالا کامنت گذاشتی؟

- جواب دادن؟

نه، قرار نیست این همه رو بشینن جواب بدن.

- پس برای چی کامنت گذاشتی؟

همین جوری به امید این که یه بار شاید جواب بدن.

- اگه یک بار جواب بده چی می‌شود؟

شناخته می‌شم.

- یعنی چی، یعنی مشهور می‌شی؟

نه بابا، یعنی اسمم رو می‌بینن و من خوشحال می‌شم.

- یکی از شعارهای اساسی بی‌تی‌اس که به آن اشاره کردی، شعار خودت را دوست داشته باش هست. اما یک سری مواردی هستند که متضاد

این شعار هستند و دوست دارم نظرت رو در مورد این تضادها بشنوم، البته اگر موافق باشی.

بله چرا موافق نباشم، بفرمایید.

- با این که شعار بی‌تی‌اس این هست که خودت را دوست داشته باش، اما طبق قراردادی که با کمپانی دارند، ازدواج برای آن‌ها ممنوع است و

نمی‌توانند ازدواج کنند. نظرت در این مورد چیست؟

خب به هر حال اولش که آزاد بودن قرارداد ببندن یا نبندن می‌تونستن زیربار این قرارداد نرن.

- ببین بگذار کمی واضح‌تر سوالم را طرح کنم. قراردادی که اعضای گروه دارند، ازدواج، قرار ملاقات با جنس مخالف، خوردن غذای دلخواه،

اعلام گرایش جنسی و خیلی موارد دیگه رو ممنوع کرده که دیگه از هر چیزی هم بگذریم، از غذای دلخواه نمی‌شه گذشت. چه طور یک انسان

می‌تواند خودش را دوست داشته باشد، ولی حتی غذایی که می‌خورد هم انتخاب کمپانی باشد نه خودش. نظرت در این مورد چی هست؟

الآن متوجه شدم. وقتی خودم آزاد نیستم، چرا باید شعار آزادی بدم. من قبلاً گفته بودم که به نظرشون احترام می‌ذارم. الآن هم می‌گم بهشون

احترام می‌ذارم و حرفم عوض نشده، ولی چیزی که هست اینه که نباید این شعار رو مطرح کنن، ولی واسه اینم دوباره نظر دارم. به نظرم چون

نوجوون‌هایی عین من که دوست دارن آزاد باشن، موفق باشن، هر کاری دل‌شون می‌خواد بکنن و گیر ندن بهشون، از این شعارها خوش‌شون

میاد اونا هم این رو خوب می‌دونن و از این شعارها برای بالابردن تعداد فن‌ها استفاده می‌کنن. نه فقط بی‌تی‌اس تقریباً تو هر کاری شعار قشنگ

زیاد می‌دن، چون شعارهای جذاب تو خالی خیلی می‌تونه هوادار جمع کنه.

- در فن‌دومی که تشکیل دادین برای جذب هوادار از شعارهای تو خالی هم استفاده کردین؟

همین شعار خودت رو دوست داشته باش، دختران ضدگلوله و در بند خودت باش.

<sup>1</sup>- Weverse

- چه قدر به این شعارها عمل می‌کنید؟

خیلی کم. چون سارا به هیچ کدوم ما اجازه حرف زدن نمی‌ده، بعد اون وقت گروه تلگرامی زدیم توی دیسکریپشن نوشتیم: بی‌تی‌اس حامی آزادی. توی گروه ما همیشه بین نفرات اصلی جنگ و دعوا هست، سر این که کی جانشین سارا هس. چون هیچ کس نمی‌تونه حتی به این که سارا رو کنار بزنه، فکر کنه، پس همه زورشون رو می‌زنن تا بعد از سارا جایگاه دوم رو داشته باشن.

- یعنی خود شما که هوادار بی‌تی‌اس هستید، به شعارهای بی‌تی‌اس عمل نمی‌کنید؟

نه، وقتی خودشون عمل نمی‌کنن، ما هم دلسرده می‌شیم. اگه می‌گم بهشون احترام می‌ذارم یا نمی‌خوام در موردش صحبت کنم، همون دلایلی هست که قبلاً گفتم، نمی‌خوام به این نقاط ضعف فکر کنم.

- با وجود تمام این تعارض‌های اخلاقی که ازشون آگاهی چرا از بی‌تی‌اس حمایت می‌کنی؟

چون احساس می‌کنم بزرگ شدم، می‌تونم حرف بزنم، می‌تونم انتخاب کنم که از یک بند حمایت کنم. حق انتخاب بهترین کلمه‌ای هست که می‌شه برای جواب دادن به سوال شما بگم.

- اما از این گروهی که حمایت می‌کنید حق انتخاب چندانی نداره؟ چه طور می‌تواند الگوی مناسبی برای تو و دوستان شما باشه؟

در کنار تمام این کمبودهایی که داره باز از خیلی از گروه‌ها بهتره و حداقل منه نوجوون یه چیزایی ازش یاد می‌گیرم. برم امینم گوش بدم خوبه که همه‌اش چرت و پرته یا ساسی مانکن؟ بین بد و بدتر باید بد رو انتخاب کنم و بی‌تی‌اس اون بده هست نه بدتره. شما دوتا گروه مثبت معرفی کن که به اندازه بی‌تی‌اس هم جذاب باشن و هم محتوای خوبی ارایه بدن و خیلی چیزای دیگه بی‌تی‌اس داره رو داشته باشه و بدی‌هاش رو نداشته باشه. نیست دیگه. من هم به خاطر خاص بودن، هم به خاطر جایگاه، هم به خاطر محبوبیت، به خاطر بالاتر رفتن اعتماد به نفسم و این که حرفی برای گفتن داشته باشم به بی‌تی‌اس نیازمندم. خیلی‌ها فکر می‌کنن ما نوجوون‌ها نفهمیم، ولی می‌فهمیم اگه ما مشکل داریم به خاطر اینکه که کسی نیست که برای ما دوتا الگوی مناسب معرفی کنه تا بی‌تی‌اس الگوی ما نباشه.



## تأملی دوباره

ثنا ۱۶ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مباحثی حول محورهای کمپانی هایب (مؤسس گروه بی‌تی‌اس)، گروه پسران بی‌تی‌اس و هواداران گروه بی‌تی‌اس اشاره داشته است.

ثنا در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد کمپانی هایب، به نقد عملکرد کمپانی پرداخته است.

ثنا ۱۶ ساله، در مصاحبه خود در توصیف فراز و فرودهای گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: ایجاد انگیزه در مخاطب با آهنگ‌های انگیزشی، یادگیری سبک زندگی از گروه بی‌تی‌اس، الگوبرداری‌های فرهنگی (نظیر پذیرش هالوین)، اثرپذیری فرهنگی (جنسیت‌زدایی از پوشش)، نقد رفتار متضاد با شعار آزادی ستاره‌ها، اشاره داشته است.

ثنا در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد هواداران گروه بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: فقدان الگوهای مناسب و سوق یافتن به سمت انتخاب اعضای گروه بی‌تی‌اس به عنوان الگو، الگوبرداری‌های ارزشی برخی از هواداران از گروه بی‌تی‌اس، یافتن

الگوهایی آرامش بخش در گروه بی‌تی‌اس، احساس افزایش اعتماد به نفس با هواداری از گروه بی‌تی‌اس، الگوبرداری برخی از هواداران از ستاره مورد علاقه در امور خیریه، الگوبرداری‌های فرهنگی (پذیرش هالوین)، اثرپذیری فرهنگی (جنسیت‌زدایی از پوشش)، الگوبرداری برخی از هواداران از ستاره‌ها برای کاهش وزن، الگوبرداری از ستاره در استفاده از گوشواره، تأثیرپذیری خط‌مشی‌های مهم زندگی هواداران از ستاره‌ها، حمایت از گروه و کمپانی، تلاش در جهت جهانی شدن بیش از پیش گروه بی‌تی‌اس، یافتن هویت جمعی، انگیزه‌بخشی به دیگران، افزایش انگیزه کمک به دیگران، افزایش علایق اجتماعی، پوشش کارهای خیرخواهانه گروه بی‌تی‌اس برای رفتارهای فرهنگی، سیاسی، عقیدتی و اقتصادی آنان، هزینه کردن هواداران برای ویرایش ویدیوهای بی‌تی‌اس، هزینه کردن هواداران برای خرید محصولات بی‌تی‌اس، درآمدزایی از طریق ویرایش و انتشار ویدیوهای بی‌تی‌اس، گریز از تفکر در تلاطم علاقه به الگو، از دست دادن تفکر انتقادی نسبت به ستاره‌ها (و کمپانی)، عدم تحمل انتقاد به گروه از سوی برخی از هواداران، اثرپذیری شناخت هواداران از عواطف توفنده حول و حوش گروه بی‌تی‌اس، خطای شناختی هواداران (تعمیم دادن ویژگی‌های ظاهری بی‌تی‌اس به تمام مردم کره)، عرصه تعطیل شدن شناخت در تلاطم عواطف هواداران، چشم بستن روی انتقادات و حل هیجان‌مدار مسایل، دفاع متعصبانه از ستاره‌های مورد علاقه، مشاجره و پرخاشگری کلامی بر سر ستاره‌ها، تعطیل شناخت در تلاطم عواطف، خودسانسوری در ارتباط با نقدهای وارد به ستاره‌ها، عدم علاقه به صحبت کردن با مخالفان بی‌تی‌اس، حسادت به دیگران به خاطر دوست داشتن ستاره مورد علاقه، متعهد شدن اعضای فندوم به دوست داشتن تمامی ستاره‌ها، زیباسازی تصاویر ستاره‌ها با استفاده از فتوشاپ، یادگیری زبان کره‌ای، افزایش علاقه‌مندی به یادگیری زبان انگلیسی، یادگیری فتوشاپ (برای قرار دادن عکس خود کنار تصویر ستاره مورد علاقه)، افت تحصیلی (به علت کم خوابی‌های شبانه)، کاهش خواب شبانه به خاطر اختصاص زمان به بی‌تی‌اس، تعطیل شناخت در تلاطم عواطف (از تبعات عشق تخیلی)، عشق تخیلی (انگیزه گرفتن از محبوب)، عشق تخیلی (دفاع از محبوب)، عشق تخیلی (عدم تحمل انتقاد به محبوب)، عشق تخیلی (پرخاشگری کلامی در حمایت از محبوب)، عشق تخیلی (کاهش خواب شبانه به خاطر پیگیری محبوب)، عشق تخیلی (کنار نهادن منطق در جریان عشق تخیلی)، عشق تخیلی (یادگیری فتوشاپ برای قرار دادن عکس خود کنار تصویر محبوب)، عشق تخیلی (معیار قرار گرفتن محبوب در روابط فردی و اجتماعی هوادار)، عشق تخیلی (تمایل به خودسانسوری در جریان عشق تخیلی)، عشق تخیلی (دریافت حمایت عاطفی خیالی از محبوب)، اعلان دریافت حمایت عاطفی خیالی از ستاره‌ها - توهم زده کردن هواداران - اعلان دریافت حمایت عاطفی خیالی از ستاره‌ها، آشنا شدن هواداران با فرهنگ کره جنوبی، تمایل بعضی از هواداران گروه بی‌تی‌اس برای ادامه تحصیل در کره، برخورد‌های هیجانی برخی از هواداران، معیار قرار گرفتن عاطفه در روابط اجتماعی برخی از هواداران، قطع ارتباط با شریک عاطفی خویش به خاطر توهین به ستاره مورد علاقه و کاهش عرق ملی، اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه ثانی ۱۶ ساله، با ارجاع محورهای اقدام‌های کمپانی و اثرات کاربری از گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران، توجه خویش را به مباحث وی در زمینه اثرگذاری گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران آن متمرکز سازیم، می‌توان بیان داشت، ثناء در مصاحبه خودش از اثرهای روانی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، اخلاقی - عقیدتی، اقتصادی - سیاسی، هنری، زیباشناختی و خانوادگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس یاد کرده است.

ثناء در توصیف «اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: انگیزه‌بخشی به هواداران، احساس افزایش اعتماد به نفس در جریان هواداری از گروه بی‌تی‌اس، توقف تفکر انتقادی در تلاطم عواطف و هیجان‌ها، اثرپذیری شناخت هواداران از عواطف توفنده حول و حوش گروه بی‌تی‌اس، خطای شناختی هواداران (تعمیم دادن ویژگی‌های ظاهری بی‌تی‌اس به تمام مردم کره)، عرصه تعطیل شدن شناخت در تلاطم عواطف هواداران، حل هیجان‌مدار مسایل، دفاع متعصبانه از ستاره‌های مورد علاقه، حمایت از ستاره‌ها با پرخاشگری کلامی، مشاجره و پرخاشگری کلامی بر سر ستاره‌ها، تعطیل شناخت در تلاطم عواطف، خودسانسوری در ارتباط با نقدهای وارد به ستاره‌ها، گریز از تفکر در تلاطم علاقه به الگو، از دست دادن تفکر انتقادی نسبت به ستاره‌ها (و کمپانی)، آسیب‌های عشق تخیلی، ساقط شدن اندیشه اجتماعی در تلاطم عشق تخیلی، ایجاد عرصه‌ای جهت یافتن یک حامی تخیلی، تعطیل شناخت در تلاطم عواطف (از تبعات عشق تخیلی)، عشق تخیلی (انگیزه گرفتن از محبوب)، عشق تخیلی (دفاع از محبوب)، عشق تخیلی (عدم تحمل انتقاد به محبوب)، عشق تخیلی (پرخاشگری کلامی در حمایت از محبوب)، عشق تخیلی (کاهش خواب شبانه به خاطر پیگیری محبوب)، عشق تخیلی (کنار نهادن منطق در جریان عشق تخیلی)، عشق تخیلی (یادگیری فتوشاپ برای قرار دادن عکس خود کنار تصویر محبوب)، عشق تخیلی (معیار قرار گرفتن محبوب در روابط فردی و اجتماعی هوادار)، عشق تخیلی (تمایل به خودسانسوری در جریان عشق تخیلی)، عشق تخیلی (دریافت حمایت عاطفی خیالی از محبوب)، اعلان دریافت حمایت عاطفی

خیالی از ستاره‌ها - توهم زده کردن هواداران -، در مسیر پذیرش هویت مرزی، کاهش خواب شبانه به خاطر اختصاص زمان به بی‌تی‌اس و برخورد‌های هیجانی برخی از هواداران، یاد کرده است.

ثناء در توصیف «اثرهای اجتماعی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: فقدان الگوهای مناسب و سوق یافتن به سمت انتخاب اعضای گروه بی‌تی‌اس به عنوان الگو، یافتن الگوهای آرامش بخش در گروه بی‌تی‌اس، الگوبرداری‌های ظاهری از ستاره‌ها، الگوبرداری رفتاری از ستاره‌ها، الگوبرداری ارزشی از ستاره‌ها، معیار قرارگرفتن عواطف و هیجان‌ها در روابط اجتماعی، پذیرش هزینه کردن برای گروه، حمایت از گروه و کمپانی، تلاش در جهت جهانی شدن بیش از پیش گروه بی‌تی‌اس، یافتن هویت جمعی، انگیزه‌بخشی به دیگران، افزایش انگیزه کمک به دیگران، افزایش علایق اجتماعی، قطع ارتباط با شریک عاطفی خویش به خاطر توهین به ستاره مورد علاقه، عدم تحمل انتقاد به گروه از سوی برخی از هواداران، عدم علاقه به صحبت کردن با مخالفان بی‌تی‌اس و متعهد شدن اعضای فن‌دوم به دوست داشتن تمامی ستاره‌ها، یاد کرده است.

مصاحبه‌شونده در توصیف «اثرهای فرهنگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: الگوبرداری‌های فرهنگی (پذیرش هالوین)، اثرپذیری فرهنگی (جنسیت‌زدایی از پوشش) و آشنا شدن هواداران با فرهنگ کره جنوبی، سخن گفته است.

ثناء در توصیف «اثرهای آموزشی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: یادگیری‌های غیررسمی از گروه بی‌تی‌اس، یادگیری زبان کره‌ای، افزایش علاقه‌مندی به یادگیری زبان انگلیسی، فنی شدن (یادگیری فتوشاپ برای قرار دادن عکس خود در کنار تصویر ستاره مورد علاقه)، افت تحصیلی (به علت کم خوابی‌های شبانه) و تمایل هوادار برای ادامه تحصیل در کره، سخن گفته است.

ثناء در توصیف «اثرهای اخلاقی - عقیدتی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: انجام رفتار متضاد با شعارهای داده شده، الگوبرداری‌های ارزشی برخی از هواداران از گروه بی‌تی‌اس و حسادت به دیگران به خاطر دوست داشتن ستاره مورد علاقه، یاد کرده است.

مصاحبه‌شونده در توصیف «اثرهای اقتصادی - سیاسی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: کاهش عرق ملی، پوشش کارهای خیرخواهانه گروه بی‌تی‌اس برای رفتارهای فرهنگی، سیاسی، عقیدتی و اقتصادی آنان، هزینه کردن برای ویرایش ویدیوهای بی‌تی‌اس، هزینه کردن هواداران برای خرید محصولات بی‌تی‌اس و درآمدزایی از طریق ویرایش و انتشار ویدیوهای بی‌تی‌اس، سخن گفته است.

از بیانات اخیر ثنای ۱۶ ساله، در جمع‌بندی کلی کتاب، در موارد مورد اشاره، بهره‌جسته خواهد شد.

## مصاحبه با فریبا، ۴۶ ساله

– ... شما بین دستورات دین و الگوبرداری از بی‌تی‌اس کدام را انتخاب می‌کنید؟  
دستورات دینی مهم هستند، ولی وقتی می‌بینم که بی‌تی‌اس که خلاف دستورات دین ما کلاً حرکت کرده و موفق و محبوب هست، به نظر شما باید از کدام الگو بگیرم؟ دین یا بی‌تی‌اس؟ من بی‌تی‌اس رو انتخاب می‌کنم.

– شما تقریباً از کی آشنا هستید با بی‌تی‌اس؟  
همون تقریباً از ۲ سال پیش که دخترم آشنا شد و به من هم گفت.  
– هم شما پیگیر بی‌تی‌اس هستید و هم دخترتان؟  
بله، شاید حتی این روزها پیگیرتر از دخترم به حساب بیام.  
– چه طور؟  
هم خیلی علاقه دارم به این گروه و هم خب بالاخره دخترم تأثیر می‌گیره از این گروه و نگرانش هستم و سعی می‌کنم دقیق پیگیری کنم.



– خوب کی دخترتان آشنا شده و چه طور شما را با این گروه آشنا کرد؟  
دخترم به رقص خیلی علاقه داره و مدل‌های مختلف رقص رو یاد گرفته. عربی، آذری و چون کلاس رقص زومبا می‌رفت، اونجا هم گروهی می‌رقصیدن. بهم گفت که اونجا یه آهنگی پخش می‌شد و خوشم اومد از مربی پرسیدم که گفت، یکی از آهنگ‌های بی‌تی‌اس هست. اون آهنگ می‌شه سرآغاز آشنایی من و دخترم با بی‌تی‌اس بود.

– اسم آهنگ را به خاطر دارید؟

بله، مجیک شاپ بود.

– چرا این آهنگ را دوست داشتید؟

هم من و هم دخترم هنوزم دوستش داریم، چون آهنگ خیلی شاد و انرژی‌کی هست. بین این همه افسرده حالی یه کم شادی لازمه. آهنگ شاد زیاد گوش می‌دم و دوست دارم دخترم هم شاد گوش بده. این آهنگ بی‌تی‌اس هم شاده.



- منظور شما از این که سبک آهنگ‌ها متفاوت هست چیست؟ به صورت کلی یک سبک متفاوتی را انتخاب کرده‌اند یا این که آهنگ‌های متنوعی ساخته‌اند؟

بیش‌تر منظورم دومی هست. آهنگ شاد دارن، غمگین دارن، اعتراضی دارن، عاشقانه دارن. هر کی با هر سلیقه‌ای بالاخره با یکی از اینا ارتباط برقرار می‌کنه.

- افرادی هستند که با هیچ کدام از آهنگ‌های بی‌تی‌اس ارتباط برقرار نکنند؟

همسر من نمی‌تونه، چون به نظرم سلیقه خوبی نداره، وگرنه باید از یکی از این آهنگ‌ها خوشش بیاد. خیلی بدم میاد که هر چیزی که من و دخترم دوست داریم رو مسخره می‌کنه. پسر من هم مثل باباش از بی‌تی‌اس خوشش نمیاد.

- چرا همسر و پسر تان به بی‌تی‌اس علاقه‌مند نمی‌شوند؟

چون به نظر اونا آهنگ باید از مصراع اول تا آخرین مصراع معنی داشته باشه، ولی اکثر آهنگ‌های بی‌تی‌اس چندتا جمله پرمفهوم رو تکرار می‌کنن. پسر من مثلاً می‌ره ترجمه آهنگ مایک دراپ رو از سایت می‌بینه، بعد می‌گه این دیگه چیه. خب معلومه که آهنگ خارجی رو به فارسی برگردونی، شعر و قافیه و وزن دار نمی‌شه.

- یعنی همه باید آهنگ‌های بی‌تی‌اس را دوست داشته باشند؟

من که نگفتم همه آهنگ‌هاش رو ولی بالاخره از این همه آهنگ مگه می‌شه از حتی یه آهنگ خوشش نیاد به نظر من که بی‌ذوق بودن یه نفر رو نشون می‌ده.

- این اختلاف نظر در مورد آهنگ‌های بی‌تی‌اس تا به حال مشکلی هم در روابط خانوادگی تان ایجاد کرده؟

مشکل که چه عرض کنم، همیشه داریم دیگه، پسر من و دخترم خیلی به هم می‌پرن مثل من و همسر من. توی مسافرت همیشه روی این که کدوم آهنگ‌ها توی فلش ریخته بشه جنگه. من و دخترم دوست داریم آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس حتماً باشه توی فلش، اونا می‌گن حال مون رو به هم می‌زنه. این اواخر به این نتیجه رسیدم که پسر من واقعاً بیزاره از بی‌تی‌اس. اتفاقاً چند روز پیش که داشتیم راجع به بی‌تی‌اس حرف می‌زدیم، یه چیزی گفت که خیلی توی فکر رفتم.

- چی؟

گفت که غرورشون حالش رو به هم می‌زنه که بعد من ازش پرسیدم اینا کجا مغرور ان؟ گفت که یه جورى خودشون رو می‌گیرن که انگار کی هستن.

- پرسیدید یعنی چی که خودشون را می‌گیرن؟

بله، گفت که خیلی به خودشون می‌رسن و اگه اینا به خودشون نرسن شبیه میمونا می‌شن و صداسازی می‌کنن و خیلی خودشون رو می‌گیرن. من از این صحبت‌ها برداشتم این بود که پسر من یه کم داره حسادت می‌کنه به اینا. اینم بگم که پسر من از بچگی تحمل این که یکی ازش بهتر باشه رو نداره. باباش هم که خیلی باهانش مشکل دارم، خیلی تحقیرش کرده و دایم می‌گه قدت بلند نیست و جوش زدی و از این حرفا که مدام می‌گم نگو، ولی کار خودش رو می‌کنه. به نظرم وقتی می‌بینه اینا ازش خوشگل‌تر و بهترن عصبی می‌شه، واسه همین حتی جلوش نمی‌تونیم توی تلویزیون فیلم از بی‌تی‌اس بذاریم. هر چی پسر من بدش میاد، دخترم خوشش میاد.

- پسر تان چند سالش هست؟

۱۷ سال، من با باباش خیلی مشکل دارم سر تربیت این بچه‌ها ممنون می‌شم کمکم کنید.

- بله حتماً بعد از مصاحبه صحبت می‌کنیم در این مورد.

- باز هم مواردی بوده که بی‌تی‌اس باعث اختلاف بین شما شده باشد؟

بله، زیاد. همسر دوست نداره دخترم توی جمع برقصه، ولی من دوست دارم و اتفاقاً می‌گم که دختر باید آزاد باشه.

- خوب این چه ارتباطی به گروه بی‌تی‌اس دارد؟

نسل ما خیلی آزاد نبود، خب شما بهتر از من می‌دونید که نسل جدید الگوهای جدیدی هم داره. نسل من الگوهاش بدبخت و بی‌نوا بودن و مدام در حال گریه و زاری بودن. از وقتی چشم باز کردیم بدبختی دیدیم و مصیبت، اما این نسل از بی‌تی‌اس الگو می‌گیره که بچه‌ها رو به آزادی و شادی و خوش بودن تشویق می‌کنه. به نظر من درست اینه که بچه شاد باشه، آزاد باشه، برقصه، بخنده چه ایرادی داره. بی‌تی‌اس رو به خاطر خیلی چیزا دوست دارم که اگه شما توی مصاحبه هم نپرسید خودم می‌گم.



- آیا اعضای بی‌تی‌اس واقعاً خودشان آزاد هستند؟

دیگه آزادی به چی می‌گن. همین که آدم خودش مسیر زندگیش رو تعیین کنه، آزاد باشه که علاقه‌مندی‌هاش رو دنبال کنه، آزاده از نظر من.

- مگه این رژیم‌های سختی که برای کاهش وزن می‌گیرن به خواست کمپانی نیست؟

بله، کمپانی قطعاً نقش مهمی داره که نمی‌تونیم انکارش کنیم ولی این به معنای سلب آزادی از افراد نیست. اختیار این که این رژیم رو قبول کنن یا نه با خودشون هست.

- فرض کنید شما در جایگاه یکی از اعضای گروه بی‌تی‌اس هستید و به شهرت رسیده‌اید. آیا در اوج شهرت می‌توانید منبع حمایتی خودتان را

که کمپانی هست و البته گروهی که به پشتوانه آن به شهرت رسیده‌اید را رها کنید؟

سوال سختیه. فکر می‌کنم از این جهت نشدنی باشه که شاید بدون حمایت کمپانی و گروه بخواد کار کنه یه ریسک بزرگه، بنابراین تحمل این سختی‌ها از ریسک کردن شاید خیلی بهتر باشه. فکر کنم منظورتون رو متوجه شدم.

- پس آزاد نیستند که هر کاری دلشان بخواد انجام بدن، بلکه حتی شاید مجبور باشند کارهایی انجام دهند که باب میل‌شان نیست. چه قدر با این نظر موافق هستید؟

کاملاً موافقم. به نظرم فشار روانی زیادی روی اونا هست. چون بالاخره منی که دایره محدودی از افراد می‌شناسن من رو می‌ترسم که کار اشتباهی کنم و وجهه‌ام خراب بشه بین آشناها. حالا فکر کنید این‌ها آشنای خیلی از آدم‌های کره زمین هستن، اگه اشتباه کنن شاید دیگه جای جبران نباشه (مصاحبه شونده کمی اینجا نگران به نظر می‌رسید).

- نگران به نظر می‌رسید، درسته؟

بله یه کم الان نگران شدم، می‌گم نکنه خیلی دارم زیاده روی می‌کنم از این که به دخترم اجازه می‌دم، خیلی درگیر بی‌تی‌اس باشه. دخترم تازگیا مثل قبل خیلی با من وقت نمی‌گذرونه، خیلی تو خودشه و وقتی به دخترم می‌گم، چرا دیگه به مامان توجه نمی‌کنی جواب می‌ده که توجه می‌کنم، تو فکر می‌کنی که توجه نمی‌کنم.

- منظور شما این هست که به خاطر این که با بی‌تی‌اس مشغول هست، به شما توجه نمی‌کنه؟

خیلی نگرانم کرده این که غرق بی‌تی‌اس شده و حواسش به خیلی از کارهاش نیست، درسته که بی‌تی‌اس تأثیر مثبت هم روی دخترم گذاشته، ولی این تنبلی عجیبه.

– اگر ممکن هست، چند مثال از تنبلی و ارتباط آن با بی‌تی‌اس بزنید؟

اول بگم که از وقتی با بی‌تی‌اس آشنا شده رفتارش تغییر کرده و کارهاش رو عقب می‌اندازه، مثلاً می‌گه که باشه انجام می‌دم، ولی انجام نمی‌ده یا سر وقت انجام نمی‌ده و من رو عصبانی می‌کنه، مثلاً اتاقش رو گردگیری نمی‌کنه، جارو برقی نمی‌کشه، کم‌دش رو مرتب نمی‌کنه، حتی مسواک زدن و حمام رفتنش هم به خاطر بی‌تی‌اس عقب می‌افته یا انجام نمی‌شه و خیلی قاطعانه می‌تونم بگم به خاطر بی‌تی‌اسه.

– خوب چه دلایلی دارید که نشان دهنده این هست که این‌ها به بی‌تی‌اس مربوط هستند؟ این که از یک نوجوان این رفتارها را ببینیم دلایل مختلفی جز بی‌تی‌اس هم می‌تواند داشته باشد. خیلی دلایل محکمی باید داشته باشید که همچین ادعایی را مطرح کردید!

بچه خودمه، بزرگش کردم اخلاقش رو می‌دونم، غرق یه چیزی بشه یادش می‌ره که کارای دیگه مهمی هم داشته که باید انجام می‌داده. غرق بی‌تی‌اس که می‌شه دیگه کارای مهمش یادش می‌ره. هر چه قدم که تذکر می‌دم، دخترم این کارت مونده، دخترم اون کارت مونده، می‌گه باشه مامان الآن تموم می‌شه، میام انجام می‌دم. به خودم می‌گم وایسا تا بیاد انجام بده. شب تا دیر وقت یواشکی چندبار دیدم زیر پتو آهنگ بی‌تی‌اس گوش می‌ده و یواشکی چت می‌کنه!

– یعنی در واقع چون دخترتان زمان زیادی را وقف بی‌تی‌اس می‌کنه، کارهای مهمی را که باید انجام بدهد را پشت گوش می‌اندازد؟ بله، خیلی چت می‌کنه.

– خوب این چت کردن به بی‌تی‌اس مربوطه؟

بله دیگه، اینم به بی‌تی‌اس ربط داره، چون با دوستاش گروه زدن در مورد بی‌تی‌اس چت می‌کنن، تا هر وقت که باباش بیداره جلوی چشم ما چت می‌کنه و وقتی که باباش می‌خواهه، دور از چشم اون، توی اتاقش زیر پتو چت می‌کنه، ولی می‌ترسه باباش بیدار بشه و بیاد ببینه. خیلی از باباش حساب می‌بره. منم چند بار از توی اتاق می‌خواستم وسیله بردارم، اتفاقی متوجه شدم. عجیبه، داداشش که باهاش لجه تاحالا نگفته شبا تا دیروقت چت می‌کنه آخه هر دو توی یک اتاق می‌خوابن.

– از محتوای چت دخترتان اطلاع دارید؟

نه، با این که گوشه دخترم رو خیلی چک می‌کنم طوری که متوجه نشه، ولی معمولاً تاریخچه چت‌ها رو کامل پاک می‌کنه، این هم باز نگرانم کرده که نکنه توی این گروه‌های بی‌تی‌اس چیز بدی رد و بدل می‌شه که من خبر ندارم. – دوتا سوال دارم: اول این که مگر بی‌تی‌اس بر آزادی تأکید ندارد، شما این را قبول دارید؟ بله قبول دارم.

– پس چرا به آزادی دخترتان احترام نمی‌گذارید و گوشی‌اش را پنهانی چک می‌کنید؟ چون نگرانش هستم، از کجا معلوم صدمه نبینه، باید کنترلش کنم.

– آیا این کار شبیه به کنترلی که کمپانی بر اعضای بی‌تی‌اس اعمال می‌کنه، نیست؟

ببخشید ولی به نظرم شباهتی وجود نداره، من دلم می‌خواد بچهام آسیب نبینه، کمپانی به خاطر خودش نمی‌خواد اعضاء آسیب ببینن. – یا حتی اون قدر کنترل می‌کنه که همین کنترل آسیب می‌زنه مثل رژیم‌های سخت. موافقید؟ بله.

– آیا هنوز هم به بی‌تی‌اس به چشم نماد آزادی نگاه می‌کنید؟

شاید فکر سیاه یا سفید هست. درسته دیگه همین بود که بهمون یاد دادید توی تحریف‌های شناختی؟ – بله همین بود.

– در مورد آزادی صحبت می‌کردیم. باز هم مثال‌هایی به ذهن شما می‌رسد که نشان دهد آزادی اعضای بی‌تی‌اس سلب شده باشد؟ خیلی تو چشم هستن و هر کاری کنن، بالاخره بقیه قضاوت‌شون می‌کنن و این خیلی بد و ناجوره.

– چه قدر به نظر شما اعضای بی‌تی‌اس تحت فشار روانی حاصل از این قضاوت‌ها هستن؟ خیلی.



- مثال می‌زنید لطفاً؟

حاشیه‌سازی‌هایی که می‌شه مثلاً می‌گفتن جین به لی گوک جو علاقه داره یا می‌گفتن جین روی آنه هائوی کراش داره. در صورتی که این‌ها همه‌اش شایعه و حاشیه هستن. فشار روانی دقیقاً اونجایی روی فرد زیاد می‌شه که خودش با یکی واقعاً توی رابطه باشه و شریک عاطفیش بشنوه همچین چیزی رو. چی سر اون رابطه میاد.

چند وقت پیش بود که خبری رو شنیدم و خیلی شوکه شدم.

- چه خبری؟

مثل این که گفته بودن جین باید بره سربازی.

- خوب، رفت؟

همین، به دخترم عکس جین رو، توی تلگرام نشون دادم، ولی واکنش دخترم عجیب بود.

- چرا؟ چه طور واکنش نشان داد و عکس چه بود؟

عکس سربازی جین بود و این که موهاش خیلی کوتاه شده بود و کاملاً ساده بود و انگار خورد تو ذوق بچه‌ام. یه دفعه خیلی ناراحت شد و گفت نمی‌خوام این تصویر توی ذهنم بمونه. دوست ندارم این طوری ببینمش.



- شما چه طور؟

پسرم کم‌کم داره نزدیک می‌شه به روزایی که باید بره سربازی، من بیش‌تر نگران می‌شم تا این که ناراحت بشم، ولی دخترم خیلی ناراحت شد و حتی به نظرم عصبانی شده بود که نشونش دادم.

- آیا باز هم موردی پیش آمده بود که دخترتان این طور به خاطر بی‌تی‌اس واکنش نشان بدهد، یعنی عصبانی یا ناراحت شود؟

بارها اتفاق افتاده، مخصوصاً اگه داداشش از بی‌تی‌اس بد بگه، خیلی دعوا می‌کنن باهم. دعواهاشون فیزیکی نیست بیش‌تر توهین می‌کنن به هم. مثلاً داداشش خیلی به رئال مادرید علاقه داره، دخترم تیم مورد علاقه پسرم رو مسخره می‌کنه.

- باز هم مورد دیگری هست که نشان دهنده عصبانیت یا ناراحتی دخترتان به خاطر بی‌تی‌اس باشد؟

قول داده بودم برای تولدش یک ست کامل ورزشی گروه بی‌تی‌اس رو بخرم که برای باشگاه بپوشه، مشکلی برام پیش اومده بود و مجبور شدم که شب قبلش برم تهیه کنم. رفتم متأسفانه پیدا نکردم که ست ورزشی بی‌تی‌اس باشه. خیلی داد و بیداد کرد که چرا من توی دیجی کالا پیدا کرده بودم، نداشتی بخرم حالا اونم تموم شد.

- هدیه دیگری به جای ست ورزشی بی‌تی‌اس نخریده بودید؟

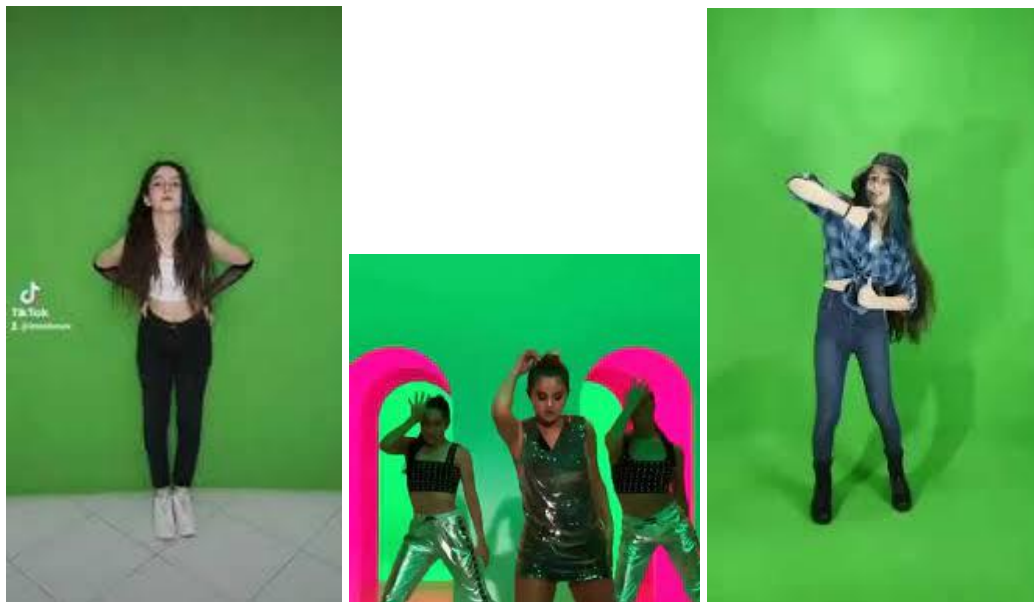
چرا اتفاقاً ست ورزشی خریدم براش که خیلی دلش می‌خواست بخرم با این که قبلاً ست ورزشی بی‌تی‌اس یه مدل دیگه خریده بودم، ولی قبول نکرد و گفت من همون ست بی‌تی‌اس رو می‌خوام. راستش رو بخواین از اینجا دیگه دلم خیلی شور زد و به این نتیجه رسیدم که خیلی بهش رو دادم و یه کم پررو شده.



- باز هم مثال دیگری در مورد عصبانی شدن و ناراحت شدن دخترتان دارید؟
- یه بار ویدیو ساخته بود و آهنگ گذاشته بود روش با یه برنامه کامپیوتری می‌خواست توی پیج اینستاگرامش پست کنه، اما نمی‌دونم چی شد رمز گوشیش یادش رفته بود مجبور شد ری‌ست کنه گوشه‌ی رو و همه اطلاعاتش پاک شد، از جمله این ویدیویی که می‌گم.
- امکان بازیابی وجود نداشت؟
- نه، بردیم تعمیراتی موبایل گفتن نمی‌شه.
- خوب یعنی عصبانیت دخترتان بیشتر به خاطر این فیلم بوده تا اطلاعات دیگه‌ای که پاک شده بود؟
- بابت اونا هم ناراحت شده بود، ولی خیلی این رو عنوان می‌کرد که این همه زحمت کشیدم همه‌اش هدر شد.
- باز هم موردی هست که مثال بزنید؟
- هست، متأسفانه یادم نمیاد دیگه. شاید در طول مصاحبه یادم بیاد که حتماً اطلاع می‌دم.
- تاحالا اتفاق افتاده که خود شما هم به خاطر بی‌تی‌اس عصبانی و ناراحت بشوید؟
- بیش‌تر جز و بحث من و همسر من سر بچه‌ها هست و خب یکی از مهم‌ترین مشاجره‌ها من به خاطر اینه که باباش می‌گه من خیلی بهش میدون می‌دم.
- یعنی به دخترتان؟
- بله.
- چرا این طور می‌گن؟
- چون می‌گه الگوهایی مثل بی‌تی‌اس بچه رو بی‌بند و بار، بار میاره.
- یعنی چی؟ لطفاً بیشتر توضیح می‌دین؟
- مثلاً می‌گه که موافقه با رقص و آهنگ، ولی دختر توی این سن که اوج شور و بازیگوشی هست، خیلی باید کنترل بشه و نباید بزنه و برقصه، اما هم من و هم دخترم به رقص علاقه داریم و مدل خاصی از رقص که بی‌تی‌اس داره رو هم دوست داریم. به جز این من به رقص‌های دسته جمعی مثل رقص هندی علاقه دارم. ولی شوهرم دروغ می‌گه.
- چرا دروغ می‌گوید و چه چیزی را به دروغ می‌گوید؟
- این که می‌گه بچه‌ها و بزرگ بشه مشکلی نیست برقصه. اما من به این بزرگی با چهل و خورده‌ای سال سن، نمی‌ذاره حتی چادر از سر بردارم. من دوست دارم توی جمع‌های فامیلی برقصم، چه اشکالی داره، مثل بقیه.
- منظور شما رقص در جمع خانم‌هاست یا جمع‌های مختلط؟
- جمع مختلط باشه، چه اشکالی داره. شوهرم می‌گه فقط جمع فامیلی زنونه یا توی عروسی جلوی مردای محرم.
- آیا بی‌تی‌اس تأثیری در این طرز تفکر شما در مورد رقص داشته؟
- مثلاً چه تأثیری؟
- مثلاً این که باور شما در مورد رقص بعد از آشنایی با بی‌تی‌اس تغییر کرده باشد.
- شاید روی این تأثیر گذاشته که امروز فکر می‌کنم، به نظرم یادگیری رقص می‌تونه عامل موفقیت دخترم باشه.

– چه طور یادگیری رقص می‌تواند در موفقیت دخترتان تأثیر بگذارد؟

به نظر من دنیا داره میره به سمت چندتوانی، یعنی این که هر کی توانایی‌های بیش‌تری داشته باشه موفق‌تره. تک‌تک آیدول‌های موفق هم چه از بی‌تی‌اس چه از بندهای دیگه، چندتا کار رو هم‌زمان بلد هستن. نمی‌خوام بچه‌هام رقص بشن، اما از این الگو گرفتم که برای موفقیت بچه‌هام مثل آیدول‌های بی‌تی‌اس هر چه قدر توانایی بیش‌تری داشته باشن، همون قدر موفق‌تر خواهند بود. زمان ما کسی می‌گفت فلانی بلده آهنگ بخونه یا گیتار بزنه، می‌گفتن مطربه، اما این روزها واضحه که توی جمع‌های فامیلی کسی که بلده گیتار بزنه، آواز بخونه و مخصوصاً دخترا، بهتر برقصه، محبوب‌تره و منم دلم می‌خواد بچه‌ها مثل آیدول‌های بی‌تی‌اس محبوب باشن، نه این که محبوبیت جهانی، حرفم اینه که بین آدم‌های محدودی که اطراف ما هستن، محبوب باشن.



– درست هست که اعضای بی‌تی‌اس می‌رقصند، اما آیا رقص در جمع نامحرم‌ها خلاف عرف و دستوره‌های دینی شما نیست؟ شما بین دستورات دین خودتان و الگوبرداری از بی‌تی‌اس کدام را انتخاب می‌کنید؟

دستورات دینی مهم هستن، ولی وقتی می‌بینم که بی‌تی‌اس که خلاف دستورات دین ما کلاً حرکت کرده و موفق و محبوب هست، به نظر شما باید از کدوم الگو بگیرم؟ دین یا بی‌تی‌اس؟ من بی‌تی‌اس رو انتخاب می‌کنم.

– مگر الگوهایی وجود ندارند که از دین پیروی کرده و به موفقیت و محبوبیت رسیده باشند؟

الآن دیگه کسی توی دنیا از دین به عنوان الگوی موفقیت حرف نمی‌زنه.

– الگو داریم؟

نه، نداریم، واقعاً الگوهایی که با پیروی از دین به موفقیت رسیده باشن، نداریم.

– یعنی این همه دانشمندی که ایران داشته و داره، همه بی‌دین و ایمان هستن؟

دانشمند بودن که موفقیت نیست. به نظرم شهرت و ثروت ملاک‌های موفقیت در جهان امروزی هستن.

– و بی‌تی‌اس چه قدر در این طرز فکر شما در مورد موفقیت تأثیر داشته؟

خیلی. هم شهرت دارن و هم ثروت بنابراین موفق هستن و محبوب. دوست دارم بچه‌های من، شهرت، ثروت و محبوبیت رو باهم داشته باشن.

– گفتید که به رقص شون علاقه دارید. مگه مدل رقص شون پسرونه نیست، این مسأله مهم نیست؟

نه، من این جور فکر نمی‌کنم، رقص پسرونه هم باشه یاد گرفتنش ضرری نداره، هم ورزشه و هم هنر. رقص رو هنر زن می‌دونم. از همون بچگی هم سعی کردم دخترم رو هل بدم به این سمت که یاد بگیره.

- نظرتون در مورد رقصیدن در کنسرت برای یک زن چیه؟

چه اشکالی داره یک زن برقصه توی کنسرت؟ اعتقاد ندارم باید دست و پای زن باید بسته باشه. رقصه دیگه.

- بی‌تی‌اس در این باور شما تأثیری داشته یا از گذشته نظرتون همین بوده؟

این جواری نبوده که باورم ۱۸۰ درجه متفاوت بوده باشه و بی‌تی‌اس بیاد کلاً همه چیز رو عوض کنه. رقص رو دوست داشتم و یک زن باید آزاد باشه مثل مردا. چرا کسی به رقص مردا کاری نداره. من اتفاقاً اون گروه بلک‌پینک رو خیلی دوست دارم، به خاطر این که خانم‌ها در اون می‌رقصن.



- متوجه نشدم یعنی بی‌تی‌اس تأثیری نداشته؟

بی‌تی‌اس و بلک‌پینک این جواری تأثیر داشتن که من روم نمی‌شد توی جمع برقصم، حتی در جمع زنانه، الان داخل مهمونی‌های مختلط می‌رقصم، بدون این که خجالت بکشم. عادت دارم وقتی یک چیزی رو می‌بینم و خوشم میاد ناخودآگاه الگوبرداری می‌کنم. از دل و جرأت خواننده‌ها و بازیگرای تئاتر خیلی خوشم میاد، چون جرأت می‌کنن توی جمع هنرنمایی کنن، کاری که خیلی دوست داشتم و دارم یک روزی انجام بدم. دخترم رو هم تشویق می‌کنم تا ترس و خجالتش بریزه. دخترم هم مثل خودمه، یه چیزی ببینه و خوشش بیاد، همون رو یاد می‌گیره. از موقعی که مدارس حضوری شد با دوستاش گروه تئاتر موزیکال تشکیل دادن و دخترم هم یکی از بازیگرای تئاتره و یک مراسمی توی سالن آمفی تئاتر فرهنگسرای... برگزار شد که دخترم نقش اول تئاتر بود و خیلی مسلط بازی کرد. خیلی خوبه که تونسته به ترسش غلبه کنه و دخترم همیشه می‌گه که چه طور جین و دوستاش می‌تونن، اون وقت من نتونم؟ آخرش هم همیشه می‌گه، آره من می‌تونم. با این حال روی موضوع رقص همسرم یک مانع بزرگه، ولی دخترم از این گوش می‌گیره و از اون گوش می‌ده بیرون و کار خودش رو انجام می‌ده.

- شما موافقید که به حرف پدرش گوش نمی‌ده؟

نه تو همه چیز، ولی اگر قرار بود آیدول‌های بی‌تی‌اس با حرف پدرشون عمل کنن، به اینجا نمی‌رسیدن.

- شما از کجا می‌دانید که پدر آیدول‌ها مشوق بودن یا مانع؟

حدس می‌زنم این طوری بوده باشن. آقایون کلاً همین طوری هستن.

- مگر اعضای بی‌تی‌اس آقا نیستن؟ پس چرا این باور را در مورد آن‌ها ندارید؟

نمی‌دونم، ارتباط خوبی می‌گیرم باهاشون، خوش انرژی هستن، چهره مردونه‌ای ندارن، شاید به خاطر همین احساس نمی‌کنم که دارم در مورد مرد صحبت می‌کنم. ضد مرد نیستم یه وقت اشتباه برداشت نکنید، فقط در مورد آیدول‌های بی‌تی‌اس نمی‌تونم انگار اون تصور مردونه سفت و سخت و زمخت رو داشته باشم. مثلاً همسر خودم خب خیلی هم صداش، هم چهره‌اش و هم لحنش مردونه هست. بحث دوست داشتن نیست، اینجا بحث تصویری هست که از بی‌تی‌اس دارم که نمی‌تونم اون تصویر مردونه رو انگار تجسم کنم. برای همین حس می‌کنم آیدول‌ها یه کم از بقیه مردا متفاوت باشن توی ذهنم که این طوریه.



- چه چیزی باعث شده که این طور حس کنید که با بقیه مردها متفاوت هستن؟  
چهره‌هاشون مردونه نیست، گرم‌هاشون و رنگ مویی که استفاده می‌کنن مردونه نیست، صدای زمختی ندارن و همه اینا فکر کنم در این حسی که دارم تأثیرگذار بودن.



- برگردیم به موضوع رقص، مگر نگفتید همسر اجازه نمی‌ده، پس چه طور در جمع مختلط می‌رقصید.  
جراتم بیش‌تر شده، حس می‌کنم، توی اینستاگرام کلیپ رقص زیاد می‌بینم و وقتی می‌بینم دخترا و زنها راحت می‌رقصن و فیلم می‌ذارن، پیش خودم می‌گم مگه اونا شوهر ندارن، از بی‌تی‌اس خیلی در مورد مقاومت برای رسیدن به خواسته‌ها یادگرفتم. یکی از آهنگ‌های بی‌تی‌اس فوق‌العاده هست، اگه گوش ندادین حتماً گوش بدین، اسمش سیلور اسپونه. توی این آهنگ تشویق می‌کنن که قوی‌تر باشیم و مقابل مشکلاتی که روز به روز تعدادش بیش‌تر می‌شه، بایستیم. خود آیدول‌ها خیلی مصر هستن که به خواسته‌هاشون برسن و واقعاً توی این مدت خیلی ازشون یاد گرفتم.

یه چیز دیگه هم که بی‌تی‌اس خیلی روی من فکر کنم تأثیر گذاشته، طرز لباس پوشیدن و رنگ لباس‌هامه.

- چه طور تأثیر گذاشته؟ لطفاً کمی بیش‌تر توضیح می‌دهید؟

البته این رو خودم نمی‌دونستم ولی دخترم بهم گفت که مامان بیا یه سبک خاص انتخاب کنیم که خاص ما باشه فقط.

- یعنی چی؟

توی فامیل و اطرافیان خاص به نظر برسیم.

- خوب این چه ارتباطی به بی‌تی‌اس دارد؟

استایل خاصی دارن، احتمالاً شما می‌دونید که رنگ خاصی رو انتخاب کردن که بنفش هست. دخترم پیشنهاد داد که ما هم رنگ خاص و استایل خاصی از لباس انتخاب کنیم و زیاد بپوشیم. اول حقیقتش به خاطر دخترم قبول کردم، گفتم بچه هس، دیگه دلش نشکنه بعد دو، سه تا مهمونی که کیف و ماتو و لاکم زرد بود، یعنی منظورم اینه که هم‌زمان زرد بود، فیدبک‌های خوبی گرفتم از بقیه و تصمیم گرفتم این کار رو ادامه بدم.

- همسران مشکلی با این قضیه نداشتن؟

چرا اون قدر جر و بحث کردیم، ولی آخرش کوتاه اومد. تازه خوشم اومده از پافشاری کردن روی خواسته‌هام.

- پس چرا وقتی دخترتان برای خواسته‌هاش رو به روی شما می‌ایستد، برچسب پررو بودن می‌زنید؟

چون که من بزرگ‌ترم، عقلم می‌رسه چی خوبه واسم چی بده، اما اون نمی‌فهمه.

- این که حرف همسران هست که می‌گفت بچه است و توانایی تصمیم‌گیری صحیح را نداره.

بله درسته. حق با شماست. فکر می‌کنم کمی خودخواهانه هستن خواسته‌هام.

- به نظر شما اعضای بی‌تی‌اس هم خودخواهانه عمل می‌کنند؟

یه موضوعی خیلی ذهنم رو مشغول کرده. یکی از دوستای صمیمی من کلاس زبان تدریس می‌کنه، می‌گفت مدیر آموزشگاه از ما می‌خواد یه

کم با پسرا که کلاس داریم با ناز حرف بزیم و بهشون محبت کنیم تا یه کم وابسته بشن به ما و بعد دیگه حتی اگه زبان رو دوستم نداشته

باشن، بیان به خاطر ما پول بدن. استاد... می‌گفت، یه چیزی هست به نام اصل ماکیاولی یه همچین چیزی که می‌گه از هر راهی که می‌تونم

به خواسته‌ات برس، حتی اگر نیاز باشه دروغ بگی یا به دیگری صدمه بزنی. خیلی وقتا به این نتیجه می‌رسم که فرزندم وابسته اینا شده، اونم

به خاطر اینه که بی‌تی‌اس از وابسته کردن هواداراش به خودش سود می‌بره. دخترم یه مدت معتاد ویدیوهای بی‌تی‌اس شده بود، صبح تا شب

می‌دید تا این که من و باباش باهم تصمیم گرفتیم گوشی رو ازش بگیریم. هم درسش داشت افت می‌کرد، هم انگار معتاد گوشی شده بود.

- معتاد گوشی یا بی‌تی‌اس هستی؟

بهتره بگم معتاد بی‌تی‌اس شده بود و به خاطر بی‌تی‌اس گوشی دستش می‌گرفت.



- مگر چندتا ویدیو تولید کرده بی‌تی‌اس که این قدر دخترتان بخواد درگیر ویدیوها شود؟

آخه فقط ویدیو نبود. چت می‌کرد و داستان می‌نوشت.

- داستان کجا می‌نوشت؟

انگار فیلم‌نامه می‌نوشت که شخصیت‌های اصلی داستان همین آیدول‌های بی‌تی‌اس مثل جین و جیمین و وی و بقیه‌شون بودن.

- ژانر داستان‌ها چی بود، عاشقانه، ترسناک، کمدی یا موارد دیگر؟

همه جوره بود دیگه، دخترم توی گوشیش، قسمت نوشتن می‌نوشت. خیلی دختر خلاق و باهوشیه، اما مورد ناچوری دیدم که نمی‌دونم چرا واقعاً

این کار رو کرد.

(سکوت کردم تا به مصاحبه شونده به خواست خود ادامه دهد بسیار ناراحت به نظر می‌رسید).

باباش هیچ وقت اجازه نمی‌ده روی گوشیش رمز بذاره و خب مدرسه رفتنی گوشی رو با خودش نمی‌بره. چند روز پیش بود که رفته بود مدرسه و منم تحریک شدم که برم داستان‌ها رو بخونم، البته خودم می‌دونم اشتباه بزرگی کردم، شاید هم کار درستی بود، به هر حال توی نوت گوشیش یکی از داستان‌ها اسمش با بقیه فرق می‌کرد، نمی‌دونم کار خدا بود، انگار من دقیقاً رفتم سر همون.

– می‌تونم بپرسم که اسم داستان چی بود؟

اسمش که رمزی بود چی‌هات بود، ولی نمی‌دونم معنیش چیه و چرا این اسم رو گذاشته، شاید واسه این که اگه گوشیش رو باز کرد، کسی اهمیت نده به همچین اسمی. تو داستان مثل بقیه داستان‌هایی که نوشته بود تقریباً همه بودن، ولی یه تفاوتی داشت که واقعاً برام عجیب بود.



– محتوای داستان چه چیزی بود؟

نمی‌دونم از کجا این چیزا رو یادگرفته، ما همیشه کنترل کردیم با دوستای خوبی بگرده، از اینترنت درست استفاده کنه یا هر چیزی که هست به من بگه، ولی این داستان پر بود از بوسه و چیزای دیگه. من هم تخیلاتی داشتیم در مورد یکی از آیدول‌ها، ولی نه این طوری.

– اگر دوست دارید و امکانش هست در مورد تصور خودتان هم توضیح دهید.

من داستان‌های دخترم رو که اوایل می‌خوندم، راستش از روی بی‌کاری خودم هم داستان می‌نوشتم و خیال‌پردازی می‌کردم. یکی از اساتید گفته بودن، کسی که از قوه تخیل قوی‌تری برخوردار باشه، خلاق‌تر می‌شه. توی اینترنت گشتم دیدم داستان نوشتن می‌تونه قوه تخیل رو فعال کنه. اینا رو کنار هم گذاشتم تصمیم گرفتم دیگه شروع کنم منم داستان بنویسم و خب چی بهتر از بی‌تی‌اس که علاقه‌مند هستم به این گروه. ولی همیشه تخیلات من حول و حوش ساختن قهرمان از تک تک اعضای بی‌تی‌اس بود. انگار خودم حس خوبی می‌گیرم وقتی از قهرمانی‌های اونا می‌نویسم، احساس می‌کنم انگار خودم قهرمان هستم و دارم در مورد خودم می‌نویسم.

– خوب چرا در مورد خودتان نمی‌نویسید؟

چون همیشه خودم رو دست کم گرفتم و حتی توی خیالاتم هم جرأت این که قهرمان باشم رو ندارم، ولی برعکس دخترم خیلی راحت از خودش می‌نویسه. ولی جدی می‌گم خیلی به من حداقل حس خوبی می‌ده. اون فیلم واندر وومن که گل‌گدوت بازی کرده رو دیدین؟ خیلی خودم رو در قالب اون تصور می‌کنم.



من در مورد بی‌تی‌اس هم همین کار رو می‌کنم مثلاً در مورد جین می‌نویسم، ولی خودم رو انگار جای اون تصور می‌کنم.

- به نظر شما چرا کمپانی هدایت کننده بی‌تی‌اس جنسیت زده هست و تمام گروه، پسرها هستند؟

شاید هدف این‌ها جذب دخترا هست.

- یکی از مواردی که شما مطرح کرده‌اید، این هست که اعضای بی‌تی‌اس آزاد هستند، درست هست؟

بله.

- سوالم این هست که اگر یکی از اعضای بی‌تی‌اس بخواهد یک دختر را به گروه اضافه کند، آزاد خواهد بود؟

نه خب، دخترم می‌گفت البته خودم هم توی اینترنت سرچ کردم و خوندم نوشته بود که روابط آیدول رو هم کمپانی کنترل و مدیریت می‌کنه تا به محبوبیت آیدول صدمه وارد نشه. به نظرم اگر یه دختر اضافه بشه به گروه، خیلی همه چیز سخت می‌شه، یعنی کنترل کردن اعضاء سخت می‌شه. بالاخره یه جاذبه جنسی هست و مهم‌تر این که این دخترها به طرف هر آیدولی بچرخن، از طرف هوادارای اون آیدول قطعاً فحش می‌خورن.

- شما خودتان دوست دارید در گروه دختر اضافه بشود؟

من بدم نیامد، چون خیلی به این چیزا توجه نمی‌کنم و بعد عاطفیش برام اهمیتی نداره، ولی برای دخترم قضیه کاملاً فرق می‌کنه و حتی یک‌بار در مورد این موضوع حرف زدیم کاملاً مخالف بود و می‌گفت، گند زده می‌شه به گروه و من دیگه حمایت نمی‌کنم از گروه.

- گفت که چرا مختلط شدن گروه باعث خواهد شد، از حمایت گروه دست بردارد؟

همیشه می‌گه باعث می‌شه کم‌تر دوست‌شون داشته باشم، چون بچه رک و راستی هست، می‌گه که حسادت می‌کنم و این حسادت به اون دخترا باعث می‌شه دیگه دنبال نکنم.

دخترم خیلی فیلمای زندگی روزمره بی‌تی‌اس رو دوست داره و مدام می‌گه دوست داره جای اونا باشه.

- دخترتان گفته که چرا دوست داره جای آن‌ها باشد؟

می‌گه شادان، همیشه بهشون خوش می‌گذره، ولی من فکر می‌کنم زندگی پر زرق و برقی که نشون می‌دن، دخترم رو هوایی کرده. بخوام صاف و صادق باشم با شما، خودم هم نگاه می‌کنم، دلم می‌خواد جای اونا باشم.

- چرا؟

چیزی که از زندگی معمولی‌شون نشون می‌دن، خیلی بهتر از زندگی ما هست. نه دعوایی، نه جرّ و بحثی. همه‌اش شوخی و خنده و بگو بخند.

آخه عجیبه که اونا توی سختی‌هاشون هم حال‌شون خوبه.





– آیا این تصویری که نشان می‌دهند، واقعیت زندگی اعضای بی‌تی‌اس هست؟

به نظرم واقعیت زندگی اعضای بی‌تی‌اس همین سربازی هست که دخترم تا دید ناراحت شد. خیلی از اتفاقات مهم رو نشون نمی‌دن، مگه می‌شه اینا ناراحت و نگران و عصبانی نشن. هر چند بعضی از فیلم‌هایی که من دیدم، گریه هم می‌کنن که می‌گن صحنه‌های ایموشنال بی‌تی‌اس، که من فکر می‌کنم این‌ها هم اغراق شده هستن. ولی آقای دکتر بچه‌ام می‌شینه، می‌بینه، گریه می‌کنه، هی می‌گم مامان اینا الکیه، منم مثل تو بی‌تی‌اس رو دوست دارم، ولی اینا واقعی نیست، گوش نمی‌ده. نگران اینم هستم که باخنده اونا می‌خنده و با گریه اونا گریه می‌کنه. خیلی دوست دارم خودم رو بذارم جای دخترم، ولی انگار نمی‌شه. من احتمال می‌دم چون دخترم خیلی هیجانی هست، به خاطر دوران نوجوانی این واکنش‌ها رو از خودش نشون می‌ده.

یه برداشت دیگه هم دارم از این فیلم‌ها.

– چه برداشتی؟

این هم یکی از ترفندهای کمپانی هست برای جذاب کردن بی‌تی‌اس برای هوادارای نوجوانش مثل دختر من. خودم که فکر می‌کنم دارن بازی می‌کنن یا انگار دارم نمایش می‌بینم. مثل فیلم‌های تلویزیون که پول می‌دن یکی نقش بازی کنه. من همچین حسی دارم. ولی دخترم نه، کاملاً پذیرفته و براش خیلی جذابیت داره این موضوع.

– چه چیزی برای شما جذابیت ایجاد کرده؟

همون طور که گفتیم آهنگ‌هاشون سن و سال نمی‌شناسه و برای من هم موضوعات جذابی داره. مثل عشق.

– به نظر شما این که محتوای آهنگ‌های این گروه خاص گروه سنی ویژه‌ای نیست مزیت هست یا عیب؟

به نظر من یک چاقوی دو لبه هست. اگر بچه کنترل نشده گوش بده، ممکنه چیزایی رو ببینه و بشنوه که براش مناسب نیست. موضوع دیگه اینه که آخه همین که توی اینترنت سرچ می‌کنی، راحت می‌بینی که از روابط پنهانی آیدول‌های مختلف نوشتن و این که کی اولین بار کی رو بوسیده و خب این خیلی بده برای دخترم.

– چه طور می‌توانید دخترتان را کنترل کنید؟

از دستم در رفته و دیگه نمی‌تونم چون به راحتی توی اینترنت می‌گرده، توی یوتیوب و اینستاگرام فیلم می‌بینه. روبیکا نصب کرده، بازم روبیکا یه کم بهتره، ولی دیگه واقعاً کنترلی روش ندارم.

– آیا محتوا مناسب خود شما هست؟ منظورم همین موارد مربوط به روابط پنهانی و فن‌فیکشن‌هایی که احتمالاً محتوای جنسی دارن.

از اون جایی که من انگلیسی بلدم، راستش خوندم بله و مناسب نیست.

– آیا با وجود این که می‌دانید مناسب نیست باز هم می‌خوانید؟

از روی بی‌کاری می‌خونم.



- یعنی فعالیت مهم‌تری نمی‌توانید انجام بدهید که مفید باشد؟  
چرا، اتفاقاً می‌دونم که زیاده روی می‌کنم. سرم گرم می‌شه حداقل به مشکلاتم با همسرم فکر نمی‌کنم. یه راه فراره برای خلاص شدن از این افکار تکراری. صادقانه بخوام بگم، موسیقی و فیلم‌های شرقی رو ترجیح می‌دم به فیلم و سریال‌های ترکی‌های و آمریکایی.  
- چرا؟

چون محتوای خیانت و هرزه‌گی و کلاً محتوای جنسی کم‌تری دارن. فیلم‌های هندی هم همین طور محتوای جنسی کم‌تری دارن نسبت به فیلم‌های غربی. اگه دیدن فیلم و سریال‌های کره‌ای و گوش دادن به آهنگ‌های کره‌ای و کلاً شرقی باعث بشه دخترم کم‌تر به سمت محتوای غربی و ترکیه‌ای بره، خیلی کمک کننده هست. بی‌تی‌اس خیلی نسبت به بعضی از گروه‌ها و خواننده‌های غربی بهتره، حداقل کلماتی که استفاده می‌کنند توام با ادب و احترام هست، یعنی دقیقاً همون فرهنگ شرقی. ببخشید ولی چه فیلم و سریال‌های غربی چه آهنگ‌هاشون تیکه کلام‌شون یه کلمه‌ای هست که خجالت می‌کشم به زبون بیارم. خب منم سعی می‌کنم سرگرم فیلم‌های کره‌ای بشم یا با بی‌تی‌اس مشغول باشم تا با فیلم‌های به شدت زننده ترکیه.



- کمپانی چه قدر به زیبایی ظاهری آیدول‌ها توجه دارد؟  
خیلی خب. هم توی سریال‌های کره‌ای و هم بی‌تی‌اس و حتی گروه‌های دخترشون به پوشش و زیبایی خاص بازیگرا و خواننده‌ها اهمیت می‌دن.  
- چرا؟ چون خود آیدول‌ها دوست دارند یا آیدول‌ها ابزاری هستند در دست کمپانی برای جذب مخاطب؟

من از دو جنبه به این موضوع نگاه می‌کنم. یکی این که کمپانی مجبور می‌کنه که خب درسته، ولی به نظر من خود اینا هم دوست دارن حتی توی گروه از بقیه اعضا شاخص‌تر باشن ولی کمپانی برای حفظ تعادل سعی می‌کنه هر از گاهی یکی رو که خیلی داره بزرگ می‌شه، با داستان‌سازی‌ها و شایعات دروغ پایین بیاره و یکی دیگه رو بالا بیره. موهای جین رو آبی کرده بودن خیلی جذاب شده بود و دخترم تا به مدت خیلی دلش می‌خواست موهاش رو آبی کنه که از باباش به خاطر همین مسأله هم کتک هم خورد. در نتیجه فکر می‌کنم هم کمپانی و هم آیدول‌ها دوست دارن این جذابیت ظاهری بیش‌تر بشه.



- این جذابیت تا کجا ادامه پیدا می‌کنه؟ آیا هواداران تا ابد این علاقه را حفظ خواهند کرد؟  
 شنیدم گفتن تا سال ۲۰۲۵ می‌خوان گروه رو منحل کنن. فکر می‌کنم به همین خاطر منحل می‌کنن وگرنه چه دلیل دیگه‌ای می‌تونه داشته باشه. هوادار به جایی سیر می‌شه، ولی نکته‌اش اینجاست که دخترم نمی‌تونه این رو قبول کنه که اینا جدا بشن.  
 - چرا این اشباع شدن اتفاق می‌افتد؟

چون نمی‌تونن که چهره جدیدی بسازن یا چه قدر می‌خوان لباس عوض کنن یا چه قدر می‌خوان رنگ مو تغییر بدن. سبک درسته متفاوت ولی صداها تکراری هستن و به جا خیلی خسته کننده می‌شه.

- آیا شما در طول مدتی که هوادار این گروه هستید به این خسته کننده بودن گروه نرسیدید؟  
 پیش‌بینی می‌کنم یک سال دیگه ادامه بدم این اتفاق بیفته و احتمال می‌دم چون دخترم علاقه بیش‌تری داره، شاید دو سال اما بیش‌تر نمی‌شه. این اولین گروهی نیستن که دوست‌شون دارم. قبل از این گروه یه گروه ایرانی بود که یه کم قدیمی هستن نمی‌دونم شما با توجه سنتون یادتون میاد یا نه گروه آریان که ایرانی بودن.



- بله به خاطر دارم.

من عاشق علی پهلوان بودم طوری که کل اتاقم عکس اون بود. خیلی باهاش اون موقع خیالبافی می‌کردم. معتاد آهنگ‌هاشون بودم و از گلزارم خیلی بدم می‌اومد (باخنده). همون موقع هم می‌گفتن که به خاطر خوشگلی راه دادن توی گروه. ولی گذشت و گذشت تا این که کم‌کم علاقه‌ام کم‌تر شد به پهلوان و در نهایت دیس‌بند شدن و هر کی رفت یه طرفی. صدای علی پهلوان خیلی ناز بود، ولی با همه اینا، یه جایی دیگه عادی شد همه چیز. برای بی‌تی‌اس هم همین اتفاق می‌افتد و به نظر من اگر گروه مفیدی باشن یه تصویر مثبت و قشنگ می‌مونه توی ذهن طرفدارا

و هر وقت یاد می‌کنم، می‌گن یاد اون دوران بخیر و گرنه که همه یادشون می‌ره و تموم می‌شه همه چی. دل بستن به این‌ها اشتباهه واقعاً. این تجربه خودم هست چون یه روز که خیلی هم زود می‌رسه از دست‌خواهی داد هر چیزی که توی ذهنت ساختی. واقعیت اینه که تصویر واقعی جین همونی هست که من از سربازیش به شما نشون دادم که دخترم نمی‌خواد حتی ببینه این عکس رو.

- منظور شما از دل بستن چی هست؟ اگر ممکن هست بیشتر توضیح دهید.

این که وابسته بشی این وابستگی می‌شه وابستگی به یک گروه باشه یا یک نفر از اون گروه که وقتی یک لحظه هم به نبودن این گروه فکر می‌کنی ناراحت می‌شی. تصویری که توی ذهنت می‌سازی از اون گروه یا آدم خیلی مهمه. البته که من فکر می‌کنم بیشتر خانم‌ها به فرد وابسته می‌شن تا به گروه. احساس می‌کنم مثلاً خودم چه موقعی که به علی پهلوان وابسته بودم چه الآن همه‌اش توی ذهنم داستان می‌ساختم. - الآن شما وابسته هستید؟ وابسته یکی از اعضای بی‌تی‌اس یا کل گروه؟

اگر معنی وابستگی این باشه که وقتی غذا می‌پزم، یا به محض این که از خواب بیدار می‌شم صبح‌ها و شب از خوابم می‌زنم تا به آهنگ گوش بدم و خیلی هم زمان از دست می‌دم و خیلی هم احساس گناه می‌کنم، اسمش وابستگی هست، خب بله من وابسته هستم.

- منظور شما از آهنگ، آهنگ‌های بی‌تی‌اس هست؟

بله. جدیداً وقتی مطالعه می‌کنم، عادت کردم آهنگ‌ها و ریمیکس‌های بی‌تی‌اس و یکی، دوتا بند دیگه رو گوش می‌دم و حواسم پرت می‌شه، نمی‌تونم روی چیزی که می‌خونم مسلط بشم.

- خوب چرا هم‌زمان این کار را انجام می‌دهید؟

نمی‌تونم گوش ندم، عادت کردم، البته خیلی وقت نیست که این طوری شدم. می‌ترسم که آهنگ‌های بی‌تی‌اس تکراری بشن و برم سراغ آهنگ‌های دیگه.

- چرا می‌ترسید؟

چون الآن فکر می‌کنم به خاطر این که بی‌تی‌اس رو دوست دارم نمی‌تونم ترک کنم، اگه ربطی به علاقه‌ام به بی‌تی‌اس نداشته باشه و معتاد آهنگ بشم چی؟

- گفتید شب از خوابتان می‌گذرید به خاطر آهنگ گوش دادن؟

بله گوشی تو دستمه که خوابم می‌بره، دیگه تا ۲ یا ۳ حتی بعضی شب‌ها بیشتر گوش می‌دم و توی شبکه‌های اجتماعی می‌چرخم.

- یعنی فقط آهنگ‌های بی‌تی‌اس را گوش می‌دهید؟

بیش‌تر بله، خیلی آرامش می‌دن بهم و با این آهنگ‌ها خوابم می‌بره.

- اما گفتید که هنگام مطالعه با این آهنگ‌ها نمی‌توانید تمرکز کنید، چه طور به شما آرامش می‌دهند؟

وقتی مطالعه می‌کنم تمرکزم پایین میاد، ولی چون صدای آرامش بخشی دارن شب‌ها خوابم می‌بره.

- پس با این حساب باید زود خوابتان ببرد. درسته؟

خب نمی‌خوام بخوابم می‌خوام آهنگ گوش کنم.

- با همسرتان به خاطر این که تا دیر وقت برای بی‌تی‌اس بیدار می‌مانید، مشکلی ندارید؟

با همسرمدتی هست که سرد هستیم و یکی از دلایلی که شب‌ها با آهنگ‌های بی‌تی‌اس خودم رو مشغول می‌کنم، عدم توجه همسرمد به من هست. اون می‌ره توی گوشیش و منم می‌رم توی گوشی خودم. به من محبت نمی‌کنه و منم برای این که فراموش کنم، می‌رم سراغ آهنگ و کلیپ.

- آیا از لحاظ عاطفی هم اعضای بی‌تی‌اس کمبود محبتی که در رابطه‌تان وجود دارد را جبران می‌کنند؟

نه، جبران نمی‌کنه. همین که حس خوبی بهم می‌ده، کافیه. کنسرت‌های قبلی بی‌تی‌اس رو نگاه می‌کنم، جشن‌هایی که دارن و غرق اونا می‌شم.

یه چیز عجیبی که خیلی دلم می‌خواد ادامه بدم، خوندن داستان‌های عاشقانه‌ای هست که شخصیت‌های اصلیش اعضای بی‌تی‌اس هست.

- منظور شما همان فیکشن‌هاست؟

بله، ای بابا چه قدر من درگیر بی‌تی‌اس شدم (لیخندی که به لب داشت محو شد و چهره در هم او نشان دهنده ناراحتی وی بود).



- اگر رابطه شما با همسرتان گرم و صمیمی شود، بی‌تی‌اس را کنار خواهید گذاشت؟  
شاید کنار ندارم، ولی خیلی کم‌رنگ می‌شه توی زندگی، مطمئنم.

- از کجا مطمئن هستید؟

چون قبلاً هم همین اتفاق افتاد، یک دوره‌ای خیلی خودم رو درگیر فوتبال کرده بودم و خیلی دنبال می‌کردم از سر بی‌کاری، ولی بعد از این که همسرم وارد زندگی شد و اون اوایل مخصوصاً دوره نامزدی، فوتبال کم‌رنگ شد. احتمالاً فکر می‌کنید یک خانم چرا باید به فوتبال فکر کنه و درگیر اون بشه، آخه اون موقع فوتبال خیلی پررنگ بود، گوشی نبود، آهنگ‌های جورواجور خارجی و داخلی نبود و مهم‌تر این که داداشم خیلی فوتبالی بود، منم درگیر شده بودم. همین الان در مورد بی‌تی‌اس هم فکر می‌کنم، سه‌تا دلیل عمده داره خیلی درگیرش شدم: اول این که دخترم خیلی دوست داره و برام مهمه بتونم با دخترم ارتباط برقرار کنم. دوم این که خیلی بی‌کارم این روزا و وقتم این طوری پر می‌شه و سوم این که خودم رو مشغول می‌کنم تا به مشکلاتی که با همسرم دارم فکر نکنم. البته چندتا کار دیگه هم می‌کنم.

- یعنی اگر این سه عامل مرتفع بشود، بی‌تی‌اس کم‌رنگ خواهد شد؟

بله کم‌رنگ می‌شه، مطمئن هستم.

- آیا در مورد ترویج هم‌جنس‌گرایی توسط گروه بی‌تی‌اس چیزی شنیده‌اید؟

بله، ولی بیش‌تر به فیکشن‌ها مربوطه تا خود بی‌تی‌اس. فیکشن‌ها رو هم که فن‌های بی‌کاری مثل من می‌شینن می‌نویسن. ولی اینم بگم که یه عده از بی‌تی‌اس خوش‌شون نمیدان، این موضوع رو می‌اندازن سر زبون‌ها. بی‌تی‌اس خیلی طرفدار داره و کمپانی حامی بی‌تی‌اس هم دلش نمی‌خواد این هوادارها ریزش کنن، برای همین فکر می‌کنم، اگر این فضا سازی‌ها و حاشیه‌سازی‌ها از طرف کمپانی باشه، بیش‌تر به خاطر ایجاد شور و هیجان کاذبه و هیچ وقت حتی در مورد فمینیسم هم مستقیم نظرشون رو نگفتن، ولی خیلیا می‌گن که بی‌تی‌اس یک گروه فمینیستی رادیکاله. ولی من می‌گم که این به دو علت مطرح می‌شه. یکی اینکه کمپانی با حاشیه به دنبال خبر سازی و جذب مخاطبه و دوم این که بعضی‌ها دوست ندارن بی‌تی‌اس محبوب باشه خب بالاخره رقیب هم هست همیشه.

- شما گفته بودید گروه بی‌تی‌اس بسیار محبوب هست، پس هستند کسانی که از بی‌تی‌اس خوششان نمیاد. درسته؟

بله، وقتی توی خونه خودم پسر و همسر از بی‌تی‌اس متنفر هستن، طبیعیه که توی کل جهان آدم‌هایی باشن که از این گروه خوش‌شون نیاد، ولی من خیلی دیدم به خاطر این که بقیه گروه‌های رقیب دوست دارن محبوبیت بیش‌تری به دست بیارن و با حاشیه‌سازی سعی می‌کنن رقیب خودشون رو تخریب کنن.

- می‌توانید مثال بزنید؟

الآن یادم نمیداد؟

- یک مورد را مثال بزنید که کسی قصد تخریب بی‌تی‌اس به وسیله حاشیه‌سازی را داشته.

یادم نمیاد به خدا. شرمنده.

- ایرادی نداره.

- به طور کلی به نظر شما آیا مدل و مقدار آرایشی که آیدول‌ها دارند و لباس‌هایی که می‌پوشند برای پسرها عادی و معمول هست؟ برای فرهنگ ما حداقل عادی نیست، البته اینم که بذاریم کنار نه، کلاً به نظرم دیگه امروز جنسیت خیلی مطرح نیست و نمی‌شه گفت آرایش و رقص و خیلی چیزای دیگه ویژه خانم‌ها هست. بی‌تی‌اس هم براساس همین عمل می‌کنه و به قول شما در آرایش غیرعادی عمل می‌کنه و می‌شه بگم که زیاده روی می‌کنن.

- چه چیزهایی از گروه بی‌تی‌اس یادگرفتید که در بهبود توانایی‌های شما و دخترتان کمک کرده؟

چه در هم دهه‌ای‌های من و چه در افراد قبل‌تر و چه الان، رقص مهم بوده و هست. شنیدید دیگه که می‌گن دختری که رقصیدن بلد نباشه، شوهر گیرش نمیاد، چون مادرشوهر پسندش نمی‌کنه. گفتید دیگه چی از بی‌تی‌اس یاد گرفتیم. این که به قول دخترم تلنتند هستن. - یعنی چی؟

یادگیری زبان بدون کلاس با یک فیلم کار راحتی نیست. من که کلاس زبان رفتم می‌دونم چه قدر دشوار هست، نه فقط خود زبان، بلکه مداومت در یادگیری زبان. دخترم به تازگی یادگیری زبان رو شروع کرده و کلاس زبان ثبت نامش کردم. بی‌تی‌اس در افزایش انگیزه‌اش برای یادگیری همچین چیزایی خیلی تأثیر داشته، اما متأسفانه بدی‌هاش رو هم قبلاً گفتم. همسرم به کم خشکه مذهبی و از این مردای سنتی طوره! می‌گه بچه انگلیسی یاد بگیره، می‌ره چیزهایی می‌بینه و می‌خونه که خلاف شرع هست. این اواخر هم به خاطر همین مشکلاتی که از اول مصاحبه گفتم کارمون به مشاور کشید. گفته که از خر شیطون میاد پایین، ولی باز هم داره بازی در میاره و خسته‌ام کرده. همیشه به خودم می‌گم، ما چه قدر بدبختیم که ایرانی به دنیا اومدیم. کره‌ای‌هایی که سوسک و مارمولک می‌خورن، از ما که تمدن چند هزار ساله داریم جلوتر زدن. گروه رقص دارن، کلاسای دبیرستان مختلطه. اون وقت شوهر من هنوز گیر می‌ده به موهای سر من که چهارتا مرد دیگه تحریک می‌شن، موهاش رو بپوشون. دلم خیلی پره، ببخشید اگه زیاد حرف می‌زنم.

- اینجا هستیم تا به صحبت‌ها و نظرات شما گوش بدم.

- آیا بی‌تی‌اس در این طرز تفکر شما در مورد ایران نقش داشته؟

دیگه می‌بینیم چه قدر دغدغه‌هاشون آپدیت و به روزه و ما برعکس، چه قدر دل‌مشغولی‌های مسخره‌ای داریم. درسته آهنگ‌های عاشقانه هم ساختن، ولی آهنگ سیلور اسپون فوق‌العاده هست و خیلی زیبا تشویق می‌کنه به ایستادگی در برابر مشکلات و موانع. یک آهنگ جالب و پرمفهوم دیگه هم دارن به اسم «اجازهای برای رقص» یه تیکه رو خیلی دوست دارم. می‌گه که من می‌خواهم برقصم، موسیقی باعث شد من پیش بروم، چیزی نیست که بتواند مانع از حرکت ما شود، بله بیایید خودمان را بشکنیم و مثل احمق‌ها برقصیم. - منظورش چیه؟

می‌گه که پلن و برنامه و این چیزا رو بذاریم کنار، یه کم نفس بکشیم، برقصیم. نیاز نیست همیشه عاقل باشی و رقص و موسیقی باعث شده پیش برم یا بهتره بگم پیشرفت کنم.





- به نظر شما کار درستی هست که برنامه‌ها را کنار بگذاریم و صرفاً بزنیم و برقصیم؟  
 به نظرم پلن ریختن کار بیهوده‌ای هست، چون آخرش اون چیزی که می‌خوای درست اجرا نمی‌شه و این آهنگ درست می‌گه.  
 - خوب شاید احتمالاً ایراد از برنامه شما باشه. یعنی هیچ برنامه‌ریزی را قبول ندارید؟  
 نه من به برنامه‌ریزی علاقه‌ای ندارم و مهم‌تر این که اون‌ها توی کره جنوبی که این قدر کشور منظم و با حساب و کتابی هست، اعتقادی به برنامه‌ریزی ندارن، بعد من تو ایران اعتقاد داشته باشم؟  
 - فکر نمی‌کنم منظور آهنگ این بوده باشه که هیچ‌وقت برنامه‌ریزی نکنید.  
 برداشت من این هست و این باورم رو دوست دارم.  
 - گوش دادن به آهنگ‌های این گروه چه حسی به شما می‌ده؟  
 حس خیلی خوب. آزادی. وقتی گوش می‌دم همین جوری که معنی یه متن رو برای شما خوندم، حس می‌کنم که یکی هست که به فکر آزادی و راحتی و رها شدن من و دخترم از اسارت کسایی مثل شوهرمه. خیلی خوشحال می‌شم.  
 - در انتها موردی هست که از شما سوال نکرده باشم و بخواهید به مصاحبه اضافه کنید؟  
 فقط این که کره‌ای‌ها برای من بسیار محترم هستن و من این رو از احترامی که بی‌تی‌اس به مخاطب می‌گذاره، متوجه شدم که در موردش در جریان مصاحبه صحبتی نشد. اوج زیبایی رو در قطع کردن کنسرت به احترام اذان دیدم. اون لحظه رو بارها در یوتیوب دیدم. به زیبایی فرهنگ خودشون رو به دنیا معرفی می‌کنن و واقعاً برای من محترم هستن. خیلی حرکت زیبایی بود.  
 - با توجه به این که می‌دانم چه قدر مشغله و عجله دارید، باقی مصاحبه را به آینده موکول می‌کنیم و ممنون می‌شم اگر چنانچه خود شما و دخترتان فرصت داشتید، به بنده اطلاع بدهید تا به ادامه مصاحبه و شروع مصاحبه جدید با دخترتان پردازیم. از شما بابت وقتی که در اختیار من گذاشتید بسیار سپاسگزارم.  
 چشم. حتماً اطلاع می‌دم. ممنون از شما.

## تأملی دوباره

فریبای ۴۶ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مباحثی حول محورهای کمپانی هایب (مؤسس گروه بی‌تی‌اس)، گروه پسران بی‌تی‌اس و هواداران گروه بی‌تی‌اس اشاره داشته است.  
 فریبا در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد کمپانی هایب، به مورد دامن زدن به عشق تخیلی هواداران، اشاره داشته است.

فریبای ۴۶ ساله، در مصاحبه خود در توصیف فراز و فرودهای گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: ارایه تصویر جدیدی از مرد بودن و مردانگی، تلاش در جهت نزدیک کردن رفتارهای دو جنس به یکدیگر، تشویق هواداران به آزادی و خوش‌گذرانی، تشویق به جرأت‌مندی و کنار نهادن شرم و حیای هوادار توسط بی‌تی‌اس و ایجاد تعارض ذهنی در هواداران زن به سبب ارایه تصویری متفاوت از مردان، اشاره داشته است.

فربیا در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد هواداران گروه بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: تأکید در جذابیت یافتن اعضای گروه بی‌تی‌اس به دلیل ضعف تولیدهای داخل، شادی بخشی به مخاطبان با تهیه، تدوین و اجرای آهنگ‌های شاد؛ پر کردن اوقات فراغت با گروه بی‌تی‌اس، اخذ ارزش از گروه، اثرپذیری از الگوهای بی‌تی‌اس، الگوبرداری از ستاره‌ها (چندتوانی به عنوان عامل موفقیت ستاره‌های بی‌تی‌اس)، الگوسازی از اعضای بی‌تی‌اس به عنوان افراد قهرمان، وابستگی به اعضای گروه بی‌تی‌اس، کاهش شرم و حیای هوادار به علت الگوبرداری از بی‌تی‌اس، اعتیاد یافتن به گروه بی‌تی‌اس، خیال‌پردازی‌های عاشقانه درباره ستاره‌ها، دامن زدن به عشق تخیلی هواداران، تشویق به جرأت‌مندی و کنار نهادن شرم و حیای هواداران توسط بی‌تی‌اس، تحریف دین در تلاطم عواطف، ترجیح دادن الگوبرداری از بی‌تی‌اس به دستوره‌های دینی، دامن زدن گروه به اختلاف‌های خانوادگی، بروز برخی از اختلافات خانوادگی به خاطر طرفداری از گروه بی‌تی‌اس، ایجاد اختلاف‌های خانوادگی شدید پیرامون الگوبرداری از بی‌تی‌اس، سرگرم شدن با موسیقی جهت فراموش شدن مشکلات خویش، به انحراف کشاندن کنجکاوای افراد، اتلاف وقت، چت مخفیانه به دور از چشم والدین درباره گروه، رسیدن برخی از طرفداران به مرحله اهمال‌کاری و عدم پیگیری امور مهم، افت تمرکز در مطالعه با گوش دادن هم‌زمان به موسیقی بی‌تی‌اس، پیش‌بینی اشباع شدن هواداران از صدای خواننده‌ها در بلندمدت، باقی ماندن ذهنیت مثبت از گروه بعد از انحلال، کاهش عرق ملی، برچسب بدبخت زدن به کشور خود در مقایسه با کره و معترض شدن کاربران موسیقی بی‌تی‌اس به زندگی معمول، اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه فربیا ۴۶ ساله، با ارجاع محورهای اقدام‌های کمپانی و اثرات کاربری از گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران، توجه خویش را به مباحث وی در زمینه اثرگذاری گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران آن متمرکز سازیم، می‌توان بیان داشت، فربیا در مصاحبه خودش از اثرهای روانی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، اخلاقی - عقیدتی، اقتصادی - سیاسی، هنری، زیباشناختی و خانوادگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس یاد کرده است.

فربیا در توصیف «اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: وابستگی به اعضای گروه بی‌تی‌اس، تربیت هیجان‌مدار هواداران، اعتیاد یافتن به گروه بی‌تی‌اس، دامن زدن به خیال‌پردازی افراد، دامن زدن به عشق تخیلی هواداران، :ارایه تصویر جدیدی از مرد بودن و مردانگی، تشویق به جرأت‌مندی و کنار نهادن شرم و حیای هواداران، سرگرم شدن با موسیقی جهت فراموش شدن مشکلات خویش، به انحراف کشاندن کنجکاوای افراد، اتلاف وقت، پیش‌بینی اشباع شدن هواداران از صدای خواننده‌ها در بلندمدت، معترض کردن هواداران به زندگی معمول، گروه به مثابه عرصه گریز از مشکلات و اهمال‌کاری و عدم پیگیری امور مهم در جریان کاربری از بی‌تی‌اس، یاد کرده است.

فربیا در توصیف «اثرهای اجتماعی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: تأکید در جذابیت یافتن اعضای گروه بی‌تی‌اس به دلیل ضعف تولیدهای داخل، شادی بخشی به مخاطبان با تهیه، تدوین و اجرای آهنگ‌های شاد؛ الگوبرداری در ارزش‌ها، اثرپذیری از الگوهای بی‌تی‌اس، الگوبرداری از ستاره‌ها (چندتوانی به عنوان عامل موفقیت ستاره‌های بی‌تی‌اس) و الگوسازی از اعضای بی‌تی‌اس به عنوان افراد قهرمان، یاد کرده است. فربیا در توصیف «اثرهای آموزشی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: یادگیری‌های غیررسمی (تابوشکنی) و افت تمرکز در مطالعه با گوش دادن هم‌زمان به موسیقی بی‌تی‌اس، سخن گفته است.

فربیا در توصیف «اثرهای فرهنگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: پر کردن اوقات فراغت با گروه بی‌تی‌اس، یاد کرده است. فربیا در توصیف «اثرهای اخلاقی - عقیدتی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: تحریف دین در تلاطم عواطف و ترجیح الگوبرداری از بی‌تی‌اس به جای الگوهای دینی، یاد کرده است.

مصاحبه شونده در توصیف «اثرهای اقتصادی - سیاسی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: کاهش عرق ملی و برچسب بدبخت زدن به کشور خود در مقایسه با کره، سخن گفته است.

فربیا در توصیف «اثرهای خانوادگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: معترض کردن هواداران به زندگی معمول، دامن زدن گروه به اختلاف‌های خانوادگی، بروز برخی از اختلافات خانوادگی به خاطر طرفداری از گروه بی‌تی‌اس، ایجاد اختلاف‌های خانوادگی شدید پیرامون الگوبرداری از بی‌تی‌اس و چت مخفیانه به دور از چشم والدین درباره گروه، سخن گفته است.

از بیانات اخیر فربیا ۴۶ ساله، در جمع‌بندی کلی کتاب، در موارد مورد اشاره، بهره جسته خواهد شد.



## مصاحبه با شبنم، ۲۵ ساله

دوستام هستن که باباشون رو مجبور می‌کنن از جایی قرض کنه و هزینه عمل‌شون رو بده یا مثلاً دوست پسرشون هزینه عمل‌شون رو می‌دن که اون شکلی بشن که بیش‌تر مورد پسندشونه.

یادداشت پژوهشگر:

میزان همکاری مصاحبه‌شونده در این مصاحبه متوسط بود. وی در طول مصاحبه تلاش زیادی برای موجه نشان دادن خود و دستاوردهای خویش و نمایش یک چهره موفق‌تر از آنچه هست، از خود داشت. در چند جای مصاحبه، نشانه‌های اضطراب در او به صورت سنگینی نفس و بی‌قراری مشهود بود، اما مداخله‌ای در این جهت صورت نپذیرفت. یکی از دیگر ویژگی‌های مصاحبه‌شونده، پرش افکار و عدم ارایه جواب دقیق به سوالی که از وی پرسیده می‌شد، بود. به صورتی که مصاحبه‌شونده از طریق حاشیه رفتن به مسأله مورد اشاره نمی‌پرداخت. مضاف بر این، وی درباره موضوعاتی که احیاناً برایش حساسیت‌زا بودند و ترس قضاوت پژوهشگر یا به چالش کشیده شدن علایق، افکار و احساسات خودش را داشت، از این سازوکار سود می‌برد.

– خوب شبنم به من درباره مدت زمان آشنایی خودت با زبان و فرهنگ کره بگو.

من از سن هفده سالگی تا الان که بیست و پنج سالمه، زبان و فرهنگ کره سروکار داشتم. اولش از سریال‌هایی که فارسی وان نشون می‌داد، شروع شد. یعنی در واقع اگه دقیق بخوام بگم از ۱۴ سالگی این فرآیند شروع شد. به این ترتیب که یه سریالی نشون می‌داد توی فارسی وان که خانواده اگر می‌زدن اون شبکه، منم می‌دیدم. راستش من خیلی دوست داشتم که ببینمش، ولی مامانم می‌گفت، برای سن تو خوب نیستش. – مگه چه طور بود؟

خب صحنه‌های رومانتیک داشت. البته نه اون قدری که مثلاً الان آدم توی سریال‌های ماهواره‌ای یا به خصوص دانلودی‌ها می‌بینی. بعدش اما به طور جدی‌تر از سال ۲۰۱۳ شروع شد که از طریق خواهر کوچک‌ترم بود و آهنگ‌ها و موزیک ویدیوهای بی‌تی‌اس رو می‌دیدیم و علاقه‌مند شدم. به خصوص رقص‌هاشون رو خیلی دوست داشتیم.

– یعنی اول خواهرت علاقه‌مند شد؟

نه اول من با سریالاشون آشنا شدم. بعد خواهرم هم از طریق من آشنا شد، اما اون بیش‌تر رفت سمت موسیقی‌شون و این طوری منم به سمت موسیقی و آهنگاشون کشیده شدم. حتی یه تایمی هم خواهرم خیلی خوب مدل اونا می‌رقصید و حتی علاقه و تصمیم جدی داشتش که وارد مدرسه کارآموزی بی‌تی‌اس بشه.

– همون ابتدای آشناییت توی سن ۱۷ سالگی، چه چیزی درباره بی‌تی‌اس وجود داشت که جذبت می‌کرد؟

از رفتاراشون. از طرز لباس پوشیدنشون. آخه به پسران بی‌تی‌اس می‌گن پسران ضدگلوله، یعنی اسم‌شون پسران ضدگلوله است.

– منظور از پسران ضد گلوله چیه؟

بین منظورشون اینه به نظرم که اشاره داره به قوی بودن و استقامت و قدرت و این که مثل شیشه ضدگلوله، سعی می‌کنند از جامعه محافظت کنن.



بعدش خواننده‌های خیلی خوبی ان. صدای خیلی خوبی دارن. بعد الآن خواننده‌های بین‌المللی شدن و معروف‌ترین گروه هستن و بیش از ۶۰ میلیون نفر فالوور دارن. کی‌پاپم که می‌دونی چیه (به جای تلفظ K-pop می‌گویند ki-pop).

– تاحدودی K-pop و K-drama.

آره. یه ژانری از موسیقی هست. رقص و راک و پاپ و این چیزا رو شامل می‌شه. کلاً بی‌تی‌اس هم به زبان کره‌ای، انگلیسی و ژاپنی اجرا می‌کنن و با هنرمندا و خواننده‌های معروف دنیا که البته من خیلی نمی‌شناسمشون، اجراهای مشترک برگزار کردن.

– به نظر می‌رسد الآن شما یک جور حالت تبلیغ کردن و تعریف کردن از بی‌تی‌اس رو در برابر من گرفتی، یعنی احساس می‌کنم انگار یه جوری می‌خوای من رو راضی کنی که بی‌تی‌اس چیز باارزشیه و یه جور از علاقه‌مندیت دفاع می‌کنی.

(می‌خندد) عادت کردم. از بس توی فامیل و آشنا همه یه نگاه از بالا به پایین و انتقادی نسبت به این علاقه و طرفداریم دارن که هی باید تبلیغ کنم و از مهم بودن و خوبی‌هاشون بگم.

– لطفاً درباره شکل‌گیری این علاقه‌مندی در خودت بیشتر بگو.

بین وقتی من به یه چیزی علاقه‌مند می‌شم، پیگیری می‌شم و می‌رم دنبالش. مثلاً درباره بی‌تی‌اس هم رفتم تحقیق کردم درباره مسایل سیاسی – اجتماعی‌شون. مثلاً خیلی به نسل امروز و جوون اهمیت می‌دن و به حرفاشون گوش می‌دن و تشویق‌شون می‌کنن که دنبال هدف و آرزوهاشون برن. مثلاً توی آهنگاشون از مشکلات جامعه می‌خونن. بعد این که رسانه اجتماعی رو می‌کشن سمت خودشون. یعنی طرفداراشون رو کشیدن سمت خودشون از طریق رسانه اجتماعی و باهاشون در تماس هستن و صحبت می‌کنن و به همین خاطر جوونا خیلی بهشون علاقه‌مندن.



توی کره خیلی رسومات و عقاید خاص هست. مثلاً شعار کره‌ای‌ها اینه که به همه انسان‌ها خوبی برسونید. البته در گذشته این جوری نبوده. مثلاً رئیس‌جمهور قبلی‌شون که اسمش یادم نمیاد، خیلی نژادپرست بود و با سیاه‌پوستا و اینا مشکل داشت. اما گروه بی‌تی‌اس اومد و یه پول بزرگی به سیاه‌پوستا کمک کرد.

– یعنی می‌گی که بی‌تی‌اس عامل این تغییر جهت‌گیری سیاسی – اجتماعی توی کره بود؟

آره دقیقاً. مثلاً یه مشکل دیگه‌ای هم که هست اینه که توی کره با هم‌جنس‌گرایی مشکل دارن، یعنی در واقع داشتن، ولی بی‌تی‌اس اومد این موضوع رو اونجا جا انداخت.

– یعنی چی جا انداخت؟

یعنی دیگه مردم پذیرفتن این گرایش جنسی رو و آدم‌ها رو به خاطر گرایش جنسی‌شون قضاوت نکردن.

– خوب حالا تو اون موقع که با این دیدگاه بی‌تی‌اس نسبت به هم‌جنس‌گرایی آشنا شدی چه واکنشی داشتی؟ یعنی دیدگاه خودت نسبت به هم‌جنس‌گرایی قبل از آشنایی با بی‌تی‌اس چی بود؟

من اصلاً اوکی نبودم با این قضیه، یعنی واقعیتش اصلاً نمی‌دونستم درباره این چیزا و تحقیقی نکرده بودم. بعد کلاً بی‌تفاوت بودم نسبت به این قضیه و اصلاً توی فازش نبودم. ولی وقتی که این رو دیدم و صحبت‌ها و مصاحبه‌هاشون رو دیدم، باهاش آشنا شدم.

– حالا توی هفده سالگی هم این مسایل برات مهم بود که باعث علاقه‌مندیت به بی‌تی‌اس بشه؟

نه اون موقع بیش‌تر آهنگ‌ها و موزیکاشون بود که خیلی من رو شاد و پرنرزی می‌کرد و یه حالت هیجانی برام داشت. بعد مثلاً رقصاشون رو خیلی دوست داشتم. اون هماهنگی‌شون توی رقصیدن، لباس‌هایی که می‌پوشیدن و تنوع رنگ‌هاشون. ولی بعدش کم‌کم رفته‌م سراغ آهنگاشون و معنی‌شون رو چک می‌کردم و دوست داشتم ببینم معنی‌شون چیه، و دیگه کم‌کم پیگیرشون شدم و جدی‌تر دنبال‌شون کردم.

– حالا سوال من اینه که چرا بی‌تی‌اس؟ یعنی کلی گروه‌ها و خواننده‌های دیگه آمریکایی هم وجود دارن، ولی چرا شما به اونا علاقه‌مند نشدی؟ منظورم اینه که بی‌تی‌اس چه ویژگی‌های منحصر به فردی به نظر شما داشت؟

ببین من کلاً نحوه خوندن کره‌ای رو دوست دارم. یعنی حتی اگه خودمم صدام خوب بود، می‌رفتم خواننده کره‌ای می‌شدم. یعنی هم زبان‌شون رو و هم موسیقی‌شون رو دوست دارم. بعد این که شاید خنده‌ات بگیره، ولی من چهره‌هاشون رو دوست دارم و یه تایمی خیلی جذب چهره‌هاشون شدم و دیگه این که خیلی تنوع دارن توی لباس و رقص و مدل و رنگ مو و اینا. علاوه بر اینا، خیلی مردم رو تشویق می‌کنن و انرژی مثبت بهشون می‌دن. بعد از سختی‌های خودشون تا رسیدن به این جایگاه حرف می‌زنن و خیلی محکم هستن. مثلاً توی کره خیلی آزادی بیان نیستش، به خصوص مثلاً توی بعضی گروه‌های خوانندگی و رقص و بازیگرا، ولی بی‌تی‌اس خیلی راحت ان و از هیچ چیزی نمیترسن و میان صحبت می‌کنن و حرف‌شون رو می‌زنن و واقعاً خودشون هستن و نقش بازی نمی‌کنن و ادا در نمی‌یارن. البته گروه‌های دیگه هم هستن مثل چم جونیور و دختران بلک پینک که من اونا رو هم دنبال می‌کنم.

– این‌ها رو از طریق چه رسانه‌ای و چه برنامه‌هایی دنبال می‌کنی؟ مثلاً از طریق فن‌پیج‌ها دنبال‌شون می‌کنی؟

نه من اینا رو فقط از طریق پیج‌های اینستاگرامی اصلی خود گروه دنبال می‌کنم و پیگیر آهنگاشون هم از طریق یوتوب می‌شم.

– یعنی اصلاً با محتوای فن‌پیج‌ها آشنایی نداری؟

چرا. توی اینستاگرام و اینا گاهی اوقات این پیج‌هایی که از حواشی زندگی‌شون پست می‌ذارن رو هم دنبال می‌کنم و کامنتای طرفدارا رو زیرش می‌خونم. اما خودم هیچ وقت وارد بحث نمی‌شم و نظری نمی‌دم.

– یعنی تعصبی روشون نداری؟

نه، اصلاً تعصب خاصی نداشتم، ولی علاقه‌مندم بهشون.



یه نکته‌ای هم که خیلی من رو جذب کرد بهشون، موضوع خدمت سربازی توی کره و واکنش بی‌تی‌اس نسبت به اون و تغییریه که داره باعث می‌شه.

– می‌شه بیش‌تر این مسأله رو توضیح بدی؟

ببین توی کره سربازی اجباریه و تا ۲۸ سالگی همه باید خدمت سربازی رو گذرونده باشن. اما بی‌تی‌اس اومدن این رو به چالش کشیدن و مثلاً لیدر گروه «جین»، الان نزدیک سی سالشه و هنوزم سربازی نرفته و به هر طریقی مخالفت‌شون رو با این قانون نشون می‌دن و اخیراً هم این‌طور شده که این قانون خدمت اجباری در حال حذف شدن. و این اثرات مثبت رو مثلاً بی‌تی‌اس توی زندگی مردم هم داشتن.

– اگه بخوام حرفت رو اصلاح کنم اینو باید بگم که محدودیت سنی سربازی تا ۳۰ سالگیه و این که حداقل فعلاً خبری از حذف خدمت سربازی در قانون اساسی کره جنوبی نیست.

- حالا نظر شما درباره این که این‌ها با شرکت قرارداد دارن و به صورت کامل تحت سلطه شرکت‌ها هستن چیه؟ البته این قراردادها مدت‌هاش محدوده، ولی البته خب توی اون مدت حتی حق آب خوردن بدون اجازه کمپانی رو هم ندارن.

- خوب این به نظر شما با اون قضیه دفاع از آزادی و حق شهروندی و اینا تناقض نداره؟ یعنی در مقایسه با خدمت سربازی این که یه چیزی بدتر از اون می‌شه!

گفتم این قراردادها مدت‌ش محدوده، ولی با این وجود من خودمم این موضوع رو دوست ندارم و مثلاً خواهرم هم که دلش می‌خواست وارد این حیطة بشه و امتحان بده و قبول بشه (تا ۱۸ سالگی) من اصلاً دوست نداشتم که وارد این جریانات بشه و تحت نظر کمپانی و این قضایا بره. چون خیلی سختگیر هستن و دسترسی بهشون (مثلاً اگه خواهرم می‌رفت) سخته. ولی از طرف دیگه از همه لحاظ تأمین‌شون می‌کنن و درآمدهای بالایی هم دارن.

- بالاخره ترجیح خود شما کدوم بود؟ این که اون قضیه درآمد و پشتیبانی مالی و غیره می‌ارزید به از دست دادن آزادی؟ نه. اصلاً دلم نمی‌خواستم خواهرم هم وارد این داستان بشه. البته درباره بی‌تی‌اس این گروه نسبت به گروه‌های دیگه خیلی آزادتر هستن و خودشون اون قوانین کمپانی رو رعایت نمی‌کنن و مثلاً با هواداراشون تماس تلفنی دارن و غیره.

دیگه یه سری چیزای دیگه درباره‌شون اینه که مثلاً اینا برای همون جا انداختن هم‌جنس‌گرایی و غیره، گاهی لباس‌های زنونه می‌پوشن یا از زیورآلات استفاده می‌کنن یا لاک می‌زنن و اینا. یا هر هفته و هر ماه موهاشون رو تغییر رنگ می‌دن و این چیزا رو هم اصلاً عیب نمی‌دونن. مثلاً یکی از اعضای گروه که اسمش آرام هست، می‌گه اصلاً اهمیتی نداره که زن باشی، مرد باشی، سیاه باشی یا سفید باشی. هر چیزی هستی خودت باش.



- الان همین قضیه زیورآلات و لباس و این تیپ‌هایی که شما می‌گی می‌زنن رو برای مثلاً دوست پسر یا همسر خودت هم می‌پسندی؟ نه، شخصاً خودم دوست ندارم این جور باشه. ولی خب به معیارهای طرف احترام می‌ذارم. اما خب سلیقه شخصیم نیستش. من اصلاً از همون نوجوونی دوست داشتم با یه مرد کره‌ای ازدواج کنم، به خاطر همون فرهنگ و اخلاقیاتشون.

- ولی همون مرد کره‌ای رو هم دوست نداری که این سلايق رو داشته باشه. نه؟ آره، ولی حالا اگه باشه هم احترام می‌ذارم. اما پسندم نیست. من از چیزای دیگه‌شون خوشم میاد. مثلاً این که خیلی باید احترام بزرگ‌تر رو نگه دارن. حتی توی سبک نشستنشون و همین طور مثلاً توی محاوراتشون زبان‌شون خیلی پیچیده هست و مثلاً با توجه به این که مخاطبت کی باشه، کامل نوع حرف زدن و میزان احترام در کلامشون فرق می‌کنه.

- این که شما گفتی علاقه‌مند به ازدواج با یه مرد کره‌ای هستی، دیگه چه دلایلی داره؟ واسه این که خیلی احترام می‌ذارن به طرف مقابل و مثلاً خیلی جایگاه بالایی برای زن قایل هستن.

- شما این مسأله رو چه حسایی می‌گی؟ یعنی توی همین محتوای تولیدی و فیلماشون چنین چیزی رو تبلیغ می‌کنن؟ چون که خب شما که کره نرفتی که بخوای مستقیم این موضوع رو لمس کرده باشی.

آره. کره نرفتم، ولی خب دوستای کره‌ای زیاد داشتم. دوستای پسر و همین طور دختر.

- از چه طریقی باهاشون آشنا شدی؟

از طریق اینترنت و پیج‌های مشترکی که دنبال می‌کردیم. حتی دو، سه نفرشون ایران هم اومدن و از نزدیک دیدمشون. - و خب خیلی چیزا رو از طریق اونا یاد گرفتم و این احترامی که به آدم می‌ذارن رو در عمل دیدم. در صورتی که مثلاً اون زمان که کلاس کره‌ای می‌رفتم، استادم همه‌اش بهمون می‌گفت مردای کره‌ای خیلی زن‌هاشون رو می‌کوبن و مستبد هستن و محترمانه برخورد نمی‌کنن. ولی تجربه من نشون داده که برعکسه و خیلی احترام می‌ذارن و مهربون ان و توشون خیانت کم هست.

- شب‌نم به من گفتمی که خواهرت علاقه‌مند بود که به صورت حرفه‌ای وارد کارورزی همین کمپانی‌های پشتیبان بی‌تی‌اس و سایر گروه‌ها بشه. خودت چی؟ دوست داشتی وارد این حیطه بشی؟

بین اون موقع که من شروع کردم به یاد گرفتن زبان کره‌ای، حقیقتش هیچ هدفی برای زندگی نداشتم. هیچی! اصلاً نمی‌دونستم چی کار می‌خوام کنم. اولش که شروع کردم به یاد گرفتن زبان کره‌ای، ۱۹ سالم بود. بعد یه وقفه‌ای افتاد و دوباره از ۲۱ سالگی به صورت جدی ادامه دادم و هدفم این بود که برم کره. حتی پس‌انداز هم کرده بودم، ولی متأسفانه خورد به گرونی‌ها و دیگه نتونستم. البته استاد زبانم توی آموزشگاه بهم می‌گفت که تو از طریق زبان کره‌ای توی کره نمی‌تونی کار پیدا کنی و باید یه حرفه و هنر و مهارت دیگه‌ای داشته باشی که بتونی اون جا کار کنی که منم درباره رشته‌ام (طراحی فرش) بهش گفتم و ایشون هم خیلی تشویقم کرد و در نتیجه منم دوباره شروع کردم به فرش‌بافی و برای خودم این ددلاین رو گذاشته بودم که تو باید تا دو سال دیگه رفته باشی کره. ولی دیگه یه مشکلاتی پیش اومد توی زندگی‌م و نتونستم به هدفم برسم.

- کره و زندگی در کره چیزی داره که غبطه‌اش رو بخوری؟

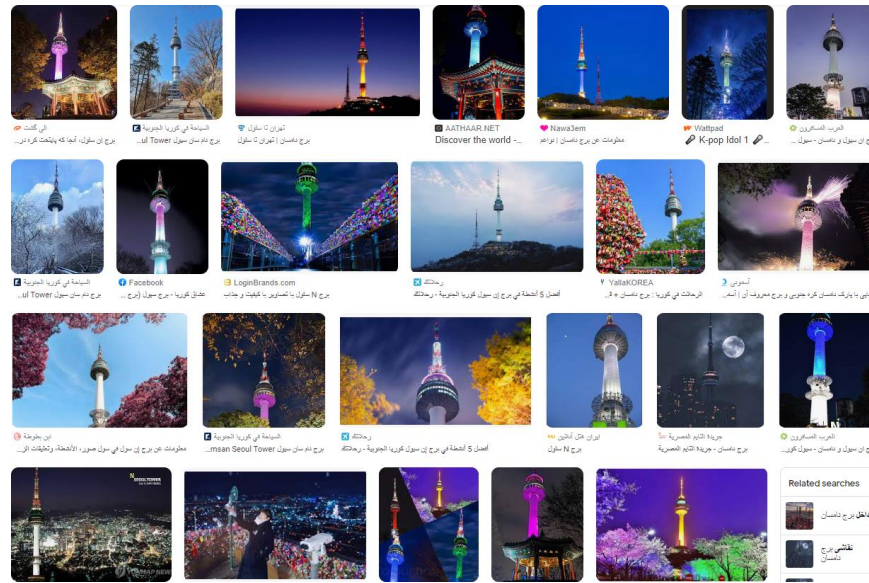
بین مثلاً طبیعتش و روستاهاش و سرسبزش رو من خیلی دوست دارم و همیشه آرزوم بوده که چنین جایی زندگی کنم.

- یعنی مثلاً با شمال خودمون چه فرقی داره؟

نمی‌دونم (می‌خندد). ولی دیدی مثلاً آدم یه جایی رو احساس می‌کنه براش آشنا هس. من همیشه بر این باورم که توی زندگی قبلیم، حتماً در کره زندگی کردم. یه جور اعتقاده دیگه. بعد علاقه‌مندم که برم اونجا و با مردمش باشم.



یکی دیگه از جاهایی که خیلی دوست دارم بینمش، برج نامسان هست که یه جای توریستی هست و زوج‌ها می‌رن و قفل‌هایی رو به نشانه عشقشون اونجا آویزون می‌کنن. حتی استادم که می‌خواست بره کره، اون موقع من سیصد هزار تومن بهش دادم که یه قفل بخره و اونجا ببندد و کلیدش رو برام بیاره. و من کلی رؤیا و عشق و علاقه به این برج دارم و دوست دارم بینمش.



یه چیز دیگه‌شون که خیلی من علاقه بهش دارم، همین احترامیه که به همدیگه می‌دارن. مثلاً توی یادگیری زبان کره‌ای به چیزی که خیلی سخت بود، همین بود که اینا برای صحبت کردن با هر فردی با توجه به سن و سال و جنسیت و جایگاه و اینا، یه سری قواعد زبانی مخصوص خودشون رو دارن و من این احترامی که بین شون هست رو خیلی دوست دارم. بعد حتی مثلاً از لحاظ عادات‌های غذایی هم اصلاً شبیه چینیا نیستن که غذاهای عجیب و غریب بخورن. من اون قدر به نحوه غذا خوردن شون هم علاقه‌مندم که ظرف غذاشون و اون چوبایی که باهاشون غذا می‌خورن رو هم تهیه کردم و حتی نحوه استفاده ازش رو برای غذا خوردن که خیلی هم سخت هست رو هم یاد گرفتم. خانواده من هم خیلی توی این مسیر ازم حمایت کردن و بهم انرژی دادن و گفتن که اهمیتی به حرف‌های بقیه نده و علاقهات رو دنبال کن.



- واکنش شما در برابر کسانی که نسبت به این علاقه شما و گروه بی‌تی‌اس زاویه داشتن و ازتون احیاناً انتقاد می‌کردن، چی بود؟  
 من خیلی با انتقاد مشکل داشتم و اصلاً نمی‌پذیرفتم، ولی بحث نمی‌کردم و می‌ریختم توی خودم و همه‌اش با خودم می‌جنگیدم و حالم بد می‌شد. مثلاً خیلیا مسخره می‌کردن زبان کره‌ای رو و من خیلی ناراحت می‌شدم، ولی استادم همه‌اش بهم دلداری می‌داد که این چیزا رو جدی نگیر. خیلیا بهم می‌گفتن بچه هستی و این چیزا بچه بازیه و اینا هم خیلی ناراحت می‌کرد. مثلاً یه بار با یه دوست صمیمیم که از لوس بودن و هم‌جنس‌گرایی بی‌تی‌اس انتقاد کرد، خیلی شدید بحثم شد و من بهش گفتم حق نداری کسی رو قضاوت کنی و دیگه بحث‌مون اون قدر بالا گرفت که به فحش کشید (می‌خندد).

یعنی دوستی شما به هم خورد؟  
نه، اصلاً. ولی خب بحث کردیم دیگه.

- دیگه چه چیزی درباره واکنش‌ها نسبت به بی‌تی‌اس شما را ناراحت می‌کنه؟  
بین خیلی طرفدارای بی‌تی‌اس زیاد هستن، ولی اکثرشون فقط به چیزای سطحی و ظاهری و تیپ و رنگ مو و این چیزاشون توجه می‌کنن. هیچ کسی به مضمون آهنگاشون و مسایلی اجتماعی‌ای که تو آهنگاشون بهش می‌پردازن، توجه نمی‌کنه و این ناراحتی می‌کنه.

- پس تو به عرقی هم بهشون داری؟

(می‌خندد) آره خب به تعصب ریزی نسبت به این که کسی بخواد منفی درباره‌شون بگه، دارم. نمی‌دونم چرا.  
همین باعث می‌شه که جایی علاقه‌ام رو نسبت به بی‌تی‌اس و کلاً کره، بروز ندم که چیز مخالفی هم نشنوم. به نظرم هم با این که توی فامیل خیلیا بهم گیر می‌دن: «که این چیه آخه و چه فایده‌ای داره و حالا که دنبال می‌کنی درآمدی هم ازش داری یا نه؟»، ولی به نظرم این سبک زندگی منه و به کسی ربطی نداره.

- این جور که من احساس می‌کنم، انگار که این علاقه برای شما به چیزی مثل به عضوی از خانواده‌ات هست؟  
(می‌خندد) حالا نه به اون شدت.

- چیزی که من احساس می‌کنم اینه که این تعصب و غیرتی که روشون داری، برای شما خیلی حس خوشایندی داره. درسته؟  
آره. خیلی.

- می‌شه درباره این احساسات بیشتر توضیح بدی؟

بین خیلی از هوادارای بی‌تی‌اس که من می‌شناسم (مثلاً دوستای خواهرم و اون‌هایی که سن و سالشون هم کم‌تره)، این جور هستن که «وای مثلاً من اصلاً دوست ندارم کسی با فلان عضو گروه رابطه داشته باشه». یعنی مثلاً انگار که دوست پسرشون باشه، روش غیرت و تعصب دارن. ولی من این جور نیستم. غیرتی که من روشون دارم، این جوریه که مثلاً ارزش‌هاشون رو دوست دارم. مثلاً همین که انقدر همراه و پایه مردم هستن و اهمیت می‌دن به مردم و این کاراشون واقعی هست و برعکس خیلی گروه‌های دیگه دنبال ظاهرسازی نیستن.

- دیگه چه چیزهایی درباره بی‌تی‌اس هست که شما بهشون علاقه‌مند هستی؟

بین مثلاً دین‌شون. اون جوریه که من فهمیدم جی‌هوپ و جین و آرام مسیحی هستن. البته صحبتی درباره‌اش نمی‌کنن به صورت علنی، ولی خب از لباسایی که می‌پوشن و دعاهایی که می‌کنن و اینا می‌شه حدس زد.

- یعنی این گرایش تأثیری روی اعتقادات دینی خود شما داشته؟  
نه. اصلاً تأثیری نداشته!

- یعنی مثلاً این مسیحی بودنشون برات جذاب نبوده؟

چرا. من مسیحیا رو کلاً دوست دارم. خودمم دین‌شون و کتاباشون رو پیگیری می‌کنم.

---

<sup>۱</sup> - مصاحبه شونده انکار کرده و واکنش دفاعی نشان می‌دهد. دلیل انکار وی احتمالاً این است که دوست ندارد وجهه خود را در برابر مصاحبه‌کننده از دست بدهد و به عنوان فردی که کورکورانه به تقلید پرداخته است، جلوه کند.



- آیا بی‌تی‌اس در این علاقه‌مندی شما مؤثر بوده؟  
نه، خودم دنبال می‌کردم مسیحیت رو. ولی خب خوشم اومد که دین اونا هم مسیحیته.
- از لحاظ اخلاقی چی؟ آیا دنبال کردن بی‌تی‌اس و فرهنگ کره‌ای تأثیری روی شما داشته؟  
آره. خیلی. مثلاً توی زمینه احساسات من قبلاً خیلی اهمیتی به احساسات عاشقانه و رومانتیک نمی‌دادم و خیلی مثلاً سخت می‌تونستم وارد یه رابطه عاطفی بشم. اما خب خیلی چیزها رو ازشون یاد گرفتم و روی احساساتم خیلی تأثیر داشت.
- یعنی چی روی احساسات شما تأثیر داشت، مثلاً چه تأثیری؟  
(می‌خندد) من آدم سنگی بودم، مثلاً توی رابطه دوست پسر دوست دختری، ولی توی فیلم‌ها یه کم نرم شدم و این چیزها و بروز احساس و اینا برام عادی‌تر شد.
- یعنی سعی کردی مدل اون‌ها رفتار کنی؟  
آره.
- مدل اون‌ها چه طوریه؟  
خب این جوریه که خیلی احساسی و لطیف هستن.
- و شما تحت تأثیر این مدل، چه جور توی روابط خودت شروع به رفتار کردن کردی؟  
قدیماً مثلاً برام حرفای عاشقانه زدن و ابراز احساسات لوس و مصنوعی بود و یا انجام نمی‌دادم و یا موقع‌هایی که سعی می‌کردم انجام بدم، برام یه حالت لوس و تمسخرآمیز داشت که حتی طرف مقابلم احساس می‌کرد، دارم مسخره‌اش می‌کنم و حس جدی بودن ازم نمی‌گرفت، حتی اگه ته دلم واقعاً احساسم جدی بود. اما خب وقتی دیدم اینا این قدر قشنگ و جدی ابراز احساسات می‌کنن، انگار روم تأثیر گذاشت و دیگه به نظرم لوس نبود.
- تأثیرات دیگه اعضای گروه این بود که من توی گذشته خیلی اعتماد به نفسم پایین بود و بیش‌تر اوقات سعی می‌کردم کارایی رو کنم که دوستانم می‌پسندن. ولی کم‌کم یاد گرفتم که خودم باشم و اعتماد به نفسم افزایش پیدا کرد.





- و به نظر شما علاقه‌مندی به کره و دنبال کردن بی‌تی‌اس و فرهنگ کره‌ای عامل این تغییر بودن؟  
آره. قطعاً. این علاقه باعث شد من به سری چیزا رو در خودم تغییر بدم و خودم باشم و به خودم اهمیت بدم و به اون چیزی که خود واقعیم هست، نزدیک‌تر بشم.

- شما کدوم یک از اعضای بی‌تی‌اس رو آیدول خودت می‌دونی؟  
من آرام و لیدرشون جین رو خیلی دوست دارم.

- می‌شه درباره‌شون بیش‌تر بگی که چرا و چه خصوصیتی دارن و چه تفاوت‌هایی با بقیه دارن که منحصر به فردشون می‌کنه؟  
آرام خیلی شوخ طبع و شیطونه، با مزه‌اس و شوخی زیاد می‌کنه. بعد چهره‌اش رو من خیلی دوست دارم. جین رو صداش رو خیلی دوست دارم، با این که چهره‌اش خیلی هم برام جذاب نیست. آرام رپ می‌خونه. اینم یک دلیلیه که دوستش دارم. بعد خیلی خودشه و واقعیه. پیامی هم که همیشه توی مصاحبه‌هاش می‌ده، اینه که نژاد و رنگ و اینا اصلاً مهم نیست. و مهم انسان بودن.

- این‌ها رو مگه همه‌شون نمی‌گن؟  
نه این رو فقط آرام می‌گه.

- اخبار مربوط بهش رو هم دنبال می‌کنی، مثلاً پیج خودش رو داری؟  
نه پیج لیدرشون رو فقط دارم و بیش‌تر توی همون اکسپلور اینستاگرام اخبارشون رو دنبال می‌کنم و این جوریه نیست که پیج هر هفتاشون رو دنبال کنم.

- چه طور؟ شما که می‌گی بیش‌تر از بقیه به آرام علاقه‌مندی. پس چه طور پیج شخصیش رو دنبال نمی‌کنی؟  
نمی‌دونم. علاقه دارم بهش، ولی اون جوریه نیست که برم پیجش رو دنبال کنم و تعصب خیلی خاصی روش داشته باشم.

- تا حالا شده که مثلاً اخبار بدی درباره‌اش منتشر بشه؟

اخبار بد درباره‌شون رو اصلاً نمی‌خونم. شایعات و اینا رو اصلاً دنبال نمی‌کنم.

- مثلاً چه شایعاتی درباره‌شون هست؟

مثلاً این که فلانی دوست دخترشه و چیزایی درباره زندگی شخصی‌شون که اصلاً برای من جذاب نیست و من بیش‌تر به حرکات مثبت‌شون و این که درباره مسایل اجتماعی چه واکنشی دارن علاقه دارم و دنبال می‌کنم.





- خوب این مشخصه که شایعه هس. چون طبق قرارداد با کمپانی نمی‌تونن اعلام کنن که دوست دختر دارن یا با کسی در رابطه هستن! همون دیگه. چون چرتِه منم دنبال نمی‌کنم. البته خب خیلیا هم که دنبال می‌کنن، به خاطر اینکه که درسته که قرارداد دارن و نباید چیزی رو علنی کنن، ولی خب بالاخره احتمالاً زیرزیرکی روابط شخصی‌ای دارن که پاپاراتزی‌ها سعی می‌کنن که برملاش کنن.
- خوب یه چیزی که هست این فانتزی‌های طرفدارا درباره آیدول شونه. همین‌هایی که توی فن‌دوم‌ها و پیج‌ها طرفداری می‌کنن. شما باهاشون آشنایی؟
- آره. دیدم. یه سری انقدر علاقه‌شون شدیده از این خیالات دارن.
- خود شما هم تاحالا چنین فانتزی‌هایی داشتی؟
- نه. درباره بی‌تی‌اس اصلاً. ولی یه بازیگر کره‌ای بود درباره اون داشتم و خیلی دوستش داشتم. اصلاً یه سریال کره‌ای بود به اسم «سامسون» که فارسی وان نشون می‌داد. سر اون بود که استارت علاقه من به کره خوردش. از اون فیلم شروع شدش.



- می‌شه لطفاً درباره علاقه و خیال‌پردازی‌هایت درباره اون بازیگر کره‌ای بیش‌تر بگی؟  
خیلی دنبالش می‌کردم توی اینستاگرام. البته خیلی دیگه توی چشم نیست و کلاً دوتا سریال بازی کرده، ولی من سر همون دوتا سریال خیلی بهش علاقه دارم.

- شروع این علاقه از چه سنی بود؟

اون موقع که این فیلم رو فارسی وان می‌داد من راهنمایی بودم و همیشه آرزو داشتم ببینم این سریال رو. ولی مامانم نمی‌ذاشت و می‌گفت برو بخواب و این به درد سن تو نمی‌خوره و این رفته بود توی مخم و علاقه‌ام رو بیش‌تر می‌کرد که این مگه چیه که مادرم نمی‌ذاره من ببینم. بعد که بزرگ‌تر شدم رفتم سریالش رو خریدم و شاید بالای صد بار باشه که من این سریال رو نگاه کردم. طوری که آبجیم کلافه می‌شد و می‌گفت تو چه طور می‌تونی هنوز این رو ببینی؟! بعد شخصیت این بازیگره توی فیلم خیلی خوب بود و این جور می‌گفتن که توی واقعیت خودش دقیقاً همین طوره. و باعث شد که من خیلی دنبالش برم.

- خیال‌پردازی‌های شما درباره‌اش چه طوری بود؟

(خجالت می‌کشد و می‌خندد) توی خیالم می‌رم دنبالش و پیداش می‌کنم. البته اینا رو که دارم به تو می‌گم، تاحالا به کسی نگفتم. این جور بود که این رو می‌دیدم، قلبم اصلاً می‌لرزید و واقعاً داشتم دیوونه می‌شدم و دلم می‌خواست برم کره و پیداش کنم. اون قدر علاقه‌ام شدید بود که فکر و ذکرم این آدم بود و حتی دلم نمی‌خواست با هیچ پسری دوست بشم و اصلاً یکی از انگیزه‌هام این بود که به خاطرش می‌خواستم برم کره و هر جور شده ببینمش و این جور بشه که صحبتی کنم و دوست بشم باهاش و یه رابطه‌ای شکل بگیره و اینا. روی همین حساب هم توی اینستا خیلیا رو دنبال می‌کردم که مثلاً به زوج ایرانی و کره‌ای بودن که مثلاً شیش ماه ایران بودن و شیش ماه کره و بچه‌های بامزه‌ای داشتن و دوست داشتم این اتفاق‌ها برای خودمم بیفته. وای مسخره‌ام نکنی (می‌خندد).



- این حس و علاقه توی چندسالگی شما بود؟

شروعش رو که گفتم ۱۴ سالگی بود، ولی تا ۱۸ سالگی که رفتم سریالش رو خریدم و بعدش هم ادامه داشت. - هیچ وقت تلاش نکردی که از یه طریقی مثل ایمیل یا شبکه‌های اجتماعی با اون آدم تماس برقرار کنی؟ نه، خیلی پیگیر این چیزا نبودم.

- به نظرت این که پیگیر نبودی از سر ترس نبود که مبادا تصویر خیالی و زیبایی که از اون توی ذهنت ساختی با بی‌توجهی و بی‌جواب موندن ایمیلت خراب بشه؟

خب... چرا<sup>۱</sup>. خب بالاخره احتمالاً کلی آدم بهش ایمیل می‌دن، اگر اصلاً ایمیلی آدم بتونه ازش پیدا کنه! بنابراین این که تلاش کنم و جوابی نگیرم به نظرم تلخ‌تره تا این که همین جوری توی خیالاتم باهاش سر کنم.

- الان که شما به اون زمان نگاه می‌کنی، از این وقت و انرژی که بابتش صرف کردی، احساس رضایت داری؟

آره. اصلاً ناراضی نیستم. اصلاً. یعنی اگه زمان دوباره برگرده، هم همین کار رو می‌کنم و نمی‌گم وقتم تلف شد، چون به نظرم علاقه‌ام واقعی بوده. اصلاً پشیمون نیستم که هفت، هشت سال از زندگی و وقتم رو صرفش کردم.

- این پیگیری چه دستاوردی برات داشته؟

خب من مطمئنم که در آینده برام موفقیت هم به همراه میاره.

- برنامه شما برای آینده چی هست؟

(مکث می‌کند) خب برنامه‌ام اینه که برم کره و توی کره به آدم موفق بشم.



- پس اون برنامه‌ای که گفتمی رو همچنان برای رفتن توی ذهنت داری؟

آره. صد در صد. اصلاً برای همین هدف با ترغیب و اصرار استاد زبانم دوباره شروع کردم به فرش بافتن. یعنی روزایی بوده که من بکوب از ساعت شیش صبح تا دوازده شب فرش بافتم به این امید که برم کره و اونجا نمایشگاه فرش داشته باشم.

- شما اقدامی هم برای رفتن توی این مدت کردی؟

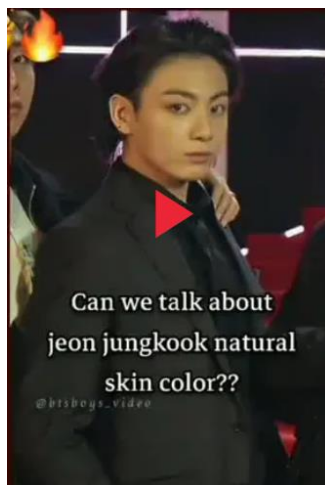
نه (با صدای غمگین). فعالیتیم این بود که قرار بود با همون استادم برم کره، ولی خب یه سری مسایلی پیش اومد که دیگه نشد و گفتنش هم درست نیست، ولی دیگه دوست نداشتم که با اون برم. و می‌خواستم که خودم مستقل باشم و تنها به هدفم برسم. بعد دیگه سعی کردم که از طریق دوستای کره‌ای که دارم، راهنمایی بگیرم و اونا می‌تونن بهم کمک کنن که برم.

ادامه مصاحبه:

- شب‌نم بعد از پیاده کردن متن مصاحبه قبلی مون و مطالعه بیش‌تر برای من چندتا سوال جدید در ارتباط با جواب‌های شما پیش اومد که با اجازه می‌خوام مطرح‌شون کنم.

<sup>۱</sup>- از لحن و آفت صدایش مشخص است که غمگین شده است.

اول این که شما درباره مبارزه بی‌تی‌اس با نژادپرستی گفتی. اما من یاد این کارشون افتادم که توی عکس‌ها و کلیپ‌ها با استفاده از وایت‌واشینگ سعی می‌کنند خودشون رو سفیدتر نشون بدهند. شما این مسأله را نمودی از نژادپرستی نمی‌دونی؟



نه، اصلاً ربطش رو متوجه نمی‌شم. این فقط یه نوع سبک آرایش براشون هست و به نظر من نیت‌شون این نیست که بخوان برتری‌ای نشون بدن که مثلاً سفیدها برترن یا نژادشون سفید خالصه. چون اگر این طوری بود و چنین عقایدی داشتن که این همه فیت (فعالیت مشترک) با خواننده‌های سیاه پوست نمی‌داشتن.

– سوال دیگه این که شما گفتی بی‌تی‌اس کمک کرده که گرایش‌های جنسیتی دیگه توی جامعه کره جا بیفته، اما خب بنا بر اطلاعاتی که من دارم خود اعضای بی‌تی‌اس حق ندارند که گرایش جنسی‌شون رو اعلام کنن.

خب بین این خودش در عمل باعث تبلیغ گرایش‌های جنسیتی دیگه می‌شه. یعنی همین که نمی‌گن که دگرجنس‌گرا هستن، یعنی این که همه گرایش‌ها رو یه جورایی تأیید می‌کنن. بعد درسته که طبق قانون شرکت حق ندارن چیزی بگن، اما خب یه سری رفتارهای ریزشون و بعد همون فانتزیا و داستانی فن‌پیج‌ها و اینا هم یه جورایی به این قضیه دامن می‌زنه و تبلیغ مثلاً هم‌جنس‌گرایی می‌شه.

– حالا نظر خود شما نسبت به هم‌جنس‌گرایی چیه؟ یادمه که گفتی قبل از آشنایی با بی‌تی‌اس اصلاً آشنایی‌ای با این موضوعات نداشتی، اما نگفتی الان چه فکری می‌کنی؟

نگفتم؟ (می‌خندد) خب من واسه خودم که اصلاً علاقه‌ای ندارم به هم‌جنس و اینا. ولی خب این جوریم که اگه دوستم مثلاً هم‌جنس‌گرا باشه، اوکیه تا جایی که به حریم من احترام بذاره. حالا اون می‌خواد با هم‌جنس خودش روابط عاشقانه داشته باشه به خودش مربوطه، ولی با من هم

می‌تونه دوست معمولی باشه. یعنی دیگه مثل قدیمم برام یه آدم و یه چیز عجیب غریب نیس. مهم اینه که آدمه دیگه حالا زندگی شخصیش دیگه به خودش ربط داره.

- آخه شما از طرفی هم گفتی به اعتقادات دینی علاقه‌مندی. ولی خب توی ادیان مختلف هم جنس‌گرایی پذیرفته نشده.

بین من مثلاً به مسیحیت علاقه‌مندم، ولی خب دلیل نمی‌شه که به هر چیزی که دو هزار سال پیش گفتن، پایبند باشم.

- پس به نظر تو اخلاق یه چیز نسبییه؟ یعنی مثلاً همینی که تو می‌گی که چیزی به عنوان قوانین اخلاقی ثابت وجود نداره و با توجه به تغییر شرایط، قواعد اخلاقی هم می‌تونن تغییر کنن.

خب توی همه شرایط نه. ولی خب یه سری چیزا این طوریه. بستگی به شرایط داره.

- مثل چی؟

مثلاً این که در گذشته هم جنس‌گرایی غیر اخلاقی بوده، ولی الان نیستن.

- ولی خب الان هم خیلیا غیر اخلاقی می‌دونن.

ولی خب اکثریت اخلاقی می‌دونن و این که دیگه توی کشورهای پیشرفته جرم نیستن و رسمی شده.

- اکثریت رو که نمی‌شه بدون آمار درباره‌اش حرف زد. ولی خب درباره کشورها درست می‌گی. یعنی مبنای قضاوت اخلاقی تو درباره هر موضوعی قوانین کشورهای دیگه هستن؟

نه خب. ولی وقتی افراد متخصص و قانون‌گذار می‌گن که بیماری و جرم نیست، پس اوکیه دیگه.

- به نظر تو قضاوت اخلاقی بر مبنای نسبت‌گرایی‌ای که درباره‌اش حرف زدیم، عادلانه‌تره؟

آره به نظرم. یعنی شرایط رو در نظر می‌گیرن و بعد تصمیم‌گیری می‌کنن.

- خوب این امکان بروز اشتباه رو بالا نمی‌بره؟ مثلاً همین که قبلاً هم جنس‌گرایی رو غلط می‌دونستن و الان نه. بالاخره کدومش درسته؟ یعنی اگر یه چیزی بده آیا نباید همیشه بد باشه؟

خب نه دیگه. الان مثلاً قتل توی میدون جنگ برای دفاع از کشور با توی خیابون و بدون دلیل یکیه؟ در هر صورت ممکنه آدم توی تصمیم‌گیری اشتباه هم بکنه، ولی خب این چیزی از مسوولیتش کم نمی‌کنه.

- شبنم یه موضوع دیگه‌ای که شما درباره‌اش حرف زدی، اینه که اعضای بی‌تی‌اس خیلی مخالفت می‌کنن با قوانین شرکت طرف قراردادشون و کارهای خودشون رو و اون چه که دل‌شون می‌خواد رو انجام می‌دن. اما من اطلاعاتی دارم که می‌گه اون قدر قراردادهای این‌ها سنگین و سخته که حتی حق ندارن رنگ موی خودشون رو انتخاب کنن و یا این که شرکت تصمیم می‌گیره براشون که کجای بدن‌شون رو باید عمل کنن و اونا حق اعتراض و امتناع ندارن. همین طور در مورد اظهار نظر آزاد و حق ازدواج هم هیچ‌گونه تصمیمی بدون اجازه شرکت نمی‌تونن بگیرن!

خب اینا که هست، البته من فکر نمی‌کنم به این شدت. چون یه موقع یه حرفایی می‌زنن که به نظر بر ضد کمپانیه. ولی خب یه جورایی انتخاب بین محبوبیت و موفقیت و پول و اینم چیزیه که بابتش می‌پردازن.

- بنابراین چه طور می‌شه شعارهای چنین افرادی که تن به این قوانین شدید می‌دن رو در زمینه این که «تو باید خودت رو دوست داشته باشی» و به قول شما «خودت باش و به قضاوت دیگران اهمیت نده» رو جدی گرفت؟

خب... نمی‌دونم. این جور که تو می‌گی شعارهاشون کشکی می‌شه (می‌خندد)، ولی حالا گیر نده دیگه. وقتی که من آهنگاشون رو گوش می‌دم دیگه به این چیزاشون فکر نمی‌کنم و بیش‌تر متن آهنگه هست که روم تأثیر می‌ذاره.



- شب‌نم شما درباره علاقه‌ات به رفتن به کره گفتی. ولی آیا به این که این تصمیم چه تبعاتی برات داره و چه هزینه‌هایی باید بابتش بدی هم فکر کردی؟ مثلاً غربت، امکان عدم مورد پذیرش قرار گرفتن به عنوان یک غریبه در فرهنگ کره و این که باید همه وابستگی‌ها و خانواده‌ات رو برای رفتن پشت سر بگذاری؟

آره، خودمم می‌دونم که خیلی سخته و به همین خاطر قبلاً بهت گفتم، باید اول مستقل باشم و وابسته به هیچ کسی برای رفتن نباشم که بتونم موفق بشم. درباره فرهنگ کره، ولی خیلی خوشبین هستم، چون آدم‌های پذیرایی هستن.

- ولی آمار مهاجرین به کره برخلاف خیلی کشورهای دیگه به نظر چندان چشمگیر نیست. این خودش شاید نشون دهنده این باشه که شرایط اونجا چندان آسان نیست، وگرنه جمعیت مهاجر بیش‌تری رو جذب خودش می‌کرد.

به نظرم شرایط هیچ‌جا برای مهاجرها ساده نیست. همه‌جا سخته.

- چه چیزی در این سختی وجود داره که با وجود این که باید بابتش هزینه‌های سنگینی از جمله دوری از دوستان و خانواده و غیره بدی، بازم دست‌ازش برنمی‌داری؟

یه عشقه دیگه. بعد الان شرایط کشور خودمون رو ببین. چه اقتصادی، چه اجتماعی، چه از هر نظری وقتی می‌بینی آینده نداری، بنابراین حاضری هر هزینه‌ای بدی که جای دیگه آینده خودت رو بسازی.



- حالا بر فرض اگر شما نتونی به این هدف برس چی؟ اگر نتونی مهاجرت کنی این همه انرژی و زمانی که صرفش کردی چی می‌شه و چه احساسی پیدا می‌کنی؟  
اصلاً دوست ندارم به این قسمتش فکر کنم.

- ولی خب این هم یه احتمال و همین طور که تا الان نشده، متأسفانه ممکنه هیچ وقت هم نشه!  
آره. ولی خب فکر کردن بهش انرژی آدم رو می‌گیره و فایده‌ای نداره.

- حداقل فایده‌اش اینه که می‌تونی انرژی رو به مسیر دیگه‌ای که واقع‌بینانه‌تر هستش و با شرایط و امکانات شما سازگارتر هست، هدایت کنی.  
خب این کار رو هم کردم تقریباً دیگه. همین که طراحی فرش رو دارم ادامه می‌دم یه چنین جنبه‌ای هم داره که اگر هم موفق به مهاجرت نشدم، همینجا ادامه‌اش بدم.

- شبیم عرقی که شما نسبت به بی‌تی‌اس داری، شبیه چیزیه که آدم‌ها نسبت به خانواده‌شون دارن؟ مثلاً این که انتقاد دیگران از کره و بی‌تی‌اس باعث می‌شه که واکنش شدید نشون بدی و یا این که از ترس شنیدن انتقاد، خودت رو مجبور می‌کنی که حرفی نزنی و علاقه‌مندی خودت رو سانسور کنی. به نظرت این باعث نمی‌شه که از آدم‌ها دور بشی و فشار روانی زیادی رو تحمل کنی؟  
آره، درست می‌گی، ولی خب دست خودم نیست. یعنی به قول تو یه عرقی دارم که روشن حساسم.  
- خوب به نظر شما این مسأله باعث نمی‌شه از روابطت با آدم‌های واقعی فاصله بگیری و این هزینه سنگینی نیستش که باز هم بابت این علاقه‌مندی داری پرداخت می‌کنی؟

خب اگر آدم‌ها به عقاید همدیگه احترام بذارن، این اتفاق نمی‌افته. مهم اینه که اونا به عقاید من احترام نمی‌ذارن.

- به غیر از کسانی که تمسخر یا توهین می‌کنن، اما دیگرانی که از شما سوال می‌پرسن که هدف‌شون و رفتارشون نامحترمانه نیست. در واقع اون‌ها هم دارن نظر خودشون رو ابراز می‌کنن که در این موضوع متفاوت از نظر شما هست.  
شاید. ولی همونا هم پشت حرف‌شون و لحن‌شون و نگاه‌شون قضاوته. یه جور نگاه از بالا به پایین و این من رو اذیت می‌کنه.  
- تو هم با بی‌توجهی یا واکنش تند نشون دادن و یا طرد کردن‌شون همین نگاه از بالا به پایین رو به اون‌ها نداری؟  
اوم... آره.

- بنابراین برمی‌گردم به سوال قبلیم، اگر موفق به مهاجرت به کره نشی چه چیزهایی رو در راه این علاقه‌مندی از دست دادی که در ازاشون چیزی به دست نیاوردی، آیا این هزینه گزافی نیست؟

می‌فهمم چی می‌گی، درباره روابط و اینا، اما خب از یه طرف همه چیز برای من مهاجرت نیست که با نشدنش دیگه همه چی برام بی‌معنی بشه. اولاً که این یه عشق و علاقه هس و به نظرم نمی‌شه همه چی رو دودوتا چهارتا کردش. دوماً این که خب من الان زبان کره‌ای رو به خوبی بلدم و می‌تونم باهاش کار تدریس و ترجمه کنم و از طرف دیگه هم همین طراحی فرش رو هم روی حساب علاقه‌ام به کره دوباره جدی شروع کردم و این هم هست. اما روابط رو درست می‌گی. این تعصبه شاید باعث شده که خیلی جاها خودم رو تنها کنم و از آدمایی که شبیه من فکر نمی‌کنن، فاصله بگیرم.

- شما در مصاحبه قبلی درباره تأثیر مثبت بی‌تی‌اس در اعتماد به نفست گفتی. می‌شه بیش‌تر توضیح بدید از این که چه چیزی‌شون باعث ایجاد این تغییر در اعتماد به نفس و افزایش پذیرش شما نسبت به خودت شده؟

خب همین نگاهی که به جهان دارن. همین که اگه چاقی، لاغری، سیاهی، سفیدی، زشتی، خوشگلی، مهم نیست و خودت باش هر چی که هستی. من قبلاً خودم رو همه‌اش کم می‌دیدم و همین باعث می‌شد که با مسخره بازی و شیطنت و شوخی و فان نشون دادن خودم، سعی کنم جبران کنم و یه جورایی احساس می‌کردم اگه این کارها رو نکنم، چیز دیگه‌ای ندارم که به بقیه ارایه بدم، می‌دونم. ولی خب الان این طور نیستم. نمی‌گم شیطنت نمی‌کنم‌ها، ولی اگر هم کاری می‌کنم، دیگه احساس مصنوعی بودن و ادا بودن و تلاش برای سرگرم کردن بقیه رو ندارم.

- علاقه به بی‌تی‌اس از لحاظ ظاهری چه تأثیری روی شما داشته؟



خب من از بچگی چاق بودم و اضافه وزن داشتم و خیلی مواقع هم بابتش خجالت کشیدم و به خصوص توی مدرسه بابتش مسخره می‌شدم و اینا. اولش هم که با فیلمای کره‌ای و تیپ و لاغری هنرمندای دختر مواجه شدم، شاید احساس خجالت می‌کردم و چندباری هم سعی کردم که با گرفتن رژیم و ورزش تغییری ایجاد کنم. اما خب ادامه نداشت و وسطش ول می‌کردم.

- این رژیم و ورزشی که می‌گی در چه حد بود، آیا سخت‌گیرانه بودند؟

نه به اون صورت. رژیم سخت نمی‌گرفتم. ورزشم در حد مبتدی بود. مهم این بود که ادامه‌دار نبودن.

ولی بعد کم‌کم وقتی با همون مفاهیمی که گفتم، آشنا شدم دیگه، این مسأله چاقیم برام خیلی اهمیتی نداشت. اولاً که توی ویدیوهای طرفدارا می‌دیدم، خیلیا که ویدیوی رقص درست می‌کردن، چه گروهی و چه تنهایی، چاق هستن و با این موضوع مشکلی ندارن. از طرف دیگه هم پیام بی‌تی‌اس توی آهنگاشون همین بود که خودت رو هر طور که هستی بپذیر.



- از لحاظ لباس پوشیدن چی؟ آیا بی‌تی‌اس و هنرمندهای کره‌ای تأثیری روی شما داشتن؟

خب من همیشه به آرایش صورت علاقه داشتم با این که مامانم گیر می‌داد که زیاد آرایش نکن. بعد که دیدم میکاپ و آرایش یه جور هنره، بیش‌تر علاقه‌مند شدم و از این مسأله خوشم اومد. وقتی هم دیدم که پسرآرایش می‌کنن، اولش خیلی عجیب بود برام! احساس می‌کردم که مرد نباید آرایش بکنه. اما خب بی‌تی‌اس حتی لباس پوشیدن رو هم جنسیتی نمی‌دونه. منم تحت تأثیر اونایه که این تعجب و گاردم کم شدش. حتی شاید قبل‌ترش خودم دنبال رنگ‌ها و طرح‌های لباس دخترونه بیش‌تر می‌رفتم. اما الان دیگه هر چیزی رو که دلم بپسندم، انتخاب می‌کنم. مثلاً نمی‌گم این پسرונה هست و اینا.

- این موضوع توی جامعه ما که هنوز مسأله جنسیت پررنگه و هنجارهای متناسب با جنسیت وجود داره، به نظر شما چه طور هست و چه نظر و احساسی درباره‌اش داری؟

خب خیلیا حتی بدون این که حرف بزبن از روی نگاه‌شون می‌شه فهمید که آدم رو قضاوت می‌کنن و خب این احساس متفاوت بودن یه جوریه و خیلی ضایع هس. آدم معذب می‌شه. ولی به نظرم همون طور که الان توی نسل جدید جا افتاده، باید کم‌کم بین همه جا بیفته.

- چرا می‌گی باید و چرا به نظرت این اتفاق اجباریه؟ چون از لحاظ دینی و فرهنگی با اعتقادات رایج در ایران تناقض داره.

خب چون اتفاقیه که توی همه دنیا داره می‌افته و به نظرم دیگه نباید چارچوب‌های کهنه و قدیمی تعیین بکنند که ما باید چه طوری رفتار کنیم و فکر کنیم.

- ولی خب انگار بی‌تی‌اس در کنار صنعت فرهنگ‌سازی غربی هم داره همین کار رو می‌کنه. یعنی قبولاندن چارچوب‌های فکری و رفتاری

مورد تأیید خودشون به تمام جهان. به نظرت این مسأله یک جور حذف فرهنگ‌های گوناگون و یک شکل کردن همه آدم‌ها نیست؟

اوم. نمی‌دونم. ولی خب بی‌تی‌اس بر عکس حکومت مثلاً توی کشور ما کسی رو مجبور نمی‌کنه که کاری رو انجام بده. به ما حق انتخاب می‌ده و من می‌تونم انتخاب کنم که این کار رو انجام بدم یا نه.



- هیچ وقت به فکر عمل زیبایی و مثلاً عمل برای کاهش وزن نیافتادی؟  
خب راستش چرا. اما هم ترس و هم بالا بودن هزینه‌شون باعث شده که این مسأله برام جدی نشه.  
- آیا آشنایی با بی‌تی‌اس هم تأثیری در این فکر کردن به جراحی و تغییر ظاهر داشته؟  
بی‌تی‌اس که نه. ولی خب دخترای کره‌ای و مدل‌ها و اینا تأثیر داشتن. چون خیلی لاغر ان. بعد لباسایی که می‌پوشن به آدمای لاغر میادش و مثلاً خواهر کوچک‌ترم هم چون خیلی لاغره و لباسای اون مدلی می‌پوشه، باعث می‌شه که من حس بدتری نسبت به هیکلم پیدا کنم، وقتی نمی‌تونم اون لباسا رو بپوشم. از اون طرفم پسرا اکثراً دخترای لاغر و عملی رو می‌پسندن. اینم به آدم برای لاغر شدن و عمل بینی و لب و این چیزا فشار میاره.

- ولی شما که گفتی الان دیگه بدن خودت رو پذیرفتی؟  
آره خب. اگر نپذیرفته بودم که عمل می‌کردم. دوستانم هستن که باباشون رو مجبور می‌کنن از جایی قرض کنه و هزینه عمل‌شون رو بده یا مثلاً دوست پسرشون هزینه عمل‌شون رو می‌دن که اون شکلی بشن که بیش‌تر مورد پسندشونه. اما واقعاً یه سری از این عمل‌ها ربطی به بی‌تی‌اس به نظرم نداره. مثلاً اینایی که پروتز لب و سینه و باسن می‌کنن، واقعاً اصلاً ربطی به آیدول‌های کره‌ای نداره. اونا اصلاً این شکلی نیستن. بیش‌تر پورن‌استارای آمریکایی این شکلی هستن!

مصاحبه بعدی:

- شبم به نظر شما به طور کلی گروه بی‌تی‌اس چه تأثیراتی بر روی طرفدارانش داره و چرا این قدر محبوبه؟  
این گروه‌ها به خاطر رقصاشون، تیپ‌هایی که می‌زنن، رنگ مو یا کیوت بودنشون، باعث می‌شه هواداراشون خیلی تحت تأثیر قرار بگیرن و خیلی رفتارای اونا رو تقلید کنن. بیش‌تر یعنی هشتاد درصد هواداران‌شون نوجوون هستنند و محبوبیت‌شون بیش‌تر به خاطر رقص و هماهنگی و چهره و به خاطر اینه که به سه زبان می‌خونن. بعد یکی از چیزایی که خیلی برای هواداران مهمه اتحاد گروهه. به هیچ وجه دوست ندارن گروه از هم بپاشه.



- به نظر شما دلیل این که نپاشیدن گروه برای طرفداراش این قدر مهمه چیه؟

خب واقعاً به حس نزدیکی شدید. به جور مثل خانواده بودن. انگار به چیزیه که این همه آدم رو در کنار هم نگه می‌داره. به علاقه مشترک. به چیزی که به ماها به عنوان طرفدارش حس تعلق می‌ده.

- این موضوع رو توی اطرافیان هم می‌بینی یا فقط دوست‌های مجازیت این جور هستن؟

دوستای هم سن و سالم نه واقعاً خیلی کم. خیلیاً مثلاً بودن که به دوره یعنی مثلاً توی همون نوجوونی پیگیر بودن ولی سن شون که زیاد شد، بی‌خیال شدن. اما چون با دوستای خواهر کوچکترم هم خیلی نزدیکم، توی اونا خیلی زیاده. اون مدتی هم که توی آموزشگاه کره‌ای درس می‌دادم، خب آشنایی دارم.

- چه ویژگی‌های مشترکی بین همه این طرفدارا می‌بینی؟

الآن بیش‌تر نوجوون‌ها چه ایرانی و چه خارجی، علاقه دارن تو سن کم وارد کمپانی بشن و بتونن برقصن یا خوب بخونن. خودم شخصاً افرادی رو دیدم که علاقه به این گروه‌ها داشتن و بیش‌تر تیپ یا رنگ مو یا رقص‌شون رو تقلید می‌کنن و زمانی که من از شاگردهام می‌پرسیدم، دلیل این علاقه‌تون به گروه اکسو، جونیور یا بی‌تی‌اس چیه، همین جواب‌ها رو می‌گرفتم. مثلاً یکی از بچه‌ها می‌گفت خیلی خاکی ان، قشنگ می‌رقصن، هماهنگ هستن و من و دوستانم پنج تایی جمع می‌شیم به جور لباس می‌خریم، به تیپ می‌زنیم و هر هفته از رقصاشون تقلید می‌کنیم و خیلیاشون می‌خواستن وارد دنیای موسیقی بشن، اما درصد کمی پیگیر بودن و خیلی سخت. یکی دونفر قبول شدن. خیلی از هوادارا هم به خاطر احساسی خوندن و صدای قشنگی و لطیفی که دارن و معنی آهنگ‌ها و موزیک ویدیوهای که تنوع زیادی توش هست، تحت تأثیر قرار می‌گیرن.

- درباره این دو نفری که قبول شدن آیا اطلاعاتی داری؟ این که چه جور اقدام کردن و الآن در چه وضعیتی هستن؟

راجع به این که از چه کمپانی‌ای اقدام کردن و چه جور قبول شدن نه. ولی اگه بخوای می‌تونم ازشون بپرسم.

- آره. ممنون میشم. درباره کمپانی‌ها چه اطلاعاتی داری که بهم بدی؟

کمپانی‌های زیادی در کره وجود داره، اما کمپانی که بی‌تی‌اس، تی‌اکس و لی هیون در آن فعالیت می‌کنند، بیگ هیت هست<sup>۱</sup>. این کمپانی از هنرمنداش خیلی حمایت می‌کنه. بسیار دقیق و منظم هستن همه‌ی آیدول‌ها رو در یک سطح قرار می‌دن و فرقی بین گروه‌ها نمی‌ذارند. به آیدول‌های معروف آزادی زیادی می‌دن. کارای مختلفی ارایه می‌دن و فقط تو یک بخش محدود نیستن مثل ورزش، زبان و... توی این کمپانی آرتیست دختر نیست و همه پسرن. همون قدر که خیلی به آیدول‌ها اهمیت می‌دن به کارآموزها اهمیت نمی‌دن. کارمند شدن خیلی راحت‌تره تا کارآموز شدن، چون با یک نوشتن ترانه و ساخت آهنگ، برد کارمندها بیش‌تره، ولی کارآموزا امکان برقراری ارتباط تا یک مدت طولانی با خانواده و دوستان‌شون رو ندارن. تو کمپانی با آیدول‌ها یک ساله یا بیش‌تر قرار داد می‌بندن و اگه قرار داد تموم بشه، مجدداً تمدید می‌کنن، اگه اون خواننده یا بازیگر شدیداً با ارزش باشه.

به کمپانی وجود داره که از همه وحشتناک‌تره برای دخترا مخصوصاً کمپانی اس‌ام که اول رفتارشون باهات عالیه و همه چی در اختیارت می‌ذارن مثل خونه، ماشین و مسافرت‌های خیلی خوب، ولی بعدش تو کاملاً در اختیار گروه اس‌ام هستی و هیچ‌گونه نباید ساز مخالف بزنی، چون تهدید می‌شی یا لغو قراردادت می‌کنن. ولی در کل رابطه‌ی اعضای کمپانی با آیدول‌ها خیلی خوبه و خیلی چیزا در اختیارشون قرار می‌دن. گروه‌هایی مثل بی‌تی‌اس یا بلک‌پینگ که خیلی زیاد جهانی شدن و درآمدهای خیلی زیاد دارن، ولی بدون اجازه‌ی کمپانی حق قرار گذاشتن با کسی رو ندارن و خیلی سخت می‌تونن به زندگی شخصی‌شون برسن، چون همیشه زیر نظر کمپانی هستن.



<sup>۱</sup>- Big Hit Music

- این کنترلی که خودت هم اذعان می‌کنی که کمپانی بر روی آیدول‌ها داره، به نظرت با اون شعاری که آیدول‌ها می‌دن که خودتون باشید و تحت تأثیر کسی قرار نگیرید و قواعد و اصول رو جدی نگیرید، تناقض نداره؟  
خب... الان که بهش از این زاویه‌ای که تو می‌گی نگاه می‌کنم به جوریه.

- چه جوریه؟

به قول تو متناقضه. این که خودت یه چیزی بگی ولی در عمل پیرو یه سری اصول سخت و شدید باشی، باهم نمی‌خونه!  
- نسبت به پیامی که سعی می‌کنند انتقال بدهند تو رو به شک نمی‌اندازه؟ یعنی این که این پیام هم احتمالاً پیامیه که از بالا در دستور کارشون قرار داره و چیز خودخواسته‌ای براشون نیست.

چرا خب تو درست می‌گی. کلاً سیستم رو به هم ریختی (می‌خندد). مثل این فیلما که آخر فیلم همه اتفاقاً رو نشون می‌ده و می‌بینی از کجا شروع شده و چه برنامه‌ای پشتش بوده. البته این جمله‌ای که الان گفتم فقط نه‌ها، کلاً در طول این مصاحبه‌ها بیش‌تر عمیق شدم روی همه چیز.

- و تو رو به چه نتیجه‌ای رسونده؟

نمی‌دونم. یه مقدار شکم برده به همه چی. به این حجم از تبلیغاتی که پشت بی‌تی‌اس وجود داره و این که این تصویری که به من ارایه دادن تا چه حد واقعیه و چه قدرش ساختگی و فتوشاپیه!

- آیا درباره عقایدی که تحت تأثیر بی‌تی‌اس پیدا کردی هم شک کردی؟

خب درباره یه سریاش آره. مثلاً این که برای من با توجه به فرهنگی که توش بزرگ شدم یه سری چیزا واقعاً به جنسیت ربط داره و حتی اگه انکارشون کنم، اما توی دلم ازشون پیروی می‌کنم. پس چه لزومی داره که شعار متضادش رو بدم!

- می‌شه بگی مثل چی؟

مثلاً همین معیارهایی که برای لباس پوشیدن ما داریم. یا مثلاً هم‌جنس‌گرایی. یا این که ما از مرد انتظار یه سری رفتارها و تیپ‌ها و غیره رو داریم که با چیزی که بی‌تی‌اس سعی می‌کنه تبلیغ کنه، متضاده.

- درباره برنامه‌ها برای آینده چی؟ تحت تأثیر چیزهایی که گفتم، تغییری توشون ایجاد نشده؟

خب هنوز زوده. اون قدر عمیق نشدم توی همه چیز، ولی خب احساس می‌کنم با آگاهی بیش‌تری به همه چیز نگاه خواهم کرد و تصمیم خواهم گرفت.

- مثلاً تصمیمیت برای مهاجرت؟

خب بین تصمیم برای مهاجرت که واقعاً فقط تحت تأثیر بی‌تی‌اس نبوده. خیلی عوامل مختلفی توش نقش دارن. مثلاً اوضاع خراب کشور خودمون از همه مهم‌تر و این که آدم نمی‌تونه آینده روشنی رو ببینه. ولی خب احساس می‌کنم الان دید واقع بینانه‌تری خواهم داشت.



## تأملی دوباره

شبنم ۲۵ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مباحثی حول محورهای کمپانی هایب (مؤسس گروه بی‌تی‌اس)، گروه پسران بی‌تی‌اس و هواداران گروه بی‌تی‌اس اشاره داشته است.

شبنم در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد کمپانی هایب، به مواردی مانند: احاطه و کنترل کامل شرکت‌ها بر ابعاد مختلف زندگی ستاره‌ها، وجود تناقض در قوانین شرکت‌ها و رفتار ستاره‌ها با محتوایی که در موسیقی خود آن را تبلیغ می‌کنند، توجیه تسلیم شدن ستاره‌ها در برابر قوانین غیرانسانی شرکت‌ها به عنوان بهایی برای موفقیت، نژادپرستی پنهان کمپانی و ایجاد احساس تعلق به یک گروه و شکل‌گیری هویت جمعی در بین طرفداران، اشاره داشته است.

شبنم ۲۵ ساله، در مصاحبه خود در توصیف فراز و فرودهای گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: آرایه موسیقی در کی‌پاپ به زبان‌های مختلف، ارتقای اعتماد به نفس فرد هواداران، اذعان برخی از هواداران به وجود تناقض در کمپانی بی‌تی‌اس و پوشاندن این تعارضات با استفاده از تبلیغات پر زرق و برق، نژادپرستی پنهان در گروه بی‌تی‌اس و تغییر سلیقه و ارزش‌های طرفداران به شکل نرم، اشاره داشته است.

شبنم در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد هواداران گروه بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: الگوبرداری از واکنش‌های عاطفی، ایجاد احساس تعلق به یک گروه و شکل‌گیری هویت جمعی در بین طرفداران، تفریح و سرگرمی مشترک بین دوستان نوجوان با محوریت طرفداری از کی‌پاپ، تغییر سلیقه و ارزش‌های طرفداران به شکل نرم، تربیت هوادارانی متعصب، تربیت هیجان‌مدار هواداران، واکنش دفاعی نسبت به انتقاد از ستاره‌ها، حل مسأله با روش هیجان‌مدار در گذر زمان در هواداران، تعطیل نسبی شناخت در تلاطم عواطف هواداران، حساسیت به قضاوت دیگران و انتقاد از بی‌تی‌اس، سانسور اولیه اطلاعات بی‌تی‌اس، کنار نهادن نقد گروه در مواجهه با عاطفه شدید به الگوها، عشق تخیلی و به طبع آن خیال‌پردازی‌های عاشقانه در ارتباط با ستاره‌ها، علاقه‌مند شدن و شیفتگی به جوانب مختلف فرهنگ کره، آشنایی و یادگیری زبان کره‌ای، افزایش میل مهاجرت به کره جنوبی، فاصله گرفتن از واقعیت با رؤیایپردازی درباره مهاجرت، تأثیر هواداری بر انتخاب شغل و حرفه، پیدا کردن دید غیرجنسیتی نسبت به لباس پوشیدن و آرایش، عادی شدن روابط هم‌جنس‌گرایانه برای هواداران در گذر هواداری از گروه بی‌تی‌اس، دید نسبی‌گرایانه اعضای بی‌تی‌اس نسبت به اخلاق و دین، پذیرش بدن خود و داشتن نگاه مثبت به تصویر بدنی خویش، تبلیغ استانداردهای زیبایی کی‌پاپ برای طرفداران و قدرت‌کی‌درامای کره، اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه شبنم ۲۵ ساله، با ارجاع محورهای اقدام‌های کمپانی و اثرات کاربری از گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران، توجه خویش را به مباحث وی در زمینه اثرگذاری گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران آن متمرکز سازیم، می‌توان بیان داشت، شبنم در مصاحبه خودش از اثرهای روانی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، اخلاقی - عقیدتی، اقتصادی - سیاسی، هنری، زیباشناختی و خانوادگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس یاد کرده است.

شبنم در توصیف «اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: ارتقای اعتماد به نفس هواداران، تربیت هیجان‌مدار هواداران، برخورد هیجان‌مدار، پذیرش تعطیل نسبی شناخت در هیجان‌آفرینی‌های گروه بی‌تی‌اس، واکنش دفاعی نسبت به انتقاد از ستاره‌ها، حل مسأله با روش هیجان‌مدار در گذر زمان در هواداران، تعطیل نسبی شناخت در تلاطم عواطف هواداران، توجیه تسلیم شدن ستاره‌ها در برابر محدودیت‌های شدید آنان، حساسیت به قضاوت دیگران و انتقاد از بی‌تی‌اس، سانسور اولیه اطلاعات بی‌تی‌اس، کنار نهادن نقد گروه در مواجهه با عاطفه شدید به الگوها، عشق تخیلی و به طبع آن خیال‌پردازی‌های عاشقانه در ارتباط با ستاره‌ها، عشق تخیلی (غیرتورزی بر ستاره‌ها)، پذیرش بدن خود و داشتن نگاه مثبت به تصویر بدنی خود، برخورد صفر و صد در علقه به گروه و فاصله گرفتن از واقعیت با رؤیایپردازی درباره مهاجرت، یاد کرده است.

شبنم در توصیف «اثرهای اجتماعی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: الگوبرداری‌های ظاهری، الگوبرداری رفتاری، الگوبرداری ارزشی، اثرگذاری در روابط اجتماعی فرد (حساسیت به قضاوت و انتقاد دیگران از بی‌تی‌اس)، ایجاد احساس تعلق به یک گروه و شکل‌گیری هویت جمعی در بین طرفداران، تربیت هوادارانی متعصب و افزایش میل مهاجرت به کره جنوبی، یاد کرده است.

مصاحبه شونده در توصیف «اثرهای فرهنگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: بسترسازی کی‌دراما برای کی‌پاپ، علاقه‌مند شدن و شیفتگی به جوانب مختلف فرهنگ کره، تفریح و سرگرمی مشترک بین دوستان نوجوان با محوریت طرفداری از کی‌پاپ، آشنایی و یادگیری زبان کره‌ای، سخن گفته است.

شب‌نم در توصیف «اثرهای اخلاقی - عقیدتی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: دیدن نسی‌گرایانه اعضای بی‌تی‌اس به اخلاق و دین، پیدا کردن دید غیرجنسیتی نسبت به لباس پوشیدن و آرایش و عادی شدن روابط هم‌جنس‌گرایانه برای هواداران در گذر هواداری از گروه بی‌تی‌اس، یاد کرده است.

مصاحبه شونده در توصیف «اثرهای اقتصادی - سیاسی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: تأثیر هواداری بر انتخاب شغل و حرفه، سخن گفته است.

مصاحبه شونده در توصیف «اثرهای زیباشناختی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: تبلیغ استانداردهای زیبایی کی‌پاپ برای طرفداران، سخن گفته است.

از بیانات اخیر شبنم ۲۵ ساله، در جمع‌بندی کلی کتاب، در موارد مورد اشاره، بهره جسته خواهد شد.

## مصاحبه با شیدا، ۲۰ ساله

کلی مرد سن بالا به عنوان مشتری اونجا بودن و اون راهنما یا رئیس شون بهشون گفته که می‌رید از این مردها پذیرایی می‌کنید و هر چیزی ازتون خواستن نه نمیارید. بعد می‌گفت، من فقط گریه می‌کردم و اون رئیسه هم می‌گفت، اگه بخوای قبول نکنی، قراردادت رو لغو می‌کنیم.

تذکر پژوهشگر:

در پاسخ‌های مصاحبه‌شونده دو جهت‌گیری روشن بود. یکی آن که مصاحبه‌شونده سعی بر آن داشت که خود را مبرا از نکات منفی طرفداری از بی‌تی‌اس نشان دهد و با تصویر ایده‌آل او از یک مدرس موسیقی و سطح اجتماعی‌ای که خود را متعلق به آن می‌داند جور درآید. از طرف دیگر تلاش پنهانی برای مبرا کردن بی‌تی‌اس از انتقادات در او دیده می‌شد.

– شیدا شما از کی با بی‌تی‌اس آشنا شدی؟

از کلاس سوم ابتدایی. اون موقع بی‌تی‌اس نبود، فکر کنم. من اول با گروه اکسو آشنا شدم. یه گروهی ان مثل بی‌تی‌اس که قبل از همه این گروه‌ها بود و اون موقع از همه‌شون معروف‌تر بود. دوازده‌تا پسر بودن و خیلی داشتن پیشرفت می‌کردن، ولی کم‌کم هی اعضااش جدا شدن ازش و تعدادشون کم شد. ولی الانم هستن در حد چهار پنج نفر. بعدش بی‌تی‌اس اومد جای اینا رو گرفت. یعنی در رقابت باهم بودن تا این که دیگه بی‌تی‌اس جلو زد ازشون. منم دیگه رفتم سمت بی‌تی‌اس.



– چرا شما همچنان طرفدار اکسو نمودی، چون که می‌گی هنوز هم هستن؟

دیگه ترند نبودن. خیلیاشونم جدا شدن. دیگه به قدرت قبل کار نمی‌کردن. اکثراً همه دیگه از بی‌تی‌اس حرف می‌زدن. توجه‌ها رفته بود سمت بی‌تی‌اس.

– از چه طریقی دنبال شون می‌کردی؟

توی اینستاگرام. اون موقع من خیلی رقص کار می‌کردم و کلاس رقص هیپ‌هاپ می‌رفتم. بعد توی اینستاگرام رقصاشون رو دیدم.

– خودت اون موقع اینستا داشتی؟

نه توی اینستا یکی از دوستانم دیدم. بعد ما سه‌تا دوست بودیم. دیگه رقصاشون رو دیدیم و شروع کردیم با همدیگه تمرین کردن. همون موقع هم فهمیدیم که کمپانی شون (کمپانی اس‌ام) کارآموز استخدام می‌کنه و می‌تونن ویدیوی رقصت رو یا هر هنری که بلدی و یا زبون کره‌ای اگه بلدی، بفرستی و اونا می‌بینن و اگه خوش شون بیاد هزینه همه‌چی رو می‌دن و انتخابت می‌کنن و می‌برندن کره زیر نظر خودشون. دیگه ما هم شروع کردیم رقصاشون رو یاد گرفتن و تمرین کردن. حتی ویدیوش رو هم ساختیم، ولی دیگه براشون نفرستادم.

– چرا؟

دیگه دم آخری پشیمون شدم.

- چه چیز گروه بی‌تی‌اس شما رو جذب می‌کرد؟

این که احساس می‌کردم به استعداد خودشون متکی هستن و با وجود این که خیلیا جدی‌شون نمی‌گرفتن و مسخره‌شون می‌کردن، ولی کم‌کم پیشرفت کردن و به جاهای خوب رسیدن. دلیل دیگه‌اش هم این که من خودم عاشق موسیقی و رقص بودم، ولی خب می‌دیدم که توی ایران این کارها برای یه دختر ممنوعه یا کلاً اصلاً امکان پیشرفتی وجود نداره، ولی اونجا فضا بازه و می‌تونن از این فعالیتها داشته باشن و پیشرفت کنن، برام جذاب بود. بعد به این فکر می‌کردم که خودمم می‌تونم برم اونجا مثل اونا پیشرفت کنم. بعد اولین موزیک ویدیویی که از بی‌تی‌اس دیدم خیلی جذبه کرد. اسمش «آتش» بود. بعد یه فضای ترسناکی داشت، اولش که آدم رو می‌ترسوند. خیلی دیوونه‌طور بود، رقصاشون عجیب بود. موزیک ویدیوشون این جور بود که اولش یه مردی میاد جلوی یکی از پسرهای گروه. بعد مرده آتیش می‌گیره! آهنگی هم اول موزیک ویدیو پخش نمی‌شه. کاملاً ساکته بعد یهو می‌ره یه جای دارکی که یه مرد خیلی مو بلند هستش که دی‌جیه. بعد با حرکت اون که انگار داره آهنگ رو تنظیم می‌کنه، موسیقی شروع می‌شه. اولین بار که اینو دیدم ترسیده بودم، چون خیلی بچه بودم. ولی بعدش خیلی دوستش داشتم.



- یعنی از همون نه سالگی تو به مهاجرت فکر می‌کردی؟

آره. از همون موقع به این فکر می‌کردم که برم. حتی زودتر از کلاس اول (می‌خندد). ولی از نه سالگی که با اینا آشنا شدم، مسأله دیگه برام خیلی جدی‌تر شد. بعد یه چیز دیگه که خیلی برام جالب بود، تیپ و استایل‌شون بود. مثلاً همین که پسرا موهاشون رو رنگ می‌کردن یا مثلاً می‌تونستن آرایش کنن یا لاک بززن یا لباسای رنگی و دخترونه می‌تونستن بپوشن. این خیلی جذبه کرد.

- چرا جذبت کرد؟

چون که فرق داشت با اون چیزی که ما یاد گرفته بودیم که مثلاً این چیزها فقط برای دختراس. برام جذاب بود. تازگی داشت. البته الان دیگه خیلی زیاد شده. اولش که توی خود کره، بعدش الان توی ایرانم مثلاً پسرا تیپای متفاوت می‌ززن، لاک می‌ززن، برق لب می‌ززن و به نظرم این کی‌پاها بودن که این کار رو کردن.





- چرا این به نظرت اتفاق خوبی بود؟

چون قبل از این جریان‌ها کسی حق انتخاب نداشت. مثلاً پسری که دوست داشت رقص رو نمی‌تونست یا جرأت نمی‌کرد بره سمتش. ولی الان دیگه اون طوری نیست. آدم حق انتخاب دارن و این حق انتخاب رو نه بر اساس جنسیت‌شون که به خاطر علاقه‌هاشون دارن و دیگه کسی از بابتش خجالت نمی‌کشه. از بابت چیزی که دوست داره و اون کسی که هستش خجالت نمی‌کشه. اینش برام قشنگه. مثلاً بی‌تی‌اس این کار رو توی کره کرد یا لیدی گاگا مثلاً پرچم ال‌جی‌بی‌تی‌ها رو بالا برد و ازشون حمایت کرد. البته خانواده‌ها نسبت به این موضوعات حساس‌ان. مثلاً هنرجوهای من دارم که نه سالشه یا دوازده سالشه و عاشق بی‌تی‌اس هستن، ولی خانواده‌هاشون ناراحت‌ان و می‌گن این تپیش و اداهش داره مثل اونا می‌شه و خوش‌شون نمیداد.

- نظرت درباره این خانواده‌ها و این عقیده‌شون چیه؟

به نظرم این خانواده‌ها می‌خوان سبک زندگی مورد پسند خودشون رو به بچه‌هاشون تحمیل کنن. در صورتی که این غلطه و آدم حق انتخاب دارن و شاید الان جلوی بچه‌شون رو بگیرن، ولی اون بالاخره یه جایی از زیر بار این قضیه بیرون می‌زنه. یه جایی که دیگه زورشون برسه و این وسط فقط بین خانواده و اون بچه فاصله می‌افته.

- به نظر شما چیزی که بی‌تی‌اس تبلیغش رو می‌کنه، یعنی این هنجارشکنی و تسلیم قید و بندها نشدن با قراردادهای سفت و سخت خودشون با کمپانی تناقض نداره؟ یعنی انگار یه شعاری رو برای مخاطب می‌دن، ولی خودشون در عمل جور دیگه‌ای رفتار می‌کنن؟  
خب اینا اوایل که شروع کردن کاملاً زیر کنترل کمپانی بودن و برای پیشرفت‌شون مجبور بودن شروط کمپانی رو بپذیرن و همه چیز رو مو به مو رعایت کنن. اما احساس می‌کنم به مرور که معروف شدن و جهانی شدن، چون دیگه این کمپانی بود که به اینا محتاج بود، آزادتر شدن و این جوریه که توی کنسرتاشون همه‌اش حرفای جوونا رو می‌زنن و یه جورى شدن نماینده جوونا.

- به نظرت این خودش بخشی از سناریوی کمپانی نیست؟

نه. من این طور فکر نمی‌کنم.

- آخه مگه هنوز با کمپانی قرارداد ندارن و به شروط این قرارداد پایبند نیستن؟

چرا. ولی یه جورایی توی جنگ ان با هم.

- یعنی این جنگ به نظرت واقعیه؟

آره. به نظرم چون اعضای گروه دیگه جهانی شدن و جاپاشون سفت شده و اولین گروه آسیایی هستش که مجوز تولید موزیک توی آمریکا رو داره و این که کمپانی بابت درآمد زیادی که ازشون داره بهشون وابسته هستش دیگه نمی‌تونه به همه چی مجبورشون کنه.

- بنابراین یعنی تو اعتقاد داری که بی‌تی‌اس کلاً از دستورات عمل‌هایی که کمپانی براشون مشخص کرده بیرون زده؟

نمی‌شه این جورى هم گفت. شایدم واقعاً این سرپیچی از دستورات کمپانی یه جور سیاست‌شون باشه که بین گروه و کمپانی هماهنگ شده باشه.

- خوب این دقیقاً همون چیزیه که من می‌گم. این برای من تناقض‌آمیزه که اینا شعار هنجارشکنانه می‌دن و طرفدارهاشون رو فارغ از باید و نبایدهای جامعه ترغیب به پیروی از اون چیزی که دل‌شون می‌خواد می‌کنن، ولی در عین حال خودشون پایبند به هنجارهایی هستن که کمپانی براشون تعیین کرده. این طور نیست؟

نه خب توی کره این دیگه عادی شده، یعنی دیگه هنجارشکنی نیستش که مثلاً موهاشون رو رنگ کنن یا تیپ‌های خاص بزنن و از مردم عادی گرفته تا هنرمندا و هنرپیشه‌ها، الان خیلیا این شکلی هستن.



- درباره مخاطب ایرانی چی که این چیزها هنوز براش هنجارشکنیه؟

بین اون که نمیاد بگه که حتماً بیاید این شکلی که من هستم باشید. می‌گه که اون جوری که دوست دارید باشید.

- ولی خب خودشون با وجود این قوانین کمپانی به نظر می‌رسه که اون جوری که دوست دارن نمی‌تونن باشن؟

(سکوت می‌کند) ... بین خب بی‌تی‌اس همیشه دوست داشتن که جهانی بشن، ولی خب این حرفایی که می‌زدن برای مخاطب خودشون یعنی کره‌ای‌ها بود و هیچ وقت فکر نمی‌کردن، مثلاً این قدر معروف بشن که ما بیایم درباره‌شون مصاحبه کنیم. حتی آر.ام توی یکی از مصاحبه‌هاش گفت که هیچ وقت فکر نمی‌کرده این همه طرفدار توی ایران داشته باشه! بعد من خودم مدرس موسیقی و رقص هستم. من این رو خودم توی هنرجوامم می‌بینم. مثلاً از بین دوستان تا هنرجویی که من دارم ۱۹۰ تا شون عاشق بی‌تی‌اس ان و می‌گن ما فقط بی‌تی‌اس رو دوست داریم و سبک لباس پوشیدن و تیپ زدن و همه‌چی شون هم اون شکلیه.



---

<sup>۱</sup>- احساس می‌کنم ناراحت شده است. خودش را جمع کرده و حالتی تدافعی گرفته، از تماس چشمی پرهیز می‌کند و ساکت است. برای تلطیف فضا اشاره می‌کنم که من فقط نقدهایی که نسبت به بی‌تی‌اس مطرح شده را بیان می‌کنم و نظر شخصی خودم نیست. در نتیجه مصاحبه شونده احساس راحتی بیش‌تری می‌کند و به روند مصاحبه بازمی‌گردد.

یک دلیل دیگه هم که به نظرم بی‌تی‌اس توی ایران و به خصوص توی دخترای ایرانی طرفدار داشته، اینه که ما چارچوب‌هامون و باید و نبایدهامون خیلی زیاده. مثلاً همه‌اش از این چیزا داریم که پسر نباید این کار رو کنه، دختر نباید اون کار رو کنه، نباید خوانندگی کنه، نمی‌تونه مجوز بگیره و غیره. من چون خودم توی کار موسیقی هستم و با خانواده‌ها در ارتباطم، به خصوص در زمینه موسیقی زیاد این چیزا رو می‌بینم. بعد توی این اوضاع وقتی می‌بینی یه گروهی اون‌ور آب برخلاف همه این چارچوبا حرکت می‌کنه و انگار حرف دل تو از دهن اونا در میاد، بیش‌تر به سمتش کشیده می‌شی.

یک کار دیگه که بی‌تی‌اس کرده و می‌کنه اینه که این پیام رو به طرفداراش می‌ده که اون کاری که دلت می‌خواد یا الان توی فکرته یا به قول خودمون توی جوّش هستی رو انجام بده، بدون این که فکر کنی عاقبتش چی می‌شه و بدون این که بترسی که چه کسی در برابرت می‌ایسته و می‌خواد جلوت رو بگیره. یه جورایی می‌گه برو توی دل ماجرا. مثلاً درباره کسایی که تصمیم گرفتن عمل تغییر جنسیت انجام بدم من خیلی بدم میاد که یه سریا می‌گن بیایم باهاشون حرف بزیم یا مثلاً بفرستیم‌شون پیش مشاور که شاید نظرشون عوض بشه. به نظرم نباید کسی جلوشون رو بگیره.

- به نظرت این طور تصمیم‌گیری‌ها تاوان سنگینی نداره؟ مثلاً توی همین قضیه تغییر جنسیت من مستندی رو می‌دیدم که بسیاری از کسانی که تغییر جنسیت داده بودن، بعدش دچار پشیمانی و افسردگی شده بودن و به خاطر برگشت ناپذیر بودن تصمیمی که گرفته بودند، خیلیاشون دست به خودکشی هم زده بودن!

این مستندی که می‌گی رو ایران ساخته بودن؟

- نه. درباره ترانجسیتی‌های ایران بود، ولی یه مستند حکومتی نبود. اتفاقاً توی بی‌بی‌سی هم پخش شده بود.

خب این اطلاعاتی که می‌گی توش بود کاملاً اشتباهه. من دوتا از دوستانم و دوتا از هنرجوهایم هستن که دارن این پروسه تغییر جنسیت رو طی می‌کنن و خیلی هم از تصمیم خودشون راضی ان.

- درسته خب قطعاً یک درصدی ممکنه راضی باشن، ولی نکته‌ای که هست اینه که یه سری از افراد ممکنه بگن برای گرفتن چنین تصمیم‌های مهمی در زندگی نمی‌شه طبق پیشنهاد بی‌تی‌اس دلی و احساسی عمل کرد.

آره خب. از یه لحاظ درست هم می‌گن. مثلاً یکی از دوستای من که از سوم ابتدایی می‌شناسمش از همون موقع حتی قبل از این که این مسایل مطرح باشه اصلاً تیپ و سیس و اداهش پسرانه بود. بعد خانواده‌اش هم خیلی تلاش کردن که بیرنش پیش مشاور و این چیزا که از سرش بیفته ولی فایده‌ای نداشت. بعد جدیداً که دیدمش کلاً پسر شده بود. یعنی نمی‌تونستی که تشخیص بدی که این از لحاظ جنسیتی هنوز دختره، چون عمل نکرده بود هنوز. یعنی می‌خوام بگم تصمیمی که اون گرفته بود یه چیز لحظه‌ای و احساسی نبود و احتمالاً به همین خاطر ازش راضی بود.

- شما توی فن‌پیچ‌ها و فن‌دوم‌های بی‌تی‌اس هم بودی؟

نه به اون صورت. توی یه سری گروه‌های تلگرامی طرفدارا بودم. مثلاً یادمه داستان‌هایی که درباره بی‌تی‌اس می‌نوشتن طرفدارا رو می‌خوندم و برام جذاب بودش. بعد خودم نقدشون می‌کردم که مثلاً کجاش ایراد داره.

- می‌شه بیش‌تر توضیح بدی؟

این جور بودش که مثلاً یه داستانی می‌نوشتن و شخصیت اول داستان رو به اسم یکی از اعضای بی‌تی‌اس می‌داشتن. بعد من مثلاً می‌خوندمش و اون جاهای داستان رو که دوست نداشتم، توی ذهن خودم تغییر می‌دادم و یه جور دیگه پیش می‌بردمش.



- خودت چه طور، آیا از این فانتزی‌ها و داستان‌ها درباره اعضای بی‌تی‌اس و خودت را داشتی؟ نه اصلاً.
- ستاره خاصی چی، کسی بوده که خیلی طرفدارش باشی؟
- آره، زمان اکسو طرفدار لوهان بودم. اصلاً دوست داشتم شوهر آینده‌ام اون باشه (با خجالت می‌خندد).



- اما درباره بی‌تی‌اس این‌طوری نبودم. بیشتر چون سبک موسیقی‌شون رو دوست داشتم و خودمم موسیقی کار می‌کنم همیشه دلم می‌خواست که مثلاً باهاشون اجرای مشترک داشته باشم یا ملاقات‌شون کنم.
- علت علاقه‌مندی شما به لوهان چی بود؟
- یکی این که سه‌تا زبان بلد بود و به سه زبان می‌خوند. یه علت مهم دیگه‌اش برام این بود که آدم مستقلی بود و از گروه جدا شد و با وجود این باز هم موفق شد. بعد استایل و تیپش رو هم دوست داشتم.
- نسبت بهش وابستگی هم داشتی؟ این که مثلاً زمان زیادی رو براش صرف کنی و یا از لحاظ عاطفی بهش وابسته باشی؟
- نه. فقط اینستاگرامش رو چک می‌کردم و مثلاً استوری‌اش رو می‌دیدم و ذوق می‌کردم.
- واکنشت در برابر شایعات یا اخبار بدی که در خصوصش بیرون می‌اومد، چی بود؟

خب اون موقع‌ها خیلی بهم برمی‌خورد و در برابرش دفاع می‌کردم و مثلاً اگر کسی این شایعات رو می‌گفت بهش می‌گفتم این جور نیست و تو اشتباه می‌کنی. ولی بعدها می‌بینی این کم‌تر و کم‌تر شد و بیش‌تر همین موسیقی برام مهم‌تر شد.

- خواهرت به من گفته بود که شما درباره این که چه طور می‌شه برای انتخاب شدن توسط این کمپانی‌ها اقدام کرد اطلاعاتی داری. ممکنه درباره روند انتخاب کارآموزها توضیح بدی.

دو مدله. تا زیر هجده سالگی مثلاً می‌تونن از طریق سایت خود کمپانی ام-اس اقدام کنن. ویدیوهای رقصت و استایل و هنری که بلدی، مخصوصاً خوانندگی رو بفرستی و اگه مورد قبول قرار گرفتی، اونا همه کاراش رو می‌کنن و هزینه همه چیز هم با خودشونه. ولی برای بالای هجده سال یه دانشگاه هست توی تهران به اسم دانشکده سئول که از طرف خود دولت کره هست. یعنی دانشگاه دولتی شون هست. می‌شه رفت اونجا. ولی باید یا زبان کره‌ای بلد باشی یا موسیقی بلد باشی یا رقص. اولش یه تست ورودی ازت می‌گیرن. بعدش اگه قبول بشی این جوریه که من شنیدم، هیچ هزینه‌ای ازت نمی‌گیرن، ولی فقط کتاباشون به دلار. بعد که می‌ری اونجا، اول بهت زبان کره‌ای یاد می‌دن، چون که کورس‌های دانشگاه به زبان کره‌ای هستن. بعد از دو سال آموزش ازت امتحان می‌گیرن و بعد معرفیت می‌کنن به کمپانی‌های کره‌ای. حالا فیلم می‌گیرن ازت و گزارش تحصیلت و اینا رو می‌فرستن که کمپانی‌ها اگر پسندیدن، انتخابت کنن و سرمایه‌گذاری روت کنن. تازه کمپانی‌هایی که خیلی معروف نیستن. کمپانی‌های متوسط. بعد اگه قبول شدی کارای مهاجرتت به کره رو انجام می‌دن و دیگه کامل زیر نظر کمپانی خواهی بود. مثلاً این جوریه که اصلاً گوشی نخواهی داشت. تایم بیداری، غذا خوردن، حموم رفتن و همه چیزت رو کمپانی مشخص می‌کنه. شوخی نداره دیگه. باید پسر نباید داشته باشی، با کسی نباید قرار بذاری و دوست بشی و حرف بزنی و از جزییات زندگیت بگی. حتی با خانواده‌ها هم فقط با هماهنگی کمپانی می‌تونن تماس بگیرن و هر روز هم نمی‌تونن. به نظرم بی‌تی‌اس هم چون توی یه چنین شرایط سختی بودن، الان دارن تلاش می‌کنن که با این بندها و قوانین سفت و سخت مخالفت کنن.



- اما به نظر شما همین که هنوز با کمپانی‌ها قرارداد دارن، به معنی این نیستن که عملاً دارن این قوانین رو تأیید می‌کنن؟ به نظر من توی جنگ هستن با کمپانی. می‌دونن مثل این کسایی هستن که از بیرون وارد یه حکومت می‌شن و بعد سعی می‌کنن اون حکومت رو تغییر بدن.

- یعنی به نظر شما اعضای بی‌تی‌اس اون قدر قدرت و نفوذ و آزادی عمل دارن که با حکومت کره و مناسبات دولتی دربیفتن. حالا در اون سطح شاید نه. بیش‌تر منظورم این بود که این درگیری رو با کمپانی دارن.

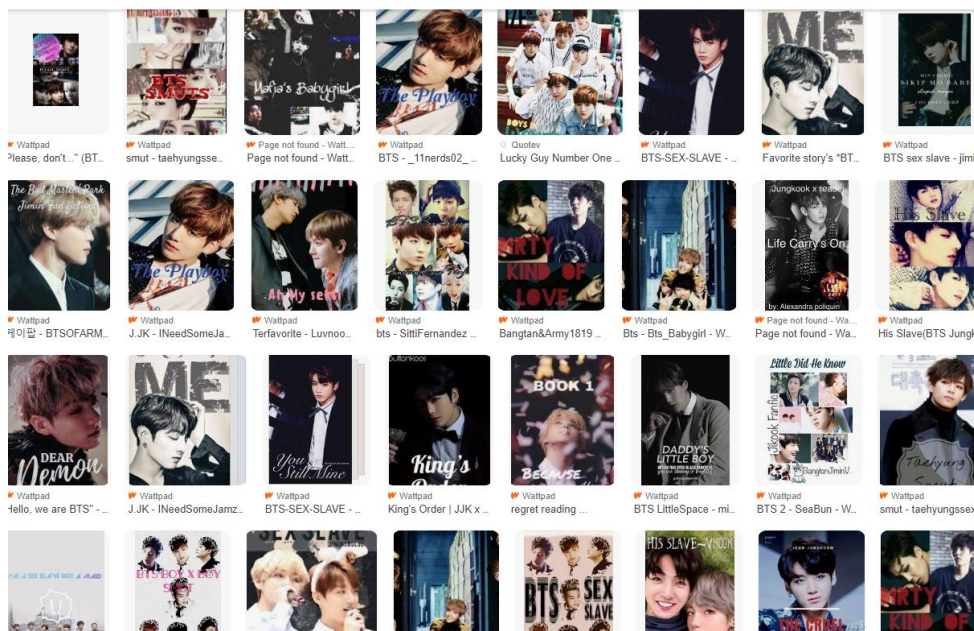
- پس به نظر شما سناریویی وجود نداره و این درگیری‌اشون واقعیه؟

آره به نظرم.



- بین دوستان و آشناها و هنرآموزهای شما کسی هست که طبق همین روشی که توضیح دادی، رفته باشه؟  
نه من کسی رو نمی‌شناسم که اقدام کرده باشه و رفته باشه. اما خب خیلیا رو میشناسم که علاقه دارن که برن. ولی در حد همین دوست داشته.  
- انگار این طور به نظر می‌رسه که خیلیا قصد و علاقه و جوش رو دارن، ولی به مرحله عمل نمی‌رسه. درسته؟  
به نظرم یک دلیلش اینه که با خانواده‌هاشون به مشکل می‌خورن و خانواده نمی‌ذاره یا کلاً خوششون نمیاد از این موضوع یا نمی‌تونن به چنین ریسکی بکنن که بچه‌هاشون رو توی اون سن کم بفرستن به جای غریب که این قوانین سفت و سخت رو هم داره و اطلاعات زیادی هم درباره‌اش نیست. خیلیا هم که اقدام می‌کنن، می‌گن خیلی سخت می‌گیرن و به این راحتی کسی قبول نمی‌شه که بخواد بره.  
یکی از دوستای دوستم، به دختری بود که از طریق کمپانی اس‌ام رفتن. از این عشق‌های اکسو و بی‌تی‌اس هم بودش و استایل و ایناش هم قشنگ می‌خورد بهشون، لاغر بودش و کلاسه‌ای رقص می‌رفت و رقصیدنش هم خیلی خوب بود. بالاخره هم با این که خانواده‌اش مخالف بودن و مذهبی بودن، ولی در نهایت راضی شدن و این رفت. با این که رشته‌اش پزشکی بود و بهترین دانشگاه تهران قبول شده بود. گذاشت کنار و رفت.

بعد تحت نظر کمپانی اس‌ام رفت کره و خیلی هم اونجا بهش سخت گذشت. این جوریه بود که اصلاً به مدت نمی‌تونست با خانواده‌اش در ارتباط باشه. تعریف می‌کرد اولش که وارد کره شده، همه چیز در اختیارش گذاشته بودن و انواع کلاس‌های زبان و موسیقی و رقص و آواز توی کمپانی اس‌ام. این جوریه بوده که سه زبان بهشون درس می‌دادن. اصلاً در طول هفته وقت خالی نداشتن و فقط یک روز در هفته یا ماهی به بار اون گروه هنرآموزا رو مسافرت می‌بردن و خوش‌گذرونی و اینا هم توی اون زمان بوده. اما می‌گفت، بعد از چند وقت بردن‌شون کلاب. به کلاب‌های خاصی بود که می‌گفت کلی مرد سن بالا بودن به عنوان مشتری و اون راهنما یا رئیس‌شون بهشون گفته که می‌رید از این مردها پذیرایی می‌کنید و هر چیزی ازتون خواستن، نه نمیارید. بعد می‌گفت، من دستم به هیچ جا بند نبود و فقط گریه می‌کردم و اون رئیس‌هم می‌گفت، اگه بخوای قبول نکنی، قراردادت رو لغو می‌کنیم و تهدید می‌کرد که هر کاری ما می‌خوایم رو باید انجام بدید. بعد این جوریه هم نبوده که فقط بری براشون برقصی و آهنگ اجرا کنی. می‌گفت قشنگ اتاق اتاق بود و اون مردها چندتا چندتا دخترا رو می‌بردن توی اتاقای خصوصی! البته این چیزی نبود که فقط دوست من بگه. گویا خیلیا جرأت به خرج داده بودن و این مسایل رو لو داده بودن و همین باعث شد که اس‌ام بدنام بشه و بیاد پایین بین این کمپانی‌ها.



- در نهایت چه اتفاقی برای اون دوست دوست افتاد؟

می‌گفت یه تایمی خیلی افسرده شده بودم و در نهایت هم قراردادش رو به هم زده بود و اوامده بود ایران. البته می‌گفت بابت لغو قراردادم یه هزینه‌ای باید پرداخت می‌کرده که خانواده‌اش چون وضع‌شون خوب بود، داده بودن. ولی خیلیا هم هستن که نمی‌تونن و همین جوری ادامه می‌دن، ولی به جایی هم نمی‌رسن. مثلاً توی سایت‌ها رو اگه چک کنی می‌بینی هیچ کدوم از ایرانی‌هایی که رفتن، به موفقیت و محبوبیت نرسیدن. حداقل از طریق اس‌ام من که ندیدم. ولی کلاً برای ایرنیا هم کار سخت‌تره، چون یه جور نژادپرستی‌ای دارن و بعضی از نژادها و ملیت‌ها رو بیش‌تر ترجیح می‌دن. منم وقتی اینا رو شنیدم و خودمم تحقیق کردم و به خصوص از این دوستم شنیدم، خیلی نظرم عوض شد.

- با وجود این بینشی که پیدا کردی، اما هنوزم دوست داری به کره مهاجرت کنی؟

دیگه از اون مدل مهاجرت پشیمون شدم. ولی این که خودم به عنوان یه آدم مستقل بخوام برم، به نظرم از این مشکلات برای آدم پیش نیامد.

- مسأله نژادپرستی و سخت‌تر بودن مسأله برای ایرانی‌ها چی؟

خب بین اون که همه جا هست. هر جا به مهاجرا یه نگاه از بالا به پایین دارن. ولی تو اگه توی حرفه خودت حرفه‌ای باشی خودت رو می‌تونی بهشون تحمیل کنی.

- به نظر شما طرفداری از بی‌تی‌اس روی آدم‌ها تأثیر می‌گذاره؟ مثلاً روی عقایدشون یا سبک زندگی‌شون و لباس پوشیدن و این‌ها؟

روی من تأثیر نداشته. ولی روی دوستانم چرا. دوستانم و هنرجوام.

- چرا فکر می‌کنی روی خود شما تأثیر نداشته؟ یعنی یه نفر ممکنه بگه که خب تیپ تو هم تیپ خاص و متفاوتیه و یا عقایدت خب به نظر خیلی جاهل‌هاش شبیه اون چیزیه که بی‌تی‌اس هم تبلیغش رو می‌کنه.

آخه من از قبل از بی‌تی‌اس هم این عقاید رو داشتم و بعد روشن فکر کردم و این جور نبود که هر چی اون می‌گن رو بی‌اختیار تقلید کنم و بعد مثلاً تبیهم شاید متفاوت باشه، اما انتخاب خودم بوده و چیزایی نیست که دقیقاً آرمی‌های بی‌تی‌اس می‌پوشن.

- این که می‌گی این عقاید رو از قبل داشتی ولی خب شما هم از سن پایین با کی‌پاپ آشنا شدی و در ارتباط بودی. یعنی ممکن نیست این تأثیر اون قدر زیرپوستی و به مرور بوده که به چشم شما نیومده باشه؟

خب قطعاً تأثیر پذیرفتم. دروغه اگه بگم نه. ولی فکر نمی‌کنم ناخودآگاه بوده این تأثیر.

- می‌شه درباره جزئیات تغییرات دوستان و هنرجوها تحت تأثیر بی‌تی‌اس بیش‌تر بگی؟

بین مثلاً اکثرشون از خانواده‌های با کلاس و اتوکشیده هستن و پدر و مادرشون خیلی رسمی و باکلاس‌ان. ولی خب خودشون تپاشون همه بی‌تی‌اسیه و از این‌لش‌طورا هستن یا مثلاً مدل آرایش و رنگ مو و همون چیزایی که گفتیم نمی‌خوان از مسایل جنسیتی تبعیت کنن. خانواده‌ها

هم در مقابل‌شون دو مدل واکنش دارن. بعضیا خیلی حمایت می‌کنن و تشویق‌شون می‌کنن و می‌گن چه گروه باحالیه. ولی از اون طرف هم یه سریا احساس می‌کنن که بچه‌شون داره از دست می‌ره و به قول معروف دیگه شدیدترین حالتش داره منحرف می‌شه و همه وقت و انرژی رو می‌ذاره واسه بی‌تی‌اس و همه‌اش توی فن‌پیجا هس و در حال جنگ و دعوا با بقیه.

– چرا به نظرت بعضی از خانواده‌ها با این که گفتی سبک زندگی خودشون متفاوت از چیزیه که بی‌تی‌اس می‌گه، اما از طرفداری بچه‌هاشون استقبال می‌کنن؟

احساس می‌کنم به عقیده بچه‌هاشون احترام می‌ذارن و این که می‌پذیرن که سلیقه‌ها و علایق افراد متفاوت و گوناگون هستن و این که اگر بخوان با بچه‌هاشون مخالفت کنن، جز این که ازشون دور بشن و صمیمیت‌شون کم بشه، نتیجه دیگه‌ای نداره. مثلاً اون بچه هیچ وقت نیامد چون تو باهاش مخالفت کردی، مثلاً بشینه باهاش شجریان گوش بده که. فقط می‌ره مثلاً توی تنهایی خودش و دیگه باهاش چیزی رو سهیم نمی‌شه.

– درباره نگرانی والدین از مشغولیت دایمی بچه‌هاشون با بی‌تی‌اس گفتی، برای خود شما چی این جوری نبوده که یه درگیری عاطفی و خیلی شدید به خاطر بی‌تی‌اس داشته باشی؟ مثلاً وارد بحث با کسانی بشی که هیت می‌دن و باهاشون کلنجار بری و درگیری داشته باشی؟

یه بار یه دوستم داشت آهنگ بی‌تی‌اس رو گوش می‌داد یکی از دوستای دیگه‌ام برگشت و گفت، اینا خیلی چندش ان. اون دوستم که داشت آهنگ بی‌تی‌اس رو گوش می‌داد، خیلی هم انیمه می‌بینه و دوست داره. بعد این یکی که مخالف بود از انیمه هم بد گفت و گفت چیه من بدم میاد و چرته و از این حرفا و برای بچه‌ها هس. بعد من چون دوست ندارم به علایق کسی توهین بشه، با اون وارد بحث شدم و بهش گفتم، چون تو یه چیزی رو دوست نداری، دلیل نمی‌شه مسخره‌اش کنی. مثلاً منم از تلویزی که تو دوست داری، بدم میاد، ولی به خاطر تو بهش توهین نمی‌کنم. بعد گفت، آخه چرا این قدر پیگیر اینا هستی؟ منم گفتم خب چون آهنگای ایرانی همه‌اش از غم می‌گن و مثلاً می‌گن گریه کن، گریه قشنگه. ولی اینا همه‌اش از امید می‌گن. یکی از آهنگاشون می‌گه گریه نکن عزیزم. همه‌اش توی آهنگاشون به آدم انرژی مثبت می‌دن و مثلاً حتی از کلمات انجیل هم شنیدم که توی آهنگاشون استفاده می‌کنن. بعد اون رفیق مون هم قانع شد و دیگه چیزی نگفت.

– چه احساسی داشتی بعد از این بحث و این که تونسته بودی قانع کنی؟

احساس خوب. هم این که از دوستم و علایقش دفاع کرده بودم. هم این که اون علاقه مشترک هم بود. یعنی از علایق خودمم دفاع کرده بودم.

– درباره دوستان خودت چی، آیا مشغول دعوا و درگیری با گروه‌های دیگه و مخالفان هستن؟

اوه، شدید. کلی از وقت‌شون رو دایم توی فن‌پیجا و اینستاگرام دارن زیر پستا با بقیه دعوا می‌کنن.

– تحلیل خودت از این موضوع چیه؟

بین توی کتاب چهار میثاق فکر کنم، میثاق سومشه که می‌گه تصورات غلط نکن. این بچه‌هایی که مثلاً این جوری طرفدار بی‌تی‌اس هستن، احساس می‌کنم خیلی درگیر تصورات خودشون هستن. مثلاً اون‌ها که می‌گه من عاشق آر.ام هستم یه خیالاتی برای خودش از آر.ام ساخته و فکر می‌کنه واقعی هم هستش. بنابراین قشنگ غرق این تصورات شده. بنابراین هر کسی که یه کامنتی بده که این تصوراتش بخواد به هم بریزه، از خودش یه واکنش شدید نشون می‌ده.

– به نظرت این می‌تونه تبعات منفی و آسیب‌هایی هم براشون داشته باشه؟

آره. مثلاً یکی از اعضای اکسو فکر کنم «تائو» بودش یا «کای» که ازدواج کرده بود. من یادمه فناش تا دم خودکشی رفته بودن! یعنی این قدر طرف توی جو قرار می‌گیره. یعنی اونا دیگه خود طرف رو دوست دارن. ولی یکی مثل من سبک آهنگاشون رو دوست داره.





- این به نظر شما خیلی ترسناک نیستش؟

چرا واقعاً. البته واسه همه خواننده‌ها و بازیگرا هستش. مثلاً من درباره لیدی گاگا هم شنیده بودم یا مثلاً یه کلیپی بود واسه گلزار دراومده بود که دخترا واسش گریه می‌کردن و می‌گفتن اگه گلزار نباشه، اصلاً دنیا دیگه معنایی نداره و یا این که اصلاً به این که گلزار نباشه، نمی‌تونستن فکر کنن و گریه می‌کردن! یا یکی بود بهش پیشنهاد ازدواج داده بود. ولی خب این جوریه هستش دیگه. مثلاً خواهر خودم یه بازیگر هندی رو دوست داره به نام ابرام. بعد از تیپ و قیافه و شخصیتش خیلی خوشش میاد و این طوریه که دوست نداره این آدم ازدواج کنه. یعنی می‌گه اگر ازدواج کنه ناراحت می‌شم و حالم گرفته می‌شه. یا احساس شکست می‌کنه. یا یکی از دوستانمون هستش که متأهله، ولی عاشق شاهرخ‌خانه. یعنی تا این حد که یه بار می‌گفتش شوهرم به شاهرخ خان حسودیش می‌شه. بعد من این جوریه بودم که یا ابالفصل. من حس می‌کنم آدما توی جو فیلما قرار می‌گیرن، بعد مثلاً خودشون رو جای پارتتر اون آدم توی فیلم قرار می‌دن و دوست دارن همون محبت و علاقه رو اونا هم می‌داشتن.





حتی من خیلیا رو الان دارم می‌بینم که مثلاً چادری هستن و خانواده‌شون حزب‌اللهی هستش، ولی طرف عاشق بی‌تی‌اسه.

– یعنی به نظرت براش متناقض نیست، چه طور با این تناقض کنار میاد؟

بین به نظرم طرفدارای بی‌تی‌اس دو گروه هستن. یه گروه سبک آهنگاشون رو دوست دارن یا مثلاً عاشق موسیقی یا زبان کره‌ای هستن یا مثلاً تپپاشون و اون جو شادشون رو دوست دارن. یک عده هم به خاطر حرفاشون و عقایدشون و شخصیتشون.

بعد من چون با مترو دایم میرم و میام، توی مترو خیلی‌ها رو می‌بینم که دارن توی گوشی‌شون کنسرتای بی‌تی‌اس رو می‌بینن. مثلاً یکی از دخترا بود، داشت با تلفن حرف می‌زد و به دوستش می‌گفت، اگه من مردم زنگ بزنی به «جی‌هوک» بگی که من عاشقش بودم و براش می‌مردم و تنونستم بهش برسم و من این جور بودم که یا بالفضل به کجا داریم می‌ریم. خیلی برام عجیبه این حجم از تصورسازی. البته من خودمم مثلاً یه جور دیگه یه حسی دارم. مثلاً دو نفر رو دوست دارم که ببینمشون و رفیق فابم بشن. یکی سوگند، یکی هم لیدی گاگا.

– شما چه چیزی درشون می‌بینی که این قدر به دوستی باهاشون علاقه‌مند شدی؟

بین خب هم موسیقی‌شون رو دوست دارم و احساس می‌کنم کلی چیز درباره موسیقی و خوانندگی می‌تونم ازشون یاد بگیرم. هم شخصیتشون رو.

– شخصیتشون مگه چه جوریه؟

احساس می‌کنم آدمای مبارزی ان. بعد جدی ان. قوی هستن. یه جوری فمینیست‌طور که مقتدر هستن. ذلیل نیستن. آدم ازشون انگار قدرت می‌گیره، الهام می‌گیره.

– این که می‌گی بی‌تی‌اس توی آهنگاشون از کلمات انجیل استفاده می‌کنن، چرا برای شما جالبه؟

خب چون می‌گن که دین صلح و محبتیه دیگه. بعد جملاتی که من شنیدم که از انجیل به کار می‌برن، همه‌اش جملات مثبتیه.

– می‌شه چندتا رو که یادت میاد رو بگی؟

مثلاً این که تلافی نکن. جواب بدی رو با بدی نده. به همه محبت کن.

– خوب اگه یه خواننده مسلمان همینا رو بگه و بگه اینا رو از قرآن برداشت کرده، باز هم شما همین واکنش مثبت را خواهی داشت؟

آخه اون فرق می‌کنه. اگه خارجی بودم، فکر کنم همین واکنش مثبت رو داشتم. ولی خب چون توی کشوری بزرگ شدم که دینش اسلام بوده به نظرم شعاره. چون در عمل این اتفاق توی کشور ما نیفتاده. یعنی می‌دونم که همه اینا رو اسلام هم گفته‌ها، ولی چون بهش عمل نشده، دیگه انگار برام قابل باور و پذیرش و احساس تعلق کردن نیست.

– شیدا همون طوری که شما گفتی به مهاجرت به کره علاقه‌مندی. چه چیزی از سبک زندگی این هنرمندا هست که غبطه‌اش رو می‌خوری؟ من کشورشون رو خیلی دوست دارم. عاشق کره شدم از اون موقع که اولین سریال رو ازشون دیدم. بعد مردم‌شون مثل مردم خودمون خیلی خونگرم هستن برعکس اروپا و کانادا و اینا. بعد سبک لباس پوشیدنشون رو خیلی دوست دارم. تمیز بودنشون رو. این که خیلی کشورشون تمیزه و این که همه‌اش در مسیر پیشرفته. به همین خاطر دوست دارم، اونجا زندگی کنم. ولی خب فقط شیوه رفتنم رو دوست ندارم اون جور و از طریق اون آکادمی‌ها و کمپانی‌ها با اون محدودیت‌ها و اون همه وقت گذاشتن باشه. دوست دارم مستقل خودم از طریق موسیقیم برم.

– الان اگه بخوای از طریق موسیقی خودت بری چه جوری باید بری؟

الآن خب مدرک کنسرواتوارم رو بگیرم به مدرک جهانیه و همه جا قبولش دارن. یعنی می‌تونم برم اون ور و چون اونجا قبولش دارن، می‌تونم پیشرفت کنم و بعد اونجا هم کم‌کم پیشرفت کنم و برم سمت کره.

- کلاً طرفداری از بی‌تی‌اس برات جنبه احساسی هم داشته که به نیازی رو برآورده کنه؟  
 آهنگاشون برام خیلی این طوره. یعنی آهنگ غمگین شون می‌تونه واقعاً غمگینم کنه و آهنگای شادشونم می‌تونه واقعی شادم کنه. یعنی واقعاً آدم رو تحت تأثیر قرار می‌ده.

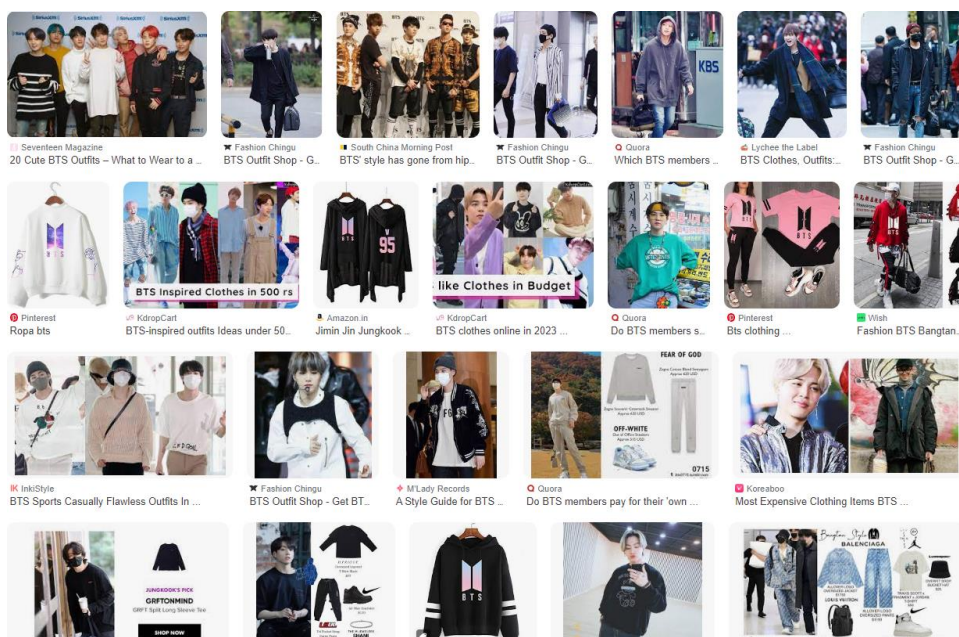


- به نظر شما این علاقه‌مندی به کره و گروه‌هایی مثل اکسو و بی‌تی‌اس روی مسیری که توی زندگی انتخاب کردی مثلاً در زمینه شغلی هم تأثیر داشته؟  
 نه تأثیری نداشته به نظرم.

- یعنی با وجود این که از نه سالگی با اون آشنا شدی باز هم به نظرت تأثیری نداشته؟  
 نه به نظرم. چون من از بچگی کلاً موسیقی رو دوست داشتم و این جوری نبود که اون‌ها رو الگو کرده باشم، بعد برم سمت موسیقی. البته الان واقعاً الگوم هستن، به خاطر این که در برابر همه کسانی که قیافه‌شون رو مسخره می‌کردن و بهشون می‌گفتن چشم بادومی یا این که زبان شون رو مسخره می‌کردن، وایسادن و به بقیه هم گفتن که از سنگ‌های جلوی پاتون نترسید و همه حاشیه‌ها رو بزنید کنار و برید جلو و همه جوره می‌تونید پیشرفت کنید. وقتی خودمم دیدم که خودشون این قدر پیشرفت کردن در عرض چند سال واقعاً شدن الگوم.

- الان به نظر شما میزان طرفداری از بی‌تی‌اس توی ایران چه قدر هست؟  
 بین خیلی باورنکردنی زیاده. همون قضیه مترو رو که گفتم، اصلاً نمی‌شه من روزی با چندین نفر مواجه نشم که طرفدار بی‌تی‌اس نباشن یا مثلاً هنرجو هام. الان درصد خیلی زیادی از کسانی که میان سمت موسیقی به خاطر علاقه‌شون به بی‌تی‌اس هست یا مثلاً موسیقیاشون دایم توی همه کافه‌ها پخش می‌شه. لباس فروشیا پر شده از مدل لباسایی که بی‌تی‌اس می‌پوشن. آرم بی‌تی‌اس روی همه لباسا هستن. اصلاً خیلی زیاده. من مغازه‌ای نمی‌شه که توی تهران و کرج برم و روی لباسا، کیف، کفش، جوراب، آرم بی‌تی‌اس نباشه. بعد وقتی هم درباره‌شون می‌پرسم، می‌گن خیلی فروش بالایی دارن. بعد لباساشونم گنگه. یعنی من اکثر لباسایی که می‌بینم خوشگل و جذاب ان. لباس بدریخت خیلی کمه که با آرم بی‌تی‌اس باشه. موسیقی‌شون رو خیلیا گوش می‌دن. مثلاً من خودم آهنگاشون رو قشنگ توی گوگل مارک کردم و خیلی گوش می‌دم.

- هنرجوهای شما هم لباساشون از همین مدل‌ها هست؟  
 آره. همه‌شون دارن. مثلاً کیفاشون همه آرم بی‌تی‌اس داره. لباساشون یا مدلش مدل بی‌تی‌اسه یا آرم بی‌تی‌اس داره. روی جامدادیاشون هم عکسای اونا چاپ شده.



- درباره هنرجهای شما و ارتباطی که با خانواده‌هاشون داری، آیا خانواده‌ها از این شکایت دارن که بی‌تی‌اس روی تحصیل بچه‌هاشون یا تمرکزشون تأثیر منفی داشته؟

من خودم دارم این رو قشنگ می‌بینم. مثلاً شاگردام داریم دارن کنسرتای اینا رو می‌بینن یا مثلاً اونی که دو سال پیش می‌گفت من عاشق رشته تجربی هستم، الان تحت تأثیر علاقه‌اش به بی‌تی‌اس می‌خواد بره هنر. البته من این رو بد نمی‌دونم. به نظرم بی‌تی‌اس مثل یه نوری می‌مونه که روشن شده و داره راه رو بهشون نشون می‌ده.

- شما اثرگذاری بی‌تی‌اس رو مثبت می‌بینی؟

نه. بستگی داره به نظرم. اگر بخوان عقلانی جلو برن، می‌تونه مثبت باشه. مثلاً به پیشرفت و موفقیتشون توجه کنن. اما از اون طرفا یه سریا فقط به ظاهر و حاشیه‌ها و این چیزا توجه می‌کنن. بعد در نتیجه روی افت تحصیلیشون هم خیلی اثر داشته.

- اون بخش عقلانیش رو کجا می‌بینی؟ چون بعضیا می‌گن بیش‌تر ابعادی از فرد که تحت تأثیر بی‌تی‌اس قرار داره هیجانیه و خب این توی مثال‌های خود شما هم از هنرآموزانت زیاد بود.

همین بخشی که برخلاف گفته رایج که از هنر به جایی نمی‌رسی، وقتی بچه‌ها می‌بینن که بی‌تی‌اس این قدر موفق بودن، انگیزه می‌گیرن که خودشون هم توی این مسیر ادامه بدن. البته فقط نه توی این مسیرا. توی هر مسیر دیگه‌ای هم که انتخاب کردن بچه‌ها انگیزه می‌گیرن که تلاش بیش‌تری کنن و در مجموع به پیشرفتشون کمک می‌کنه.

- خیلی‌ها می‌گن که عامل موفقیت بی‌تی‌اس صرفاً هنر و موسیقیشون نیستش. بلکه یه شبکه بزرگی که حتی خود کمپانی رو هدایت می‌کنه، با تبلیغات گسترده و هزینه‌های هنگفت اون‌ها رو به چهره جهانی تبدیل کرده. به نظر این ادما این که فقط روی استعداد موسیقیشون تمرکز کنی و اون رو عامل موفقیتشون بدونی بازم یه جورایی قلب واقعیت و احساساتی نگاه کردن نیست و نتیجه‌اش این می‌شه که بچه‌ها با انتظارات واهی جلو میرن و وقتی با واقعیت عریان مواجه بشن، بدجوری سرخورده می‌شن.

من بیش‌تر جنبه مثبتش رو می‌بینم و به نظرم این که توی این شرایط ناامیدی، یک منبع امید ان چیز مثبتیه.

- هنرآموزان شما سرگرمی‌های مشترکی با محوریت بی‌تی‌اس دارن؟

یه سریا که مثل قدیم‌ترهای خودم با دوستانم باهم می‌رقصن و تمرین می‌کنن یا مثلاً تیپ‌های شبیه هم می‌زنن و ست می‌کنن. یه چیز جالبی هم که چند وقت پیش شنیدم، این بود که یکی از کنسرتای بی‌تی‌اس توی یه تالار توی تهران به صورت آنلاین و مستقیم پخش شده بود و

این جواری بود که می‌تونستی بلیطش رو بخری و بری. این جواری بود که این اکسوئل<sup>۱</sup>ها جمع شده بودن یک جا رو گرفته بودن و عکسای گروه رو نصب کرده بودن و از طریق این پرده‌های بزرگی که فیلم پخش می‌کنن، کنسرتشون رو پخش کرده بودن و همه طرفدارا اومده بودن. من توی استوری یکی از دوستانم این رو دیدم و خیلی برام جالب بود که توی ایران اجازه‌اش رو داده بودن. بعد اون قدر جیغ می‌زدن و اون قدر حس خوبی داشتن. آهنگاشون رو دور هم خونده بودن و چون تاحالا یه چنین چیزی توی ایران نیفتاده بود خیلی باحال بود. به جز این هم یه جلساتی این طرفدارا باهم دارن که دور هم می‌نشینن و درباره آیدولاشون حرف می‌زنن و تحلیل می‌کنن و اخباراشون رو دنبال می‌کنن. کلاً خیلی پیگیرن.



- خود شما هم همون طور که گفتی، از این دست سرگرمی‌های گروهی با دوستان خودت داشتی نه؟ آره. اون قدیما با دوستانم جمع می‌شدیم. اولین بار یادمه یه آهنگ اکسو رو تمرین می‌کردیم و می‌رقصیدیم و این جواری نبود که فقط سرگرمی باشه. می‌خواستیم فیلم بگیریم و بفرستیم برای کمپانی. بعد خیلی پیگیری می‌کردیم گروهی که چی کار می‌کنن و چه آهنگی می‌خوان بدن بیرون.

- در مورد معیارهای ظاهری و بدنی به نظرت بی‌تی‌اس تأثیری بر روی طرفداراش توی ایران داشته؟ مثلاً این که لاغری برای طرفدارا (مخصوصاً خود شما و هنرآموزان شما) اهمیت پیدا کنه. اگر مثلاً چاق ان احساس شرم کنن و به رژیم‌های غذایی سخت رو بیان؟ به نظرم هر کشوری معیارهای خودش رو داره. مثلاً توی ایران پسری که ریش یا ته‌ریش داشته باشه جذابه یا توی آمریکا قدبلند و چشم رنگی پسرها برای دخترشون خیلی ملاکه. توی کره هم پسر لاغر خیلی مورد توجهه.

- متوجهم چی می‌گی. ولی خب این که این‌ها در سطح جهانی طرفدار دارن، احتمالاً بر روی معیار و سلیقه مخاطبشون اثرگذار هستن و مخاطب چه پسر و چه دختر، به نظرت ممکن نیست با الگوبرداری ازشون این لاغری یه معیار و ایده‌آلی بشه که بخوان بهش برسن؟

<sup>۱</sup>- طرفداران گروه اکسو را اکسوئل می‌نامند. مثل استفاده از کلمه آرمی برای طرفداران بی‌تی‌اس.

من فکر نمی‌کنم. اگر بشه دیگه این از کمبودهای اون فرده که سعی می‌کنه با این کار احساس بهتری نسبت به خودش پیدا کنه. این موضوع به نظرم از قبل بوده. مخصوصاً مدل‌های خارجی<sup>۱</sup> این رو خیلی جانداختن. به همین خاطر من فکر می‌کنم اون قدری که اونا تأثیر داشتن، بی‌تی‌اس نداشته و نداره.

– درباره خود شما چی؟ چنین چیزی برای شما در زندگی مهم بوده؟

خب من که از بچگی لاغر بودم. اتفاقاً استاد زبان خواهرم وقتی من رو دید، بهم گفت تو خیلی به درد کی‌پا پر شدن می‌خوری. قد و وزن و استایل تو رو خیلی اونجا می‌پسندن.

– دقیقاً منظور من هم همینه. همین جوری انگار استانداردها و معیارهای خودشون رو ترویج می‌کنن و تو اگر بخوای مثلاً کارآموز بشی، باید این معیارها رو داشته باشی.

آره خب واقعاً این هستش. مثلاً با این که می‌گن باید موسیقی یا رقص بلد باشی، ولی انگار بیش‌تر ظاهره مهمه برای این کمپانی‌ها. مثلاً همین استاد خواهرم به من گفتش که تو چرا می‌خوای برای موسیقی اقدام کنی؟ برای مدلینگ اقدام کن. گفت نمی‌دونم تو پلک سوم داری! بعد گفتم یعنی چی؟ گفت یعنی چشمات بادومیه، ولی مثل خود اونا یعنی آسیای شرقی‌ها، پشت پلک نداری. می‌گفت الان اونجا خیلیا می‌رن عمل می‌کنن که پشت پلک‌شون رو بردارن چشماشون با وجود بادومی بودن، ولی درشت‌تر به نظر بیاد. می‌گفت این معیارها برای مدلینگ خیلی براشون مهمه.



<sup>۱</sup> – منظور مصاحبه‌شونده مدل‌های غربی است.

- توی ایران جراحی‌های زیبایی‌ای هست که تحت تأثیر بی‌تی‌اس و کی‌پاپ انجام بشه؟  
توی کره خیلی زیاده. اصلاً خیلی شدید. این جوری شده که همه می‌خوان خودشون رو شبیه بازیگرا و خواننده‌هاشون کنن. مخصوصاً عمل فک و بینی و چشم. ولی توی ایران من که ندیدم. اگر هم باشه درصدش خیلی پایینه که تحت تأثیر اینا بوده باشه. مثلاً نمی‌دونم چشمشون رو بخوان بادومی کنن، من یه تعداد خیلی کمی رو دیدم که بخوان این کار رو بکنن، ولی این که واقعاً انجام داده باشن ندیدم. خیلیا هم تو کف پوست کره‌ای‌ها هستن و می‌گن پوستشون خیلی قشنگه، ولی خب اون رو کاری نمی‌شه کرد دیگه.  
- الآن بین شاگردهای شما کسی هست که تحت تأثیر همین معیارها، بابت بدنش احساس خجالت یا شرم داشته باشه؟  
بین شاگردای من هستن کسانی که چاق باشن، ولی تاحالا در این باره که مثلاً بابت این موضوع ناراحت باشن یا در تلاش برای لاغری باشن چیزی به من نگفتن. اتفاقاً بین طرفدارا خیلی می‌بینم که هم‌ه‌اش در حال خوردن هستن. چون غذاهای کره‌ای و اون روش خوردنشون خیلی جذابه، یه ولعی رو هم توی آدم ایجاد می‌کنه.



- بین دوستان و هنرآموزهای تو گرایش‌های جنسی غیردگرجنس‌گرا چه طوریه؟  
خیلی زیاد شده، ولی من حس نمی‌کنم به خاطر بی‌تی‌اس باشه. چون اتفاقاً تمام کسانی که من می‌شناسم و طرفدار بی‌تی‌اس هستن، دخترن و یه دختر دوست داره همون به چشم یه دختر به آیدولش نگاه کنه. می‌دونی چی می‌گم؟ یعنی اونا رو به چشم دوست پسرش می‌بینه.  
- دخترهایی که طرفدار بلک‌پینک هستن، گرایش‌های هم‌جنس‌گرایانه ندارن؟  
نه، من ندیدم که هم‌جنس‌گرا باشن. ولی توی جامعه خیلی می‌بینم که خیلی زیاد شده، بدون این که اینا طرفدار بی‌تی‌اس باشن. ولی کلاً خیلی زیاد شده و برای خودمم سواله که چرا حتی نسبت به دو سال پیش این قدر بیشتر شده!  
- به نظرت یک عاملش رسانه‌ها و فیلم‌ها و سریال‌ها و تمرکز بیشتر بر روی مسایل گروه‌های اقلیت جنسی نیست؟  
چرا. به نظرم هم یه جور باعث جو شده. مثلاً دوستی که من داشتم تا همین چند وقت قبل دوست پسر داشته، الآن یه دفعه می‌گه من هم‌جنس‌گرم یا یکی می‌گه من خودم رو عضو ال‌جی‌بی‌تی یا کوئیر می‌دونم یا یکی دیگه می‌گه اصلاً من خودم رو مذکر یا مؤنث نمی‌دونم. این یه بخشیش به نظرم جو هست. انگار مده. یه چیز تازه هس. اما یه بخش دیگه‌اش هم اینه که خب این تمایل‌ها وجود داشته و الآن چون درباره‌اش آزادتر می‌شه حرف زد، انگار به رسمیت شناخته شده و طرف می‌تونه توی خودش بپذیردش. البته باز سوال برای من هستش که این رسانه‌ها و تبلیغاتی که می‌گی دو سال پیش هم بودش، ولی این قدر این گرایش‌ها مثل الآن زیاد نبود.  
- نظر دوستان و هنرآموزان شما درباره کوئیرها و ال‌جی‌بی‌تی چیه؟  
همون حرف بی‌تی‌اس رو می‌زنن. یعنی بد نمی‌دونن و می‌گن اون چیزی باید باشه که خودت دوست داری.



- خودشون چی، گرایش جنسی خودشون چیه؟  
خیلیاشون هم‌جنس‌گرا هستن. خیلیاشون هم هستن که مثلاً جنس مخالفشون رو دوست دارن.  
- و این گرایش‌های جنسی به نظر تو ارتباطی با طرفداری از بی‌تی‌اس نداشته؟  
نه، من ندیدم کسی به خاطر طرفداری از بی‌تی‌اس مثلاً هم‌جنس‌گرا بشه. اتفاقاً برعکسش رو زیاد دیدم که مثلاً دختری ال‌جی‌بی‌تی بودن، ولی تحت تأثیر طرفداری از بی‌تی‌اس که خب پسرن، از این مسایل گذشتن، یعنی تایپشون کامل عوض شده.  
- بعد این بچه‌ها اهل نوشتن فیکشن و داستان درباره بی‌تی‌اس هم هستن؟  
نه من چیزی ندیدم. فکر میکنم این قبلاً خیلی رایج‌تر بود. یعنی مثلاً اون موقع که من کلاس پنجم و ششم دبستان بودم، خیلی زیاد بودش. الان من ازشون نشنیدم که دنبال این داستانا باشن یا خودشون بنویسن.  
- یکی از سوال‌هایی که بعد از مطالعه مصاحبه اول‌مون به نظرم اومد و ممنون می‌شم که درباره‌اش توضیح بدی، اینکه که شما توی مصاحبه اشاره کردی که طرفداران بی‌تی‌اس جلسات یا دوره‌می‌هایی دارن که درباره گروه و آیدول‌هاشون صحبت می‌کنن. می‌خواستم اطلاعات بیش‌تری درباره‌شون بهم بدی یا از دیگرانی که شرکت کردن بگیرم. این که مثلاً کجاها جمع می‌شن و درباره چه موضوعاتی حرف می‌زنن؟ آیا درباره مسایل دیگه هم در کنار موضوع بی‌تی‌اس حرف می‌زنن؟  
من خودم وقتی با هنرجو هام و دوستانم که علاقه‌مند هستن بهشون می‌شینیم صحبت می‌کنیم، درباره همین موضوعات هست که مثلاً نظرشون درباره ایران و ایرانیان چیه. تو این جلسات همیشه در مورد بی‌تی‌اس صحبت نمی‌شه. مثلاً درباره اتفاقات روز کشور هم حرف می‌زنیم. ولی درباره خود بی‌تی‌اس تو این جلسه‌ها خیلی هم در موردشون بحث می‌کنن یا حتی به دعوا می‌کشن و به عده غیرت خیلی خاصی روشن دارن و تمام حرکتای اونا رو الگوبردای می‌کنن حتی مدل نشستن یا راه رفتن. هر چیزی که فکرش رو کنی.



- درباره نظرشون راجع به ایران و ایرانیا گفتی که حرف می‌زنید؟ آیا اعضای بی‌تی‌اس نظر خاصی رو هم در این زمینه اعلام کردن؟  
مثلاً در مورد حجاب زنان ایرانی خیلی واکنش خوبی نشون دادن و خیلی احترام می‌ذارن و اونا رو هرچوری که هستن دوست دارن. پیامشون در مورد صلح و عشقه. مخالف جنگ هستن و درباره ایران خیلی تحقیق می‌کنن. یکی از اعضای گروه درباره غذا، یکی دیگه کتاب شاهنامه،



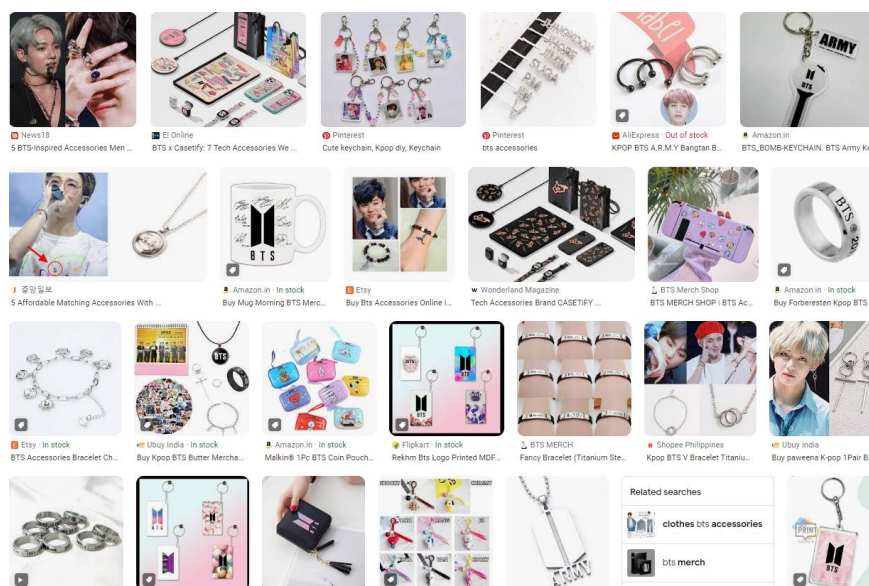
کتاب‌های پزشکی ابوعلی سینا و غیره رو مطالعه کرده. یکی دیگه از اعضای گروه هم گفته خیلی دوست داره بره خیابان تهران تو سئول. دقیقاً مثل ما که تو تهران یه خیابون سئول داریم، اونا هم مشابهش رو دارن.

- به نظرت بی‌تی‌اس از لحاظ سیاسی و نظر شما درباره سیاست هم روتون تأثیری داشته؟

بی‌تی‌اس درباره سیاست در مورد ایران تا اون جایی که من می‌دونم زیاد دخالتی نداشته، مثلاً گفتم درباره حجاب اصلاً نیومدن بگن که حجاب بده و گفتن که ما احترام می‌ذاریم به پوشش ایرانیا و مسلمونا و البته همه آدمای دنیا و حرف‌شون اینه که هر کی هر جوری که هست قابل احترامه. اما درباره سیاست خب وقتی بی‌تی‌اس رو دنبال می‌کنی می‌بینی که خب توی یه کشوری که دموکراسی و آزادی داره، می‌شه مثلاً ما هم گروهی مثل بی‌تی‌اس داشته باشیم. بنابراین من خودم طرفدار یه حکومت دموکراسی هستم، ولی خود بی‌تی‌اس تاحالا فکر نکنم باعث شده باشن به خاطر این گروه نظر طرفدارا نسبت به حکومت ایران تغییر کنه.

- درباره اثرات اقتصادی بی‌تی‌اس روی زندگی دوستان و هنرجوهای شما چی؟ مثلاً آیا بابت این علاقه‌مندی هزینه خاصی می‌کنن یا از اون طرف درآمدزایی بابت فن‌پیج‌ها و این جور چیزها دارن؟

خب لباساشون همه‌اش لباسای گنگ بی‌تی‌اسه. یه وسایل‌شون مثل مثلاً لوازم تحریر و کیف و جامدادی. یا بعضیا مثلاً تتو می‌زنن، حالا به کره‌ای یا به انگلیسی درباره بی‌تی‌اس. از نظر هزینه مثلاً یکی از دوستای خودم کلی هزینه کرده بود که فقط یه امضاء براش بگیرن بیارن یا چیزایی که اصلاً فکرشم نمی‌کنی. از نظر درآمدزایی هم خب چیزایی که طرفدارا خیلی بهشون علاقه‌مندن رو کسای هستن که درست می‌کنن و می‌فروشن، مثل دستبندهایی که می‌اندازن یا گوشواره یا عینک و ساعت و خیلی چیزای دیگه یا کسایی که عکسای متفاوتی از این گروه دارن و چاپ می‌کنن رو لباس و می‌فروشن که خیلیا هم پیگیر این چیزا هستن.



- قبلاً گفتم که شعرها و لیریک‌های بعضی از آهنگ‌های بی‌تی‌اس توشون از آیات انجیل استفاده شده. می‌تونن مثالی که دقیقاً این ارجاع به انجیل توش باشه برام پیدا کنی؟

تو آهنگاشون از آیه‌های انجیل استفاده می‌شه به خصوص یک آهنگی هم خوندن الان اسمش رو یادم نیست. می‌گردم بهت می‌گم<sup>۱</sup>.

۱- پژوهشگر با مرور صفحات وب انگلیسی نتوانست به نتیجه‌ای در این زمینه دست پیدا کند. اما نکته‌ای که در حاشیه این جست‌وجو متوجه شد، این بود که کتاب‌هایی با عنوان انجیل بی‌تی‌اس BTS Bible وجود دارد که به شرح و تبلیغ و اشاعه عقاید و اصول بی‌تی‌اس می‌پردازند و حتی در قالب کتاب انگلیسی در دیجی‌کالا (در کنار سایر اقلام مرتبط با بی‌تی‌اس) و سایر وبسایت‌های ایرانی هم به فروش می‌رسد:

<https://www.digikala.com/product/dkp-6261242/%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8-the-unofficial-bts-bible-%D8%A7%D8%AB%D8%B1-dianne-pineda-kim-%D9%86%D8%B4%D8%B1-triumph-books/>

- یک جایی از مصاحبه گفتی که بعد از خبر ازدواج یکی از اعضای گروه اکسو، چند نفر از طرفدارهاش خودکشی کردند یا تا پای خودکشی رفتن. درباره این موضوع خبر رسمی‌ای وجود داره؟ یا اگر از دوستان و آشناهای خودت کسی این طوری بوده، اطلاعات بیش‌تری درباره‌اش داری؟

خارجیا رو شنیده بودم که چند نفر خودکشی کردن. اما خب توی دوستان و آشناهای خودمم، خب خیلیا ناراحت بودن، ولی دیگه تا این حدها نبود. اما یه دختره رو یادمه چند ماه پیش توی تهران که به خاطر این که مامان باباش با تصمیمش به مهاجرت به کره مخالفت کرده بودن، خودکشی کرده بود.

- تو می‌شناختیش؟

نه. من فقط خبرش رو از دوستانم بود یا هنرآموزهام شنیدم. البته نجاتش دادن و خدا رو شکر فوت نکرد. ولی قرص خورده بوده و بعد رسوندنش بیمارستان به موقع.

## تأملی دوباره

شیدای ۲۰ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مباحثی حول محورهای کمپانی هایب (مؤسس گروه بی‌تی‌اس)، گروه پسران بی‌تی‌اس و هواداران گروه بی‌تی‌اس اشاره داشته است.

شیدا در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد کمپانی هایب، به مواردی مانند: تلاش برای اعطای هویت برده‌وار کمپانی به ستاره‌های احتمالی آینده و گزینش افراد مطیع‌تر در این میان توسط کمپانی، تحت فشار قرار دادن هنرآموزان توسط کمپانی، تهدید هنرآموزان به لغو قرارداد و پرداخت جریمه در صورت مخالفت با سیاست‌های کمپانی، گیر افتادن ستاره‌ها در دام کمپانی‌ها به دلیل عدم استطاعت مالی برای پرداخت جریمه و لغو قرارداد، ایجاد هویت برده و رباتیک توسط کمپانی در ستاره‌ها، باور به سناریوی جنگ اعضای بی‌تی‌اس با کمپانی برای توجیه تعارض شعارها و رفتارهای ستاره‌ها، نمایش رفتارهای هنجارشکن جهت جذب مخاطب بیش‌تر و رواج جنسیت‌زدایی از پوشش در جامعه ایران، اشاره داشته است.

شیدای ۲۰ ساله، در مصاحبه خود در توصیف فراز و فرودهای گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: تأثیرپذیری احساسی از موسیقی و موزیک‌ویدیوهای بی‌تی‌اس، نقش تعیین‌کننده طرفداری از بی‌تی‌اس در مدگرایی نوجوانان، تأثیرگذاری بی‌تی‌اس بر مد و پوشاک و افزایش فروش لباس‌های مرتبط با بی‌تی‌اس، رواج جنسیت‌زدایی از پوشش در جامعه ایران، نمایش رفتارهای هنجارشکن به عنوان عاملی در جهت جذب مخاطب، تبلیغ غیررسمی حکومت سکولار و دموکراتیک برای طرفداران، تلاش برای اعطای هویت برده‌وار کمپانی به ستاره‌های احتمالی آینده و گزینش افراد مطیع‌تر و باور به سناریوی جنگ اعضای بی‌تی‌اس با کمپانی برای توجیه تعارض شعار و رفتار ستاره‌ها، اشاره داشته است. شیدا در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد هواداران گروه بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: اقبال بیش‌تر به گروه به سبب ضعف موسیقی داخلی، بهم ریختگی اوضاع جامعه ایران عاملی برای اقبال به بی‌تی‌اس، ممنوعیت‌های داخل ایران عاملی برای گرایش بیش‌تر به سمت گروه‌های هنجارشکن، شروع آشنایی با کی‌پاپ از کودکی، تلاش در جهت ارضای هیجانی هواداران، خطای شناختی تعمیم مفرط، عدم اهمیت به عقلانیت و منطق حتی در تصمیم‌گیری‌های سرنوشت‌ساز، استفاده از جلوه‌های ویژه تصویری برای جذب مخاطب بیش‌تر، اذعان اعضای گروه به تعداد زیاد طرفداران ایرانی، وابستگی عاطفی شدید طرفداران به ستاره‌ها، اثرپذیری از گروه و وقوع تحولات ارزشی در هواداران، الگوپردازی گسترده طرفداران از بی‌تی‌اس در همه ابعاد، الگوگیری از بی‌تی‌اس به عنوان نماد پیشرفت و موفقیت، گره زدن هویت خویش به گروه بی‌تی‌اس، ایجاد هویت گروهی بر مبنای طرفداری از بی‌تی‌اس و علائق مشترک، تقبل هزینه‌های مختلف اقتصادی برای طرفداری از بی‌تی‌اس، قرار گرفتن در نوعی از مقابله با هنجارهای فرهنگی - اجتماعی جامعه تحت تأثیر طرفداری از بی‌تی‌اس، تأثیر روی تغذیه هوادارها، جهت‌دهی به علائق تحصیلی هواداران، طرفداری از بی‌تی‌اس و مشغولیت دایمی با آن عامل افت تحصیلی، نقش تعیین‌کننده طرفداری از بی‌تی‌اس در مدگرایی نوجوانان، تأثیرگذاری بی‌تی‌اس بر مد و پوشاک و افزایش فروش لباس‌های مرتبط با بی‌تی‌اس، رونق کسب و کارها و فروش کالاهای مرتبط با بی‌تی‌اس، تأثیر طرفداری از بی‌تی‌اس بر تغییر گرایش جنسی دختران هم‌جنس‌گرا، شکل‌گیری عشق خیالی و یک‌طرفه به ستاره، تشکیل گروه و بحث درباره بی‌تی‌اس و مسایل دیگر، نوعی از گذران اوقات فراغت، رواج داستان‌خوانی با محوریت اعضای بی‌تی‌اس، نمایش رفتارهای هنجارشکن عاملی برای جذب مخاطب، رواج جنسیت‌زدایی از پوشش در جامعه ایران، انکار تأثیرپذیری از بی‌تی‌اس،

تلاش برای توجیه مسایل و نقدهای وارد بر بی‌تی‌اس، تمایل به ساختن تصویری خیالی از جنگ و مقاومت اعضای گروه بی‌تی‌اس در برابر کمپانی و حکومت، خودفریبی هواداران در مواجهه با تناقض‌گویی‌های کمپانی و گروه، نگرانی والدین از تأثیرات مخرب بی‌تی‌اس بر فرزندان، مخالفت خانواده‌ها با علاقه و تصمیم به مهاجرت فرزندان، اقدام به خودکشی در برابر مخالفت خانواده با تصمیم مهاجرت، اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه شیدای ۲۰ ساله، با ارجاع محورهای اقدام‌های کمپانی و اثرات کاربری از گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران، توجه خویش را به مباحث وی در زمینه اثرگذاری گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران آن متمرکز سازیم، می‌توان بیان داشت، شیدا در مصاحبه خودش از اثرهای روانی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، اخلاقی- عقیدتی، اقتصادی- سیاسی، هنری، زیباشناختی و خانوادگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس یاد کرده است.

شیدا در توصیف «اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: تلاش در جهت ارضای هیجانی هواداران، خطای شناختی تعمیم مفرط، عدم اهمیت به عقلانیت و منطق در شورآفرینی‌های بی‌تی‌اس، تعطیل نسبی تفکر در تلاطم هیجان‌آفرینی‌های بی‌تی‌اس، استفاده از جلوه‌های ویژه تصویری برای جذب مخاطب بیش‌تر، وابستگی عاطفی شدید طرفداران به ستاره‌ها، خودفریبی هواداران در مواجهه با تناقض‌گویی‌های کمپانی و گروه، تأثیر طرفداری از بی‌تی‌اس بر تغییر گرایش جنسی دختران هم‌جنس‌گرا، شکل‌گیری عشق خیالی و یک‌طرفه به ستاره و اقدام به خودکشی در برابر مخالفت خانواده به تصمیم مهاجرت، یاد کرده است.

شیدا در توصیف «اثرهای اجتماعی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: الگوبرداری گسترده طرفداران از بی‌تی‌اس در همه ابعاد، الگوگیری رفتاری از بی‌تی‌اس (به عنوان نماد پیشرفت و موفقیت)، گره زدن هویت خویش به گروه بی‌تی‌اس، ایجاد هویت گروهی بر مبنای طرفداری از بی‌تی‌اس و علائق مشترک، قرار گرفتن در نوعی از مقابله با هنجارهای فرهنگی- اجتماعی جامعه تحت تأثیر طرفداری از بی‌تی‌اس، به نمایش کشیدن رفتارهای هنجارشکن، تشکیل گروه و بحث درباره بی‌تی‌اس، نمایش رفتارهای هنجارشکن عاملی برای جذب مخاطب و تلاش برای توجیه مسایل و نقدهای وارد بر بی‌تی‌اس، یاد کرده است.

مصاحبه شونده در توصیف «اثرهای فرهنگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: بهم ریختگی اوضاع جامعه ایران عاملی برای اقبال به بی‌تی‌اس، شروع آشنایی با کی‌پاپ از کودکی، اقبال بیش‌تر به گروه به سبب ضعف موسیقی داخلی، تأثیر روی تغذیه هوادارها، نوعی از گذران اوقات فراغت و رواج داستان خوانی با محوریت اعضای بی‌تی‌اس، سخن گفته است.

شیدا در توصیف «اثرهای آموزشی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: جهت‌دهی به علائق تحصیلی هواداران، طرفداری از بی‌تی‌اس و مشغولیت دائمی با آن عامل افت تحصیلی، سخن گفته است.

شیدا در توصیف «اثرهای اخلاقی- عقیدتی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: اثرپذیری از گروه و وقوع تحولات ارزشی در هواداران، رواج جنسیت‌زدایی از پوشش در جامعه ایران و نگاه مثبت به رابطه‌های غیردوگنس‌گرایان، یاد کرده است.

مصاحبه شونده در توصیف «اثرهای اقتصادی- سیاسی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: هزینه کردن برای طرفداری از بی‌تی‌اس، رونق کسب و کارها و فروش کالاهای مرتبط با بی‌تی‌اس، تمایل به ساختن تصویری خیالی از جنگ و مقاومت اعضای گروه بی‌تی‌اس در برابر کمپانی و حکومت، سخن گفته است.

مصاحبه شونده در توصیف «اثرهای زیباشناختی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: نقش تعیین‌کننده طرفداری از بی‌تی‌اس در مدگرایی نوجوانان و تأثیرگذاری بی‌تی‌اس بر مد و پوشاک، سخن گفته است.

شیدا در توصیف «اثرهای خانوادگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس» از موارد: نگرانی برخی از والدین از تأثیرهای مخرب بی‌تی‌اس بر فرزندان، مخالفت خانواده‌ها با علاقه و تصمیم به مهاجرت فرزندان، سخن گفته است.

از بیانات اخیر شیدای ۲۰ ساله، در جمع‌بندی کلی کتاب، در موارد مورد اشاره، بهره جسته خواهد شد.